



مؤسسه راهبردهای
بازنشستگی صبا

آراء وحدت رویه دیوان عدالت اداری

| بهروز طیرانی |

پیوست اول کتاب یک قرن صندوق بازنشستگی کشوری



مؤسسه راهبردهای
بازنشستگی صبا

به نام آنکه جان را فکرت آموخت



مؤسسه راهبردهای
بازنشستگی صبا

آراء وحدت رویه دیوان عدالت اداری

پیوست کتاب
«سیر تحولات قانونی
صندوق بازنشستگی کشوری
از ۱۳۰۱ به بعد»

گردآوری و تنظیم:
بهرز طیرانی

به سفارش:

مؤسسه راهبردهای بازنشستگی صبا
«نهاد پژوهشی صندوق بازنشستگی کشوری»

۱۴۰۰

آراء وحدت رویه دیوان عدالت اداری

پیوست کتاب

«سیر تحولات قانونی صندوق بازنشستگی کشوری از ۱۳۰۱ به بعد»

گردآوری و تنظیم: بهروز طبرانی

طرح جلد و صفحه آرایی: احمد صدیقی

چاپ: اول - ۱۴۰۰

تمامی حقوق برای مؤسسه راهبردهای بازنشستگی صبا محفوظ است.

فهرست

- رأی شماره ۱۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در رابطه با شرط سن برای بازنشستگی کارکنان وزارت معادن و فلزات..... ۱۷
- دادنامه ۳۶ در مورد ابطال بخشنامه شماره ۹/۱۲۵۰ مورخ ۶۴/۵/۳۱ سازمان امور اداری در مورد بازنشستگی با استفاده از ارفاق..... ۱۸
- رفع تعارض آراء در رابطه با فسخ حکم بازنشستگی و اعاده به خدمت..... ۲۰
- تعارض آراء صادره از شعب تعیین حقوق وظیفه وراثت مستخدمین بازنشسته متوفی در رابطه با پرداخت کسور بازنشستگی ایام خدمت غیررسمی..... ۲۲
- رفع تعارض آراء در خصوص عدم پرداخت حقوق بازنشستگی..... ۲۴
- رأی در مورد ارفاق سنوات خدمت بازنشستگی بر اساس آیین نامه استخدامی شرکت بیمه ایران..... ۲۶
- رأی در مورد سنوات ارفاقی بازنشستگی در شهرداری..... ۲۸
- رأی در مورد استفاده از مرخصی استحقاقی ذخیره شده قبل از بازنشستگی..... ۳۰
- رأی در مورد سنوات ارفاقی بازنشستگی مستخدمین بانکها..... ۳۲
- ابطال بند ۳ بخشنامه ۴۹۱۹۴ مورخ ۵۹/۱۲/۲ نخست وزیر در خصوص پرداخت حقوق بازنشستگی، وظیفه و مستمری به شخص بازنشسته، وظیفه یا مستمری بگیر..... ۳۴
- منتفی بودن شکایت راجع به ابطال تبصره ماده (۸) آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده نقل و انتقال بیمه یا بازنشستگی..... ۳۶
- رأی در مورد عدم ارفاق سنوات بازنشستگی..... ۳۷
- رأی در مورد ابطال بند ۳ بخشنامه شماره ۴۹۱۹۴، مورخ ۵۹/۱۲/۲ نخست وزیر در مورد نحوه دریافت حقوق بازنشستگی..... ۳۹
- رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری در مورد افزایش حقوق بازنشستگی آتش نشانان..... ۴۱

- رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری در مورد ابطال دستورالعمل شماره ۴۹۶۶/۱ مورخ ۶۲/۷/۳ سازمان تأمین اجتماعی، در مورد بازنشستگی پیش از موعد..... ۴۳
- رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در مورد مصوبه شماره ۹۷۲۱۶ مورخ ۶۲/۱۲/۱۵ هیئت وزیران، در مورد بازنشستگی با استفاده از ارفاق..... ۴۵
- رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در مورد منع بازنشستگی کارکنان بانکها با استفاده از سنوات ارفاقی..... ۴۷
- رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در مورد چهار ماه مرخصی قبل از بازنشستگی..... ۴۹
- رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در مورد بازنشستگی پیش از موعد مشمولین تأمین اجتماعی با سنوات خدمت..... ۵۱
- رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری در مورد بازنشستگی کارکنان به استناد تبصره ۱ ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری..... ۵۳
- رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری در مورد انتقال کسور بازنشستگی..... ۵۵
- رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری در مورد مدت پرداخت کسور بازنشستگی..... ۵۷
- رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری در مورد خدمت پرداخت کسور بازنشستگی..... ۵۹
- رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری در مورد نحوه محاسبه حقوق بازنشستگی کارکنان صداوسیما..... ۶۱
- رأی دیوان عدالت اداری در رابطه با سازمان بیمه و بازنشستگی ارتش..... ۶۳
- تعارض آراء صادره از شعب در خصوص منتفی شدن انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی در صورت دریافت کسورات بازنشستگی و حق بیمه..... ۶۵
- رأی وحدت رویه در خصوص انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی..... ۶۷
- رأی دیوان عدالت اداری در خصوص انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی..... ۶۹
- رأی دیوان عدالت اداری در خصوص پرداخت سه برابر فوق العاده شغل معلمان در صورت انصراف از بازنشستگی..... ۷۱
- رأی دیوان عدالت اداری در خصوص امور بازنشستگی شرکت ملی فولاد ایران رأی وحدت رویه در خصوص قابلیت نقل و انتقال کسور بازنشستگی مستخدمین محکوم به انفصال دائم، اخراج یا بازخریدی..... ۷۶
- رأی دیوان عدالت اداری در خصوص لزوم هماهنگی حقوق بازنشستگی و وظیفه..... ۷۸
- رأی دیوان عدالت اداری در خصوص قابلیت نقل و انتقال کسور بازنشستگی..... ۸۰
- رأی دیوان عدالت اداری در خصوص تعارض آراء در مورد برقراری حقوق بازنشستگی برابر قانون تأمین اجتماعی..... ۸۲
- ابطال بند ۲۵ بخشنامه شماره ۲۳ مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی در خصوص برخورداری از بازنشستگی بانوان منوط به اشتغال آنان در مشاغل مشمول قانون کار به مدت بیست سال تمام..... ۸۴

- ابطال بخشنامه معاون اداری و مالی دادگستری در خصوص مقید مشروط نمودن پرداخت پاداش خدمت به تقاضای بازنشستگی در محدوده زمانی خاص ۸۶
- ابطال ماده ۱۰ آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی ۸۸
- رأی دیوان عدالت اداری در مورد ابطال مفاد ماده ۱۰ آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی ۹۲
- رأی دیوان عدالت اداری در مورد ابطال بخشنامه معاون اداری و مالی دادگستری در خصوص مقید و مشروط نمودن زمان بازنشستگی ۹۶
- رأی شماره ۱۷۴-۱۳۷۹/۵/۱۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در مورد احتساب فوق العاده سختی شرایط کار حقوق بازنشستگی کارکنان شرکت دخانیات ایران ۹۸
- رأی وحدت رویه در خصوص عدم الزام به کسر و واریز کسور بیمه بازنشستگی در مورد مستخدمان قراردادی ۱۰۱
- رأی شماره ۲۸۸-۱۳۷۹/۱۰/۱۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در مورد کسورات بیمه بازنشستگی مدت خدمت به شرح دادنامه شماره ۱۰۶۰ مورخ ۱۳۷۸/۷/۸ ۱۰۳
- رأی وحدت رویه در خصوص عدم افزایش سنوات ارفاقی به مدت خدمت متقاضیان بازنشستگی ۱۰۵
- رأی وحدت رویه در خصوص احتساب مدت تحصیلات دانشگاهی از لحاظ بازنشستگی جزو سال های خدمت نظامیان و عدم تعمیم آن به افراد غیر نظامی ۱۰۷
- رأی وحدت رویه در خصوص استفاده از مرخصی استحقاقی ذخیره شده هنگام بازنشستگی حداکثر به مدت چهار ماه ۱۰۹
- ابطال بند یک ماده ۱۴۶ و ماده ۱۴۷ از مقررات پرسنل وظیفه سپاه پاسداران در خصوص کسر ۱۰ درصد از دریافتی سرباز وظیفه به عنوان کسور بازنشستگی و همچنین کسر اولین حقوق ماهانه و مابه التفاوت افزایش های بعدی آن ۱۱۱
- رأی شماره ۲۴۶-۱۳۸۰/۸/۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص حقوق و مزایای ایام مرخصی ذخیره شده زمان قبل از بازنشستگی ۱۱۳
- رأی وحدت رویه در خصوص دریافت پاداش پایان خدمت به میزان یک ماه آخرین حقوق و فوق العاده شغل به ازای هر دو سال خدمت ۱۱۵
- رأی وحدت رویه در خصوص انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی از یک صندوق به صندوق دیگر، در صورت عدم دریافت و بقاء وجوه مزبور در صندوق بازنشستگی ۱۱۷
- ابطال بخشنامه شماره ۲۱۰/۶۵۶۴۳ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۱۳ سازمان بازنشستگی کشوری ۱۱۹
- ابطال عبارت «جزئاً یا» از ماده ۸ اصلاحی آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، مصوب ۱۳۶۸/۵/۲۸ هیئت وزیران ۱۲۰

- الزام سازمان بازنشستگی کشوری به اجرای رأی شماره ۴۲۱ الی ۴۴۰ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۲۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری..... ۱۲۲
- ابطال بخشنامه مدیر اداره کل بازنشستگی استان تهران در خصوص برداشت از افزایش حقوق و فوق العاده شغل ماه اول بازنشستگان و موظفین..... ۱۲۳
- الزام شهرداری ایلام و سازمان بازنشستگی ایلام به رعایت مفاد ماده ۸۵ قانون استخدام شهرداری‌ها و ابطال بخشنامه سازمان بازنشستگی..... ۱۲۵
- ابطال بخشنامه شماره ۵۲۳۱/۱ مورخ ۸۲/۲/۶ سازمان بازنشستگی کشوری..... ۱۲۶
- رأی وحدت رویه در خصوص عدم جواز افزایش حقوق بازنشستگی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، که قبل از سال ۱۳۷۴ بازنشسته شده‌اند، بر مبنای ضرایب جداول حقوقی سنوات بعد از بازنشستگی..... ۱۲۸
- ابطال قسمت اخیر تصویب‌نامه مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۲۶ هیئت وزیران و قسمتی از بخشنامه شماره ۳۵ مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی در خصوص افزایش مستمری‌های بازنشستگی، از کارافتادگی کلی و مجموع مستمری بازمانگان به نسبت ماه‌های برقراری مستمری..... ۱۳۰
- رأی وحدت رویه در خصوص برخورداری مستخدمینی که با سنوات ارفاقی بازنشسته شده‌اند، از ترمیم حقوق بازنشستگی از تاریخ ۱۳۸۱/۱/۱..... ۱۳۳
- اجرای ماده ۱۱ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری یا برگشت به حالت اولیه قبل از تغییر وضعیت صندوق بازنشستگی..... ۱۳۶
- ابطال بند یک دستورالعمل مورخ ۱۳۸۱/۳/۲۹ سازمان بازنشستگی کشوری در خصوص عدم شمول افزایش حقوق بازنشستگی بازنشستگان قبل از سال ۱۳۷۹ به کسانی که با ارفاق سنوات خدمت بازنشسته شده‌اند..... ۱۳۷
- ابطال تصمیم اعضای کمیته تأدیه مطالبات صندوق بازنشستگی کارکنان نفت و بخشنامه شماره ۲۳۷/۱۲۸۱-۲۲۱۷۰ مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۵ وزیر نفت در خصوص واگذاری سهام شرکت‌های مذکور در مصوبه به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت..... ۱۳۹
- الزام سازمان تأمین اجتماعی به پذیرش سوابق بازنشستگی از ۱۳۶۱/۱۱/۶ لغایت ۱۳۶۴/۳/۲۳ و ابطال بخشنامه سازمان در مورد درخواست مابه‌التفاوت..... ۱۴۱
- ابطال ماده ۸ آیین‌نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب هیئت وزیران..... ۱۴۲
- ابطال ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۰۵۲۴/ت/۲۶۷ هـ مورخ ۱۳۶۹/۷/۱۸ هیئت وزیران و ۲- ابطال تصمیم شورای امور اداری و استخدامی کشور مذکور در نامه شماره ۱۸۰۵/۳۸۷۴۹ مورخ ۱۳۸۳/۳/۱۳..... ۱۴۳

- ابطال بخشنامه سازمان تأمین اجتماعی در مورد وصول حق سرانه به جای حق درمان از مستمری بازنشستگی ۱۴۵
- ابطال آیین نامه بیمه بازنشستگی سردفتران و دفتریاران اسناد رسمی ۱۴۶
- ابطال بند یک بخشنامه شماره ۳۶۵۰/۱ مورخ ۱۳۸۰/۱/۲۹ سازمان بازنشستگی کشوری ۱۴۷
- ابطال بخشنامه شماره ۲۳۷۰۲ مورخ ۱۳۸۲/۶/۹ سازمان بازنشستگی کشوری و بخشنامه ۷۱۰/۱۰۱ آموزش و پرورش ۱۵۰
- ابطال ماده ۴ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری، مصوب ۱۳۶۹/۷/۱۸ هیئت وزیران و ابطال نامه شماره ۱۸۰۵/۲۸۰۴۸ مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۷ دبیر شورای امور اداری و استخدامی کشور ۱۵۱
- ابطال ماده ۱۰ آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه و بازنشستگی ۱۵۳
- ابطال بند یک دستورالعمل نحوه اجرای قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۳ مجلس شورای اسلامی ۱۵۴
- ابطال آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی موضوع تصویب نامه ۵۲۳۷۳/ت ۱۵۶۴۹ هـ- ۷۷/۸/۱۱ هیئت وزیران ۱۵۵
- اعتراض به بازنشستگی پیش از موعد تغییر و اصلاح قانون بازنشستگی قبل از موعد ۱۵۷
- ابطال قسمت اخیر مواد ۶ و ۱۶ و ماده ۱۷ آیین نامه اصلاحی بیمه و بازنشستگی سردفتران و دفتریاران اسناد رسمی، مصوب ۱۳۸۱/۸/۱۲ ۱۵۸
- ابطال ماده ۸ اصلاحی آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی ۱۶۱
- ابطال بند ۳ الحاقیه مقررات باز خریدی - بازنشستگی مشمول بند (ب) مصوبه شماره ۱۳۳۳ مورخ ۸۱/۳/۲۱ شرکت ملی نفت ایران ۱۶۲
- ابطال ماده ۲ و ۳ و تبصره‌های یک، ۲ و ۳ ماده ۳ از آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه و بازنشستگی ۱۶۳
- ابطال بخشنامه مربوط به طرح بازنشستگی و باز خریدی ۱۶۶
- لغو دستورالعمل شماره ۱۵ ۵۰ مورخ ۷۹/۱/۷ سازمان تأمین اجتماعی در مورد تأخیر ده ساله در ایام بازنشستگی ۱۶۸
- ابطال ماده ۱۲، قسمتی از ماده ۶، شق ۲ بند الف و بند ب ماده یک آیین نامه بیمه و بازنشستگی سردفتران و دفتریاران اسناد رسمی مصوب ۱۳۸۱ ۱۶۹
- ابطال بند ۴ دستورالعمل نحوه اجرای قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان، مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۳ ۱۷۱
- رأی شماره ۱۱۳۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص بازنشستگی پیش از موعد ۱۷۳

- رأی شماره ۱۴۷۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص حقوق بازنشستگی..... ۱۷۵
- ابطال ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین سخت و زیان آور مصوب هیئت وزیران به شماره ۲۲۶۸۶ ت ۳۳۷۵۰ هـ مورخ ۱۳۸۵/۳/۶..... ۱۷۹
- رأی شماره ۱۲۵۱ و ۱۲۵۲ و ۱۲۵۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص انتقال از صندوق تأمین اجتماعی به صندوق بازنشستگی کشوری، به استناد تبصره اصلاحی ماده ۲۳ مقررات استخدای شرکت های دولتی مصوب ۱۳۵۸/۳/۱۷ شورای انقلاب..... ۱۸۱
- برقراری مستمری بازنشستگی رأی شماره ۲۳۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص برقراری مستمری بازنشستگی..... ۱۸۴
- رأی شماره ۳۱۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور..... ۱۸۶
- رأی شماره ۴۳۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ازدیاد حقوق بازنشستگی مطابق سنوات خدمت شماره هـ/۸۱/۸۷..... ۱۸۸
- تقاضای ابطال اساسنامه جدید سازمان های تأمین اجتماعی بازنشستگی کشوری و خدمات درمانی، موضوع تصویب نامه های شماره ۱۴۷۴۴۸ ت/۳۷۳۰۹ هـ مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۲ و ۸۴۷۴۲۷ ت/۳۷۲۹۶ مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۲ و ۱۴۷۴۱۶ ت/۳۸۸۳۳ هـ مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۳ هیئت وزیران..... ۱۹۰
- رأی شماره ۷۸۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص اینکه بازنشستگی نافی حقوق مکتسبه کارمند در زمان اشتغال نمی باشد..... ۱۹۵
- رأی شماره ۸۷۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص اشتغال افراد بعد از بازنشستگی یا بازخریدی در شرکت مخابرات (در زمان دولتی بودن شرکت مذکور) ممنوع بوده و احتساب سنوات خدمتی آنان و جاهد قانونی ندارد..... ۱۹۷
- رأی شماره ۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص فوق العاده جذب کارکنان غیر هیئت علمی که به تصویب هیئت امنای دانشگاه شهید بهشتی و تأیید وزیر علوم، تحقیقات و فناوری رسیده، به عنوان مزایای مستمر تلقی و مشمول کسر کسورات بازنشستگی قرار می گیرد و در حقوق بازنشستگی لحاظ می شود..... ۱۹۹
- رأی شماره ۹۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص احراز شرایط و استحقاق بیمه شده جهت بازنشستگی پیش از موعد در کارهای سخت و زیان آور می بایست رسماً از سوی سازمان تأمین اجتماعی ابلاغ شود..... ۲۰۱
- رأی شماره ۲۱۶- ۲۱۷- ۲۱۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص حقوق بازنشستگی و وظیفه اعضای هیئت علمی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی می بایست بر مبنای میانگین تمامی حقوق و مزایای مشمول کسور بازنشستگی در دو سال آخر خدمت با اعمال آخرین ضریب حقوق سال بازنشستگی محاسبه و تعیین گردد..... ۲۰۴

- رأی شماره ۲۲۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع بازنشستگی عادی افراد مانع از بهره‌مندی آنان از حقوق مکتسب و استفاده از مزایای مشاغل سخت و زیان‌آور نخواهد بود. ۲۰۹
- رأی شماره‌های ۵۱۱-۵۱۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع لزوم احتساب مدت خدمت تمام‌وقت در وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها از لحاظ تعیین پایه و بازنشستگی و حقوق وظیفه به‌عنوان سابقه خدمت دولتی. ۲۱۱
- رأی شماره ۱۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع سلب برخی از حقوق استخدامی به لحاظ عدم تقاضای بازخریدی و بازنشستگی در مهلت تعیین‌شده خلاف قانون می‌باشد. ۲۱۳
- رأی شماره ۱۰۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع دریافت حقوق بازنشستگی یا وظیفه و سهمیه مستمری از دو صندوق بالامانع است. ۲۱۵
- رأی شماره ۳۱۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع لزوم لحاظ کردن سنوات ارفاقی در حکم بازنشستگی مشمولین ماده ۸۵ آیین‌نامه استخدامی خاص شهرداری تهران مصوب ۱۳۸۵. ۲۱۷
- رأی شماره‌های ۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع هرگونه تغییر در مفاد حکم بازنشستگی مستخدم منوط به طرح دعوا به طرفیت سازمان متبوع مستخدم شاکی و سازمان بازنشستگی کشوری به‌صورت توأمان می‌باشد. ۲۲۱
- رأی شماره ۴۰۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع الزام به اصلاح احکام بازنشستگی با لحاظ فوق‌العاده جذب صادرشده برای کارکنان شرکت برق منطقه‌ای گیلان. ۲۲۵
- رأی شماره ۵۸۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع عدم امکان شمول قانون مدیریت خدمات کشوری بر اعضای هیئت‌علمی در صدور احکام بازنشستگی. ۲۲۸
- رأی شماره ۲۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع، لغو حکم بازنشستگی بدون تقاضا و تمایل به بازنشستگی قبل از پایان خدمت. ۲۳۱
- رأی شماره ۳۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع صدور حکم بازنشستگی برای کارکنان شهرداری بعد از تصویب قانون استخدام کشوری و مطابق ماده ۸۵ آیین‌نامه استخدامی شهرداری‌ها مصوب ۱۳۵۸ و برخورداری از سنوات ارفاقی و جاهت قانونی ندارد. ۲۳۳
- رأی شماره ۵۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع لزوم احتساب مدت خدمت تمام‌وقت در وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها از لحاظ تعیین پایه و بازنشستگی و حقوق وظیفه به‌عنوان سابقه خدمت دولتی. ۲۳۶
- رأی شماره‌های ۲۰۰-۱۹۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع در صورت ایجاد هرگونه تغییر ریالی در احکام بازنشستگان، طرف قراردادان سازمان بازنشستگی یا صندوق بازنشستگی، علاوه بر سازمان متبوع الزامی است. ۲۳۸

- رأی شماره ۵۱۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع ابطال بند ۵ بخشنامه شماره ۵۲ مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی که بازنشستگی اشخاص را با لحاظ بند ۳ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه به رعایت حداقل شرط سنی مندرج در تبصره‌های ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مقید کرده است..... ۲۴۱
- رأی شماره ۶۷۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع ابطال بند یک از قسمت الف و بند ۱۱ از قسمت ب در بخشنامه شماره ۵۱۸۶-م ۴۰/۴۱-۱۳۸۷/۴/۹ معاونت نیروی انسانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مبنی بر داشتن حداقل ۲۵ سال سابقه خدمت جهت بازنشستگی جانبازان با استفاده از سنوات ارفاقی..... ۲۴۴
- رأی شماره ۶۷۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع تعیین مستمری بازنشستگی ناشی از قانون بازنشستگی پیش از موعد با لحاظ دو سال آخر سنوات واقعی خدمت مستخدم..... ۲۴۶
- رأی شماره ۸۴۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع بازنشستگی پیش از موعد کارکنان واجد شرایط به داشتن پروانه بهره‌برداری واحدهای صنعتی و تولیدی در زمان تصویب قانون موکول نشده است..... ۲۵۱
- رأی شماره‌های ۹۵-۹۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع نحوه صدور حکم و برقراری مستمری بازنشستگی بر مبنای زمان اشتغال..... ۲۵۳
- رأی شماره ۱۴۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع محدود و مقید کردن بازنشستگی بیمه‌شده از جمله کارکنان سازمان تأمین اجتماعی به داشتن سابقه ۲۰ سال خدمت در سازمان مذکور خلاف قانون می‌باشد..... ۲۵۵
- رأی شماره‌های ۲۶۱ الی ۲۶۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع مدت خدمت ارفاقی فقط در احتساب حقوق بازنشستگی مؤثر و در تعیین حقوق بازنشستگی آخرین حقوق قبل از بازنشستگی مبنای محاسبه است..... ۲۶۰
- رأی شماره‌های ۴۵۷-۴۵۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع اصلاح تاریخ بازنشستگی پس از صدور حکم بازنشستگی..... ۲۶۴
- رأی شماره ۷۰۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع خصوصی‌شدن شرکت مخابرات پس از موافقت با بازنشستگی پیش از موعد کارکنان آن مانع از حقوق مکاتب اشخاص در بازنشستگی ناشی از قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶ نمی‌باشد..... ۲۶۷
- رأی شماره ۱۰۲۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع اعمال قانون بازنشستگی پیش از موعد در مورد کارکنان رسمی سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران..... ۲۷۱
- رأی شماره‌های ۸۰۰-۷۸۸-۷۸۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع بازنشستگی پیش از موعد به لحاظ اشتغال در مشاغل سخت و زیان‌آور..... ۲۷۴
- رأی شماره ۱۵۰۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع برقراری حکم بازنشستگی مستخدمان رسمی دولت بر اساس سنوات خدمت..... ۲۷۷
- رأی شماره ۱۹۰۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع نحوه صدور حکم بازنشستگی کارکنان غیرهیئت‌علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی..... ۲۸۰

- رأی شماره ۲۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع ابطال شق الف بند ۳ بخشنامه شماره ۲۵/۲۰/۴۱۴۱-۱۳۸۵/۱۲/۱۴ معاونت بازنشستگی سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح ۲۸۶
- سیصد و دوازدهمین مصوبه هیئت واگذاری در خصوص واگذاری سهام یا منابع حاصل از فروش شرکت‌ها به صندوق حمایت و بازنشستگی کارکنان فولاد ۲۹۰
- رأی شماره ۳۴۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص بازنشستگی که بر اساس قانون بازنشستگی پیش از موعد دولت مصوب سال ۱۳۸۶ بازنشسته شده‌اند ۲۹۲
- رأی شماره ۷۲۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع ابطال بخشنامه شماره ۱۹۷۲/د/۲۱۰ مورخ ۳/۵/۱۳۹۴ صندوق بازنشستگی کشوری ۲۹۵
- رأی شماره ۳۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع در صورت بازنشستگی جانبازان مطابق قانون مدیریت خدمات کشوری، امکان برقراری مستمری بر مبنای ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب سال ۱۳۶۷ و بر مبنای آخرین حقوق قبل از بازنشستگی موجه نیست ۳۰۰
- رأی شماره‌های ۴۶۸-۴۶۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع ابطال بندهای ۱، ۲ و ۳ از بخشنامه شماره ۹۳۸۶/ص/۲۶۶ مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۲ سازمان بازنشستگی کشوری در خصوص پرداخت حق اشعه ۳۰۳
- رأی شماره ۶۲۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع ابطال تصویب‌نامه در خصوص پرداخت تفاوت تطبیق حقوق ثابت و فوق‌العاده‌های مشمول کسور بازنشستگی کارمندان رسمی و پیمانی مأمور در دستگاه اجرایی (مقصد) به شماره ۳۱۶۳۹/ت/۴۷۸۸۲ هـ مورخ ۱۳۹۱/۲/۲۰ هیئت وزیران ۳۰۹
- رأی شماره‌های ۶۹۵ الی ۶۹۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع تعارض در آراء شعب دیوان در خصوص نحوه برقراری مستمری بازنشستگی ناشی از اشتغال کارمندان دولت در مشاغل سخت و زیان آور و تأیید آراء شعب ۱۲ و ۱۶ دیوان عدالت اداری ۳۱۲
- رأی شماره ۷۴۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع ابطال تبصره ۱ بنده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب سال ۱۳۶۸ ۳۱۶
- رأی شماره ۸۶۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع تعارض در آراء شعب ۲۱ و ۲۲ دیوان عدالت اداری و تأیید رأی شعبه ۲۲ در خصوص شرایط اشتراک در صندوق بازنشستگی پس از بازخریدی ۳۱۹
- رأی شماره ۹۲۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع تعارض در آراء شعب ۱ و ۱۷ دیوان عدالت اداری و تأیید رأی شعبه اول دیوان در خصوص بازنشستگی پیش از موعد کارکنان واحدهای صنعتی و تولیدی موضوع ماده ۱۰ تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور ۳۲۲
- رأی شماره ۹۳۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع بازنشستگی بر اساس ماده ۵۸ قانون استخدام وزارت اطلاعات موجب عدم اعمال نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۶۷ می‌باشد ۳۲۶

- رأی شماره‌های ۱۲۶۴ و ۱۳۱۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع الزام دولت به پرداخت هزینه جابه‌جایی صندوق بازنشستگی با واگذاری شرکت مخابرات به بخش غیردولتی..... ۳۲۹
- رأی شماره‌های ۳۱۷ الی ۳۱۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع تعارض در آراء شعب دیوان عدالت اداری در خصوص شرایط احتساب و پرداخت فوق‌العاده جذب کارکنان غیرهیئت‌علمی در برقراری حقوق بازنشستگی و پاداش پایان خدمت و ذخیره مرخصی کارکنان سازمان غذا و دارو..... ۳۳۵
- رأی شماره ۹۴۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع ملاک پرداخت مابه‌التفاوت پاداش پایان خدمت کارکنان سازمان تأمین اجتماعی مشمول قانون تأمین اجتماعی، آخرین حقوق و مزایای مستمر مشمول کسور بازنشستگی است..... ۳۳۹
- رأی شماره ۱۰۲۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع ابطال اساسنامه صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت ۱۳۹۳/۰۹/۲۵ مصوب ۱۳۹۸/۵/۲۲ - شماره ۱۷۶۳-۹۷۰-۱۳۹۸/۹/۱۳..... ۳۴۲
- رأی شماره ۲۷۶۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع اعلام تعارض در آراء صادرشده از شعب دیوان عدالت اداری (در خصوص ذخیره مرخصی اعضای هیئت‌علمی که زمان بازنشستگی آن‌ها قبل از تصویب آیین‌نامه جدید استخدامی اعضای هیئت‌علمی در سال ۱۳۹۱ بوده است)..... ۳۶۰
- آراء دیوان عدالت اداری با موضوع اعلام تعارض در آراء صادرشده از شعب دیوان عدالت اداری در مورد الزام به احتساب فوق‌العاده جذب در حقوق بازنشستگی و پاداش پایان خدمت..... ۳۶۴

آراء وحدت رویه دیوان عدالت اداری

پیوست کتاب
«سیر تحولات قانونی
صندوق بازنشستگی کشوری
از ۱۳۰۱ به بعد»

رأی شماره ۱۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در رابطه با شرط سن

برای بازنشستگی کارکنان وزارت معادن و فلزات (صفحه ۴۲۰)

روزنامه رسمی شماره ۱۱۸۴۳-۱۳۶۴/۸/۴- شماره هـ ۳۴/۶۲-۱۳۶۴/۷/۷

تاریخ ۶۴/۴/۱۹- شماره دادنامه: ۱۴- کلاسه پرونده: ۳۴/۶۲

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: مطروحه- تعیین شرط سن ۴۵ سالگی در آیین نامه نحوه بازنشسته کردن و باز خرید خدمت کارکنان مازاد بر احتیاج سازمان ها و شرکتها و مؤسسات تابعه وزارت معادن و فلزات، بر اساس مصوبه ۱۳۵۹/۴/۱۴ شورای انقلاب اسلامی ایران
جریان امر:

در تعقیب شکایت آقای محمدحسن شریعت پناهی، کارمند سابق شرکت ملی فولاد ایران، علیه وزارت معادن و فلزات به سازمان بازرسی کل کشور و ستاد پیگیری فرمان ۸ ماده امام و دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور به موجب نامه ۶۱/۱۱/۲۳-۳-۳/۴۰۰/۱۲۱/۲۰/۱۳۶۴/۴/۱۴ اعلام می نماید که تعیین شرط سنی ۴۵ سالگی در آیین نامه مزبور، تجاوز از حدود قانون و مغایر اصل یکصدوسی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی است. با وصول گزارش مذکور و اعلام مراتب به وزارت معادن و فلزات و اخذ پاسخ به شرح لایحه ۳۰/۳۱۳ مورخ ۱۳۶۳/۲/۱۳ و یک سلسله اقدامات دیگر، جلسه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق، به ریاست حجت الاسلام حاج آقا شیخ محمدعلی فیض، قائم مقام محترم ریاست کل دیوان و با شرکت آقایان رؤسا و متصدیان شعب دیوان، تشکیل گردید. پس از بررسی موضوع و بحث و تبادل نظر و تشخیص کفایت مذاکرات و اعلام پایان رسیدگی به اتفاق آراء به شرح زیر انشای رأی می نماید.

رأی وحدت رویه

نظر به این که طبق تبصره ماده ۴ قانون تأسیس وزارت معادن و فلزات مقرر گردیده که کارکنان زائد بر احتیاج، بر طبق مصوبه ۱۳۵۹/۴/۱۴ شورای انقلاب اسلامی، بازنشسته یا باز خرید شوند و در این مصوبه برای بازنشسته یا باز خرید نمودن، هیچ گونه شرط سنی ملحوظ نگردیده است، تعیین شرط سن ۴۵ سالگی در آیین نامه اجرایی قانون مذکور مغایر با قانون و تجاوز از حدود آیین نامه نویسی تشخیص داده می شود. فلذا به استناد اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به تجویز ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری، حکم به ابطال این قسمت از آیین نامه مورد بحث صادر می شود. این رأی قطعی و لازم الاجرا است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

دادنامه ۳۶ در مورد ابطال بخشنامه شماره ۹/۱۲۵۰ مورخ ۶۴/۵/۳۱ سازمان امور اداری

در مورد بازنشستگی با استفاده از ارفاق (صفحه ۵۹۴)

بخشنامه شماره ۹/۱۲۵۰ - مورخ ۱۳۶۴/۵/۳۱

سازمان امور اداری در مورد بازنشستگی با استفاده از ارفاق (صفحه ۵۹۴)

روزنامه رسمی شماره ۱۱۹۳۶-۱۱/۲۷-۱۳۶۴ - شماره هـ- ۴۵/۶۴ - ۱۳۶۴/۱۱/۱۰

تاریخ رسیدگی ۶۴/۱۰/۹ - پرونده کلاسه‌ها: ۴۵/۶۴ - شماره دادنامه: ۳۶

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع بخشنامه شماره ۹/۱۲۵۰ - مورخ ۶۴/۵/۳۱ سازمان امور استخدامی کشور

آقای خسرو معتضدی، کارمند دولت، ضمن مشروح مورخ ۶۴/۷/۱۱، در ارتباط با بخشنامه مذکور که پیرو بخشنامه شماره ۱۶۶۹۶ مورخ ۶۲/۳/۵ نخست‌وزیری، درباره خودداری از اجرای تبصره ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری، به لحاظ مشکلات ناشی از تأمین بار مالی مربوط به ارفاق سنوات پیش‌بینی شده در تبصره ماده ۷۴ صادر شده، مبنی بر این که در مواردی که مشمولین این تبصره مایل به بازنشستگی بدون دریافت مابه‌التفاوت حقوق بازنشستگی متعلق به سنوات خدمت ارفاقی مندرج در تبصره مذکور باشند، وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی بنیاد به درخواست کتبی مستخدم که ضمن آن از دریافت مابه‌التفاوت مزبور برای دائم اعلام انصراف نموده‌اند، نسبت به بازنشسته‌نمودن وی اقدام نمایند، اعتراض نموده و در اعتراض خود چنین توضیح داده که بعد از انقلاب اسلامی، کارمندان دولت بیش از هر قشر دیگری تحت فشار مالی قرار گرفته و نه تنها دریافتی این طبقه افزایش نیافته، بلکه به‌علت وضع مقررات جدید از دریافت مزایای قبلی نیز محروم شده‌اند و تورم، قدرت خرید ایشان را کاهش داده؛ تا آنجا که برای رفع نیازمندی‌های روزمره خود دچار مشکلات اساسی هستند و با اجرای لایحه قانونی نحوه بازخرید و بازنشسته کردن کارمندان مازاد بر احتیاج دولت مصوب ۵۹/۴/۱۴ شورای انقلاب، عده‌ای از کارمندان دولت که در آن تاریخ بیش از پانزده سال سابقه خدمت داشتند، با استفاده از مزایای قانون مزبور، با ده سال ارفاق سنوات خدمت، بازنشسته شدند. در صورتی که کارمندانی که موفق به استفاده از قانون مذکور نشده‌اند، به استناد بخشنامه سازمان استخدام کشوری، در صورت انصراف از دریافت مابه‌التفاوت ناشی از ارفاق سنوات خدمت، می‌توانند بر اساس سنوات خدمت بازنشسته شوند. این ساقط کردن حق قانونی کارمندان در شرایطی است که دولت هر ماهه ۸.۵ درصد از مجموع حقوق و مزایای کارکنان خود را برای بازنشستگی کسر می‌نماید. بدون این که مزایایی که طی سال‌ها از آن کسور بازنشستگی برداشته، هنگام بازنشستگی بپردازد (گرچه این حرف هم درست نیست).

جلسه هیئت عمومی

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به ترتیب مقرر در ماده ۲۰ قانون دیوان با حضور رؤسای شعب تشکیل و پس از بحث و تبادل نظر و مشاوره، ختم رسیدگی را اعلام و با اکثریت آراء به شرح آتی، انشای رأی می‌نماید.

رأی وحدت رویه

گرچه قبول تقاضای بازنشستگی قبل از موعد مقرر در قانون برای وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی الزامی نیست، ولی به صراحت تبصره اصلاحی ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی، موضوع بند ماده ۲ قانون مذکور، می‌توانند مستخدمین رسمی مشمول قانون استخدام کشوری خود را که حداقل بیست سال سابقه خدمت دارند، رأساً بازنشسته نمایند. در این صورت طبق قسمت اخیر تبصره مزبور، الزاماً باید به سابقه خدمت این قبیل مستخدمین حداکثر ده سال افزوده و حقوق بازنشستگی آنان بر مبنای آخرین حقوق دریافتی، به مدت سی روز محاسبه و پرداخت گردد. نظر به این که بخشنامه شماره ۹/۱۲۵۰ مورخ ۶۴/۵/۳۱ سازمان امور اداری و استخدامی کشور اعمال اختیار بازنشسته کردن مستخدمین رسمی را به استناد آن تبصره مشروط به درخواست کتبی مستخدم و اعلام انصراف وی نسبت به دریافت مابه‌التفاوت حقوق بازنشستگی، ناشی از سنوات خدمت ارفاقی و به عبارت دیگر، محدود به پرداخت حقوق بازنشستگی به مدت سنوات خدمت نموده است، از حدود وظایف قوه مجریه خارج شده، علی‌هذا بخشنامه مزبور در این مورد ابطال می‌گردد.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

رفع تعارض آراء در رابطه با فسخ حکم بازنشستگی و اعاده به خدمت (صفحه ۷۴۸)

روزنامه رسمی شماره ۱۳۶۶/۹/۴-۱۳۴۵۲

شماره: ۱۴۱ هـ ۷۲/۶۵-۱۳۶۶/۷/۱۵- تاریخ رسیدگی: ۱۳۶۶/۶/۲۶

کلاس پرونده: هـ ۷۲/۶۵- شماره دادنامه: ۱۹

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: رسیدگی به اعلام تعارض صادره آراء از شعب نهم و ششم دیوان

مقدمه:

- ۱- در پرونده کلاس ۱۵۹۳/۶۱/۹ شعبه نهم دیوان شاکي، آقای حجت... کرجی بانی، به طرفیت وزارت آموزش و پرورش به خواسته فسخ حکم بازنشستگی و اعاده به خدمت و پرداخت ضرر و زیان مادی و معنوی، شکایت نموده که شعبه به شرح دادنامه شماره ۴۷۹ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۷، چنین رأی صادر کرده است: چون وزارت آموزش و پرورش به استفاده از اختیار قانونی مندرج در تبصره ۲ الحاقی به ماده ۷۴ لایحه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱، شاکي را بازنشسته کرده است و از این حیث تخلفی از مقررات مشهود نیست، به رد شکایت اظهار نظر می شود.
- ۲- شعبه ششم دیوان در مورد دعوی مطروحه به طرفیت آموزش و پرورش ناحیه سوم به خواسته ناحق بودن حکم بازنشستگی در پرونده کلاس ۱۲۳۸/۶۲/۶ به شرح دادنامه شماره ۶۱۶ مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۲۵، چنین رأی داده است: با توجه به محتویات پرونده، نظر به این که بازنشستگی مورد شکایت در زمانی صدور یافته که قانون پاکسازی سابق حاکم بوده و چون حکم فوق الذکر از ناحیه هیئت های پاکسازی صادر نگردیده، فاقد وجهت و اعتبار قانونی است. فلذا به ابطال حکم بازنشستگی مورد شکایت و طرح قضیه در هیئت های رسیدگی به تخلفات اداری جهت رسیدگی صادر و اعلام می گردد.

جلسه هیئت عمومی

با اعلام تعارض آراء فوق الذکر از طرف مدیر کل امور اداری وزارت آموزش و پرورش طی نامه شماره ۱۹۵۱۶/۵ ب.ن- ۱۳۶۵/۱۰/۱۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، در تاریخ ۱۳۶۶/۶/۱۶، به ریاست حجت الاسلام حاج شیخ محمدعلی فیض و با شرکت رؤسای شعب تشکیل شد و پس از بررسی آراء مذکور و سوابق امر و تبادل نظر و مشاوره و اعلام ختم رسیدگی، به اتفاق آراء، اقدام به صدور رأی می نماید.

رأی وحدت رویه

علاوه بر این که لایحه قانون پاکسازی مصوب ۱۳۵۸/۶/۷، با توجه به تاریخ تصویب آن، نمی تواند ناسخ لایحه قانونی راجع به الحاق یک تبصره به ماده ۷۴ قانون استخدامی کشوری، مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱ تلقی شود، اصولاً اعطاء اختیار به وزارت آموزش و پرورش مبنی بر بازنشسته کردن مستخدمین آن وزارتخانه در موارد مقتضی مستند به حکم قانون خاص

بوده و نتیجتاً اعمال تبصره ۲ الحاقی به ماده ۷۴ مذکور در مدت نفوذ و اعتبار قانونی آن مغایرتی با قوانین پاکسازی ندارد و دادنامه شماره ۴۷۹-۱۳۶۳/۱۲/۷-شعبه نهم دیوان عدالت اداری که بر این مبنا صادر گردیده است، موافق اصول و موازین قانونی می باشد. این رأی به موجب قسمت اخیر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری در موارد مشابه، برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط، لازم‌الاتباع است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، محمدعلی فیض

تعارض آراء صادره از شعب تعیین حقوق وظیفه وراثت مستخدمین بازنشسته متوفی در رابطه با پرداخت کسور بازنشستگی ایام خدمت غیر رسمی

مصوب ۱۳۶۶/۸/۱۴

تاریخ: ۶۶/۸/۱۴- شماره دادنامه: ۳۸- کلاسه پرونده: هـ ۱۲/۶۶

شاکي: مدیرکل کارگزینی وزارت راه و ترابری

موضوع: اعلام تعارض آراء صادره از شعب چهارم و نهم دیوان در خصوص اصلاح حقوق وظیفه مقدمه و گردش کار:

۱- شعبه چهارم کلاسه پرونده ۲۹۲/۶۳ و ۹۵/۶۵ شکایت آقای محمدرضا حسن زاده و بانو هاجر دهنوی (وراث مرحوم عباس حسن زاده) به طرفیت راه آهن دولتی به خواسته اصلاح حقوق وظیفه مرحوم عباس حسن زاده به شرح دادنامه شماره ۷۵۵ و ۷۵۶ مورخ ۶۵/۹/۲۹ چنین رأی داده است: (طبق ماده ۸۵ قانون استخدام کشوری آن قسمت از سوابق خدمت دولتی مستخدم رسمی که کسور بازنشستگی مربوط به آن به صندوق بازنشستگی پرداخت نشده باشد، از لحاظ بازنشستگی و وظیفه، با پرداخت کسور مقرر جزو سابقه خدمت وی محسوب می گردد و در صورت فوت مستخدم، پرداخت کسور بازنشستگی مدت مزبور، از طرف ورثه مشمول دریافت حقوق وظیفه منع قانونی نداشته و سنوات خدمت غیررسمی مستخدم متوفی جزو مدت خدمت رسمی وی و تعیین حقوق وظیفه ورثه مشمول دریافت حقوق وظیفه بر اساس آن خالی از اشکال تشخیص می شود.)

۲- شعبه نهم در کلاسه پرونده ۵۵۳/۶۳ شکایت خانم صدیقه شیردر به طرفیت سازمان بازنشستگی راه آهن به خواسته ترمیم حقوق همسر متوفی است، به شرح دادنامه شماره ۵۵۰-۶۵/۱۲/۵ چنین رأی داده است: (ملاک و مأخذ تعیین حقوق وظیفه وراثت مستخدمین بازنشسته متوفی حقوق بازنشستگی دریافتی او می باشد. نظر به اینکه مورث شاکي در زمان حیات، نسبت به پرداخت کسور بازنشستگی ایام خدمت غیررسمی خود موضوع تبصره ۲ ماده ۸۵ لایحه قانونی استخدام کشوری مصوب ۵۱/۱۲/۲۴ اقدام یا تعهدی نکرده و به نحوه احتساب حقوق بازنشستگی به لحاظ سوابق خدمت غیررسمی به اخذ یک چهارم موافقت داشته است، بنابراین شکایت موجه نیست و رد می شود.) با اعلام تعارض آراء از طرف مدیرکل کارگزینی راه آهن طی نامه شماره ۲۷/۱۰۴۵۷-۶۶/۱/۲۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به تاریخ ۶۶/۶/۲۳ به ریاست حجت الاسلام حاج شیخ محمدعلی فیض و با شرکت رؤسای شعب تشکیل و پس از بحث و بررسی و ملاحظه و سوابق و مدارک با اکثریت آراء به شرح زیر انشاء رأی می نماید.

رأی دیوان

نظر به اینکه مفاد تبصره ۲ ماده ۸۵ لایحه قانونی استخدام کشوری مصوب ۵۱/۱۲/۲۴ اعمال تبصره فوق، دائر به پرداخت کسور و عدم آن جزء اختیارات مستخدم می باشد و چون مستخدم (مورث شاکي) در زمان حیات نسبت به پرداخت کسور

بازنشستگی موضوع تبصره ۲ ماده فوق‌الذکر اقدام یا تعهدی نکرده و از طرفی ملاک و مأخذ تعیین حقوق وظیفه وراث مستخدمین بازنشسته متوفی حقوق بازنشستگی دریافتی او می‌باشد، فلذا احتساب حقوق وظیفه وراث بر اساس تبصره یک ماده ۸۵ قانون استخدام کشوری صحیح و دادنامه شماره ۵۵۰-۵/۱۲/۶۵-شعبه ۹ دیوان عدالت اداری که متضمن مراتب فوق‌الذکر می‌باشد منطبق با اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود این رأی وفق ماده ۲۰ برای شعب دیوان و سایر مراجع در موارد مشابه لازم‌الاتباع می‌باشد.

رفع تعارض آراء در خصوص عدم پرداخت حقوق بازنشستگی (صفحه ۹۴۶)

روزنامه رسمی شماره ۱۲۵۳۱-۱۲/۸-۶۶- شماره هـ ۷۴/۶۶ و ۱۰/۶۶- ۱۳۶۶/۱۱/۳ و ۶۶/۱۰

شماره دادنامه ۵۹-۶۰- تاریخ ۱۳۶۶/۹/۳۰- پرونده کلاسه هـ ۷۴/۶۶

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: اعلام تعارض آراء صادره از شعب سوم و چهاردهم دیوان

مقدمه:

آقای احسان... حقیقی، به طرفیت وزارت کشور به خواسته رسیدگی به عدم پرداخت حقوق بازنشستگی ایام انفصال به شرح دادنامه ۸۷۱-۱۲/۹-۱۳۶۵/۱۲/۹ چنین انشاء رأی نموده:

۱- «چون صدور حکم شماره ۱۰۲۵/۱۵ مورخ ۱۳۶۲/۹/۲۳ هیئت تجدیدنظر بازسازی نیروی انسانی، مبنی بر تبدیل حکم انفصال دائم شاکي، مورخ ۱۳۵۸/۲/۱۸، صادره از ناحیه هیئت پاکسازی وزارت کشور، به بازنشستگی با سنوات خدمت برائت نامبرده تلقی نمی گردد تا مشمول تبصره ۲ ماده ۵۶ قانون بازسازی و مستحق دریافت حقوق مدت انفصال مشارالیه از خدمت باشد. لذا خواسته وی وجهه و موقعیت قانونی ندارد و به رد شکایت اظهار نظر می شود.

۲- در پرونده ۸۱۰/۶۶ شعبه چهاردهم دیوان، نسبت به شکایت خانم شیرین یغموری به طرفیت وزارت کشور به خواسته مطالبه حقوق ایام پاکسازی طی دادنامه ۱۳۶۴/۱/۲۸، چنین رأی داده است:

«نظر به این که مشارالیه به حکم شماره ۸۴-۱۱/۱۶-۱۳۶۲/۱۱/۱۶ هیئت تجدیدنظر، بازسازی با فسخ رأی هیئت پاکسازی مبنی بر اخراج وی به تغییر محل خدمت، به مدت پنج سال، محکوم گردیده و به دستور ماده ۴۸ قانون بازسازی تصمیم قطعی هیئت های بدوی و تجدیدنظر از تاریخ صدور، قابل اجرا خواهد بود و ظاهراً حکم آماده به خدمت هم در مهلت قانونی صادر نگردیده و دفاع مدیرکل کارگزینی به شرح نامه ۱۲۸۳م ۶۳۵-۱۲/۲۳-۱۳۶۳، به این که در فاصله دو رأی و حقوقی به مستخدم تعلق نمی گیرد، مبنای قانونی نداشته، شکایت وارده تشخیص و رأی به استحقاق شاکیه، به دریافت حقوق معوقه از تاریخ صدور حکم پاکسازی، لغایت زمان صدور حکم هیئت تجدیدنظر، مورخ ۱۳۶۲/۱۱/۱۶، صادر می گردد.

جلسه هیئت عمومی

با اعلام تعارض آراء از جانب آقای احسان... حقیقی و وزارت کشور نسبت به آراء صادره هیئت عمومی به تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام حاج شیخ محمدعلی فیض و با شرکت رؤسای شعب تشکیل و پس از بحث و بررسی و ملاحظه سوابق به اکثریت آراء، معارض تشخیص و با اعلام ختم رسیدگی به اکثریت آراء به شرح زیر، مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی وحدت رویه

با توجه به تبصره ۲ ماده ۶۵ قانون بازسازی که اعطاء حقوق تضییع شده را منوط به تبرئه شاکی می‌داند، نظر به این که در مورد تعارض دو رأی شاکیان تبرئه نگردیده و محکومیت پیدا نکرده‌اند، رأی شعبه سوم با اکثریت آراء مطابق قانون تشخیص می‌گردد و این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ ماده دیوان برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

رأی در مورد ارفاق سنوات خدمت بازنشستگی
بر اساس آیین نامه استخدامی شرکت بیمه ایران (صفحه ۲۹۲)
روزنامه رسمی شماره ۱۲۶۱۰-۱۳۶۷/۳/۲۴- شماره هـ ۶۰/۶۶- ۱۳۶۷/۲/۲۴

تاریخ ۱۳۶۶/۱۲/۹- کلاسه پرونده: ۶۰/۶۶- شماره دادنامه: ۱۰/۶۶

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۱۱ و ۱۵ دیوان عدالت اداری، در خصوص ارفاق سنوات خدمت بازنشستگی بر اساس آیین نامه استخدامی شرکت بیمه ایران
مقدمه:

۱- شعبه ۱۱ دیوان عدالت اداری، در کلاسه پرونده ۷۵۵/۶۶ نسبت به شکایت آقای حیدر هدایت خوزانی به طرفیت شرکت سهامی بیمه ایران به خواسته بازگشت به کار یا ده سال کمک ارفاقی به بازنشسته، طی دادنامه شماره ۶۲۵ مورخ ۱۳۶۵/۹/۱۱، چنین انشاء رأی نموده است: «با توجه به این که شاکي به استناد ماده ۲۴ آیین نامه استخدامی شرکت سهامی بیمه ایران به علت مورد احتیاج نبودن و داشتن بیش از ۱۵ سال سابقه بازنشسته شده است، تخلفی از مقررات و ضوابط قانونی در اقدامات سازمان طرف شکایت مشاهده نمی شود.»

۲- در خصوص شکایت خانم روشنک صارم پور به طرفیت شرکت سهامی بیمه ایران به خواسته الغاء ابلاغ بازنشستگی و اعاده به خدمت شعبه ۱۵ دیوان در کلاسه پرونده ۶۶۴/۶۳، طی دادنامه ۶۲ مورخ ۱۳۶۴/۳/۵، چنین انشاء رأی نموده: «نظر به این که وکیل شاکیه به موجب صورت جلسه مورخ ۱۳۶۴/۲/۳۱، درخواست صدور حکم بازنشستگی موکله را با ارفاق مندرج در تبصره یک مکرر ماده ۱۹ آیین نامه استخدامی شرکت سهامی بیمه ایران را نموده و اصل بازنشستگی شاکیه بر اساس موافقت مدیرعامل شرکت قطعیت یافته و از طرفی از تاریخ ۱۳۵۸/۱۱/۲۳، بازنشستگی کارمندی را که کمتر از ۲۰ سال سابقه خدمت داشته باشد، جز با منظور نمودن ارفاق مقرر در تبصره یک مکرر ماده ۱۹ آیین نامه استخدامی شرکت طرف شکایت امکان پذیر نمی باشد، علی هذا شرکت سهامی بیمه ایران ملزم است که در بازنشستگی شاکیه، ده سال خدمت ارفاقی را در احتساب حقوق بازنشستگی وی رعایت نماید. با اعلام تعارض آراء صادره هیئت عمومی به تاریخ فوق، به ریاست حجت الاسلام حاج شیخ محمدعلی فیض و با شرکت رؤسای شعب تشکیل و پس از بحث و ملاحظه سوابق امر و بررسی پرونده، با اعلام کفایت مذاکرات به اکثریت آراء، به شرح زیر انشاء رأی می نماید.»

رأی وحدت رویه

هر چند بازنشستگی مستخدمین شرکت سهامی بیمه ایران بر اساس ماده ۲۴ آیین نامه استخدامی شرکت مستلزم این است که مستخدم حداقل دارای ۲۰ سال سابقه خدمت باشد و آراء شعب یازدهم و پانزدهم دیوان از جهتی مغایر این معنی منطبق با آیین نامه استخدامی فوق الذکر نمی باشد. لکن چون به هر تقدیر اعطاء مدت خدمت ارفاقی

موضوع تبصره یک مکرر ماده ۱۹ آیین نامه در مورد کسانی که با رعایت شرایط مندرج در ماده ۲۴ بازنشسته شده‌اند، الزامی نمی‌باشد. لذا دادنامه شماره ۶۲۵ مورخ ۱۳۶۵/۹/۱۱، صادره از شعبه ۱۱ دیوان، مبنی بر عدم لزوم اعطاء مدت ارفاقی به مستخدمین مشمول ماده ۲۴ مزبور در این حد موافق مقررات تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

رأی در مورد سنوات ارفاقی بازنشستگی در شهرداری (صفحه ۳۹۸)

روزنامه رسمی شماره ۱۲۶۴۰-۱۳۶۷/۴/۲۹- شماره هـ ۵۶/۶۶- ۱۳۶۷/۴/۱۱

شماره دادنامه: ۵۸- تاریخ: ۶۶/۹/۲۵- کلاس پرونده: هـ ۵۶/۶۶

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: اعلام تعارض آراء صادره از شعبه ششم و دهم دیوان و تقاضای رأی وحدت رویه

مقدمه:

۱- شعبه دهم دیوان، در کلاس پرونده ۷۱۵/۶۳ نسبت به شکایت آقای سیدحسن غیائی به طرفیت شهرداری تهران به خواسته احتساب ده سال در حقوق بازنشستگی بر اساس ماده ۸۵ آیین نامه استخدامی طی دادنامه ۶۵/۲/۳۱-۶۳۷ که در پاسخ دادخواست و توضیحات نماینده شهرداری عنوان گردیده ندارد و قید جمله، مورخ ۶۳/۲/۲۵ از طرف شاکی در صورت جلسه مورخ ۶۳/۲/۱۹ هیئت سه نفری موضوع ماده ۸۵ آیین نامه استخدامی شهرداری تهران مبنی بر موافقت با تصمیم هیئت مزبور با بازنشستگی حسب سنوات خدمت، با توجه به تأکید و تفریح به اجبار، نامبرده به لحاظ گرفتاری خانوادگی نمی تواند منشأ اثر قرار گیرد. اصولاً چون طبق ماده ۸۵ آیین نامه استخدامی شهرداری تهران که در حکم کارگزینی بازنشستگی به آن استناد شده، به هر تقدیر، در صورت اتخاذ تصمیم بر بازنشسته نمودن مستخدم، افزایش حداکثر ده سال در احتساب حقوق بازنشستگی جزء حقوق قانونی مستخدم پیش بینی و مقرر گردیده است. علی هذا صدور حکم بازنشستگی بدون افزایش سنوات مذکور حسب مورد مغایر قانون تشخیص و شکایت به این کیفیت وارد می باشد.

۲- در پرونده ۶۴۳/۶۳ شعبه ششم، در خصوص شکایت آقای جهانبخش شیرازی، به طرفیت شهرداری تهران، به خواسته اعتراض به رأی بازنشستگی مبنی بر ۲ سال ارفاق که برخلاف ماده ۸۵ قانون بازنشستگی ادعا شده، طی دادنامه ۴۷۶-۶۷/۷/۱۵ چنین انشاء رأی نموده است: با ملاحظه تعهدنامه مورخ ۶۳/۵/۳ شاکی در رأی هیئت سه نفری، دایره بر این که با ارسال ارفاق موافقت نموده، معترض نباشد و ملاحظه تقاضای بازنشستگی مورخ ۶۲/۱۲/۱۷ شاکی و سایر مدارک موجود در پرونده تخلفی از مقررات، از ناحیه شهرداری مشهود نگردیده. در نتیجه شکایت غیر وارد اعلام می شود. با اعلام تعارض آراء صادره از جانب شهرداری تهران طی لایحه ۲۱۱/۱۳۹۴۵/۱۱۸۴۴ مورخ ۶۶/۴/۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به تاریخ فوق، به ریاست حجت الاسلام حاج شیخ محمدعلی فیض و با شرکت رؤسای شعب تشکیل و پس از بحث و بررسی و ملاحظه سوابق، ضمن اعلام تعارض با اکثریت آراء، به شرح زیر، مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی وحدت رویه

به موجب قسمت اخیر ماده ۸۵ آیین نامه استخدامی شهرداری تهران، به مدت خدمت مستخدمی که بدون میل و اراده

خود، بنا به تشخیص شهرداری، به واسطه عدم نیاز، با رعایت سایر شرایط، بازنشسته شده است. حداکثر ده سال از حیث احتساب حقوق بازنشستگی افزوده می‌شود. نظر به این که حق و تکلیف مزبور در قبال تحقق شرایط مربوط از جمله اعمال اختیار مقرر در صدر ماده ۸۵ و به منظور جبران محرومیت مستخدم از ادامه خدمت و برخورداری از آثار مالی مترتب بر آن در احتساب حقوق بازنشستگی تجویز گردیده است. بنابراین تعمیم آن به موردی که مستخدم خود با انصراف از اثرات مالی ناشی از افزایش مدت مزبور خواستار بازنشستگی شده است مجوزی ندارد و دادنامه شماره ۴۷۶-۶۵/۷/۱۵ شعبه ششم دیوان از جهتی که مفید این معنی است، موافق مقررات تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری در موارد مشابه برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط لازم‌الاتباع است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

رأی در مورد استفاده از مرخصی استحقاقی ذخیره شده قبل از بازنشستگی (صفحه ۷۱۳)

روزنامه رسمی شماره ۱۲۷۷۱-۱۰/۷-۱۳۶۷- شماره هـ ۳۶/۶۷- ۱۳۶۷/۹/۲۶

تاریخ: ۱۳۶۷/۹/۱۵- شماره دادنامه: ۷۶- کلاسه پرونده: ۳۶/۶۷

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع شکایت و خواسته: رسیدگی به اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۴ و ۸ دیوان عدالت اداری مقدمه و گردش کار:

الف- شعبه چهارم در پرونده کلاسه ۶۸۲/۶۳ موضوع شکایت شاکی به طرفیت سازمان جنگل ها و مراتع کشور به خواسته چهار ماه مرخصی استحقاقی قبل از بازنشستگی، به شرح دادنامه شماره ۵۸۵، مورخ ۶۵/۷/۲۳ چنین رأی صادر نموده است: طبق ماده ۴۷ قانون استخدام کشوری مستخدم رسمی دولت، سالی یک ماه حق مرخصی با استفاده از حقوق و فوق العاده های مربوط را دارد و طبق مواد ۷ و ۸ و ۹ آیین نامه مرخصی ها، مرخصی استحقاقی استفاده نشده مستخدم رسمی با رعایت مقررات مذکور در مواد مرقوم ذخیره می شود و طبق ماده ۱۷ آیین نامه مزبور مستخدم رسمی هنگام بازنشسته شدن حق استفاده از مرخصی ذخیره شده را، حداکثر به مدت چهار ماه، دارد و برابر ماده ۱۵ آیین نامه فوق الذکر در مواردی که مستخدم رسمی رأساً از طرف سازمان متبوع خود به استناد مواد ۷۴ و ۷۵ قانون استخدام کشوری بازنشسته می شود، اعطای مرخصی ذخیره استحقاقی وی با رعایت مقررات مربوط الزامی بوده و شکایت وارد است.

ب- شعبه هشتم در پرونده کلاسه ۳۴۶/۶۵ موضوع شکایت شاکی به طرفیت راه آهن جمهوری اسلامی ایران به خواسته الزام راه آهن جمهوری اسلامی به اعطای مرخصی استحقاقی قبل از بازنشستگی به شرح دادنامه شماره ۶۴۵ مورخ ۶۵/۹/۲۹ چنین رأی صادر نموده است: صرف نظر از سوابق امر، نظر به این که به هر تقدیر شاکی سرانجام به موجب حکم شماره ۸۰۳۶-۶۰/۶/۱۶، به استناد تبصره اصلاحی ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری بازنشسته شده و در مورد مشمولین تبصره مزبور، چنانچه بازنشستگی مستخدم مسبوق به درخواست خود وی همراه با تقاضای مرخصی نباشد، اعطاء مرخصی به نظر الزامی نیست. لذا اجابت خواسته شاکی غیرمقدور و شکایت مردود اعلام می گردد.

جلسه هیئت عمومی

با اعلام تعارض آراء مذکور از سوی ریاست شعبه نهم دیوان، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به ریاست حجت الاسلام حاج شیخ محمدعلی فیض و با حضور رؤسای شعب تشکیل و پس از بحث و بررسی انجام مشاوره به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی وحدت رویه

با توجه به ماده ۴۷ لایحه قانونی استخدام کشوری مصوب ۴۵/۳/۳۱ مبنی بر این که مستخدم رسمی سالانه حق استفاده از یک ماه مرخصی را دارد و این که اعمال تبصره ۷۴ لایحه قانونی مزبور مصوب ۵۳/۱۲/۲۸، نافی حق ثابت و مکتسب فوق‌الذکر در حدود مقررات قانونی نمی‌باشد. لذا دادنامه شماره ۵۸۵، مورخ ۶۵/۷/۲۳ شعبه چهارم دیوان، که بر این اساس صادر شده، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری در موارد مشابه برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط لازم‌الاتباع است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

رأی در مورد سنوات ارفاقی بازنشستگی مستخدمین بانکها (صفحه ۷۱۴)

روزنامه رسمی شماره ۱۳۰۹۸-۱۳۶۸/۱۱/۲۶- شماره هـ ۵۶/۶۸- ۱۳۶۸/۱۱/۲

تاریخ: ۶۸/۹/۲۳- شماره دادنامه: ۸۸- کلاسه پرونده: ۵۶/۶۸

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکای: بانک ملی ایران

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب هشتم و سوم دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف- شعبه هشتم در پرونده کلاسه ۷۶/۶۳ موضوع شکایت آقای حسن پیغمبری به طرفیت بانک ملی ایران به خواسته اجرای تبصره ماده ۹۷ آیین نامه استخدامی مشترک بانکها به شرح دادنامه ۸۴/۶۸-۱۳۶۸/۲/۲۳، چنین رأی صادر نموده است: با توجه به تاریخ تولد ۱۳۱۳/۱۱/۱۲ و تاریخ بازنشستگی ۶۱/۷/۱ و سنین خدمت ۲۶ سال، آقای حسن پیغمبری و پاسخ طرف شکایت، ملاحظه می شود که نامبرده شرط سنی بازنشستگی در ماده ۹۷ آیین نامه استخدامی مشترک بانکها را نداشته و بر اساس تبصره ماده مذکور بازنشسته گردیده است. به این جهت و با عنایت به صراحت تبصره ماده مذکور که مقرر گردیده، به مدت خدمت این قبیل مستخدمین، فقط در احتساب حقوق بازنشستگی، پنج سال بدون پرداخت کسور بازنشستگی افزوده می شود محرومیت مشارالیه از ارفاق مزبور به عذر این از مفاد تبصره یاد شده، صراحتاً الزام به بانک به ارفاق ۵ سال استنباط نمی گردد، محمل قانونی ندارد، شکایت وارد است. لذا حکم به اجرای مفاد تبصره مورد بحث درباره شاکای، با رعایت سایر مقررات قانونی، صادر می شود.

ب- شعبه سوم در پرونده کلاسه ۱۲۲/۶۷ موضوع شکایت آقای عبدالله طبری به طرفیت بانک ملی ایران به خواسته رعایت تبصره ماده ۹۷ آیین نامه مشترک بانکها، در مورد ارفاق پنج سال، به شرح دادنامه شماره ۴۱۹-۱۳۶۸/۵/۱۸، چنین رأی صادر نموده است: چون ارفاق پنج سال در مورد اعطای بازنشستگی به کارکنان بانکها، طبق تبصره ماده ۹۷ آیین نامه مشترک بانکها، از اختیارات مسئولین مربوط بوده و الزامی نمی باشد، لذا خواسته شاکای و جهات و موقعیت قانونی ندارد و به رد شکایت اظهار نظر می شود. با اعلام تعارض آراء یاد شده از سوی بانک ملی ایران به شرح نامه شماره ۹۵۲۴-۱۳۶۸/۸/۱۷ هیئت عمومی دیوان در تاریخ فوق به ریاست آیت... سید ابوالفضل موسوی تبریزی و با حضور رؤسای شعب تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی وحدت رویه

هرچند که به موجب صدور تبصره ذیل ماده ۹۷ آیین نامه استخدامی مشترک بانکها، بانک مخیر است مستخدمینی را که حداقل ۲۰ سال سابقه پرداخت کسور بازنشستگی داشته باشند یا تعهد آن را بر اساس موارد مندرج در این آیین نامه

نموده باشند، با تصویب، به اتفاق آراء هیئت‌مدیرهٔ بازنشسته برسانند. مع‌الوصف، از مجموع تبصرهٔ مذکور این امر که به مدت خدمت این قبیل مستخدمین فقط در احتساب حقوق بازنشستگی آنان پنج سال بدون پرداخت کسور بازنشستگی افزوده می‌شود، بایستی با تصویب به‌اتفاق آراء هیئت‌مدیره باشد، استنباط نمی‌گردد. لذا مفاد رأی شعبهٔ هشتم که مفید این معناست، مطابق با قانون تشخیص و تأیید می‌شود. این رأی وفق مادهٔ ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری، برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوطه در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

**ابطال بند ۳ بخشنامه ۴۹۱۹۴ مورخ ۵۹/۱۲/۲ نخست‌وزیری
در خصوص پرداخت حقوق بازنشستگی، وظیفه و مستمری
به شخص بازنشسته، وظیفه یا مستمری‌بگیر**
مصوب: ۱۳۶۹/۳/۲۹

تاریخ: ۶۹/۳/۲۹ - شماره دادنامه: ۹۰ - کلاس پرونده: ۴۸/۶۸

شاکي: آقای میرمهدی تقوی

موضوع: ابطال بند ۳ از بخشنامه ۴۹۱۹۴ مورخ ۵۹/۱۲/۲ نخست‌وزیری
مقدمه و گردش کار:

شاکي طی دادخواست تقدیمی به هیئت عمومی اعلام داشته است: این جانب، کارمند بازنشسته سازمان ثبت احوال، ناچارم به آلمان عزیمت نمایم. چون احتیاج مبرمی به دریافت به موقع حقوق بازنشستگی ماهیانه خود دارم، به این جهت، طبق وکالت‌نامه رسمی که در دفترخانه رسمی تنظیم شده، وکیل خود را معرفی می‌نمایم که در غیاب این جانب به بانک ملی مربوطه مراجعه و حقوق حقه‌ام را دریافت نماید. بانک ملی پرداخت را علاوه بر وکالت‌نامه رسمی موکل به اجازه پرداخت اداره امور مالی ثبت‌احوال نموده، ولی اداره امور مالی ثبت‌احوال، بدون وجود دلیل قانونی، فقط به استناد بند ۳ بخشنامه شماره ۴۹۱۹۴، مورخ ۵۹/۱۲/۲ نخست‌وزیری، مبنی بر مراجعه شخص بازنشسته، پرداخت را به وکیل مجاز ندانسته‌اند. با توجه به اینکه قبلاً، به موجب شکایت شخص دیگری، بند ۴ و قسمتی از بند ۶ همین بخشنامه که مورد شکایت بوده، در هیئت عمومی دیوان مورد بحث و بررسی قرار گرفته و اصولاً ایجاد این قیدوبند مورد اعتراض را که ارتباط به حقوق مکتسبه اشخاص است، خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در تنظیم بخشنامه دانسته و رأی به ابطال و لغو آن صادر فرموده‌اند. ولی چون بند ۳ مورد شکایت نبوده، به قوت خود باقی است. لذا، تقاضای رسیدگی دارم.

مدیرکل امور حقوقی سازمان ثبت احوال کشور، به شرح لایحه شماره ۴۱/۶۸/۴۵۳-۶۸/۸/۲۸ در پاسخ به شکایت مذکور، اعلام داشته است: با توجه به اینکه پرداخت حقوق به بازنشستگان و وظیفه‌بگیران، منحصراً در زمان حیات آنان می‌باشد و اشخاصی که برای دریافت حقوق بازنشستگی یا حقوق وظیفه‌بگیران وکالت می‌دهند، دیگر به این سازمان مراجعه نمی‌نمایند و این سازمان هم از زنده یا مرده بودنشان بی‌اطلاع است و وکیل آنان نیز فوت موکل خود را به موقع اطلاع نمی‌دهند، یا عدم اطلاع فوت موکل من غیر حق، مبادرت به حقوق مورد وکالت می‌نماید و تاکنون، به همین صورت، میلیون‌ها تومان، به طور غیرقانونی، از صندوق دولت برداشت گردیده و متأسفانه به علت عدم اعلام آدرس دقیق یا تغییر آدرس وکیل، دسترسی و تحت تعقیب قراردادن قانونی آنان غیرممکن می‌شود. فلذا، این سازمان از پرداخت حقوق بازنشستگان و وظیفه‌بگیران به وکیل آنان، به استناد بخشنامه نخست‌وزیر، خودداری می‌نماید. لکن، در خصوص اشخاصی که در اثر کهولت یا بیماری‌های دیگر قادر به حرکت نمی‌باشند و مراتب وسیله پزشک معالج آنان، تأیید و نماینده این سازمان نیز با عیادت از بیمار مراتب را تأیید نماید، حقوق آنان، فقط برای مدت شش ماه، به وکیلشان پرداخت

می‌شود و پس از پایان مدت مذکور، مجدداً نسبت به موضوع بررسی شده و در صورت زنده بودن فرد، مجدداً تا شش ماه دیگر پرداخت حقوق به وکیل آنان تمدید می‌گردد و این رویه همچنان ادامه خواهد داشت.

اداره کل حقوقی ریاست جمهوری نیز، طی نامه شماره ۷۷۷۲، مورخ ۶۸/۱۱/۴، در پاسخ اعلام داشته است: پرداخت حقوق بازنشستگی و وظیفه و مستمری به وکیل قانونی بازنشستگان و وظیفه و مستمری بگیران، حسب مورد در بندهای ۵ و ۶ بخشنامه شماره ۴۹۱۹۴، مورخ ۵۹/۱۲/۴، تحت شرایطی تجویز گردیده است. ضمناً با توجه به اینکه امکان مراجعه ماهیانه شخص بازنشسته، عموماً به لحاظ کبر سن یا مسافرت خارج از کشور، مستعسر است و در مواردی که گزیری از پرداخت حقوق وی از طریق وکالت نمی‌باشد، در این صورت موکل نمودن پرداخت به احراز حیات موکلین مزبور، در موقع صدور دستور پرداخت در وجه وکیل نیز موجه نمی‌باشد. زیرا علی‌الاصول موکلین مذکور معمر بوده و امکان وقوع حادثه در فاصله تصدیق وکالت‌نامه در سفارت ایران یا دفاتر اسناد رسمی داخلی و مراجعه وکیل به ذی‌حسابی مربوطه نیز وجود دارد. لذا، محروم نمودن مطلق بازنشستگان از گرفتن وکیل برای دریافت حقوق، نه با مفاد بخشنامه سازگاری دارد و نه با حقوق مدنی افراد مندرج در قانون اساسی و قانون مدنی موافق است. خصوصاً آنکه چنانچه وکیل بعد از فوت موکل اقدام نماید، مسئولیت دارد و دستگاه‌های ذی‌ربط ممکن است برای جلوگیری از مراجعه وکلا در زمان فوت موکل، ترتیبی اتخاذ نمایند تا وکالت‌نامه در زمان عرفی مناسب تجدید شود.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق، به ریاست آیت‌الله سید ابوالفضل موسوی تبریزی و با حضور رؤسای شعب دیوان، تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، به شرح آتی با اکثریت آراء، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی وحدت رویه

تغییر بند ۳ بخشنامه شماره ۴۹۱۹۴، مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۲ نخست‌وزیری، دائر به پرداخت حقوق بازنشستگی، وظیفه و مستمری به شخص بازنشسته، وظیفه یا مستمری‌بگیر و محروم نمودن اشخاص مذکور، اعم از اعمال حق وکالت به منظور دریافت حقوق متعلقه، در مواردی که امر وکالت به نحو صحیح واقع و اعتبار آن محل تردید نباشد، خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در تنظیم بخشنامه تشخیص و بند مزبور به این لحاظ ابطال می‌گردد.

منتفی بودن شکایت راجع به ابطال تبصره ماده (۸) آیین نامه تبصره ۳ ماده واحد نقل و انتقال بیمه یا بازنشستگی

مصوب ۱۳۶۹/۳/۲۹

نقل و انتقال بیمه یا بازنشستگی مصوب ۶۵/۱۱/۸ هیئت وزیران

تاریخ: ۶۹/۳/۲۲ - شماره دادنامه: ۷۸ - کلاس پرونده: ۶۸/۶۷

شاکي: آقای عین‌اله شیرپور

موضوع: ابطال تبصره ماده ۸ آیین نامه تبصره ۳ ماده واحد

مقدمه:

شاکي، به شرح دادخواست تقدیمی به دیوان، اعلام داشته است: سازمان تأمین اجتماعی از قبول ۱۲ سال سابقه خدمتی خودداری و اعلام داشته که قانون تصویبی مورخ ۶۵/۳/۲۷ مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۶۵/۴/۱۹ به تأیید شورای نگهبان هم رسیده، در تاریخ ۶۵/۱۱/۸ هیئت وزیران، متذکر شده، حق بیمه یا بازنشستگی و سوابق خدمتی اشخاص که به هریک از صندوق‌های بیمه یا بازنشستگی یا مشابه پرداخت شده، می‌توان بر مبنای ۴ درصد آخرین حقوق و مزایای فرد محاسبه و جزء سنوات خدمت محسوب داشت. ولی در تبصره ماده ۸ آیین نامه این قانون ذکر شده، بازنشستگی، با خرید، اخراج و انفصال دائم از شمول این قانون مستثنا کرده و این استثناء هم مجوز قانونی ندارد. در قانون مذکور هم ذکر نشده. علاوه بر این، ماده ۸ کسور بازنشستگی افراد مستعفی را مشمول این قانون قرار داده، ولی بازنشستگی، با خرید، اخراج، انفصال، مشمول این قانون قرار نداشت. چون آیین نامه نمی‌تواند برخلاف قانون باشد، لذا درخواست ابطال تبصره ماده ۸ آیین نامه تبصره ۳ ماده واحد نقل و انتقال بیمه یا بازنشستگی، مصوب ۶۵/۱۱/۸ هیئت وزیران، را دارم. با انجام تبادل لایحه اداره کل حقوقی، ریاست جمهوری به شرح لایحه شماره ۱۶۰۰۴-۶۹/۳/۸ اعلام داشته است: با عنایت به این که ماده ۸ آیین نامه اجرایی قانون مذکور، در جلسه مورخ ۶۸/۵/۲۸ هیئت محترم دولت، اصلاح و طی شماره ۵۴۱۹۴-ت/۶۵۳، مورخ ۶۸/۵/۳۱ ابلاغ گردیده، موضوع شکایت منتفی است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق، به ریاست آیت‌الله سید ابوالفضل موسوی تبریزی و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره به شرح آتی، به اتفاق آراء، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی وحدت رویه

با عنایت به اینکه ماده ۸ آیین نامه تبصره ۳ ماده واحد قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، موضوع تصویب نامه شماره ۵۹۵۲۲ مورخ ۶۵/۱۱/۲۷ طی تصویب نامه شماره ۵۴۱۹۴/ت/۶۵۳، مورخ ۶۸/۵/۳۱، اصلاح و تبصره ذیل ماده ۸ حذف گردیده، موضوع شکوائیه عملاً منتفی بوده، به انتقاء موضوع، موجبی برای طرح در هیئت عمومی تشخیص نگردید.

رأی در مورد عدم ارفاق سنوات بازنشستگی (صفحة ۴۵۱)

روزنامه رسمی شماره ۱۳۳۳۴-۱۳۶۹/۹/۷- شماره هـ ۶۹/۹- شماره ۱۳۶۹/۸/۳۰- تاریخ ۱۳۶۹/۴/۷

شماره دادنامه ۱۰۷- کلاسه پرونده ۳۰/۶۹

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای خسرو رحیمی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعبه سوم دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف- شعبه سوم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۳۴۹/۶۶/۳ موضوع شکایت آقای خسرو رحیمی خمسی به طرفیت: اداره کل کارگزینی دادگستری جمهوری اسلامی ایران، به خواسته: اعاده به خدمت در صورت عدم ارفاق بر مبنای تبصره ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری در بازنشستگی، به شرح دادنامه شماره ۲۴۱-۱۳۶۶/۷/۱۹، چنین رأی صادر نموده است: چون اعاده به خدمت شاکی به لحاظ این که بازنشستگی وی بر وفق ضوابط و مقررات قانونی انجام گردیده، از اختیارات سازمان طرف شکایت بوده و تخلفی از مقررات و تزییع حقی از ناحیه طرف شکایت درباره وی مشهود نیست، به رد شکایت اظهار نظر می شود.

ب- شعبه سوم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۳۵/۶۶، موضوع شکایت آقای عزیز پاک رفتار، به طرفیت: دادگستری جمهوری اسلامی ایران، به خواسته: تصحیح حکم بازنشستگی شماره ۴/۱۰۵۰۹۰، مورخ ۱۳۶۴/۲۳/۱۰، به شرح دادنامه شماره ۶۵۲-۶۸/۹/۸، چنین رأی صادر نموده است: چون مستفاد از قسمت اخیر تبصره اصلاحی ماده ۷۴ قانون استخدام - کشوری، به سابقه خدمت مستخدمینی که طبق تبصره مزبور تقاضای بازنشستگی نموده اند، در صورتی که بیست سال سابقه خدمت داشته باشند، حداکثر ده سال افزوده می شود و اعمال تبصره مزبور مشروطاً به انصراف کتبی مستخدم نسبت به دریافت مابه التفاوت حقوق بازنشستگی، ناشی از سنوات خدمت ارفاقی، که به استناد بخشنامه مارالذکر صورت گرفته، موجه نبوده و به همین جهت بخشنامه مزبور بر اساس رأی شماره ۳۶، مورخ ۹/۸/۶۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، ابطال گردید، بنا به مراتب شکایت شاکی، موجه می باشد. حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می گردد.

جلسه هیئت عمومی

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق، به ریاست آیت... سید ابوالفضل موسوی تبریزی و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی وحدت رویه

اولاً، تثبیت حق مذکور در قسمت آخر تبصره اصلاحی ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری، موضوع افزودن سنوات ارفاقی

به سنوات خدمت دولتی استخدام رسمی و تعیین حقوق بازنشستگی بر مبنای سی سال خدمت، موقوف به وجود شرایط و ارکان خاص و از جمله منحصرأ ناظر به موردی بوده است که واحد دولتی رأساً و بدون مداخله میل و اراده مستخدم رسمی در مقام اعمال اختیار مقرر، در صدر ماده مزبور مبادرت به صدور حکم بازنشستگی قبل از موعد کرده باشد.

ثانیاً، مدلول رأی شماره ۳۶، مورخ ۶۴/۱۰/۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، مبنی بر ابطال بخشنامه شماره ۹/۱۲۵۰ مورخ ۶۴/۵/۳۱ سازمان امور اداری و استخدامی کشور، مبین آن است که سازمان مذکور با وضع قاعده خاص در امر بازنشستگی که به قانون گذار اختصاص داشته، از حدود اختیار خود خارج شده است و دلالتی بر تثبیت حق فوق الذکر بر مبنای قاعده ناصواب ندارد. بنابراین بازنشستگی، بنا به تقاضای مستخدم و با انصراف از مدت خدمت ارفاقی، از مصادیق تبصره فوق الاشعار نیست تا موجد حق استفاده از خدمت ارفاقی در تعیین حقوق بازنشستگی باشد و دادنامه شماره ۲۴۱، مورخ ۶۶/۷/۱۹ شعبه سوم دیوان، در قسمتی که متضمن این معنی است، موافق موازین قانونی تشخیص داده می شود. این رأی به استناد قسمت آخر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری، در موارد مشابه برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط لازم الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، سید ابوالفضل موسوی تبریزی

رأی در مورد ابطال بند ۳ بخشنامه شماره ۴۹۱۹۴، مورخ ۵۹/۱۲/۲ نخست‌وزیری

در مورد نحوه دریافت حقوق بازنشستگی (صفحه ۷۷۷)

روزنامه رسمی شماره ۱۳۳۴۶-۱۰/۳-۱۳۶۹- شماره هـ ۴۸/۶۸-۱۵/۹/۱۳۶۹

تاریخ ۱۳۹۶/۹/۲۳، شماره دادنامه: ۹۰، کلاس پرونده: ۴۸/۶۸

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای میر مهدی تقوی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۳ از بخشنامه ۴۹۱۹۴، مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۲ نخست‌وزیری

مقدمه:

شاکی طی دادخواست تقدیمی به هیئت عمومی اعلام داشته است: این‌جانب، کارمند بازنشسته سازمان ثبت احوال، ناچارم به آلمان عزیمت نمایم. چون احتیاج مبرمی به دریافت به‌موقع حقوق بازنشستگی ماهیانه خود دارم به این جهت طبق وکالت‌نامه رسمی که در دفترخانه رسمی تنظیم شده وکیل خود را معرفی کردم که در غیاب این‌جانب به بانک ملی مربوطه مراجعه و حقوق حقه‌ام را دریافت نماید. بانک ملی پرداخت را علاوه بر وکالت‌نامه رسمی موکول به اجازه پرداخت اداره امور مالی ثبت احوال نموده ولی اداره امور مالی ثبت احوال بدون وجود دلیل قانونی فقط به استناد بند ۳ بخشنامه شماره ۴۹۱۹۴ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۲ نخست‌وزیری مبنی بر مراجعه «شخص بازنشسته» پرداخت را به وکیل مجاز ندانسته‌اند با توجه به این‌که قبلاً به‌موجب شکایت شخص دیگری بند ۴ و قسمتی از بند ۶ همین بخشنامه که مورد شکایت بوده در هیئت عمومی دیوان مورد بحث و بررسی قرار گرفته و اصولاً ایجاد این قید و بند مورد اعتراض را که ارتباط به حقوق مکتسبه اشخاص است خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در تنظیم بخشنامه دانسته و رأی به ابطال و لغو آن صادر فرموده‌اند. ولی چون بند ۳ مورد شکایت نبوده به قوت خود باقی است لذا تقاضای رسیدگی دارم. مدیرکل امور حقوقی سازمان ثبت احوال کشور به شرح لایحه شماره ۴۱/۶۸/۴۵۳-۶۸/۸/۲۸ در پاسخ به شکایت مذکور اعلام داشته است: با توجه به این‌که پرداخت حقوق به بازنشستگان و وظیفه‌بگیران منحصرأ در زمان حیات آنان می‌باشد و اشخاصی که برای دریافت حقوق بازنشستگی و یا حقوق وظیفه به دیگران وکالت می‌دهند دیگر به این سازمان مراجعه نمی‌نمایند و این سازمان هم از زنده یا مرده بودنشان بی‌اطلاع است و وکیل آنان نیز فوت موکل خود را به‌موقع اطلاع نمی‌دهند و یا عدم اطلاع فوت موکل من غیر حق مبادرت به حقوق مورد وکالت می‌نماید و تاکنون میلیون‌ها تومان به همین صورت به‌طور غیرقانونی از صندوق دولت برداشت گردیده و متأسفانه به علت عدم اعلام آدرس دقیق و یا تغییر آدرس وکیل دسترسی و تحت تعقیب قراردادن قانونی آنان غیرممکن می‌شود. فلذا این سازمان از پرداخت حقوق بازنشستگان و وظیفه‌بگیران به وکیل آنان به استناد بخشنامه نخست‌وزیر خودداری می‌نماید. لکن در خصوص اشخاصی که در اثر کهولت و یا بیماری‌های دیگر قادر به حرکت نمی‌باشند و مراتب وسیله پزشک معالج آنان تأیید و نماینده این سازمان نیز با عیادت از بیمار مراتب را تأیید نماید حقوق آنان فقط برای مدت شش ماه به وکیلشان پرداخت می‌شود و پس از پایان مدت مذکور مجدداً نسبت به موضوع بررسی و در صورت زنده‌بودن فرد مجدداً تا شش ماه دیگر پرداخت

حقوق به وکیل آنان تمدید می‌گردد و این رویه همچنان ادامه خواهد داشت. اداره کل حقوقی ریاست جمهوری نیز طی نامه شماره ۷۷۷۷۲ مورخ ۶۸/۱۱/۴ در پاسخ اعلام داشته است:

پرداخت حقوق بازنشستگی و وظیفه و مستمری به وکیل قانونی بازنشستگان و وظیفه و مستمری بگیران حسب مورد در بندهای ۵ و ۶ بخشنامه شماره ۴۹۱۹۴ مورخ ۵۹/۱۲/۴ تحت شرایطی تجویز گردیده است. ضمناً با توجه به این که امکان مراجعه ماهیانه شخص بازنشسته عموماً به لحاظ کبر سن یا مسافرت خارج از کشور متعسر است و در مواردی گریزی از پرداخت حقوق وی از طریق وکالت نمی‌باشد در این صورت موکول نمودن پرداخت به احراز حیات موکلین مزبور در موقع صدور دستور پرداخت در وجه وکیل نیز موجه نمی‌باشد زیرا علی‌الاصول موکلین مذکور معمر بوده و امکان وقوع حادثه در فاصله تصدیق وکالت‌نامه در سفارت ایران و یا دفاتر اسناد رسمی داخلی و مراجعه وکیل به ذی‌حسابی مربوط نیز وجود دارد. لذا محروم نمودن مطلق بازنشستگان از گرفتن وکیل برای دریافت حقوق نه با مفاد بخشنامه سازگاری دارد و نه با حقوق مدنی افراد مندرج در قانون اساسی و قانون مدنی موافق است خصوصاً آن که چنانچه وکیل بعد از فوت موکل اقدام نماید مسئولیت دارد و دستگاه‌های ذی‌ربط ممکن است برای جلوگیری از مراجعه وکلا، در زمان فوت موکل ترتیبی اتخاذ نمایند تا وکالت‌نامه در زمان عرفی مناسب تجدید شود.

جلسه هیئت عمومی

دیوان در تاریخ فوق به ریاست آیت‌الله سید ابوالفضل موسوی تبریزی و با حضور رؤسای شعب تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره به شرح آتی با اکثریت آراء مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی وحدت رویه

تقیید بند ۳ بخشنامه شماره ۴۹۱۹۴ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۲ نخست‌وزیری دائر بر پرداخت حقوق بازنشستگی، وظیفه و مستمری، به شخص بازنشسته وظیفه یا مستمری‌بگیر و محروم نمودن اشخاص مذکور به‌طور اعم از اعمال حق وکالت به‌منظور دریافت حقوق متعلقه در مواردی که امر وکالت به‌نحو صحیح واقع و اعتبار آن محل تردید نباشد خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در تنظیم بخشنامه تشخیص بند مزبور به این لحاظ ابطال می‌گردد.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - سید ابوالفضل موسوی تبریزی

رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری در مورد افزایش حقوق بازنشستگی آتش نشانان (صفحة ۵۷۰)

روزنامه رسمی شماره ۱۳۵۸۲-۱۳۷۰۴/۸/۴- شماره هـ ۱۳۷۰/۶/۱۳-۳۳/۷۰

تاریخ ۷۰/۴/۱۸- شماره دادنامه: ۳۳- کلاسه پرونده: ۳۳/۷۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای محمد محمدزاده

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب یازدهم و هفدهم دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف- شعبه یازدهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۱۵/۶۹. موضوع شکایت آقای محمد محمدزاده به طرفیت: صندوق بازنشستگی کشوری، به خواسته: اجرای رأی هیئت عمومی دیوان عالی کشور «پرداخت ۵۰ درصد فوق العاده، علاوه بر حقوق بازنشستگی» به شرح دادنامه شماره ۸۱۴، مورخ ۶۹/۱۰/۱۰، چنین رأی صادر نموده است. با توجه به دادخواست شاکی و لایحه جوابیه طرف شکایت، خلاصه حاکمی از این که ۵۰ درصد فوق العاده، بابت حق کاردانی فنی، بر اساس ماده ۸۲ لایحه استقلال شهرداری‌ها و آیین نامه شماره ۱۶۵۶۱-۱۳۲۸/۱۲/۱۰ و تصویب نامه شماره ۵۶۵۲۰-۱۳۳۱/۱۲/۱۸، و رأی شعبه هفتم دیوان عالی کشور، از سال ۱۳۳۰ به کاردان‌های فنی آتش نشانی پرداخت می‌شده، لکن در ماده ۱۴۸ قانون استخدام کشوری کلیه مقررات مغایر با قانون مذکور و محلی برای کاردان‌های فنی پیش‌بینی نشده و در اجرای تبصره ۸۵ قانون بودجه سال ۵۶ کل کشور، کاردان‌های فنی از گروه شغلی خاص خود برخوردار گردیده‌اند و صعوبت شغل آن‌ها در تعیین گروه هم‌طرزازی مدنظر قرار گرفته است، با این وصف، پرداخت مجدد مضاعف ۵۰ درصد حق کاردانی محمل قانونی نداشته است و تخلفی از مقررات و ضوابط قانونی از ناحیه سازمان طرف شکایت به نظر نمی‌رسد. فلذا، شکایت شاکی غیر وارد تشخیص می‌شود و حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد.

ب- شعبه هفدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۴۲/۶۹، موضوع شکایت آقای علی بخت، به طرفیت صندوق بازنشستگی کل کشور، به خواسته: اجرای رأی هیئت عمومی دیوان عالی کشور به شرح دادنامه شماره ۱۱۰۹، مورخ ۶۹/۱۱/۱۷، چنین رأی صادر نموده است: مطابق رأی شماره ۶۲ و ۳۳ و ۵۷۱ شعبه ۷ دیوان عالی کشور، به‌عنوان کاردانی فنی بازنشسته سازمان آتش نشانی از حقوق راندگی و ۵۰ درصد فوق العاده مربوط با صندوق بازنشستگی استفاده می‌کرده، ولی از ۵۶/۱/۱۲، پرداخت حقوق بازنشستگی بر مبنای جدول قانون استخدام کشوری اقدام کرده است. درحالی که رأی مزبور از ۵۶/۱/۲ قابل اجرا و آیین نامه مربوط به رانندگان و کاردان‌های فنی مصوب ۱۳۳۱/۸/۱۱ را مغایر با قانون استخدام جدید ندانسته و رأی هیئت عمومی دیوان عالی کشور بر معتبر شناختن رأی شعبه ۷ که در سال ۱۳۵۸ صادر شده است، با توجه به رأی شماره ۱۷، مورخ ۵۸/۵/۲۵ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، بر لازم‌الاجرا بودن آیین نامه شماره ۵۶۵۲۰-۵۸/۱۲/۱۸، اصلی تلقی و نظر به این که ابلاغ شماره ۵۸/۷/۸-۲۸۳۳۵،

بازنشستگی شاکی با احتساب ۵۰ درصد مذکور در آیین‌نامه صادر شده صحیح بوده و ابطال آن و کسر آن فقط به حقوق بازنشستگی بدون احتساب ۵۰ درصد خلاف رأی هیئت عمومی دیوان عالی کشور و فاقد مجوز قانونی است. لذا حکم به وارد بودن شکایت شاکی صادر و اعلام می‌گردد.

جلسه هیئت عمومی

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت‌الاسلام محمدرضا عباسی فرد و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و ملاحظه سوابق با اکثریت آراء، به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی وحدت رویه

با اعمال تبصره ۸۵ قانون بودجه سال ۱۳۵۶ کل کشور، موضوع تعیین حقوق بازنشستگان مستخدمین رسمی شهرداری بر مبنای پست ثابت سازمانی آتش‌نشانی مستخدمین بازنشسته مزبور از تمامی حقوق متعلق به شغل آتش‌نشان مستخدمین رسمی شهرداری بر مبنای پست ثابت سازمانی آتش‌نشان برخوردار می‌شوند و با این کیفیت افزایش حقوق بازنشستگی آنان که به ترتیب فوق‌الذکر تعیین می‌شود، به میزان ۵۰ درصد، به استناد مقررات آیین‌نامه استخدامی مصوب ۱۳۳۱/۱۲/۱۸، و رأی شماره ۱۷، مورخ ۵۸/۵/۲۵، وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور که منصرف از مورد است، جواز قانونی ندارد. لذا دادنامه شماره ۸۱۴ مورخ ۶۹/۱۰/۱۰، شعبه یازدهم، موافق اصول و موازین قانونی می‌باشد. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری، در موارد مشابه، برای شعب دیوان و سایر مراجع لازم‌الاتباع می‌باشد.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری
در مورد ابطال دستورالعمل شماره ۱/۴۹۶۶ مورخ ۳/۷/۶۲ سازمان تأمین اجتماعی،
در مورد بازنشستگی پیش از موعد (صفحه ۵۹۱)
روزنامه رسمی شماره ۱۳۵۸۲-۱۳۷۰/۸/۴- شماره ۱۵۰/۶۹-۱۳۷۰/۶/۱۳

تاریخ ۷۰/۵/۸- شماره دادنامه: ۵۲- کلاسه پرونده: ۱۵۰/۶۹

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکای: آقای محمدحسین کنایان

طرف شکایت: سازمان تأمین اجتماعی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال دستورالعمل شماره ۱/۴۹۶۶-۳/۷/۶۲

مقدمه: شاکای طی دادخواست تقدیمی به دیوان اعلام داشته است: ماده ۱۱۴ قانون تأمین اجتماعی که مسلماً یکی از قواعد آمره است، مقرر می‌دارد: «ضوابط سنی و مدت خدمت برای احتساب مستمری و بازنشستگی کارکنان سازمان قبل از موعد مقرر تابع ضوابط و مقررات قانون استخدام کشوری و تغییرات و اصلاحات بعدی آن خواهد بود، حقوق بازنشستگی این افراد برابر با متوسط حقوق و مزایای دریافتی دو سال آخر خدمت که مأخذ پرداخت حق بیمه بوده، می‌باشد.» از قانون مذکور صدها نفر از کارکنان سازمان تأمین اجتماعی استفاده نموده و به افتخار بازنشستگی نائل گشته‌اند. ولی متأسفانه از مهر ۱۳۶۲، آقای ابوالفضل غرضی، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، با صدور دستور اداری شماره ۱/۴۹۶۶-۳/۷/۶۲، به انضمام متن تعهدنامه‌ای که قبلاً تنظیم شده، به کارکنان متقاضی اعلام نموده‌اند که ماده ۱۱۴ فوق‌الذکر را فقط در صورت تنظیم و امضاء صلح‌نامه محضری و بودن احتساب ارفاق مقرر قانون، اجرا خواهند کرد. به این ترتیب، با صراحت، قانون معتبر و لازم‌الاجرا را شخصاً لغو نموده‌اند. آیا مقام مسئول اداری و اجرایی حق و اجازه دارد قانون مصوب قوه مقننه، یعنی قاعده آمده را، به هر دلیل و به دلخواه خود، لغو نموده و مصوبه خود را اعمال نمایند.

رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی طی نامه شماره ۱۰۵۹۰۹-۷۰/۲/۱۰، در پاسخ اعلام داشته‌اند: پیشنهاد شماره ۱/۴۹۶۶-۳/۷/۶۲، این سازمان در جهت کمک و ارفاق به آن دسته از کارکنانی صادر شده که متقاضی بازنشستگی با بیست سال سنوات خدمتی بوده‌اند و در این رابطه هیچ‌گونه الزامی در متابعت از پیشنهاد مزبور برای هیچ‌یک از کارکنانی که بدین نحو بازنشسته گردیده‌اند، وجود نداشته است تا علیرغم میل خود تقاضای بازنشستگی نمایند. دلیل این مدعا تنظیم صلح‌نامه محضری است و حسب قسمت پایانی مفاد آن حق هرگونه آغاز سخن یا ادعایی را پس از نیل به بازنشستگی، نسبت به مبلغ مورد صلح از خود سلب نموده است.

جلسه هیئت عمومی

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق، به ریاست حجت‌الاسلام محمدرضا عباسی فرد و با حضور رؤسای

شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی وحدت رویه

دستورالعمل شماره ۴۹۶۹/۱-۷۲/۷/۳، سازمان تأمین اجتماعی که در لایحه شماره ۱۰۵۹۰۹-۷۰/۲/۱۰ آن سازمان، پیشنهاد ذکر شده، مورد شکایت واقع گردیده و در آن پیشنهاد آمده است که با توجه به درخواست تعدادی از همکاران بر استفاده از بازنشستگی پیش از موعد، با سنوات خدمت به کلیه همکاران واجد شرایط ابلاغ فرماید تا در صورت تمایل نسبت به تنظیم سند رسمی، طبق فرم پیوست در دفترخانه اسناد رسمی اقدام و به ضمیمه تقاضای بازنشستگی که به تأیید مقام مافوق رسیده باشد، با رعایت سلسله مراتب اداری ارسال دارند و نسبت به بازنشستگی آنان رسیدگی و اقدام گردد. در فرم تنظیمی آمده است: اینجانب ...، در کمال آزادی و اختیار و رضایت، با توجه به ماده ۱۱۴ قانون تأمین اجتماعی، ناظر به تبصره ۱ ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری، تعهد می‌نمایم با... صلح بلاعوض می‌نمایم. ... حق هرگونه آغاز سخن یا ادعایی را در آتیه نسبت به مبلغ مذکور از خود سلب نموده و ... فاقد هرگونه ارزش اعتبار قانونی خواهند بود. نظر به این که تنظیم سند رسمی فوق‌الاشعار در ماده ۱۱۴ قانون تأمین اجتماعی و تبصره ۱ ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری پیش‌بینی و مقرر نشده، به نظر اکثریت هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، گرفتن تعهد و صلح بلاعوض و سلب حق آغاز سخن یا ادعایی در آتیه، از افراد واجد شرایط استفاده از بازنشستگی پیش از موعد، با سنوات خدمت، مخالف قانون و خارج از حدود اختیار سازمان تأمین اجتماعی بوده و حکم به ابطال آن صادر و اعلام می‌نماید.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری
در مورد مصوبه شماره ۹۷۲۱۶ مورخ ۶۲/۱۲/۱۵ هیئت وزیران،
در مورد بازنشستگی با استفاده از ارفاق (صفحه ۵۳۱)
روزنامه رسمی شماره ۱۳۸۹۲-۷۱/۸/۲۴- شماره هـ ۱۸۵/۷۰- ۷۱/۷/۲۶

تاریخ ۷۱/۶/۵- شماره دادنامه ۶۵- کلاسه پرونده: ۱۸۵/۷۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای نصرت... طلعي زاده

طرف شکایت: هیئت وزیران، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تصویب نامه، شماره ۹۷۲۱۶-۱۳۶۴/۱۲/۱۵

مقدمه: شاکي به شرح دادخواست تقدیمی، اعلام داشته است، در تاریخ تیرماه ۱۳۷۰، پس از ۶ سال، سازمان بازنشستگی کشور با توجه به رأی هیئت عمومی آن دیوان، بخشنامه‌ای به کلیه سازمان‌های مشمول قانون استخدام کشور ارسال نمود که کلیه کارکنانی که بر اساس بخشنامه شماره ۹/۱۲۵۰، مورخ ۶۴/۵/۳۱ سازمان امور اداری و استخدامی کشور، با سپردن تعهد بازنشسته شده‌اند، تعهد سپرده آن‌ها با قانون استخدام مصوب ۵۳/۱۲/۲۸ قوه مقننه، مطابقت ندارد. لذا حقوق بازنشستگی مدت ارفاقی این عده کارکنان به آن‌ها پرداخت شود. آیا صدور بخشنامه ۹۷۲۱۶-۶۴/۱۲/۱۵ نخست‌وزیری، خارج از وظایف قوه مجریه نمی‌باشد، که به اینجانب تحمیل نموده‌اند تا در صورت تمایل به بازنشستگی، ده سال مدت ارفاقی (موضوع تبصره مذکور) صرف‌نظر فرمایید. با توجه به مراتب، تقاضای رسیدگی دارد. با انجام تبادل لایحه اداره کل حقوقی ریاست‌جمهوری، طی نامه شماره ۳۳۶۱-۷۱/۲/۱۴، مبادرت به ارسال تصویب‌نامه شماره ۳۱/۹۴-۷۱/۱۲/۶ سازمان امور اداری و استخدامی کشور، نموده است. در نامه مزبور آمده است: به موجب تبصره اصلاحی ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری که در حال حاضر ملغی‌الایثر شده، مقرر شده بود که وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی می‌توانند با تأیید هیئتی مرکب از ... و تصویب وزیر یا رئیس سازمان دولتی مستخدمین رسمی، مشمول قانون استخدام کشوری خود را که حداقل ۲۰ سال سابقه خدمت دارند، با ارفاق حداکثر ده سال، در احتساب حقوق بازنشستگی بازنشسته کنند. در تبصره مذکور، اصولاً درخواست مستخدم برای استفاده از مزایای آن تبصره شرط نشده و بر فرض درخواست مستخدم نیز، مؤسسه مربوطه تکلیفی برای پذیرش آن و ارفاق سنوات خدمت به مستخدم نداشته است. لیکن چون برخی از مستخدمین با دارابودن حداقل ۲۰ سال خدمت، به دستگاه ذی‌ربط مراجعه نموده و با تمایل شخص در قبال قبول تقاضای بازنشستگی از سوی مؤسسه متبوع خود، حاضر به انصراف دائم از دریافت مابه‌التفاوت ناشی از ارفاق خدمت بودند و این تمایل را کتباً و صریحاً ابراز می‌نمودند. لذا به موجب تصویب‌نامه شماره ۹۷۲۱۶-۶۴/۱۲/۱۵ هیئت وزیران، به وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی اجازه داده شد با رعایت شرایط خاصی، با درخواست این قبیل مستخدمین موافقت نمایند و در تصویب‌نامه اجباری برای مستخدمین به وجود نیامده است و در مواردی که مستخدم کتباً و صراحتاً تمایل خود را نسبت به بازنشستگی و انصراف دائم از دریافت مابه‌التفاوت

مورد بحث اعلام نموده باشد، نسبت به بازنشستگی وی اقدام شده است، که در این صورت با وجود انصراف کتبی قبلی، موردی برای طرح شکایت مبنی بر عدم استفاده از مابه‌التفاوت سنوات ارفاقی باقی نمی‌ماند. مدیرکل دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی نیز در پاسخ به شکایت شاکی، طی نامه شماره ۵/۱۸۹/ن-۷۱/۲/۵، مبادرت به ارسال تصویب‌نامه شماره ۵/۵۲۱۷۷ الف ۳، مورخ ۷۱/۱/۲۳ سازمان منطقه‌ای بهداشت و درمان استان گیلان، نموده است. در نامه مزبور آمده است: در خصوص مصوبات مورداشاره در شکواییه تنها بخشنامه ۹-۱۲۵۰-۶۴/۵/۳۱، به استناد دادنامه شماره ۳۶-۶۹-۶۴/۱۰/هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، لغو گردیده که در مورد نامبرده با توجه به تاریخ بازنشستگی و مستند بازنشستگی وی تسری نداشته است.

جلسه هیئت عمومی

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا عباسی فرد و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، به اتفاق آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی وحدت رویه

قانون گذار به شرح فصل هشتم لایحه قانونی استخدام کشوری، با لحاظ مقتضیات و مصالح عمومی و اداری و رعایت حال مستخدم رسمی، مشمول لایحه قانونی مزبور ضوابط و قواعد خاص و مبسوطی در باب شرایط بازنشستگی، از حیث سن و سابقه خدمت مستخدم وضع کرده است و همان طور که در دادنامه شماره ۳۶، مورخ ۶۴/۱۰/۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، در خصوص رسیدگی به اعتراض نسبت به مصوبه شماره ۹/۱۲۵۰-مورخ ۶۴/۵/۳۱، تصریح گردیده است، وضع مقرراتی مابین با اهداف مقنن در این مقوله، از حدود اختیارات قوه مجریه خارج می‌باشد. بنابراین مصوبه شماره ۹۷۲۱۶-مورخ ۶۲/۱۲/۶۱۵، که از نظر مفاد و مدلول، مشابه مصوبه ابطال شده مورخ ۶۴/۵/۳۱ می‌باشد، تابع آثار و نتایج حاصل از دادنامه فوق‌الذکر تشخیص داده می‌شود.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدرضا عباسی فرد

رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در مورد منع بازنشستگی کارکنان بانکها با استفاده از سنوات ارفاقی (صفحة ۷۵۸)

روزنامه رسمی شماره ۱۳۹۷۳ ۱۳۷۱/۱۲/۳ - شماره هـ ۱۳۷۱/۱۱/۱۴ - ۱۳۷۱/۱۱/۱۴

تاریخ ۱۳۷۱/۸/۱۶ - شماره دادنامه، ۱۷۷ - کلاسه پرونده، ۱۲۳/۷۱

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: مدیرعامل بانک سپه

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۹ و ۲۰ دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف- شعبه نهم، در رسیدگی به پرونده کلاسه ۵۵۳/۶۹، موضوع شکایت آقای ایرج محمدی به طرفیت بانک سپه به خواسته ارفاق چهار سال به بازنشستگی، طی دادنامه ۳۵۹-۷۰/۷/۳۰ چنین رأی صادر نموده است: با توجه به تبصره یک اصلاحی ماده ۷۴ لایحه قانونی استخدام کشوری، مصوب ۱۳۶۷/۳/۲۷، در باب منع اعطاء مدت ارفاقی و افزایش آن به سنوات خدمت دولتی مستخدمین، دولت در امر بازنشستگی تمسک به تبصره ماده ۹۷ آیین نامه استخدامی مشترک بانکها که منسوخ گردیده است، مجوزی ندارد و شکایت موجه نیست و رد می شود.

ب- شعبه بیستم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۸/۷۰ موضوع شکایت خانم منیره ارواندی به طرفیت بانک سپه به خواسته اجرای مفاد تبصره ذیل ماده ۹۷ آیین نامه استخدامی مشارکت بانکها، در خصوص ارفاق پنج سال خدمت اضافی در احتساب حقوق بازنشستگی، به شرح دادنامه شماره ۶۱۹-۷۰/۱۱/۲۷، چنین رأی صادر نموده است: با در نظر گرفتن مفاد تبصره ماده ۹۷ آیین نامه استخدامی مشترک بانکها که حاکم بر زمان بازنشستگی شاکی بوده و با توجه به دادنامه شماره ۸۸-۶۸/۹/۲۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، محرومیت شاکیه از ارفاق مزبور، به عذر این که از مفاد تبصره ماده ۹۷، صراحتاً الزام بانک سپه به ارفاق ۵ سال خدمت اضافی استنباط نمی گردد، فاقد محمل قانونی بوده و حکم به ورود شکایت شاکیه و لزوم اجرای مفاد تبصره مورد بحث درباره نامبرده، با رعایت سایر مقررات قانونی صادر و اعلام می گردد.

جلسه هیئت عمومی

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق، به ریاست حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا عباسی فرد و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی وحدت رویه

بهموجب تبصره یک اصلاحی ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری، مصوب ۶۵/۳/۲۷، کلیه وزارتخانهها، سازمانها، بانکها

و مؤسسات دولتی، می‌توانند مستخدم رسمی و ثابت خود را (به‌جز مشمولان قانون کار و تأمین اجتماعی) بنا به تقاضای آنان، با رعایت شرایط مندرج در تبصره مزبور، منحصرأ با سنوات خدمت دولتی مربوط، بازنشسته کنند. بنابراین احتساب سنوات ارفاقی در امر بازنشستگی مستخدمین رسمی بانک‌ها بر اساس ماده ۹۷ آیین‌نامه استخدامی مشترک بانک‌ها، مصوب شهریور ۱۳۶۰ که به حکم تبصره اصلاحی مذکور منسوخ گردیده است، موقعیت قانونی ندارد و دادنامه شماره ۳۵۹، مورخ ۷۰/۵۰/۳۰، شعبه نهم دیوان، در پرونده کلاسه ۵۵۳/۶۹ که متضمن این معنی می‌باشد، موافق اصول و موازین قانون تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد قسمت آخر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدرضا عباسی فرد

رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در مورد چهار ماه مرخصی قبل از بازنشستگی (صفحة ۷۵۹)

روزنامه رسمی شماره ۱۳۹۷۴-۱۳۷۱/۱۲/۴- شماره هـ ۱۳۶/۷۱-۱۳۷۱/۱۱/۱۴

تاریخ ۱۳۷۱/۸/۱۶- شماره دادنامه: ۱۷۲- کلاسه پرونده: ۱۲۶/۷۱

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای اسماعیل قاسمی پیرکوهی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۲ و ۲۰ دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف- شعبه بیستم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۶۰۳/۶۹ موضوع شکایت آقای قاسم حق شناس به طرفیت مؤسسه تحقیقات جنگل ها و مراتع سازمان جنگل ها و مراتع کشور به خواسته طلب مانده مرخصی پس از استفاده، به مدت هشت ماه و بیست و هشت روز، به شرح دادنامه شماره ۵۱۰-۷۰/۹/۳۰، چنین رأی صادر نموده است: با ملاحظه نامه شماره ۱ سیار ۱۳۵۹/۲/۲۰، مرکز تحقیقات منطقه کرانه مازندران نوشهر که ادعای شاکی را مبنی بر طلب هشت ماه و بیست و هشت روز مرخصی استحقاقی تأیید نموده است، لذا حکم به ورود شکایت و الزام خواننده به پرداخت وجوه استحقاقی، معادل مدت مرخصی استحقاقی مورد دعوی، صادر و اعلام می شود.

ب- شعبه دوم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۶۱۱/۷۰، موضوع شکایت آقای اسماعیل قاسمی پیرکوهی به طرفیت سرچنگلداری منطقه استان گیلان رشت به خواسته مطالبه مرخصی به مدت ۲۳۰ روز، به شرح دادنامه شماره ۴۳-۱۳۷۱/۱/۲۴، چنین رأی صادر نموده است: به موجب ماده ۱۷ آیین نامه مرخصی ها، حداکثر مدت مرخصی موضوع ماده ۱۵ و ۱۶ این آیین نامه، از چهار ماه تجاوز نخواهد کرد و نظر به این که طی نامه مورخ ۱۳۶۹/۱۲/۸، مدیرکل کارگزینی و رفاه به اداره کل منابع طبیعی استان گیلان، شاکی از چهار ماه مرخصی قبل از بازنشستگی استفاده نموده، لذا تخلفی از خواننده مشهود نیست و ایرادی به نظر نمی رسد و به نحو مطرح، رأی بر رد شکایت صادر می گردد.

جلسه هیئت عمومی

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا عباسی فرد و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی وحدت رویه

رأی هیئت عمومی با توجه به ماده ۴۷ قانون استخدام کشوری، در خصوص استحقاق مستخدم رسمی به استفاده از

یک ماه مرخصی در هر سال و عنایت به ماده ۱۷ آیین نامه مرخصی‌ها که مقرر داشته است: حداکثر مرخصی موضوع ماده‌های ۱۵ و ۱۶ این آیین نامه از چهار ماه تجاوز نخواهد کرد و این که در تاریخ بازنشستگی شاکیان، مقرراتی مبنی بر الزام وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مشمول قانون استخدام کشوری به اعطاء مرخصی قبل از بازنشستگی، به مدت بیش از چهار ماه یا پرداخت حقوق و مزایای ایام مرخصی استفاده نشده، وجود نداشته است. دادنامه شماره ۴۳ مورخ ۷۱/۱/۲۴ شعبه دوم دیوان عدالت اداری، در پرونده کلاسه ۶۱۱/۷۰ که متضمن این معنی می‌باشد، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد قسمت آخر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری، برای شعب دیوان و سایر مراجع مزبور در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدرضا عباسی فرد

رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در مورد بازنشستگی پیش از موعد مشمولین تأمین اجتماعی با سنوات خدمت (صفحة ۷۶۰)

روزنامه رسمی شماره ۱۳۹۷۴-۱۳۷۱/۱۲/۴- شماره هـ ۱۵۰/۷۱- ۱۳۷۱/۱۱/۱۴

تاریخ ۷۱/۹/۷- شماره دادنامه: ۱۸۷- کلاسه پرونده: ۱۵۰/۷۱

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: خانم سکینه طاهباز

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۴ و ۱۴ و ۱۶ دیوان عدالت اداری
مقدمه:

الف- شعبه چهاردهم، در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۳۹/۷۱، موضوع شکایت خانم سکینه طاهباز به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به خواسته اصلاح حکم حقوقی بازنشستگی و برقراری پرداخت آن طی دادنامه شماره ۶۳۰-۷۱/۵/۲۴، چنین رأی صادر نموده است: نظر به اعتبار اسناد رسمی و با توجه به قانون و مقررات ثبت اسناد رسمی و این که حسب لایحه جوابیه مورخ ۷۱/۵/۱۷ سازمان تأمین اجتماعی اعلام شده، شاکی حسب مفاد سند رسمی تنظیمی، در کمال آزادی و اختیار و رضایت، مبلغی از مستمری ماهیانه خود را، ضمن عقد شرط لازم جهت کمک به اهداف تأمین اجتماعی، به سازمان تأمین اجتماعی صلح بلاعوض نموده اند... لذا شکواییه شاکی حسب قسمت اخیر سند رسمی فوق الاشعار، فاقد ارزش و اعتبار قانونی می باشد... سازمان تأمین و بازنشستگان از تاریخ ۷۰/۱/۱، مستمری کامل خود را بر اساس ماده ۱۱۴ قانون تأمین اجتماعی دریافت می نمایند. لذا حکم به رد شکایت شاکی صادر می گردد.

ب- شعبه شانزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۳۱۲/۶۸ و ۷۲۹/۷۰، موضوع شکایت آقایان سید محمدحسن کتابیان و عطاء... عباسی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به خواسته اصلاح حکم بازنشستگی و برقراری پرداخت آن به شرح دادنامه های شماره ۳۲۱-۷۰/۶/۲۸ و ۲۶۲-۷۱/۵/۲۱، چنین رأی صادر نموده است: با توجه به رأی شماره ۵۲-۷۰/۵/۸، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در مقام رسیدگی به دستورالعمل شماره ۱۳-۶۲/۷/۴۹۶۹/۱۳ سازمان و ابطال آن تحت عنوان این که تنظیم سند رسمی اخذ تعهد در زمینه اسقاط حق و ادعا از افراد واجد شرایط استفاده از بازنشستگی پیش از موعد در ماده ۱۱۴ قانون تأمین اجتماعی و تبصره ۱ ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری پیش بینی نگردیده است، فلذا، به استناد رأی لازم الاتباع یادشده، حکم به ورود شکایت و انجام خواسته شاکی از سوی سازمان تأمین اجتماعی صادر می گردد.

ج- شعبه چهارم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۰۴۹/۷۰ و ۲۰۱/۷۱، موضوع شکایت آقای جواد روستایی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به خواسته اعتراض به کاهش و کسر حقوق مستمری بازنشستگی، به شرح دادنامه شماره ۶۱۲/۶۱۳، مورخ ۷۱/۵/۲۶، چنین رأی صادر نموده است: نظر به این که دستورالعمل شماره ۴۹۶۹-۶۲/۷/۳ سازمان تأمین اجتماعی مبنی بر استفاده از بازنشستگی پیش از موعد، با سنوات خدمت، با سپردن تعهد رسمی مبنی بر صلح بلاعوض به نفع سازمان، به موجب رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال شده و ابطال دستورالعمل

مذکور کاشف از این است که این دستورالعمل از همان ابتدا و از تاریخ صدور آن ارزش و اعتبار قانونی نداشته است و همان طور که در دادنامه هیئت عمومی دیوان اشاره گردید، صلح بلاعوض مابه‌التفاوت حقوق بازنشستگی ناشی از افزایش سنوات خدمت ارفاقی در ماده ۱۱۴ قانون تأمین اجتماعی و تبصره یک ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری، مصوب ۵۱/۱۲/۲۴، پیش‌بینی نگردیده، لذا شکایت وارده تشخیص و حکم به استحقاق شاکیان، به دریافت حقوق بازنشستگی کامل، از تاریخ بازنشستگی، بر اساس مواد مرقوم صادر می‌گردد.

جلسه هیئت عمومی

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق، به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا عباسی فرد و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی وحدت رویه

نظر به این که دستورالعمل شماره ۴۹۶۹/۱-۶۲/۷/۳-۱ صادره از سازمان تأمین اجتماعی، مبنی بر استفاده از بازنشستگی پیش از موعد، با سنوات خدمت، با سپردن تعهد رسمی مبنی بر صلح بالعوض به نفع آن سازمان، به موجب دادنامه شماره ۷۰/۶/۱۳-۱۵۰/۶۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، ابطال شده و ابطال دستورالعمل مذکور کاشف از این است که از همان ابتدا و از تاریخ صدور آن ارزش و اعتبار قانونی نداشته است و صلح بلاعوض مابه‌التفاوت حقوق بازنشستگی ناشی از افزایش سنوات خدمت ارفاقی، در ماده ۱۱۴ قانون تأمین اجتماعی و تبصره یک ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری، مصوب ۵۱/۱۲/۲۴، پیش‌بینی نگردیده، بنابراین، آراء صادره از شعب ۴ و ۱۶ دیوان عدالت اداری، مبنی بر حقانیت شکایت منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌گردد.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدرضا عباسی فرد

رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری در مورد بازنشستگی کارکنان به استناد تبصره ۱ ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری (صفحه ۴۲۵)

نقل از شماره ۱۴۱۲۷-۱۳۷۲/۶/۲۰- شماره هـ ۱۸۰/۷۱-۱۸۰/۲۶/۴

تاریخ ۷۲/۱/۲۱- شماره دادنامه: ۲- کلاسه پرونده: ۱۸۰/۷۱

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: سازمان بازنشستگی کشوری

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب هفتم و هشتم دیوان عدالت اداری مقدمه:

الف- شعبه هفتم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۵۶۳/۶۸ و ۶۱۹/۶۶ موضوع شکایت خانم فاطمه حریری به طرفیت آموزش و پرورش به خواسته ابطال حکم بازنشستگی صادره و آثار آن و الزام اداره خواننده به اعاده به خدمت، به شرح دادنامه شماره ۲۶۷ و ۲۶۶-۶۹/۴/۲۷، چنین رأی صادر نموده است: با توجه به این که در تبصره ۱ ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری تصریح گردیده (کلیه وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی و... می‌توانند مستخدمین رسمی یا ثابت یا اداری عناوین مشابه خود را در مشاغل غیرتخصصی، بر اساس درخواست کتبی آنان و موافقت بالاترین مقام دستگاه اجرایی، مشروط بر آنکه بیش از بیست سال سابقه خدمت داشته باشند، بر اساس سنوات خدمت، بازنشسته نمایند...) و در نتیجه صدور حکم بازنشستگی بر اساس درخواست کتبی مستخدم قید گردیده. درحالی که شاکیه، به شرح دادخواست تقدیمی، مدعی است به هیچ وجه تقاضایی در این خصوص ننموده است و در لایحه جوابیه اعلام شده است و در سابقه امر و پرونده واصله تقاضایی از ناحیه شاکی مشاهده نگردیده. لذا به نظر می‌رسد در صدور حکم بازنشستگی شاکیه مقررات قانونی به نحو کامل اجرا نگردیده است و حکم بازنشستگی صادره فاقد اعتبار قانونی تشخیص و در نتیجه رأی به ورود شکایت شاکیه و ابطال حکم بازنشستگی صادر و اعاده به خدمت نامبرده صادر می‌گردد.

ب- شعبه هشتم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۴۲/۶۸، موضوع شکایت آقای محمد فتاحی مسرور به طرفیت آموزش و پرورش لاهیجان به خواسته لغو حکم بازنشستگی و اعاده به شغل اولیه، به شرح دادنامه شماره ۳۹۴-۶۹/۷/۳۰، چنین رأی صادر نموده است: با توجه به توضیحات سازمان طرف شکایت، به شرح لایحه مورخ ۶۸/۱۰/۱۰، اجمالاً مبنی بر این که آقای محمد فتاحی مسرور، با بیش از ۲۵ سال خدمت، با استناد تبصره اصلاحی ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری، مصوب ۵۳/۱۲/۲۸، بازنشسته گردیده و با عنایت به این که اجرای تبصره مذکور نیازی به موافقت مستخدم نداشته، تخلفی در اجرای مقررات قانونی مشهود نیست و شکایت مردود تشخیص داده می‌شود.

جلسه هیئت عمومی

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق، به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا عباسی فرد و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، به اتفاق آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی وحدت رویه

اجرای مقررات تبصره اصلاحی ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری، مصوب ۵۳/۱۲/۲۵ (که در هر دو پرونده در صدور حکم بازنشستگی شاکیان و در زمان حاکمیت قانون مرقوم مورد استناد سازمان طرف شکایت قرار گرفته) نیازی به تقاضای مستخدم نداشته است. بنا به مراتب رأی صادره از شعبه هشتم که در این مبنا صادر گردیده، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی وفق قسمت اخیر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری، برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدرضا عباسی فرد

رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری در مورد انتقال کسور بازنشستگی (صفحه ۴۵۱)

نقل از شماره ۱۴۴۰۹-۱۳۷۳/۶/۵، روزنامه رسمی- شماره هـ ۱۸۰/۷۲-۱۳۷۳/۳/۲۸

تاریخ: ۷۳/۱/۲۷- شماره دادنامه: ۴- کلاسه پرونده: ۱۸۰/۷۲

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: مدیر امور حقوقی سازمان بازنشستگی کشوری

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۴ و ۱۶ دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف- شعبه چهارم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۷۴۷/۷۱، موضوع شکایت آقای مهدی رضایی جعفری به طرفیت سازمان بازنشستگی کشور به خواسته انتقال کسور بازنشستگی طی دادنامه شماره ۷۲/۶/۲۴-۹۵۳، چنین رأی صادر نموده است: نظر به این که ماده ۸ آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال، حق بیمه یا بازنشستگی مصوب ۶۵/۱۱/۸ و اصلاحی مورخ ۶۵/۵/۲۸، مصرح است در صورتی که رابطه استخدامی شخص با دستگاه متبوعش، به لحاظ استعفاء، اخراج، باز خرید خدمت یا انفصال دائم و... قطع شود یا می شود، کسور بازنشستگی یا حق بیمه خود را دریافت نموده باشد، می تواند تقاضای انتقال آن را نماید و با توجه به این که نامبرده کسور بازنشستگی خود را دریافت نموده است و با عنایت به این که قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب ۶۷/۳/۲۷ مجلس شورای اسلامی، بعد از قانون بازسازی تصویب و بر قانون بازسازی وارد می باشد و بند ۱۰ ماده ۲۰ مورد نظر سازمان طرف شکایت را در این خصوص به طور ضمنی فسخ نموده است، به علاوه، همسر دائمی شاکی طی نامه مورخ ۷۲/۶/۹، که به گواهی دفتر شعبه هجدهم دیوان عدالت اداری رسیده، اعلام نموده، نسبت به کسور بازنشستگی شاکی هیچ گونه ادعایی ندارد و تقاضا کرده کسور مذکور در حق شوهرش (مهدی رضایی جعفری) پرداخت شود و توجهاً به سایر محتویات پرونده، شکایت وارده تشخیص و حکم به الزام سازمان بازنشستگی کشوری به انتقال کسور بازنشستگی شاکی به صندوق تأمین اجتماعی صادر و اعلام می گردد.

ب- شعبه شانزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۴۸۵/۷۰، موضوع شکایت آقای محمدابراهیم تحویل زاده به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته انتقال کسورات بازنشستگی از سازمان بازنشستگی به سازمان تأمین اجتماعی، طی دادنامه شماره ۷۸۳-۷۱/۱۱/۱۴، چنین رأی صادر نموده است: حسب پاسخ واصله از امور حقوقی سازمان طرف شکایت، نامبرده به استناد بند ۱۰ ماده ۲۰ قانون بازسازی نیروی انسانی مصوب سال ۶۰ مجلس شورای اسلامی، از خدمت اخراج شده و به صراحت بند ۱۰ ماده مذکور، کسور بازنشستگی متعلق حق خانواده وی بوده و تعلق به شاکی ندارد، قطع نظر از عدم پرداخت کسور یادشده به خانواده شاکی قبل از اخراج، اصولاً به جهت سلب حق شاکی بر اساس قانون مرقوم تخلفی از مقررات مشهود نگردید، حکم به رد شکایت صادر می گردد.

جلسه هیئت عمومی

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق، به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقای محقق، قائم‌مقام دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی وحدت رویه

هرچند در بند ۱۰ ماده ۲۰ قانون بازسازی نیروی انسانی پرداخت کسور بازنشستگی مستخدم اخراج شده به خانواده او تجویز گردیده، لیکن کسور بازنشستگی که به حکم قانون از حقوق و مزایای مستخدم رسمی کسر شده، علی‌القاعده متعلق حق او بوده است که در صورت بقاء آن در صندوق بازنشستگی، مشمول عموم و اطلاق حکم مؤخرالتصویب ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب ۶۵/۳/۲۷ می‌باشد که مقرر داشته است «حق بیمه یا بازنشستگی سوابق خدمت اشخاصی که وجوهی را به هریک از صندوق‌های بیمه یا بازنشستگی یا صندوق‌های مشابه پرداخت نموده‌اند، در صورتی که محل کار یا خدمت آنان تغییر نموده و به تبع آن از شمول خدمات صندوق مربوطه خارج شده باشند، یا طبق ضوابط قانونی مشترک صندوق دیگری شده‌اند، به میزان ۴ درصد آخرین حقوق و مزایای آنان که مبنای برداشت حق بیمه یا بازنشستگی قرار گرفته است، بابت هر ماه، به صندوقی که مشمول به تبع شغل خود، مشترک آن شده است، منتقل می‌شود...» لذا به جهات فوق‌الذکر و با توجه به ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور، دادنامه شماره ۹۵۳ مورخ ۷۲/۶/۲۴، شعبه چهارم، در پرونده کلاسه ۱۷۴۷/۷۱ که مفید لزوم انتقال کسور بازنشستگی از صندوق بازنشستگی کشوری به صندوق بازنشستگی سازمان تأمین اجتماعی می‌باشد، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد قسمت آخر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری، برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط، در موارد مشابه، لازم‌الاتباع است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، قائم‌مقام رئیس کل دیوان عدالت اداری - حسین محقق قمی

رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری در مورد مدت پرداخت کسور بازنشستگی (صفحه ۵۴۲)

نقل از شماره ۱۴۷۴۸-۱۳۷۴/۷/۲۹، روزنامه رسمی - شماره هـ ۱۳۷/۷۳-۱۳۷۴/۵/۱۹

تاریخ ۷۳/۱۲/۶ - شماره دادنامه: ۱۴۸ - کلاس پرونده: ۱۳۷/۷۳

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: مدیر کل کارگزینی راه آهن جمهوری اسلامی ایران

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۷ و ۱۴ دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف - شعبه چهاردهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۵۳۶/۷۱، موضوع شکایت آقای محمداقاسم عبایان به طرفیت راه آهن جمهوری اسلامی ایران به خواسته کسور بازنشستگی از تاریخ ۱۶۹/۱، بیش از سی سال مالیات کسر ولی در تاریخ ۷۰/۲۰۱، تفاوت را محاسبه ننموده اند، طی دادنامه شماره ۱۶۳۴-۷۹/۸/۲۹، چنین رأی صادر نموده است: اداره کل کارگزینی راه آهن جمهوری اسلامی ایران، طی لایحه جوابیه مورخ ۷۲/۸/۱۶، در پاسخ اعلام داشته، سازمان بازنشستگی کشوری مبنای تاریخ پرداخت کسور بازنشستگی توسط کارکنان راه آهن را از تاریخ ۴۷/۱/۱، که نوع خدمت کارکنان مذکور به رسمی تبدیل شده است، می داند... تاریخ خودداری از کسر کسور بازنشستگی شاکی نیز از ۷۰/۱/۲۰، که بدهی کسور بازنشستگی خدمت غیررسمی را به بانک واریز نموده است، منظور شده است. لذا در ارتباط با شکایت شاکی تخلفی از قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها از ناحیه کارگزینی راه آهن جمهوری اسلامی ایران مشهود نیست و حکم به رد شکایت نامبرده صادر و اعلام می گردد.

ب - شعبه هفتم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۴۸۴/۷۲، موضوع شکایت آقای عباس رحمتی به طرفیت اداره کل کارگزینی راه آهن جمهوری اسلامی ایران به خواسته تقاضای لغو احکام صادره ۴ درصد و ۳ درصد و صدور حکم و برگشت به روال قبلی ۸ درصد و ۶ درصد طی دادنامه شماره ۱۲۴۰-۷۲/۱۲/۸، چنین رأی صادر نموده است: بنا به مراتب و با توجه به این که به هر تقدیر، شاکی گرچه کسور بازنشستگی ایام خدمت غیررسمی را در تاریخ ۷۲/۲/۶، به بانک واریز نموده که اداره راه آهن نیز معتقد است تاریخ مبنای خودداری از کسر کسور بازنشستگی کارکنان که سی سال خدمت یا بیشتر دارند، تاریخی است که مدت خدمت آنان به سی سال تمام می رسد و... و تبصره ۲ ماده ۳ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی وظیفه قانون استخدام کشوری منافات با عقیده اداره راه آهن ندارد، لذا شکایت شاکی وارد تشخیص و حکم به احتساب تاریخ مبنای خودداری از کسر کسور بازنشستگی شاکی به تاریخی که سنوات خدمت نامبرده به سی سال می رسد، صادر و اعلام می گردد.

جلسه هیئت عمومی

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین اسماعیل فردوسی پور و با حضور

رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره به اتفاق آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی وحدت رویه

به موجب تبصره ۲ ماده ۳ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳، «مستخدمین موضوع این ماده، که سی سال کسور بازنشستگی یا حق بیمه پرداخته اند، از پرداخت کسور بازنشستگی معاف خواهند بود...» نظر به این که حکم تبصره مزبور مفید معافیت از پرداخت کسور بازنشستگی از تاریخ تأدیة آن، به مدت ۳۰ سال تمام است، دادنامه شماره ۱۶۳۴، مورخ ۷۲/۸/۲۹ شعبه چهاردهم دیوان، که متضمن این معنی می باشد، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می شود. این رأی به استناد قسمت آخر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری، برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط، در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - اسماعیل فردوسی پور

رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری در مورد خدمت پرداخت کسور بازنشستگی (صفحه ۷۷۱)

نقل از شماره ۱۴۸۰۵-۱۳۷۴/۱۰/۷-روزنامه رسمی- شماره هـ- ۵۴/۷۴-۱۳۷۴/۸/۷

تاریخ: ۱۳۷۳/۶/۲۵- شماره دادنامه: ۱۰۰- کلاسه پرونده: ۵۴/۷۴

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: مدیرکل سازمان بازنشستگی کشوری

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعبه اول هیئت تجدیدنظر و شعبه هفتم

دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: شعبه اول هیئت تجدیدنظر دیوان عدالت اداری در رسیدگی به تقاضای تجدیدنظر اداره حقوقی سازمان بازنشستگی کشوری، نسبت به دادنامه شماره ۱۷۰-۱۳۷۳/۳/۱۷، صادره از شعبه ۱۲ دیوان عدالت اداری، در پرونده کلاسه ۷۰/۱/۷۱، به طرفیت عبدالحمید حبیبیان، طی دادنامه شماره ۱۱۲-۱۳۷۴/۲/۱۹، اعتراض اداره حقوقی سازمان بازنشستگی کشوری را موجه تشخیص داده و با فسخ دادنامه بدوی، حکم به رد شکایت صادر نموده است.

ب: شعبه هفتم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۹۲۰/۷۲، موضوع شکایت آقای پرویز استواری دیلمانی به طرفیت ۱- شرکت تهیه و توزیع بذل و نهال کشاورزی ۲. سازمان بازنشستگی کل کشور به خواسته افزایش سنواتی ضریب مضاعف و استرداد کسور بازنشستگی مازاد بر سی سال خدمت، به شرح دادنامه شماره ۱۶-۷۴/۱/۱۴، چنین رأی صادره نموده است: با توجه به این که شاکی از تاریخ ۳۸/۱/۲۲ تا ۴۹/۹/۱۳، در بانک صادرات ایران سابقه خدمت داشته که ۶ سال و ۵ ماه آن طبق نامه مورخ ۵۴/۳/۲۱، بانک صادرات، مورد تأیید سازمان بازنشستگی قرار گرفته، ولی کسور خدمت غیررسمی مذکور را طبق نامه سازمان بازنشستگی پرداخت نکرده و به این جهت و به موجب نامه مدیر امور اداری شرکت توزیع بذل و نهال، مشمول افزایش سنوات مضاعف موضوع تبصره ۴ ماده ۲ قانون نظام هماهنگ مصوب سال ۷۰ نشده است و طبق نامه مورخ ۷۲/۶/۱۶، مدیر امور اداری به سازمان بازنشستگی اعلام گردیده که کسورات ایام خدمت غیررسمی آقای پرویز استواری دیلمانی، جمعا به مبلغ ۷۰۰۷۰ ریال، یکجا از حقوق بازنشستگی مشارالیه کسر گردیده، به ضمیمه یک برگ فرم درخواست استرداد کسور بازنشستگی مازاد بر سی سال، ارسال می گردد و چون از حقوق شاکی در طول مدت خدمت در بانک صادرات کسور بازنشستگی کسر نشده است و این موضوع در نامه مورخ ۷۱/۳/۲ شرکت تهیه و توزیع بذل و نهال نیز تأیید گردیده است، لذا با توجه به بخشنامه شماره ۳۳۲۹-۷۳/۹/۷ سازمان امور اداری و استخدامی کشور، نمی تواند از مزایای تبصره ۴ ماده ۲ قانون نظام هماهنگ استفاده کند و استفاده او از این قانون از تاریخ پرداخت کسور مذکور خواهد بود. لذا دفاع خوانده در نامه مورخ ۷۰/۱۰/۱۳، مبنی بر احتساب سنوات خدمت غیررسمی شاکی، بدون احتساب حقوق بازنشستگی، موجه بوده و ایرادی بر آن وارد نیست و شکایت و خواسته

شاکی در این مورد محکوم به رد است و در مورد تقاضای دوم شاکی مبنی بر استرداد کسورات بازنشستگی خدمات مازاد بر سی سال، با توجه به توضیحات نماینده شرکت توزیع بذر و نهال، مبنی بر ارسال فرم مربوطه به اداره بازنشستگی دایر بر وصول نامه مذکور و استحقاق شاکی به آن، شکایت شاکی در این مورد وارد تشخیص و سازمان بازنشستگی کشور مکلف به پرداخت کسورات مذکور می‌باشد.

جلسه هیئت عمومی

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق، به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین، اسماعیل فردوسی پور و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی وحدت رویه

تبصره ۲ ماده ۳ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه مصوب ۶۸/۱۲/۱۳ مفید معافیت مستخدم رسمی از پرداخت کسور بازنشستگی از تاریخی است که سی سال تمام کسور بازنشستگی را پرداخته باشد. بنابراین دادنامه شماره ۱۱۲-۱۹/۲/۷۴ شعبه اول هیئت تجدیدنظر دیوان، در حدی که متضمن این معنی می‌باشد، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی مطابق قسمت اخیر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری، در موارد مشابه برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوطه، لازم‌الاتباع می‌باشد.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - اسماعیل فردوسی پور

رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری در مورد نحوه محاسبه حقوق بازنشستگی کارکنان صداوسیما (صفحه ۷۷۲)

نقل از شماره ۱۴۸۰۵-۱۳۷۴/۱۰/۷، روزنامه رسمی - شماره هـ ۱۰۱/۷۳ - ۱۳۷۴/۷/۱

تاریخ: ۱۳۷۴/۶/۱۱ - شماره دادنامه: ۹۴ - کلاسه پرونده: ۱۰۱/۷۳

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: مدیر دفتر حقوقی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۹ و ۱۳ دیوان عدالت اداری مقدمه:

الف: شعبه نهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۳۲۶/۷۱ موضوع شکایت خانم اختر بالائی به طرفیت صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به خواسته اعتراض به تضييع حقوق بازنشستگی، به شرح دادنامه شماره ۵۱۹-۷۲/۶/۱۵، چنین رأی صادر نموده است: چون شاکی به موجب ابلاغ شماره ۴۷۲-۱۱، به مورخ ۶۸/۱۱/۳۰، از تاریخ ۶۸/۱۲/۱، بازنشسته شده است، احتساب حقوق بازنشستگی او بر مبنای مقررات قبلی آیین نامه استخدامی سازمان صداوسیما که به شرح مصوب ۲۳/۴۹۱۴/۲۲۰۰ مورخ ۶۸/۱۱/۲۸، ملغی و ضوابط جدید جانشین آن شده است، ملاک موجهی ندارد. لذا شکایت رد می شود.

ب: شعبه سیزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۶۷۷/۷۱ موضوع شکایت آقای حسن دشتی به طرفیت صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به خواسته اعتراض به صدور مجدد حکم حقوق بازنشستگی و مطالبه مابه التفاوت یا لغو حکم و ارجاع به کار طی دادنامه شماره ۲۶-۷۳/۲/۵، چنین صادر نموده است: با توجه به مفاد لایحه جوابیه سازمان طرف شکایت، مبنی بر این که ابلاغ بازنشستگی شاکی از تاریخ ۶۸/۱۲/۱ صادر، که هم زمان با تحقق و اجرای احکام بازنشستگی بند ۶/۴/۴ آیین نامه استخدامی سازمان ناظر بر نحوه محاسبه حقوق بازنشستگان اصلاح که حکم حقوقی جدید شاکی، مورخ ۶۹/۹/۱۰ صادر و حکم حقوقی بازنشستگی قبلی لغو شده است. لذا با توجه به مفاد شکوایه و لایحه دفاعیه و مدارک ارسالی و دیگر قرائن موجود، نتیجتاً، به دلیل آنکه حکم حقوقی بازنشستگی شاکی به شماره ۴۶۱۶-۱۱ به مورخ ۶۸/۱۱/۱۶، با تقاضای شخصی، رسماً از تاریخ ۶۸/۱۱/۱۲ می باشد و تاریخ اصلاح آیین نامه استخدامی سازمان که پیرو آن حکم بازنشستگی حقوقی جدید مورخ ۶۹/۹/۱۰ صادر شد که منجر به تضييع و مسقط حقوق شاکی گردید. لذا حکم به ورود شکایت شاکی و برقراری حقوق بازنشستگی به مآخذ حکم سابق الصدور، مورخ ۶۸/۱۱/۱۶ از تاریخ ۶۸/۱۲/۱، که تاریخ رسمی و واقعی بازنشستگی شاکی می باشد، صادر و اعلام می گردد.

جلسه هیئت عمومی

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق، به ریاست حجت الاسلام والمسلمین، اسماعیل فردوسی پور و با

حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی وحدت رویه

با توجه به مقررات اصلاحی ماده ۴-۴-۶ آیین‌نامه استخدامی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۲۸، در باب کیفیت محاسبه حقوق بازنشستگی و قابلیت اجرای آن از تاریخ ۶۸/۱۲/۱ دادنامه شماره ۵۱۹-۷۲/۶/۱۵، شعبه نهم دیوان عدالت اداری، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد قسمت آخر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوطه، در موارد مشابه، لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - اسماعیل فردوسی‌پور

رأی دیوان عدالت اداری در رابطه با

سازمان بیمه و بازنشستگی ارتش (صفحه ۴۸۱)

نقل از شماره ۱۵۰۲۲-۱۳۷۵/۷/۷- روزنامه رسمی - شماره هـ ۷۲/۷۴-۳/۲۶-۱۳۷۵

تاریخ: ۱۳۷۴/۸/۶ - شماره دادنامه: ۱۳۰ - کلاس پرونده: ۷۲/۷۴

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: عزیز شریفی نامقی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۵ و ۱۸ دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: شعبه پنجم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۷۳/۷۰، موضوع شکایت آقای عزیز شریفی نامقی به طرفیت اداره بازنشستگی ارتش جمهوری اسلامی ایران به خواسته برقراری حقوق بازنشستگی به شرح دادنامه شماره ۹۷۷-۷۰/۱۱/۲۹، چنین رأی صادر نموده است: نظر به این که سازمان بیمه و بازنشستگی ارتش جمهوری اسلامی ایران، به استناد نامه شماره ۷۳۳-۵۰۰-۶۶-۴۱۱، مورخ ۱۳۶۳/۶/۵، دادسرای نظامی و نامه‌های شماره ۴۱/۵۳/۴۰-۶۴/۴/۱۳ دادبازی دادسرای انقلاب اسلامی ارتش و ۴۵۳/۷۷، مورخ ۷۰/۶/۳، نماینده دادستانی انقلاب اسلامی ارتش در خراسان قطع شده است. هرچند شاکی منکر عضویت در فرقه ضاله بهائیت شده، نظر به این که قطع حقوق وی بر اساس تصمیم مرجع قضایی صورت پذیرفته و سازمان بیمه و بازنشستگی اجرای دستور مرجع قضایی را نموده است. بنابراین شکایت شاکی علیه سازمان مذکور وارد نبوده و تخلفی از مقررات به نظر نمی‌رسد. علی‌هذا، حکم به رد شکایت شاکی صادر و اعلام می‌گردد.

ب: شعبه پنجم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۴۴/۷۱، موضوع شکایت آقای احسان... فرقانی به طرفیت اداره بازنشستگی ارتش به خواسته برقراری حقوق و مزایای بازنشستگی درجه‌داری، طی دادنامه شماره ۸۷۲-۷۱/۹/۲۲، چنین رأی صادر نموده است: با استناد به تبصره ۳ ماده واحده قانون منع استخدام که متدین به یکی از ادیان اسلام، زرتشتی، کلیمی، مسیحی نیستند، در نیروهای مسلح، مصوب ۵۸/۸/۲۹ شورای انقلاب، نظر به این که شاکی، از جمله درجه‌داران ارتش، بود، قطع حقوق بازنشستگی وی مجاز نبوده. بنابراین حکم به ورود شکایت و الزام اداره طرف شکایت به برقراری حقوق بازنشستگی شاکی صادر و اعلام می‌گردد.

ج: شعبه هجدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۵۱/۶۹، موضوع شکایت آقای ابراهیم معبودیان به طرفیت ناجا به خواسته برقراری حقوق طی دادنامه شماره ۵۴۱-۷۲/۷/۲۲، چنین رأی صادر نموده است: اداره طرف شکایت قطع حقوق وی را به لحاظ بهایی بودن تلقی نموده است. حسب محتویات پرونده شاکی استوار شهربانی است و حسب مقررات مصوب قطع حقوق درجه‌داران تا حد استوار به لحاظ استضعاف تجویز نگردیده و این مقررات با بررسی در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری قابل اعمال تشخیص گردیده و رأی شعبه ۵ دیوان که بر همین اساس صادر شده، تأیید شده است. لذا حکم به ورود شکایت شاکی دائر بر دائر کردن حقوق شاکی و پرداخت حقوق کسر شده صادر

و اعلام می‌گردد. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق، به ریاست حجت‌الاسلام‌المسلمین، اسماعیل فردوسی‌پور و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره اکثریت آراء، به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت

نظر به این که سازمان بیمه و بازنشستگی ارتش ملزم به اجرای دستور مراجع قضایی ذی‌ربط بوده، لذا قطع حقوق بازنشستگی در اجرای دستور مراجع قضایی مذکور خلاف مقررات نبوده و دادنامه شماره ۹۷۷ شعبه پنجم که متضمن این امر است، صحیح و موافق قانون تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ذیل ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری، برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع مربوط، در موارد مشابه، لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - اسماعیل فردوسی‌پور

تعارض آراء صادره از شعب در خصوص منتفی شدن انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی در صورت دریافت کسورات بازنشستگی و حق بیمه

تاریخ: ۷۵/۱۲/۱۱ - شماره دادنامه: ۳۱۵ - کلاس پرونده: ۲۴۵/۷۵

شاکیه: خانم مریم رحمتی گرگانی

مقدمه:

الف: شعبه ششم در رسیدگی به پرونده کلاس ۳۲۸/۷۵، موضوع شکایت خانم مریم رحمتی گرگانی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته انتقال کسور بازنشستگی به تأمین اجتماعی به شرح دادنامه شماره ۴۹۶-۷۵/۶/۲۰-۴۹۶ چنین رأی صادر نموده است: نظر به اینکه شاکیه در تاریخ ۶۵/۷/۱ باز خرید خدمت گردیده و کسور پرداختی خود را در ۶۶/۳/۲۷ دریافت داشته است و با عنایت به صراحت ماده ۸ اصلاحی آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، مصوب ۶۵/۳/۲۷ که مقرر داشته «در صورتی که رابطه استخدامی شخص با دستگاه متبوعش، به لحاظ استعفا، اخراج، باز خرید یا انتقال دائم قطع شده یا کسور بازنشستگی یا حق بیمه خود را دریافت داشته، مسئله نقل و انتقال کسور موضوعاً منتفی است». بنابراین خواسته شاکي با توجه به ماده ۸ فوق الذکر، فاقد محمل قانونی است. در نتیجه، شکایت مطروحه غیر وارد تشخیص و رأی به رد آن صادر و اعلام می گردد.

ب: شعبه نهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۴۵۶/۶۹، موضوع شکایت خانم شهرزاد تقی زاده انصاری به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی، سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته انتقال وجوه بازنشستگی از صندوق بازنشستگی کشوری به تأمین اجتماعی به شرح دادنامه شماره ۵۵۶-۷۰/۸/۲۹-۵۵۶ چنین رأی صادره نموده است: علاوه بر اینکه سیاق عبارات ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب ۶۵/۳/۲۷ و تبصره های آن نزد کارکنان دولت، با عنایت به قدرت استنباط و میزان معلومات متعارف آنان نسبت به مقررات استخدامی، به طور قطع و یقین، مفید احراز قابلیت شمول آن به مستخدمینی که رابطه استخدامی آنان با دولت قطع شده، نبوده است. ماده ۸ آیین نامه اجرایی قانون مزبور، مصوب ۶۵/۱۱/۲۷ نیز تنها قطع رابطه استخدامی با دولت در صورت استعفا را مشمول ماده واحده فوق الذکر دانسته بود و به شرح ماده ۸ اصلاحی آیین نامه مذکور، در تاریخ ۶۸/۵/۲۸ شقوق اخراج و باز خرید خدمت و انفصال دائم را به آن افزوده است. با این وصف، فرض شمول قانون به مستخدمینی که از خدمت اخراج یا منفصل دائم یا باز خرید خدمت شده اند، در فاصله زمانی بین تاریخ تصویب ماده ۸ آیین نامه مصوب ۶۵/۱۱/۲۷ و اصلاحیه آن، مصوب ۶۸/۵/۲۸ برای کارکنان دولت متصور نبوده است تا این قبیل مستخدمین با علم و اطلاع از چنین امکانی نسبت به دریافت یا عدم دریافت کسور بازنشستگی خود اقدام نمایند. چنانکه حسب محتویات پرونده نحوه انشاء ماده ۸ آیین نامه مصوب ۶۵/۱۱/۲۷ موجب استرداد کسور بازنشستگی به شاکي بوده است. لذا به جهات فوق الذکر و اینکه تحمیل مسؤلیت و ضرر و زیان ناشی از مصوبات قوه مجریه به مستخدمین دولت موافق اصول عدالت و موازین قانونی نیست، حکم به ورود شکایت صادر می شود.

ج: شعبه چهاردهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۴۷/۷۰، موضوع شکایت خانم سهیلا محمودیان به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری-سازمان تأمین اجتماعی به خواسته اعاده کسور بازنشستگی و انتقال آن از صندوق بازنشستگی کشوری به صندوق تأمین اجتماعی، به شرح دادنامه شماره ۲۳۳۴-۴/۴/۷۰ چنین رأی صادره نموده است: با توجه به صراحت ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی و تبصره‌های ذیل آن، مصوب ۶۵/۳/۲۷ و تاریخ بازخریدی شاکای که در دادخواست ۶۷/۳/۱۶ قید شده و با توجه به تصویب نامه راجع به اصلاح ماده ۸ آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، مصوب جلسه ۶۸/۵/۲۸ هیئت وزیران و با توجه به آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، مصوب جلسه ۶۵/۱۱/۸ هیئت وزیران و اینکه اساساً آیین نامه نمی‌تواند مخالف بوده یا دایره شمول قانون را کم و زیاد کند، لذا شکایت شاکای وارد و موجه تشخیص و حکم بر استحقاق نامبرده به استفاده از مزایای مقرر در ماده واحده قانون مرقوم وفق مقررات صادر و اعلام می‌گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق، به ریاست حجت الاسلام والمسلمین، اسماعیل فردوسی پور و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

منظور مقنن از انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی مذکور در ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، ناظر به موردی است که حق مزبور در هر یک از صندوق‌های مندرج در قانون باقی باشد و در صورت دریافت کسورات بازنشستگی و حق بیمه با توجه به ماده ۸ آیین نامه اصلاحی آن، مصوب سال ۱۳۶۸، موضوع انتقال کسورات و حق بیمه منتفی می‌باشد. بنابراین دادنامه شماره ۴۹۶-۲۰/۶/۷۵ شعبه ششم، که متضمن این معنی است، موافق قانون تشخیص داده می‌شود.

رأی وحدت رویه در خصوص انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی

تاریخ: ۱۳۷۵/۱۲/۱۱ - شماره دادنامه: ۳۱۵ - کلاسه پرونده: ۲۴۵/۷۵

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکیه: خانم مریم رحمتی گرگانی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض رأی صادره از شعب ۶ و ۹ و ۱۴ دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: شعبه ششم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۳۲۸/۷۵، موضوع شکایت خانم مریم رحمتی گرگانی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته انتقال کسور بازنشستگی به تأمین اجتماعی به شرح دادنامه شماره ۴۹۶-۱۳۷۵/۶/۲۰ چنین رأی صادر نموده است: نظر به اینکه شاکیه در تاریخ ۱۳۶۵/۷/۱، باز خرید خدمت گردیده و کسور پرداختی خود را در ۱۳۶۶/۳/۲۷ دریافت داشته است و با عنایت به صراحت ماده ۸ اصلاحی آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال، حق بیمه یا بازنشستگی مصوب ۱۳۶۵/۳/۲۷ که مقرر داشته «در صورتی که رابطه استخدامی شخص با دستگاه متبوعش به لحاظ استعفا، اخراج، باز خرید یا انتقال دائم قطع شده یا می شود و کسور بازنشستگی یا حق بیمه خود را دریافت داشته، مسئله نقل و انتقال کسور موضوعاً منتفی است». بنابراین خواسته شاکیه با توجه به ماده ۸ فوق الذکر، فاقد محمل قانونی است. در نتیجه شکایت مطروحه غیر وارد تشخیص و رأی به رد آن صادر و اعلام می گردد.

ب: شعبه نهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۴۵۶/۶۹، موضوع شکایت خانم شهرآز تقی زاده انصاری به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی - سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته انتقال وجوه بازنشستگی از صندوق بازنشستگی کشوری به تأمین اجتماعی به شرح دادنامه شماره ۵۵۶-۱۳۷۰/۸/۲۹-۵۵۶ چنین رأی صادر نموده است، علاوه بر اینکه سیاق عبارات ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب ۱۳۶۵/۳/۲۷ و تبصره های آن نزد کارکنان دولت با عنایت به قدرت استنباط و میزان معلومات متعارف آنان نسبت به مقررات استخدامی به طور قطع و یقین مفید احراز قابلیت شمول آن به مستخدمینی که رابطه استخدامی آنان با دولت قطع شده نبوده است ماده ۸ آیین نامه اجرایی قانون مزبور مصوب ۱۳۶۵/۱۱/۲۷ نیز تنها قطع رابطه استخدامی با دولت در صورت استعفا را مشمول ماده واحده فوق الذکر دانسته بود و به شرح ماده ۸ اصلاحی آیین نامه مذکور در تاریخ ۱۳۶۸/۵/۲۸ شقوق اخراج و باز خرید خدمت و انفصال دائم را به آن افزوده است با این وصف فرض شمول قانون به مستخدمینی که از خدمت اخراج یا منفصل دائم و یا باز خرید خدمت شده اند در فاصله زمانی بین تاریخ تصویب ماده ۸ آیین نامه مصوب ۱۳۶۵/۱۱/۲۷ و اصلاحیه آن مصوب ۱۳۶۸/۵/۲۸ برای کارکنان دولت متصور نبوده است تا این قبیل مستخدمین با علم و اطلاع از چنین امکانی نسبت به دریافت یا عدم دریافت کسور بازنشستگی خود اقدام نمایند، چنانکه حسب محتویات پرونده نحوه انشاء ماده ۸ آیین نامه مصوب ۱۳۶۵/۱۱/۲۷ موجب استرداد کسور بازنشستگی به شاکیه بوده است لذا به جهات فوق الذکر و اینکه تحمیل مسؤلیت و ضرر و زیان ناشی از مصوبات قوه مجریه به

مستخدمین دولت موافق اصول عدالت و موازن قانونی نیست حکم به ورود شکایت صادر می‌شود.

ج: شعبه چهاردهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۴۷/۷۰ موضوع شکایت خانم سهیلا محمودیان به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری- سازمان تأمین اجتماعی به خواسته اعاده کسور بازنشستگی و انتقال آن از صندوق بازنشستگی کشوری به صندوق تأمین اجتماعی به شرح دادنامه شماره ۲۳۴-۱۳۷۰/۴/۴ چنین رأی صادر نموده است، با توجه به صراحت ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی و تبصره‌های ذیل آن مصوب ۱۳۶۵/۳/۲۷ و تاریخ بازخریدی شاکی که در دادخواست ۱۳۶۷/۳/۱۶ قید شده و با توجه به تصویب نامه راجع به اصلاح ماده ۸ آیین نامه تبصره سه ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب جلسه ۱۳۶۸/۵/۲۸ هیئت وزیران و با توجه به آیین نامه تبصره سه ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب جلسه ۱۳۶۵/۱۱/۸ هیئت وزیران و اینکه اساساً آیین نامه نمی‌تواند مخالف بوده یا دایره شمول قانون را کم یا زیاد کند لذا شکایت شاکی وارد و موجه تشخیص و حکم بر استحقاق نامبرده به استفاده از مزایای مقرر در ماده واحده قانون مرقوم وفق مقررات صادر و اعلام می‌گردد. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین اسماعیل فردوسی‌پور و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

منظور مقنن از انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی مذکور در ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی ناظر به موردی است که حق مزبور در هریک از صندوق‌های مندرج در قانون باقی باشد و در صورت دریافت کسورات بازنشستگی و حق بیمه با توجه به ماده ۸ آیین نامه اصلاحی آن مصوب سال ۱۳۶۸ موضوع انتقال کسورات و حق بیمه منتفی می‌باشد، بنابراین دادنامه شماره ۴۹۶-۱۳۷۵/۶/۲۰ شعبه ششم که متضمن این معنی است موافق قانون تشخیص داده می‌شود. این رأی مطابق ذیل ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوطه در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رأی دیوان عدالت اداری در خصوص انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی (صفحه ۲۳۹)

نقل از شماره ۱۵۲۴۶-۱۳۷۶/۴/۱۶-۱۳۷۵/۱۲/۱۱ روزنامه رسمی - شماره هـ ۲۲۴۵/۷۵-۱۳۷۶/۲/۱۷

تاریخ ۷۵/۱۲/۱۱- شماره دادنامه: ۳۱۵- کلاسه پرونده: ۲۲۴۵/۷۵

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عالی اداری

شاکیه: خانم مریم رحمتی گرگانی

موضوع شکایت و خواسته - اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۶ و ۹ و ۱۴ دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: شعبه ششم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۳۲۸/۷۵ موضوع شکایت خانم مریم رحمتی گرگانی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته انتقال کسور بازنشستگی به تأمین اجتماعی به شرح دادنامه شماره ۴۹۶-۷۵/۶/۲۰ چنین رأی صادر نموده است، نظر به این که شاکیه در تاریخ ۶۵/۷/۱ باز خرید خدمت گردیده و کسور پرداختی خود را در ۶۶/۳/۲۷ دریافت داشته است و با عنایت به صراحت ماده ۸ اصلاحی آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب ۶۵/۳/۲۷ که مقرر داشته «در صورتی که رابطه استخدامی شخص با دستگاه متبوعش به لحاظ استعفا، اخراج، باز خرید یا انتقال دائم قطع شده یا می شود و کسور بازنشستگی یا حق بیمه خود را دریافت داشته مسئله نقل و انتقال کسور موضوعاً منتفی است» بنابراین خواسته شاکیه با توجه به ماده ۸ فوق الذکر فاقد محمل قانونی است در نتیجه شکایت مطروحه غیر وارد تشخیص و رأی برد آن صادر و اعلام می گردد.

ب- شعبه نهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۴۵۶/۶۹ موضوع شکایت خانم شهرزاد تقی زاده انصاری به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی. سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته انتقال وجوه بازنشستگی از صندوق بازنشستگی کشوری به تأمین اجتماعی به شرح دادنامه شماره ۵۵۶-۷۰/۸/۲۹ چنین رأی صادر نموده است، علاوه بر این که سیاق عبارات ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب ۶۵/۳/۲۷ و تبصره های آن نزد کارکنان دولت با عنایت به قدرت استنباط و میزان معلومات متعارف آنان نسبت به مقررات استخدامی به طور قطع و یقین مفید احراز قابلیت شمول آن به مستخدمینی که رابطه استخدامی آنان با دولت قطع شده نبوده است ماده ۸ آیین نامه اجرایی قانون مزبور مصوب ۶۵/۱۱/۲۷ نیز تنها قطع رابطه استخدامی با دولت در صورت استعفا را مشمول ماده واحده فوق الذکر دانسته بود و به شرح ماده ۸ اصلاحی آیین نامه مذکور در تاریخ ۶۸/۵/۲۸ شقوق اخراج و باز خرید خدمت و انفصال دائم را به آن افزوده است با این وصف فرض شمول قانون به مستخدمینی که از خدمت اخراج یا منفصل دائم و یا باز خرید خدمت شده اند در فاصله زمانی بین تاریخ تصویب ماده ۸ آیین نامه مصوب ۶۵/۱۱/۲۷ و اصلاحیه آن مصوب ۶۸/۵/۲۵ برای کارکنان دولت متصور نبوده است تا این قبیل مستخدمین با علم و اطلاع از چنین امکانی نسبت به دریافت یا عدم دریافت کسور بازنشستگی خود اقدام نمایند، چنانکه حسب محتویات پرونده نحوه انشاء ماده ۸ آیین نامه مصوب ۶۵/۱۱/۲۷ موجب استرداد کسور بازنشستگی به شاکیه بوده است لذا به جهات

فوق‌الذکر و این که تحمیل مسئولیت و ضرر و زیان ناشی از مصوبات قوه مجریه به مستخدمین دولت موافق اصول عدالت و موازین قانونی نیست حکم به ورود شکایت صادر می‌شود.

ج: شعبه چهاردهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۴۷/۷۰ موضوع شکایت خانم سهیلا محمودیان به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری - سازمان تأمین اجتماعی به خواسته اعاده کسور بازنشستگی و انتقال آن از صندوق بازنشستگی کشوری به صندوق تأمین اجتماعی به شرح دادنامه شماره ۲۳۴-۷۰/۴/۴-۲۳۴۴-۷۰ چنین رأی صادر نموده است، با توجه به صراحت ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی و تبصره‌های ذیل آن مصوب ۶۵/۳/۲۷ و تاریخ بازخریدی شاکی که در دادخواست ۶۷/۳/۱۶ قید شده و با توجه به تصویب نامه راجع به اصلاح ماده ۸ آیین نامه تبصره سه ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب جلسه ۶۸/۸/۲۵ هیئت وزیران و با توجه به آیین نامه تبصره سه ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب جلسه ۶۵/۱۱/۸ هیئت وزیران و این که اساساً آیین نامه نمی‌تواند مخالف بوده یا دایره شمول قانون را کم و زیاد کند لذا شکایت شاکی وارد و موجه تشخیص و حکم بر استحقاق نامبرده به استفاده از مزایای مقرر در ماده واحده قانون مرقوم وفق مقررات صادر و اعلام می‌گردد. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین اسماعیل فردوسی پور و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

منظور مقنن از انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی مذکور در ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی ناظر به موردی است که حق مزبور در هر یک از صندوق‌های مندرج در قانون باقی باشد و در صورت دریافت کسورات بازنشستگی و حق بیمه با توجه به ماده ۸ آیین نامه اصلاحی آن مصوب سال ۱۳۶۸ موضوع انتقال کسورات و حق بیمه منتفی می‌باشد. بنابراین دادنامه شماره ۴۹۶-۷۵/۶/۲۰-۷۵/۶/۲۰ شعبه ششم که متضمن این معنی است موافق قانون تشخیص داده می‌شود. این رأی مطابق ذیل ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوطه در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - اسماعیل فردوسی پور

رأی دیوان عدالت اداری در خصوص پرداخت سه برابر فوق العاده شغل معلمان در صورت انصراف از بازنشستگی (صفحه ۱۱۴۷)

نقل از شماره ۱۵۴۴۶-۱۲/۱۲/۱۳۷۶، روزنامه رسمی - شماره هـ ۴۲/۷۴-۱۰/۲۰-۱۳۷۶/۱۳۷۶

تاریخ ۷۶/۶/۸ - شماره دادنامه: ۶۸ - کلاس پرونده: ۴۲/۷۴

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عالی اداری

شاکی: آقای محمدتقی عرب‌نژاد

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۷ و ۱۱ و ۱۵ دیوان عدالت اداری مقدمه:

الف: شعبه پانزدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۲۹/۷۳ موضوع شکایت آقای داود طاووسی به طرفیت ذی حسابی اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، دفتر حقوقی سازمان امور اداری و استخدامی کشور به خواسته استرداد وجوه کسر شده به مبلغ ۵۸۸۰۰۰ ریال از حقوق طی دادنامه شماره ۱۳۲۰-۷۳/۹/۱۳۳۰ چنین رأی صادر نموده است: شکایت شاکی به دلایل زیر وارد به نظر می‌رسد: ۱- ابلاغ شاکی در تاریخ ۷۰/۹/۹، و با تاریخ اجرای ۷۰/۷/۱، با استناد قانون تشویق معلمان بازنشسته و ادامه همکاری با آموزش و پرورش، مصوب ۶۸/۱۱/۲۹ مجلس شورای اسلامی، و با موافقت مقام عالی وزارت آموزش و پرورش و بخشنامه ۷۱۰/۹۳-۶۹/۹/۳ صادر گردیده و اقدام یک‌جانبه آموزش و پرورش در تغییر مفاد مندرجات، ابلاغ ۷۰/۹/۱۹، غیرقانونی به نظر می‌رسد.

۲- در زمان صدور ابلاغ شاکی، بخشنامه‌های ۶۹۱۲-د-۷۰/۱۱/۱۵ و ۲۱/۱۰۲۰-۷۱/۷/۶ سازمان امور اداری و استخدامی کشور و نامه شماره ۵۶/۱۲۷۲۳-۷۲/۲/۲۳ اداره کل نظارت بر اجرای بودجه وزارت امور اقتصادی و دارایی، وجود نداشته تا با رعایت آن نسبت به صدور ابلاغ اقدام شود.

۳- ماده ۲۳ آیین‌نامه اجرایی قانون نظام هماهنگ پرداخت حقوق نیز از اول فروردین ۷۱ قابل اجرا می‌باشد و آیین‌نامه یادشده که در مقام نحوه اجرای نظام هماهنگ پرداخت حقوق کارکنان دولت می‌باشد، مقرر داشته که فوق‌العاده شغل دریافتی، در تاریخ ۷۰/۱/۱ پرداخت خواهد شد و بدیهی است که در این تاریخ نیز قانون نظام هماهنگ پرداخت حقوق تصویب نگردیده بود تا ابلاغ شاکی مغایر با قانون مذکور بوده باشد. ابلاغ صادره نیز تا زمان لغو آن اعتبار قانونی دارد. با توجه به مراتب فوق‌الاشعار و مستندات، به رأی وحدت رویه شماره ۸۰، مورخ ۱۳۷۳/۷/۱۶، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و نظر به این که در قانون نظام هماهنگ پرداخت حقوق کارکنان دولت و آیین‌نامه اجرایی آن نیز مقررات خاصی در خصوص مورد پیش‌بینی نگردیده است، علی‌هذا حکم به ورود شکایت شاکی صادر می‌دارد.

ب: شعبه هفتم در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۶۰۶/۷۲، موضوع شکایت آقای جلیل طاهری، به طرفیت ذی حساب اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی به خواسته کسر مبلغ ۵۸۸۰۰۰ ریال فوق‌العاده شغل، بازپرداخت مبلغ مذکور به شرح دادنامه شماره ۱۰۷۴-۱۱/۱۵/۱۳۷۳، چنین رأی صادره نموده است: نظر به این که قانون

تشویق معلمان به ادامه همکاری مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۲۹ مقرر داشته، معلمان داوطلب ادامه خدمت پس از ۳۰ سال، چنانچه از درخواست بازنشستگی انصراف جویند، از فوق العاده شغل ۳ برابر استفاده می نمایند و ابلاغ شاکی در تاریخ ۷۰/۹/۱۹ صادر شده و مقرر گردیده که از تاریخ ۷۰/۷/۱ از فوق العاده مذکور استفاده نمایند که شاکی نیز بابت اشتغال خود از فوق العاده شغل مذکور، طبق قانون تشویق معلمان در نیمه دوم سال ۷۰، مبلغ ۵۸۸۰۰۰ ریال جمعاً دریافت نموده است و ذی حساب اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی مبلغ مذکور از مابه التفاوت قانون نظام هماهنگ سال ۷۰ کسر کرده و چون در ماده ۲۲ آیین نامه اجرایی قانون نظام هماهنگ مصوب ۷۰/۱۰/۲۲ هیئت وزیران، مقرر شده که فوق العاده شغل مستخدمین مشمول این آیین نامه در سال ۷۰ به میزان مورد عمل در تاریخ ۷۰/۱/۱ می باشد و از تاریخ ۷۱/۱/۱ فوق العاده مذکور به میزان مقرر در جدول پیوستی آن و اصلاحات بعدی پرداخت خواهد شد. لذا معلمان و دبیرانی که در تاریخ ۷۰/۱/۱، از فوق العاده شغلی سه برابر، طبق قانون تشویق معلمان، استفاده می کردند، عملاً تا آخر سال ۷۰ نیز می توانند و حق دارند از آن استفاده نمایند و مقررات قانون نظام هماهنگ و آیین نامه آن در واقع از تاریخ ۷۱/۱/۱ قابل اجرا خواهد شد. بنابراین کسر فوق العاده مذکور بابت نیمه دوم سال ۷۰ که بر مبنای مورد عمل در تاریخ ۷۰/۱/۱ به شاکی پرداخت گردیده، به استناد ماده ۲۲ آیین نامه اجرایی قانون نظام هماهنگ مصوب ۷۰/۱۰/۲۲ هیئت وزیران، تا آخر سال ۷۰ صحیح نبوده و شکایت شاکی وارد تشخیص و حکم بر استرداد فوق العاده مذکور که از حقوق نامبرده کسر و بازپرداخت گردیده است، به نامبرده تا آخر سال ۷۰ صادر می گردد.

ج: شعبه هفتم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۶۰۲،۷۲، موضوع شکایت آقای علی اکبر تبریزی نژاد به طرفیت ذی حساب اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، به خواسته کسر مبلغ ۵۸۸۰۰۰ ریال فوق العاده شغل و بازپرداخت مبلغ مذکور طی دادنامه شماره ۱۰۷۶-۷۳/۱۱/۱۵ حکم بر استرداد فوق العاده مذکور و بازپرداخت آن صادر نموده است.

د: شعبه یازدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۳۰۶،۷۲ موضوع شکایت آقای محمدتقی عرب نژاد به طرفیت ذی حسابی اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی به خواسته استرداد وجوه کسر شده از فوق العاده شغل به شرح دادنامه شماره ۷۸-۷۴/۲/۶ چنین رأی صادر نموده است: شاکی در مهرماه ۱۳۷۰، به افتخار بازنشستگی نائل گردیده و از آن تاریخ به جای بازنشستگی، شروع به کار و مشغول ادامه خدمت گردیده و پرداخت سه برابر فوق العاده شغل منظور شاکی مستند به قانون تشویق معلمان بازنشسته، به همکاری افرادی تعلق می گیرد که قبل از ۱۳۷۰/۱/۱ از طرف وزارت آموزش و پرورش دعوت به همکاری شده باشند و با وصف مذکور و بیش از مبلغ دریافتی (یک برابر فوق العاده شغل) شاکی مستحق دریافت نمی باشد. چون با تصویب قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت، مقررات و نظام های متفرقه، پرداخت در دستگاه های دولتی فسخ گردیده است. لذا بنا به مراتب مذکور و این که پرداخت سه برابر فوق العاده شغل، مخالف قانون حاکم تشخیص می گردد، بنابراین حکم به رد شکایت صادر می گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق، به ریاست آیت... موسوی تبریزی و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیئت عمومی

نظر به حکم خاص مقرر در ماده واحده قانون تشویق معلمان بازنشسته، به ادامه همکاری با وزارت آموزش و پرورش، مصوب ۶۸/۱۱/۲۹ مبنی بر پرداخت فوق العاده شغل مشمولان طرح طبقه بندی مشاغل معلمان کشور، به میزان سه برابر، در صورت انصراف از بازنشستگی و ادامه خدمت بر اساس شرایط مذکور در قانون فوق الذکر و این که شاکی از تاریخ ۷۰/۷/۱ مشمول قانون مزبور شناخته شده است، بنابراین آراء شماره ۱۰۷۴ و ۱۰۷۶ مورخ ۷۳/۱۱/۱۵ شعبه هفتم و رأی شماره ۱۳۲۰ مورخ ۷۳/۹/۱۳ شعبه پانزدهم دیوان، مشعر بر استحقاق شاکی به استفاده از افزایش فوق العاده شغل، موافق اصول و موازین قانونی شناخته می شود. این رأی طبق قسمت اخیر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط، در موارد مشابه، لازم الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - سید ابوالفضل موسوی تبریزی

رأی دیوان عدالت اداری در خصوص امور بازنشستگی شرکت ملی فولاد ایران (صفحه ۱۱۵۳)

نقل از شماره ۱۵۴۴۸ ۱۳۷۶/۱۲/۱۴ روزنامه رسمی - شماره هـ ۶۰/۷۶-۶۰/۲۵-۱۰/۱۳۷۶

تاریخ ۷۶/۷/۵- شماره دادنامه: ۸۶- کلاسه پرونده: ۶۰/۷۶

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عالی اداری

شاکی: شرکت ملی فولاد ایران - مدیر دفتر حقوقی و قراردادهای

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۱۴ و ۱۶ دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: شعبه شانزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۵۲۳/۷۵، موضوع شکایت آقای داود افشار نادری به طرفیت شرکت ملی فولاد ایران - امور بازنشستگی به خواسته پرداخت حقوق بازنشستگی با احتساب مبلغ خارج از مرکز و با توجه به مصوبات ۳۱۹-۶۹/۱۱/۲۱ و ۴۲۶۰-۷۰/۳/۱۱ شرکت ملی فولاد ایران، طی دادنامه شماره ۹۲۵-۷۵/۷/۱۸، چنین رأی صادره نموده است: شکایت شاکی مبنی بر این است که شرکت ملی فولاد ایران به منظور تقلیل نیروی انسانی، با ابلاغ مصوبات ۴۲۶۰-۷۰/۳/۱۱ و ۳۱۹-۶۹/۱۱/۲۱ اضافه نمودن ۵ سال سابقه به خدمت متقاضیان بازنشستگی و پرداخت مبلغی به عنوان پاداش بازنشستگی مقرر نموده که کسور بازنشستگی از فوق العاده خارج از مرکز کارکنان کسر گردد و از ابتدای سال ۷۰ نیز به مأخذ ۷ درصد از کارکنان و ۱۴ درصد سهم شرکت فولاد اجرا می گردد تا به کسر کسورات خارج از مرکز حقوق ایام بازنشستگی کارکنان، با احتساب مبلغ خارج از مرکز محاسبه و پرداخت شود. بر همین اساس تقاضای بازنشستگی نموده است، اما پس از مدتی و بعد از بازنشستگی، اعلام کرده اند که شورای عالی شرکت ملی فولاد ایران با قبول خارج از مرکز به عنوان مستمری موافقت نکرده است و مبلغ خارج از مرکز بازنشستگان پرداخت نخواهد شد. با توجه به این که به شرط اجرای مصوبات مذکور، تقاضای بازنشستگی نموده و کسورات مربوط نیز از حقوق او کسر گردیده است، تقاضای احقاق حق دارد. مشتکی عنه پاسخ داده مقرر گردیده است که مستمری متعلقه ناشی از کسر کسور بازنشستگی از فوق العاده خارج از مرکز برای آن دسته از کارکنانی که از ۷۱/۱۰/۱ لغایت ۷۳/۱۰/۱ کسور مذکور را پرداخت نموده اند، طبق تبصره ۲ ماده ۱۳-۱۲، به نسبت ایام مزبور، محاسبه و در مستمری تأثیر داده شود. با توجه به مراتب فوق و ملاحظه مستندات شاکی و نظر به این که تقاضای بازنشستگی شاکی به شرط اجرای مصوبات فوق الاشعار بوده و تقاضای مذکور مورد موافقت قرار گرفته و نظر به این که منظور نمودن مستمری ناشی از کسر کسور فوق العاده خارج از مرکز در مورد کسانی که از ۷۰/۱۰/۱ لغایت ۷۳/۱۰/۱ نسبت به پرداخت کسور مذکور اقدام نموده اند، مورد تصویب و پذیرش شرکت مشتکی عنه بوده و این امر شامل حال شاکی نیز می گردد. علی هذا، حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می شود.

ب: شعبه چهاردهم در رسیدگی به پرونده های کلاسه ۴۸۷/۷۴، ۴۹۰/۷۴، ۴۹۱/۷۴، ۴۹۲/۷۴، ۴۹۳/۷۴، ۴۹۴/۷۴، ۴۹۵/۷۴، موضوع شکایت آقایان شهاب الدین شرر تیمورباش، مقصود فلاح دارامدماش، رضا خسروی، محمدرضا

جاوید، علیرضا عامری، علی غلامی و آقای قنبرعلی زمانی، به طرفیت شرکت ملی فولاد ایران امور بازنشستگی به خواسته عدم پرداخت و تأثیر فوق العاده اشتغال خارج از مرکز در مستمری بازنشستگی به شرح دادنامه‌های شماره ۲۰۳۷ و ۲۰۳۹ الی ۲۰۴۴-۷۵/۱۲/۲۱ این چنین رأی صادر نموده است، با توجه به لایحه جوابیه، مورخ ۷۴/۷/۱۷ مدیر امور بازنشستگی شرکت ملی فولاد ایران، دأثر بر این که به استناد مفاد آیین نامه استخدامی مورد عمل این شرکت از تاریخ ۷۳/۱۰/۱ کسر کسور بازنشستگی از فوق العاده خارج از مرکز مجاز نمی‌باشد و از تاریخ ۷۰/۱/۱ تا ۷۳/۱۰/۱ برای مستخدمانی که کسور بازنشستگی در ایام مذکور از فوق العاده خارج از مرکز آنان کسر گردیده است، نسبت به ایام مزبور، در مستمری آنان تأثیر داده شده است، لیکن درخواست شاکی با مفاد آیین نامه استخدامی و دستورالعمل‌های این شرکت تطبیق ندارد، در ارتباط با شکایت شاکی از ناحیه طرف شکایت، تخلفی از قوانین و مقررات یا مخالفت با آن‌ها که موجب تضییع حق شاکی شده باشد مشهود نیست. بنابراین شکایت مطروحه غیر وارد تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق، به ریاست آیت‌... موسوی تبریزی و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از استماع توضیحات نمایندگان شرکت ملی فولاد ایران و بحث و بررسی انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

نظر به این که نحوه احتساب فوق العاده اشتغال خارج از مرکز کارمندان مشمول آیین نامه استخدامی شرکت ملی فولاد ایران به شرح تبصره ۲ ماده ۱۲ و ۱۳ آیین نامه مذکور، منوط به ضوابط دستورالعمل مصوب شرکت گردیده است و طبق آیین نامه و دستورالعمل مصوب شرکت، فوق العاده مذکور به مدت ۴۵ ماه از جمع سوابق خدمت کارمند مشمول آیین نامه قابل محاسبه اعلام شده است، بنابراین دادنامه شماره ۲۰۳۷ و ۲۰۳۹ الی ۲۰۴۴ مورخ ۷۵/۱۲/۲۱ شعبه چهاردهم دیوان که بر طبق آیین نامه مزبور صادر گردیده است، مطابق با قانون تشخیص می‌شود.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - سید ابوالفضل موسوی تبریزی

رأی وحدت رویه در خصوص قابلیت نقل و انتقال کسور بازنشستگی مستخدمین محکوم به انفصال دائم، اخراج یا باز خریدی

تاریخ: ۱۳۷۶ / ۱۲ / ۱۶ - شماره دادنامه: ۱۸۰ - کلاسه پرونده: ۹۶/۷۵

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: سازمان تأمین اجتماعی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض رأی صادره از شعب ۸۰۴ دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: شعبه چهارم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۶۸۱/۷۳، موضوع شکایت آقای ذکریا غلامی به طرفیت اداره کل امور بیمه شدگان (فنی) سازمان تأمین اجتماعی، به خواسته به شرح دادنامه شماره ۱۲۸۶ مورخ ۱۳۷۴/۱۱/۱۵ چنین رأی صادر نموده است: با توجه به اینکه به موجب تبصره ۲ از ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، مصوب ۱۳۷۲ که مؤخر بر قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، مصوب ۱۳۶۵ و تصویب نامه مورد نظر شاکی می باشد، کسور بازنشستگی یا حق بیمه (سهام کارمند) کارمندی که در اجرای قانون مرقوم به انفصال دائم، اخراج یا باز خریدی محکوم شده یا می شوند، قابل پرداخت پیش بینی شده، در تبصره ۲ ماده ۹ قانون، مرقوم کسور بازنشستگی مورد بحث را قابل انتقال ندانسته است و با عنایت به اینکه به حکایت محتویات پرونده و لایحه دفاعیه رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی به شرح نامه مورخ ۱۳۷۳/۷/۱۲، شاکی به موجب رأی قطعی شماره ۱۳۷ مورخ ۱۳۷۰/۹/۵ هیئت تجدیدنظر، رسیدگی به تخلفات اداری به اخراج از خدمت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی محکوم شده و رأی صادره به موقعیت اجرا در آمده است. بنا به مراتب کسور بازنشستگی، حق بیمه ایشان قابل پرداخت بوده و نه قابل انتقال. علی هذا موضوع شکایت شاکی غیر موجه و غیر ثابت تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می گردد.

ب: شعبه هشتم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۱۹۶/۷۲، موضوع شکایت آقای هوشنگ عظیمی کاظمی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به خواسته انتقال کسور بازنشستگی از صندوق بازنشستگی کشوری به تأمین اجتماعی، به شرح دادنامه شماره ۴۳۰ مورخ ۱۳۷۵/۵/۸، چنین رأی صادر نموده است: نظر به اینکه کسور بازنشستگی متعلق به مستخدم است و در مقام تثبیت این حق به موجب تبصره ۱ ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، مصوب سال ۱۳۷۱، پرداخت کسور بازنشستگی، حتی به کارمندی که در اجرای این قانون به انفصال دائم، اخراج یا باز خریدی محکوم شده اند، تسجیل شده است و با عنایت به اینکه به موجب ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، مصوب ۱۳۶۵/۳/۲۷ مجلس شورای اسلامی که به طور مطلق انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مستخدم به صندوق دیگر تجویز گردیده و ممنوعیت و استثنایی در هیچ یک از مقررات قانونی مشهود نیست، در نتیجه این حق مستخدم است که کسور بازنشستگی را دریافت یا به صندوق دیگر منتقل نماید. لذا حکم به وارد بودن شکایت و استحقاق شاکی به انتقال کسور بازنشستگی مشارالیه، از صندوق بازنشستگی کشوری به صندوق تأمین اجتماعی، با رعایت سایر مقررات قانونی صادر می گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق، به ریاست آیت‌... موسوی تبریزی و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

تبصره ۲ ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، مصوب ۱۳۷۲/۹/۷، مشعر بر قابلیت پرداخت کسور بازنشستگی به مستخدمین مشمول آن تبصره مفید، عدم قابلیت جواز انتقال آن از یک صندوق بازنشستگی به صندوق بازنشستگی دیگر در اجرای مقررات قانون نقل و انتقال حق بیمه و بازنشستگی، مصوب ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی نیست. بنابراین دادنامه شماره ۴۳۰ مورخ ۱۳۷۵/۵/۸ شعبه هشتم دیوان، که متضمن این معنی است، مطابق با قانون شناخته می‌شود. این رأی به استناد قسمت آخر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع می‌باشد.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - سید ابوالفضل موسوی تبریزی

رأی دیوان عدالت اداری در خصوص لزوم هماهنگی حقوق بازنشستگی و وظیفه (صفحه ۱۲۵۸)

نقل از شماره ۱۵۴۹۷-۱۳۷۷/۲/۲۴-۱۳۷۷/۱/۲۰-۲۱۰/۷۶- شماره هـ- شماره رسمی- شماره ۱۳۷۷/۱/۲۰-۲۱۰/۷۶

تاریخ ۷۶/۱۱/۲۵- شماره دادنامه: ۱۶۱- پرونده کلاسه: ۲۱۰/۷۶

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای عبدالمبین نوین کاشانی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از هیئت تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

مقدمه:

۱- الف: شعبه چهاردهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۴۹۳/۷۶، موضوع شکایت آقای هادی تفنگچی به طرفیت وزارت دادگستری و سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته اصلاح دو فقره حکم قانون نظام هماهنگ و حکم افزایش حقوق بازنشستگی، به شرح دادنامه شماره ۱۰۰۲-۷۶/۶/۱۱، حکم به ورود شکایت و استحقاق وی بر استفاده از مزایای مذکور و الزام طرف شکایت بر اجرای مقررات در اصلاح ابلاغ‌های فوق‌الذکر، از تاریخ ۷۴/۱/۱، بر اساس ضریب ۱۴۴۰ ریال و از تاریخ ۷۵/۱/۱، بر اساس ضریب ۱۷۲۸ ریال و پرداخت مابه‌التفاوت استحقاقی نامبرده، از تاریخ استحقاق وفق مقررات و ضوابط مربوط، صادر نموده است.

ب: شعبه سوم هیئت تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ت ۱۱۰۶/۷۶/۳، موضوع تقاضای تجدیدنظر سازمان بازنشستگی کشوری امور حقوقی و دادگستری جمهوری اسلامی ایران، نسبت به دادنامه شماره ۱۰۰۲ مورخ ۱۱/۷۶/۱۱، صادره از شعبه چهاردهم دیوان عدالت اداری، در پرونده کلاسه ۴۹۳/۷۶/۱۴، به طرفیت آقای هادی تفنگچی، به شرح دادنامه شماره ۱۰۵۲-۷۶/۹/۱۲، چنین رأی صادر نموده است: اعتراض سازمان بازنشستگی کشوری امور حقوقی و دادگستری جمهوری اسلامی ایران به دادنامه شماره ۱۰۰۲، مورخ ۷۶/۶/۱۱، صادره از شعبه چهاردهم دیوان عدالت اداری، با توجه به این که مصوبه ۱۳۷۳ شامل قضات شاغل می‌باشد و به بازنشستگان شمول نخواهد داشت، وارد تشخیص و با فسخ دادنامه بدوی شکایت رد می‌شود.

۲- الف: شعبه چهاردهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۴۹۲/۷۶، موضوع شکایت آقای عبدالمبین نوین کاشانی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری، وزارت دادگستری به خواسته اشتباه در محاسبه حقوق بازنشستگی و صدور حکم بر تصحیح دو فقره ابلاغ اضافه حقوق بازنشستگی، به شرح دادنامه شماره ۱۰۰۱-۷۶/۶/۱۱ حکم به ورود شکایت صادر نموده است.

ب: شعبه سوم هیئت تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ت ۱۱۰۷/۷۶/۳، موضوع تقاضای تجدیدنظر سازمان بازنشستگی کشوری امور حقوقی نسبت به دادنامه شماره ۱۰۰۱، مورخ ۷۶/۶/۱۱، صادره از شعبه ۱۴ دیوان، در پرونده کلاسه ۴۹۲/۷۶، به طرفیت آقای عبدالمبین نوین کاشانی، به شرح دادنامه شماره ۱۰۵۳-۷۶/۹/۱۲، به لحاظ این که مصوبه ۱۳۷۳ شامل قضات شاغل می‌باشد و به بازنشستگان شمول نخواهد داشت، با فسخ دادنامه بدوی، شکایت را رد نموده است.

۳- الف: شعبه چهاردهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۳۷۰/۷۶، موضوع شکایت آقای محمد امینی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری و وزارت دادگستری به خواسته اصلاح دو فقره ابلاغ ۷۵/۴/۲۶ و ۷۵/۱۰/۲۴، سازمان بازنشستگی کشوری و وزارت دادگستری، از نظر برقراری رقم و مبلغ احکام، به شرح دادنامه شماره ۱۰۶۶ مورخ ۷۶/۶/۱۷، حکم به ورود شکایت صادر نموده است.

ب- شعبه سوم هیئت تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ت ۱۱۰۴/۷۶/۳، موضوع تقاضای تجدیدنظر سازمان بازنشستگی کشوری، دادنامه شماره ۱۰۶۶ مورخ ۷۶/۶/۱۷، صادره از شعبه چهاردهم، در پرونده کلاسه ۳۷۰/۷۶، به طرفیت آقای محمد امینی، به شرح دادنامه شماره ۱۱۲۷-۷۶/۱۰/۲، دادنامه بدوی را عیناً تأیید نموده است.

۴- الف: شعبه دوازدهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۰۷/۷۶، موضوع شکایت آقای ناصر دولت آبادی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری و وزارت دادگستری جمهوری اسلامی ایران به خواسته اشتباه محاسبه و اصلاح دو فقره احکام مربوط به شرح دادنامه شماره ۶۵۹ مورخ ۷۶/۶/۲۲، حکم به ورود شکایت و استحقاق شاکی از حقوق بازنشستگی، از تاریخ ۷۴/۱/۱، به موجب تصویب نامه مورخ ۷۴/۱/۵ هیئت دولت، بر اساس ضریب ریالی ۱۴۴۰ ریالی و از تاریخ ۷۵/۱/۱، بر طبق تصویب نامه مورخ ۷۴/۱۱/۲۸، با ضریب ریالی ۱۷۲۸ و الزام خواندگان به اصلاح احکام ۷۵/۴/۳۰ و ۷۵/۱۰/۲۲ و پرداخت مابه التفاوت حقوق بازنشستگی از تاریخ استحقاق، با رعایت مقررات مربوط، صادر نموده است.

ب- شعبه سوم هیئت تجدیدنظر دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ت ۱۲۱۸/۷۶/۳، موضوع تقاضای تجدیدنظر سازمان بازنشستگی کشوری نسبت به دادنامه شماره ۶۵۸ مورخ ۷۶/۶/۲۲، صادره از شعبه دوازدهم دیوان، در پرونده کلاسه ۲۰۷/۷۶/۱۲، به طرفیت آقای ناصر دولت آبادی، به شرح دادنامه شماره ۱۱۲۸-۷۶/۱۰/۲، دادنامه بدوی را عیناً تأیید نموده است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق، به ریاست آیت... موسوی تبریزی و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیئت عمومی

نظر به حکم مقرر در تبصره یک ماده ۲ قانون نظام هماهنگ حقوق بازنشستگی و وظیفه، مصوب ۷۳/۶/۲۳، در خصوص لزوم هماهنگی حقوق بازنشستگی و وظیفه از کارافتادگی و وظیفه وراث دارندگان پایه های قضایی، که از تاریخ اجرای این قانون بازنشسته، از کارافتاده، یا فوت شده اند، با حقوق قضات شاغل، موضوع ماده ۱۴ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت و این که تحقق منظور مقنن از برقراری هماهنگی بین حقوق قضات شاغل و بازنشسته، به تناسب افزایش هزینه زندگی منوط به رعایت ضریب حقوق قضات و تغییرات بعدی آن در تعیین حقوق قضات بازنشسته و از کارافتاده و وراثت وظیفه بگیر آنان است، دادنامه های شماره ۱۱۲۷ مورخ ۷۶/۱۰/۲ و شماره ۱۱۲۸ مورخ ۷۶/۱۰/۲ هیئت تجدیدنظر دیوان مشعر بر تأیید دادنامه های شماره ۱۰۶۶ مورخ ۷۶/۶/۱۷، شعبه ۱۴ دیوان عدالت اداری و شماره ۶۵۹ مورخ ۷۶/۶/۲۲، شعبه ۱۲ دیوان عدالت اداری که متضمن این معنی است، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می شود. این رأی به استناد قسمت آخر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری در موارد مشابه، برای شعب دیوان و سایر مراجع ذی ربط، لازم الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - سید ابوالفضل موسوی تبریزی

رأی دیوان عدالت اداری در خصوص

قابلیت نقل و انتقال کسور بازنشستگی (صفحه ۳۰۰)

نقل از شماره ۱۵۵۹۳-۱۸/۶/۱۳۷۷، روزنامه رسمی - شماره هـ ۹۶/۷۵-۳/۲/۱۳۷۷

تاریخ ۷۶/۱۲/۱۶- دادنامه شماره ۱۸۰- کلاسه پرونده: ۹۶/۷۵

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: سازمان تأمین اجتماعی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۴ و ۸ دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: شعبه چهارم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۶۸۱/۷۳ موضوع شکایت آقای ذکریا غلامی به طرفیت اداره کل امور بیمه شدگان (فنی) سازمان تأمین اجتماعی به خواسته به شرح دادنامه شماره ۱۲۸۶، مورخ ۷۴/۱۱/۱۵، چنین رأی صادر نموده است: با توجه به این که به موجب تبصره ۲ از ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، مصوب ۱۳۷۲، که مؤخر بر قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، مصوب ۱۳۶۵، و تصویب نامه مورد نظر شاکی می باشد، کسور بازنشستگی یا حق بیمه، (سهام کارمند) کارمندانی که در اجرای قانون مرقوم به انفصال دائم، اخراج یا بازخریدی محکوم شده یا می شوند، قابل پرداخت پیش بینی شده، در تبصره ۲ ماده ۹ قانون مرقوم کسور بازنشستگی، مورد بحث را قابل انتقال ندانسته است و با عنایت به این که به حکایت محتویات پرونده و لایحه دفاعیه رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی، به شرح نامه مورخ ۷۳/۷/۱۲، شاکی به موجب رأی قطعی شماره ۱۳۷-۷۰/۹/۵ هیئت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری، به اخراج از خدمت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی محکوم شده و رأی صادره به موقعیت اجرا درآمده است. بنا به مراتب کسور بازنشستگی حق بیمه ایشان قابل پرداخت بوده، نه قابل انتقال. علی هذا موضوع شکایت شاکی غیرموجه و غیر ثابت تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می گردد.

ب: شعبه هشتم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۱۹۶/۷۲، موضوع شکایت آقای هوشنگ عظیمی کاظمی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به خواسته انتقال کسور بازنشستگی از صندوق بازنشستگی کشوری به تأمین اجتماعی به شرح دادنامه شماره ۴۳۰، مورخ ۷۵/۵/۸، چنین رأی صادر نموده است: نظر به این که کسور بازنشستگی متعلق به مستخدم است و در مقام تثبیت این حق به موجب تبصره یک ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداره، مصوب سال ۷۱، پرداخت کسور بازنشستگی، حتی به کارمندانی که در اجرای این قانون به انفصال دائم اخراج یا بازخریدی محکوم شده اند تسجیل شده است و با عنایت به این که به موجب ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، مصوب ۶۵/۳/۲۷ مجلس شورای اسلامی، که به طور مطلق، انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مستخدم به صندوق دیگر تجویز گردیده و ممنوعیت و استثنایی در هیچ یک از مقررات قانونی مشهود نیست، نتیجتاً این حق مستخدم است که کسور بازنشستگی را دریافت یا به صندوق دیگر منتقل نماید. لذا حکم به وارد بودن شکایت و

استحقاق شاکی به انتقال کسور بازنشستگی مشارالیه از صندوق بازنشستگی کشوری به صندوق تأمین اجتماعی، با رعایت سایر مقررات قانونی، صادر می‌گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق، به ریاست آیت‌الله موسوی تبریزی و با حضور رؤسای شعب دیوان، تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

تبصره ۲ ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۷۲/۹/۷، مشعر بر قابلیت پرداخت کسور بازنشستگی به مستخدمین مشمول آن تبصره مفید، عدم قابلیت جواز انتقال آن از یک صندوق بازنشستگی به صندوق بازنشستگی دیگر در اجرای مقررات قانون نقل و انتقال حق بیمه و بازنشستگی، مصوب ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی، نیست. بنابراین دادنامه شماره ۴۳۰ مورخ ۷۵/۵/۸، شعبه هشتم دیوان که متضمن این معنی است، مطابق با قانون شناخته می‌شود. این رأی به استناد قسمت آخر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری، برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط، در موارد مشابه لازم‌الاتباع می‌باشد.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - سید ابوالفضل موسوی تبریزی

رأی دیوان عدالت اداری در خصوص تعارض آراء در مورد برقراری حقوق بازنشستگی برابر قانون تأمین اجتماعی (صفحه ۳۰۴)

نقل از شماره ۱۵۵۹۵-۱۳۷۷/۶/۲۱ روزنامه رسمی - شماره هـ ۱۷۹/۷۶-۱۳۷۷/۴/۳۰

تاریخ: ۷۷/۳/۳۰- دادنامه شماره: ۶۴- کلاسه پرونده: ۱۷۹/۷۶

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای یزدان یزدانی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۲ و ۴ دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: شعبه دوم در رسیدگی به پرونده ۹۰۷/۷۳، موضوع شکایات آقای یزدان یزدانی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به خواسته صدور حکم بر الزام خوانده بر احتساب سابقه خدمت و برقراری حقوق بازنشستگی برابر قانون تأمین اجتماعی، به شرح دادنامه شماره ۲۵۰-۷۶/۵/۹. چنین رأی صادر نموده است: با عنایت به ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی که پرداخت حقوق بازنشستگی را منوط به شرایطی، از جمله پرداخت ده سال حق بیمه، نموده است و شاکی واجد شرط مذکور نمی باشد، لذا تخلفی از خوانده مشهود نیست و ایرادی به نظر نمی رسد و رأی بر رد شکایت صادر می گردد.

ب: شعبه چهارم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۸۹۸/۷۰ موضوع شکایت آقای محمداقبر کیا به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به خواسته صدور حکم بر الزام سازمان به شرح دادنامه شماره ۸۹۰، مورخ ۷۱/۷/۲۰، چنین رأی صادر نموده است: نظر به این که ادعای از بین رفتن سوابق کارگری یا عدم پرداخت حق بیمه از ناحیه کارفرما، رافع مسئولیت و تعهدات سازمان تأمین اجتماعی در قبال کارگر بیمه شده نبوده، بخصوص که سابقه پرداخت حق بیمه وی از تاریخ ۲۸/۳/۱۷، از ناحیه مدیرکل فنی سازمان تأمین اجتماعی تأیید شده و با عنایت به مجموع محتویات پرونده، شکایت در این قسمت وارد تشخیص و مستنداً به مواد ۳ و ۸ و ۳۶ قانون تأمین اجتماعی و قانون صندوق تعاون و بیمه کارگران، مصوب ۲۸/۳/۱۷، حکم بر الزام سازمان تأمین اجتماعی به احتساب سابقه خدمت وی از ۲۸/۳/۱۷، لغایت سال ۱۳۳۵ و برقراری حقوق بازنشستگی، در حدود قانون تأمین اجتماعی صادر می گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور ریاست آیت... موسوی تبریزی و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیئت عمومی

نظر به این که محتویات پرونده کلاسه های ۹۰۷/۷۳ و ۱۸۹۸/۷۰، مبین اشتغال به خدمت شاکیان، به عنوان کارگر، مشمول

قانون کار و پرداخت حق بیمه به مدت متجاوز از ده سال تمام و متضمن تحقق و اجتماع شرایط قانونی به منظور برقراری مستمری است، بنابراین دادنامه شماره ۸۹۰، مورخ ۷۱/۷/۲۰، شعبه چهارم دیوان عدالت اداری، در حدی که متضمن این معنی است، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی مطابق ذیل ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط، در موارد مشابه، لازم‌الاتباع می‌باشد.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - سید ابوالفضل موسوی تبریزی

ابطال بند ۲ بخشنامه شماره ۲۳ مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی در خصوص برخورداری از بازنشستگی بانوان منوط به اشتغال آنان در مشاغل مشمول قانون کار به مدت بیست سال تمام

تاریخ: ۱۳۷۷/۱۰/۱۲ - شماره دادنامه: ۲۱۷- کلاسه پرونده: ۶۹/۷۷

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: خانم منیژه شاهین

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۲۳ مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی

مقدمه: شاکي طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است:

۱- در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱ با تقاضای شخصی از خدمت در وزارت آموزش و پرورش بازخرید شده و از تاریخ ۱۳۷۱/۴/۱ در یک شرکت خصوصی مشغول کار شده و تا این تاریخ، همه ماهه، حق بیمه متعلقه به میزان ۷ درصد سهم کارگر و ۲۳ درصد سهم کارفرما، به صندوق بیمه سازمان تأمین اجتماعی پرداخت شده است.

۲- به موجب ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، مصوب سال ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی، کلیه وجوهی که بابت بیمه و بازنشستگی این جانب به صندوق بیمه و بازنشستگی وزارت آموزش و پرورش پرداخت شده بود، از آن صندوق به صندوق بیمه سازمان تأمین اجتماعی واریز و طبق تبصره ۳ ذیل همان ماده واحده و آیین نامه اجرایی آن معادل مبلغ مذکور تحت عنوان مابه‌التفاوت حق بیمه و بازنشستگی، توسط خود این جانب به صندوق بیمه سازمان تأمین اجتماعی واریز گردید.

۳- پس از تصویب قانون الحاق یک تبصره به ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب، ۱۳۷۶/۷/۱ مجلس شورای اسلامی، که مقرر می‌دارد «زنان کارگر با داشتن ۲۰ سال سابقه کار و ۴۲ سال سن، به شرط پرداخت حق بیمه با ۲۰ روز حقوق، می‌توانند بازنشسته شوند»، این جانب درخواست بازنشستگی نمودم که متأسفانه مسؤولین مربوطه به استناد بخشنامه شماره ۲۳ مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی از قبول درخواست بازنشستگی این جانب و عموماً کلیه کارکنانی که قسمتی از سوابق خدمتی آنان در سازمان‌های دیگر بوده و سپس حق بیمه یا بازنشستگی خود را به سازمان تأمین اجتماعی منتقل نموده‌اند، خودداری گردید. سازمان تأمین اجتماعی با صدور بخشنامه شماره ۲۳ مستمری‌ها مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۳۰، اقدام به قانون گذاری نموده است. در حالی که نظر قانون گذار از تصویب ماده واحده الحاق یک تبصره به ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی شمول آن به کلیه کارکنان زنی است که حداقل ۲۰ سال حق بیمه خود را پرداخت نموده باشند، چه مستقیم به صندوق تأمین اجتماعی و چه صندوق‌های دیگر و سپس انتقال به صندوق تأمین اجتماعی. بنا به مراتب، ابطال بخشنامه غیرقانونی ۲۳ مستمری‌ها، مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۳۰، مورد استدعاست. رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی در پاسخ به شکایت مذکور، طی نامه شماره ۷۱۰۰/d/۸۶۱۶ مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۰ اعلام داشته‌اند، در تبصره الحاقی به ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی دو شرط اساسی سن و سابقه را ملاک عمل قرار داده است و بخشنامه ۲۳ مستمری‌ها که در اجرای ماده واحده فوق‌الذکر

صادر شده، با در نظر گرفتن دو شرط سن و سابقه، بیانگر نحوه محاسبه مستمری استحقاقی بر اساس شرایط مذکور در تبصره الحاقی بوده که با شرایط مقرر در ۳ تبصره دیگر ماده ۷۶ متفاوت می باشد و در بخشنامه مورد شکایت، مطلبی مغایر با قانون مشاهده نمی گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، در تاریخ فوق، به ریاست آیت الله موسوی تبریزی و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیئت عمومی

با توجه به مقررات قانون نقل و انتقال حق بیمه و بازنشستگی، مصوب ۱۳۶۵/۳/۲۷، مبنی بر جواز انتقال کسور بازنشستگی و حق بیمه از یک صندوق به صندوق بازنشستگی و بیمه دیگر و قابلیت احتساب مطلق سوابق خدمت رسمی مشمولین قانون مزبور از لحاظ بیمه و بازنشستگی، بر اساس مقررات مربوط، اطلاق مفاد بند ۲ بخشنامه شماره ۲۳ مستمری های سازمان تأمین اجتماعی در قسمتی که برخورداری از بازنشستگی بانوان را علی الاطلاق و منحصراً منوط به اشتغال آنان در مشاغل مشمول قانون کار به مدت بیست سال تمام اعلام داشته است، مغایر قانون فوق الذکر تشخیص داده می شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری، عبارت مذکور از متن بخشنامه مورد اعتراض ابطال می شود.

ابطال بخشنامه معاون اداری و مالی دادگستری در خصوص مقید مشروط نمودن پرداخت پاداش خدمت به تقاضای بازنشستگی در محدوده زمانی خاص

تاریخ: ۱۳۷۸/۹/۱۴ - شماره دادنامه: ۳۳۶ - کلاس پرونده: ۲۳۶/۷۸

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای هادی حسین زاده

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۱۴۵۶۸/۴/۲۰ مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۰ معاون اداری

و مالی وزارت دادگستری

مقدمه:

شاکي در دادخواست تقدیمی اعلام داشته است: مطابق بند (و) تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۷۸، بودجه کل کشور، به دولت اجازه داده شده در محدوده زمانی فروردین لغایت پایان اسفندماه ۱۳۷۸، به هریک از کارکنان رسمی و ثابت مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت، کارکنان دولت هنگام بازنشستگی به ازای هر دو سال خدمت، معادل یک ماه آخرین حقوق و فوق العاده به عنوان پاداش خدمت پرداخت شود. چنانچه ملاحظه می فرمایید محدوده زمانی اجرای بند فوق الاشاره دوازده ماه سال ۱۳۷۸ می باشد. اینک معاون اداری و مالی وزارت دادگستری طی بخشنامه شماره ۱۴۵۶۸/۴/۲۰ مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۰، به کلیه واحدهای قضایی و اداری دادگستری و دادگاههای انقلاب اسلامی در سراسر کشور اعلام نموده، برای برخورداری از مزایای فوق حداکثر تا پایان مردادماه ۷۸ فرصت دارند بازنشسته شوند که معنی این دستور این است اگر کارمندی بعد از مردادماه ۷۸ تقاضای بازنشستگی نمود، از مزایای فوق محروم خواهد شد و چون بخشنامه فوق صریحاً مخالف بند (و) تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۷۸ و خارج از حدود اختیارات معاون اداری و مالی وزارت دادگستری بوده، هیچ مقامی نمی تواند محدوده زمانی مقرر در قانون را با اصدار بخشنامه محدود به زمان کوتاه تر نماید. لذا درخواست طرح موضوع در هیئت عمومی و صدور رأی بر ابطال بخشنامه فوق را دارد. اداره کل حقوقی قوه قضاییه در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۷/۶۴۶۱ مورخ ۱۳۷۸/۹/۲ اعلام داشته اند:

بخشنامه مورد شکایت که مدت معین قانونی بند (و) تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۷۸ را به گمان غیرقابل پرداخت بودن احتمالی پاداش مورد نظر در نیمه دوم سال ۱۳۷۸ محدود و مقید کرده است، خلاف قانون است و دادگستری مکلف به قبول درخواست های بازنشستگی پرسنل قضایی و اداری خود، از شهریور تا پایان سال ۱۳۷۸، هم می باشد و می بایست اقدام به تأمین اعتبار لازم بنماید.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر، تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیئت عمومی

نظر به اینکه پرداخت پاداش موضوع بند (و) تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۷۸ کل کشور، مقید و مشروط به تقاضای بازنسیستگی در زمان خاصی از سال مذکور نشده است، مفاد بخشنامه شماره ۲/۴/۱۴۵۶۸ مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۰ که مفهم قابلیت اجرای حکم مذکور در محدوده زمانی خاصی و موجب تضییق قلمرو آن می‌باشد، مغایر اطلاق حکم قانون‌گذار در این باب تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌شود.

ابطال ماده ۱۰ آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی

تاریخ: ۱۳۷۸/۹/۲۱

شماره دادنامه: ۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹

کلاس پرونده: ۵۰/۷۸-۸۸/۷۸-۱۳۰/۷۸-۱۳۹/۷۸-۱۶۰/۷۸-۱۷۹/۷۸-۱۸۳/۷۸-۲۵۲/۷۸-۲۸۱/۷۸

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شکای: خانم مهوش شیرازی، آقای فرزاد هوشنگی، آقای محمدپناه نوری، آقای حمید مغازه، آقای هادی کرمی، آقای محمد تاجیک، آقای میرمهدی موسوی اقدم، آقای مهدی قلی داوری و آقای فریدون نوری تهران

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۱۰ آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی موضوع تصویب نامه شماره ۵۲۳۷۳/ت/۱۵۶۴۹ هـ مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱ هیئت وزیران مقدمه: شکات طی دادخواست‌های تقدیمی، به طور خلاصه اعلام داشته‌اند، با عنایت به صراحت ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، مصوب ۱۳۶۵/۳/۲۷ مجلس شورای اسلامی و تبصره‌های (۲ و ۳) آن و همچنین آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون مذکور، موضوع تصویب نامه شماره ۵۹۵۲۲ مورخ ۱۳۶۵/۱۱/۲۷، هیئت محترم وزیران مقرر می‌دارد:

- ۱- حق بیمه یا بازنشستگی سوابق خدمت اشخاصی که وجوهی را به هریک از صندوق‌های بیمه یا بازنشستگی یا صندوق‌های مشابه پرداخت نموده‌اند، در صورتی که محل کار یا خدمت آنان تغییر نموده و به تبع آن از شمول خدمات صندوق مربوطه خارج شده باشند یا طبق ضوابط قانونی، مشترک صندوق دیگری شده‌اند، به میزان ۴ درصد آخرین حقوق و مزایای آنان که مبنای برداشت حق بیمه یا بازنشستگی قرار گرفته است، بابت هر ماه، به صندوقی که مشمول به تبع شغل خود مشترک آن شده‌اند، منتقل می‌شود (متن ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، مصوب ۱۳۶۵/۳/۲۷ مجلس محترم شورای اسلامی).
 - ۲- آن قسمت از سنوات خدمت قابل قبول دولتی مستخدم که مبنای برداشت حق بیمه یا کسور بازنشستگی قرار گرفته، با انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی جزو خدمت رسمی قرار می‌گیرد. (تبصره ۲ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه و...)
 - ۳- در خصوص آن دسته از مشمولین تأمین اجتماعی و صندوق‌های مشابه که سهم بازنشستگی آنان به مأخذ مذکور در ماده واحده از سایر صندوق‌های بازنشستگی دریافت گردیده است، با اخذ مابه‌التفاوت سهم بازنشستگی، بر اساس قوانین و مقررات مربوط به مستخدم، سنوات خدمت آنان محاسبه خواهد شد. میزان و نحوه اخذ سهم بازنشستگی مذکور در این تبصره بر اساس آیین نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. (تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه و...)
- هیئت محترم وزیران با تصویب نامه شماره ۵۲۳۷۳، مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱، خط بطلان بر قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب ۱۳۶۵ کشیده و برخلاف موازین قانونی و شئون شرعی

اخلاقی و اجتماعی اجرای آن را عطف به ماسبق نموده است. اینک با عنایت به دلایل زیر تقاضای لغو تصویب‌نامه مذکور را دارد.

۱- مصوبات، بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها نمی‌توانند ناقض قانون باشند و هرگونه تغییر در مفاد ماده قانونی مستلزم تصویب مجلس محترم شورای اسلامی می‌باشد.

۲- به موجب تبصره‌های ۲ و ۳ قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، مصوب ۱۳۶۵ و ماده ۹ آیین‌نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون مذکور، موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۹۵۲۲، مورخ ۱۳۶۵/۱۱/۲۷ هیئت وزیران، سوابق خدمت دولتی مشمولین قانون و آیین‌نامه مورد بحث، جزو خدمت رسمی محسوب گشته و سنوات خدمت دولتی آنان از لحاظ بازنشستگی و وظیفه، به محض انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی، پرداخت و مابه‌التفاوت مربوط به ترتیب مقرر در ماده واحده قانون و آیین‌نامه مذکور در این بند تحقق می‌یابد. در حالی که بر اساس ماده ۱۰ الحاقی به آیین‌نامه تبصره ۳ قانون نقل و انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی، موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۲۳۷۳، مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱ هیئت وزیران، سوابق خدمت دولتی مستخدمین که در اجرای قانون و آیین‌نامه یادشده به سازمان تأمین اجتماعی منتقل شده یا می‌شود، صرفاً در محاسبه میزان مستمری بازنشستگی منظور شده است و این امر نقض قانون تلقی می‌گردد.

۳- علی‌رغم اینکه قانون عطف به ماسبق نمی‌گردد، بخصوص مواردی که حقوق اجتماعی اشخاص مطرح باشد، لیکن عملاً هیئت وزیران اجرای مصوبه ۵۲۳۷۳، مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱ را با عنوان کلمات «شده یا می‌شوند» به گذشته تسری داده است. معاون دفتر امور حقوقی دولت در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۳۱۲۷۷، مورخ ۱۳۷۸/۸/۲۲، مبادرت به ارسال تصویب‌نامه شماره ۱۷۸۳۸، مورخ ۱۳۷۸/۵/۴، قائم‌مقام معاون حقوقی و امور مجلس رئیس‌جمهور، در مورد ایراد شماره ۲۲۷۳ هـ/ب مورخ ۱۳۷۳/۳/۲۲ ریاست مجلس شورای اسلامی نسبت به تبصره ۲ الحاقی به ماده ۱ آیین‌نامه قانون تعدیل نیروی انسانی دستگاه‌های دولتی، موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۲۱۶۶/ت/۱۵۶۴۹ هـ مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱ که عیناً حاوی حکم مندرج در ماده ۱۰ تصویب‌نامه شماره ۵۲۳۷۳/ت/۱۵۶۴۹ هـ مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱ که درخواست ابطال گردیده و نیز تصویب‌نامه شماره ۷۱۰۰/د/۷۹۷۳ مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۶ سازمان تأمین اجتماعی، نموده است. در نامه قائم‌مقام معاون حقوقی و امور مجلس رئیس‌جمهور آمده است: تبصره ۲ الحاقی به ماده ۱ آیین‌نامه قانون تعدیل نیروی انسانی دستگاه‌های دولتی (موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۲۱۶۶/ت/۱۵۶۴۹ هـ مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱) که احتساب سوابق خدمت دولتی را منحصر به میزان مستمری بازنشستگی نموده است، مغایر قسمت اخیر ماده ۱ قانون نحوه تعدیل نیروی انسانی است که سنوات خدمت را برای مطلق مزایای قانون تأمین اجتماعی منظور نموده است. در نامه مدیرکل دفتر امور حقوقی و دعاوی سازمان تأمین اجتماعی نیز آمده است: نظر به اینکه منفصلین سازمان تأمین اجتماعی و مستخدمین مشمول مقررات استخدامی شرکت‌های دولتی مصوب ۱۳۵۲/۳/۵ و همچنین سایر مستخدمین مؤسسات دولتی که از حیث بیمه و بازنشستگی

مشمول مقررات قانون تأمین اجتماعی بوده و مدت مدیدی حق بیمه به سازمان پرداخته‌اند و به‌موجب لوایح قانونی مربوط به ایجاد محیط مساعد برای رشد نهادهای انقلاب اسلامی، قانون بازسازی نیروی انسانی دستگاه‌های، قانون هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و سایر قوانین منفصل می‌گردند، علاوه بر اینکه انتقال وجوه آنان از صندوق تأمین اجتماعی به سایر صندوق‌ها متصور نبوده، بلکه از مزایای تعهدات سازمان (انواع مستمری‌ها) در مقابل حق بیمه‌های پرداختی نیز محروم می‌گردیده‌اند. لذا از همان بدو اصلاح آیین‌نامه و به‌منظور رفع دوگانگی اجرای آیین‌نامه نقل و انتقال که فراگیری و جامعیت قانون را مخدوش و حقوق مکتسبه عده‌ای را زایل و به دیگران واگذار می‌نمود، مراتب به هیئت وزیران اعلام گردید. آیین‌نامه تهیه‌شده قبلی توسط هیئت وزیران، پس از گذشت مدت مدیدی، در عمل مخالفت خود را با روح و فلسفه قانون نقل و انتقال بیمه یا بازنشستگی، مصوب ۱۳۶۵/۳/۲۷ مجلس شورای اسلامی نشان داده و از این رو بوده که لزوم اصلاح و تجدیدنظر در آن ضروری تشخیص داده شده است. حسب مصوبه اخیرالتصویب، مستخدمین مزبور پس از انتقال کسور بازنشستگی خود به سازمان و پرداخت مابه‌التفاوت متعلقه، تحت پوشش مقررات تأمین اجتماعی قرار گرفته و اصولاً با قبول مقررات کلی تأمین اجتماعی، همچون سایر بیمه‌شدگان، تابع مقررات آن بوده و برای استفاده از مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی نیز باید حائز شرایط قانونی باشند. چنانچه هدف قانون‌گذار از تصویب قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی و نیز قانون نحوه تعدیل نیروی انسانی، صرفاً بازنشستگی بلافاصله این قبیل افراد بوده، بدون تردید نقل و انتقال حق بیمه از صندوقی به صندوق دیگر را مطرح نمی‌نمود؛ زیرا انجام آن در صندوق قبلی به راحتی و آسانی صورت می‌گرفت. مضافاً اینکه شرایط پذیرش سوابق غیردولتی مستخدمین دولتی در صندوق بازنشستگی کشوری نیز تابع همین منطق بوده و سوابق منتقله در محاسبه حقوق بازنشستگی مؤثر می‌باشد. چنانکه به‌موجب قانون نحوه تأثیر سوابق خدمت غیردولتی در احتساب حقوق بازنشستگی، مصوب ۱۳۷۲/۲/۱۹ مجلس شورای اسلامی، با انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی سهم مستخدم و کارفرما از صندوق تأمین اجتماعی به صندوق بازنشستگی کشوری، سوابق منتقل صرفاً در تعیین حقوق و مستمری بازنشستگی و وظیفه قابل احتساب می‌باشد، آن هم در شرایطی که مستخدم حداقل ۲۰ سال سابقه خدمت دولتی را داشته باشد. دبیر محترم شورای نگهبان در خصوص ادعای خلاف شرع بودن مورد شکایت، طی نامه شماره ۷۸/۲۱/۵۳۶۳ مورخ ۱۳۷۸/۷/۱۰، اعلام داشته‌اند: ماده ۱۰ مذکور در بند ب تصویب‌نامه شماره ۵۲۳۷۳ مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱ و نیز تبصره ۲ مذکور در تصویب‌نامه شماره ۵۲۱۶۶ مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱ هیئت وزیران، خلاف شرع تشخیص داده نشد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین دری نجف‌آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از استماع توضیحات نمایندگان سازمان تأمین اجتماعی و بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

عموم و اطلاق ماده واحد قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، مصوب ۱۳۶۵/۳/۲۷، در خصوص قابلیت حق بیمه یا بازنشستگی اشخاص از یک صندوق بازنشستگی به صندوق بازنشستگی دیگر و تأکید مقنن بر لزوم قبول و احتساب سابقه خدمت مذکور به عنوان خدمت به شرح مندرج در تبصره ۲ ماده واحد قانون فوق الذکر مفید قابلیت احتساب مدت مذکور از کلیه جهات مندرج در قانون تأمین اجتماعی است و مفاد ماده (۱۰) آیین نامه تبصره ۳ ماده واحد قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی که موجب محدودیت آثار قانونی مترتب بر سابقه خدمت مزبور است مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص داده می شود. لذا با استناد به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رأی دیوان عدالت اداری در مورد ابطال مفاد ماده ۱۰ آیین نامه تبصره ۳

ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی (صفحه ۷۱۷)

نقل از شماره ۱۴۰۱۶-۱۳۷۸/۱۱/۲۶، روزنامه رسمی - شماره هـ ۵۰/۷۸ و غیره ۱۳۷۸/۱۱/۱۲

تاریخ ۱۳۷۸/۹/۲۱، شماره دادنامه: ۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹

کلاس پرونده: ۵۰/۷۸-۸۸/۷۸-۱۳۰/۷۸-۱۳۹/۷۸-۱۶۰/۷۸-۱۷۹/۷۸-۱۸۳/۷۸-۲۵۲/۷۸-۲۸۱/۷۸

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: خانم مهوش شیرازی - آقای فرزاد هوشنگی - آقای محمدپناه نوری - آقای حمید مغازه - آقای هادی کرمی - آقای

محمد تاجیک - آقای میرمهدي موسوی اقدم - آقای مهدي قلی داوری - آقای فریدون نوری تهران

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۱۰ آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه

یا بازنشستگی موضوع تصویب نامه شماره ۵۲۳۷۳/۱۵۶۴۹ هـ مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱ هیئت وزیران

مقدمه: شکایت طی دادخواست‌های تقدیمی خلاصاً اعلام داشته‌اند، با عنایت به صراحت ماده واحده قانون

نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب ۱۳۶۵/۳/۲۷ مجلس شورای اسلامی و تبصره‌های ۲ و ۳ آن و همچنین

آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون مذکور، موضوع تصویب نامه شماره ۵۹۵۲۲ مورخ ۱۳۶۵/۱۱/۲۷ هیئت محترم

وزیران که مقرر می‌دارد:

۱- حق بیمه یا بازنشستگی سوابق خدمت اشخاصی که وجوهی را به هر یک از صندوق‌های بیمه یا بازنشستگی یا

صندوق‌های مشابه پرداخت نموده‌اند در صورتی که محل کار یا خدمت آنان تغییر نموده و به تبع آن از شمول

خدمات صندوق مربوطه خارج شده باشند و یا طبق ضوابط قانونی مشترک صندوق دیگری شده‌اند به میزان ۴ درصد

آخرین حقوق و مزایای آنان که مبنای برداشت حق بیمه یا بازنشستگی قرار گرفته است بابت هر ماه به صندوقی

که مشمول به تبع شغل خود مشترک آن شده است منتقل می‌شود (متن ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا

بازنشستگی مصوب ۱۳۶۵/۳/۲۷ مجلس محترم شورای اسلامی).

۲- آن قسمت از سنوات خدمت قابل قبول دولتی مستخدم که مبنای برداشت حق بیمه یا کسور بازنشستگی قرار گرفته،

با انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی جزو خدمت رسمی قرار می‌گیرد (تبصره ۲ ماده واحده قانون نقل و انتقال

حق بیمه...)

۳- در خصوص آن دسته از مشمولین تأمین اجتماعی و صندوق‌های مشابه که سهم بازنشستگی آنان به مأخذ مذکور

در ماده واحده از سایر صندوق‌های بازنشستگی دریافت گردیده است با اخذ مابه‌التفاوت سهم بازنشستگی بر اساس

قوانین و مقررات مربوط از مستخدم، سنوات خدمت آنان محاسبه خواهد شد میزان و نحوه اخذ سهم بازنشستگی

مذکور در این تبصره بر اساس آیین نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد (تبصره ۳ ماده واحده

قانون نقل و انتقال حق بیمه و...) هیئت محترم وزیران با تصویب نامه شماره ۵۲۳۷۳ مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱ خط بطلان

بر قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب ۱۳۶۵ کشیده و برخلاف موازین قانونی و شئونات شرعی

اخلاقی و اجتماعی اجرای آن را عطف بماسبق نموده است. اینک با عنایت به دلایل زیر تقاضای لغو تصویب نامه مذکور را دارد.

۱- مصوبات، بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها نمی‌توانند ناقض قانون باشند و هرگونه تغییر در مفاد ماده قانونی مستلزم تصویب مجلس محترم شورای اسلامی می‌باشد.

۲- به موجب تبصره‌های ۲ و ۳ قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب ۱۳۶۵ و ماده ۹ آیین‌نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون مذکور موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۹۵۲۲ مورخ ۱۳۶۵/۱۱/۲۷ هیئت وزیران سوابق خدمت دولتی مشمولین قانون و آیین‌نامه مورد بحث جزو خدمت رسمی محسوب گشته و سنوات خدمت دولتی آنان از لحاظ بازنشستگی و وظیفه به محض انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی و پرداخت مابه‌التفاوت مربوط به ترتیب مقرر در ماده واحده قانون و آیین‌نامه مذکور در این بند تحقق می‌یابد در حالی که بر اساس ماده ۱۰ الحاقی به آیین‌نامه تبصره ۳ قانون نقل و انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۲۳۷۳ مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱ هیئت وزیران سوابق خدمت دولتی مستخدمین که در اجرای قانون و آیین‌نامه یادشده به سازمان تأمین اجتماعی منتقل شده یا می‌شود صرفاً در محاسبه میزان مستمری بازنشستگی منظور شده است و این امر نقض قانون تلقی می‌گردد.

۳- علیرغم این که قانون عطف بماسبق نمی‌گردد به خصوص مواردی که حقوق اجتماعی اشخاص مطرح باشد لیکن عملاً هیئت وزیران اجرای مصوبه ۵۲۳۷۳ مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱ را با عنوان کلمات «شده یا می‌شوند» به گذشته تسری داده است. معاون دفتر امور حقوقی دولت در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۳۱۲۷۷ مورخ ۱۳۷۸/۸/۲۲ مبادرت به ارسال تصویر نامه شماره ۱۷۸۳۸ مورخ ۱۳۷۸/۵/۴ قائم‌مقام معاون حقوق و امور مجلس رئیس‌جمهور در مورد ایراد شماره ۲۲۷۳ هب مورخ ۱۳۷۶/۳/۲۲ ریاست مجلس شورای اسلامی نسبت به تبصره ۲ الحاقی به ماده ۱ آیین‌نامه قانون تعدیل نیروی انسانی دستگاه‌های دولتی موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۲۱۶۶ ت ۱۵۶۴۹ ه مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱ که عیناً حاوی حکم مندرج در ماده ۱۰ تصویب‌نامه شماره ۵۲۳۷۳ ت ۱۵۶۴۹ ه مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱ که درخواست ابطال گردیده و نیز تصویب‌نامه شماره ۷۱۰۰۰۷۹۷۳ د ۷۱۰۰ مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۶ سازمان تأمین اجتماعی نموده است. در نامه قائم‌مقام معاون حقوقی و امور مجلس رئیس‌جمهور آمده است، تبصره ۲ الحاقی به ماده ۱ آیین‌نامه قانونی تعدیل نیروی انسانی دستگاه‌های دولتی (موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۲۱۶۶ ت ۱۵۶۴۹ ه مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱) که احتساب سوابق خدمت دولتی را منحصر به میزان مستمری بازنشستگی نموده است مغایر قسمت اخیر ماده ۱ قانون نحوه تعدیل نیروی انسانی است که سنوات خدمت را برای مطلق مزایای قانونی تأمین اجتماعی منظور نموده است. در نامه مدیرکل دفتر امور حقوقی و دعاوی سازمان تأمین اجتماعی منظور نموده است. در نامه مدیرکل دفتر امور حقوقی و دعاوی سازمان تأمین اجتماعی نیز آمده است، نظر به این که منفسلین سازمان تأمین اجتماعی و مستخدمین مشمول مقررات استخدامی شرکت‌های دولتی مصوب ۱۳۵۲/۳/۵ و

همچنین سایر مستخدمین مؤسسات دولتی که از حیث بیمه و بازنشستگی مشمول مقررات قانون تأمین اجتماعی بوده و مدت مدیدی حق بیمه به سازمان پرداخته‌اند و به‌موجب لوایح قانونی مربوط به ایجاد محیط مساعد برای رشد نهادهای انقلاب اسلامی، قانون بازسازی نیروی انسانی دستگاه‌های دولتی، قانون هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و سایر قوانین منفصل می‌گردند علاوه بر این که انتقال وجوه آنان از صندوق تأمین اجتماعی به سایر صندوق‌ها متصور نبوده بلکه از مزایای تعهدات سازمان (انواع مستمری‌ها) در مقابل حق بیمه‌های پرداختی نیز محروم می‌گردیده‌اند، لذا از همان بدو اصلاح آیین‌نامه و به‌منظور رفع دوگانگی اجرای آیین‌نامه نقل و انتقال که فراگیری و جامعیت قانون را مخدوش و حقوق مکاتبه‌دهای را زایل و به دیگران واگذار می‌نمود مراتب به هیئت وزیران اعلام گردید. آیین‌نامه تهیه‌شده قبلی توسط هیئت وزیران پس از گذشت مدت مدیدی در عمل مخالفت خود را با روح و فلسفه قانون نقل و انتقال بیمه یا بازنشستگی مصوب ۱۳۶۵/۳/۲۷ مجلس شورای اسلامی نشان داده و از این رو بوده که لزوم اصلاح و تجدیدنظر در آن ضروری تشخیص داده شده است. حسب مصوبه اخیرالتصویب، مستخدمین مزبور پس از انتقال کسور بازنشستگی خود به سازمان و پرداخت مابه‌التفاوت متعلقه، تحت پوشش مقررات تأمین اجتماعی قرار گرفته و اصولاً با قبول مقررات کلی تأمین اجتماعی همچون سایر بیمه‌شدگان تابع مقررات آن بوده و برای استفاده از مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی نیز باید حائز شرایط قانونی باشند. چنانچه هدف قانون‌گذار از تصویب قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی و نیز قانون نحوه تعدیل نیروی انسانی صرفاً بازنشستگی بلافاصله این قبیل افراد بوده بدون تردید نقل و انتقال حق بیمه از صندوقی به صندوق دیگر را مطرح نمی‌نمود زیرا انجام آن در صندوق قبلی به راحتی و آسانی صورت می‌گرفت. مضافاً این که شرایط پذیرش سوابق غیردولتی مستخدمین دولتی در صندوق بازنشستگی کشوری نیز تابع همین منطق بوده و سوابق منتقله در محاسبه حقوق بازنشستگی مؤثر می‌باشد چنانکه به‌موجب قانون نحوه تأثیر سوابق خدمت غیردولتی در احتساب حقوق بازنشستگی مصوب ۱۳۷۲/۲/۱۹ مجلس شورای اسلامی با انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی سهم مستخدم و کارفرما از صندوق تأمین اجتماعی به صندوق بازنشستگی کشوری، سوابق منتقل صرفاً در تعیین حقوق و مستمری بازنشستگی و وظیفه قابل احتساب می‌باشد، آن هم در شرایطی که مستخدم حداقل ۲۰ سال سابقه خدمت دولتی را داشته باشد. دبیر محترم شورای نگهبان در خصوص ادعای خلاف شرع بودن مورد شکایت طی نامه شماره ۷۸/۲۱/۵۳۶۳ مورخ ۱۳۷۸/۷/۱۰ اعلام داشته‌اند، ماده ۱۰ مذکور در بند ب تصویب‌نامه شماره ۵۲۳۷۳ مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱ و نیز تبصره ۲ مذکور در تصویب‌نامه شماره ۵۲۱۶۶ مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱ هیئت وزیران خلاف شرع تشخیص داده نشد. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست آیت ا... موسوی تبریزی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

عموم و اطلاق ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب ۱۳۶۵/۳/۲۷ در خصوص قابلیت حق بیمه یا بازنشستگی اشخاص از یک صندوق بازنشستگی به صندوق بازنشستگی دیگر و تأکید مقنن بر لزوم قبول و احتساب سابقه خدمت مذکور به عنوان خدمت به شرح مندرج در تبصره ۲ ماده واحده قانون فوق‌الذکر مفید قابلیت احتساب مدت مذکور از کلیه جهات مندرج در قانون تأمین اجتماعی است و مفاد ماده ۱۰ آیین‌نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی که موجب محدودیت آثار قانونی مترتب بر سابقه خدمت مزبور است مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص داده می‌شود لذا مستنداً «به قسمت دوم ماده ۱۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف‌آبادی

رأی دیوان عدالت اداری در مورد ابطال بخشنامه معاون اداری و مالی دادگستری

در خصوص مقید و مشروط نمودن زمان بازنشستگی (صفحه ۸۳۶)

نقل از شماره ۱۶۰۲۲-۱۳۷۸/۱۲/۵، روزنامه رسمی - شماره هـ ۲۳۶/۷۸-۱۳۷۸/۱۰/۲۰

تاریخ: ۱۳۷۸/۹/۱۴ - شماره دادنامه: ۳۳۶- کلاسه پرونده: ۲۳۶/۷۸

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای هادی حسین زاده

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۱۳۷۸/۴/۲۰ مورخ ۲/۴/۱۴۵۶۸، معاون اداری

و مالی وزارت دادگستری

مقدمه: شاکي در دادخواست تقدیمی اعلام داشته است: مطابق بند (و) تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۷۸، بودجه کل کشور، به دولت اجازه داده شده در محدوده زمانی فروردین لغایت پایان اسفندماه ۱۳۷۸، به هریک از کارکنان رسمی و ثابت مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت، هنگام بازنشستگی، به ازای هر دو سال خدمت، معادل یک ماه آخرین حقوق و فوق العاده، به عنوان پاداش خدمت، پرداخت شود. چنانچه ملاحظه می فرمایید محدوده زمانی اجرای بند فوق الاشاره، دوازده ماه سال ۱۳۷۸ می باشد. اینک معاون اداری و مالی وزارت دادگستری، طی بخشنامه شماره ۲/۴/۱۴۵۶۸، مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۰، به کلیه واحدهای قضایی و اداری دادگستری و دادگاههای انقلاب اسلامی در سراسر کشور اعلام نموده، برای برخورداری از مزایای فوق، حداکثر، تا پایان مردادماه ۷۸ فرصت دارند بازنشسته شوند که معنی این دستور این است که اگر کارمندی بعد از مردادماه ۷۸ تقاضای بازنشستگی نمود، از مزایای فوق محروم خواهد شد و چون بخشنامه فوق صریحاً مخالف بند (و) تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۷۸ و خارج از حدود اختیارات معاون اداری و مالی وزارت دادگستری بوده، هیچ مقامی نمی تواند محدوده زمانی مقرر در قانون را با اصدار بخشنامه محدود به زمان کوتاه تری نماید. لذا درخواست طرح موضوع در هیئت عمومی و صدور رأی بر ابطال بخشنامه فوق را دارد.

اداره کل حقوقی قوه قضاییه در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۷/۶۴۶۱، مورخ ۱۳۷۸/۹/۲، اعلام داشته اند: بخشنامه مورد شکایت که مدت معین قانونی بند و تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۷۸ را به گمان غیرقابل پرداخت بودن احتمالی پاداش موردنظر در نیمه دوم سال ۱۳۷۸ محدود و مقید کرده است، خلاف قانون است و دادگستری مکلف به قبول درخواست های بازنشستگی پرسنل قضایی و اداری خود از شهریور تا پایان سال ۱۳۷۸ هم می باشد و می بایست اقدام به تأمین اعتبار لازم بنماید.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیئت عمومی

نظر به این که پرداخت پاداش موضوع بند و تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۷۸ کل کشور مقید و مشروط به تقاضای بازنشستگی در زمان خاصی از سال مذکور نشده است، مفاد بخشنامه شماره ۲/۴/۱۴۵۶۸، مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۰، که مفهم قابلیت اجرای حکم مذکور در محدوده زمانی خاصی و موجب تضییق قلمرو آن می باشد، مغایر اطلاق حکم قانون گذار در این باب تشخیص داده می شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می شود.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجفآبادی

رأی شماره ۱۷۴-۱۳۷۹/۵/۱۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری
در مورد احتساب فوق العاده سختی شرایط کار حقوق بازنشستگی کارکنان
شرکت دخانیات ایران (صفحه ۱۳۶۴)

نقل از شماره ۱۶۲۶۹-۱۳۷۹/۱۰/۱۱ روزنامه رسمی - شماره هـ ۳۹۵/۷۸ - ۱۳۷۹/۸/۵

تاریخ: ۱۳۷۹/۵/۱۶ - شماره دادنامه: ۱۷۴ - کلاس پرونده: ۳۹۵/۷۸

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: رئیس شعبه شانزده دیوان عدالت اداری

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب دوم و پنجم تجدیدنظر دیوان
عدالت اداری
مقدمه:

الف: ۱- شعبه شانزدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۲۰۲۵/۷۶، موضوع شکایت آقای هوشیار کرد جزی به طرفیت شرکت دخانیات ایران به خواسته عدم احتساب فوق العاده سختی شرایط کار در حقوق بازنشستگی، به شرح دادنامه شماره ۱۸ مورخ ۱۳۷۷/۱/۱۶، نظر به این که شاکی مدرکی مبنی بر الزام مشتکی عنه به احتساب فوق العاده مذکور در برقراری حقوق بازنشستگی، ارائه ننموده، قرار رد شکایت صادر نموده است.

۲- شعبه پنجم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاس ۳۷۰/۷۸، موضوع تقاضای تجدیدنظر آقای هوشیار کرد جزی نسبت به دادنامه شماره ۱۸، مورخ ۱۳۷۷/۱/۱۶، شعبه شانزدهم در پرونده کلاس ۲۰۲۵/۷۶، به شرح دادنامه شماره ۴۹۴، مورخ ۱۳۷۸/۷/۱۴، با نقض دادنامه معترض عنه حکم به ورود شکایت و الزام شرکت دخانیات ایران به احتساب فوق العاده شرایط محیط کار در حقوق بازنشستگی تجدیدنظر خواه و اصلاح حکم بازنشستگی و پرداخت مابه التفاوت از تاریخ استحقاق صادر نموده است.

ب: ۱- شعبه شانزدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۷۶۹/۷۷، موضوع شکایت آقای رمضان حمید به طرفیت هیئت تجدیدنظر وزارت امور اقتصادی و دارایی به خواسته اعتراض به رأی صادره به شرح دادنامه شماره ۳۴۸، مورخ ۱۳۷۸/۳/۱۱، نظر به این که ایراد و اشکال موجهی از طرف شاکی عنوان نگردیده، حکم به رد شکایت صادر نمود است.

۲- شعبه پنجم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاس ۹۸۸/۷۸، موضوع تقاضای تجدیدنظر آقای رمضان حمید نسبت به دادنامه شماره ۳۴۸، مورخ ۱۳۷۸/۳/۱۱، شعبه شانزدهم دیوان به شرح دادنامه شماره ۷۷۱، مورخ ۱۳۷۸/۹/۱۱، ضمن فسخ رأی شعبه شانزدهم رسیدگی مجدد را به هیئت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری هم عرض احاله نموده است.

ج: ۱- شعبه شانزدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۰۸۰، مورخ ۱۳۷۷/۷/۲، موضوع شکایت خانم طوبی فرنیان به طرفیت اداره امور اراضی مرکز گنبد به خواسته تقاضای صدور سند بیع شرط به میزان اراضی تصرفی، به شرح

دادنامه شماره ۱۰۸۰، مورخ ۱۳۷۷/۷/۲، حکم به رد شکایت صادر نموده است.

۲- شعبه پنجم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاس ۸۲۵/۷۸، موضوع تقاضای تجدیدنظر خانم طوی فرنیان به خواسته نقض دادنامه شماره ۱۰۸۰، مورخ ۱۳۷۷/۷/۲، شعبه شانزدهم دیوان، به شرح دادنامه ۷۹۴، مورخ ۱۳۷۸/۹/۱۴، ضمن فسخ رأی، حکم به ورود شکایت شاکی صادر نموده است.

د: ۱- شعبه شانزدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۰۹۰/۷۷، موضوع شکایت شرکت گروه تولیدی جاده ابریشم به طرفیت گمرک جمهوری اسلامی ایران به خواسته اعتراض به رأی، به شرح دادنامه شماره ۱۱۷۸، مورخ ۱۳۷۷/۷/۲۲، نظر به این که شرکت شاکی از شرکت‌های تحت پوشش و وابسته به ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) می‌باشد، با استناد به اصل ۱۷۳ قانون اساسی و ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری شکایت را قابل طرح و رسیدگی در دیوان تشخیص نداده، قرار رد شکایت صادر نموده است.

۲- شعبه دوم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاس ۵۶۱/۷۸، موضوع تقاضای تجدیدنظر شرکت گروه تولیدی جاده ابریشم به خواسته نقض دادنامه شماره ۱۱۷۸، مورخ ۱۳۷۷/۷/۲۲، به شرح دادنامه شماره ۱۲۲۳، مورخ ۱۳۷۸/۷/۶، نظر به این که دلیل متیقن که مبین تحت پوشش بودن یا وابسته بودن به نهاد انقلاب اسلامی باشد ارائه نشده، با فسخ رأی، تعیین تکلیف نسبت به اصل خواسته را به عهده شعبه بدوی دیوان دانسته است.

ه: ۱- شعبه شانزدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۹۵۸/۷۷، موضوع شکایت آقای سعید ارفعی، مدیرعامل شرکت خطوط لوله سراسری به طرفیت وزارت امور اقتصادی و دارایی به خواسته لغو رأی هیئت‌های ۲۵۱ مکرر اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم به شرح دادنامه شماره ۴۶۷، مورخ ۱۳۷۸/۴/۱، با عنایت به این که شاکی مدرکی در مورد این که در زمان تقدیم دادخواست رسمی در شرکت یادشده داشته باشند، ضمیمه دادخواست ننموده‌اند، مستند به بند الف ماده ۱۴ آیین دادرسی دیوان، قرار رد شکایت صادر نموده است.

۲- شعبه دوم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاس ۹۰۸/۷۸، مورخ تقاضای تجدیدنظر آقای سعید ارفعی به خواسته نقض دادنامه شماره ۴۶۷ مورخ ۱۳۷۸/۴/۱، شعبه شانزدهم، به شرح دادنامه شماره ۱۲۵۸، مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۱۴، چنین رأی صادر نموده است: حسب آگهی تصمیمات شرکت خطوط لوله سراسری سهامی خاص، منتشر در روزنامه رسمی، مورخ ۱۳۷۷/۱/۲۵، طبق صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده و عادی، به طور فوق العاده سالیانه، مورخ ۱۳۷۶/۱۱/۶، آقای سعید ارفعی، به عنوان مدیرعامل منصوب شده بوده که تحت همین عنوان نیز مبادرت به تقدیم دادخواست نموده، صرف نظر از آن با توجه به ماده ۱۳۶، قانون تجارت در باب وظایف و مسئولیت‌های مدیران سابق شرکت، مادامی که مدیران جدید انتخاب نگردیده‌اند، قانون گذار به منظور رفع محظوریت قانونی مدیران سابق، کمافی السابق، مسئول امور شرکت و اداره آن خواهند بود که با توجه به مراتب فوق الذکر، چون دادنامه تجدیدنظر خواسته، بدون در نظر گرفتن جهات فوق صادر گردیده، رأی به فسخ دادنامه تجدیدنظر خواسته و رسیدگی و تعیین تکلیف نسبت به اصل خواسته که به عهده شعبه بدوی دیوان عدالت اداری بوده و مسکوت باقیمانده صادر می‌گردد. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین، دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

علاوه بر این که در ماده ۱۸ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۷۸/۲/۱، قاعده‌ای در باب احاله پرونده به شعبه بدوی در صورت نقض رأی بدوی وضع نشده است، اساساً مدلول ماده ۴۷ آیین دادرسی دیوان، مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۹، در باب تکلیف شعبه تجدیدنظر، به صدور رأی مقتضی، مفید ضرورت رسیدگی به خواسته و تعیین تکلیف قطعی شکایت در مرجع اخیرالذکر است. بنابراین دادنامه شماره ۴۹۴، مورخ ۱۳۷۸/۷/۱۴ و ۷۷۱ مورخ ۱۳۷۸/۹/۱۱، شعبه پنجم تجدیدنظر، در حدی که متضمن این معنی است، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص و به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری، برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دزی نجف‌آبادی

رای وحدت رویه در خصوص عدم الزام به کسر و واریز کسور بیمه بازنشستگی در مورد مستخدمان قراردادی

تاریخ: ۱۳۷۹/۱۰/۱۱ - شماره دادنامه: ۲۸۸ - کلاس پرونده: ۴۸/۷۹

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: مدیر کل امور حقوقی وزارت جهاد سازندگی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آرای صادره از شعب ۱۲ و ۱۷ دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: شعبه هفدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۴۹۲/۷۷ موضوع شکایت آقای احمد محمدی به طرفیت جهاد سازندگی شهرستان دهلران به خواسته کسورات بیمه بازنشستگی مدت خدمت به شرح دادنامه شماره ۱۰۶۰ مورخ ۱۳۷۸/۷/۸ چنین رأی صادر نموده است: خواسته شاکی پرداخت کسورات بازنشستگی از تاریخ ۱۳۶۲/۵/۱، لغایت ۱۳۶۵/۱/۲۵ می باشد که به صورت قراردادی در استخدام جهاد شهرستان دهلران بوده است و جهاد استان ایلام نیز اشتغال شاکی را در تاریخ مذکور، به موجب گواهی مورخ ۱۳۷۶/۵/۲۸ تأیید نموده است. لیکن سازمان خوانده به موجب لایحه دفاعیه ارسالی عدم واریز کسورات بیمه بازنشستگی را به لحاظ بهره مندی شاکی از نظام حمایتی خاص اعلام داشته و در این رابطه به بخشنامه شماره ۶۰۵ مورخ ۱۳۶۹/۵/۳۰ سازمان تأمین اجتماعی استناد نموده است. از آنجا که استناد سازمان خوانده به بخشنامه مذکور مخالف با ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب ۱۳۶۵/۳/۲۷ مجلس شورای اسلامی می باشد، با احراز موجه بودن خواسته شاکی حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می گردد.

ب: شعبه دوازدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۶۰۱/۷۷ موضوع شکایت آقای صحرا کریمی به طرفیت جهاد سازندگی استان ایلام به خواسته واریز کسورات بازنشستگی و بیمه سنوات خدمت به صندوق بیمه و بازنشستگی سپاه، به شرح دادنامه شماره ۱۱۵۹ مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۹، چنین رأی صادر نموده است: شاکی می نویسد که از ۱۳۵۸/۹/۱ تا ۱۳۶۴/۱/۲۴ در جهاد سازندگی دهلران خدمت کرده و سابقه خدمت او گواهی شده، اما کسورات بیمه و بازنشستگی در طول مدت خدمت او به سازمان بیمه و بازنشستگی سپاه واریز نشده و تقاضای الزام خوانده را به صدور گواهی انتقال کسورات بیمه و بازنشستگی از جهاد استان ایلام به بیمه و بازنشستگی سپاه را خواسته و رئیس سازمان جهاد استان ایلام پاسخ داده که نیروهای قراردادی جهاد سازندگی تا آبان ماه ۱۳۷۱، مشمول قانون بیمه تأمین اجتماعی نبوده اند و هیچ گونه کسوراتی بابت بیمه و بازنشستگی از حقوق آن ها کسر نشده است. لذا خواسته شاکی بر الزام خوانده به انتقال کسور بازنشستگی و بیمه او به سازمان بیمه و بازنشستگی سپاه، محل قانونی ندارد و رد می شود. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین، دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیئت عمومی

نظر به اینکه مشتکی عنه قانوناً الزامی به کسر و واریز کسور بیمه بازنشستگی در مورد مستخدمان قراردادی نداشته است، دادنامه شماره ۱۱۵۹، مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۹ شعبه دوازدهم دیوان، مبنی بر رد شکایت از حیث نتیجه، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی به استناد قسمت دوم ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری، برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رای شماره ۲۸۸ - ۱۳۷۹/۱۰/۱۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری
در مورد کسورات بیمه بازنشستگی مدت خدمت به شرح دادنامه شماره ۱۰۶۰
مورخ ۱۳۷۸/۷/۸ (صفحه ۲۰۶۱)

نقل از شماره ۱۶۳۶۴ - ۱۳۸۰/۲/۱۶، روزنامه رسمی - شماره هـ ۴۸/۷۹ - ۱۳۷۹/۱۲/۲۵

تاریخ: ۱۳۷۹/۱۰/۱۱ - شماره دادنامه: ۲۸۸ - کلاس پرونده: ۴۸/۷۹

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: مدیر کل امور حقوقی وزارت جهاد سازندگی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۱۲ و ۱۷ دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: شعبه هفدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۴۹۲/۷۷ موضوع شکایت آقای احمد محمدی به طرفیت جهاد سازندگی شهرستان دهلران به خواسته کسورات بیمه بازنشستگی مدت خدمت به شرح دادنامه شماره ۱۰۶۰، مورخ ۱۳۷۸/۷/۸، چنین رأی صادر نموده است: خواسته شاکی پرداخت کسورات بازنشستگی از تاریخ ۱۳۶۲/۵/۱، لغایت ۱۳۶۵/۱/۲۵، می باشد که به صورت قراردادی در استخدام جهاد شهرستان دهلران بوده است و جهاد استان ایلام نیز اشتغال شاکی را در تاریخ مذکور، به موجب گواهی مورخ ۱۳۷۶/۵/۲۸، تأیید نموده است. لیکن سازمان خوانده به موجب لایحه دفاعیه ارسالی، عدم واریز کسورات بیمه بازنشستگی را به لحاظ بهره‌مندی شاکی از نظام حمایتی خاص اعلام داشته و در این رابطه به بخشنامه شماره ۶۰۵، مورخ ۱۳۶۹/۵/۳۰ سازمان تأمین اجتماعی، استناد نموده است. از آنجا که استناد سازمان خوانده به بخشنامه مذکور مخالف با ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، مصوب ۱۳۶۵/۳/۲۷ مجلس شورای اسلامی می باشد، با احراز موجه بودن خواسته شاکی، حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می گردد.

ب: شعبه دوازدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۶۰۱/۷۷، موضوع شکایت آقای صحرا کریمی به طرفیت جهاد سازندگی استان ایلام به خواسته واریز کسورات بازنشستگی و بیمه سنوات خدمت به صندوق بیمه و بازنشستگی سپاه، به شرح دادنامه شماره ۱۱۵۹، مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۹، چنین رأی صادر نموده است: شاکی می نویسد که از ۱۳۵۸/۹/۱ تا ۱۳۶۴/۱/۲۴، در جهاد سازندگی دهلران خدمت کرده و سابقه خدمت او گواهی شده، اما کسورات بیمه و بازنشستگی در طول مدت خدمت او به سازمان بیمه و بازنشستگی سپاه واریز نشده و تقاضای الزام خوانده را به صدور گواهی انتقال کسورات بیمه و بازنشستگی از جهاد استان ایلام به بیمه و بازنشستگی سپاه را خواسته و رئیس سازمان جهاد استان ایلام پاسخ داده که نیروهای قراردادی جهاد سازندگی تا آبان ماه ۱۳۷۱، مشمول قانون بیمه تأمین اجتماعی نبوده‌اند و هیچ‌گونه کسوراتی بابت بیمه و بازنشستگی به سازمان بیمه و بازنشستگی سپاه محل قانونی ندارد و رد می شود.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دری نجف‌آبادی و با حضور رؤسای

شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیئت عمومی

نظر به این که مشتی‌ک‌عنه قانوناً الزامی به کسر و واریز کسور بیمه بازنشستگی در مورد مستخدمان قراردادی نداشته است، دادنامه شماره ۱۱۵۹، مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۹، شعبه دوازدهم دیوان، مبنی بر رد شکایت، از حیث نتیجه، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص می گردد. این رأی به استناد قسمت دوم ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط، در موارد مشابه، لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف‌آبادی

رای وحدت رویه در خصوص عدم افزایش سنوات ارفاقی به مدت خدمت متقاضیان بازنشستگی

تاریخ: ۲/۲/۱۳۸۰ - شماره دادنامه: ۲۵- کلاسه پرونده: ۲۰۱/۷۹

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای احمد عمویی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری مقدمه:

الف: ۱- شعبه نوزدهم در رسیدگی به پرونده ۱۱۵۷/۷۶، موضوع شکایت آقای احمد عمویی به طرفیت بانک ملت به خواسته احقاق حق به شرح دادنامه شماره ۷۱۰، مورخ ۱۳۷۷/۶/۳۱، چنین رأی صادر نموده است: ماحصل ادعای شاکي این است که در تاریخ ۱۳۶۶/۱۰/۳ با داشتن ۲۱ سال سابقه خدمت بازنشسته گردیده است و نتیجتاً خواسته‌اش این است که از مزایای پنج سال ارفاق مقرر در تبصره ماده ۹۷ آیین نامه استخدامی مشترک بانکها بهره‌مند گردد. با توجه به محتویات پرونده و پاسخ واصله، نظر به اینکه به موجب تبصره ذیل ماده ۹۷ آیین نامه استخدامی مشترک بانکها، بانک می‌تواند با تصویب به اتفاق آراء هیئت مدیره بانک، مستخدمینی را که حداقل ۲۰ سال پرداخت کسور بازنشستگی داشته باشند یا تعهد آن را بر اساس موارد مندرج در آیین نامه استخدامی مزبور نموده باشند، با احتساب حداکثر تا پنج سال خدمت اضافی بدون پرداخت کسور بازنشستگی، از طرف مستخدم بازنشسته نماید و به لحاظ اینکه کلمه در تبصره مزبور ناظر به بازنشستگی مستخدم است نه اینکه در احتساب، حداکثر تا پنج سال خدمت اضافی نزد بانک مخیر باشد. به عبارت دیگر، چنانچه مستخدم بانک لااقل ۲۰ سال سابقه پرداخت کسور بازنشستگی داشته باشد و درخواست بازنشستگی کند و هیئت مدیره بانک نیز بازنشستگی اش را تصویب نماید، بانک می‌تواند مستخدم مزبور را بازنشسته کند. لیکن چنانچه مستخدم را بازنشسته نموده، مکلف است ارفاق مقرر در تبصره فوق‌الذکر را از حیث محاسبه سنوات خدمت اضافی درباره او منظور نماید. علی‌هذا با توجه به اینکه شاکي در اجرای تبصره مزبور و با بیست سال و ده ماه و بیست و چهار روز سابقه خدمت، بازنشسته گردیده است، مشمول ارفاق پنج سال خدمت اضافی مقرر در تبصره فوق‌الذکر تشخیص، بنا به مراتب شکایت نامبرده وارد حکم به الزام بانک ملت به اضافه نمودن پنج سال به سنوات خدمت مشارالیه و پرداخت حقوق قانونی مربوط به آن در وجه شاکي صادر می‌گردد.

۲- شعبه اول هیئت تجدیدنظر دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ت ۹۰۱/۷۷/۱ موضوع تقاضای تجدیدنظر بانک ملت، اداره حقوقی نسبت به دادنامه شماره ۷۱۵، مورخ ۱۳۷۷/۶/۳۱، صادره از شعبه ۱۹ دیوان در پرونده کلاسه ۱۱۵۷/۷۶، چنین رأی صادر نموده است: اعتراض اداره کل حقوقی بانک ملت به دادنامه شماره ۷۱۵، مورخ ۱۳۷۷/۶/۳۱، صادره از شعبه ۱۹ دیوان با عنایت به لایحه اعتراضیه و مفاد تبصره یک ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری، وارد تشخیص و با فسخ دادنامه بدوی شکایت رد می‌شود.

ب- ۱- شعبه ششم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۵۶۵/۷۶، موضوع شکایت آقای ابراهیم هجیر به طرفیت بانک ملت به خواسته حق و حقوق بازنشستگی به شرح دادنامه شماره ۱۸۶، مورخ ۱۳۷۷/۲/۹، چنین رأی صادر نموده است: برداشت بانک ملت از تبصره ذیل ماده ۹۷ آیین نامه استخدامی بانکها صحیح نمی باشد؛ زیرا کلمه می تواند در ابتدای جمله به معنای تکلیف بانک، به احتساب مدت ۵ سال مرقوم جزء سنوات خدمت مستخدمی باشد. به عبارت دیگر، بانک مکلف به افزودن ۵ سال به سنوات خدمت شاکی، بدون پرداخت کسور بازنشستگی بوده است. فلذا شکایت شاکی وارد تشخیص و حکم به الزام طرف شکایت به اضافه کردن مدت ۵ سال به سنوات خدمت شاکی و پرداخت حق و حقوق قانونی وی صادر می گردد.

۲- شعبه اول هیئت تجدیدنظر دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ت ۳۲۶/۷۷/۱، موضوع تقاضای تجدیدنظر بانک ملت نسبت به دادنامه شماره ۱۸۶، مورخ ۱۳۷۷/۲/۹، شعبه ششم در پرونده کلاسه ۱۵۶۵/۷۶، به شرح دادنامه شماره ۷۷۶، مورخ ۱۳۷۷/۶/۸، چنین رأی صادر نموده است: نظر به اینکه از طرف تجدیدنظر خواه، بانک ملت، ایراد و اعتراضوجهی که فسخ دادنامه بدوی را ایجاب نماید اقامه و ابراز نگردیده و بر کیفیت رسیدگی و اصدار دادنامه شماره ۱۸۶، مورخ ۱۳۷۷/۲/۹، صادره از شعبه ششم دیوان عدالت اداری، ایراد شکلی به نظر نمی رسد، بنا به مجموع مراتب فوق الذکر، دادنامه بدوی عیناً تأیید می شود.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیئت عمومی

به صراحت تبصره یک اصلاحی ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری، مصوب ۱۳۶۵/۳/۲۷، بازنشستگی کلیه مستخدمین رسمی دولت، از جمله کارکنان بانکها منحصرأً به احتساب سنوات خدمت دولتی آنان تجویز شده و در نتیجه، مقررات مغایر موضوع افزایش سنوات خدمت ارفاقی، به مدت خدمت متقاضیان بازنشستگی واجد شرایط، منسوخ نگردیده است. بنابراین دادنامه شماره ۱۲۹۹، مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۲ هیئت اول، تجدیدنظر دیوان مبنی بر فسخ دادنامه شماره ۷۱۰، مورخ ۱۳۷۷/۶/۳۱ شعبه نوزده بدوی دیوان و رد شکایت به خواسته الزام بانک ملت به افزایش ۵ سال خدمت ارفاقی به مدت خدمت شاکی، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می شود. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۷۸/۲/۱، برای شعب دیوان و سایر مراجع ذی ربط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رأی وحدت رویه در خصوص احتساب مدت تحصیلات دانشگاهی از لحاظ بازنشستگی جزو سال‌های خدمت نظامیان و عدم تعمیم آن به افراد غیر نظامی

تاریخ: ۱۳۸۰/۷/۱۵ - شماره دادنامه: ۲۲۱ - ۲۲۰ - کلاس پرونده: ۱۴۹/۸۰ و ۲۳۳/۸۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: ۱- آقای موسوی رئیس شعبه پنجم دیوان عدالت اداری ۲- رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۲ و ۵ بدوی و سوم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: شعبه دوم بدوی در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۱۵/۷۳، موضوع شکایت آقای اصلان انصاری به طرفیت آجودانی کل ستاد نیروی هوایی شعبه کارمندان به خواسته اجرای تبصره ماده ۷۷ قانون سابق اجا، به شرح دادنامه شماره ۹۴۴، مورخ ۱۳۷۵/۱۱/۳۰، چنین رأی صادر نموده است: هر چند که به موجب قانون اخیرالتصویب مقررات قانون قبل که مغایر این قانون باشد نسخ شده باشد و در نتیجه تبصره ماده ۷۷ نیز منسوخ شده باشد، لکن در زمانی که شاکی به استخدام درآمده، تبصره مذکور حاکم بوده و شاکی در همان زمان استحقاق احتساب سنوات تحصیل را جزو سوابق خدمتی خود داشته و عدم احتساب آن ایام به هر دلیلی موجب سلب استحقاق وی نمی‌شود و قانون اخیرالتصویب هم عطف به ماسبق نشده و نمی‌تواند سالب استحقاق نامبرده مبنی بر احتساب سوابق وی گردد. بنابراین و به نحو مطروح، شکایت وارد است و خوانده ملزم به احتساب سنوات تحصیل شاکی جزو سوابق خدمتی وی می‌باشد.

ب: شعبه پنجم بدوی در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۴۳۹/۷۹، موضوع شکایت آقای حمید شهبازی به طرفیت ستاد مشترک جمهوری اسلامی - اداره یکم قوانین و مقررات به خواسته احتساب سنوات تحصیلی دوره کارشناسی به شرح دادنامه شماره ۱۶۷۴، مورخ ۱۳۷۹/۹/۲۶، چنین رأی صادر نموده است: شاکی نوشته در تاریخ ۱۳۵۳/۳/۱۵، به استخدام ارتش درآمده و سوابق تحصیلی دوره لیسانس جزو سنوات خدمت وی منظور نگردیده است. با توجه به جواییه مشتکی عنه اعلام داشته مقررات تبصره الحاقی به ماده ۷۷ قانون استخدامی ارتش، قابل تسری به کارمندان نمی‌باشد. با استناد به تبصره ماده ۷۷ (اصلاحی مصوب اردیبهشت ۱۳۵۶) قانون استخدام ارتش با ورود شکایت شاکی مشتکی عنه موظف است وفق مفاد تبصره ۷۷ قانون یادشده، در خصوص احتساب سنوات تحصیلی شاکی، جزو سنوات خدمت وی اقدام نماید.

ج: ۱- شعبه پنجم بدوی در رسیدگی به پرونده کلاس ۰۹/۷۹، موضوع شکایت آقای داود جوانی به طرفیت، اداره آجودانی ستاد مشترک ارتش به خواسته احتساب سوابق تحصیلی جزو سنوات خدمت به شرح دادنامه شماره ۸۹۴، مورخ ۱۳۷۹/۵/۳۱، چنین رأی صادر نموده است: شاکی در دادخواست تنظیمی نوشته، مدت تحصیل وی را از تاریخ ۱۳۵۲/۷/۱ تا ۱۳۵۶/۴/۴ جزو سنوات خدمتی نامبرده منظور نمایند. با توجه به اینکه مشتکی عنه

دفاع مؤثری به عمل نیاورده است و نظر به اینکه در تاریخ ۱۳۵۶/۷/۲۰ نیروهای مسلح استخدام گردیده است، می‌تواند از مزایای تبصره ماده ۷۷ قانون (اصلاحی) استخدام ارتش استفاده نماید. بنابراین با ورود شکایت شاکی مشتکی عنه موظف است وفق مقررات در خصوص احتساب ایام یادشده جزو سنوات خدمتی مشارالیه اقدام نماید.

۲- شعبه سوم تجدیدنظر در رسیدگی به تقاضای تجدیدنظر اداره آجودانی ستاد مشترک ارتش مدیریت کارگزینی کارمندان به خواسته تجدیدنظر در دادنامه شماره ۸۹۴، مورخ ۱۳۷۹/۵/۳۱، شعبه پنجم بدوی دیوان، به کلاسسه پرونده ۶۰۹/۷۹ به شرح دادنامه شماره ۸۰، مورخ ۱۳۸۰/۱/۲۸، چنین رأی صادر نموده است: با بررسی محتویات پرونده و التفات به منطوق تبصره ۲ ماده ۲۷ قانون استخدام ارتش به این عبارت (کسانی که قبل از تصویب قانون استخدام نیروهای مسلح مشغول خدمت شده‌اند. مدت تحصیلی قبلی آنان در دانشگاه از لحاظ بازنشستگی جزو سال‌های خدمت آنها محسوب خواهد شد، مشروط بر اینکه کسور بازنشستگی مدت مزبور به مأخذ صدی ده حقوقی که قانوناً دریافت می‌دارد تأدییه نمایند) نظر به اینکه مشارالیه بعد از فراغت تحصیل تقاضای استخدام در ارتش بوده و از جمله دانشجویان بورسیه‌ای نبوده تا با دریافت حقوق کسور بازنشستگی را پرداخته باشد، فلذا به لحاظ عدم حصول شرایط مصرحه در قانون مارالذکر اعتراض تجدیدنظرخواه، موجه تشخیص با نقض دادنامه تجدیدنظر خواسته، حکم به رد شکایت مشارالیه صادر می‌شود. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین دری نجف‌آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

حکم مقرر در ماده (۷۷) اصلاحی قانون استخدام نیروهای مسلح و تبصره ذیل آن، مصوب ۱۳۵۶، در خصوص جواز احتساب مدت تحصیل در دانشکده‌ها و آموزشگاه‌های نظامی، اعم از داخله یا خارجه، و همچنین در دانشگاه‌های غیرنظامی از حیث بازنشستگی با رعایت شرایط مربوط با عنایت به سیاق عبارات مقررات فوق‌الاشعار ناظر به مدت تحصیل افسران، همافران، درجه‌داران و افراد نیروهای مسلح است و تعمیم آن به افراد غیرنظامی جواز قانونی ندارد. بنا به مراتب فوق‌الذکر و عدم تحقق و اجتماع شرایط مذکور در تبصره ۲ ماده ۲۷ قانون استخدام نیروهای مسلح در مورد شاکیان، دادنامه شماره ۸۰، مورخ ۱۳۸۰/۱/۲۸، شعبه سوم تجدیدنظر دیوان که نتیجتاً مبین این معنی می‌باشد، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۷۸/۲/۱ برای شعب دیوان و سایر مراجع ذی‌ربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رأی وحدت رویه در خصوص استفاده از مرخصی استحقاقی ذخیره شده هنگام بازنشستگی حداکثر به مدت چهار ماه

تاریخ: ۱۳۸۰/۸/۶ - شماره دادنامه: ۲۴۶ - کلاس پرونده: ۱۵۰/۸۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: مدیرعامل امور اداری سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۸ و ۱۶ دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: شعبه هشتم در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۵۲۹/۷۷، موضوع شکایت آقای سیدعلی عباس نژاد به طرفیت سازمان جنگل‌ها و مراتع به خواسته درخواست پرداخت حقوق و مزایای ایام مرخصی ذخیره شده زمان قبل از بازنشستگی، به شرح دادنامه شماره ۹۰۴، مورخ ۱۳۷۹/۶/۲۷، چنین رأی صادر نموده است: نظر به اینکه شاکی در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۱۰ به افتخار بازنشستگی نایل گردیده و در پایان سال ۱۳۵۸، قبل از بازنشستگی، مدت ۳۷۹ روز مرخصی استحقاقی طلبکار بوده که چهار ماه آن را قبل از بازنشستگی استفاده کرده و به حکایت مستندات ضمیمه دادخواست مدت هشت ماه و نه روز دیگر از بابت مرخصی استفاده نشده زمان اشتغال، مرخصی استحقاقی طلبکار است که با توجه به بازنشسته شدن استحقاق ایشان به دریافت وجوه مربوط به این مرخصی استحقاقی استفاده نشده محرز و مسلم است و پاسخ سازمان مشتکی عنه اشاره به بازنشستگی شاکی قبل از اجرای قانون تعدیل نیروی انسانی مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۱۴، بازنشسته شده‌اند و مجوزی برای پرداخت حقوق و مزایای ایام مرخصی استحقاقی استفاده نشده در دست نیست، توجیهی است و فاقد هرگونه وجهت و موقعیت قانونی است. لذا رأی به ورود شکایت و استحقاق شاکی به دریافت وجه مرخصی مورد مطالبه استفاده نشده صادر و اعلام می‌گردد.

ب: شعبه شانزدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۹۸۳/۷۹، موضوع شکایت آقای رمضان حسابی به طرفیت سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور به خواسته تقاضای صدور حکم مبنی بر الزام اداره خوانده، به پرداخت ۱۲ ماه مرخصی استحقاقی معوقه به شرح دادنامه شماره ۷۲، مورخ ۱۳۸۰/۱/۱۹، چنین رأی صادر نموده است: شاکی اعلام نموده است که ۱۲ ماه مرخصی استحقاقی استفاده نشده دارد و تقاضای الزام مشتکی عنه به پرداخت وجوه آن را دارد و مشتکی عنه اعلام نموده است که شاکی قبل از قانون نحوه تعدیل نیروی انسانی، مصوب ۱۳۶۶ (که چنین اجازه‌ای را داده است) بازنشسته شده و مجوزی برای پرداخت وجوه مرخصی مذکور وجود ندارد. با توجه به مراتب فوق و با استناد به ماده ۴۷ قانون استخدام کشوری و مواد ۹ و ۱۰ آیین نامه مرخصی‌ها، شاکی استحقاق استفاده از حقوق و مزایای چهار ماه از مرخصی استحقاقی استفاده نشده را دارد. علی‌هذا حکم به ورود شکایت نسبت به پرداخت حقوق و مزایای ۴ ماه مرخصی استحقاقی استفاده نشده شاکی را صادر و اعلام می‌دارد و مازاد بر آن نیز به لحاظ فقد مجوز قانونی محکوم به رد می‌باشد. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

در تاریخ فوق به ریاست حجت‌الاسلام‌والمسلمین دری نجف‌آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

به موجب لایحه قانون استخدام کشوری و آیین‌نامه مرخصی‌ها که در تاریخ بازنشستگی شاکیان معتبر و لازم‌الاجرا بوده، استفاده از مرخصی استحقاقی ذخیره شده، هنگام بازنشستگی، حداکثر به مدت چهار ماه، تجویز گردیده و زائد بر آن مجوز قانونی نداشته است. بنابراین دادنامه شماره ۷۲، مورخ ۱۳۸۰/۱/۱۹، شعبه شانزدهم بدوی دیوان در حدی که متضمن این معنی می‌باشد، موافق اصول و موازین قانونی است. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۷۸/۲/۱، برای شعب دیوان و سایر مراجع ذی‌ربط، در موارد مشابه، لازم‌الاتباع است.

ابطال بند یک ماده ۱۴۶ و ماده ۱۴۷ از مقررات پرسنل وظیفه سپاه پاسداران در خصوص کسر ۱۰ درصد از دریافتی سرباز وظیفه به عنوان کسور بازنشستگی و همچنین کسر اولین حقوق ماهانه و مابه‌التفاوت افزایش‌های بعدی آن

تاریخ: ۱۳۸۰/۸/۶ - شماره دادنامه: ۲۴۸- کلاسه پرونده: ۱۱۳/۷۹

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکا: آقای آرش بهزادی‌نژاد

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند یک ماده ۱۴۶ و ابطال ماده ۱۴۷ از مقررات پرسنل وظیفه سپاه پاسداران (کتاب سرباز)

مقدمه: شاکا طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، مطابق بند یک ماده ۱۴۶ مقررات پرسنل وظیفه سپاه پاسداران ماهانه به میزان ۱۰ درصد به عنوان حق بازنشستگی از حقوق پرسنل و وظیفه سپاه پاسداران کسر می‌گردد و طبق ماده ۱۴۷ مابه‌التفاوت افزایش ماهانه و حقوق اولین ماه خدمات سربازی در یک مرحله از حقوق پرسنل وظیفه سپاه کسر می‌گردد و بنا به توضیح تبصره ماده ۱۴۹ این کسورات به صندوق بیمه و بازنشستگی واریز می‌گردد. با توجه به دلایل و مستندات قانونی ذیل، مفاد بندها و مواد یادشده، مغایر شرع مقدس اسلام و قانون می‌باشد.

- ۱- حق بازنشستگی باید از مستخدم دولت و شخصی که رابطه استخدامی با سازمان‌ها و نهادهای دولتی دارد دریافت گردد.
 - ۲- سرباز و پرسنل وظیفه، مستخدم دولت نیست و طرف هیچ نوعی قرارداد استخدامی قرار نگرفته است.
 - ۳- ممکن است شخص (پرسنل وظیفه) هیچ‌گاه قصد نداشته باشد که به استخدام مشاغل دولتی درآید.
 - ۴- اگر شخص در آینده به استخدام درآمد، می‌تواند بابت دوران سربازی که جزو سنوات و سابقه استخدامی محسوب می‌شود، حق بازنشستگی را محاسبه و از وی اخذ نموده و به صندوق بازنشستگی تأدیه نمود.
 - ۵- با عنایت به حدیث نبوی و قاعده لاضرر و لاضرار فی الاسلام، نباید هیچ زیان دیده‌ای در اسلام باشد. درحالی که در چنین وضعیتی تمامی پرسنل وظیفه سپاه از این بابت دچار ضرر و زیان مالی می‌گردند.
 - ۶- اصل چهارم قانون اساسی بیان می‌دارد (کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها، باید بر اساس موازین اسلامی باشد). در حالی که مواد مورد شکایت برخلاف موازین اسلامی است. با استناد به دلایل و مستندات مشروح فوق، صدور حکم به ابطال بندها و مواد مذکور مورد استدعا است.
- دبیر هیئت عالی انضباطی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۱۰۷۸/۵/۴۰/س.ط مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۴ اعلام داشته‌اند:

الف: مطالبی که در بند اول ماده ۱۴۶ کتاب مجموعه قوانین و مقررات سربازان وظیفه (کتاب سرباز) به عنوان کسر بازنشستگی به میزان ۱۰ درصد حقوق ماهانه و ماده ۱۴۷ در خصوص کسر یک مرحله از حقوق سربازان وظیفه به عنوان مابه‌التفاوت افزایش حقوق ماهانه و کسر اولین حقوق ماه خدمت قید شده است، اقتباس از ماده ۱۵۳ قانون

استخدامی سپاه می‌باشد که بیان می‌دارد (وجوه زیر حسب مورد از دریافتی ماهانه پرسنل کسر می‌گردد.
الف: حقوق اولین ماه خدمت.

ب: هرگونه افزایش که در طول خدمت پرسنل اعمال می‌گردد، در ماه اول افزایش) از آنجایی که ماده ۶ قانون استخدامی سپاه کارکنان وظیفه را نیز به‌عنوان کارکنان سپاه پیش‌بینی نموده. لذا نمی‌توان کارکنان وظیفه را در این مورد استثناء قائل شویم. به همین دلیل کسورات ۱۰ درصد حقوق ماهانه و کسر یک مرحله از حقوق سربازان قاعده‌تاً مشکل ندارد و تقاضای رد شکایت شاکی را خواستاریم.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین دری نجف‌آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

نظر به اینکه انجام خدمت وظیفه عمومی، به‌عنوان سرباز وظیفه در سپاه پاسداران، فی‌حد ذاته موجب رابطه استخدام رسمی با دولت و به‌تبع آن موجب برخورداری از حقوق و مزایای بازنشستگی نیست و وضع قاعده‌آمره در خصوص اخذ کسور بازنشستگی و کسر اولین حقوق ماهانه و تفاوت افزایش حقوق سرباز وظیفه نیز منوط به حکم صریح قانون‌گذار است. بنابراین بند یک ماده ۱۴۶ و ماده ۱۴۷ از مقررات پرسنل وظیفه سپاه پاسداران مبنی بر کسر ۱۰ درصد دریافتی سرباز وظیفه، به‌عنوان کسور بازنشستگی و همچنین کسر اولین حقوق ماهانه و مابه‌التفاوت افزایش‌های بعدی آن، خارج از حدود اختیارات قانونی مربوط در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

رأی شماره ۲۴۶-۱۳۸۰/۸/۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص حقوق و مزایای ایام مرخصی ذخیره شده زمان قبل از بازنشستگی

نقل از شماره ۱۶۵۶۳-۱۳۸۰/۱۰/۱۵، روزنامه رسمی - شماره هـ ۱۳۸۰/۹/۷-۱۵۰/۸۰

تاریخ: ۱۳۸۰/۸/۶ - شماره دادنامه: ۲۴۶ - کلاس پرونده: ۱۵۰/۸۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: مدیر کل امور اداری سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۸ و ۱۶ دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: شعبه هشتم در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۵۲۹/۷۷، موضوع شکایت آقای سیدعلی عباس نژاد به طرفیت سازمان جنگل‌ها و مراتع به خواسته پرداخت حقوق و مزایای ایام مرخصی ذخیره شده زمان قبل از بازنشستگی به شرح دادنامه شماره ۹۰۴، مورخ ۱۳۷۹/۶/۲۷، چنین رأی صادر نموده است: نظر به این که شاکی در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۱۰، به افتخار بازنشستگی نائل گردیده و در پایان سال ۱۳۵۸ قبل از بازنشستگی، مدت ۳۷۹ روز مرخصی استحقاقی طلبکار بوده که چهار ماه آن را قبل از بازنشستگی استفاده کرده و به حکایت مستندات ضمیمه دادخواست مدت هشت ماه و نه روز دیگر از بابت مرخصی استفاده نشده زمان اشتغال، مرخصی استحقاقی طلبکار است که با توجه به بازنشسته شدن استحقاق ایشان به دریافت وجوه مربوط به این مرخصی استحقاقی استفاده نشده محرز و مسلم است و پاسخ سازمان مشتکی عنه، اشاره به بازنشستگی شاکی قبل از اجرای قانون تعدیل نیروی انسانی، مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۱۶، بازنشسته شده‌اند و مجوزی برای پرداخت حقوق و مزایای ایام مرخصی استحقاقی استفاده نشده در دست نیست، توجیهی است فاقد هرگونه وجهت و موقعیت قانونی. لذا رأی به ورود شکایت و استحقاق شاکی به دریافت وجه مرخصی مورد مطالبه استفاده نشده صادر و اعلام می‌گردد.

ب: شعبه شانزدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۹۸۳/۷۹، موضوع شکایت آقای رمضان حسابی به طرفیت سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور به خواسته تقاضای صدور حکم مبنی بر الزام اداره خوانده به پرداخت ۱۲ ماه مرخصی استحقاقی معوقه به شرح دادنامه شماره ۷۲، مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۱۹، چنین رأی صادر نموده است: شاکی اعلام نموده است که ۱۲ ماه مرخصی استحقاقی استفاده نشده دارد و تقاضای الزام مشتکی عنه به پرداخت وجوه آن را دارد و مشتکی عنه اعلام نموده است که شاکی قبل از قانون نحوه تعدیل نیروی انسانی، مصوب ۱۳۶۶ (که چنین اجازه‌ای را داده است) بازنشسته شده و مجوزی برای پرداخت وجوه مرخصی مذکور وجود ندارد. با توجه به مراتب فوق و با استناد به ماده ۴۷ قانون استخدام کشوری و مواد ۹ و ۱۰ آیین‌نامه مرخصی‌ها، شاکی استحقاق استفاده از حقوق و مزایای چهار ماه از مرخصی استحقاقی استفاده نشده را دارد. علی‌هذا حکم به ورود شکایت نسبت به پرداخت حقوق و مزایای ۴ ماه مرخصی استحقاقی استفاده نشده شاکی را صادر و اعلام می‌دارد و مازاد بر آن نیز

به لحاظ فقد مجوز قانونی، محکوم به رد می‌باشد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین دری نجف‌آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

به موجب لایحه قانونی استخدام کشوری و آیین‌نامه مرخصی‌ها که در تاریخ بازنشستگی شاکیان معتبر و لازم‌الاجرا بوده، استفاده از مرخصی استحقاقی ذخیره شده هنگام بازنشستگی، حداکثر به مدت چهار ماه، تجویز گردیده و زائد بر آن مجوز قانونی نداشته است. بنابراین دادنامه شماره ۷۲، مورخ ۱۳۸۰/۱/۱۹ شعبه شانزدهم بدوی دیوان، در حدی که متضمن این معنی می‌باشد، موافق اصول و موازین قانونی است. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۷۸/۲/۱ برای شعب دیوان و سایر مراجع ذی‌ربط، در موارد مشابه، لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف‌آبادی

رأی وحدت رویه در خصوص دریافت پاداش پایان خدمت به میزان یک ماه آخرین حقوق و فوق العاده شغل به ازای هر دو سال خدمت

تاریخ: ۱۳۸۱/۴/۹ - شماره دادنامه: ۱۲۵ - کلاس پرونده: ۳۸۱/۷۹

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: مدیر کل امور اداری وزارت آموزش و پرورش

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۳ و ۱۰ دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: شعبه سوم در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۸۰۶/۷۸، موضوع شکایت شهناز عباسی به طرفیت وزارت آموزش و پرورش به خواسته اجرای کامل بخشنامه شماره ۷۰/۱۰۰۹۶/۱ مورخ ۱۳۷۸/۱/۲۸، یا بازگشت به شغل، به شرح دادنامه شماره ۷۵۵، مورخ ۱۳۷۹/۴/۲۲، چنین رأی صادر نموده است: نظر به اینکه در بند (و) تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۷۸ کل کشور به دولت اجازه داده شده است که به کارکنانی که در سال ۱۳۷۸ به افتخار بازنشستگی نائل می شوند، به ازای هر سال خدمت، ۱۵ روز حقوق و فوق العاده شغل، به عنوان پاداش پایان خدمت، پرداخت شود. ولی به علت کمبود اعتبار و بر اساس مصوبه هیئت وزیران در ازای هر سال خدمت، به جای ۱۵ روز، ۱۰ روز تأمین اعتبار و ابلاغ گردیده است و این مصوبه به قوت خود باقی است. لذا تخلفی از مقررات از ناحیه مشتکی عنه صورت نگرفته و ادعای معنونه شاکیه توجیه مؤثر و قانونی ندارد و بنا به مراتب فوق، حکم به رد شکایت صادر می گردد.

ب: شعبه دهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۹۷/۷۹، موضوع شکایت آقای فضل... علیزاده به طرفیت وزارت آموزش و پرورش به خواسته پرداخت پنج ماه پاداش باقی مانده به شرح دادنامه شماره ۱۴۷۶، مورخ ۱۳۷۹/۷/۲۴، چنین رأی صادر نموده است: با توجه به بخشنامه مورد استناد شاکیه (شماره ۷۶۰/۶۰ مورخ ۱۳۷۸/۱/۱۸) و ابلاغ آن به او پس از بازنشستگی که حق قانونی در مورد او عملاً به اجرا درآمده و پاداش پایان خدمت بر اساس آن برای وی مقرر شده و مصوبه هیئت وزیران که مورد استناد مشتکی عنه قرار گرفته، اولاً برخلاف مفاد آن با مفاد بند (و) تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۷۸ تناقض دارد. ثانیاً چون تاریخ تصویب آن که برج ۱۱ سال ۱۳۷۸ است، مؤخر از تاریخ بازنشستگی شاکیه که برج ۷ سال ۱۳۷۸ نیز تعیین پاداش پایان خدمت برای شاکیه می باشد. استناد به آن عملاً عطف به ماسبق کردن بخشنامه است که خود وجهه قانونی ندارد. لذا حکم به ورود شکایت صادر می گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیئت عمومی

نظر به بند (و) تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۷۸ کل کشور موضوع استحقاق کارکنان رسمی بازنشسته در سال مذکور به استفاده از پاداش پایان خدمت به میزان یک ماه آخرین حقوق و فوق العاده شغل به ازای هر دو سال خدمت و با عنایت به دادنامه شماره ۳۴۴ الی ۳۵۳، مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، مبنی بر ابطال مصوبات، مغایر قانون مذکور، دادنامه شماره ۱۴۷۶، مورخ ۱۳۷۹/۷/۲۴ شعبه دهم بدوی دیوان، در پرونده کلاسه ۱۹۷/۷۹ مشعر بر ورود شکایت و تأیید استحقاق شاکی به دریافت پاداش پایان خدمت به میزان مزبور، موافق اصول و موازین قانونی است. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع ذی ربط، در موارد مشابه، لازم الاتباع است.

رأی وحدت رویه در خصوص انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی از یک صندوق به صندوق دیگر، در صورت عدم دریافت و بقاء وجوه مزبور در صندوق بازنشستگی

تاریخ: ۱۳۸۱/۱۰/۲۲ - شماره دادنامه: ۳۷۷ - کلاس پرونده: ۳۷۵/۸۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: سازمان بازنشستگی کشوری

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۲ و ۳ دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: شعبه سوم در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۱۰۵/۷۵ موضوع شکایت آقای چنگیز پهلوان به طرفیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - امور اداری به خواسته ممانعت از انتقال کسور بازنشستگی به صندوق تأمین اجتماعی به شرح دادنامه شماره ۱۰۹۷، مورخ ۱۳۷۶/۷/۲۲، چنین رأی صادر نموده است: شاکی کارمند بازر خرید خدمت بوده است. در سال ۱۳۶۵ کسور بازنشستگی خود را مطالبه نموده و پس از طی مراحل اداری کسور مذکور در سال ۱۳۶۷ به حساب ذی حسابی وزارتخانه واریز و در سال ۱۳۶۹ به علت عدم مراجعه ذی نفع، وجوه مزبور کلاً توسط ذی حسابی وزارتخانه به حساب ۲ خزانه برگشت شده است. در سال ۱۳۷۲ شعبه ۹ تأمین اجتماعی بنا به درخواست وی، با توجه به قانون نقل و انتقال حق بیمه و بازنشستگی، درخواست انتقال کسور نامبرده را به آن سازمان می نماید که سازمان بازنشستگی با اشاره به ماده ۱۸ اصلاحی آیین نامه اجرایی تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، موضوع را منتفی اعلام نموده است و ارسال تصویر مکاتبات انجام شده در این خصوص، تخلفی از مقررات و ضوابط قانونی در اقدامات سازمان طرف شکایت مشهود نبوده و در واقع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و امور اداری آن وزارتخانه ممانعتی از انتقال کسور بازنشستگی شاکی نکرده و شکایت مطروحه به کیفیت مذکور غیر وارد تشخیص و رأی به رد شکایت صادر می شود.

ب: شعبه دوم در رسیدگی به پرونده کلاس ۲۰۰۹/۷۷ موضوع شکایت خانم زهرا مستمری به طرفیت اداره کل امور بیمه شدگان به خواسته انتقال کسور بازنشستگی به شرح دادنامه شماره ۲۳۱۳، مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۳، چنین رأی صادر نموده است: هر چند شاکیه تقاضای استرداد کسور بازنشستگی را نموده و از صندوق بازنشستگی که ذی حسابی اداره مخابرات واریز شده، لکن به هر حال نامبرده وجه مذکور را دریافت ننموده و به استناد ماده ۸ آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه بازنشستگی، شکایت وارد است و رأی بر الزام اداره خواننده به قبول حق بیمه بازنشستگی شاکیه و انتقال آن به صندوق آن اداره صادر می گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیئت عمومی

انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی از یک صندوق به صندوق دیگر در اجرای ماده واحد قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، مصوب ۱۳۶۵/۳/۲۷، با عنایت به ماده ۸ آیین نامه اجرایی تبصره ۳ ماده واحد مزبور، منوط به عدم دریافت حق بیمه یا کسور بازنشستگی و بقای وجوه مذکور در صندوق بازنشستگی کشوری یا صندوق تأمین اجتماعی و نظایر آن‌ها می‌باشد و در صورت تقاضای مستخدم مشعر بر دریافت وجوه فوق‌الاشعار و خروج کسور بازنشستگی یا حق بیمه از صندوق مربوط، به منظور پرداخت به متقاضی ذی‌نفع، موردی برای اجرای ماده واحد فوق‌الذکر وجود ندارد و دادنامه قطعی شماره ۱۰۹۷، مورخ ۱۳۷۶/۷/۲۲، شعبه سوم بدوی دیوان از حیث صحیح و موافق اصول و موازین قانونی است. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۷۸/۲/۱ برای شعب دیوان و سایر مراجع در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

ابطال بخشنامه شماره ۶۵۶۴۳/۲۱۰ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۱۳ سازمان بازنشستگی کشوری

تاریخ: ۱۳۸۲/۳/۲۵ - شماره دادنامه: ۱۱۷ - کلاس پرونده: ۱۲/۸۱

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای رحمن کریمی پور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۶۵۶۴۳/۲۱۰ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۱۳، سازمان بازنشستگی کشوری

مقدمه: شکایت طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است: به صراحت ماده ۸۵ آیین نامه استخدامی شهرداری ها، شهرداری می تواند به لحاظ عدم نیاز نسبت به خواسته کارمند و مستخدمین رسمی و ثابت شهرداری ها، که خدمت آنان به ۲۰ سال رسیده باشد، موافقت نماید. سازمان بازنشستگی کشوری به موجب بخشنامه مورد شکایت، مقررات مذکور را ملغی و از اجرای آن جلوگیری به عمل آورده است. با توجه به صلاحیت دیوان در ابطال بخشنامه های مخالف با قانون، درخواست ابطال بخشنامه مذکور را دارد.

سرپرست مدیریت امور حقوقی سازمان بازنشستگی کشوری در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۲۱/۲۱۷۰۲ مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۸، اعلام داشته اند: با تصویب قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه، مورخ ۱۳۶۸/۱۲/۱۳، و نیز لغو کلیه مقررات مغایر با قانون مزبور در ماده ۱۵ آن، هیئت وزیران در ماده ۸ آیین نامه اجرایی قانون اخیرالذکر، به صراحت، کلیه قوانین و مقررات مربوط به بازنشستگی با سنوات ارفاقی و یا بازنشستگی زودرس در کلیه مؤسسات و شرکت های دولتی و شهرداری ها و مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است ملغی اعلام نموده است. به این ترتیب، هیئت وزیران به طور صریح ماده ۸۵ آیین نامه صدرالذکر را لغو نموده است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیئت عمومی

طبق ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری آیین نامه ها و تصویب نامه ها و سایر مقررات دولتی از حیث مغایرت با احکام اسلامی یا قوانین یا خارج بودن آن ها از حدود اختیارات قوه مجریه، قابل اعتراض و رسیدگی در هیئت عمومی دیوان است. نظر به این که اعتراض شاکي نسبت به بخشنامه شماره ۶۵۶۴۳/۲۱۰ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۱۳ سازمان بازنشستگی کشوری متضمن عنوان علل و جهات مقرر در ماده فوق الذکر نیست. بنابراین موردی برای رسیدگی و امعان نظر نسبت به آن در هیئت عمومی دیوان وجود ندارد.

ابطال عبارت «جزئاً یا» از ماده ۸ اصلاحی آیین‌نامه تبصره ۳ ماده واحد قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، مصوب ۱۳۶۸/۵/۲۸ هیئت وزیران

تاریخ: ۱۳۸۲/۴/۱ - شماره دادنامه: ۱۳۲ - کلاس پرونده: ۲۵۷/۸۱

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای حسین فرهنگ فلاح

موضوع شکایت و خواسته: ابطال عبارت «جزئاً یا» از ماده ۸ اصلاحی آیین‌نامه تبصره ۳ ماده واحد قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، مصوب ۱۳۶۸/۵/۲۸ هیئت وزیران

مقدمه: شاکي طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، نظر به این که کلمه «جزئاً یا» در قسمت اخیر تصویب‌نامه راجع به اصلاح ماده ۸ آیین‌نامه تبصره ۳ ماده واحد قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، مصوب ۱۳۶۸/۵/۲۸ هیئت وزیران، که مقرر می‌دارد «... در مورد اشخاصی که کسور بازنشستگی متعلقه را جزئاً یا کلاً از صندوق بازنشستگی ذی‌ربط دریافت داشته‌اند، مسئله نقل و انتقال کسور موضوعاً منتفی است»، موجب سلب و اسقاط حق و حقوق اشخاص می‌گردد و بدین جهت مخالف اصل ۴۰ قانون اساسی و قاعده نبوی (ص) لاضرر می‌باشد و مخالف شرع مقدس اسلام است. بنابراین، علی‌هذا تقاضای رسیدگی و صدور حکم مقتضی مبنی بر ابطال عبارت مذکور از قسمت اخیر مصوبه فوق‌الذکر را دارم.

معاون دفتر امور حقوقی دولت در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۵۶۰۹۸، مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۶ اعلام داشته‌اند، به پیوست تصویر رأی شماره ۳۱۵، مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۱۱، هیئت عمومی دیوان مبنی بر عدم مغایرت قانونی ماده ۸ اصلاحی آیین‌نامه تبصره ۳ ماده واحد قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۴۱۹۴/۵۴۱۹۴ ت ۶۵۳ مورخ ۱۳۶۵/۵/۳۱ ایفاد می‌گردد.

دبیر محترم شورای نگهبان در خصوص ادعای خلاف شرع بودن مورد شکایت، طی نامه شماره ۸۲/۳۰/۳۲۰۸ مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۹، اعلام داشته‌اند: موضوع ماده ۸ اصلاحی آیین‌نامه تبصره ۳ ماده واحد قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۴۱۹۴ ت/۵۴۱۹۴، مورخ ۱۳۶۸/۵/۳۱ هیئت وزیران، در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۵ فقهای محترم شورای نگهبان مطرح شد که نظر فقها به شرح زیر اعلام می‌گردد: «مفاد ذیل ماده ۸ اصلاحی که مورد اعتراض شرعی نامبرده قرار گرفته، چون تنها از نقل و انتقال کسور بازنشستگی به صندوق دیگر منع نموده است، ولی از پرداخت آن کسور به مستخدم منع ننموده، فلذا خلاف شرع شناخته نشد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین دری نجف‌آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

اولاً ماده ۸ آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، مصوب ۱۳۶۵/۳/۲۷ به شرح نظریه شماره ۸۲/۳۰/۳۲۰۸، مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۹ فقهای محترم شورای نگهبان، خلاف شرع شناخته نشده است. بنابراین موردی برای ابطال ماده مزبور از جهت ادعای مغایرت آن با احکام اسلامی وجود ندارد. ثانیاً اعتراض نسبت به ماده مزبور به ادعای مغایرت آن با قانون و خارج بودن از حدود اختیارات قوه مجریه، قبلاً مورد رسیدگی قرار گرفته و به شرح دادنامه شماره ۳۱۵ مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۱۱ دیوان، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه شناخته نشده است. بنابراین موردی برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم مجدد در این زمینه وجود ندارد و اعتراض شاکی مشمول مدلول دادنامه فوق الذکر است.

الزام سازمان بازنشستگی کشوری به اجرای رأی شماره ۴۲۱ الی ۴۴۰ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۲۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

تاریخ: ۱۳۸۲/۸/۱۸ - شماره دادنامه: ۳۱۲، ۳۱۳ - کلاس پرونده: ۱۵۱/۸۲، ۱۵۲

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکا: ۱ - آقای سیروس سراوندی راد. ۲ - خانم دره‌یثربی

موضوع شکایت و خواسته: الزام سازمان بازنشستگی کشوری به اجرای رأی شماره ۴۲۱ الی ۴۴۰ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۲۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

مقدمه: شکات طی دادخواست‌های تقدیمی اعلام داشته‌اند، متعاقب رأی صادره هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، دادنامه‌های شماره ۴۲۱ الی ۴۴۰، مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۲۷ به سازمان بازنشستگی کشوری، جهت اجرای رأی راجعه شده، لکن سازمان تمایلی به اجرای قانون و مفاد رأی هیئت عمومی ندارد، بنا به مراتب، درخواست الزام سازمان بازنشستگی کشوری به تبعیت از دادنامه فوق‌الذکر را دارد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین دری نجف‌آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

با عنایت به صلاحیت‌های هیئت عمومی دیوان، موضوع مواد ۲۰ و ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری، نظر به این‌که موضوع شکایت و خواسته شکات مبنی بر الزام سازمان بازنشستگی کشوری به اجرای رأی شماره ۴۲۱ الی ۴۴۰، مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۲۷ هیئت عمومی دیوان و اصلاح حقوق بازنشستگی قابل‌رسیدگی و امعان نظر در هیئت عمومی تشخیص داده نمی‌شود و پرونده‌ها جهت رسیدگی به قسمت دوم خواسته (اصلاح حقوق بازنشستگی) به شعبه ۴ بدوی دیوان ارجاع می‌شوند.

ابطال بخشنامه مدیر اداره کل بازنشستگی استان تهران در خصوص برداشت از افزایش حقوق و فوق العاده شغل ماه اول بازنشستگان و موظفین

تاریخ: ۱۳۸۲/۹/۳۰ - شماره دادنامه: ۳۹۸ - ۳۹۷ - کلاس پرونده: ۳۲۹/۸۲ - ۶۴۷

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاک: ۱ - آقای مجید مهربان. ۲ - سازمان بازرسی کل کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۵۹۰۱/۲۱۷۸۵ مورخ ۱۳۸۲/۴/۲۴، مدیر اداره کل بازنشستگی استان تهران و اقدامات سازمان بازنشستگی کشوری در خصوص برداشت و کسر مبلغ افزایش ماه اول از حقوق بازنشستگان و موظفین

مقدمه:

۱- آقای مجید مهربان به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته‌اند: تفسیر ماده ۱۰۰ قانون استخدام کشوری با عنایت به ماده ۱۲۴ همین قانون توسط سازمان بازنشستگی کشوری، طی نامه شماره ۵۹۰۱/۲۱۷۸۵ مورخ ۱۳۸۲/۴/۲۴، مطابق قانون نمی‌باشد. دو واژه مستخدم و بازنشسته، دو کلمه متقابل و معارض می‌باشند، زیرا مستخدم به خدمت گرفته شده است، در حالی که بازنشسته خدمت را به پایان برده است.

مطابق ماده یک قانون استخدام کشوری، استخدام دولت و خدمت دولت تعریف شده است و در مجموع با توجه به مقررات قانون استخدام کشوری، بازنشسته در خدمت دولت نیست. بنا به مراتب، اقدام سازمان بازنشستگی کشوری در کسر ۸.۵ درصد از حقوق و مستخدمین رسمی، با عنایت به ماده ۱۰۰ و ۱۲۴ قانون استخدام کشوری نسبت به بازنشستگان، قانونی نبوده و درخواست ابطال نامه شماره ۵۹۰۱/۲۱۷۸۵ مورخ ۱۳۸۲/۴/۲۴ سازمان بازنشستگی کشوری (استان تهران) را دارم.

۲- معاون امور اقتصادی و زیربنایی سازمان بازرسی کل کشور در نامه شماره ۱/۴/۱۹۹۵۰ مورخ ۱۳۸۲/۷/۱۳ اعلام داشته‌اند، الف: در قانون استخدام کشوری هیچ حکم، صریح، مبین و شفاف، جهت برداشت و کسر مقرری ماه اول از افزایش حقوق بازنشستگان پیش‌بینی نشده است.

ب: شورای حقوق و دستمزد به موجب بند یک مصوبه مورخ ۱۳۷۵/۶/۲۱، مقرر نموده از حقوق بازنشستگان و موظفین هیچ‌گونه کسری بابت تفاوت حقوق بازنشستگی و وظیفه کسر نگردد. مع‌هذا سازمان بازنشستگی کشوری به نظریه خود در خصوص برداشت و کسر مبلغ افزایش ماه اول از حقوق بازنشستگان و موظفین اصرار ورزیده و اقدامات خود را در راستای قانون تلقی می‌نماید.

۳- مدیر امور حقوقی سازمان بازنشستگی کشوری در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۲۰/۳۳۵۲۱ مورخ ۱۳۸۲/۶/۲۴ اعلام داشته‌اند: بازنشستگی نیز یکی از حالت‌های مستخدم رسمی بوده و این تلقی که بازنشسته به معنی از کاربر کنارشده یا از خدمت برکنار شده است، اصولاً صحیح نمی‌باشد. چنانچه بازنشسته را مستخدم رسمی دولت ندانیم، دلیل قانونی برای پرداخت حقوق بازنشستگی به وی، از محل صندوق بازنشستگی، وجود نخواهد

داشت. زیرا بازنشسته به اعتبار استخدام رسمی استحقاق دریافت حقوق بازنشستگی را از صندوق بازنشستگی کشوری دارد. عملکرد این سازمان در برداشت مقرری ماه اول به استناد ماده ۱۰۰ قانون استخدام کشوری بوده و رد خواسته شاکي را تقاضا دارد.

۴- مدیر امور حقوقی سازمان بازنشستگی کشوری در نامه شماره ۲۰/۴۴۶۶۳، مورخ ۱۳۸۲/۸/۳ مبادرت به ارسال تصویر تصویب نامه شماره ۲۹۵۵/۴۰۵۹۸/ت مورخ ۱۳۸۲/۷/۲۱ نموده‌اند. در این مصوبه که در مقام رفع اختلاف حقوقی سازمان‌های دولتی، جهت اجرا ابلاغ شده، آمده است: «... ماده ۱۰۰ قانون استخدام کشوری ناظر به افزایش ماه اول حقوق بازنشستگی نمی‌باشد. بنابراین در سال ۱۳۸۲ و در سنوات بعد اعمال قسمت اخیر ماده ۱۰۰ قانون استخدام کشوری در مورد دریافت مبلغ افزایش ماه اول حقوق بازنشستگی مستند ندارد.»

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین دری نجف‌آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

نظر به اینکه کسورات بازنشستگی مذکور در ماده ۱۰۰ و انحصار آن به مفاد مادتين ۷۱ و ۷۲ قانون استخدام کشوری ناظر به مستخدمین رسمی شاغل در دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی بوده و به افزایش حقوق و فوق‌العاده شغل ماه اول بازنشستگان تسری ندارد، لذا بخشنامه شماره ۵۹۰/۱/۲۱۷۸۵، مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۴، اداره کل بازنشستگی استان تهران مبنی بر شمول قسمت اخیر ماده ۱۰۰ قانون استخدام کشوری به بازنشستگان، خلاف قانون تشخیص و به موجب ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

الزام شهرداری ایلام و سازمان بازنشستگی ایلام به رعایت مفاد ماده ۸۵ قانون استخدام شهرداری ها و ابطال بخشنامه سازمان بازنشستگی

تاریخ: ۱۳۸۳/۳/۳۱ - شماره دادنامه: ۱۲۸ - کلاس پرونده: ۸۲/۲۴۱

شاکي: آقای هادی حیدری

موضوع شکایت و خواسته: الزام شهرداری ایلام و سازمان بازنشستگی ایلام به رعایت مفاد ماده ۸۵ قانون استخدام شهرداری ها و ابطال بخشنامه سازمان بازنشستگی

مقدمه: شاکي به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته‌اند: پس از صدور ابلاغ بازنشستگی از طرف شهرداری ایلام، با عنایت به ماده ۸۵ قانون استخدام شهرداری ها، از این جانب خواسته شده به محل کار اولیه مراجعه و حکم بازنشستگی کان لم یکن تلقی گردیده است. بنا به مراتب فوق، ابطال بخشنامه و صدور حکم بر بقاء حکم بازنشستگی را استدعا می‌نمایم. شاکي همچنین طی نامه مورخ ۸۳/۳/۱۴، نسبت به درخواست ابطال بخشنامه سازمان بازنشستگی اعلام انصراف نموده است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین دری نجف‌آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

نظر به انصراف شاکي از اعتراض نسبت به بخشنامه سازمان بازنشستگی کشوری و عدم تحقق اجتماع شرایط مندرج در ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری موردی برای رسیدگی و امان نظر در این قسمت وجود ندارد و شکایت شاکي به خواسته الزام شهرداری ایلام و سازمان بازنشستگی به صدور حکم بازنشستگی جهت رسیدگی به شعبه ۱۱ بدون دیوان اعاده می‌شود.

ابطال بخشنامه شماره ۵۲۳۱/۱ مورخ ۸۲/۲/۶ سازمان بازنشستگی کشوری

تاریخ: ۱۳۸۳/۷/۲۶ - شماره دادنامه: ۳۶۱ - کلاس پرونده: ۸۲/۷۸۷

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکا: آقای محمد نصیری

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۱/۵۲۳۱، مورخ ۸۲/۲/۶، سازمان بازنشستگی کشوری

مقدمه: شاکا در دادخواست تقدیمی اعلام داشته است: فرزندم کارمند شبکه بهداشت شهرستان ساوه که متکلف امور مالی بنده بوده، در سال ۷۱، در بخش بوزان ساوه، فوت نموده. نظر به این که اولاً مطابق ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری، پدر متوفی در صورتی که در زمان حیات فرزندش تحت تکفل فرزند بوده باشد، قانوناً مستحق دریافت مستمری است و ثانیاً بنا به صراحت بند هـ از فصل ۹ مقررات سازمان بازنشستگی کشوری، برای احراز تحت تکفل بودن پدر صرفاً تأییدیه نیروی انتظامی محل ملاک عمل خواهد بود و لاغیر. اما سازمان بازنشستگی با استناد به رویه داخلی خود، برقراری مستمری برای والدین را منوط به ارائه دفترچه بیمه نموده و مستمری را تنها به نفع همسر و فرزندان آن مرحوم برقرار نموده، با فوت همسر و فرزند ذکور آن مرحوم در سانحه اتومبیل و ازدواج دخترش، برقراری مستمری را به نام خودم درخواست نمودم که پس از اخذ تأییدیه نیروی انتظامی و طی مراحل قانونی مستمری به نفع بنده برقرار گردید که این حکم توسط بازنشستگی، با همان استدلال غیرقانونی لغو گردید. سازمان بازنشستگی کشوری با تکیه بر مواضع غیرقانونی خود و با استناد به بخشنامه شماره ۱/۵۲۳۱ که اتفاقاً در سال ۸۲ صادر شده، برقراری مستمری برای والدین متوفی را منوط به ارائه تصویر دفترچه بیمه دانسته است. نظر به این که مخالفت بخشنامه با قانون محرز است، ابطال این بخشنامه مورد تقاضاست.

مدیر امور حقوقی سازمان بازنشستگی کشوری در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۲۰/۶۱۱۸۸، مورخ ۸۲/۱۰/۲۲ اعلام داشته‌اند: ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری علاوه بر احصاء ورثه شرایط پرداخت حقوق وظیفه به هریک از ورثه را نیز تبیین نموده، در صدر ماده مزبور برقراری حقوق وظیفه جهت والدین مستخدم متوفی منوط به آن دانسته شده که پدر و مادر در زمان حیات فرزندشان (مستخدم متوفی) تحت کفالت وی بوده باشند. بدیهی است احراز کفالت موصوف یک امر اجرایی است که نحوه و روش آن در حیطه دستگاه اجرایی مربوطه (سازمان بازنشستگی کشوری) است تا با اتخاذ روش‌های گوناگون در هر زمان نظر قانون‌گذار دائر بر تحت‌الکفاله بودن والدین را تأمین نماید. از طرفی به طوری که استحضار دارند، متولی امر بیمه درمان کارکنان مشمول قانون استخدام کشوری سازمان بیمه خدمات درمانی می‌باشد. مطابق مقررات مورد عمل آن سازمان کارکنان مورد بحث می‌توانند با پرداخت حق بیمه برای والدین خود درخواست دفترچه بیمه خدمات درمانی کنند. بر همین اساس و به منظور اتخاذ روشی واحد و تسهیل امور این سازمان هم وجود دفترچه خدمات درمانی برای والدین را نشان‌های از کفالت والدین توسط فرزندشان دانسته و بر همان مبنا برای والدین مستخدم متوفی حقوق وظیفه برقرار و پرداخت می‌کند. بنابراین به طوری که ملاحظه می‌فرمایند و در مقدمه بخشنامه

شماره ۱/۵۲۳۱ مورخ ۸۲/۲/۶ این سازمان هم تصریح شده، فی الواقع هدف از بخشنامه تسریع و تسهیل برقراری حقوق وظیفه ورثه مستخدمین متوفی می باشد و مدارک مورد درخواست نیز حداقل مدرکی است که برای شناسایی ورثه مستحق دریافت حقوق وظیفه موضوع ماده ۸۶ مرقوم می تواند مورد عمل قرار گیرد. بنابراین، علی هذا بخشنامه یادشده در حدود اختیارات اجرایی این سازمان و مطابق ماده قانونی یادشده صحیح بوده و تخلفی از مقررات مشهود نمی باشد. به همین سبب استدعای رد خواسته مشارالیه را دارد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین رازینی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیئت عمومی

نظر به این که قانون گذار به شرح ماده ۸۶ لایحه قانونی استخدام کشوری، استحقاق پدر و مادر تحت الكفاله مستخدم متوفی را به استفاده از حقوق وظیفه ماهانه مورد تأکید قرار داده است و با عنایت به این که احراز تحت الكفاله بودن اشخاص مذکور منحصر به داشتن دفترچه بیمه خدمات درمانی مأخوذه توسط مستخدم متوفی نیست، بنابراین بند ۵ بخشنامه شماره ۱/۵۲۳۱ مورخ ۸۲/۲/۶ سازمان بازنشستگی کشوری که با توجه به سیاق عبارات آن بخشنامه مفهوم احراز تحت الكفاله بودن والدین مستخدم متوفی منحصرأ از طریق ارائه تصویر دفترچه بیمه خدمات درمانی آنان و نتیجتاً نافی اعتبار اسناد و مدارک معتبر در خصوص مورد است، خارج از حدود اختیارات سازمان مذکور در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می شود و به تجویز قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رأی وحدت رویه در خصوص عدم جواز افزایش حقوق بازنشستگی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، که قبل از سال ۱۳۷۴ بازنشسته شده‌اند، بر مبنای ضرایب جداول حقوقی سنوات بعد از بازنشستگی

تاریخ: ۱۳۸۳/۸/۳ - شماره دادنامه: ۳۶۴- کلاسه پرونده: ۷۴۱/۸۲

مرجع رسیدگی: هیئت علمی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای حمید مشیرآبادی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب پنجم و ششم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: ۱- شعبه شانزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۶۵۸/۷۹، موضوع شکایت آقای حمید مشیرآبادی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته اعمال ضریب ۱۴۴۰ به هنگام اجرای نظام هماهنگ حقوق (۱۳۷۴/۱/۱)، به شرح دادنامه شماره ۱۶۹۴، مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۸، حکم به ورود شکایت شاکی صادر نموده است.

۲- شعبه پنجم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ت ۱۳۶۹/۸۰/۵، موضوع تقاضای تجدیدنظر سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته تجدیدنظر در دادنامه شماره ۱۶۹۴، مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۸، شعبه شانزدهم دیوان به شرح دادنامه شماره ۱۱۹۲، مورخ ۱۳۸۱/۹/۲۳، با توجه به تفسیر قانونی مورخ ۱۳۸۰/۴/۲۳، ضمن فسخ دادنامه شماره ۱۶۹۴، مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۸، صادره از شعبه ۱۶ دیوان، رأی به رد شکایت صادر نموده است.

ب: ۱- شعبه هفدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۴۷۶/۷۹، موضوع شکایت آقای کریم عبدالمهدی فرد به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته اعمال ضریب ۱۴۴۰، به هنگام اجرای نظام هماهنگ حقوق از ۱۳۷۴/۱/۱، به شرح دادنامه شماره ۴۳۷ مورخ ۱۳۸۰/۳/۲۲ حکم به ورود شکایت صادر نموده است.

۲- شعبه ششم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ت ۵۵۹/۸۰/۶، موضوع تقاضای تجدیدنظر سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته تجدیدنظر در دادنامه شماره ۴۳۷، مورخ ۱۳۸۰/۳/۲۲، به شرح دادنامه شماره ۸۰۱، مورخ ۱۳۸۱/۷/۶ دادنامه بدوی را عیناً تأیید و استوار نموده است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین رازینی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

نظر به قانون استفساریه در خصوص تبصره‌های ۱ و ۳ ماده ۲ قانون نظام هماهنگ حقوق بازنشستگی و وظیفه، مصوب ۱۳۷۳ که مقرر داشته است تبصره‌های ۱ و ۳ ماده ۲ قانون نظام هماهنگ حقوق بازنشستگی و وظیفه مصوب

۱۳۷۳/۶/۲۳ ناظر بر آن دسته از قضات و اعضای هیئت علمی است که تا تاریخ ۱۳۷۴/۱/۱ بازنشسته، از کارافتاده یا فوت شده‌اند و صرفاً جهت تعیین حقوق بازنشستگی و وظیفه از کارافتادگی و وظیفه وراثت آنان در تاریخ ۱۳۷۴/۱/۱، به تصویب رسیده و شامل افزایش‌های آتی آنان نمی‌گردد و افزایش حقوق بازنشستگی و وظیفه از کارافتادگی و وظیفه وراثت آنان بعد از تاریخ ۱۳۷۴/۱/۱، تابع قوانین و مقررات مربوط خواهد بود. بنابراین افزایش حقوق بازنشستگی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها که قبل از سال ۱۳۷۴ بازنشسته شده‌اند، بر مبنای ضرایب جداول حقوقی سنوات بعد از بازنشستگی و پرداخت آن بر این اساس، فاقد مجوز قانونی می‌باشد و دادنامه شماره ۱۱۹۲، مورخ ۱۳۸۱/۹/۲۳، شعبه پنجم تجدیدنظر، مشعر بر فسخ دادنامه بدوی و رد شکایت شاکی در این زمینه، صحیح و موافق قانون تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری، برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

ابطال قسمت اخیر تصویب‌نامه مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۲۶ هیئت وزیران و قسمتی از بخشنامه شماره ۳۵ مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی در خصوص افزایش مستمری‌های بازنشستگی، از کارافتادگی کلی و مجموع مستمری بازماندگان به نسبت ماه‌های برقراری مستمری

تاریخ: ۱۳۸۳/۸/۲۶ - شماره دادنامه: ۴۰۹ الی ۴۱۱ - کلاس پرونده: ۳۰۵/۸۱، ۱۱۳/۸۲، ۳۱/۸۳

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکا: ۱- اکبر تابش، ۲- منصور رجبی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال قسمتی از تصویب‌نامه شماره ۵۴۸۱۰/ت/۲۶۰۸۴ هـ مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۲۶ هیئت وزیران و بندهای ۱-۱ و ۱-۲ و بخشنامه شماره ۳۵ مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی

مقدمه: شکات به شرح دادخواست‌های تقدیمی اعلام داشته‌اند، از زمان تصویب قانون تأمین اجتماعی همه‌ساله ماده ۹۶ قانون مذکور در خصوص افزایش مستمری‌های بازنشستگی، از کارافتادگی و مجموع مستمری بازماندگان از اول هر سال، اجرا می‌گردد و در این ارتباط هیچ‌گونه وجه تمایزی بین آنکه اول سال، نیمه سال یا اگر ۲۵ یا ۲۸ اسفندماه در ردیف مستمری‌بگیران قرار می‌گرفت، وجود نداشت. به عبارت دیگر ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی برای فردی که در ۱/۱ هر سال یا ۱۲/۲۸ سال بازنشسته می‌گردید، به‌طور یکسان از افزایش مستمری سال بعد استفاده می‌نمودند. در این ارتباط بخشنامه‌های شماره ۳-۵-۸-۱۲-۱۴-۱۶-۱۸-۲۲-۲۵-۲۹-۳۰-۳۲ مستمری‌های سازمان که به ترتیب از ۱۳۶۹/۱/۱ لغایت ۱۳۷۹/۱۲/۳۰ در سراسر کشور اجرا گردیده، همگی دلالت بر این دارند که افزایش مستمری به‌طور یکنواخت برای بازنشستگی که در هر تاریخی از سال مستمری‌بگیری می‌گردیدند، برخوردار می‌شدند. اینک سازمان تأمین اجتماعی طبق بخشنامه شماره ۳۵ مستمری‌ها با استناد به تصویب‌نامه شماره ۵۴۸۱۰/ت/۲۶۰۸۴ هـ مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۲۶، هیئت وزیران افزایش را به نسبت ماه‌های برقراری مستمری در سال ۱۳۸۰، قابل پرداخت دانسته است و اگر روزهای برقراری مستمری کمتر از ۳۰ روز باشد، به‌طور کلی آن ماه از افزایش برخوردار نمی‌گردد. مصوبه هیئت وزیران و بخشنامه شماره ۳۵ مستمری‌ها در قسمت مرتبط با شکایت مغایر با ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی می‌باشد، زیرا طبق ماده مذکور سازمان تأمین اجتماعی مکلف شده به نسبت تورم در فواصل زمانی که حداکثر از سالی یک بار کمتر نباشد، مستمری‌ها را افزایش دهد. بنابر مراتب ابطال قسمت اخیر تصویب‌نامه شماره ۵۴۸۱۰/ت/۲۶۰۸۴ هـ مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۲۶ و بخشنامه شماره ۳۵ مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی مورد تقاضاست. معاون دفتر امور حقوقی دولت در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۴۹۸۰۷ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۳ مبادرت به ارسال تصویب‌نامه شماره ۷۱۰۰/د/۲۵۲۰۳ مورخ ۱۳۸۲/۹/۸، سازمان تأمین اجتماعی نموده است. در نامه مذکور و همچنین نامه شماره ۷۱۰۰/۱۰۰۳۷ مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۳ آمده است، ماده ۹۶ قانون اجتماعی «سازمان مکلف است میزان کلیه مستمری‌های بازنشستگی از کارافتادگی کلی و مجموع مستمری

بازماندگان را در فواصل زمانی که حداکثر از سالی یک بار کمتر نباشد، با توجه به افزایش هزینه زندگی با تصویب هیئت وزیران به همان نسبت افزایش دهد» مفاد تصویب‌نامه معترض عنه «افزایش مستمری کلیه مستمری‌بگیران مذکور معادل رقم افزایش حداقل دستمزد کارگر عادی در سال ۱۳۸۱ طبق مصوبه شورای عالی کار خواهد بود.» این افزایش برای افرادی که در سال ۱۳۸۰ مستمری آن‌ها برقرار گردیده است به نسبت ماه‌های برقراری خواهد بود. با مقایسه دو متن فوق‌الذکر، به‌ویژه مقایسه قسمت اخیر تصویب‌نامه با ماده ۹۶، قویاً به نظر می‌رسد اعمال افزایش مستمری به نسبت ماه‌های برقراری مستمری کاملاً منطبق بر ماده ۹۶ یاد شده بوده و شکایت مزبور فاقد وجهت می‌باشد؛ زیرا اولاً: تشخیص اینکه تعدیل میزان مستمری‌ها در چه فاصله یا دوره زمانی اعمال گردد، با استناد به صریح ماده ۹۶ فوق با سازمان تأمین اجتماعی می‌باشد. بدین ترتیب و با توجه به عبارت «فواصل زمانی...» دوره‌های مزبور می‌تواند ماهانه، فصلی، نیم‌سالانه و یا سالانه باشد. البته باید توجه به اهمیت موضوع تعدیل و ثبات قدرت خرید مستمری‌بگیران، مقنن سازمان را مکلف نموده است که تعدیل را لااقل در طول یک سال عملی نماید. بدیهی است تکلیف مزبور مانع از این نخواهد بود که اعمال تعدیل در فواصل یا دوره‌های کمتر از یک سال انجام گیرد. دلالت عبارت «فواصل زمانی...» مندرج در ماده ۹۶، برداشت فوق، بی‌نیاز از توضیح و تفسیر می‌باشد و تصور شاکی بر اینکه رقم تعدیل همواره و به‌صورت ثابت سالانه خواهد بود، باطل و مغایر ماده مرقوم می‌باشد. ثانیاً تعدیل موردنظر ماده ۹۶ لاجرم نسبت به دوره زمانی مشخصی خواهد بود و به عبارت دیگر تعدیل یادشده نسبی بوده و این نسبت تابعی است از میزان تورم هزینه‌های زندگی در یک دوره زمانی مشخص، اعم از ماهانه، سه ماه و... و همان‌گونه که گفته شد، تعیین این دوره زمانی با سازمان تأمین اجتماعی است. مثلاً اگر فاصله زمانی مزبور سه‌ماهه باشد، تعدیل لازم‌الاعمال نیز ملازم از میزان تورم حادث در همان سه‌ماهه تبعیت خواهد نمود؛ نه بیشتر و نه کمتر. بدین ترتیب بدیهی است در فرض یادشده، اعمال تعدیل سالانه نسبت به دوره زمانی سه‌ماهه، علاوه‌براینکه با نص صریح ماده ۹۶ یادشده مغایرت دارد، به لحاظ اصول حقوقی نیز فاقد مبنای توجیهی است، زیرا تالی فاسد عدم اذعان به استدلال فوق این خواهد بود که به فردی بیش از مستمری استحقاقی وی تعلق گیرد. ثالثاً، عبارت انتهایی ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی به همان نسبت دلالت واضح بر مطالب فوق‌الذکر دارد. زیرا ظهور عبارت مذکور چیزی جز این نمی‌باشد که مستمری به نسبتی باید موردتعدیل قرار گیرد که همان نسبت دستخوش تورم گردیده است. رابعاً، بخشنامه ۳۵ مستمری‌های سازمان نیز که در واقع منعکس‌کننده منویات ماده ۹۶ و تصویب‌نامه شماره ۵۴۸۱۰/ت/۲۶۰۸۴ هـ مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۲۶ می‌باشد و با بیان مثال‌هایی واحدهای اجرایی را به سمت اعمال صحیح تعدیل مستمری‌ها هدایت می‌نماید، هیچ‌گونه مغایرتی با نصوص قانونی نداشته، بلکه در راستای منطوق آن‌ها نیز می‌باشد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین رازینی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث‌وبررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

به موجب ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی سازمان مکلف است میزان کلیه مستمری‌های بازنشستگی از کارافتادگی کلی و مجموع مستمری بازمندگان را در فواصل زمانی که حداکثر از سالی یک بار کمتر باشد، با توجه به افزایش هزینه زندگی با تصویب هیئت وزیران نسبت به همان افزایش دهد. نظر به اینکه حکم مقنن مفید لزوم افزایش مستمری واجدین شرایط به نسبت افزایش هزینه زندگی در هر سال فارغ از تأثیر نسبت مدت برقراری مستمری در افزایش مذکور است. بنابراین قسمت اخیر تصویب‌نامه هیئت وزیران که مقرر داشته این افزایش برای افرادی که در سال ۱۳۸۰ مستمری آن‌ها برقرار گردیده است به نسبت ماه‌های برقراری خواهد بود و همچنین بخشنامه شماره ۳۵ مستمری‌ها مورخ ۱۳۸۱/۲/۳ سازمان تأمین اجتماعی در قسمتی که مفهوم افزایش مستمری افراد واجد شرایط به نسبت ماه‌های برقراری مستمری آنان است، برخلاف هدف و حکم مقنن تشخیص داده می‌شود و هر دو قسمت با استناد به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

رأی وحدت رویه در خصوص برخورداری مستخدمینی که با سنوات ارفاقی بازنشسته شده‌اند، از ترمیم حقوق بازنشستگی از تاریخ ۱۳۸۱/۱/۱

مصوب ۱۳۸۳/۹/۸ - شماره دادنامه: ۴۳۰ - کلاسه پرونده: ۹۶/۸۳

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: سازمان بازنشستگی کشوری

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۷۴، ۸ و ۱۰ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: ۱- شعبه دهم در رسیدگی به پرونده‌های کلاسه ۱۷۵۴/۸۱ و ۱۵۸۳/۸۱ موضوع شکایت آقای محمد آقاآخوندی و خانم شهلا پاکپور به طریت سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته سنوات خدمت به شرح دادنامه شماره ۲۰۴۳ مورخ ۱۳۸۱/۹/۳ و ۱۷۶۹ مورخ ۱۳۸۱/۷/۱۷ چنین رأی صادر نموده است. شاکی مدعی است با ارفاقی ... سال سنوات خدمت بازنشسته شده است. اخیراً سازمان بازنشستگی سنوات مذکور را حذف و در نتیجه حقوق وی کم شده است. سازمان بازنشستگی مستند فعل خود را بند (ل) تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور و تبصره ذیل ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی آن مصوب هیئت وزیران دانسته است از آنجا که اولاً تبصره ۴ بودجه در بند (ل) فقط مبلغی را برای هماهنگی حقوق بازنشستگان کشوری اختصاص داده است و راجع به احتساب یا عدم احتساب سنوات ارفاقی، حکمی اعلام ننموده است و ثانیاً هیئت وزیران نمی‌تواند حقوق مکتسبه قبلی آحاد ملت را که طبق قوانین و مقررات برقرار شده، نسخ و زایل نماید و آن هیئت فقط مأموریت هماهنگ‌نمودن را داشته که نوعاً در هماهنگی افزایش حقوق افراد است، به سقف حقوق زیاد، نه بالعکس، به استناد اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری شکایت شاکی وارد تشخیص و سازمان طرف شکایت مکلف است سنوات ارفاقی را در پرداخت حقوق بازنشستگی وی منظور نماید.

۲- شعبه دهم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ت ۹۹۴/۸۱/۱۰ موضوع تقاضای تجدیدنظر سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته تجدیدنظر در دادنامه شماره ۱۷۶۹ مورخ ۱۳۸۱/۷/۱۷ در پرونده کلاسه ۱۵۸۳/۸۱ (شهلا پاکپور) به شرح دادنامه شماره ۶۲ مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۸ چنین رأی صادره نموده است، باتوجه به بند (ل) تبصره ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور که به موجب مصوبه شماره ۹۲۸۸/ت/۲۶۴۹۰ مورخ ۱۳۸۱/۳/۴ هیئت وزیران ابلاغ گردیده است و در مصوبه مذکور سنوات خدمت ارفاقی خاصی احصاء گردیده و در آن دگری از مستندات بازنشستگی نظیر بازنشستگی تجدیدنظر خوانده (شهلا پاکپور) با خدمت ارفاقی نشده است و عنایت به اینکه مصوبه مارالذکر در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری تأیید شده است، علی‌هذا تجدیدنظرخواهی سازمان بازنشستگی کشوری از دادنامه شماره ۱۷۶۹ مورخ ۱۳۸۱/۷/۱۷ شعبه دهم دیوان موجه و وارد بوده و با فسخ دادنامه مذکور حکم به رد شکایت تجدیدنظر خوانده صادر و اعلام می‌گردد.

۳- شعبه هشتم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ت/۱۲۲۶/۸۱/۸، موضوع تقاضای تجدیدنظر سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته تجدیدنظر در دادنامه شماره ۲۰۴۳ مورخ ۱۳۸۱/۹/۳ شعبه دهم در پرونده کلاسه ۱۷۵۴/۸۱ (محمد آقاخوندی) به شرح دادنامه شماره ۷۹۹، مورخ ۱۳۸۲/۸/۲۴، چنین رأی صادر نموده است: نظر به اینکه از طرف تجدیدنظر خواه نسبت به دادنامه تجدیدنظر خواسته اعتراض موجه و مؤثری به عمل نیامده و با بررسی سوابق امر بر کیفیت رسیدگی و اعمال مقررات نیز ایراد و اشکالی که فسخ دادنامه بدوی را ایجاب نماید، مشهود نیست. بنابراین با رد تجدیدنظر خواهی دادنامه بدوی عیناً تأیید و استوار می‌گردد.

ب: ۱- شعبه ۲۳ در رسیدگی به پرونده کلاسه ۳۴۰۶/۸۱ موضوع شکایت آقای محمدمهدی ناظمیان به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته محاسبه حقوق بازنشستگی وفق تبصره ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری به شرح دادنامه شماره ۱۰۴۲ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۷ چنین رأی صادر نموده است، اداره مشتکی عنه در تأمین خواسته، به استناد بند ۲ آیین‌نامه اجرایی بند (ه) تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور، محدودیت دارد و خود را در چارچوب بند ۲ آیین‌نامه مذکور، مکلف به محاسبه می‌داند، نه زائد. در حالی که مفاد تبصره ماده ۷۴ قانون مورد استناد شاکی مطلق و اعم است و فراتر از موارد مذکور در بند ۲ مورد استناد اداره خوانده را شامل می‌شود. با توجه به اینکه مستند اداره خوانده آیین‌نامه است که قدرت معارضه با قانون را ندارد، چه رسد به اینکه بر آن مقدم باشد. لذا به ورود شکایت و ذی‌حق بودن شاکی رأی صادر می‌گردد.

۲- شعبه هفتم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ت/۱۴۹۲/۸۱/۷ موضوع تقاضای تجدیدنظر سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته تجدیدنظر در دادنامه شماره ۱۴۲ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۱۷ شعبه ۲۳ دیوان عدالت اداری، به شرح دادنامه شماره ۴۰۶ مورخ ۱۳۸۲/۴/۱۶، چنین رأی صادر نموده است: از آنجا که تجدیدنظر خوانده (محمدمهدی ناظمیان) با استناد به تبصره اصلاحی ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۵۳ با سابقه خدمات ۲۵ سال و ۱۰ ماه و ۱۹ روز با سنوات ارفاقی در مورخ ۱۳۶۱/۱/۲۸، به افتخار بازنشستگی نائل آمده و آنچه مسلم است این است که به حکم قوانین مربوطه خدمات ارفاقی متعلقه از این حیث به‌عنوان خدمت دولتی تجدیدنظر خوانده شناخته شده است و جزء حقوق مکتسبه وی می‌باشد و تبصره ذیل بند ۲ آیین‌نامه اجرایی بند (ل) تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور، مصوب ۱۳۸۱/۲/۲۹ هیئت وزیران نیز متضمن وضع قاعده‌ای مبنی بر مستثنی نمودن این‌گونه مستخدمین از برخورداری از ترمیم حقوق بازنشستگی از تاریخ ۱۳۸۱/۱/۱ در اجرای بند (ل) تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور نمی‌باشد و با عنایت به اینکه خدمات ارفاقی مشارالیه به حکم قوانین مربوطه خدمت قابل قبول در احتساب حقوق بازنشستگی وی می‌باشد ترمیم حقوق نامبرده با استناد به قانون فوق‌الاشعار بر اساس ۳۰ سال تمام، قابل احتساب است. در نتیجه با رد تجدیدنظر خواهی دادنامه بدوی تأیید می‌گردد.

ج: ۱- شعبه نوزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۶۰۹/۸۱ موضوع شکایت آقای سید حبیب... عقیلی به طرفیت شرکت مخابرات ایران و سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته محاسبه سابقه خدمت مربوط به تبصره ماده ۷۴ به شرح دادنامه شماره ۸۱ مورخ ۱۳۸۲/۱/۲۸، چنین رأی صادر نموده است: نظر به اینکه شاکی حسب مجوز تبصره یک الحاقی، به ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری، با احتساب ۸ سال و ۱۰ ماه و ۲۵ روز سنوات ارفاقی

بازنشسته گردیده و با عنایت به اینکه افزایش‌های مصوبه شماره ۲۶۴۹۰، مورخ ۱۳۸۱/۳/۴ مطابق تبصره ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی بند (ل) تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور، شامل سنوات ارفاقی نمی‌باشد و صرفاً با افزایش و لحاظ کردن خدمت ارفاقی، موضوع قانون بازنشستگی جانبازان جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی و معلولان عادی و شاغلان سخت و زیان‌آور، مصوب ۱۳۶۷ و مشمولان ماده ۱۳ قانون حمایت از آزادگان، مصوب ۱۳۶۸ تصریح گردیده و با التفات به اینکه این بخش از آیین‌نامه اجرایی بند (ل) تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور، موضوع مصوبه مورخ ۱۳۸۱/۳/۴ هیئت وزیران در رأی شماره ۴۲۱ الی ۴۴۰ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۲۷، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال نگردیده، لذا حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد.

۲- شعبه چهارم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ت ۳۱۴/۸۲/۴ موضوع تقاضای تجدیدنظر آقای حبیب‌ا... عقیلی به خواسته تجدیدنظر در دادنامه شماره ۸۱ مورخ ۱۳۸۲/۱/۲۸، چنین رأی صادر نموده است: اولاً، پرداخت حقوق سنوات ارفاقی برای سال‌های طولانی از حقوق مکسب شاکی محسوب و قطع آن نیاز به صراحت قانون دارد. ثانیاً، در تبصره ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی بند (ل) تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۸۱ که مستند قانونی اداره طرف شکایت قرار گرفته، هیچ صراحتی دال بر حذف حقوق ارفاقی برای بازنشستگان گذشته ندارد و نیز رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۴۲۱ الی ۴۴۰ سال ۱۳۸۱، بدان معنی صادر نگردیده که قطع حقوق ارفاقی را قانون تلقی نماید. لذا ضمن فسخ دادنامه شعبه بدوی حکم به ورود شکایت شاکی دائر به الزام اداره طرف شکایت، به برقراری مجدد حقوق ایام ارفاقی صادر و اعلام می‌گردد. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین رازینی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

ضمن تأیید وجود تعارض بین دادنامه شماره ۶۲-۱۳۸۳/۱/۱۸ شعبه ۱۰ تجدیدنظر با دادنامه‌های شماره ۴۰۶-۱۳۸۲/۴/۱۷ و ۷۹۹-۱۳۸۳/۸/۲۴ و ۵۰۱-۱۳۸۳/۵/۱۳ صادره از شعب هفتم و هشتم و چهارم تجدیدنظر، با عنایت به اینکه تبصره الحاقی و اصلاحی ماده ۷۴ لایحه قانونی استخدام کشوری متضمن جواز بازنشستگی مستخدمین رسمی مشمول قانون مذکور، با افزایش حداکثر ۱۰ سال، به‌عنوان مدت خدمت ارفاقی، به سابقه خدمت آنان، به‌منظور برخورداری از حقوق بازنشستگی، به میزان ۳۰ سال خدمت است. نظر به مراتب فوق‌الذکر و اینکه قانون‌گذار به شرح بند (ل) تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور، اعتبار ردیف ۵۰۳۶۲۲ قسمت چهارم، پیوست قانون مزبور را علی‌الاطلاق و بدون هرگونه قید و شرط به‌منظور هماهنگی حقوق بازنشستگان کشوری و لشگری، قبل از سال ۱۳۷۹، تخصیص داده است. بنابراین مفاد دادنامه‌های شماره ۴۰۶ مورخ ۱۳۸۲/۴/۱۷ شعبه هفتم تجدیدنظر، ۷۹۹ مورخ ۱۳۸۲/۸/۲۴ شعبه هشتم، تجدیدنظر و ۵۰۱ مورخ ۱۳۸۳/۵/۱۳ شعبه چهارم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری، که مبین این معنی است، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع ذی‌ربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

اجرای ماده ۱۱ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری یا برگشت به حالت اولیه قبل از تغییر وضعیت صندوق بازنشستگی

تاریخ: ۱۳۸۳/۱۰/۲۷ - شماره دادنامه: ۵۳۶ - کلاس پرونده: ۳۰۲/۸۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکا: آقای عبدالحمید آذرپور

موضوع شکایت و خواسته: اجرای ماده ۱۱ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری یا برگشت به حالت اولیه قبل از تغییر وضعیت صندوق بازنشستگی

مقدمه:

شاکا به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، در سال ۵۹ با انگیزه استفاده از مواد قانون استخدام کشوری، بخصوص در امر بازنشستگی، نسبت به صندوق تأمین اجتماعی داشت، تقاضای تغییر صندوق خود را نموده و سازمان آب منطقه‌ای فارس به تقاضای این جانب جامعه عمل پوشانیده در سال ۷۶ سازمان متبوع اطلاعیه مورخ ۷۶/۷/۲۸ معاون نیروی انسانی و آموزش وزارت نیرو را ابلاغ نمود که افراد در صورت تمایل می‌توانند با پرداخت مابه‌التفاوت تقاضای تغییر صندوق خود را از بازنشستگی کشوری به تأمین اجتماعی نمایند که بنا به دلایل مشروحه تقاضای این جانب برای تغییر مجدد صندوق بازنشستگی با پرداخت تفاوت به مآخذ آخرین حقوق و مزایا شامل بیمه خلاف قانون است. بنا به مراتب مذکور حکم لازم بر اجرای مفاد ماده ۱۱ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری یا اعاده وضعیت صندوق بازنشستگی این جانب صادر فرمایند.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

نظر به این که شکایت از مصوبه شماره ۵۲۳۷۳/ت/۱۵۶۴۹ هـ مورخ ۷۷/۸/۱۱ هیئت وزیران، متضمن اعلام دقیق نکات مورد شکایت نبوده و شکایت به صورت کلی مطرح گردیده است، بنابراین منطبق با مقررات ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری نیست و قابل طرح تشخیص نگردید.

ابطال بند یک دستورالعمل مورخ ۱۳۸۱/۳/۲۹ سازمان بازنشستگی کشوری در خصوص عدم شمول افزایش حقوق بازنشستگی بازنشستگان قبل از سال ۱۳۷۹ به کسانی که با ارفاق سنوات خدمت بازنشسته شده‌اند

تاریخ: ۱۳۸۳/۱۱/۱۱ - شماره دادنامه: ۵۶۲ - کلاس پرونده: ۱۶۲/۸۱

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکا: آقای عبدالرضا حاتمی زاده، آقای احمد اسماعیلی، آقای محمود اسداله زاده میلانی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند یک دستورالعمل شماره ۱۸۲۲۵ / ۲۰۰ مورخ ۱۳۸۱/۳/۲۹ سازمان بازنشستگی کشوری

مقدمه:

شکات به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته‌اند: اینجانبان بر اساس مصوبه مورخ ۱۳۵۹/۴/۱۴ شورای انقلاب، علیرغم اینکه از نظر سنوات خدمتی و سن به بازنشستگی نرسیده بودیم، اجباراً بازنشسته شده و پس از آن حسب دستورالعمل قانون یادشده سنوات خدمتی مان ۳۰ سال محسوب و حقوق بر این اساس دریافت می‌کردیم، تا اینکه اخیراً مطابق قانون بودجه سال ۱۳۸۱، به جهت رفاه حال بازنشستگان و تعدیل درآمد آن‌ها، مقرر شد که مبلغی به حقوق بازنشستگان قبل از سال ۱۳۷۹ افزوده گردد و قیدی راجع به نوع بازنشستگی ندارد، اما متأسفانه در دستورالعمل شماره ۲۰۰/۱۸۲۲۵ مورخ ۱۳۸۱/۳/۲۹ سازمان بازنشستگی (بند یک) قانون مذکور را منحصر کرده و استثنایی قید نموده که در قانون وجود ندارد. از جمله اینکه مدت خدمت بازنشسته، مدت واقعی خدمت محسوب و ارفاق قانونی موردلحاظ قرار نگرفته است. این اقدام تبعیض بوده و خلاف قانون بودجه سال ۱۳۸۱ می‌باشد. بنابراین تقاضای ابطال مصوبه فوق‌الذکر و دستور اعمال ۳۰ روز حقوق و مزایا را داریم.

سرپرست مدیریت حقوقی سازمان بازنشستگی کشوری در پاسخ به شکایت مذکور، طی نامه شماره ۶/۷۸۲۱۲ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۱۵ اعلام داشته‌اند: حقوق بازنشستگی شکات در سال ۱۳۸۱ بر اساس آیین‌نامه اجرایی بند (ل) تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور و با توجه به ماده ۲ آیین‌نامه و تبصره آن محاسبه و تعیین گردیده است. توضیحاً اینکه کارکنانی که به استناد تبصره اصلاحی ماده ۷۴ و تبصره الحاقی آن و ماده واحده ۱۳۵۹/۴/۱۴ شورای انقلاب اسلامی ایران، با ارفاق خدمت بازنشسته شده‌اند، در محاسبه حقوق بازنشستگی آنان صد درصد (سی‌سی‌ام) حقوق و مزایای گروه و پایه یا گروه و افزایش سنواتی مربوط به سنوات خدمت انجام‌شده آنان پرداخت شده است. لذا تعیین حقوق به نسبت سنوات منظور شده در متن آیین‌نامه هماهنگی، به منظور تعیین حقوق با خدمت واقعی زمان اشتغال بوده و صد درصد (سی‌سی‌ام) آن پرداخت شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید، سنوات خدمت ارفاقی در هماهنگی سال ۱۳۸۱ منظور و مورد محاسبه قرار گرفته و حقوق معوقه‌ای ایجاد نشده تا پرداخت گردد. لکن مدت خدمت ارفاقی که اشتباهاً در احکام صادره قید نشده بود، در احکام درج و اصلاح شده است. بنابراین اقدام این سازمان در صدور حکم حقوق بازنشستگی مشارالیه در ۱۳۸۱/۱/۱ کاملاً صحیح و مبتنی بر تبصره صدرالذکر صورت پذیرفته

و در حدود مقررات لازم‌الاتباع بوده. لذا خواسته وی سالب به انتفاع موضوع می‌باشد و رد دعوی مطروحه مورد استدعاست.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

مقنن به شرح بند (ل) تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور، اعتبار ردیف ۵۰۳۶۲۲، قسمت چهارم، پیوست قانون مذکور را علی‌الاطلاق و بدون هرگونه قید و شرط، به‌منظور هماهنگی حقوق بازنشستگان کشوری و لشگری قبل از سال ۱۳۷۹ تخصیص داده است. بنابراین عدم شمول مقررات فوق‌الذکر درباره کارکنانی که در اجرای تبصره الحاقی به ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۲۴ و تبصره اصلاحی ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری، مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۲۸ و لایحه قانونی ۱۳۵۹/۴/۱۴ شورای انقلاب بازنشسته شده‌اند، حسب بند یک دستورالعمل شماره ۲۰۰/۱۸۲۲۵ مورخ ۱۳۸۱/۳/۲۹ سازمان بازنشستگی کشوری، به‌لحاظ مضیق تعبیر نمودن نظر قانون‌گذار مغایر با قانون و خروج از اختیارات تشخیص و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

ابطال تصمیم اعضای کمیته تأدییه مطالبات صندوق بازنشستگی کارکنان نفت و بخشنامه شماره ۲۲۱۷۰-۱۲۸۱/۲۳۷ مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۵ وزیر نفت در خصوص واگذاری سهام شرکت‌های مذکور در مصوبه به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت

تاریخ: ۱۳۸۴/۲/۱۱ - شماره دادنامه: ۵۹ - کلاس پرونده: ۲۲۱/۸۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای ایرج صفاتی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تصمیم اعضای کمیته تأدییه مطالبات صندوق بازنشستگی کارکنان نفت و بخشنامه شماره ۲۲۱۷۰-۱۲۸۱/۲۳۷ مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۵ وزیر نفت در خصوص واگذاری سهام شرکت‌های مذکور در مصوبه به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت
مقدمه:

الف: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است: در اجرای بند (ج) تبصره ۱۰ قانون بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور و مصوبه کمیته تأدییه مطالبات صندوق بازنشستگی نفت، وزیر نفت طی بخشنامه‌ای به شماره ۲۲۱۷۰-۱۲۸۱/۲۳۷ مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۵، به منظور تأدییه مطالبات صندوق بازنشستگی نفت مجوز واگذاری سهام هشت شرکت تابعه شرکت ملی نفت ایران را از طریق سازمان بورس اوراق بهادار تهران صادر کرده است. با مذاقه در بند (ج) تبصره مذکور ملاحظه می‌شود مصوبه کمیته تأدییه مطالبات و بخشنامه صادره وزیر نفت، به شماره فوق‌الذکر، با مفاد بند (ج) تبصره ۱۰ قانون بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور به شرح زیر مغایرت دارد:

۱- نظر به این که قانون‌گذار در بند (ج) تبصره فوق‌الذکر نحوه قیمت‌گذاری را مشخص نکرده است، می‌بایستی فروش سهام به طریق مزایده با کارشناسان دادگستری انجام پذیرد، نه به روش تعیین قیمت از طرف بورس اوراق بهادار.

۲- میزان سهام شرکت‌های واگذار شده طبق مصوبات مورد شکایت به مراتب بیشتر از سهام پیش‌بینی شده در بند (ج) تبصره ۱۰ قانون بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور می‌باشد. لذا به علت مغایرت مصوبه کمیته تأدییه مطالبات صندوق بازنشستگی نفت و بخشنامه شماره ۲۲۱۷۰-۱۲۸۱/۲۳۷ مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۵، وزیر نفت با بند (ج) تبصره ۱۰ قانون بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور و زیان‌های وارده بر دولت بر اثر واگذاری‌های مزبور، تقاضای ابطال مصوبه کمیته تأدییه مطالبات و بخشنامه وزیر نفت را دارد. مشاور وزیر نفت در امور حقوقی مجلس به شرح نامه شماره م/ح-۶۴۸-۲/۸۰ مورخ ۱۳۸۰/۸/۲۶ اعلام داشته‌اند: الف: به موجب بند (ج) تبصره ۱۰ قانون بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، به منظور تأدییه دیون دولت به سازمان‌ها و اشخاص مذکور در بند (ج) تبصره ۱۰ قانون مارالذکر واگذاری اموال و دارایی‌ها و سهام دولتی در شرکت‌های ذی‌ربط در دستور کار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت تا در راستای سیاست‌های کلان کاهش

تصدی دولت به مرحله اجرا درآید. در همین ارتباط نیز به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده شد تا بابت مطالبات صندوق بازنشستگی کارکنان شرکت ملی نفت ایران از شرکت مادر و شرکت‌های فرعی و به تشخیص کمیته‌ای مرکب از نمایندگان سازمان برنامه و بودجه، وزارت نفت و دو نفر از اعضای کمیسیون نفت مجلس شورای اسلامی از محل اموال و دارایی‌ها و سهام دولتی بدهی خویش را تأدیه نماید.

ب: شاکی در دادخواست خود مدعی لزوم فروش سهام دولتی از طریق مزایده شده است و بدین منوال نه تنها از قانون گذار پیشی گرفته، بلکه حداقل توجه به قانون بودجه استنادی خویش را نیز مبذول نداشته است. چراکه به موجب همین قانون واگذاری سهام از بابت تأدیه دیون شرکت ملی نفت ایران به صندوق بازنشستگی مطمح نظر بوده است و نه فروش مطلق سهام به اشخاص که مستلزم برگزاری مزایده باشد.

ج: در خصوص ایراد شاکی به لزوم تعیین میزان مطالبات صندوق بازنشستگی کارکنان شرکت ملی نفت ایران توسط کمیته تأدیه مطالبات و اعلان آن یادآور می‌شود بدهت تعیین ارزش میزان سهام واگذاری شرکت‌های تابعه شرکت ملی نفت ایران به صندوق‌ها در قبال دیون شرکت ملی نفت ایران امری است آشکارا. خصوصاً آنکه دیوان محاسبات کشور با نظارت عالی بر کلیه امور دستگاه‌های دولتی به قطع یقین امر واگذاری سهام شرکت‌های دولتی را نیز مورد مذاقه قرار داده است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

نظر به این که مصوبات مورد اعتراض متضمن وضع قاعده آمره‌ای در جهت نفی حکم مقنن یا رد کیفیت پیش‌بینی شده در قانون نیست، بنابراین مغایرتی با قانون ندارد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

الزام سازمان تأمین اجتماعی به پذیرش سوابق بازنشستگی از ۱۳۶۱/۱۱/۶ لغایت ۱۳۶۴/۳/۲۳ و ابطال بخشنامه سازمان در مورد درخواست مابه‌التفاوت

تاریخ: ۸۴/۶/۱۳ - شماره دادنامه: ۲۶۴ - کلاس پرونده: ۸۲/۲۱۲

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای محمد باقری نیا

موضوع شکایت و خواسته: الزام سازمان تأمین اجتماعی به پذیرش سوابق بازنشستگی از ۱۳۶۱/۱۱/۶ لغایت ۱۳۶۴/۳/۲۳ و ابطال بخشنامه سازمان در مورد درخواست مابه‌التفاوت

مقدمه:

شاکي به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، از ۱۳۶۱/۱۱/۶ لغایت ۱۳۶۴/۳/۲۳ در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اراک مشغول فعالیت بوده که کسور بازنشستگی از این جانب دریافت گردیده است. با توجه به این که از تاریخ ۶۴/۸/۳ در شرکت واگن پارس اراک که مشمول مقررات تأمین اجتماعی می‌باشد مشغول به کار گردیدم، طی درخواستی از سازمان تأمین اجتماعی انتقال سوابق بازنشستگی به سازمان تأمین اجتماعی را نمودم، اما بدون هیچ‌گونه مستند و استدلال قانونی مبلغ ۷,۷۸۷,۹۷۷ ریال بابت مابه‌التفاوت حق بیمه انتقال سوابق مطالبه می‌نمایند. دلیل این مطلب را اختیارات سازمان و متضرر گردیدن سازمان اعلام می‌نمایند. بنا به مراتب تقاضای الزام سازمان تأمین اجتماعی به پذیرش سوابق بازنشستگی و ابطال بخشنامه مورد ادعای سازمان مذکور را دارم.

مدیر کل تأمین اجتماعی استان مرکزی در پاسخ به شکایت شاکي طی نامه شماره ۱۰۰/۱۶۰۱۰ مورخ ۱۳۸۱/۸/۵ اعلام داشته‌اند، مستندات اقدامات سازمان جهت مطالبه مابه‌التفاوت حق بیمه، قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی است نه بخشنامه و چنانچه موضوع ارتباط با آیین نامه تبصره ۳ قانون یادشده، مصوب ۱۳۶۵/۱۱/۸ هیئت وزیران داشته باشد، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری طی دادنامه شماره ۱۵۰ مورخ ۱۳۶۹/۶/۲۲ در پرونده کلاس ۱۳/۶۹ آیین نامه اجرایی مذکور را مغایر قانون تشخیص نداده‌اند.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

نظر به این که شاکي مشخصات بخشنامه مورد اعتراض را تعیین نکرده و سازمان تأمین اجتماعی نیز وجود بخشنامه در زمینه مورد ادعای شاکي را انکار نموده است، بنابراین به لحاظ عدم تحقق اجتماع شرایط مقرر در ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری، موردی برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به اعتراض شاکي در این زمینه وجود ندارد و در خصوص شکایت نامبرده پرونده جهت رسیدگی به شعبه هفدهم اعاده می‌شود.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

ابطال ماده ۸ آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب هیئت وزیران

تاریخ: ۸۴/۱۰/۵ - شماره دادنامه: ۵۳۵ - کلاس پرونده: ۷۳۵/۸۳

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای حسین غلامی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۸ آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب هیئت وزیران

مقدمه:

پس از ثبت دادخواست به شماره ۸۲۴۶۱ مورخ ۸۳/۱۱/۲۱ و ارجاع پرونده به هیئت عمومی و ثبت آن به کلاس فوق الذکر و پس از انجام تشریفات مقدماتی، پرونده تحت نظر است که با توجه به محتویات پرونده، ختم رسیدگی را اعلام و به استناد تبصره الحاقی به ماده ۲۰ آیین دادرسی دیوان، به شرح بین‌الهمالین «در صورتی که در دادخواست‌های موضوع ماده ۲۵ قانون به دلیل الغاء یا اصلاح مصوبه مورد شکایت، از سوی مقام یا مرجع صادر کننده، یا صدور رأی قبلی از سوی هیئت عمومی در مورد آن، یا استرداد دادخواست و امثال آن، موضوع رسیدگی منتفی باشد، مدیر دفتر موضوع را به رئیس یا معاون دیوان منعکس می‌کند و با احراز موارد فوق از سوی رئیس یا معاون دیوان، قرار رد دادخواست صادر خواهد شد.» به شرح آتی مبادرت به صدور قرار می‌نماید.

قرار هیئت عمومی

نظر به این که موضوع شکایت شاکي آقای حسین غلامی به خواسته ابطال ماده ۸ آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب هیئت وزیران، قبلاً طی کلاس پرونده ۴۵۳/۷۹ در هیئت عمومی دیوان طرح و مورد رسیدگی قرار گرفته و منتهی به صدور دادنامه شماره ۱۰ مورخ ۱۳۸۱/۱/۱۸ گردیده است. لذا موضوع شکایت امر مختومه بوده و موجبی برای رسیدگی مجدد وجود ندارد و مورد تابع، رأی قبلی هیئت عمومی است و با استناد به تبصره الحاقی به ماده ۲۰ آیین دادرسی دیوان قرار رد دادخواست صادر و اعلام می‌گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

**ابطال ماده ۴ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام
کشوری موضوع تصویب نامه شماره ۸۰۵۲۴/ت/۲۶۷ هـ مورخ ۱۳۶۹/۷/۱۸ هیئت وزیران
و ۲- ابطال تصمیم شورای امور اداری و استخدامی کشور مذکور
در نامه شماره ۱۸۰۵/۳۸۷۴۹ مورخ ۱۳۸۳/۳/۱۳**

تاریخ: ۸۴/۱۱/۱۶- شماره دادنامه: ۶۴۸- کلاس پرونده: ۲۲۸/۸۴

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای عین اله زارعی

موضوع شکایت و خواسته:

- ۱- ابطال ماده ۴ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام
کشوری، موضوع تصویب نامه شماره ۸۰۵۲۴/ت/۲۶۷ هـ مورخ ۱۳۶۹/۷/۱۸ هیئت وزیران
- ۲- ابطال تصمیم شورای امور اداری و استخدامی کشور مذکور در نامه شماره ۱۸۰۵/۳۸۷۴۹
مورخ ۱۳۸۳/۳/۱۳

مقدمه: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، علیرغم تصریح به عمل آمده در قانون ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، مصوب ۱۳۶۷ و آیین نامه اجرایی آن که صرفاً دارا بودن ۲۰ سال سابقه خدمت را شرط لازم و نامه بازنشستگی جانبازان اعلام نموده، لیکن دبیرخانه شورای امور اداری و استخدامی کشور، به استناد تبصره ۲ ماده ۲ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی کشوری و ماده ۴ آیین نامه اجرایی آن، تنها سوابق خدمت را لازمه بازنشستگی پرسنل جانباز ندانسته، بلکه قائل به رعایت شرط سن ۵۰ سال نیز می باشند، با مذاقه در ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و... و آیین نامه اجرایی آن ملاحظه می گردد که شرط بازنشستگی پرسنل جانباز منحصرأ منوط به داشتن ۲۰ سال سابقه خدمت قابل قبول می باشد و در خصوص شرط سن در قانون موصوف تصریحی به عمل نیامده است. لذا با وجود نص صریح، تفسیر موسع از قانون فاقد وجهت می باشد. با توجه به مصوبه مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۱ مجلس شورای اسلامی، راجع به اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی، ملاحظه می فرمایید که قانون موصوف ضمن این که کارگران جانباز و معلول را از جهت بازنشستگی تابع قانون بازنشستگی جانبازان دانسته و صراحتاً داشتن حداقل شرط سنی را نیز منتفی اعلام نموده است، ضمن این که قانون لاحق نیز می باشد، بدین لحاظ نیز ماده ۴ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح مقررات بازنشستگی کشوری خلاف قانون و نمی تواند مستند واقع گردد. با عنایت به مراتب فوق ابطال تصمیم شورای امور اداری و استخدامی کشور موضوع نامه شماره ۱۸۰۵/۳۸۷۴۹ مورخ ۱۳۸۳/۳/۱۳ و ماده ۴ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری، موضوع تصویب نامه شماره ۸۰۵۲۴/ت/۲۶۷ هـ مورخ ۱۳۶۹/۷/۱۸ هیئت وزیران را تقاضا دارد. مدیرکل دفتر امور حقوقی دولت در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۳۹۶۹۰ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۹ اعلام داشته اند، موضوع درخواست ابطال ماده ۴

آیین‌نامه فوق‌الذکر قبلاً در هیئت عمومی دیوان بررسی و منجر به صدور دادنامه شماره ۲۴۵ مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۵ و اعلام عدم مغایرت قانونی شده است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادر به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

الف: مفادنامه شماره ۱۸۰۵/۳۸۷۴۹ مورخ ۱۳۸۳/۳/۱۳ دبیرخانه شورای امور اداری و استخدامی کشور مبنی بر عدم امکان بازنشستگی آقای رمضان حق‌پرست، به‌عنوان نداشتن شرط سنی لازم، در خصوص مورد انشاشده و از مصادیق مقررات موضوع ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری محسوب نمی‌شود و رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به آن در اجرای ماده مزبور موردی ندارد.

ب: اعتراض نسبت به ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری قبلاً مورد رسیدگی قرار گرفته و به شرح دادنامه شماره ۲۴۵ مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری خلاف قانون شناخته نشده است. بنابراین موردی برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم مجدد در خصوص اعتراض نسبت به همان مصوبه وجود ندارد و اعتراض جدید شاکه در این باب مشمول مدلول دادنامه فوق‌الذکر است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

ابطال بخشنامه سازمان تأمین اجتماعی در مورد وصول حق سرانه به جای حق درمان از مستمری بازنشستگی

تاریخ: ۸۴/۱۱/۱۶ - شماره دادنامه: ۶۴۳ - کلاس پرونده: ۱۳۶/۸۱

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای قربانعلی بی طرف

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه سازمان تأمین اجتماعی در مورد وصول حق سرانه به جای حق درمان از مستمری بازنشستگی

مقدمه:

شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است: طبق ماده ۸۹ قانون تأمین اجتماعی، سازمان تأمین اجتماعی موظف است با کسری ۲ درصد از مبلغ مستمری نسبت به ارائه خدمات درمانی، برای مستمری بگیران، اقدام نماید. در صورتی که سازمان در سال ۱۳۷۹ با صدور دستورالعملی در مورد بیمه شدگان حذف و مشاغل آزاد و اختیاری اعلام داشته که به جای کسر ۲ درصد مستمری حق سرانه درمان کسر نموده و خدمات درمانی ارائه شود. این دستورالعمل خلاف ماده ۸۹ قانون مذکور می باشد که ابطال آن مورد تقاضاست.

مدیرکل دفتر حقوقی و دعاوی سازمان تأمین اجتماعی در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۷۱۰۰/۳۸۰۱۶ مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۱۵ اعلام داشته اند، شرایط بیمه شدن و نیز نحوه ارائه مزایای سازمان به بیمه شدگان اختیاری با بیمه شدگان اجباری متفاوت می باشد و آنچه در ماده ۸۹ قانون تأمین اجتماعی بیان گردیده است، مربوط به بازنشستگی بیمه شدگان اجباری است. بازنشستگی که بیمه اختیاری بوده اند، می باید مطابق آیین نامه های مربوطه از مزایای درمان استفاده نمایند. این سازمان در اجرای تبصره ماده ۸ قانون تأمین اجتماعی و آیین نامه اجرایی مربوطه، دستور اداری شماره ۵۰۵/۱۳۸۱، مورخ ۱۳۷۹/۷/۱ را صادر نموده است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیئت عمومی

با عنایت به این که بخشنامه مورد اعتراض شاکی در خصوص بیمه اختیاری تنظیم شده و تابع شرایط مندرج در قرارداد عقد بیمه منعقد بین بیمه گر و بیمه گذار است و متضمن وضع قواعد آمره ای نمی باشد، بنابراین بخشنامه مذکور از مصادیق مقررات مندرج در ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری محسوب نمی شود و رسیدگی و اتخاذ تصمیم در زمینه اعتراض نسبت به آن در هیئت عمومی دیوان موردی ندارد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

ابطال آیین نامه بیمه بازنشستگی سردفتران و دفترباران اسناد رسمی

تاریخ: ۸۴/۱۲/۱۴ - شماره دادنامه: ۸۲۸ - کلاسه پرونده: ۴۴۹/۸۱

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای جمال الدین پویا

موضوع شکایت و خواسته: ابطال آیین نامه بیمه بازنشستگی سردفتران و دفترباران اسناد رسمی

مقدمه:

شاکی به شرح دادخواست تقدیمی خواستار ابطال آیین نامه بیمه و بازنشستگی سردفتران و دفترباران اسناد رسمی به لحاظ مغایرت با قانون و رأی هیئت عمومی در این خصوص شده‌اند. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

با عنایت به نظریه شماره مورخ شورای محترم نگهبان که در مقام تفسیر اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده است، صلاحیت هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به اعتراض نسبت به آیین نامه‌ها و تصویب نامه‌ها و سایر نظامات دولتی به قرینه عبارت قوه مجریه مندرج در اصل مذکور اختصاص دارد و تعمیم صلاحیت دیوان در رسیدگی به اعتراض نسبت به مصوبات قوه قضاییه و سازمان‌ها و مؤسسات وابسته به آن فاقد محمل قانونی است. بنابراین اعتراض شاکی نسبت به آیین نامه بیمه و بازنشستگی سردفتران و دفترباران اسناد رسمی از مصادیق ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری محسوب نمی‌شود و قابل طرح و رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیئت عمومی دیوان نمی‌باشد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

ابطال بند یک بخشنامه شماره ۱/۳۶۵۰ مورخ ۱۳۸۰/۱/۲۹ سازمان بازنشستگی کشوری

تاریخ: ۸۴/۱۲/۲۱- شماره دادنامه: ۸۴۹-۸۵۰- کلاسه پرونده: ۲۹۶/۸۰، ۳۰۵

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکا: آقایان ۱- اسماعیل حق پرست، ۲- اسماعیل وطنی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند یک بخشنامه شماره ۱/۳۶۵۰، مورخ ۱۳۸۰/۱/۲۹ سازمان بازنشستگی کشوری

مقدمه:

شکات به شرح دادخواست‌های تقدیمی اعلام داشته‌اند: در بند یک بخشنامه شماره ۱/۳۶۵۰ مورخ ۱۳۸۰/۱/۲۹ سازمان بازنشستگی کشوری آمده است «از آنجایی که طبق قانون، افزایش سنوای مستخدمین، تابع ضریب حقوق سالیانه نمی‌باشد، لزوماً در اجرای ماده ۶ قانون یادشده، افزایش سنوای متعلقه در دو سال آخر مدت، به طور ثابت، حقوق مینا و مزایای قانونی مشمول کسر کسور بازنشستگی با اعمال ضریب حقوق سال بازنشستگی مستخدم، مبنای محاسبه معدل حقوق و مزایای قانونی دو سال آخر خدمت قرار می‌گیرد.» مدلول این بخشنامه با مفاد ماده ۶ قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی، بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۳ مغایر است. زیرا قسمت اخیر ماده ۶ قانون مذکور مقرر می‌دارد «... در هر حالت، معادل تمامی حقوق و مزایای دریافتی که ملاک کسور بازنشستگی است، در دو سال آخر خدمت با اعمال آخرین ضریب حقوق سال بازنشستگی، مبنای تعیین حقوق بازنشستگی یا وظیفه خواهد بود.» با اجرای بخشنامه مورد شکایت، افزایش سنوای به طور ثابت فرض شده و ضریب ۱۰۰ را در مورد آن ملاک محاسبه قرار می‌دهد. افزایش سنوای، جزئی از حقوق کارمندان است که از آن کسور بازنشستگی کسر می‌شود و از مصادیق بارز موضوع بند (ج) در ماده ۶ قانون مرقوم است. وقتی قانون با قید «در هر حالت» بر آن تأکید می‌کند، در نظر دارد به کارکنان بازنشسته که قبلاً حق آنان تزییع شده بود از آغاز سال ۱۳۷۹ یک سوم مابه‌التفاوت مقرر را بپردازد و این محاسبه را بر اساس حقوق و مزایایی می‌داند که از آنان کسور بازنشستگی کسر شده است. سازمان بازنشستگی حق ندارد دایره شمول قانون را تزییع نماید و افزایش سنوای را از حقوق مبنای مزایای قانونی استثناء کند. بلکه بایستی نسبت به افزایش سنوای نیز، همچنان که در قانون تأکید شده، ضریب مربوطه که ۱۲۰ است اعمال شود. نظر به این که در اجرای ماده دوم قانون نظام هماهنگ حقوق بازنشستگی و وظیفه، مصوب ۱۳۷۳/۶/۲۳ مقرر شده بود، حقوق بازنشستگی و وظیفه بر اساس حقوق مبنای، افزایش سنوای و فوق‌العاده شغل در سه سال آخر خدمت محاسبه شود و چنانچه مبلغ محاسبه شده از حداکثر مقرر در قانون نظام هماهنگ تجاوز کرد، دوسوم مبلغ مازاد پرداخت گردد. همچنین، چون از آغاز سال ۱۳۷۴ محاسبات مذکور بر اساس ضریب آن سال یعنی رقم ۱۲۰ محاسبه و احکام مربوطه، در سراسر کشور صادر گردیده است. لذا بایستی در اجرای ماده ۶ قانون مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۳ نیز برای

افزایش سنواتی ضریب ۱۲۰ ملاک محاسبه قرار گیرد و بخشنامه شماره ۱/۳۶۵۰ مورخ ۱۳۸۰/۱/۲۹ سازمان بازنشستگی کشوری که ضریب ۱۰۰ را برای افزایش سنواتی مقرر داشته، برخلاف قانون و خارج از اختیارات آن سازمان است و حقوق تعداد کثیری از بازنشستگان را تضییع می‌کند. لذا تقاضای ابطال بند اول بخشنامه موصوف را می‌نماید.

سرپرست مدیریت امور حقوقی در پاسخ به شکایات مذکور طی نامه‌های شماره ۲۱/۴۸۰۶۴ مورخ ۱۳۸۰/۸/۲۰ و ۱۱۸۱۸/۲۱ مورخ ۱۳۸۱/۳/۱ اعلام داشته‌اند: در اجرای قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت، مجری از ۱۳۷۰/۱/۱، علاوه بر حقوق مبنا که بر اساس مدرک تحصیلی، سنوات خدمت و در چهارچوب پست مورد تصدی تعیین می‌شود و نیز فوق‌العاده شغل که تابع ضوابط مشخصی است به‌ازای هر سال خدمت و به مأخذ ۳ درصد حقوق مبنا تعیین شده، درباره مستخدمین موضوع ماده یک قانون نظام هماهنگ، رقمی جداگانه به‌عنوان افزایش سنواتی در سال ۱۳۷۰ تعیین شده است. طبق مقررات و در مقطع سال بعد به‌عنوان مثال سال ۱۳۷۱ و بر اساس ضریب افزایش سنواتی به میزان ۳ و ۴ و ۵ درصد که ناشی از ارزشیابی سالانه درباره مستخدمین بوده است و با محاسبه بر پایه (حقوق مبنا + افزایش سنواتی) رقمی به افزایش سنواتی سال قبل افزوده شده و در مقاطع سال‌های بعد این عمل ادامه داشته است. به صورتی که در هر سال، رقم افزایش سنواتی سال‌های قبل ثابت بوده و از بابت سال جدید ۳ و ۴ و یا ۵ درصد به آن افزوده شده است. به‌عنوان مثال مستخدمی که در تاریخ ۱۳۸۱/۳/۱ بازنشسته شده است، افزایش سنواتی که در تاریخ ۱۳۸۱/۱/۱ به‌ازای خدمت در سال ۱۳۸۰ به وی تعلق گرفته ۳، ۴ و یا ۵ درصد حقوق مبنای متعلقه در تاریخ ۱۳۸۰/۱/۱ و افزایش‌های سنواتی سال‌های گذشته بوده است که به لحاظ ثابت بودن قسمت اعظم افزایش سنواتی که متأثر از کلیه اعمال ضرایب سال‌های قبل به نسبت ۳، ۴ و ۵ درصد حقوق مبنا و افزایش‌های سنواتی گذشته بوده، نمی‌توان برای رقم افزایش سنواتی که در تاریخ ۱۳۸۱/۱/۱ به‌مستخدم تعلق داشته است، علیرغم حقوق مبنا و فوق‌العاده شغل و جذب که در هر سال تماماً از ضریب مشخص سالانه تبعیت می‌نماید، ضریب واحدی فرض نمود و به لحاظ نداشتن ضریب واحد، نمی‌توان در اجرای تبصره ۶ قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات... مبنی بر محاسبه معدل حقوق و مزایای دریافتی که ملاک کسور بازنشستگی در دو سال آخر خدمت می‌باشد، آخرین ضریب حقوق سال بازنشستگی را به‌طوری که دوباره حقوق مبنا، فوق‌العاده شغل و جذب قابل اعمال می‌باشد، بر افزایش سنواتی اعمال نمود. با مراجعه به سوابق امر، ابتدا اعمال ضریب حقوق سال بازنشستگی در محاسبه معدل حقوق و فوق‌العاده‌های قانونی در اجرای تبصره ۳ ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون نظام هماهنگ حقوق بازنشستگی و وظیفه و تبصره‌های ۴ و ۵ قانون اصلاح قوانین و مقررات بازنشستگی... مصوب ۱۳۷۴/۱۱/۲۵ باب گردید و در مستندات مزبور به این دلیل که رقم افزایش سنواتی تابع ضریب حقوق سالانه نمی‌باشد، مقرر گردید عیناً میزان آن در سال‌های معدل حقوق اعمال شود و سایر فاکتورها (حقوق مبنا، فوق‌العاده شغل و جذب) به‌دلیل تبعیت از ضریب حقوق سالانه در محاسبه معدل، ضرایب آنان به ضریب سال بازنشستگی مبدل شده است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

قانون گذار به شرح ماده ۶ قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی، بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان، مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۳ در خصوص نحوه محاسبه و تعیین حقوق بازنشستگی به لزوم اعمال آخرین ضریب حقوق سال بازنشستگی نسبت به معدل تمامی حقوق و مزایای دریافتی مشمول کسور بازنشستگی دو سال آخر خدمت تصریح کرده است: نظر به این که عبارت «تمامی حقوق» در لفظ و اصطلاح متضمن کلیه اجزای حقوق ماهانه کارکنان دولت است و به حکم ماده ۲ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت و تبصره‌های آن مصوب شهریورماه ۱۳۷۰ افزایش سنواتی از عوامل مؤثر در افزایش حقوق ماهانه به شمار آمده و از اجزاء آن محسوب شده و مبنای اخذ کسور بازنشستگی نیز قرار گرفته است، بنابراین مفاد بند یک بخشنامه شماره ۱/۳۶۵۰ مورخ ۱/۲۹/۱۳۸۰ سازمان بازنشستگی کشوری که افزایش سنواتی را به‌طور ثابت و بدون اعمال آخرین ضریب حقوق سال بازنشستگی ملاک محاسبه حقوق بازنشستگی اعلام داشته است، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات سازمان مذکور تشخیص داده می‌شود و با استناد به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - علی رازینی

ابطال بخشنامه شماره ۲۳۷۰۲ مورخ ۱۳۸۲/۶/۹ سازمان بازنشستگی کشوری و بخشنامه ۷۱۰/۱۰۱ آموزش و پرورش

تاریخ: ۸۵/۱/۲۰ - شماره دادنامه: ۲۳ - کلاس پرونده: ۸۴/۳۱۲

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکای: خانم‌ها، توران زمزم و فریبا فردی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۲۳۷۰۲ مورخ ۱۳۸۲/۶/۹ سازمان بازنشستگی
کشوری و بخشنامه ۷۱۰/۱۰۱ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۵ آموزش و پرورش
مقدمه:

شکات به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته‌اند: به موجب بخشنامه‌های مورد شکایت، مبلغی بین ۱/۵ تا سه میلیون، بابت حق بیمه سنواتی خدمتی در نهضت سوادآموزی که بین ۵ تا ۷ سال بوده و اکنون به استخدام آموزش و پرورش درآمده‌ایم، درخواست نموده‌اند صدور و اجرای این بخشنامه‌ها را ظلمی در حق خود می‌دانیم و ابطال آن‌ها مورد تقاضاست.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

به موجب ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری اعتراض نسبت به تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌ها و سایر نظامات دولتی از جهت مغایرت آن‌ها با احکام شرع یا قوانین یا خارج بودن از حدود اختیارات قوه مجریه قابل طرح و رسیدگی در هیئت عمومی دیوان است. نظر به این که اعتراض شاکای متضمن تحقق و اجتماع موارد و شرایط مقرر در ماده ۲۵ قانون فوق‌الاشعار نیست، بنابراین به کیفیت مطروحه قابل طرح و رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیئت عمومی دیوان نمی‌باشد. بدیهی است شاکای می‌تواند در مورد ادعای شخصی خود دادخواست تنظیم و به شعبه بدوی دیوان تقدیم نماید.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - علی رازینی

**ابطال ماده ۴ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه
قانون استخدام کشوری، مصوب ۱۳۶۹/۷/۱۸ هیئت وزیران
و ابطال نامه شماره ۱۸۰۵/۲۸۰۴۸ مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۷
دبیر شورای امور اداری و استخدامی کشور**

تاریخ: ۸۵/۲/۱۷ - شماره دادنامه: ۷۸ - کلاس پرونده: ۸۲/۲۳۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای حبیب خبرخوش

موضوع شکایت و خواسته: ۱- ابطال ماده ۴ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری، مصوب ۱۳۶۹/۷/۱۸ هیئت وزیران، ۲- ابطال نامه شماره ۱۸۰۵/۲۸۰۴۸ مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۷ دبیر شورای امور اداری و استخدامی کشور
مقدمه:

شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، ماده ۴ آیین نامه مورد شکایت برخلاف تبصره ۲ ماده ۲ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری، مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳، مجلس شورای اسلامی برای جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور، داشتن پنجاه سال سن برای مردان و چهل و پنج سال سن برای زنانی که جانباز، معلول یا دارای مشاغل سخت و زیان آور باشند را لازم دانسته است که با عنایت به خلاف قانون بودن ماده ۴ آیین نامه مذکور، تقاضای ابطال آن را دارم. همچنین ابطال نامه شماره ۱۸۰۵/۲۸۰۴۸ مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۷ دبیر شورای امور اداری و استخدامی کشور در خصوص نحوه بازنشستگی این جانب را درخواست می نماید.

معاون دفتر امور حقوقی دولت در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۲۰۰۱۷ مورخ ۱۳۸۲/۴/۲۶ اعلام داشته اند: همان گونه که در آراء شماره ۱۰ مورخ ۱۳۷۰/۲/۱۰ و شماره ۴۴ مورخ ۱۳۷۵/۲/۵ دیوان بیان گردیده، ماده ۴ آیین نامه اجرایی مورد شکایت، دارای وجهت قانونی می باشد. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید:

رأی هیئت عمومی

الف: اعتراض شاکی نسبت به ماده ۴ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری قبلاً مورد رسیدگی قرار گرفته و به شرح دادنامه شماره ۱۰ مورخ ۱۳۷۰/۲/۱۰ هیئت عمومی دیوان مغایر قانون شناخته نشده است. بنابراین موردی برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم مجدد نسبت به شکایت جدید و نسبت به آن مصوبه وجود ندارد و اعتراض شاکی در این باب مشمول مدلول دادنامه فوق الذکر است.

ب: در خصوص اعتراض شاکی نسبت به نامه شماره ۱۸۰۵/۲۸۰۴۸ مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۷ چون مفاد آن در خصوص مورد تنظیم شده و متضمن وضع قاعده عام و کلی نیست و از مصادیق تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌ها و سایر مقررات دولتی مذکور در ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری محسوب نمی‌شود، بنابراین موردی برای رسیدگی به اعتراض شاکی نسبت به مفاد نامه مزبور و اتخاذ تصمیم در این خصوص در هیئت عمومی دیوان وجود ندارد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

ابطال ماده ۱۰ آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه و بازنشستگی

تاریخ: ۸۵/۶/۲۱ - شماره دادنامه: ۴۴۴ - کلاس پرونده: ۲۷۹/۸۴

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکلی: آقای محمدرضا زمزمه

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۱۰ آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه و بازنشستگی

مقدمه:

پس از ثبت دادخواست به شماره ۳۱۲۴۶ مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۵ و ارجاع پرونده به هیئت عمومی و ثبت آن به کلاس فوق الذکر و پس از انجام تشریفات مقدماتی، پرونده تحت نظر است که با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به استناد تبصره الحاقی به ماده ۲۰ آیین دادرسی دیوان، به شرح بین الہلالین «در صورتی که در دادخواست‌های موضوع ماده ۲۵ قانون به دلیل الغاء یا اصلاح مصوبه مورد شکایت از سوی مقام یا مرجع صادرکننده یا صدور رأی قبلی از سوی هیئت عمومی در مورد آن یا استرداد دادخواست و امثال آن، موضوع رسیدگی منتفی باشد، مدیر دفتر موضوع را به رئیس یا معاون دیوان منعکس می‌کند و با احراز موارد فوق از سوی رئیس یا معاون دیوان قرار رد دادخواست صادر خواهد شد.» به شرح آتی مبادرت به صدور قرار می‌نماید.

قرار هیئت عمومی

نظر به این که موضوع شکایت آقای محمدرضا زمزمه به خواسته ابطال ماده ۱۰ آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه و بازنشستگی قبلاً در هیئت عمومی دیوان طرح و مورد رسیدگی قرار گرفته و منتهی به صدور دادنامه شماره ۳۴۱ الی ۳۴۹ مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۱ هیئت عمومی دیوان گردیده، لذا موضوع آن مختومه بوده و موجبی برای رسیدگی مجدد وجود ندارد و مورد تابع رأی قبلی هیئت عمومی دیوان است و با استناد به تبصره الحاقی به ماده ۲۰ آیین دادرسی دیوان، قرار رد دادخواست صادر و اعلام می‌گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

ابطال بند یک دستورالعمل نحوه اجرای قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۳ مجلس شورای اسلامی

تاریخ: ۸۵/۸/۲۸- شماره دادنامه: ۶۰۳- کلاس پرونده: ۸۳/۴۴

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: خانم افسانه پیروی اسلام

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند یک دستورالعمل نحوه اجرای قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۳ مجلس شورای اسلامی مقدمه:

شاکي به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است: در بند یک دستورالعمل موردشکایت آمده است: «حقوق بازنشستگی یا از کارافتادگی یا وظیفه وراثت برای مستخدمین زن بازنشسته و از کارافتاده که به جهت استفاده از حقوق وظیفه شوهر متوفی از حقوق بازنشستگی یا از کارافتادگی خود انصراف نموده‌اند یا استفاده از حقوق اشتغال، حقوق بازنشستگی و حقوق وظیفه از کارافتادگی، مانع استفاده از حقوق وظیفه وراثت (به میزان سهم آنان) گردیده است، با دادن تقاضای کتبی به مؤسسه متبوع از تاریخ ۱۳۷۹/۱/۱ برقرار می‌شود. درحالی که ماده یک قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی، بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان دولت، مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۳ که در اصلاح ماده ۸۸ برآمده، به صراحت تأکید می‌نماید که «دریافت بیش از یک حقوق بازنشستگی یا حقوق وظیفه یا مستمری یا بازخرید برای ایام واحد خدمت از سازمان‌ها و صندوق‌های مربوط به وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی، شهرداری‌ها و مؤسسات تابعه یا وابسته به آن‌ها و همچنین مؤسسات غیردولتی که بیش از ۲۵ درصد سرمایه یا بودجه سالانه آن‌ها به تشخیص هیئت وزیران از محل درآمد عمومی تأمین می‌شود، ممنوع است.» با توجه به مراتب مذکور و مغایرت بند یک دستورالعمل مورد شکایت با قانون مذکور، ابطال آن مورد تقاضاست.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

با عنایت به ماده یک قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان مصوب ۱۳۷۹ که به موجب آن بندهای ذیل ماده ۸۸ قانون استخدام کشوری حذف و ماده ۸۸ به شرح مندرج در ماده یک قانون مزبور اصلاح شده و دریافت دو حقوق از یک صندوق به واسطه ایام واحد خدمت منع گردیده است، بند یک دستورالعمل مذکور که با عنایت قانون فوق‌الاشعار تنظیم شده است، مغایرتی با قانون ندارد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

ابطال آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی موضوع تصویب نامه ۵۲۳۷۳/ت/۱۵۶۴۹هـ - ۷۷/۸/۱۱ هیئت وزیران

تاریخ: ۸۵/۹/۸ - شماره دادنامه: ۶۴۱ - کلاس پرونده: ۸۵/۲۷۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکا: آقای غلامرضا خواجه ساهوتی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی موضوع تصویب نامه ۵۲۳۷۳/ت/۱۵۶۴۹هـ - ۷۷/۸/۱۱ هیئت وزیران
مقدمه:

پس از ثبت دادخواست به شماره ۳۱۱۵۷ مورخ ۱۳۸۵/۴/۴ و ارجاع پرونده به هیئت عمومی و ثبت آن به کلاس فوق الذکر و پس از انجام تشریفات مقدماتی، پرونده تحت نظر است که با توجه به محتویات پرونده، ختم رسیدگی را اعلام و به استناد تبصره الحاقی به ماده ۲۰ آیین دادرسی دیوان به شرح بین الہلالین «در صورتی که در دادخواست‌های موضوع ماده ۲۵ قانون به دلیل الغاء یا اصلاح مصوبه مورد شکایت از سوی مقام یا مرجع صادر کننده یا صدور رأی قبلی از سوی هیئت عمومی در مورد آن یا استرداد دادخواست و امثال آن، موضوع رسیدگی منتفی باشد، مدیر دفتر موضوع را به رئیس یا معاون دیوان منعکس می کند و با احراز موارد فوق از سوی رئیس یا معاون دیوان قرار رد دادخواست صادر خواهد شد.» به شرح آتی، مبادرت به صدور قرار می نماید:

قرار هیئت عمومی

نظر به این که موضوع شکایت آقای غلامرضا خواجه ساهوتی به خواسته ابطال آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی موضوع تصویب نامه شماره ۵۲۳۷۳/ت/۱۵۶۴۹هـ مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱ هیئت وزیران قبلاً در هیئت عمومی دیوان طرح و مورد رسیدگی قرار گرفته و منتهی به صدور دادنامه شماره ۱۷۸ مورخ ۱۳۸۱/۶/۳ گردیده است. لذا موضوع آن بوده و موجبی برای رسیدگی مجدد وجود ندارد و مورد تابع رأی قبلی هیئت عمومی دیوان است و با استناد به تبصره‌های الحاقی ماده ۲۰ آیین دادرسی دیوان قرار رد دادخواست صادر و اعلام می گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

اعتراض به بازنشستگی پیش از موعد

تاریخ: ۸۵/۱۱/۱۶- شماره دادنامه: ۷۶۶- کلاسه پرونده: ۷۴۷/۸۴

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکای: آقای نادر کمال‌لو

موضوع شکایت و خواسته: اعتراض به بازنشستگی پیش از موعد

مقدمه:

شاکای به شرح دادخواست تقدیمی خصوصاً نامه مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۱۶ اعلام داشته‌اند، مشمول تبصره ۳ مذکور در دادخواست نمی‌شوم و نسبت به تبصره اخیرالذکر اعتراضی نداشته، خواهشمند است در خصوص اعتراض به بازنشستگی پیش از موعد پرونده را به یکی از شعب بدوی دیوان ارجاع فرمایید.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق، با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

نظر به این که شاکای به شرح نامه‌ای که به شماره ۱۴۱۲ مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۱۷ ثبت شده خواسته خود مبنی بر اعتراض به بازنشستگی پیش از موعد تعیین نموده و خواستار رسیدگی به شکایت خود در شعبه دیوان شده است. بنابراین موردی برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیئت عمومی دیوان وجود ندارد و پرونده به شعبه سیزدهم اعاده می‌شود.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری- مقدسی فرد

تغییر و اصلاح قانون بازنشستگی قبل از موعد

تاریخ: ۸۶/۱/۲۶ - شماره دادنامه: ۳۳ - کلاسه پرونده: ۹۴۸/۸۵

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای نصر... زنده

موضوع شکایت و خواسته: تغییر و اصلاح قانون بازنشستگی قبل از موعد

مقدمه:

شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است: این جانب تکنسین مکانیک کارخانجات تولید آسفالت و سنگ شکن سازمان مهندسی و عمران شهر تهران، طی مراجعه به وزارت کار، جهت برخورداری از بازنشستگی قبل از موعد، با ۲۰ سال سابقه خدمت، به لحاظ شرایط سخت و نامناسب کار، متوجه شدم که در لیست عناوینی که قانون گذار دسته بندی نموده، نیستم. با توجه به نوع مشاغل کارخانجات آسفالت خواستار تصحیح قانون مربوطه و تسری آن به مکانیک کارخانه می باشم.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید:

رأی هیئت عمومی

طبق اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۸۵ مقررات و نظامات دولتی از جهات مقرر در قانون قابل اعتراض و رسیدگی در هیئت عمومی دیوان است. نظر به این که اعتراض شاکی نسبت به قانون و تقاضای اصلاح آن از مصادیق مقررات فوق الذکر محسوب نمی شود، بنابراین قابل طرح و رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیئت عمومی دیوان نمی باشد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

ابطال قسمت اخیر مواد ۶ و ۱۶ و ماده ۱۷ آیین‌نامه اصلاحی بیمه و بازنشستگی سردفتران و دفترباران اسناد رسمی، مصوب ۱۳۸۱/۸/۱۲

تاریخ: ۸۶/۲/۹ - شماره دادنامه: ۷۱۰ - کلاس پرونده: ۲۹/۸۳

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای عباس دانش‌یار

موضوع شکایت و خواسته: ابطال قسمت اخیر مواد ۶ و ۱۶ و ماده ۱۷ آیین‌نامه اصلاحی بیمه و بازنشستگی سردفتران و دفترباران اسناد رسمی، مصوب ۱۳۸۱/۸/۱۲ مقدمه:

بهموجب قسمت اخیر ماده ۵۸ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴، کانون سردفتران و دفترباران دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است، از طرف دیگر به‌موجب بند یک ماده‌واحد قانون توزیع حق‌التحریر دفاتر اسناد رسمی، مصوب ۱۳۷۳/۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی، دفاتر اسناد رسمی مکلف‌اند همه ماهه ۱۰ درصد از حق‌التحریر دریافتی را به حساب مربوط به بیمه و بازنشستگی و از کارافتادگی و امور رفاهی سردفتران و دفترباران اسناد رسمی و عائله تحت تکفل آنان را پرداخت نمایند. نحوه پرداخت بیمه و بازنشستگی و حساب مربوطه به‌موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه خواهد رسید. لذا به عرض می‌رساند:

۱- بهموجب قسمت اخیر ماده ۶ آیین‌نامه بیمه و بازنشستگی مصوب ۱۳۸۱/۸/۱۲ حقوق بازنشستگی و مستمري سردفتران و دفترباران بازنشسته و وراث آنان به تصویب سازمان ثبت موکول شده است که سازمان ثبت از لفظ (نحوه پرداخت) در قسمت آخر بند یک ماده‌واحد قانون توزیع حق‌التحریر دفاتر اسناد رسمی، مصوب ۱۳۷۳ استنباط اشتباهی نموده و کلمه (نحوه) را که به معنای راه و روش است، به لفظ (میزان و مقدار) تعبیر نموده و لذا خود را مجاز به تعیین میزان و مبلغ حقوق و بازنشستگی سردفتران و دفترباران دانسته است که این استنباط و درج آن در قسمت اخیر ماده ۶ آیین‌نامه مذکور نه‌تنها مخالف صریح ماده ۵۸ قانون دفاتر اسناد رسمی در خصوص استقلال مالی کانون است، بلکه خارج از اختیارات مطرح در ماده‌واحد قانون توزیع حق‌التحریر دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۷۳ می‌باشد که ضمن آن فقط نحوه پرداخت حقوق بازنشستگی به قوه قضاییه محول شده، نه تعیین میزان آن.

۲- بهموجب قسمت اخیر ماده ۱۶ آیین‌نامه مذکور، بودجه سالانه کانون سردفتران و دفترباران نیز به نظارت و تأیید سازمان ثبت اسناد و املاک کشور محول شده که گذشته از آن که هزینه و درآمد کانون به عهده خود اوست که این مصوبه نیز با استقلال مالی کانون موضوع ماده ۵۸ قانون دفاتر اسناد رسمی خیابان بهشت (ضلع جنوبی پارک شهر) دیوان عدالت اداری، تلفن ۸-۵۶۰۹۰۳۱، مغایر است. در نتیجه اعمال سلیقه سازمان ثبت در تصویب و تعیین بودجه سالانه کانون، مفهوم استقلال مالی کانون را خدشه‌دار ساخته و آن را بی‌اعتبار می‌سازد.

۳- به موجب ماده ۱۷ آیین نامه فوق، رئیس سازمان ثبت برای اداره محاسبات و نظارت بر عملکرد کانون، شخص مطلعی را به کانون مأمور نموده و پرداخت حق الزحمه وی به عهده هیئت مدیره کانون محول شده است. حال آنکه چنین مجوزی برای دخالت و نظارت در کانون سردفتران و دفتریاران در هیچ یک از قوانین و مقررات به سازمان ثبت داده نشده و از طرف دیگر در حالی که اعضای هیئت مدیره کانون تاکنون به صورت افتخاری خدمت نموده و می نمایند و از کانون درآمدی کسب نمی نمایند. چگونه می توانند حقوق مدیر داخلی منصوب سازمان ثبت را از اموال خود بپردازند و چنانچه تعبیر شود که پرداخت حق الزحمه مدیر داخلی مذکور از بودجه کانون سردفتران فرض شده است، کماکان تحصیل چنین هزینه‌ای بر بودجه کانون که اموال شخصی و خصوصی سردفتران و دفتریاران می باشد و دیناری از بودجه دولتی تأمین نمی شود، فاقد وجهت قانونی است و اساساً تعیین ناظر فوق و دخالت سازمان ثبت در فصل ششم قانون دفاتر اسناد رسمی، مصوب ۱۳۵۴ (مواد ۵۸ الی ۶۸) پیش بینی و تجویز نشده است و کانون سردفتران در واقع یک مجموعه صنفی، جهت انجام امور رفاهی سردفتران و دفتریاران و عائله آن ها می باشد. لذا با توجه به عرایض فوق، قسمت اخیر مواد ۶ و ۱۶ و نیز ماده ۱۷ آیین نامه اصلاحی بیمه و بازنشستگی دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۸۱/۸/۱۲ خارج از حدود اختیارات سازمان ثبت و قوه قضاییه و برخلاف قوانین یادشده می باشد، استدعای رسیدگی و لغو آن ها را دارم. مدیر کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۷/۳۸۲۳/۲۲۱۹ مورخ ۱۳۸۳/۵/۱۷ مبادرت به ارسال تصویب نامه شماره ۱/۳۴/۱۳۹۰۲ مورخ ۱۳۸۳/۵/۱۰ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نموده اند. در نامه ریاست سازمان ثبت اسناد و املاک کشور آمده است، استقلال کانون سردفتران و دفتریاران مذکور در ماده ۵۸ صرفاً از جهت بهره‌مندی کانون از شخصیت حقوقی و مالی است که اکنون نیز جریان دارد. اما ماده مذکور در ادامه تأکید نموده، کانون از نظر نظامات تابع وزارت دادگستری (قوه قضاییه) است و چنین استنباط می شود که استقلال یادشده مطلق نیست و به همین لحاظ چگونگی اداره کانون را به موجب مواد ۱۰-۵۶-۵۷-۵۸-۶۱-۶۳-۶۸ و ۷۵ همان قانون و با اختیار تصویب مقررات مربوطه در قالب نظام نامه یا آیین نامه به عهده وزارت دادگستری (قوه قضاییه) محول کرده است. هر چند برخی از موضوعاتی که قانون گذار اختیار تدوین آیین نامه خیابان بهشت (ضلع جنوبی پارک شهر) دیوان عدالت اداری، تلفن ۸-۳۱-۵۶۰۹ مربوطه را به وزارت دادگستری طبق همان مواد فوق الاشاره محول نموده بود، بعداً و ابتدا در قالب قانون تأمین اعتبار جهت اجرای مواد ۱۰، ۱۱، ۵۷ و ۶۸ قانون... مصوب ۱۳۶۷/۲/۱۱ به عنوان ماده واحده با سه تبصره آن صورت قانونی داده و در تبصره یک نیز سازمان ثبت را مأمور اجرای آن نموده و سپس با تصویب ماده واحده قانون توزیع حق التحریر... مصوب ۱۳۷۳/۲/۲۸ مشتمل بر ۴ بند تکلیف بخشی از مقررات مالی کانون را روشن نموده و در بند ۴ آن نیز مقررات مغایر ملغی شده، اما مسئولیت اجرای قانون مذکور که عمدتاً هم بار مالی کانون را دارد، کماکان به عهده سازمان ثبت ثابت ماند.

با این وصف محرز می گردد که تهیه آیین نامه بیمه و بازنشستگی مورد نظر توسط سازمان ثبت و تصویب آن توسط قوه قضاییه که متضمن حق نظارتی دستگاه مسئول است، عین اختیاری می باشد که مقنن در ماده ۵۸ بیان نموده است. ضمن آنکه باید توجه داشت تهیه آن طی جلسات متعدد و با مساعی و معاضدت و در عین حال لحاظ نمودن نظریات اعضای کانون بوده که نهایتاً به تصویب مقام عالی قوه قضاییه رسیده است. در خصوص این اشکال که

استنباط اشتباه از عبارت (نحوه پرداخت) در قسمت آخر ماده ۶ شده، نیز صحیح نیست، زیرا در ماده مذکور مبلغ و میزان مورد نظر شاکی بدو به پیشنهاد کانون تعیین می‌شود و سازمان ثبت به‌عنوان دستگاهی که حق نظارت بر حسن جریان امور کانون را دارد، آن را تصویب می‌نماید. بدیهی است هرچه پیشنهاد موجه‌تر باشد، تصویب آن شفاف‌تر خواهد بود. همین وضعیت بدون دخالت در موضوع استقلال مالی کانون در ماده ۱۶ نیز حاکم و جاری است. ماده ۱۷ استنادی شاکی منطوقاً و مفهوماً در رد دادخواست شاکی و اثبات مراتب دفاعیه فوق بهترین بینه است. زیرا تعیین مدیر داخلی توسط سازمان ثبت و تعیین دستمزد آن توسط کانون به نحو بارزی نشان از اعمال حق نظارتی سازمان مذکور و اعمال اقدامات مستقل مالی در چارچوب استقلال کانون می‌باشد که در آن رعایت گردیده است. این که اعلام شده خدمت اعضای هیئت‌مدیره کانون افتخاری بوده، طبق تشخیص و مصلحت مقنن است. زیرا اولاً هر یک از اعضای مذکور از سردفتران و دفتریاران با سابقه خدمتی طولانی می‌باشند. ثانیاً دفاتر تحت‌تصدی آنان نیز به نوبه خود و به جهت موقعیتی که سردفتر آن پیدا می‌نماید، از حجم کار و تراکم امور جاری بالایی برخوردار می‌شوند. ثالثاً، این خدمت افتخاری از آن مواردی است که برای انتخاب ۷ نفر اعضای آن چندین ده نفر نامزد می‌شوند! رابعاً به جهت اکتسابی اختیاراتی که از قبل این مسئولیت تحصیل می‌نمایند، اساساً دیگری نیازی به دریافت دستمزد علی‌حده را به صلاح ندانسته است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

مطابق بند یک ماده واحده قانون توزیع حق‌التحریر دفاتر اسناد رسمی، به‌منظور تأمین وجوه لازم، جهت اجرای مواد ۱۰، ۱۱، ۵۷ و ۶۸ قانون دفاتر اسناد رسمی، دفاتر اسناد رسمی مکلفاند همه ماهه، ده درصد از حق‌التحریر دریافتی را به حساب مربوط به بیمه و بازنشستگی و از کارافتادگی و امور رفاهی و درمانی سردفتران و دفتریاران دفاتر اسناد رسمی و عائله تحت‌تکفل آنان پرداخت نمایند. نحوه پرداخت و بیمه و بازنشستگی و حساب مربوطه، به‌موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کل کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه خواهد رسید. نظر به مراتب فوق‌الذکر و عنایت به وظایف و مسئولیت‌های قانونی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در زمینه نظارت و کنترل دفاتر اسناد رسمی و تصویب مقررات مربوط به رفاه و تمشیت امور سردفتران و دفتریاران از حیث بیمه و خدمات درمانی و بازنشستگی و مستمری از کارافتادگی، به‌ویژه این که حکم مقنن در باب نحوه پرداخت و بیمه و بازنشستگی و حساب مربوط مفهوم جواز تعیین تکلیف نسبت به امور مزبور از جمله تعیین میزان و ارقام مربوط به مسائل فوق‌الذکر است، بنابراین مواد ۶ و ۱۶ و ۱۷ آیین‌نامه بیمه و بازنشستگی سردفتران و دفتریاران اسناد رسمی که مورد اعتراض واقع شده است، مغایرتی با قانون ندارد و خارج از حدود اختیارات قوه قضاییه در وضع مقررات مزبور نمی‌باشد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

ابطال ماده ۸ اصلاحی آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی

تاریخ: ۸۶/۲/۲۶ - شماره دادنامه: ۱۱۹ - کلاس پرونده: ۸۵۵/۸۵

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکا: آقای محسن نیکویی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۸ اصلاحی آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی

مقدمه: پس از ثبت دادخواست به شماره ۱۰۰۵۲۶ مورخ ۸۵/۱۰/۲۶ و ارجاع پرونده به هیئت عمومی و ثبت آن به کلاس فوق الذکر و پس از انجام تشریفات مقدماتی، پرونده تحت نظر است که با توجه به محتویات پرونده، ختم رسیدگی را اعلام و به استناد ماده ۳۹ قانون دیوان عدالت اداری به شرح بین‌الهلالین «در مواردی که به تشخیص رئیس دیوان، رسیدگی به درخواست ابطال مصوبه موضوعاً منتفی باشد، مانند موارد استرداد درخواست از سوی متقاضی یا وجود رأی قبلی دیوان در مورد مصوبه، رئیس دیوان قرار رد درخواست را صادر می‌کند. این قرار قطعی است.» به شرح آتی، مبادرت به صدور قرار می‌نماید:

قرار هیئت عمومی

نظر به این که موضوع شکایت آقای محسن نیکویی به خواسته ابطال ماده ۸ اصلاحی آیین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی، قبلاً در هیئت عمومی دیوان طرح و مورد رسیدگی قرار گرفته و منتهی به صدور دادنامه‌های ۳۱۵-۱۱/۱۲/۱۳۷۵ و ۱۳۲-۱۳۸۲/۴/۱۰ و ۱۰-۱۸/۱/۱۳۸۱ گردیده است، لذا موضوع آن مختومه بوده و موجبی برای رسیدگی مجدد وجود ندارد و مورد تابع رأی قبلی هیئت عمومی دیوان است و با استناد به ماده ۳۹ قانون دیوان عدالت اداری قرار رد دادخواست صادر و اعلام می‌گردد.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - علی رازینی

ابطال بند ۳ الحاقیه مقررات باز خریدی - بازنشستگی مشمول بند (ب) مصوبه شماره ۱۳۳۳ مورخ ۸۱/۳/۲۱ شرکت ملی نفت ایران

تاریخ: ۸۶/۲/۲۶ - شماره دادنامه: ۱۲۱ - کلاس پرونده: ۷۶۴/۸۴

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکا: آقای مصطفی صادقی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۳ الحاقیه مقررات باز خریدی - بازنشستگی مشمول بند (ب) مصوبه شماره ۱۳۳۳ مورخ ۸۱/۳/۲۱ شرکت ملی نفت ایران

مقدمه: پس از ثبت دادخواست به شماره ۷۶۲۴۳ مورخ ۸۴/۹/۲۷ و ارجاع پرونده به هیئت عمومی و ثبت آن به کلاس فوق الذکر و پس از انجام تشریفات مقدماتی، پرونده تحت نظر است که با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به استناد ماده ۳۹ قانون دیوان عدالت اداری به شرح بین‌الهلالین «در مواردی که به تشخیص رئیس دیوان، رسیدگی به درخواست ابطال مصوبه موضوعاً منتفی باشد، مانند موارد استرداد درخواست از سوی متقاضی یا وجود رأی قبلی دیوان در مورد مصوبه، رئیس دیوان قرار رد درخواست را صادر می‌کند. این قرار قطعی است.» به شرح آتی، مبادرت به صدور قرار می‌نماید:

قرار هیئت عمومی

چون شاکا آقای مصطفی صادقی طی نامه تقدیمی که با شماره ۱۴۷۴ مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۳۰ ثبت دفتر هیئت عمومی شده نسبت به قسمت اول خواسته اعلام انصراف نموده و خواستار مختومه شدن پرونده در این قسمت و ارجاع به شعبه دیوان جهت رسیدگی موردی شده‌اند، لذا موجبی برای ادامه رسیدگی وجود ندارد و با استناد به ماده ۳۹ قانون دیوان عدالت اداری قرار رد دادخواست صادر و اعلام می‌گردد و پرونده جهت رسیدگی موردی به شعبه سیزدهم دیوان اعاده می‌شود.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - علی رازینی

ابطال ماده ۲ و ۳ و تبصره‌های یک، ۲ و ۳ ماده ۳ از آیین‌نامه تبصره ۳ ماده واحد قانون نقل و انتقال حق بیمه و بازنشستگی

تاریخ: ۴۱۳۸۶/۱۷ - شماره دادنامه: ۲۴۵ - کلاس پرونده: ۲۷۸/۸۴

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای محمدرضا زمزمه

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۲ و ۳ و تبصره‌های یک، ۲ و ۳ ماده ۳ از آیین‌نامه تبصره ۳ ماده واحد قانون نقل و انتقال حق بیمه و بازنشستگی

مقدمه:

الف: شاکي به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است: حق بیمه کسورات بازنشستگی سوابق خدمت به اصطلاح دولتی خواهان، به علاوه مابه‌التفاوت پرداختی به صندوق دولت (قبل از تصویب ماده واحد) و همچنین عیناً به مأخذ ماده واحد قانون نقل و انتقال بازنشستگی از صندوق کارکنان بانک‌ها به صندوق تأمین اجتماعی منتقل گردیده است. با توجه به ماهیت کسورات انتقالی، به موجب ماده ۶ آیین‌نامه موصوف، گرچه از بابت این گونه سوابق مابه‌التفاوتی وصول نخواهد شد، مع هذا عاملان اجرایی، اعم از دولتی یا غیردولتی، متأثر از ماده ۳ آیین‌نامه، نه در تعقیب تبصره ۳ ماده واحد قانون به معنی واقعی آن، از بیمه‌شدگان به شرح زیر مطالبه مابه‌التفاوت سهم بازنشستگی می‌نماید:

۱- نفی اصل کسورات انتقالی (جمع کل: به ماه‌های ادوار ۱۳۴۸-۱۳۶۴-۱۳۷۴، ۱۰ ریال) که با اعمال آن مبانی محاسبه و توابع آن حذف و محاسبه میزان مابه‌التفاوت بر اساس آنکه مدنظر ماده واحد قانون می‌باشد، میسر نیست. لذا لازم است مبنا و توابع جدید و جعلی در محاسبات جایگزین آن شود که عبارت است از اعمال ماده ۳ آیین‌نامه و تباصر آن به شرح بند ذیل.

۲- اخذ مجوز ۱۸ درصد نرخ بیمه سهم بازنشستگی (۷ درصد سهم شخص + ۱۱ درصد سهم کارفرما) به تعداد ماه‌های ادوار سنوات انتقالی بر مبنای اولین حقوق و مزایای ماهانه در محل خدمت جدید (۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال) یا آخرین حقوق قبل از تقاضای بازنشستگی در محل جدید (۷۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال) مجموعاً از شخص (مستخدم) یا وارثین بعد از فوت او با نام مستعار مابه‌التفاوت سهم بازنشستگی. اولاً با مقایسه عدم تناسب بند (الف) و (ب) از هر حیث و هر لحاظ، تعریف و معنی واقعی مابه‌التفاوت، به‌طور عام و به‌طور خاص، در ماده واحد قانون و تبصره ۳ آن نبوده و هدف مقنن نیز نمی‌باشد و عاملان اجرای آیین‌نامه موصوف خود نیز کتباً (در کتاب راهنمای مقررات تأمین اجتماعی، چاپ سوم سال ۱۳۷۶ قبل از تولد الحاقیه آن) با طرح دو مثال فرضی به بند (الف) و (ب) فوق‌الذکر و روش محاسبه حل مسئله در جهت شفاف‌سازی، صراحتاً معترف و اذعان دارند. ثانیاً گرچه تبصره ۳ ماده واحد قانون وصول اخذ مابه‌التفاوت متعلق سهم بازنشستگی را از شخص (مستخدم) مجاز دانسته، لیکن مخالفت

صریح با ماده ۱۸۳ قانون کار و ماده ۲۸ و ۳۶ قانون تأمین اجتماعی دارد، به این معنی که شخص بیمه شده به صورت همگانی بیمه اجباری شده است، نه اختیاری یا خویش فرما و به تبع این و آن اگر چنانچه مابه‌التفاوتی هم نسبت به اصل به موازین قانون و مقررات مربوط، ملحوظ و محرز و تعلق پذیر مسئولین پرداخت مکلفین آن در قانون می‌باشند. لذا تزریق و تجویز مسئولیت تکالیف کارفرمایان و صندوق‌های بازنشستگی، اعم از دولتی یا غیردولتی، به شخص بیمه شده (مستخدم)، به منزله نفی قوانین مربوط و حاکمیت مطلق آیین‌نامه که صندوق‌های مذکور طراحان اصلی و پیشنهاددهندگان به آیین‌نامه موصوف می‌باشند. مضافاً این که، درحالی که تأخیر کارفرمایان در پرداخت حق بیمه یا عدم پرداخت اصل و فرع آن، رافع مسئولیت سازمان یا صندوق‌های بازنشستگی در مقابل بیمه شده نخواهد بود، متأسفانه آیین‌نامه موصوف با ماده ۱۰ خود خلاف این را ثابت می‌کند که عن‌قرب دادخواست جداگانه در این مورد تسلیم دیوان محترم خواهد گردید.

ب: شاکی به شرح لایحه تکمیلی اعلام داشته‌اند: با اشاره به متن ماده ۲ خواسته که در تعیین وجوه قابل انتقال و مابه‌التفاوت متعلقه به مشمولین همان ماده، مقررات آیین‌نامه (ماده ۳، ۱-۳) مجری خواهد بود. اولاً: ماده واحده قانون، میزان و مبانی محاسبه و نحوه انتقال کسورات حق بیمه سهم بازنشستگی را برای مشمولین قبل از تصویب ماده واحده قانون و بعد از تصویب آن تکلیف و مقرر نموده است. لذا دیگر نیازی به اجازه آیین‌نامه نبوده و اصولاً در صلاحیت و وظایف و اختیارات او نمی‌باشد. ثانیاً: مابه‌التفاوت متعلقه برای آن دسته از مشمولین تأمین اجتماعی و مشابه (غیردولتی) بر مبنای تبصره ۳ ماده واحده قانون می‌باشد که آیین‌نامه تمایزی قائل نیست و در صورت دولتی (کشوری) و غیردولتی بودن اجرا و اعمال می‌نماید. بنابه مراتب مورد، تقاضای رسیدگی و ابطال موارد شکایت را دارد.

مشاور معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری در پاسخ به شکایات مذکور مبادرت به ارسال تصویر نظریه شماره ۱۶۰۴/۱۰۵۹۰۶ مورخ ۸۴/۶/۲۸ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی نموده‌اند. در این نامه آمده است: در تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب ۶۵/۳/۲۷ مجلس شورای اسلامی، به انتقال حق بیمه مربوط به سهم بازنشستگی آن دسته از مشمولین قانون تأمین اجتماعی و صندوق‌های مشابه (که به مأخذ مذکور در ماده واحده از سایر صندوق‌های بازنشستگی دریافت گردیده) از صندوق‌های بازنشستگی قبلی به صندوق‌های بازنشستگی جدید و همچنین اخذ مابه‌التفاوت از مستخدمین ذی‌نفع اشاره شده و در قسمت اخیر تبصره فوق تجویز گردیده. میزان و نحوه اخذ سهم بازنشستگی مزبور بر اساس آیین‌نامه‌ای است که به تصویب هیئت محترم وزیران می‌رسد. بنا به مراتب فوق و با توجه به این که شاکی در دادخواست تنظیمی صرفاً کلی‌گوئی نموده و مشخصاً در مورد این که مفاد آیین‌نامه پیش گفته با کدام قسمت از قانون مربوطه مغایرت دارد، مطلبی ننوشته. لذا شکایت ایشان مردود است که بدین ترتیب به مفاد آیین‌نامه یادشده اشکالی وارد نیست.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

الف: اعتراض به تبصره‌های ۱، ۲ و ۳ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه و بازنشستگی قبلاً مورد رسیدگی قرار گرفته و به شرح دادنامه شماره ۱۷۸ مورخ ۱۳۸۱/۶/۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، مغایر قانون شناخته نشده است. بنابراین موردی برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم مجدد در خصوص اعتراض شاکی نسبت به تبصره‌های مزبور وجود ندارد و شکایت وی مشمول مدلول دادنامه فوق‌الذکر است.

ب: طبق تبصره یک ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه و بازنشستگی مصوب ۱۳۶۵، انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی اشخاصی که از قبل از تصویب این قانون، به موجب قوانین مربوط، حق بیمه، یا کسور بازنشستگی آنان از یک صندوق بازنشستگی به صندوق بازنشستگی دیگر منتقل شده است، مشمول مقررات این قانون نخواهد بود. نظر به حکم مقنن و مفهوم مخالف، مدلول ماده ۲ آیین‌نامه مورد اعتراض موضوع شمول قانون فوق‌الذکر به مواردی که حق بیمه یا کسور بازنشستگی طبق قانون از ۱۳۶۵/۳/۲۷ از یک صندوق بازنشستگی به صندوق بازنشستگی دیگر منتقل شده است، در حدی که مفهوم این معنی است، موافق قانون فوق‌الذکر است و مغایرتی با قانون ندارد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

ابطال بخشنامه مربوط به طرح بازنشستگی و باز خریدی

تاریخ: ۱۳۸۶/۴/۲۴ - شماره دادنامه: ۲۷۸ - کلاسه پرونده: ۲۸۹/۸۵

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکا: آقایان ۱- علی حسین زینوندمقدم، ۲- محمود رضایی، ۳- یاور کرمی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه مربوط به طرح بازنشستگی و باز خریدی

مقدمه:

شکات به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته‌اند: به شرح بخشنامه صادره سازمان، خوانده در مقام اجرای نظریات خویش در باب بازنشستگی و باز خریدی تعدادی از پرسنل موظف و شاغل مواردی را تفصیلاً مقرر داشته و از آن جمله در بند ۶ بخشنامه مذکور تأکید گردیده و در صورت درخواست بازنشستگی به پنج سال سنوات ارفاقی با تأکید کمیسیون رهایی صنعت منظور خواهد شد. لیکن در عمل مورد اخیر برابر دلایل منظمی، از جمله قبوض دریافتی تعدادی از پرسنل، اعمال نگردیده و ملحوظ نظر قرار نگرفته است.

مضافاً مستنبط از مندرجات بخشنامه صادره این است که باز خرید و بازنشستگی در ارتش جمهوری اسلامی ایران و واحدهای تابعه من حیث المجموع با رعایت ضوابط مقرر در قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی امکان پذیر خواهد بود و صدور بخشنامه خارج از مقررات مدون مجوز اعمال نظریات موصوف نبوده و نیست و در این خصوص نیز اصل ۱۷۰ قانون اساسی ناطق که قضات محترم دادگاهها از اجرای تصویب نامه و آیین نامه دولتی که مخالف قوانین و مقررات و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است، خودداری خواهند نمود و هر کس می تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری درخواست نماید.

با توضیح فوق و با اشاره به این امر که مندرجات بخشنامه صدرالاشعار با قوانین موضوعه و ضوابط حاکم انطباق ندارد و متضمن تضییع حق مسلم و مشروع موکلین است که تعداد کثیری می باشند، به علاوه به شرح گردش کار و در نظر داشتن روند اقدامات انجام یافته اصولاً در صدور احکام و ابلاغات صادره، بند ۶ نیز اعمال نگردیده و از احتساب سنوات ارفاقی خودداری گردیده است، با تقدیم دادخواست و این که وضع مقرراتی در بخشنامه که از اختیارات خاص قوه مقننه است و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است و اعمال بخشنامه که حتی در عمل نیز اجرا نگردید و موجب تضییع تعداد کثیری از موکلین گردیده، فلذا از هیئت عمومی دیوان عدالت اداری درخواست ابطال بخشنامه مزبور و امحاء اثرات آن را خواستاریم.

مدیرکل قراردادهای و دعاوی داخلی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح طی نامه شماره ۳۵/۱۵/۱۴۰/۱۳۶۰/۱۳۶۰/۴/۲۴ مورخ ۸۵/۶/۶ اعلام داشته: بخشنامه مورد شکایت، راجع به بازنشستگی و باز خریدی، مستند به مواد ۱۲۷ و ۱۴۰ یا مواد ۱۱۴ و ۱۲۴ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه صادر گردیده است و کاملاً منطبق با قوانین و مقررات جاری می باشد و در ضمن هیچ گونه اجبار و الزامی از طرف سازمان نسبت به بازنشستگی کارکنانی که به موجب بخشنامه اشاره شده بازنشسته یا باز خرید شده‌اند، صورت نگرفته، بلکه کلیه افرادی که طبق بخشنامه مذکور بازنشسته یا باز خرید

گردیده‌اند، به‌طور داوطلبانه و با درخواست شخصی بوده است. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

مطابق اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۸۵ تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و سایر مقررات دولتی، از جهات مذکور در قانون قابل اعتراض و رسیدگی در هیئت عمومی دیوان است. نظر به این که بخشنامه مورد اعتراض متضمن قاعده عام و کلی نیست و از طرف شاکیان نیز مغایرت آن با قانون خاصی اعلام نشده است، بنابراین مورد از مصادیق بند یک ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری به‌شمار نمی‌رود و موردی برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم در قلمرو ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ وجود ندارد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

لغو دستورالعمل شماره ۵۰۱۵ مورخ ۷۹/۱/۷ سازمان تأمین اجتماعی در مورد تأخیر دهساله در ایام بازنشستگی

شماره دادنامه: ۵۰۱- کلاسه پرونده: ۸۷۲/۸۴

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکای: آقای محمد هادی

موضوع شکایت و خواسته: لغو دستورالعمل شماره ۵۰۱۵ مورخ ۷۹/۱/۷ سازمان تأمین اجتماعی در مورد تأخیر دهساله در ایام بازنشستگی مقدمه:

شاکای به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است: این جانب متولد ۱۳۱۰/۳/۲۹، با داشتن شغل پزشک عمومی، به موجب بیمه نامه مورخ ۱۳۷۹/۶/۱۳ در بیمه اجتماعی شعبه اول کرمانشاه، برای مدت ۱۰ سال بیمه شده‌ام و با توجه به سنم می‌بایستی پس از ۱۰ سال از تاریخ قرارداد بازنشسته شوم. اکنون با مراجعه به اداره بیمه اجتماعی اظهار می‌دارند، طبق دستورالعمل شماره ۵۰۱۵ مورخ ۷۹/۱/۷ از تاریخ تنظیم قرارداد، پس از ۲۰ سال بازنشسته خواهید شد. با توجه به این که مقررات عطف به ماسبق نمی‌شوند، تقاضای رسیدگی و ابطال دستورالعمل مذکور را دارم. مدیر کل دفتر امور حقوقی و دعاوی سازمان تأمین اجتماعی در پاسخ به شکایت مذکور، طی نامه شماره ۷۱۰۰/۱۲۴۹۶ مورخ ۱۳۸۶/۴/۲۰ به اختصار اعلام داشته‌اند، دستورالعمل مورد شکایت موجبات تحت پوشش قرار گرفتن شاکای را فراهم نموده است و طرح دعوی به ضرر خود محسوب می‌گردد. همچنین با عنایت به این که خواسته شاکای دائر بر ابطال بخشنامه یادشده مستند به هیچ دلیل قانونی و منطقی نمی‌باشد، رد شکایت مطروحه مورد استدعا است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

طبق قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری، تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌ها و سایر مقررات دولتی از جهت مغایرت با احکام شرع یا قانون یا خارج بودن از حدود اختیارات قوه مجریه، قابل اعتراض و رسیدگی در هیئت عمومی دیوان است. نظر به این که اعتراض شاکای متضمن تحقق و اجتماع شرایط و اعلام جهات فوق‌الذکر نیست، بنابراین قابل رسیدگی و امعان نظر در هیئت عمومی دیوان نمی‌باشد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری- مقدسی فرد

ابطال ماده ۱۲، قسمتی از ماده ۶، شق ۲ بند الف و بند ب ماده یک آیین نامه بیمه و بازنشستگی سردفتران و دفتریاران اسناد رسمی مصوب ۱۳۸۱

تاریخ: ۱۳۸۶/۸/۲۰ - شماره دادنامه: ۷۰۳- کلاسه پرونده: ۵۹۴/۸۲

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای مسعود علاقه‌بندان

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۱۲، قسمتی از ماده ۶، شق ۲ بند الف و بند ب ماده یک آیین نامه بیمه و بازنشستگی سردفتران و دفتریاران اسناد رسمی مصوب ۱۳۸۱ مقدمه:

شاکي به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است: به موجب قسمت اخیر ماده ۵۸ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴ کانون سردفتران دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است. از طرف دیگر وفق بند یک ماده واحده قانون توزیع حق التحریر دفاتر اسناد رسمی مصوب ۷۳/۲/۲۸ سردفتران اسناد رسمی همه ماهه ۱۰ درصد از حق التحریر خود را جهت بیمه و بازنشستگی و از کارافتادگی و امور رفاهی و درمانی سردفتران و دفتریاران دفاتر اسناد رسمی و عائله تحت تکفل آنان به حساب کانون سردفتران و دفتریاران واریز می نماید. لذا موجودی صندوق بیمه و بازنشستگی از وجوه عمومی تشکیل نشده و صندوق خصوصی محسوب می شود. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در شق ۲ بند (الف) و نیز بند (ب) ماده یک آیین نامه اصلاحی بیمه و بازنشستگی سردفتران و دفتریاران مصوب آبان ماه ۱۳۸۲، جهت حساب های بیمه و تعاون، کانون سردفتران و دفتریاران را مکلف نموده تا در بانک ملی ایران افتتاح حساب نمایند. حال آنکه کانون دارای استقلال مالی است و تشخیص بانک مورد نظر با هیئت مدیره و صلاح دید مسئولین کانون می باشد و ماده ۵۶ قانون دفاتر اسناد رسمی، ناظر بر سپرده های ثابت کانون است و در خصوص حساب های جاری و کوتاه مدت و غیره هیچ گونه احصائی صورت نگرفته است. لذا الزام مندرج در آیین نامه مذکور، خارج از حدود اختیارات سازمان ثبت و برخلاف نص صریح ماده ۵۸ قانون دفاتر اسناد رسمی مبنی بر استقلال مالی کانون سردفتران و دفتریاران است. در شق یک بند (الف) ماده یک آیین نامه مذکور، موارد مشمول احصاء شده است، بیمه بیکاری و کمک هزینه از موارد تعریف و احصاء شده نمی باشد. حال آنکه در ماده ۱۲ آیین نامه مذکور، کانون سردفتران و دفتریاران مکلف به پرداخت بیمه بیکاری و کمک هزینه (فقط به دفتریاران) شده و چون موجودی صندوق بیمه و بازنشستگی متعلق به کلیه سردفتران و دفتریاران است، تحمیل هزینه به صندوق مذکور برخلاف صلاح دید سردفتران و دفتریاران و مغایر ماده ۱ آیین نامه مذکور و خارج از حدود اختیارات قانونی سازمان ثبت می باشد. در ماده ۶ آیین نامه تنظیمی، میزان حقوق بازنشستگی توسط سازمان ثبت تعیین شده در حالی که، وفق قسمت اخیر بند یک ماده واحده قانون توزیع حق التحریر فقط نحوه پرداخت و بیمه و بازنشستگی به آیین نامه محول شده و میزان آن منوط به موجودی صندوق و تصمیم هیئت مدیره کانون می باشد. لذا با توجه به خصوصی بودن صندوق بیمه و بازنشستگی سردفتران و دفتریاران تعیین میزان آن توسط سازمان ثبت برخلاف مصوب مقنن است. لذا تقاضای ابطال مواد فوق الذکر را دارم.

مدیرکل دفتر حقوقی و امور بین الملل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در پاسخ به شکایت فوق طی نامه شماره ۱۱/۵۵۴۳ مورخ ۸۲/۱۰/۸ مبادرت به ارسال تصویب نامه شماره ۹۹۱۹/۳۴ مورخ ۸۲/۹/۲ اداره کل امور اسناد و سردفتران نموده. در این نامه آمده است: با توجه به این که برابر ماده ۵۶ قانون دفاتر اسناد رسمی، کانون سردفتران مکلف گردیده موجودی حساب حق بیمه سردفتران و دفتریاران را به مصرف خرید اوراق قرضه یا اسناد خزانه رسانده یا در بانک ملی به حساب سود سپرده ثابت بگذارد. لذا تکلیف مذکور صراحتاً در ماده ۵۶ قانون دفاتر اسناد رسمی کانون سردفتران قید گردیده است.

در بند دوم با توجه به این که بندهای ۱ و ۲ ماده ۱ آیین نامه موارد مصرف حساب بیمه را صراحتاً احصاء نموده است. لذا مورد قیدشده در ماده ۱۲ آیین نامه موردنظر از شمول موارد احصائی خارج می باشد. با توجه به این که ماده ۱۰ قانون دفاتر اسناد رسمی نحوه استفاده سردفتران و دفتریاران اول از مزایای بازنشستگی را به آیین نامه موضوع ماده ۶۸ آن قانون محول نموده که ماده ۶۸ مذکور نیز با تصویب قانون توزیع حق التحریر دفاتر اسناد رسمی موضوع ماده ۵۴ قانون دفاتر اسناد رسمی اصلاح و در ضمن قانون مذکور پیش بینی گردیده که نحوه پرداخت بیمه بازنشستگی و حساب مربوطه به موجب آیین نامه ای خواهد بود که از طرف سازمان ثبت تهیه می گردد. لذا تعیین میزان حقوق بازنشستگی در آیین نامه مورد شکایت که وفق ماده ۱۰ قانون فوق الذکر اختیار تعیین آن به آیین نامه محول گردیده است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید:

رأی هیئت عمومی

طبق ماده یک قانون توزیع حق التحریر دفاتر اسناد رسمی موضوع ماده ۵۴ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴ مصوب ۱۳۷۳ به منظور تأمین وجوه لازم جهت اجرای مواد ۱۰، ۱۱، ۵۷ و ۶۸ قانون دفاتر اسناد رسمی، دفاتر اسناد رسمی مکلفاند همه ماهه ۱۰ درصد از حق التحریر دریافتی را به حساب مربوط به بیمه بازنشستگی و از کارافتادگی و امور رفاهی و درمانی سردفتران و دفتریاران دفاتر اسناد رسمی و عائله تحت تکفل آنان پرداخت نمایند. نحوه پرداخت بیمه و بازنشستگی و حساب مربوط به موجب آیین نامه ای خواهد بود که از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید. نظر به این که مقررات مورد اعتراض از آیین نامه مورد شکایت در جهت تحقق هدف و حکم مقنن تهیه و تصویب شده است، بنابراین مغایرتی با قانون ندارد و خارج از حدود اختیارات قانونی مربوط نیز نمی باشد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

ابطال بند ۴ دستورالعمل نحوه اجرای قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان، مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۳

تاریخ: ۱۳۸۶/۱۰/۲ - شماره دادنامه: ۱۱۲۴ - کلاسه پرونده: ۱۷۸/۸۶

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: خانم حمیده جلیلی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۴ دستورالعمل نحوه اجرای قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان، مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۳

مقدمه: شاکي به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، آموزش و پرورش قروه با استناد به بند ۴ دستورالعمل نحوه اجرای قانون اصلاح، پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی، بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۳ مجلس شورای اسلامی از تاریخ ۱۳۸۴/۱/۱ حقوق و مزایا و مستمری همسر سابق فرزندم، شاغل در آموزش و پرورش که در سال ۱۳۷۳ فوت کرده است را علیرغم ازدواج مجدد مشارالیه و امتناع او از حضانت صغار متوفی برقرار کرده است و این در حالی است که طبق ماده ۳ قانون اصلاح، پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی، بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان مصوب ۱۳۷۹ دولت موظف شده است که کمک‌هزینه عائله‌مندی همسران کارکنان شاغل را در صورت فوت آن‌ها به همسر دائم‌شان بپردازد. درحالی‌که، مقررۀ موجود در بند ۴ دستورالعمل با ماده ۳ قانون مذکور به دلیل پیش‌بینی موارد اضافه و مخارج از حدود قانونی در تعارض است و ماده ۳ قانون مزبور برقراری کمک‌هزینه عائله‌مندی را در صورت ازدواج مجدد پیش‌بینی نکرده است. درحالی‌که دستورالعمل موصوف من غیر حق نه تنها هزینه عائله‌مندی، بلکه حقوق وظیفه را هم پیش‌بینی کرده است که امری خلاف نص قانون مذکور است.

مدیر آموزش و پرورش شهرستان قروه در پاسخ به شکایت فوق طی نامه شماره ۱۴۰۷۹/۲۵۰/۵۸۲۰۰ مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۵ اعلام داشته‌اند: موضوع قطع حقوق وظیفه همسر مستخدم متوفی در اجرای قسمت ذیل تبصره یک ماده‌واحدۀ قانون اصلاح ماده ۹ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت به شماره ۷۲۵/ق مورخ ۱۳۸۰/۲/۲۴ که اعلام می‌دارد در صورت ازدواج همسر مستخدم متوفی از تاریخ تصویب (۱۳۸۰/۲/۲۴ به بعد) حقوق وظیفه قطع می‌گردد. بنابراین در مورد کسانی که قبلاً ازدواج نموده‌اند، از ۱۳۷۹/۱/۱ تا ۱۳۸۰/۲/۲۴ همسر آن‌ها فوت شده، در اجرای بند ۴ دستورالعمل مربوطه و بخشنامه ۷۱۰/۵۰-۱۳۸۰/۹/۲۱ منضم به قانون ۷۲۵-۱۳۸۰/۲/۲۴ مجلس شورای اسلامی می‌باشد و عطف به ماسبق نمی‌شود. مدیرکل معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری در پاسخ به شکایت مذکور، طی نامه شماره ۱۶۰/۸۸۴۲ مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۲ اعلام داشته‌اند: با توجه به مفاد ماده ۴ قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی، بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۳ مجلس شورای اسلامی که عبارت «در بند (ت) ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری عبارت بعد از (عیال) دائمی متوفی» حذف می‌گردد. بنابراین قانون‌گذار شرط ازدواج مجدد را از ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری جهت همسران مستخدمین

متوفی حذف نموده است و مقنن قصد حمایت از آن دسته از زنانی که پس از فوت همسر خود اقدام به ازدواج دائم مجدد می‌نمایند، داشته است و بند ۴ بخشنامه شماره ۱۰۵/۲۷۷۶ مورخ ۱۳۷۹/۶/۲۸ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور سابق موضوع دستورالعمل نحوه اجرای قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات بازنشستگی، بانوان شاغل خانواده‌ها و سایر کارکنان در همین راستا تهیه و به تأیید رسیده است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث‌ویررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

مطابق بند (ت) ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری، عیال دائمی متوفی تا زمانی که شوهر اختیار نکرده در زمره وراث قانونی، ذی‌حق به دریافت حقوق وظیفه شناخته شده بود. لیکن حسب ماده ۴ قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی، بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان مصوب ۱۳۷۹ عبارت «تا زمانی که شوهر اختیار نکرده باشد» از متن بند (ت) ماده فوق‌الذکر حذف شده و در نتیجه همسر مستخدم متوفی پس از ازدواج از تاریخ ۱۳۷۹/۱/۱ ذی‌حق به دریافت حقوق وظیفه سهم خود اعلام شده است.

بنابراین بند ۴ دستورالعمل نحوه اجرای قانون اخیرالذکر که مبین هدف و حکم مقنن است، مغایرتی با قانون ندارد و خارج از حدود اختیارات سازمان مذکور نمی‌باشد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

رأی شماره ۱۱۳۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص بازنشستگی پیش از موعد

شماره: هـ/۴۰۴/۸۶ - ۱۳۸۷/۲/۲۹

تاریخ: ۱۳۸۶/۱۰/۲ - شماره دادنامه: ۱۱۳۶ - کلاس پرونده: ۴۰۴/۸۶

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای محمدرضا الهیان

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب اول و پنجم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: ۱- شعبه ۲۹ دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس ۴۱۶/۸۴ موضوع شکایت محمدرضا الهیان به طرفیت شرکت ملی فولاد ایران به خواسته اعتراض به بازنشستگی پیش از موعد بدون دلیل قانع کننده و بازگشت به کار، به شرح دادنامه شماره ۸۱۶ مورخ ۱۳۸۴/۵/۸ چنین رأی صادر نموده است: نظر به این که اقدام طرف شکایت، به استناد مصوبه هیئت وزیران (ماده ۱۰۸ آن) بوده، بنابراین بدو شاکی می بایست نسبت به ابطال مصوبه استنادی از طریق مراجع ذیصلاح اقدام نماید و در وضعیت فعلی شکایت مطروحه قابلیت استماع ندارد و به رد آن اظهار نظر می گردد.

۲- شعبه ۵ تجدیدنظر دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۰۳۳/۸۴ موضوع تقاضای تجدیدنظرخواهی محمدرضا الهیان نسبت به دادنامه شماره ۸۱۶ مورخ ۱۳۸۴/۵/۸ شعبه ۲۹ به شرح دادنامه ۲۸۱ مورخ ۱۳۸۵/۳/۲۲ با رد تجدیدنظرخواهی دادنامه بدوی را تأیید و استوار نموده است.

ب: ۱- شعبه ۱۹ دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس ۹۵/۸۳ موضوع شکایت جواد تشکری بافقی به طرفیت شرکت سنگ آهن مرکزی ایران بافقی به خواسته ابطال و لغو حکم بازنشستگی پیش از موعد به شرح دادنامه ۲۶۵۷ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۸ چنین رأی صادر نموده است: با مذاقه در متن ذیل ماده ۱۰۸ آیین نامه استخدامی شرکت که مقرر نموده، «همچنین واحد اصلی می تواند مستخدمانی را که حداقل دارای ۲۰ سال سابقه خدمت معتبر باشند، بازنشسته نماید» و با توجه به بند یک صورت جلسه هیئت مدیره به تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۵ مبنی بر عدم نیاز به خدمات شاکی (صرف نظر از صحت و سقم آن) اقدام شرکت ناشی از حدود اختیارات قانونی بوده است و قصور شاکی راجع به قیود و شرایط مذکور در صدر ماده ۱۰۸ تصویب نامه هیئت وزیران (آیین نامه) و تسری آن به مورد مربوط به خود، اساس مبنایی ندارد؛ چون شرایط مذکور در مورد کسانی می باشد که بخواهند بعد از رسیدن به سن بازنشستگی، به خدمت ادامه دهند. بنا به مراتب و نظر به این که سابقه خدمت شاکی که بیش از ۲۰ سال می باشد، تخلف و تحطی و نقض مقررات ملاحظه و مشاهده نمی گردد. لذا رأی به رد شکایت به کیفیت مطروحه صادر می شود.

۲- شعبه اول تجدیدنظر دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس ۵۶۱/۸۴ موضوع تقاضای تجدیدنظرخواهی جواد

تشکری باقی نسبت به دادنامه شماره ۲۶۵۷ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۸ شعبه ۱۹ به شرح دادنامه شماره ۱۲۶۸ مورخ ۱۳۸۴/۶/۲۷ چنین رأی صادر نموده است: با توجه به این که در متن ماده ۱۰۸ آیین نامه استخدامی شرکتها و واحدهای تابعه، وزارت معادن و فلزات، اختیار بازنشستگی با ۲۰ سال خدمت فقط به واحد اصلی تفویض شده است و اختیار تفویض آن به سایر واحدها پیش بینی نشده و با اخذ وحدت ملاک از رأی شماره ۱۳۸۲/۱۰/۱-۳۸۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری واحد اصلی، خود حق اعمال اختیار مذکور را داشته و نمی توانسته به واحدهای تابعه غیر اصلی تفویض نماید. ثانیاً نامه ۹۲۳۳-۱۳۸۰/۱۱/۱۴ مدیرعامل شرکت ملی فولاد ایران که در حکم بازنشستگی شماره ۲۲/۱۶۵۶۰-۱۳۸۲/۱۲/۲۸ وی به آن اشاره شده است، صرف نظر از این که توسط هیئت مدیره نوشته و تصویب نشده است، خطاب به سایر شرکت های تابعه شرکت ملی فولاد ایران (...) است و شرکت سهامی خاص معادن سنگ آهن مرکزی ایران (بافق) مورد خطاب قرار نگرفته است و با توجه به این که حکم بازنشستگی فوق الاشعار توسط شرکت سهامی خاص معادن سنگ آهن مرکزی ایران - بافق صادر شده است و هیئت مدیره آن شرکت نیز تفویض می شد. فلذا تجدیدنظر خواهی وارد تشخیص و با نقض رأی صادره، حکم به ورود شکایت شاکی و ابطال حکم بازنشستگی صادر می گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید:

رأی هیئت عمومی

اولاً وجود تناقض بین دادنامه های شماره ۱۲۶۸ مورخ ۱۳۸۴/۶/۲۷ شعبه اول تجدیدنظر و دادنامه ۲۸۱ مورخ ۱۳۸۵/۳/۲۲ شعبه پنجم تجدیدنظر دیوان محرز است. ثانیاً، حکم مقرر در قسمت اخیر ماده ۱۰۸ آیین نامه استخدامی شرکتها و واحدهای تابعه وزارت معادن و فلزات مصرح در تفویض اختیار بازنشسته کردن مستخدمان با حداقل ۲۰ سال سابقه خدمت به واحد اصلی، یعنی شرکت ملی فولاد ایران است. نظر به این که شاکیان پرونده به موجب ابلاغ واحد اصلی بازنشسته نشده اند و واحد محل خدمت آنان (شرکت سنگ آهن مرکزی بافق) دارای اختیار بازنشستگی نامبردگان با ۲۰ سال سابقه خدمت نبوده است. بنابراین مفاد دادنامه شماره ۱۲۶۸ مورخ ۱۳۸۴/۶/۲۷ شعبه اول تجدیدنظر دیوان که مبین این معنی است، صحیح و موافق اصول و مقررات مربوط تشخیص داده می شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذی ربط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

رأی شماره ۱۴۷۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص حقوق بازنشستگی

تاریخ: ۱۳۸۶/۱۲/۱۲ - شماره دادنامه: ۱۴۷۰ - کلاس پرونده: ۸۳۱/۸۵

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای اصغر محمودزاده

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۴، ۱۰، ۱۴، ۱۹ و ۲۰ بدوی و ۷ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: ۱- شعبه بیستم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۶۲۲/۸۱ موضوع شکایت مرتضی باجغلی به طرفیت ۱- دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی استان اصفهان، ۲- سازمان بازنشستگی کشور به خواسته به شرح دادنامه شماره ۲۵۳۴ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۵ چنین رأی صادر نموده است: اولاً طبق ماده ۷۱ قانون استخدام کشوری هر ماه ۸.۵ درصد از جمع حقوق تفاوت تطبیق حقوق و مزایای مستمر و فوق العاده‌های مستخدمین رسمی و آزمایشی کسر و به صندوق بازنشستگی کشوری پرداخت می‌گردد. ثانیاً به دلالت محتویات پرونده پرسنلی ارسال شده از سال ۱۳۶۸ لغایت ۱۳۷۵ فوق العاده جذب به خواهان پرداخت شد. ثالثاً بر اساس پاسخ اخیر واصله از سوی خوانده ردیف یکم، فوق العاده جذب و حق اشعه به ایشان پرداخت و بابت این عناوین حق بازنشستگی کسر و به حساب صندوق بازنشستگی واریز گردید که با توجه به کسر حق بازنشستگی از فوق العاده جذب و حق اشعه، بنا به قرار دانشگاه، به مراتب مذکور و شمول ماده ۷۱ مذکور بر فوق العاده‌ها و جواز کسر حق بازنشستگی از آن‌ها و با توجه به کسر حق بازنشستگی از فوق العاده جذب و حق اشعه، بنا به قرار دانشگاه محل خدمت مستخدم، و نظر به این که با کسر حق بازنشستگی، سازمان متبوع مستخدم مکلف به احتساب آن فوق العاده‌ها در تعیین حقوق بازنشستگی می‌گردد، بنا به مراتب مذکور، دادخواست مطروح وارد تشخیص می‌گردد.

۲- شعبه یازدهم تجدیدنظر دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۱۷۰/۸۴ و ۲۲۵۹ موضوع تقاضای تجدیدنظرخواهی سازمان بازنشستگی کشوری - دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، نسبت به دادنامه ۲۵۳۴ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۵ صادره از شعبه بیستم، به شرح دادنامه ۳۲۶۶ و ۳۲۶۵ مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۲۳ رأی به رد تجدیدنظرخواهی صادر و اعلام نموده است.

ب: ۱- شعبه چهاردهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۴۰۲/۸۳ موضوع شکایت علی بلوریان به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری ۲- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به خواسته اصلاح حقوق بازنشستگی به لحاظ فوق العاده حق جذب پرداخت شده به شرح دادنامه شماره ۱۵ مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۵ چنین رأی صادر نموده است: نظر به این که مستندات پیوستی دادخواست، حکایت از کسر ۸.۵ درصد بازنشستگی از حق جذب خواهان در

زمان اشتغال دارد و با کسر حق بازنشستگی از حق جذب، باید این حق در تعیین حقوق بازنشستگی لحاظ و اعمال گردد و ماده ۷۱ قانون استخدام کشوری مؤید این حق است، بنابراین دادخواست مطروحه وارد تشخیص و خوانندگان ملزم به احتساب و اعمال حق جذب در تعیین حقوق بازنشستگی خواهان از تاریخ شروع بازنشستگی او می‌شوند.

۲- شعبه یازدهم تجدیدنظر دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۱۵۱/۸۴ موضوع تقاضای تجدیدنظرخواهی سازمان بازنشستگی کشوری و دانشگاه علوم پزشکی، نسبت به دادنامه شماره ۱۵ مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۵ شعبه چهاردهم دیوان، به شرح دادنامه شماره ۳۳۷۱ و ۳۳۷۰ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۱ رأی به رد تجدیدنظرخواهی را صادر نموده است.

ج: ۱- شعبه دهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۹۰۲/۸۳ موضوع شکایت آقای محمد سوزنگر به خواسته اصلاح حقوق بازنشستگی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری و وزارت بهداشت و درمان علوم پزشکی، به شرح دادنامه شماره ۷۱۰ مورخ ۱۳۸۴/۴/۱۱ چنین رأی صادر نموده است: نظر به این که فوق‌العاده جذب مذکور جزو فوق‌العاده‌های مستمر بوده که در ماده ۷۱ قانون استخدام کشوری به آن اشاره شده و از طرفی جزو مستثنیات ماده مذکور هم قرار نگرفته، لذا حکم به ورود خواسته خواهان صادر و اعلام می‌گردد.

۲- شعبه نهم تجدیدنظر دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۸۴/۱۱۱۸ و ۱۱۲۷ موضوع تقاضای تجدیدنظرخواهی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و سازمان بازنشستگی کشوری نسبت به دادنامه شماره ۷۱۰ مورخ ۱۳۸۴/۴/۱۱ شعبه دهم دیوان، به شرح دادنامه شماره ۱۹۹۲-۱۹۹۱ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۸ رأی به رد تجدیدنظرخواهی دادنامه بدوی را تأیید نموده است.

د: ۱- شعبه یازدهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۳۷۱/۷۸ موضوع شکایت حجت‌اله سالکی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری، وزارت بهداشت و درمان و علوم پزشکی به خواسته اصلاح حقوق بازنشستگی به شرح دادنامه شماره ۸۲۷ مورخ ۱۳۸۰/۵/۲۷ چنین رأی صادر نموده است: با عنایت به این که کسر فوق‌العاده جذب از حقوق شاکی مبتنی بر اشتباه بوده، علی‌هذا با توجه به محتویات پرونده و اظهارات شاکی، به موجب دادخواست تقدیمی و مستندات ارائه‌شده مندرجات لایحه تقدیمی طرف شکایت، احتساب کسور فوق‌العاده جذب در حقوق بازنشستگی فاقد مجوز قانونی بوده و از ناحیه شاکی نیز ایراد و اعتراض موجه و مؤثری به عمل نیامده، شکایت شاکی غیروارد تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌گردد.

۲- شعبه هفتم تجدیدنظر دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۷۹۰/۸۱ موضوع تقاضای تجدیدنظرخواهی حجت‌اله ملکی نسبت به دادنامه شماره ۸۲۷ مورخ ۱۳۸۰/۵/۲۷ شعبه یازدهم دیوان، به شرح دادنامه شماره ۵۴۳ مورخ ۱۳۸۲/۵/۱۴ چنین رأی صادر نموده است: نظر به این که به موجب ماده ۷۱ قانون استخدام کشوری، وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مکلف‌اند هر ماه ۸.۵ درصد از جمع حقوق و تفاوت تطبیق حقوق و مزایای مستمر و فوق‌العاده‌های مستخدمین رسمی و آزمایشی را به استثناء فوق‌العاده تضمین و اضافه کار و کسر صندوق و روزانه و کارانه کم کرده و بابت سهم مستخدمین به صندوق بازنشستگی کشوری بپردازند و نیز بند (ب) قانون اصلاح قوانین و مقررات بازنشستگی و وظیفه مقرر نموده در احتساب حقوق وظیفه و بازنشستگی موضوع ماده

یک و بند (ج) ماده ۸ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری حقوق، تفاوت تطبیق حقوق، فوق العاده شغل و سایر فوق العاده‌هایی که از بابت آن‌ها کسور بازنشستگی دریافت می‌شود، مورد محاسبه قرار گیرد. از آنجا که دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی استان اصفهان طی نامه مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۹ خطاب به سازمان بازنشستگی کشوری گواهی نموده که از حق جذب پرداختی به شاکای عضو هیئت علمی در زمان اشتغال ۸/۵ درصد بازنشستگی کسر و به صندوق سازمان بازنشستگی واریز گردیده است و معاونت امور مجلس و استان‌های سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، طی نامه مورخه ۱۳۸۰/۴/۱۰ خطاب به معاونت پشتیبانی حقوقی و امور مجلس وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری، کسر کسورات بازنشستگی از فوق العاده جذب اعضای هیئت علمی را قانونی دانسته و مورد ملاک عمل در تعیین حقوق بازنشستگی اعلام داشته است. بنا به مراتب مذکور، شاکای نسبت به خواسته معنونه محق تشخیص داده می‌شود. علی‌هذا تجدیدنظر خواهی را وارد تشخیص داده با فسخ دادنامه تجدیدنظر خواسته، حکم به ورود شکایت شاکای صادر و اعلام می‌گردد.

هـ: شعبه یازدهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۷۲۶/۸۱ موضوع شکایت فریدون سهرابی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری، وزارت بهداشت، درمان و علوم پزشکی به خواسته اصلاح حقوق بازنشستگی و پرداخت فوق العاده جذب به شرح دادنامه شماره ۹۶۳ مورخ ۱۳۸۳/۵/۱۹ چنین رأی صادر نموده است: با عنایت به این که حق جذب اعضای هیئت علمی از ۱۳۷۹/۱/۱ قابل پرداخت بوده که در تاریخ ۱۳۷۹/۳/۱ به تصویب هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، در پنجمین اجلاس مشترک، رسیده و با توجه به این که شاکای در تاریخ ۱۳۷۸/۵/۱۵ بازنشسته گردیده که با این وصف مشمول شرایط وی نمی‌گردد و در صورت برداشت کسور بازنشستگی می‌بایست به وی مسترد گردد، علی‌هذا بنا به مراتب موصوف، حکم به رد شکایت مطروحه صادر و اعلام می‌گردد.

و: شعبه چهارم بدوی در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۵۲۴/۸۱ موضوع شکایت حسین فریدمعیار به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری و غیره به خواسته اصلاح حقوق بازنشستگی به شرح دادنامه شماره ۳۳۵۳ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۵ چنین رأی صادر نموده است: نظر به این که اقدامات برابر مقررات و ضوابط قانونی انجام پذیرفته و تخلفی صورت نگرفته، لذا ادعای مشارالیه غیرموجه تلقی، حکم به رد آن صادر و اعلام می‌گردد.

ز: شعبه نوزدهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۵۴۱/۸۱ موضوع شکایت کامبیز حاذقی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به خواسته اصلاح حقوق بازنشستگی به شرح دادنامه شماره ۱۰۱۴ مورخ ۱۳۸۱/۷/۶ چنین رأی صادر نموده است: با عنایت به مندرجات دادخواست تقدیمی شاکای و ضمائم مربوط و لایحه جوابیه واصله از مدیریت امور حقوقی سازمان بازنشستگی کشوری، مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۲۳ و مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۱۷ مسئول امور حقوقی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان اصفهان، توجهاً به تاریخ بازنشستگی شاکای (۱۳۷۵/۶/۱۳) و با عنایت به این که بند (ی) ماده ۷ قانون تشکیل هیئت‌امنی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، مصوب جلسات مورخ ۹ و ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی به هیئت‌امنی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اختیار وضع فوق العاده‌هایی را جهت اعضای هیئت علمی و غیره داده، حق جذب موردنظر صرفاً از تاریخ ۱۳۷۹/۱/۱ برقرار گردیده (مصوبه پنجمین اجلاس

مشترک هیئت‌امنای دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی مصوب/۳/۱۳۷۹)، لذا مجوز توجهی برای برقراری آن برای قبل از مصوب (سال ۱۳۷۵) موجد نمی‌باشد و لذا تزییع حقی مشهود نیست و حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث‌وبررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

نظر به اختیارات قانونی هیئت‌امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی در وضع مقررات استخدامی اعضای هیئت‌علمی واحدهای مذکور و از جمله تعیین میزان فوق‌العاده‌های اعضای هیئت‌علمی و غیرهیئت‌علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و اجازه پرداخت به آنان و این‌که هیئت‌امنای فوق‌الذکر بر اساس اختیار مذکور به شرح پنجمین اجلاس مشترک هیئت‌امنای دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی مورخ ۱۳۷۹/۳/۱ پرداخت فوق‌العاده حق جذب را از ۱۳۷۹/۱/۱ تجویز کرده است. بنابراین مفاد دادنامه شماره ۳۳۵۳ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۵ شعبه چهارم، دادنامه شماره ۹۶۳ مورخ ۱۳۸۳/۵/۱۹ شعبه یازدهم و دادنامه شماره ۱۰۱۴ مورخ ۱۳۸۲/۷/۶ شعبه نوزدهم دیوان مبنی بر رد شکایت شاکیان به خواسته اصلاح حقوق بازنشستگی و احتساب حق جذب در تعیین آن صحیح و موافق قانون است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذی‌ربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری - رهبرپور

**ابطال ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی
جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین سخت و زیان آور
مصوب هیئت وزیران به شماره ۲۲۶۸۶ ت ۳۳۷۵ هـ مورخ ۱۳۸۵/۳/۶**

تاریخ: ۱۳۸۶/۱۲/۲۶ - شماره دادنامه: ۱۵۵۶ - کلاس پرونده: ۴۴۵/۸۶

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای اکبر علی یاری

**موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی
جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین سخت و زیان آور مصوب هیئت
وزیران، به شماره ۲۲۶۸۶ ت ۳۳۷۵ هـ مورخ ۱۳۸۵/۳/۶**
مقدمه:

شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است: ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین سخت و زیان آور، مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱ ملاک محاسبه را مبلغ مندرج در آخرین حکم استخدای دانسته و آن را مبنای حقوق بازنشستگی قرار داده است و این امر با ماده واحده قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی و الحاق دو تبصره به ماده ۷۶ (مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی) که اشعار می دارد، (تبصره - متوسط مزد یا حقوق برای محاسبه مستمری بازنشستگی، عبارت است از مجموع مزد یا حقوق بیمه شده که بر اساس آن حق بیمه پرداخت گردیده، ظرف آخرین دو سال پرداخت حق بیمه تقسیم بر ۲۴) در تعارض می باشد. ضمناً مجموع مزد یا حقوق بیمه شده که بر اساس آن حق بیمه به تأمین اجتماعی پرداخت می گردد، همواره رقم قابل ملاحظه ای بیش از مبلغی است که در حکم استخدای یا قرارداد معین گردیده. مثلاً اضافه کاری یک نوبت کاری، کشیک، از جمله مواردی است که حق بیمه آن کسر و به تأمین اجتماعی پرداخت می شود، اما در حکم یا قرارداد ذکر آن به میان نمی آید. لذا مبلغ مندرج در حکم یا قرارداد نمی تواند مدرک و مبنای محاسبه مستمری بازنشستگی قرار گیرد و این امر نیز خلاف قانون فوق الاشعار است. لذا ابطال آن را خواستارم. مشاور و مدیرکل دفتر امور حقوقی دولت در پاسخ به شکایت فوق طی لایحه شماره ۱۸۵۵۴۵/۱۱/۱۵ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۱۵ ضمن ارسال جوابیه مدیرکل حقوقی، قوانین و مقررات وزارت رفاه و تأمین اجتماعی اعلام داشته اند، صرف نظر از این نکته که در قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی، جانبازان شاغل در وزارتخانه ها، شرکت ها و سازمان های مستلزم ذکر نام که در بسیاری موارد مشمول قانون تأمین اجتماعی نیستند، مورد حکم قرار گرفته اند. از آنجا که در متن واحده با درج عبارت، «در تعیین حقوق بازنشستگی آنان آخرین حقوق قبل از بازنشستگی مبنای محاسبه قرار می گیرد»، حکم خاصی برای تعیین حقوق بازنشستگی وضع شده و ماده ۲ آیین نامه یادشده نیز بر این مبنا و برای محاسبه آخرین حقوق بازنشستگی تنظیم گردیده است، بنابراین در خصوص این مورد خاص استناد به قوانین و مقررات دیگر که متضمن احکامی برای تعیین

حقوق بازنشستگی هستند، امکان پذیر نیست.

در لایحه دفاعیه شماره ۱۹۷۰۴/ص/۸۶ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۲۲ سرپرست اداره کل حقوقی، قوانین و مقررات وزارت رفاه و تأمین اجتماعی آمده است:

۱- ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی، در مورخه ۱۳۶۷/۹/۱ به منظور اعطای تسهیلات به مستخدمین معلول (اعم از جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی ...) به تصویب می‌رسد. به موجب این قانون به دستگاه‌های مندرج در صدر ماده واحده اجازه داده می‌شود مستخدمین معلول رسمی یا ثابت یا دارای عناوین مشابه خود را با شرایط مندرج در این قانون، بازنشسته نمایند.

۲- برابر انتهای صدر ماده واحده، در تعیین حقوق بازنشستگی آنان (مستخدمین معلول رسمی یا ثابت دارای عناوین مشابه) آخرین حقوق قبل از بازنشستگی مبنای محاسبه قرار می‌گیرد.

۳- در ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون و به تأسی از قانون مارالذکر، در مورد نحوه محاسبه حقوق بازنشستگی جانبازان، آزادگان و ... صرفاً در مورد مستخدمینی که دارای احکام استخدام رسمی، ثابت یا دارای عناوین مشابه می‌باشند، مبلغ مندرج در آخرین حکم استخدامی قبل از بازنشستگی ملاک عمل قرار گرفته است.

۴- با توجه به مراتب فوق‌الذکر، در قانون یادشده و آیین‌نامه اجرایی آن در مورد کارمندان پیمانی و قراردادی دستگاه‌های اجرایی سکوت گردیده، لذا با سکوت قانون‌گذار افراد اخیر که عمدتاً بیمه‌شده سازمان تأمین اجتماعی می‌باشند، مشمول قانون تأمین اجتماعی (و ماده ۷۷ آن) خواهند بود. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق، با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث‌ویررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

به‌صراحت ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور، مصوب ۱۳۶۷ ملاک تعیین حقوق بازنشستگی مستخدمین معلول مشمول ماده واحده مذکور، آخرین حقوق قبل از بازنشستگی آنان است. نظر به این که ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مزبور در مقام تبیین حکم مقنن و در خصوص مشمولین ماده واحده فوق‌الذکر انشاء شده است. بنابراین مغایرتی با قانون ندارد و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی نمی‌باشد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری - رهبرپور

رأی شماره ۱۲۵۱ و ۱۲۵۲ و ۱۲۵۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری
در خصوص انتقال از صندوق تأمین اجتماعی به صندوق بازنشستگی کشوری،
به استناد تبصره اصلاحی ماده ۲۳ مقررات استخدامی شرکت‌های دولتی
مصوب ۱۳۵۸/۳/۱۷ شورای انقلاب

توضیح ضروری روزنامه رسمی کشور:

آراء هیئت عمومی دیوان عدالت اداری که ذیلاً درج و منتشر می‌گردند، در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۳۱

به روزنامه رسمی کشور ارسال و واصل شده است.

شماره هـ/۲۹/۸۶ - هـ/۷۹/۸۶ - هـ/۸۸۲/۸۵ - تاریخ ۱۳۸۷/۲/۲۹

تاریخ: ۱۳۸۶/۱۰/۳۰ - شماره دادنامه: ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳ - کلاسه پرونده: ۸۸۲/۸۵، ۲۹/۸۶، ۷۹

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: رئیس وقت شعبه ۱۵ دیوان عدالت اداری

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۱۷ و ۲۰ و ۲۴ و ۶ و ۹ تجدیدنظر
دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: ۱- شعبه ۱۵ دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۷۴۵/۸۴ و ۷۶۳/۸۴ موضوع شکایت ربابه شهانقی و رحیم بالیک به طرفیت شرکت دخانیات ایران به خواسته انتقال کسورات بیمه و بازنشستگی از کشوری به صندوق تأمین اجتماعی به شرح دادنامه‌های شماره ۸۳۶/۲ مورخ ۱۳۸۵/۳/۳۰ و ۴۶۱/۲ مورخ ۱۳۸۵/۲/۲۳ چنین رأی صادر نموده است: با توجه به این که مطابق تبصره یک ماده ۱۱ قانون تشکیل وزارت بهداشتی و بهزیستی مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ صندوق بازنشستگی مستخدمین شرکت‌های دولتی از جمله مشتکی عنه به صندوق تأمین اجتماعی منتقل و در نتیجه شاکی مشمول حمایت صندوق بازنشستگی سازمان تأمین اجتماعی قرار گرفته و از آنجا که تبصره بند ۴ لایحه قانونی اصلاح بعضی از مواد مقررات شرکت‌های دولتی و الحاق مواد و تبصره‌هایی به آن مصوب ۱۳۵۸/۲/۱۹ مهلت شش ماهه از تاریخ تصویب این اصلاحیه برای تغییر صندوق بازنشستگی از تأمین اجتماعی به بازنشستگی را تعیین نموده که مهلت یادشده در مورخ ۱۳۵۸/۸/۲۰ پایان یافته و دیگر درخواست تغییر صندوق پس از این تاریخ قابلیت ترتیب‌اثر را نداشته و درخواست‌کنندگان پس از انقضای مهلت شش ماهه کماکان تابع قانون تأمین اجتماعی خواهند بود و چون تغییر صندوق شاکی در خارج از مهلت شش ماهه صورت پذیرفته، قابلیت اقدام و اثرگذاری قانونی را در بر نداشته و فلذا با عدم دفاع مؤثر و موجهی از جانب سازمان مشتکی عنه با پذیرش خواسته شاکی با استناد به قسمت اخیر شق (پ) بند یک ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری حکم به اعاده وضع شاکی از حیث صندوق بازنشستگی از صندوق بازنشستگی کشوری به صندوق تأمین اجتماعی صادر و اعلام می‌دارد.

۲- شعبه ۶ تجدیدنظر دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه‌های ۱۰۲۶/۸۵ و ۸۰۷ موضوع تقاضای تجدیدنظرخواهی شرکت دخانیات ایران نسبت به دادنامه شماره ۸۳۶/۲ مورخ ۱۳۸۵/۳/۳۰ شعبه ۱۵ دیوان به شرح دادنامه شماره ۱۵۴۱-۱۵۴۲ مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۱ چنین رأی صادر نموده است: چون تجدیدنظر خوانده به موجب حکم ... به استناد مقررات شرکت‌های دولتی به استخدام شرکت دخانیات ایران درآمده‌اند و بدو استخدام مشمول مقررات مذکوره و از شمول مقررات تأمین اجتماعی خارج بوده است و بر این اساس نمی‌توانسته مشمول تبصره اصلاحی ماده ۳۳ مقررات شرکت‌های دولتی مصوب ۱۳۵۸/۳/۱۷ شورای انقلاب اسلامی ایران که مقرر می‌دارد، مستخدمین فعلی شرکت‌های دولتی که مشمول مقررات تأمین اجتماعی هستند و در تاریخ ۱۳۴۵/۳/۳۱ در خدمت شرکت بوده و خدمت آن‌ها تا تاریخ ۱۳۵۲/۳/۵ یا بعد از آن ادامه داشته است، می‌توانند ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این اصلاحیه (۱۳۵۸/۳/۱۷) تقاضا نمایند تا از لحاظ بازنشستگی و وظیفه مشمول حکم این ماده قرار بگیرند؛ در این صورت حق بیمه سهم آنان که به صندوق تأمین اجتماعی پرداخت شده است به صندوق بازنشستگی منتقل می‌شود، در صورتی که ظرف مدت مذکور چنین تقاضایی نکنند، همچنان مشمول قانون تأمین اجتماعی خواهند بود، زیرا تجدیدنظر خوانده اولاً، در ۱۳۴۵/۳/۳۱ در خدمت شرکت دخانیات نبوده است. ثانیاً، چنانچه فوقاً مشخص گردیده شمول مقررات تأمین اجتماعی بر وفق ضوابط نبوده است و در صورتی که چنین حکمی از ناحیه شرکت دخانیات صادر شده باشد، برخلاف مقررات بوده و احکام صادره برخلاف ضوابط و مقررات حاکم برای اشخاص ایجاد حقی نمی‌نماید. بنا به مراتب شعبه بدوی در مقام اصدار دادنامه معترض علیه به امور مذکور در فوق، دقت و توجه کافی ننموده است. لذا دادنامه مذکور مخدوش و قابل نقض می‌باشد. ضمن اعلام ورود اعتراض و تجدیدنظرخواهی و نقض دادنامه مزبور حکم به رد شکایت مطروحه از ناحیه تجدیدنظر خوانده علیه شرکت تجدیدنظر خواه صادر و اعلام می‌گردد.

ب: شعبه نهم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۸۶۷/۸۵ موضوع تقاضای تجدیدنظرخواهی شرکت دخانیات ایران نسبت به دادنامه شماره ۴۶۱/۲ مورخ ۱۳۸۵/۲/۲۳ شعبه ۱۵ دیوان به شرح دادنامه شماره ۸۴۲ مورخ ۱۳۸۵/۶/۱۳ چنین رأی صادر نموده است: نظر به این که سازمان تجدیدنظر خواه بدون اطلاع و تقاضای تجدیدنظر خوانده در سال ۱۳۶۰ و در خارج از مهلت مقرر مذکور (شش ماه) در ماده واحده لایحه قانونی، راجع به شمول مقررات بازنشستگی و وظیفه قانونی استخدام کشوری، به مستخدمین شرکت‌های دولتی مشمول قانون تأمین اجتماعی اقدام به تغییر صندوق تجدیدنظر خوانده از تأمین اجتماعی به استخدام کشوری نموده و با عنایت به این که سکوت تجدیدنظر خوانده و عدم پیگیری نمی‌تواند موجب زوال حق مکتسبه باشد، لذا با رد اعتراض تجدیدنظر خواه، دادنامه تجدیدنظر خواسته تأیید و استوار می‌گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

طبق تبصره اصلاحی ماده ۳۳ مقررات استخدامی شرکت‌های دولتی، مصوب ۱۳۵۸/۳/۱۷ شورای انقلاب مستخدمین

فعلی، شرکت‌های دولتی که مشمول مقررات تأمین اجتماعی هستند و در تاریخ ۱۳۴۵/۳/۳۱ در خدمت شرکت بوده و خدمت آن‌ها تا تاریخ ۱۳۵۲/۳/۵ یا بعد از آن ادامه داشته است، می‌توانند ظرف ۶ ماه از تاریخ تصویب این اصلاحیه تقاضا نمایند از لحاظ بازنشستگی و وظیفه مشمول حکم ماده ۳۳ مقررات مزبور قرار گیرند که در این صورت حق بیمه سهم آنان که به صندوق تأمین اجتماعی پرداخت شده است، به صندوق بازنشستگی کشور منتقل می‌شود. در صورتی که ظرف مدت مذکور چنین تقاضایی نکنند، همچنان مشمول قانون تأمین اجتماعی خواهند بود. بنابراین تسری حکم مقنن به مستخدمین شرکت دخانیات ایران که در تاریخ‌های مقرر در قانون، در استخدام شرکت نبوده یا در مهلت قانونی تقاضای مشمول مقررات ماده ۳۳ را از حیث بازنشستگی و وظیفه نکرده باشند، مجوز قانونی ندارد. بدین جهت دادنامه شماره ۱۵۴۱ و ۱۵۴۲ مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۱ شعبه ششم تجدیدنظر دیوان که مبین این معنی است، صحیح و موافق قانون می‌باشد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذی‌ربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری - رهبرپور

برقراری مستمری بازنشستگی رأی شماره ۲۳۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص برقراری مستمری بازنشستگی

شماره هـ/۱۴۴/۸۷ - تاریخ: ۱۳۸۷/۴/۱۶ - شماره دادنامه: ۲۳۱

کلاسه پرونده: ۱۴۴/۸۷

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکای: آقای محمدعلی نعمتی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعبه اول تجدیدنظر و ۱۹ دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: شعبه نوزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۴۰۴/۸۵ موضوع شکایت آقای محمدعلی نعمتی به طرفیت اداره تأمین اجتماعی شعبه واحدیان قائم‌شهر به خواسته برقراری مستمری بازنشستگی به شرح دادنامه شماره ۲۸۹۷ مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۱۲ چنین رأی صادر نموده است: چون بند ۳ جزء (ب) تبصره ۲ الحاقی به ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ تبصره به ماده ۷۶ مصوب ۱۳۸۰/۷/۱۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام که اعلام می‌دارد، در مورد سایر بیمه‌شدگان حداقل سابقه پرداخت حق بیمه برای استفاده از مستمری بازنشستگی، از تاریخ تصویب این قانون، هر سال، یک سال افزایش خواهد یافت تا آنکه این حداقل به ۲۰ سال تمام برسد که با توجه به مدارک موجود، شاکای باید حداقل حق بیمه را از سال ۱۳۸۰ تا حال بر مبنای بند ۳ مرقوم پرداخت نموده تا متعاقباً نسبت به درخواست بازنشستگی اقدام نماید. هر چند وی شرایط سنی را دارا بوده، علی‌هذا شکایت ایشان به کیفیت موصوف وارد نبوده و با استناد به مفهوم مخالف ذیل شق (پ) بند یک ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت و بند ۳ جزء (ب) تبصره ۲ الحاقی به ماده ۷۶ مارالذکر حکم به رد شکایت وی صادر می‌شود و توضیح اینکه در صورت پرداخت کسری حق بیمه مذکور توسط شاکای، به‌طور یک جا یا در اقساط مختلف، بر اساس بضاعت مالی ایشان، دریافت خواهد شد. بدیهی است، اداره خواننده اقدام به اجابت خواسته وی خواهد نمود.

ب: شعبه اول تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۵۳۸۲/۸۵ موضوع تجدیدنظرخواهی آقای محمدعلی نعمتی نسبت به دادنامه شماره ۲۸۹۷ مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۱۲ صادره از شعبه نوزدهم دیوان عدالت اداری، به شرح دادنامه ۶۰۳ مورخ ۱۳۸۶/۲/۲۲ چنین رأی صادر نموده است: وی مشمول جزء ۳ بند (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره الحاقی به ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، در خصوص پرداخت حق بیمه به‌صورت پلکانی است و شرایط برقراری مستمری بازنشستگی را در تاریخ تقاضا نداشته که با عنایت به تاریخ انعقاد قرارداد و تاریخ تصویب قانون مورد استناد ۱۳۸۰/۷/۱۴ پنج سال سابقه پرداخت حق بیمه داشته، نه ده سال. بنابراین قانون مذکور شامل شاکای نیز می‌گردد. چنانچه نامبرده در زمان تاریخ تصویب اصلاحی مدت ۱۰ سال تمام سابقه پرداخت حق بیمه را می‌داشت و تقاضای بازنشستگی نیز نموده بود، احتمالاً از شمول قانون مورد نظر خارج می‌شد. با عنایت

به مراتب فوق، شکایت غیروارد و در نتیجه دادنامه بدوی تأیید می‌گردد. قانون موردنظر در قانون بودجه سال ۱۳۸۶ اصلاح گردیده و شاکی به استناد آن می‌تواند درخواست بازنشستگی کند.

ج: شعبه بیست و سوم در رسیدگی به پرونده کلاس ۶۲/۸۳ موضوع شکایت محمدحسن ادیسی به طرفیت اداره کل تأمین اجتماعی مازندران به خواسته الزام به برقراری مستمری بازنشستگی به دلیل سابقه پرداخت حق بیمه، به مدت ۳۶۶۲ روز و دارای ۷۲ سال سن، به شرح دادنامه ۷ مورخ ۱۳۸۴/۱/۲۷ چنین رأی صادر نموده است: نظر به اینکه خوانده، سوابق شاکی به مدت ۳۶۶۲ روز را پذیرفته و در اجرای قانون جزء ۳ از بند (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی به ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، به ازای هر سال، به صورت پلکانی، یک سال اضافه می‌گردد. بدیهی است که تاریخ شروع آن از زمان ابلاغ است و طبق اصل عطف به ماسبق نشدن قانون. بنابراین این مورد قانونی شامل خواهان نمی‌شود و به وی تسری ندارد. فلذا مستنداً به مادتين ۱۱ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری دادخواست صدراالتوصیف موجه تشخیص و حکم به ورود آن صادر و اعلام می‌گردد.

د: شعبه اول تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاس ۳۲۴/۸۴ موضوع تجدیدنظرخواهی اداره کل تأمین اجتماعی مازندران به طرفیت محمدحسن ادیسی در اعتراض به دادنامه شماره ۸۷ مورخ ۱۳۸۴/۱/۲۷ صادره از شعبه بیست و سوم دیوان عدالت اداری به شرح دادنامه ۱۲۷۳ مورخ ۱۳۸۴/۶/۲۸ چنین رأی صادر نموده است: نظر به اینکه از طرف تجدیدنظرخواه نسبت به دادنامه تجدیدنظرخواسته اعتراض موجه و مؤثری به عمل نیامده و با بررسی سوابق و کیفیت رسیدگی و اعمال مقررات ایراد و اشکالی که نقض دادنامه بدوی را ایجاب نماید مشهود نیست. بنابراین با رد تجدیدنظرخواهی دادنامه بدوی عیناً تأیید و استوار می‌گردد. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

بهموجب بند ۳ شق (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده ۷۶ مصوب ۱۳۷۱ مصوب ۱۳۸۰/۷/۱۴ تصریح شده است که به استثناء بیمه‌شدگان مبتلا به فرسایش جسمی و روحی و شاغلین کارهای سخت و زیان‌آور، در مورد سایر بیمه‌شدگان، حداقل سابقه پرداخت حق بیمه برای استفاده از مستمری بازنشستگی از تاریخ تصویب این قانون، هر سال، یک سال افزایش خواهد یافت تا آنکه این حداقل، به بیست سال تمام برسد. نظر به اینکه سابقه خدمت هریک از شاکیان در تاریخ ۱۳۸۰/۷/۱۴ کمتر از ۱۰ سال بوده و پس از آن نیز در تاریخ تقاضای بازنشستگی، دارای سابقه خدمت مقرر در بند ۳ ماده واحده قانون فوق‌الذکر نبوده‌اند و سابقه خدمت پرداخت حق بیمه آنان به حد نصاب مقرر در قانون نرسیده، بنابراین ذی‌حق به بازنشستگی و استفاده از مستمری آن نبوده‌اند و دادنامه شماره ۲۸۹۷ مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۱۲ شعبه نوزدهم دیوان مبنی بر رد شکایت شاکی که در شعبه اول تجدیدنظر تأیید شده، صحیح و موافق قانون است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعبه دیوان و سایر مراجع اداری ذی‌ربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضائی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

رای شماره ۳۱۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور

مصوب ۱۳۸۷/۵/۶

شماره: هـ- ۸۷ - تاریخ: ۱۳۸۷/۵/۶

شماره دادنامه: ۳۱۱- کلاسه پرونده: ۲۵۶/۸۷

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای لطیف پرتوی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۱۱ و ۱۸ دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: شعبه هجدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۹۲۷/۸۵ موضوع شکایت آقای عطاءاله مرادی تمامی به طرفیت، سازمان تأمین اجتماعی شعبه ۲ رشت به خواسته بازنشستگی پیش از موعد بابت مشاغل سخت و زیان آور به شرح دادنامه ۱۷۳۳ مورخ ۱۳۸۶/۶/۱۷ چنین رأی صادر نموده است: نظر به اینکه حسب بند ۳ ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی بند ۵ جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۲۲ هیئت وزیران، ایام و مواردی که در فواصل اشتغال بیمه شده به کارهای سخت و زیان آور واقع شود، توالی اشتغال او را از بین برده و موجب تناوب اشتغال وی می گردد؛ از جمله آن، غیبت غیرموجه بیش از ده روز در هر سال است که منجر به اخراج و انفصال موقت و یا دائم شده باشد، و حال آنکه در خصوص شاکی که حسب دفاعیات اداره طرف شکایت مجموعاً در سال های ۱۳۶۵-۱۳۶۶-۱۳۶۹-۱۳۷۰-۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۳ بیش از ده روز غیبت غیرموجه داشته و منجر به اخراج و انفصال وی نشده است، شرایط مذکور محقق نبوده و در واقع توالی اشتغال شاکی از بین نرفته است. مضافاً اینکه به موجب نظریه مورخ ۱۳۸۴/۸/۱ کمیته استانی، شغل شاکی در شرکت صنایع پلاستیک شمال از مشاغل سخت و زیان آور تشخیص داده شده و نامبرده واجد اوصاف و شرایط مقرر در ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ می باشد، علی هذا شکایت شاکی را محمول بر صحت و وارد تشخیص و حکم به بازنشستگی پیش از موعد شاکی در مشاغل سخت و زیان آور صادر و اعلام می نماید.

ب: شعبه یازدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۰۷۳/۸۴ موضوع شکایت آقای لطیف پرتوی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی شعبه ۲ رشت به خواسته بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان آور به شرح دادنامه ۴۶۷ مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۷ چنین رأی صادر نموده است: نظر به اینکه حسب اعلام طرف شکایت، شاکی در سال های ۱۳۶۴-۱۳۶۵-۱۳۶۶-۱۳۶۷-۱۳۷۵-۱۳۷۸ و ۱۳۸۰ بیش از ۱۰ روز غیبت غیرموجه داشته است که از مصادیق فاصله خدمتی بوده و موجب زایل شدن توالی اشتغال شاکی، به مدت ۲۰ سال کامل گردیده است، علی هذا در خصوص موضوع شکایت تخلف از قوانین و مقررات مربوطه مشهود نبوده. مستنداً به ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت

اداری حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

طبق بند (ج) ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرائی بند ۵ جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی به ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده ۷۶ مصوب ۱۳۷۱، مصوب ۱۳۸۰، غیبت غیرموجه بیش از ۱۰ روز در هر سال، از جمله مصادیق تناوب در خدمت سخت و زیان‌آور به‌شمار آمده است. نظر به اینکه حسب اسناد و مدارک و لایحه جوابیه سازمان طرف شکایت مدت غیبت غیرموجه شاکیان بیش از حد مقرر در بند (ج) ماده ۱۳ آیین‌نامه فوق‌الذکر بوده است. بنابراین دادنامه شماره ۴۶۷ مورخ ۱۳۸۶/۴/۲۷ شعبه یازدهم مبنی بر رد شکایت شاکی به خواسته بازنشستگی پیش از موعد، به لحاظ نداشتن سابقه خدمت متوالی یا متناوب لازم و کافی در مشاغل سخت و زیان‌آور صحیح و موافق اصول و مقررات می‌باشد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۳۴ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذی‌ربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری معاون قضایی، دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

رأی شماره ۴۳۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ازدیاد حقوق بازنشستگی مطابق سنوات خدمت شماره هـ/۸۷/۸۱

مصوب: ۱۳۸۷/۶/۲۴

تاریخ: ۱۳۸۷/۶/۲۴ - شماره دادنامه: ۴۳۰ - کلاس پرونده: ۸۱/۸۷

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: خانم صدیقه رشتاک

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۵ و ۹ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف: شعبه سوم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس ۶۲۰/۸۴ موضوع شکایت خانم صدیقه رشتاک به طرفیت، سازمان تأمین اجتماعی کردستان به خواسته الزام طرف شکایت به پرداخت حق و حقوق قانونی و ازدیاد حقوق بازنشستگی برابر سنوات خدمتی، به شرح دادنامه شماره ۳۲۰۸ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۷ چنین رأی صادر نموده است: با توجه به مفاد دادخواست و توضیحات شاکی و اینکه استحقاق وی نسبت به مورد ادعا، مستند به حکم قانونی و مقررات مربوط می باشد، لذا با احراز استحقاق شاکی به مورد ادعا، شکایت وی را با توجه به جمیع جهات وارد و موجه تشخیص و رأی به ورود آن صادر و اعلام می دارد.

ب: شعبه نهم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاس ۵۹۵/۸۵ موضوع تجدیدنظرخواهی خانم صدیقه رشتاک نسبت به دادنامه ۳۲۰۸ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۷ شعبه سوم به شرح دادنامه شماره ۶۴۷ مورخ ۱۳۸۵/۵/۱۱ چنین رأی صادر نموده است: میزان مستمری تجدیدنظرخوانده بر اساس تبصره الحاقی به ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی و بر اساس محاسبات مندرج در ماده ۷۷ قانون و تبصره ذیل آن پرداخت شده است و با توجه به اینکه مستمری هر بیمه شده بر اساس سابقه پرداخت حق بیمه تعیین و پرداخت می شود و از طرفی تجدیدنظرخوانده در دادخواست خود به وضوح اعلام نموده که چه حقی از وی تضییع یا تخلف سازمان از مقررات جاری چه بوده است، بنا به مراتب با وارد دانستن اعتراض تجدیدنظرخواه ضمن نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته رأی به رد شکایت صادر می شود.

ج: شعبه ۲۴ دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۲۷۹/۸۳، موضوع شکایت خانم صدیقه صیدی مرادی به طرفیت تأمین اجتماعی کردستان به خواسته الزام به پرداخت حق و حقوق قانونی و ازدیاد حقوق بازنشستگی برابر سنوات خدمتی به شرح دادنامه شماره ۸۰۵ مورخ ۱۳۸۳/۹/۲ چنین رأی صادر نموده است: در خصوص پرداخت حق و حقوق قانونی و تجدیدنظر در بازنشستگی به لحاظ فقدان وجاهت قانونی به طرح موضوع در دیوان قرار رد آن صادر ولیکن در خصوص ازدیاد حقوق بازنشستگی که از آن در محتوای دادخواست به اعتراض به میزان آن تعبیر می گردد، شعبه دیوان علیرغم تبیین موضوع در نامه دفاعیه وارده از سوی خوانده به شماره ۱۲۸۲۵/ق/۲۶۰ مورخ ۱۳۸۳/۷/۳۰ دائر بر مراعات ماده ۷۷ و تبصره آن از قانون تأمین اجتماعی، عدم تأکید و

تکیه و احتساب بر مبنای ۲۰ روز حقوق موضوع تبصره ماده ۷۶ حکم به ورود خواسته از این حیث صادر و اعلام می‌گردد. فلذا میزان حقوق بازنشستگی خواهان بر اساس تبصره ۲ الحاقی ۱۳۶۷/۷/۱ به میزان ۲۰ روز حقوق که در جدول محاسباتی مواد ۷۷ و تبصره آن جایگزین خواهد شد، تعیین و ابلاغ می‌گردد.

د: شعبه پنجم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۶۵۹/۸۳ موضوع تجدیدنظرخواهی خانم صدیقه صیدی‌مرادی نسبت به دادنامه شماره ۸۰۵ مورخ ۱۳۸۳/۹/۲ شعبه ۲۴ دیوان به شرح دادنامه شماره ۱۰۷۸ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۳ چنین رأی صادر نموده است: نظر به اینکه از طرف تجدیدنظرخواه نسبت به دادنامه تجدیدنظرخواسته اعتراض موجه و مؤثری به عمل نیامده و با بررسی سوابق امر بر کیفیت رسیدگی و اعمال مقررات نیز ایراد و اشکالی که فسخ دادنامه بدوی را ایجاب نماید، مشهود نیست. بنابراین با رد تجدیدنظرخواهی دادنامه بدوی با قید رعایت مقررات ماده ۱۱۱ قانون تأمین اجتماعی در حق تجدیدنظرخوانده عیناً تأیید و استوار می‌گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

حکم مقرر در تبصره ماده واحده قانون الحاق یک تبصره به ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۷۶ که مقرر داشته است، زنان کارگر با داشتن ۲۰ سال سابقه کار و ۴۲ سال سن به شرط پرداخت حق بیمه با ۲۰ روز حقوق بازنشسته می‌شوند در واقع و نفس الامر در مقام نحوه احتساب مستمری بازنشستگی مشمولین تبصره مزبور انشاء شده است و با عموم و اطلاق حکم مندرج در ماده ۱۱۱ قانون تأمین اجتماعی که با قید عبارت «در هر حال» بر عدم جواز کاهش مستمری از کارافتادگی کلی و مستمری بازنشستگی و مجموع مستمری بازماندگان از حداقل مزد کارگر عادی تأکید کرده است، منافاتی ندارد و نافی اعتبار و آثار مترتب بر ماده اخیرالذکر نیست. بنابراین دادنامه شماره ۱۰۷۸ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۳ شعبه پنجم تجدیدنظر دیوان در خصوص تأیید ادعا و استحقاق شاکی به استفاده از مستمری بازنشستگی با رعایت ماده ۱۱۱ مذکور موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذی‌ربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضائی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

**تقاضای ابطال اساسنامه جدید سازمان های تأمین اجتماعی بازنشستگی کشوری
و خدمات درمانی، موضوع تصویب نامه های شماره ۱۴۷۴۴۸/ت/۳۷۳۰۹ هـ مورخ
۱۳۸۷/۸/۲۲ و ۸۴۷۴۲۷/ت/۳۷۲۹۶ مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۲ و ۱۴۷۴۱۶/ت/۳۸۸۳۳ هـ
مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۳ هیئت وزیران**

تاریخ: ۱۳۸۷/۱۰/۲۲ - شماره دادنامه: ۶۸۹ - کلاس پرونده: ۷۷۲/۸۷

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای محمدحسن احمدی

**موضوع شکایت و خواسته: تقاضای ابطال اساسنامه جدید سازمان های تأمین اجتماعی
بازنشستگی کشوری و خدمات درمانی موضوع تصویب نامه های شماره ۱۴۷۴۴۸/ت/۳۷۳۰۹ هـ
مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۲ و ۸۴۷۴۲۷/ت/۳۷۲۹۶ مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۲ و ۱۴۷۴۱۶/ت/۳۸۸۳۳ هـ مورخ
۱۳۸۷/۸/۲۳ هیئت وزیران**

گردش کار: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، هیئت وزیران اخیراً اساسنامه سازمان های تأمین اجتماعی و خدمات درمانی و صندوق ذخیره بازنشستگی کشوری را به تصویب رسانده است که از جهات زیر مغایر قانون است:

۱- به موجب اساسنامه های یادشده، صندوق خدمات درمانی و بازنشستگی کشوری در سازمان تأمین اجتماعی تجمیع و ادغام شده است (ماده ۲ و بند ح). ماده ۱۳ اساسنامه جدید تأمین اجتماعی و ماده ۷ اساسنامه جدید خدمات درمانی و ماده ۷ اساسنامه صندوق بازنشستگی کشوری. در حالی که این اقدام مغایر قانون است، زیرا اولاً ماده ۱۷ قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی ترکیب مجمع عمومی یا هیئت امنای صندوق های بیمه ای را مشخص کرده و ماده ۷ اساسنامه خدمات درمانی و بازنشستگی کشوری مغایر این ماده است و ثانیاً ماده ۱۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری که مورد استناد هیئت وزیران بوده است، اجازه تجمیع و ادغام صندوق ها را به دولت نداده است، بلکه مقرر کرده که دولت مکلف است اقدام قانونی لازم را برای تجمیع صندوق ها انجام دهد و اقدام قانونی برای این امر ارائه لایحه به مجلس شورای اسلامی است، نه این که خود دولت صندوق های مذکور را تجمیع کند. به علاوه ماده ۱۱۳ قانون مدیریت اصولاً شامل خدمات درمانی نیست.

۲- ماده ۶ اساسنامه های جدید سازمان تأمین اجتماعی که ترکیب هیئت امنای را تعیین نموده است، مغایر نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی است، زیرا تعیین قطعی نمایندگان دولت در شورای سازمان تأمین اجتماعی و ذکر آن در اساسنامه، برخلاف بند یک قسمت (الف) ماده ۱۷ قانون فوق الذکر بوده و عملاً پیشنهاد وزیر وقت (مربوط به همه ادوار) رفاه و تأمین اجتماعی جهت تعیین نمایندگان دولت منتفی شده است.

۳- تبصره یک ماده ۹ اساسنامه تأمین اجتماعی موضوع انتخاب رئیس هیئت مدیره توسط رئیس شورا (رئیس جمهور) برخلاف قسمت (ب) ماده ۱۷ قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی است که مقرر داشته رئیس هیئت مدیره توسط اعضای هیئت مدیره انتخاب می شود. این تبصره همچنین در مورد انتخاب مدیرعامل برخلاف قسمت (ج) ماده ۱۷

فوق‌الذکر می‌باشد.

۴- ماده ۷ اساسنامه خدمات درمانی و اساسنامه صندوق بازنشستگی کشوری باعث سلب امکان مشارکت واقعی خدمت‌گیرندگان و ذینفعان صندوق و حذف اختیارات وزیر رفاه و تأمین اجتماعی در تعیین اعضای شورای این صندوق می‌باشد.

۵- سازمان خدمات درمانی قبل از واگذاری به سازمان تأمین اجتماعی، شرکت دولتی بوده و امکان وابستگی یک شرکت دولتی به یک مؤسسه عمومی غیردولتی (سازمان تأمین اجتماعی) در هیچ‌یک از قوانین موضوعه پیش‌بینی نگردیده است. مدیرکل دفتر امور حقوقی دولت در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۱۸۴۶۶۱/۶۴۵۲ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۰ در خصوص هر یک از خواسته‌های شاکی به تفکیک اعلام نموده است:

۱- امکان تجمیع صندوق‌های بیمه‌ای با تصویب دولت: شاکی استدلال نموده که منظور از تکلیف دولت به انجام اقدامات قانونی لازم برای تجمیع صندوق‌ها، ارائه لایحه به مجلس شورای اسلامی است. در حالی که عبارت «اقدامات قانونی لازم را به عمل آورد» در ماده ۱۱۳ به هیچ‌وجه دلالت بر آن ندارد که دولت باید به منظور تجمیع صندوق‌های بازنشستگی لایحه به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید، زیرا اولاً در هر مورد که قانون‌گذار نظر به ضرورت ارائه لایحه داشته، صریحاً به آن اشاره نموده است. ثانیاً در موضوع مشابه به موجب قانون اصلاح مواد ۲ و ۴ قانون برنامه سوم توسعه در مورد «شرکت‌های مادر تخصصی» مقرر شده بود که «دولت مکلف است نسبت به اصلاح اساسنامه این گروه شرکت‌ها به نحو مقتضی اقدام قانونی نماید.» بر این اساس دادخواستی به خواسته ابطال اساسنامه سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی مصوب هیئت وزیران تقدیم دیوان عدالت اداری گردید و هیئت عمومی دیوان عدالت اداری بر اساس دادنامه شماره ۵۷۴ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۸ تأکید نمودند که اساسنامه یادشده، به اذن مقنن، به تصویب هیئت وزیران رسیده و مغایرتی با قانون ندارد. ثالثاً تکلیف به اقدام قانونی از سوی خود قانون‌گذار، ظهور، بلکه صراحت در جواز اقدام دولت دارد. زیرا جایی که قانون‌گذار مجربان را به امری مکلف می‌نماید، موکول نمودن اجرای قانون به کسب تکلیف مجدد از قانون‌گذار موجه نیست.

۲- شمول ماده ۱۱۳ بر صندوق بیمه خدمات درمانی: ایراد دیگر شاکی آن است که موضوع ماده ۱۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری «صندوق‌های بازنشستگی» است و صندوق بیمه درمانی، صندوق بازنشستگی نیست تا مشمول ماده ۱۱۳ قرار گیرد. در حالی که قانون‌گذار عبارت «صندوق‌های بازنشستگی» را به معنی صندوق‌هایی که موضوع فعالیت آن‌ها صرفاً بازنشستگی است به کار برده است، بلکه به صراحت، صندوق‌های تأمین اجتماعی را از مصادیق «صندوق‌های بازنشستگی» برشمرد است و آنچه در ماده ۱۱۳ مورد حکم قرار گرفته است، عبارت است از «تجمیع کلیه صندوق‌های بازنشستگی اعم از کشوری و تأمین اجتماعی در سازمان تأمین اجتماعی». قانون‌گذار صندوق‌های بازنشستگی را شامل دو دسته (صندوق‌های بازنشستگی کشوری و صندوق‌های بازنشستگی تأمین اجتماعی) دانسته و هر دو دسته را مورد حکم قرار داده است. منظور از صندوق‌های بازنشستگی کشوری روشن است و سازمان

بازنشستگی کشوری و صندوق‌هایی مانند صندوق کارکنان صنعت بیمه، صندوق کارکنان شرکت ملی نفت، صندوق کارکنان مخابرات، صندوق کارکنان بانک مرکزی و سایر صندوق‌های مشابه را شامل می‌شود. اما اصطلاح صندوق‌های بازنشستگی تأمین اجتماعی نیاز به تأمل بیشتر دارد. قطعاً منظور از این اصطلاح، سازمان تأمین اجتماعی نیست، زیرا غیرمنطقی است قانون‌گذار حکم به تجمیع سازمان تأمین اجتماعی در خود سازمان مذکور نموده باشد. بنابراین باید مصادیق این نوع صندوق‌ها روشن شود. از طرفی اصطلاح تأمین اجتماعی در اصل ۲۹ قانون اساسی و همچنین در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی از جمله مواد ۱ و ۲ تعریف شده و شامل بیمه بازنشستگی، فوت (بازماندگان)، ازکارافتادگی کلی و جزئی، حوادث ناشی از کار و غیر از کار، بیکاری و خدمات درمانی است. بنابراین صندوقی که تمام یا قسمتی از خدمات بیمه‌ای تأمین اجتماعی را عهده‌دار باشد، مشمول حکم ماده ۱۱۳ خواهد بود. مضافاً این که در غیر این صورت باید ملتزم شد که صرفاً صندوق‌هایی که خدمات بیمه بازنشستگی ارائه می‌دهند، مشمول ماده ۱۱۳ قرار می‌گیرند و این ادعا موجب بلاموضوع ماندن ماده ۱۱۳ و غیرعقلایی خواهد بود. چراکه فعالیت هیچ صندوقی محدود به بازنشستگی نیست و حتی صندوق‌هایی که خدمات درمانی ارائه نمی‌دهند، دست‌کم خدمات ازکارافتادگی، مستمری بازماندگان و غیره را ارائه می‌نمایند.

۳- ادعای مغایرت بند (الف) ماده ۶ اساسنامه سازمان تأمین اجتماعی با جزء یک بند (الف) ماده ۱۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی: شاکی تعیین نمایندگان دولت در شورای سازمان تأمین اجتماعی به ترتیب مقرر در بند (الف) ماده ۶ اساسنامه سازمان تأمین اجتماعی را «تعیین قطعی» (غیرقابل تغییر) قلمداد نموده و بر این مبنا آن را مغایر جزء یک بند (الف) ماده ۱۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی دانسته و استدلال نموده است که این حکم، اختیار قانونی وزیر رفاه و تأمین اجتماعی برای پیشنهاد اعضا هیئت‌امنا را منتفی می‌سازد. درحالی‌که، موقت بودن عضویت اعضای شورا و نیز تصریح به امکان جایگزینی پیش از موعد و نیز تجدید انتخاب آن‌ها به نحو مقرر در ماده ۷ در انطباق با ماده ۱۷ قانون ساختار و نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی پیش‌بینی شده و اختیار قانونی وزیر رفاه و تأمین اجتماعی نه تنها نفی نشده، بلکه بر اساس این ماده و بند (الف) ماده ۱۷، قانون ساختار و نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی قابل اعمال است.

۴- ایراد مندرج در بند ۴ دادخواست راجع به ترکیب هیئت‌امنا صندوق‌های بازنشستگی کشوری و بیمه خدمات درمانی متفرع بر ایراد مندرج در بند یک و اصل تجمیع صندوق‌هاست، طبعاً با تجمیع صندوق‌ها، شورای سازمان تأمین اجتماعی رکن عالی تمامی صندوق‌های زیرمجموعه می‌باشد که کاملاً منطبق با مفاد ماده ۱۷ قانون ساختار و نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و با عضویت نمایندگان دولتی و غیردولتی تشکیل می‌شود.

۵- مغایرت و وابستگی سازمان بیمه خدمات درمانی، به‌عنوان یک شرکت دولتی، به سازمان تأمین اجتماعی به‌عنوان مؤسسه عمومی غیر دولتی: اولاً شاکی در مورد این ادعا مستند قانونی که مصوبه دولت مغایر با

آن باشد، اعلام نکرده است. در حالی که به صراحت ماده ۳۸ قانون دیوان عدالت اداری ذکر ماده قانونی که اعلام مغایرت مصوبه با آن شده، ضروری است. ثانیاً، عنایت دارند، شرکت‌های دولتی متعددی به سازمان تأمین اجتماعی واگذار شده و می‌شود و طبعاً بعد از واگذاری، وابستگی شرکت دولتی به سازمان تأمین اجتماعی موضوعیت ندارد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

الف: به شرح قسمت اخیر تبصره ۲ ماده ۱۱ اصلاحی قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۸۰ «اصلاح» اساسنامه سازمان بازنشستگی کشوری به تصویب هیئت وزیران موکول شده و در ماده ۱۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳ نیز تصریح گردیده که وزارت رفاه و تأمین اجتماعی مکلف است نسبت به بررسی و «اصلاح» اساسنامه‌های کلیه دستگاه‌های اجرایی، صندوق‌ها و نهادهای دولتی و عمومی فعال در قلمروهای بیمه‌ای، حمایتی و امدادی نظام و سایر دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است، اقدام کند و مراتب را پس از تأیید شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی به تصویب هیئت وزیران برساند و به موجب ماده ۱۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۵ دولت مکلف شده است که تا پایان قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خصوص تجمیع کلیه صندوق‌های بازنشستگی، اعم از کشوری و تأمین اجتماعی، در سازمان تأمین اجتماعی اقدامات قانونی لازم را به عمل آورد. نظر به این که هیئت دولت در اجرای احکام مقنن مبادرت به تصویب اساسنامه‌های مورد اعتراض نموده است و عبارت «اقدامات قانونی لازم» مذکور در ماده اخیرالذکر نیز بر اساس هیچ‌یک از دلالات منطقی و اصولی، ملازمه‌ای با تهیه لایحه قانونی در جهت تحقق حکم قانون‌گذار در باب تجمیع صندوق‌های بازنشستگی ندارد، بنابراین مصوبات مورد اعتراض از جهات فوق‌الاشعار مغایرتی با قانون ندارد و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی نمی‌باشد.

ب: ماده ۷ اساسنامه صندوق خدمات درمانی و ماده ۷ اساسنامه صندوق بازنشستگی کشوری که مقرر داشته است «اعمال وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های شورا و رئیس آن، به ترتیب، بر عهده هیئت‌مدیره سازمان و رئیس هیئت‌مدیره سازمان یادشده می‌باشد.» مبتنی بر احکام قانون‌گذار در باب تجمیع صندوق‌های بازنشستگی کشوری و تأمین اجتماعی و خدمات درمانی و اختیارات هیئت وزیران در اصلاح و تصویب اساسنامه سازمان‌های مزبور است و مغایرتی با قانون ندارد.

ج: ماده ۲ اساسنامه سازمان تأمین اجتماعی در باب تبیین وظایف و مسئولیت‌های آن سازمان از جمله ارائه خدمات درمانی و اداره صندوق‌های بیمه اجتماعی و درمانی مربوط و ماده ۶ اساسنامه مزبور در خصوص ترکیب اعضای شورای سازمان و از جمله مشتمل بر عضویت هشت نفر از نمایندگان دولت موضوع بند (الف) ماده ۶ مذکور و همچنین بند (ح) ماده ۱۳ آن اساسنامه که اعمال اختیارات مجمع عمومی شورا یا هیئت‌امنای

صندوق‌های بیمه‌ای اجتماعی و درمانی، از جمله صندوق بازنشستگی کشوری، صندوق خدمات درمانی و صندوق بیمه روستاییان و عشایر در زمره وظایف و اختیارات هیئت‌مدیره سازمان قرار داده، در جهت تحقق اهداف قانون‌گذار به شرح قوانین فوق‌الذکر و اعمال اختیارات قانونی قوه مجریه در مقام اصلاح یا تنظیم اساسنامه سازمان‌های مزبور و امر تجمیع آن‌ها به تصویب رسیده است و مغایرتی با قانون ندارد و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی نمی‌باشد.

د: در قسمت اخیر بند (ب) شق ۲ ماده ۱۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی تصریح شده است که رئیس هیئت‌مدیره توسط هیئت‌مدیره و از بین آنان انتخاب می‌شود. همچنین حسب بند (ج) شق ۲ ماده فوق‌الذکر مدیرعامل سازمان به پیشنهاد هیئت‌مدیره و تصویب شورا یا مجمع یا هیئت‌امنای مربوطه انتخاب می‌شود. بنابراین تبصره یک ماده ۹ اساسنامه سازمان تأمین اجتماعی که انتخاب رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل سازمان را در اختیار رئیس شورای سازمان قرار داده است، مغایر حکم مقنن و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی می‌باشد و مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ماده یک و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال می‌گردد.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - علی رازینی

رأی شماره ۷۸۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص اینکه بازنشستگی نافی حقوق مکتسبه کارمند در زمان اشتغال نمی باشد

شماره هـ/۸۷/۸۰۴- تاریخ: ۱۳۸۷/۱۱/۸- شماره دادنامه: ۷۸۹- کلاسه پرونده: ۸۰۴/۸۷

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: خانم اعظم السادات سیدصالح

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۵ تجدیدنظر و ۱۱ دیوان عدالت اداری مقدمه:

الف: شعبه ۱۱ دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۸۵۶/۸۴ موضوع شکایت خانم فاطمه صمدی به طرفیت راه آهن جمهوری اسلامی ایران به خواسته یک گروه تشویقی به شرح دادنامه شماره ۸۶۳ مورخ ۱۳۸۵/۷/۱۹ چنین رأی صادر نموده است: شاکي مدعی هستند، چون طبق مصوبه هیئت وزیران به کارکنانی که پس از سال ۱۳۸۲ کارمند نمونه انتخاب گردیدند، یک گروه تشویقی تعلق می گیرد و در سال ۱۳۸۳ قبل از بازنشستگی به عنوان کارمند برتر شناخته شده اند. در نتیجه استحقاق اخذ یک گروه تشویقی را دارد. طرف شکایت در لایحه شماره ۲۸۹ مورخ ۱۳۸۵/۳/۳ اعلام داشته است، احراز نمونه بودن کارمند در سال ۱۳۸۳ و قبل از بازنشستگی بوده است، ولی اجرای گروه تشویقی بابت لیاقت های ویژه از تاریخ ۱۳۸۴/۶/۱۶ می باشد و شاکي در این تاریخ شاغل نبوده اند، لذا رد شکایت یادشده مورد استدعاست. با عنایت به مراتب مذکور و ملاحظه شرح شکایت و بررسی اسناد و مدارک، علی الخصوص لایحه دفاعیه که احراز برتری کارمند را اعتراف دارند، و با توجه به اینکه قبل از بازنشستگی استحقاق گروه تشویقی را داشته است و بازنشستگی بعدی نافی حق مکتسبه نمی باشد، لذا شکایت را صحیح تشخیص و رأی به ورود شکایت صادر و اعلام می گردد.

ب: شعبه پنجم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۷۰۹/۸۵ موضوع تجدیدنظرخواهی شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران، نسبت به دادنامه شماره ۸۶۳ مورخ ۱۳۸۵/۷/۱۹ شعبه ۱۱ دیوان به شرح دادنامه شماره ۱۳۳ مورخ ۱۳۸۶/۳/۲۰ چنین رأی صادر نموده است، از آنجایی که تنها مستمسک اداره تجدیدنظرخواه پاسخ استفساریه سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به شماره ۹۰۷/۷۲۸۸۷ مورخ ۱۳۸۵/۶/۷ می باشد که در آن اشاره شده، تاریخ اجرای مزایای گروه تشویقی مزبور درباره مشمولان، از تاریخ ابلاغ بخشنامه، ۱۳۸۴/۶/۱۶ خواهد بود. لذا منعی برای استحقاق تجدیدنظرخواه در بهره مندی از گروه تشویقی به نظر نمی رسد و چون لایحه جدید نظرخواهی متضمن ایراد و دفاع مؤثری نسبت به دادنامه معترض عنه نمی باشد و از طرفی بر کیفیت رسیدگی و رعایت تشریفات قانونی و قواعد آیین دادرسی نیز ایرادی مترتب نمی باشد، با استناد به ماده ۴۷ قانون دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۸۵ ضمن رد دعوی تجدیدنظرخواهی، دادنامه بدوی را عیناً تأیید و استوار می نماید.

ج: شعبه یازدهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۹۰۶/۸۶ مورخ ۱۳۸۵/۷/۱۹ موضوع شکایت خانم اعظم السادات سیدصالح به طرفیت شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران به خواسته اعطاء گروه تشویقی بابت کارمند نمونه به شرح دادنامه شماره

۵۰۶ مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۹، چنین رأی صادر نموده است: طرف شکایت اعلام نموده چون شاکی قبل از صدور بخشنامه در تاریخ ۱۳۸۴/۶/۱۶ بازنشسته شده و مصوبه مذکور در خصوص شاغلین قابل اجرا می‌باشد و این مطلب طی نظریه صادرکننده بخشنامه شماره ۹۰۷/۷۲۸۸۷ مورخ ۱۳۸۵/۶/۷ مورد تأیید و تصدیق قرار گرفته است، اعطاء گروه تشویقی را شامل حال شاکی ندانسته و تقاضای رد شکایت وی را نموده است. با عنایت به مراتب گرچه در بند ۴ بخشنامه اجرای مفاد، آن را تا سال ۱۳۸۲ عطف به ماسبق نموده و مشمولین واجد شرایط در سنوات قبل از تاریخ صدور بخشنامه منتفع اعلام نموده، لیکن نظر به اینکه اصولاً مصوبات و چنین بخشنامه‌هایی در مورد شاغلین تصویب و اجرا می‌شود، همچنان که در صدر بخشنامه موصوف اعطاء گروه تشویقی را جهت تقویت انگیزه، تشویق و حفظ و نگهداری افراد صاحب خلاقیت و ابتکار منظور نموده است و این امر دلالت بر شمول بخشنامه برای شاغلین دارد و در مورد شاکی که قبل از صدور آن و در تاریخ ۱۳۸۴/۱/۶ بازنشسته گردیده قابل اجرا نمی‌باشد، لذا حکم به رد شکایت شاکی صادر و اعلام می‌نماید.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

الف: تعارض بین آراء فوق‌الذکر با توجه به محتویات آن‌ها محرز به نظر می‌رسد.

ب: نظر به اینکه اعطاء گروه تشویقی معطوف به خدمات شایسته مستخدمین واجد شرایط دولت و در مقام قدردانی و تشویق آنان به واسطه ارائه خدمات برجسته است و در نتیجه تعلق آن مبتنی بر ایام اشتغال به خدمت و از مصادیق حقوق مکتسب قانونی می‌باشد که بازنشستگی نافذ حق مذکور نیست، بنابراین دادنامه شماره ۱۳۳ مورخ ۱۳۸۶/۳/۲۰ شعبه پنجم تجدیدنظر که مبین این معنی است، صحیح و موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذی‌ربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - رهبر پور

رأی شماره ۸۷۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص اشتغال افراد بعد از بازنشستگی یا بازخریدی در شرکت مخابرات (در زمان دولتی بودن شرکت مذکور) ممنوع بوده و احتساب سنوات خدمتی آنان و جاهت قانونی ندارد

تاریخ: ۱۳۸۸/۱۲/۱۰ - شماره دادنامه: ۸۷۲ - کلاسه پرونده: ۹۲۳/۸۸

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: خانم طاهره والی نژاد

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۴ و ۷ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری گردش کار:

الف: شعبه بیستم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۸۱/۷۵۳، موضوع شکایت خانم طاهره والی نژاد به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به خواسته الزام به احتساب سوابق حق بیمه از تاریخ ۱۳۷۴/۱۰/۲۱ لغایت ۱۳۷۸/۱۱/۲۷، طی دادنامه شماره ۱۰۰۹ مورخ ۱۳۸۲/۷/۱۷، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی نموده است. با توجه به مندرجات دادخواست تقدیمی و لایحه جوابیه، نظر به این که خواهان حسب اقرار پس از بازخرید از خدمت شدن دوباره در شرکت متبوع بازخرید شده، اشتغال به کار پیدا کرده که حسب حکم مقرر در تبصره ۴ ماده واحده قانون اصلاح تبصره یک ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری و الحاق سه تبصره به آن اشتغال مجدد مشارالیهها منع و اثر قانونی بر اشتغال اخیر مترتب نمی‌باشد، بنابراین دعوی احتساب سوابق بلاوجه تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌شود.

ب: شعبه چهارم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ت ۹۷۸/۸۲/۴، موضوع تجدیدنظرخواهی خانم طاهره والی نژاد نسبت به دادنامه شماره ۱۰۰۹ مورخ ۱۳۸۲/۷/۱۷ شعبه بیستم دیوان، طی دادنامه شماره ۳۴۰ مورخ ۱۳۸۴/۱/۲۱، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی نموده است: نظر به این که از طرف تجدیدنظرخواه نسبت به دادنامه تجدیدنظرخواسته اعتراض موجه و مؤثری به عمل نیامده و با بررسی سوابق امر بر کیفیت رسیدگی و اعمال مقررات نیز ایراد و اشکالی که فسخ دادنامه بدوی را ایجاب نماید، مشهود نیست، بنابراین با رد تجدیدنظرخواهی دادنامه بدوی عیناً تأیید و استوار می‌گردد.

ج: شعبه ششم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۴۶۳/۸۱، موضوع شکایت خانم ملک تاج زندی نژاد به طرفیت شعبه ۱۳ تأمین اجتماعی تهران و به خواسته احتساب سنوات خدمت از تاریخ ۱۳۷۴/۱۰/۲۰ لغایت ۱۳۷۸/۱۱/۲۷ طی دادنامه شماره ۶۲۷ مورخ ۱۳۸۲/۱۳/۳ و به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی نموده است: با توجه به محتویات پرونده و پاسخ خوانده مبنی بر این که شاکی از کارکنان شرکت مخابرات ایران بوده که طی حکم ۹۰۴۸۰/الف-۲۴۳ مورخ ۱۳۷۴/۱۰/۱۶، با استناد به تبصره یک ماده واحده قانون اصلاح تبصره یک ماده ۷۴ و تبصره یک ماده یک قانون تعدیل نیروی انسانی دستگاه‌های دولتی مصوب ۱۳۶۶ از تاریخ ۱۳۷۴/۱۰/۲۰، بازخرید شده است، چون مطابق تبصره ۴ ماده واحده قانون اصلاح تبصره یک ماده ۷۴ مصوب ۱۳۶۵ هر نوع استخدام جدید به جای افراد ۱۳۸۲/۱۲/۶ و به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی نموده است: نظر به این که به موجب رأی شماره

۷۶/۵۲۵۶ مورخ ۱۳۷۹/۴/۸ هیئت حل اختلاف که در این گونه موضوعات فصل الخطاب است، سابقه کارگری تجدیدنظر خواه از تاریخ ۱۳۷۴/۱۰/۲۰ لغایت ۱۳۷۸/۱۱/۲۷ احراز گردیده که بر این اساس به حکم بند (الف) ماده ۴ قانونی که باز خرید یا بازنشسته می شوند، ممنوع بوده است. لذا نامبرده حق اشتغال مجدد در شرکت مخابرات را نداشته است و اشتغال وی قانونی نیست و سوابق مذکور محاسبه نمی شود. با التفات به مراتب مذکور نظر به این که خواسته غیر قانونی می باشد و سازمان تأمین اجتماعی هم تخلفی از مقررات نکرده است، لذا حکم به رد شکایت صادر می گردد.

د: شعبه هفتم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۳۳۱/۸۲، موضوع تجدیدنظر خواهی خانم ملک تاج زندی نژاد نسبت به دادنامه شماره ۶۲۷ مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۳ شعبه ششم دیوان طی دادنامه شماره ۱۳۰۵ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۶ و به شرح آتی مبادرت به صدور رأی نموده است: نظر به این که به موجب رأی شماره ۷۶/۵۲۵۶ مورخ ۱۳۷۹/۴/۸ هیئت حل اختلاف که در این گونه موضوعات فصل الخطاب است، سابقه کارگری تجدیدنظر خواه از تاریخ ۱۳۷۴/۱۰/۲۰ لغایت ۱۳۷۸/۱۱/۲۷ احراز گردیده که بر این اساس به حکم بند (الف) ماده ۴ قانون تأمین اجتماعی، مشارالیه ها مشمول بهره مندی از مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی در مدت مذکور می باشد و وضعیت مشارالیه ها در این خصوص کارگری است نه کارمندی و از این حیث مشمول ممنوعیت مقرر در تبصره ۴ ماده واحده قانون اصلاح تبصره یک ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری و الحاق سه تبصره به آن نمی گردد، علی هذا تجدیدنظر خواهی را وارد تشخیص داده و با فسخ دادنامه تجدیدنظر خواسته، حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء تعارض بین آراء مذکور را محرز دانسته سپس به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید:

رأی هیئت عمومی

بنا به صراحت حکم مندرج در تبصره ۴ قانون اصلاح تبصره یک ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری و الحاق سه تبصره به آن اشتغال مجدد افراد بازنشسته و باز خرید شده در کلیه دستگاه های دولتی ممنوع بوده و در صورت اثبات اشتغال، علاوه بر اعمال مجازات مقرر در قوانین، کلیه وجوه پرداختی به آنان پس گرفته خواهد شد و دولت در قبال سوابق خدمتی آنان تعهدی نخواهد داشت و با لحاظ این که شرکت مخابرات در زمان صدور آراء معارض از جمله دستگاه های دولتی مشمول مقررات فوق بوده و اشتغال افراد بعد از بازنشستگی یا باز خریدی در شرکت مذکور ممنوع بوده است و احتساب سنوات خدمت آنان وجاهت قانونی ندارد، بنابراین دادنامه صادره از شعبه چهارم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به شماره ۳۴۰ مورخ ۱۳۸۴/۱/۲۱ که در مقام تأیید رأی شعبه بیستم دیوان به شماره ۱۰۰۹ مورخ ۱۳۸۲/۲/۱۷ صادر گردیده، در حدی که متضمن معنی فوق الذکر می باشد، منطبق با قوانین تشخیص داده می شود. این رأی طبق بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذی ربط در موارد مشابه لازم الاتباع می باشد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مبشری

رأی شماره ۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص فوق العاده جذب کارکنان غیر هیئت علمی که به تصویب هیئت امنای دانشگاه شهید بهشتی و تأیید وزیر علوم، تحقیقات و فناوری رسیده، به عنوان مزایای مستمر تلقی و مشمول کسر کسورات بازنشستگی قرار می گیرد و در حقوق بازنشستگی لحاظ می شود

تاریخ: ۱۳۸۹/۱/۲۳ - شماره دادنامه: ۵ - کلاس پرونده: ۸۷/۸۸

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای سیدباقر جلیلی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۳ و ۲۳ دیوان عدالت اداری گردش کار:

الف: شعبه بیست و دوم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۳۲۳/۸۷ موضوع شکایت آقای سیدباقر جلیلی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته برقراری حق جذب در میزان حقوق بازنشستگی به شرح دادنامه شماره ۸۷۰ مورخ ۱۳۸۷/۴/۱۸ به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی نموده است: نظر به این که مصوبه هیئت امنای بدون تدوین آیین نامه های مربوطه تصویب گردیده و از طرفی ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه از ۱۳۸۴/۱/۱ قابلیت اجرایی داشته است که از لحاظ تاریخ اجراء مؤخر بر مصوبه هیئت امنای دانشگاه مربوطه می باشد و از طرفی میزان فوق العاده های موضوع ماده ۶ قانون نظام هماهنگ اعضای غیر هیئت علمی طبق ماده قانونی تعیین می گردد. لذا شکایت شاکی غیر وارد تشخیص و به استناد مواد ۱۳ و ۲۲ قانون دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت صادر و اعلام می گردد.

ب: شعبه سوم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۳۸۹/۸۶ موضوع شکایت خانم شهین منفرد به طرفیت سازمان بازنشستگی (صندوق بازنشستگی) به خواسته برقراری فوق العاده جذب هیئت امنای کارکنان دانشگاه شهید بهشتی در حقوق بازنشستگی، طی دادنامه شماره ۲۱۴۴ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۲۲ و به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی نموده است: نظر به این که طبق بند (الف) ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی... بر اساس آیین نامه و مقررات اداری، مالی، استخدامی و تشکیلات مصوب هیئت امنای مربوطه که به تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می رسد، اداره خواهند شد و با توجه به صورت جلسه مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۶ هیئت امنای دانشگاه شهید بهشتی که به تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیز رسیده و طی شماره ۱۵/۱۰۸۹ مورخ ۱۳۸۴/۲/۱۹ جهت ابلاغ و اجرا به دانشگاه ارسال گردیده است و با عنایت به این که سازمان طرف شکایت دفاع مؤثر و موجهی در رد شکایت مطروحه اقامه و ابراز ننموده، لذا با وارد دانستن شکایت، حکم به ورود آن صادر و اعلام می گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می نماید:

رأی هیئت عمومی

با احراز تعارض آراء فوق الذکر، نظر به این که مطابق بند (الف) ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳، دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی و همچنین فرهنگستانهای تخصصی که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانههای علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذیربط میباشند، صرفاً بر اساس آیین نامهها و مقررات اداری، مالی، استخدامی و تشکیلاتی خاص مصوب هیئت امنای مربوط که به تأیید وزرای علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حسب مورد می‌رسد، بدون الزام به رعایت قانون محاسبات عمومی، قانون استخدام کشوری و سایر قوانین و مقررات عمومی اداری و مالی و استخدامی اداره خواهند شد و با توجه به این که هیئت امنای دانشگاه شهید بهشتی به موجب مصوبه مورخ ۱۳۸۳/۲/۱۶، فوق‌العاده جذب کارکنان غیرهیئت علمی را به عنوان مزایای مستمر کارکنان تلقی و مشمول کسر کسورات بازنشستگی قرار داده و مصوبه هیئت امنای به تأیید وزیر وقت علوم، تحقیقات و فناوری رسیده است، لذا دادنامه شماره ۲۱۴۴ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۲۲ شعبه سوم دیوان عدالت اداری در حدی که متضمن این معنی است، موافق موازین قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی مطابق بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

رأی شماره ۹۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص احراز شرایط و استحقاق بیمه شده جهت بازنشستگی پیش از موعد در کارهای سخت و زیان آور می بایست رسماً از سوی سازمان تأمین اجتماعی ابلاغ شود

تاریخ: ۱۳۸۹/۳/۱۰ - شماره دادنامه: ۹۰ - کلاس پرونده: ۱۰۱/۸۹

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای حجت‌اله رودبارانی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۱۵ و ۱۶ دیوان عدالت اداری گردش کار:

الف: شعبه شانزدهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس ۸۰۱/۸۷ به پرونده کلاس ۸۰۱/۸۷ موضوع شکایت آقای حجت‌اله رودبارانی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی شعبه یک استان مرکزی به خواسته تقاضای صدور حکم بازنشستگی، به لحاظ اشتغال در کارهای سخت و زیان آور، طی دادنامه شماره ۲۴۳۷ مورخ ۱۳۸۷/۹/۹ به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی نموده است: با توجه به مجموع اوراق پرونده و لایحه دفاعیه اداره مشتکی عنه که اظهار داشته است، خواهان، از تیرماه ۱۳۶۲ لغایت مردادماه ۱۳۸۴ به مدت ۸۱۵۳ روز (۲۲ سال و ۴ ماه) سابقه اشتغال متناوب و ناپیوسته در شرکت تعاونی «سفیدبال» اراک را دارا می باشد و در تاریخ ۱۳۸۳/۷/۱ مشارالیه فرم تقاضای بررسی و احراز اشتغال در کارهای سخت و زیان آور را تکمیل و به کمیته استانی تشخیص مشاغل سخت و زیان آور تسلیم نموده و کمیته استانی شغل مندرج در ردیف ۳ تقاضا را (شغل کشاورزی و مرغداری) سخت و زیان آور تشخیص داده است و با استناد به بند یک جزء (ب) قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی به ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۰/۷/۱۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام که مقرر داشته است افرادی که حداقل ۲۰ سال متوالی یا ۲۵ سال متناوب در کارهای سخت و زیان آور اشتغال داشته باشند و در هر مورد حق بیمه مدت مزبور را پرداخته باشند، می توانند تقاضای مستمری بازنشستگی نمایند و حسب بند ۳ ماده ۱۴ آیین نامه اجرایی قانون موصوف این قبیل بیمه شدگان به صرف ارائه درخواست بازنشستگی مجاز به ترک کار نبوده و می باید احراز شرایط و استحقاق آن‌ها جهت بازنشستگی پیش از موعد در کارهای سخت و زیان آور رسماً از سوی سازمان تأمین اجتماعی به آن‌ها ابلاغ شود و سپس ترک کار نمایند و با بررسی به عمل آمده مشخص شده آقای حجت‌اله رودبارانی رئیس هیئت مدیره شرکت موصوف می باشد نه به عنوان کارگر شاغل در شرکت یادشده و این که حق بیمه همه کارگران شاغل در شرکت تعاونی «سفیدبال» موت‌آباد همانند سایر بیمه شدگان به مأخذ ۳ درصد مزد و حقوق به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت شده است یعنی ۳ درصد بیمه بیکاری را پرداخت نکرده‌اند و این بدان معنی است که خود کارفرما که البته آقای رودبارانی رئیس هیئت مدیره آن است، وقوف کامل داشته است که آقای رودبارانی کارگر محسوب نمی شود تا ۳ درصد حقوق بیمه بیکاری بابت وی به سازمان پرداخت شود و همچنین برخلاف ادعای خواهان که مدعی شده شخصاً به کارهای کشاورزی و مرغداری مشغول بوده است، بر اساس لیست‌های

کارکرد ارسالی از شرکت که البته خود آقای رودبارانی نیز در مقام کارفرما آن را تأیید کرده است، کارگران مختلفی در دوره‌های گوناگون در شرکت به کشاورزی و مرغداری اشتغال داشته‌اند. فلذا مشارالیه خود به‌عنوان کارگر شاغل نبوده است، زیرا شغل اصلی وی رئیس هیئت‌مدیره بوده است. علی‌هذا با توجه به موارد معنونه دعوی مطروحه را غیروارد تشخیص و حکم به رد شکایت تقدیمی صادر و اعلام نموده است.

ب: شعبه پنزدهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۳۴۷/۸۴ و ۲۴۰۴/۸۵ موضوع شکایت آقای غلامرضا هاشمی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی شعبه یک اراک به خواسته اعتراض به نظریه شماره ۸۲۴۵۸ مورخ ۱۳۸۴/۸/۸ و گزارش مورخ ۱۳۸۴/۷/۲۵ کارشناسان سازمان تأمین اجتماعی طی دادنامه شماره ۳۱۶۳ و ۳۱۵۸ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۱۳ به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی نموده است: با توجه به محتویات پرونده اداره کل طرف شکایت، طی لایحه شماره ۱۳۰۶ مورخ ۱۳۸۵/۵/۱۲ اجمالاً اعلام نموده است، شاکي از آبان ماه ۱۳۵۷ لغایت مردادماه ۱۳۸۴ دارای ۸۴۵۰ روز (۲۳ سال و یک ماه و ۲۰ روز) سابقه پرداخت حق بیمه در شرکت لوشان و شرکت تعاونی سفیدبال اراک می‌باشد و در تاریخ ۱۳۸۳/۷/۱ تقاضای بررسی مشاغل خود در کمیته استانی تشخیص مشاغل سخت و زیان‌آور را نموده که کمیته مذکور شغل وی را با ادعای کارگر کشاورزی شرکت تعاونی سفیدبال اراک سخت و زیان‌آور تشخیص داده است و به استناد نظریه مذکور تقاضای برقراری مستمری بازنشستگی پیش از موعد در کارهای سخت و زیان‌آور نموده که بازرسان سازمان به شرکت تعاونی سفیدبال مراجعه و طبق بررسی‌های انجام‌شده مشخص شده شاکي مدیرعامل شرکت مذکور و خود کارفرما می‌باشد؛ درحالی‌که در فرم تقاضای بررسی مشاغل سخت و زیان‌آور مدعی شده کارگر کشاورزی مرغداری است و شغل وی غیرسخت و زیان‌آور می‌باشد. بنا به مراتب پیش‌گفتار به نظر این شعبه دیوان مدافعات اداره مشتکی عنه محکوم به رد است. اولاً، تشخیص شغل سخت و زیان‌آور به عهده کمیته استانی موضوع مواد ۸ و ۹ آیین‌نامه اجرایی بند ۵ جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی و الحاق ۲ تبصره به ماده ۷۶ می‌باشد و سازمان تأمین اجتماعی فقط یکی از اعضای آن می‌باشد. ثانیاً، به‌موجب بند ۴ ماده ۱۴ آیین‌نامه مذکور با احراز شرایط استفاده از بازنشستگی پیش از موعد بیمه‌شده سازمان مکلف به برقراری مستمری وی از تاریخ ترک کار می‌باشد. ثالثاً، تمسک سازمان به بند ۳ ماده ۱۴ آیین‌نامه به انجام بازرسی از کارگاه مشمول قانون سخت و زیان‌آور موضوعیت نداشته زیرا شرایط استحقاق بیمه‌شده جهت بازنشستگی پیش از موعد فقط در کمیته استانی موضوعیت دارد. رابعاً، در صورتی که سازمان به نظریه کمیته استانی معترض باشد، می‌تواند اعتراض خود را در کمیته حفاظت فنی مطرح نماید نه این‌که به‌طور یک‌جانبه رأی کمیته استانی را بلااثر نماید. خامساً، بنا به اعلام رسمی مدیرکل تعاون استان مرکزی اعضای شرکت‌های تعاونی تولید خویش فرما بوده و کلیه امور مربوط به پرورش مرغداری و کشاورزی را رأساً انجام می‌دهند، لذا دعوی مطروحه وارد تشخیص و حکم به ابطال نظریه شماره ۸۲۴۵۸ مورخ ۱۳۸۴/۸/۸ و گزارش مورخ ۱۳۸۴/۷/۲۵ کارشناسان سازمان تأمین اجتماعی و نتیجتاً برقراری مستمری بازنشستگی پیش از موعد در کارهای سخت و زیان‌آور برای شاکي صادر و اعلام می‌نماید.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

نظر به این که مطابق ماده ۸ آیین نامه اجرایی بند ۵ جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده ۷۶ مصوب ۱۳۷۱ مصوب ۱۳۸۰ تشخیص و تطبیق مشاغل سخت و زیان آور بر عهده کمیته های بدوی و تجدیدنظر استانی است و همچنین به موجب بند ۳ ماده ۱۳ آیین نامه فوق الذکر، احراز شرایط و استحقاق بیمه شده جهت بازنشستگی پیش از موعد در کارهای سخت و زیان آور می بایست رسماً از سوی سازمان تأمین اجتماعی ابلاغ شود و در همین راستا سازمان تأمین اجتماعی به جهت سمت شکات در مدیریت شرکت تعاونی تولیدی و خویش فرما بودن، آنان را کارگر محسوب نکرده است. لذا رأی شعبه شانزدهم دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۲۴۳۷ مورخ ۱۳۸۷/۹/۹ در حدی که متضمن این معنی می باشد، صحیح تشخیص گردید. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذی ربط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

رأی شماره ۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص حقوق بازنشستگی و وظیفه اعضای هیئت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی می بایست بر مبنای میانگین تمامی حقوق و مزایای مشمول کسور بازنشستگی در دو سال آخر خدمت با اعمال آخرین ضریب حقوق سال بازنشستگی محاسبه و تعیین گردد

تاریخ: ۱۳۸۹/۶/۱۵ - شماره دادنامه: ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸ - کلاس پرونده: ۴۰۰/۸۹، ۴۰۱/۸۹، ۴۰۲/۸۹

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شکات: آقایان ۱- میرستار میشن چی اصل، ۲- سیدمحمد الهی، ۳- حسن پیرانی، ۴- خانم مهری زرین قلم

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء بین دادنامه‌های شماره ۱۳۶۵ مورخ ۱۳۸۸/۷/۷، در پرونده کلاس ۳۴۲/۸۸/۴ و شماره ۱۳۲۷ مورخ ۱۳۸۸/۶/۲۸، در پرونده کلاس ۳۶۵/۸۸/۴ و شماره ۱۳۶۲ مورخ ۱۳۸۸/۷/۷، در پرونده کلاس ۴۶۶/۸۸/۴، همگی صادره از شعبه ۴ دیوان عدالت اداری و شماره ۱۵۵۳ مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۹، در پرونده کلاس ۳۴۴/۸۷/۲۱ صادره از شعبه ۲۱ دیوان عدالت اداری مبنی بر رد شکایت با دادنامه‌های شماره ۱۶۷۶ مورخ ۱۳۸۶/۸/۱۹، در پرونده کلاس ۲۱۸/۱/۸۶ صادره از شعبه اول دیوان عدالت اداری و شماره ۱۰۲۰ مورخ ۱۳۸۷/۴/۲۹، در پرونده کلاس ۴/۸۷/۱ و شماره ۹۵۵ مورخ ۱۳۸۸/۵/۴، در پرونده کلاس ۳۲۲/۸۸/۱ و شماره ۱۱۸۰ مورخ ۱۳۸۶/۶/۲۶، در پرونده کلاس ۲۶۶۷/۱/۸۵ مورخ ۲۶۶۷/۱/۸۵ همگی صادره از شعبه اول دیوان عدالت اداری و شماره ۵۸۰ مورخ ۱۳۸۶/۵/۱۵، در پرونده کلاس ۱۵۸۱/۲/۸۵ صادره از شعبه دوم دیوان عدالت اداری و شماره ۱۱۳۲ مورخ ۱۳۸۸/۷/۴، در پرونده کلاس ۴۰۶/۸۸/۳ صادره از شعبه ۳ دیوان عدالت اداری و شماره ۱۰۸۲ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲، در پرونده کلاس ۱۸۷/۱/۷/۸۱ شعبه هفتم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری مبنی بر ورود شکایت.

گردش کار:

شکات به شرح درخواست تقدیمی اشعار داشته‌اند، در خصوص الزام دانشگاه مربوطه و سازمان بازنشستگی مبنی بر اصلاح حکم بازنشستگی و اصلاح حکم برقراری حقوق بازنشستگی اعضای هیئت علمی شعب دیوان آراء متناقضی صادر نموده‌اند که به موجب آن آراء شعب چهارم و بیست و یکم، حکم به رد شکایت و شعب اول، دوم، سوم و هفتم تجدیدنظر، حکم به ورود صادر نموده‌اند. لذا با اعلام مراتب خواهان صدور و ایجاد رأی وحدت رویه گردیده‌اند. مشروح آراء به شرح زیر می باشد:

الف: شعبه ۴ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاس‌های ۳۶۵/۸۸/۴، ۳۴۲/۸۸/۴ و ۴۶۶/۸۸/۴، موضوع شکایت آقایان، حسن پیرانی، سیدمحمد الهی، میرستار میشن چی به طرفیت و دانشگاه رازی کرمانشاه، سازمان بازنشستگی به خواسته برقراری حقوق بازنشستگی بر مبنای حقوق دریافتی زمان اشتغال، طی دادنامه‌های شماره ۱۳۶۵ و شماره ۱۳۶۲ مورخ ۱۳۸۸/۷/۷ و ۱۳۳۷ مورخ ۱۳۸۸/۶/۲۸ چنین انشاء رأی نموده است: نظر بر این که اولاً تبصره ۶ ماده واحده قانون اصلاح قوانین و مقررات بازنشستگی و وظیفه مصوب ۱۳۷۴/۱۱/۲۵ که اعلام نموده حقوق بازنشستگی و وظیفه اعضای هیئت علمی و قضات با اعمال ضرایب مربوط به آنان در هر سال محاسبه و پرداخت

خواهد شد، متضمن تغییر در روش محاسبه حقوق بازنشستگی آنان نبوده و فقط متضمن لزوم اعمال ضریب هر سال در محاسبه آن می‌باشد. ثانیاً برابر ماده ۶ قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی، بانوان شاغل و خانواده‌ها و سایر کارکنان مصوب ۱۳/۲/۱۳۷۹، مبنای حقوق بازنشستگی معدل تمامی حقوق و مزایای دریافتی که ملاک کسور بازنشستگی در دو سال آخر خدمت بوده با اعمال آخرین ضریب حقوق سال بازنشستگی خواهد بود. ثالثاً مطابق ماده ۳۴ آیین‌نامه استخدامی هیئت علمی، اعضای رسمی هیئت علمی از لحاظ بازنشستگی و وظیفه، تابع مقررات بازنشستگی و وظیفه مستخدمین رسمی کشور می‌باشند و در ماده ۷۰ آیین‌نامه جدید اعضای هیئت علمی مصوب ۱۳۸۷/۵/۱ نیز بر آن تأکید شده است. رابعاً دادنامه شماره ۷۱-۷۰ مورخ ۱۳۸۱/۲/۲۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری ناظر بر نحوه تعیین حقوق بازنشستگی قضات بوده و تسری آن به اعضای هیئت علمی و اساتید دانشگاه‌ها که از حیث بازنشستگی طبق ماده ۳۴ مزبور تابع قانون استخدام کشوری هستند، توجیه قانونی ندارد. علی‌هذا شکایت غیروارد تشخیص و به استناد مواد مرقوم و مواد ۷ و ۴۸ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵، حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد.

ب: شعبه ۲۱ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۳۴۴/۸۷/۲۱، موضوع شکایت خانم مهتری زرین قلم به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به خواسته ابطال حکم بازنشستگی شماره ۳۰۲۰۳۲۷۵ مورخ ۱۳/۱۲/۱۳۸۴ و اصلاح احکام بدوی و الزام خواندگان به صدور حکم جدید، طی دادنامه شماره ۱۵۵۳ مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۹، چنین انشاء رأی نموده است: نظر به این که اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از لحاظ بازنشستگی تابع قانون و مقررات بازنشستگی مستخدمین کشوری است و مستنداً به ماده ۳۴ آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اعضای رسمی هیئت علمی جزء در مواردی که در آیین‌نامه مذکور تصریح شده از لحاظ بازنشستگی نیز قانون مارالذکر می‌باشند و لذا با توجه به موارد فوق و اصلاحات قوانین بعدی و تغییر در نحوه محاسبه حقوق بازنشستگی و ضرایب مربوط به آن‌ها سرانجام بر اساس تبصره ذیل قانون اصلاحات پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی مصوب سال ۱۳۷۹/۲/۱۳، حقوق بازنشستگی مستخدمین کشوری معدل متوسط حقوق و فوق‌العاده دو سال آخر خدمت که کسور بازنشستگی از آن‌ها دریافت می‌گردیده است، ملاک محاسبه حقوق بازنشستگی محاسبه و قرار گرفت و تبصره ۶ ماده واحده قانون اصلاح قوانین و مقررات بازنشستگی و وظیفه مصوب ۱۳۷۴/۱۱/۲۵ نیز به اعمال ضریب تصریح نموده است و اشاره‌ای به نحوه محاسبه حقوق بازنشستگی نموده است که با این کیفیت در محاسبه حقوق بازنشستگی متوسط حقوق و فوق‌العاده شغل دو سال آخر خدمت با اعمال آخرین ضریب ملاک محاسبه قرار می‌گیرد. زیرا تبصره ۶ ماده واحده قوانین و مقررات بازنشستگی و وظیفه مصوب ۱۳۷۴/۱۱/۲۵ صرفاً به ضریب اشاره نموده و لذا نحوه محاسبه طبق قوانین انجام می‌گیرد و قانون سال ۱۳۷۹ که در بالا اشاره کرد، در نحوه محاسبه هنوز به قوت خود باقی است که برای اعضای هیئت علمی نیز در تعیین معدل حقوق بازنشستگی بر این اساس، محاسبه حقوق و بازنشستگی تعیین می‌گردد و رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۷۰-۷۱ مورخ ۱۳۸۱/۲/۲۹ وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و غیره که مورد استناد شکایه قرار گرفته است، صرفاً به قضات دادگستری اشاره کرده و مشمول قضات است و اعضای هیئت علمی را شامل نمی‌گردد و به‌علاوه خواندگان نیز دعوی خواهان را طی

لایحه‌ای که ارسال نموده‌اند، بنا به مراتب فوق دعوی خواهان غیر ثابت تشخیص و با استناد به مواد ۷ و ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری حکم به رد دعوی خواهان صادر و اعلام می‌گردد.

ج: شعبه اول دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده‌های کلاسه ۲۱۸۶/۱/۸۶، ۴/۸۷/۱، ۳۲۲/۸۸/۱ و ۲۶۶۷/۱/۸۵ موضوع شکایت آقایان، غلامرضا دشتی، عطاءاله زارع‌باغبری، عزیزاله مرادی و حسین الهی به طرفیت دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه رازی کرمانشاه و سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته احتساب حقوق بازنشستگی مطابق آخرین حکم کارگزینی طی دادنامه‌های شماره ۱۶۷۶ مورخ ۱۳۸۶/۸/۱۹، شماره ۱۰۲۰ مورخ ۱۳۸۷/۴/۲۹، شماره ۹۵۵ مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۴ و شماره ۱۱۸ مورخ ۱۳۸۶/۶/۲۶، چنین انشاء رأی نموده است: نظر به این که به موجب تبصره ۶ قانون اصلاح قوانین و مقررات بازنشستگی و وظیفه مصوب ۱۳۷۴/۱۱/۲۵، حقوق بازنشستگی و وظیفه اعضای هیئت علمی و قضات از مستخدمان و دیگر کارکنان مصرح در تبصره ۵ قانون یادشده استثناء شده و حقوق اعضای هیئت علمی و قضات با اعمال ضرایب مربوط به آنان در هر سال محاسبه و پرداخت می‌شود و با عنایت به این که مقررات بند (د) ماده ۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۹ و ماده ۶ قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی و وظیفه کارکنان دولت بر مبنای معدل حقوق دو سال آخر خدمت، منحصراً ناظر به تبصره ۵ ماده واحده قانون اصلاح قوانین و مقررات بازنشستگی و وظیفه مصوب سال ۱۳۷۴ می‌باشد و قابل تسری به اعضای هیئت علمی و قضات که تابع مقررات استخدامی خاص هستند، نمی‌باشد. بنابراین با توجه به مراتب فوق و استفاده از وحدت ملاک، رأی شماره ۷۰-۷۱ مورخ ۱۳۸۱/۲/۲۹، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، حکم به ورود شکایت شاکی و الزام ادارات طرف شکایت، به محاسبه حقوق بازنشستگی نامبرده بر مبنای مقرر در تبصره ۶ ماده واحده قانون اصلاح قوانین و مقررات بازنشستگی و وظیفه سال ۱۳۷۴ صادر و اعلام می‌نماید.

د: شعبه دوم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۵۸۱/۲/۸۵، موضوع شکایت آقای دکتر تقی سالاری و به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی مشهد و سازمان بازنشستگی کشوری و به خواسته اصلاح حکم بازنشستگی به شماره ۱۱۵۵۸/۱۰ مورخ ۱۳۸۴/۲/۷ و اصلاح حکم برقراری حقوق بازنشستگی به شماره ۳۰۲۰۲۱۴۸ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۷، طی دادنامه شماره ۵۸۰ مورخ ۱۳۸۶/۵/۱۵، چنین انشاء رأی نموده است: در تبصره ۶ ماده واحده قانون اصلاح قوانین و مقررات بازنشستگی و وظیفه مصوب ۱۳۷۴/۱۱/۲۵، صرفاً مقرر می‌دارد: حقوق بازنشستگی و وظیفه اعضای هیئت علمی و قضات با اعمال ضرایب مربوط به آنان در هر سال محاسبه و پرداخت می‌شود که در این تبصره صرفاً ضریب سال آخر را مؤثر در حقوق بازنشستگی می‌داند و اساساً ضریب حقوق غیر از حقوق است و تنها یکی از عوامل مؤثر و تشکیل دهنده حقوق می‌باشد. بنابراین محاسبه حقوق اعضای هیئت علمی بر مبنای حقوق و فوق العاده شغل دو سال آخر خدمت همچنان به قوت خود باقی است. لکن از آنجا که تبصره ۶ ماده واحده اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۳ هیئت علمی را با قضات یکسان دانسته و در دادنامه شماره ۷۰-۷۱ مورخ ۱۳۸۱/۲/۲۹، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری قضات دادگستری را مستثنا نموده. به جهت این که موضوع شکایت حقوق قضات بوده است، اعمال آن در خصوص اعضای هیئت علمی به لحاظ هم‌طرزی آن‌ها در همه مواهب قانونی است. با عنایت به مراتب فوق،

شعبه به ورود شکایت شاکی رأی می‌دهد.

هـ شعبه سوم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۴۰۶/۸۸/۳، موضوع شکایت آقای علی اکبر حجت جلالی به طرفیت دانشگاه رازی کرمانشاه، سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته پرداخت حقوق بازنشستگی بر مبنای آخرین حکم کارگزینی و مطالبه مابه‌التفاوت ریالی احکام قدیم و جدید طی دادنامه شماره ۱۱۳۲ مورخ ۱۳۸۸/۷/۴، چنین انشاء رأی نموده است: نظر به این که به موجب تبصره ۶ قانون اصلاح قوانین و مقررات بازنشستگی و وظیفه، مصوب ۱۳۷۴/۱۱/۲۵، حقوق بازنشستگی و وظیفه اعضای هیئت علمی و قضات از مستخدمان و دیگر کارکنان مصرح در تبصره ۵ قانون یادشده استثناء شده و حقوق اعضای هیئت علمی و قضات با اعمال ضرایب مربوط به آنان در هر سال محاسبه و پرداخت می‌شود و با عنایت به این که مقررات بند دوم ماده ۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب سال ۱۳۷۹ و ماده ۶ قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حق بازنشستگی و وظیفه کارکنان دولت بر مبنای معدل حقوق دو سال آخر خدمت، منحصراً ناظر به تبصره ۵ ماده واحده قانون اصلاح قوانین و مقررات بازنشستگی و وظیفه، مصوب ۱۳۷۴، می‌باشد و قابل تسری به اعضای هیئت علمی و قضات که تابع مقررات خاص هستند، نمی‌باشند. بنابراین با توجه به مراتب فوق و استفاده از وحدت ملاک، رأی شماره ۷۱-۷۰ مورخ ۱۳۸۱/۲/۲۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت شاکی و الزام ادارات طرف شکایت به محاسبه حقوق بازنشستگی نامبرده بر مبنای مقرره در تبصره ۶ ماده واحده قانون اصلاح قوانین و مقررات بازنشستگی و وظیفه سال ۱۳۷۴ صادر و اعلام می‌نماید.

و: ۱- شعبه اول دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۲۰۱/۱/۷۹، موضوع شکایت آقای نصرت‌اله سعیدی به طرفیت دانشگاه فردوسی مشهد و سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته اصلاح حکم شماره ۲۱۰۸۹ مورخ ۱۳۷۹/۵/۲۴ بازنشستگی و حکم شماره ۳۷۲۲ مورخ ۱۳۷۹/۷/۵، برقراری حقوق بازنشستگی و صدور حکم جدید با منظور نمودن حق جذب با ضریب سال آخر بازنشستگی طی دادنامه شماره ۱۸۰۰ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۲۴، چنین انشاء رأی نموده است: با توجه به مدافعات خواندگان در لوائح دفاعیه تقدیمی، خصوصاً مدافعات موجه سازمان بازنشستگی کشوری بروز تخلف از مقررات از ناحیه خواندگان در اصدار حکم بازنشستگی و نیز حکم برقراری حقوق بازنشستگی شاکی احراز نمی‌شود و به همین جهت شکایت غیر وارد تشخیص و قرار رد آن صادر و اعلام می‌گردد.

۲- شعبه ۷ تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۸۷۱/۸۱/۷، موضوع تجدیدنظرخواهی آقای نصرت‌اله سعیدی نسبت به دادنامه شماره ۱۸۰۰ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۲۴، طی دادنامه شماره ۱۰۸۲ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲، چنین رأی صادر نموده است: نظر به این که بند (ب) قانون اصلاح قوانین و مقررات بازنشستگی و وظیفه مصوب سال ۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی مقرر نموده در احتساب حقوق بازنشستگی و وظیفه موضوع ماده یک و بند (ج) ماده ۸ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری حقوق تفاوت تطبیق حقوق، فوق‌العاده و سایر فوق‌العاده‌هایی که از بابت آن‌ها کسور بازنشستگی دریافت می‌شود، مورد محاسبه قرار می‌گیرد و تبصره ۶ قانون مذکور نیز مقرر می‌دارد، حقوق بازنشستگی و وظیفه اعضای هیئت علمی و قضات با اعمال ضرایب مربوط به آنان در هر سال محاسبه و پرداخت می‌شود و از آنجا که تجدیدنظرخواه عضو هیئت علمی بازنشسته دانشگاه فردوسی مشهد

می‌باشد و بر اساس مستندات فوق‌الذکر می‌بایست فوق‌العاده جذب پرداختی به ایشان مبنای احتساب در حقوق بازنشستگی وی قرار گیرد و حقوق بازنشستگی و وظیفه مشارالیه با اعمال ضرایب مربوطه در هر سال محاسبه و پرداخت شود و از باب وحدت ملاک رأی شماره ۷۱-۷۰ مورخ ۱۳۸۱/۱/۲۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نیز مؤید این امر می‌باشد. علی‌هذا تجدیدنظرخواهی را وارد تشخیص داده و با فسخ دادنامه تجدیدنظرخواسته حکم به ورود شکایت و الزام سازمان‌های مشتکی‌عنه به اصلاح حکم بازنشستگی شاکی بر مبنای احتساب فوق‌العاده جذب در حقوق بازنشستگی و پرداخت آن بر اساس ضرایب سال آخر خدمت به نامبرده صادر و اعلام می‌گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

اولاً، تعارض در آراء فوق‌الذکر محرز است. ثانیاً، حکم مقرر در تبصره یک ماده یک قانون نظام هماهنگ حقوق بازنشستگی و وظیفه، مصوب ۱۳۷۳/۶/۲۳، به موجب ماده ۱۰ قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی، بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان، مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۳ نسخ گردیده و بر اساس حکم مقرر در ماده ۶ قانون اخیرالذکر، حقوق بازنشستگی و وظیفه اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی می‌بایست بر مبنای میانگین تمامی حقوق و مزایای مشمول کسور بازنشستگی در دو سال آخر خدمت با اعمال آخرین ضریب حقوق سال بازنشستگی محاسبه و تعیین گردد. بنابراین آراء شعب چهارم و بیست‌ویکم دیوان عدالت اداری مبتنی بر رد شکایت در حدی که متضمن این معنی می‌باشد، صحیح تشخیص و موافق اصول و موازین قانونی اعلام می‌گردد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذی‌ربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

رای شماره ۲۲۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع بازنشستگی عادی افراد
مانع از بهره‌مندی آنان از حقوق مکسب و استفاده از مزایای مشاغل
سخت و زیان‌آور نخواهد بود
شماره هـ ۴۱۲/۸۹ - ۱۳۹۰/۱/۱۵

تاریخ: ۱۳۸۹/۶/۲۲ - شماره دادنامه: ۲۲۵ - کلاس پرونده: ۴۱۲/۸۹

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای غلامرضا اعمالی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء بین دادنامه شماره ۱۷۸۸ مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۸، صادره از شعبه ۱۶ دیوان عدالت اداری در خصوص پرونده کلاس ۲۵۰۰/۸۶/۱۶، مبنی بر رد شکایت با دادنامه شماره ۱۹۰ مورخ ۱۳۸۸/۲/۵، صادره از شعبه ۱۷ دیوان عدالت اداری در خصوص پرونده کلاس ۱۷/۸۷/۱۷، مبنی بر ورود شکایت.

گردش کار:

شاکی طی درخواست تقدیمی اشعار داشته، در خصوص برقراری حقوق بازنشستگی بر اساس کارهای سخت و مشاغل زیان‌آور، شعب ۱۶ و ۱۷ دیوان عدالت اداری آراء متناقضی صادر نموده‌اند و به همین لحاظ صدور رأی وحدت رویه را خواستار گردیده است. مشروح آراء به شرح زیر می‌باشد:

الف: شعبه شانزدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاس ۲۵۰۰/۸۶/۱۶، موضوع شکایت آقای غلامرضا اعمالی، به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی استان فارس (شعبه نی‌ریز) و به خواسته تقاضای برقراری مستمری بازنشستگی بر اساس اشتغال در کارهای سخت و زیان‌آور، طی دادنامه شماره ۱۷۸۸ مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۸، چنین انشاء رأی نموده است: حسب تقاضای خواهان مبنی بر بازنشستگی عادی به تاریخ ۱۳۸۳/۳/۱۳ و برقراری مستمری بازنشستگی برای وی و خواهان هیچ‌گونه دلیل و مستندی دال بر تقاضای بازنشستگی بر مبنای کارهای سخت و زیان‌آور به سازمان خوانده ارائه و ابراز ننموده، فلذا با توجه به موارد معنونه و این که خواهان در حال حاضر بازنشسته بوده و در زمان اشتغال هیچ‌گونه تقاضایی مبنی بر بازنشستگی به لحاظ اشتغال در کارهای سخت و زیان‌آور ارائه و ابراز ننموده. فلذا دعوی مطروحه را غیروارد تشخیص و حکم به رد شکایت تقدیمی صادر و اعلام می‌گردد.

ب: شعبه هفدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۷/۸۷/۱۷، موضوع شکایت آقای نعمت‌اله دهقانی، به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی شعبه نی‌ریز (استان فارس) به خواسته الزام سازمان به قبول و احتساب سابقه در کارهای سخت و زیان‌آور، طی دادنامه شماره ۱۹۰ مورخ ۱۳۸۸/۲/۵، چنین انشاء رأی نموده است: نظر به این که آنچه مسلم است مشارالیه به مدت بیش از ۲۵ سال در کارهای سخت و زیان‌آور اشتغال به کار داشته و مطابق بند یک شق (ب) ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی داشتن حداقل ۲۰ سال سابقه متوالی با ۲۵ سال متناوب در کارهای

موصوف که محل سلامت شناخته شده و برای احراز بازنشستگی پیش از موعد کافی دانسته شده و نامبرده در ازمنه مورد اشتغال حق بیمه را پرداخت نموده، مضافاً این که نسبت به ایام فوق‌الذکر کمیته استانی اعلام‌نظر نموده و سخت و زیان‌آور بودن مشاغل وی را تأیید کرده و از طرفی بازنشسته‌شدن فرد ولو با تقاضای خود به صورت عادی نمی‌تواند حق مکتسبه وی را در زمان اشتغال تزییع نماید و هر کس حق دارد از مزایای قانونی سوابق اشتغال خود بهره‌مند گردد و با عنایت به این که قطع رابطه و ترک کار نیز مانع استفاده از حقوق کسبه شده نامبرده نمی‌گردد، بنابراین با احراز حقانیت شاکی و با استناد به قانون اصلاح تبصره الحاقی به ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی و اصلاحات بعدی آن و آیین‌نامه اجرایی مربوطه و مواد ۱۴۸ قانون کار و ۳۶ قانون تأمین اجتماعی و ۱۳ دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت و الزام سازمان به برقراری مستمری بازنشستگی شاکی به جهت اشتغال به مشاغل سخت و زیان‌آور صادر و اعلام می‌گردد.

هیئت عمومی دیوان در تاریخ فوق با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

اولاً: تعارض در آراء شماره ۱۷۸۸ مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۸ صادره از شعبه ۱۶ و ۱۹۰ مورخ ۱۳۸۸/۲/۵ شعبه ۱۷ دیوان عدالت اداری که به ترتیب بر رد شکایت و ورود آن صادر گردیده‌اند به نظر محرز می‌باشد.

ثانیاً: بر اساس بند ۱ از شق (ب) ذیل بند ۲ تبصره ۲ ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ با اصلاحات بعدی، قانون‌گذار در حمایت از کسانی که به کارهای سخت و زیان‌آور (محل سلامت) اشتغال داشته‌اند هر سال سابقه پرداخت حق بیمه در کارهای مذکور را برای آنان یک سال‌ونیم محاسبه کرده است و از آنجا که مطابق رأی وحدت رویه شماره ۴ مورخ ۱۳۸۸/۱/۱۶ بازنشستگی عادی اشخاص مشمول قانون، مانع از بهره‌مندی آنان از حقوق مکتسب و استفاده از مزایای مشاغل سخت و زیان‌آور نیست، بنا به مراتب دادنامه شماره ۱۹۰ مورخ ۱۳۸۸/۲/۵ شعبه ۱۷ دیوان که مبین این معنی است موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود.

این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و مفاد ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط، در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

رأی شماره‌های ۵۱۱-۵۱۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع لزوم احتساب مدت خدمت تمام‌وقت در وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداری‌ها از لحاظ تعیین پایه و بازنشستگی و حقوق وظیفه به‌عنوان سابقه خدمت دولتی
شماره هـ ۷۷۴/۸۹-۱۳۸۹/۱۲/۸

تاریخ: ۱۳۸۹/۱۱/۱۸ - شماره دادنامه: ۵۱۱، ۵۱۲ - کلاس پرونده: ۷۷۵، ۷۷۴/۸۹

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شکات: خانم اشرف‌السادات حسین‌پور، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد

**موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری
گردش کار:**

شعبه هفتم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شکایت خانم اشرف‌السادات حسن‌پور به خواسته احتساب سوابق خدمت روزمزدی و قراردادی در سوابق خدمت به‌موجب دادنامه ۱۲۸۰ مورخ ۱۳۸۲/۶/۱۵ به‌جهت وجود نداشتن مستند قانونی برای قابلیت احتساب ایام قبل از استخدام پیمانی به‌عنوان سابقه خدمت حکم به رد شکایت صادر کرده است و شعبه سوم دیوان عدالت اداری در پرونده کلاسه ۲۴۲۳/۳/۸۴ و به‌موجب دادنامه ۲۸۱۰ مورخ ۱۳۸۵/۷/۸ و شعبه چهارم دیوان عدالت اداری در پرونده کلاسه ۵۲۲/۴/۸۶ و به‌موجب دادنامه ۱۴۷۸ مورخ ۱۳۸۶/۹/۲۰ و شعبه هشتم دیوان عدالت اداری در پرونده کلاسه ۲۰۲/۸/۸ و به‌موجب دادنامه ۲۲۴۵ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۴ در خصوص شکایت شکات به خواسته احتساب ایام خدمت روزمزدی و قراردادی در سوابق خدمتی مستند به مواد ۱۵۰ و ۱۵۱ قانون استخدام کشوری حکم بر ورود شکایت صادر کرده‌اند.

خانم اشرف‌السادات حسن‌پور و دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد که محکوم علیه ۳ پرونده منتهی به حکم به ورود شکایت می‌باشد به‌موجب درخواست‌های تقدیمی خواهان صدور رأی وحدت رویه گردیده‌اند.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

اولاً: تعارض بین رأی شعبه هفتم دیوان به شماره دادنامه ۱۲۸۰ مورخ ۱۳۸۲/۶/۱۵ با رأی شعبه سوم به شماره دادنامه ۲۸۱۰ مورخ ۱۳۸۵/۷/۸ و رأی شعبه چهارم به شماره دادنامه ۱۴۷۸ مورخ ۱۳۸۶/۹/۲۰ و رأی شعبه هشتم به شماره دادنامه ۲۲۴۵ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۴ محرز و مسلم می‌باشد.

ثانیاً: با توجه به تعریف خدمت دولتی به شرح بند (ب) ماده یک لایحه قانونی استخدام کشوری و وجوه مشخصه

آن از حیث اشتغال به کار مستمر در یکی از واحدهای دولتی، به دستور مقام ذیصلاح و دریافت حقوق یا دستمزد در قبال انجام وظایف محوله و ضرورت احتساب آن به عنوان سوابق خدمت دولتی به شرح مقرر در ماده ۳۴ لایحه قانونی مذکور و سایر مقررات مربوط و با عنایت به اطلاق ماده ۱۵۱ قانون استخدام کشوری بر لزوم احتساب مدت خدمت تمام وقت در وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها در اجرای قانون مذکور از لحاظ تعیین پایه و بازنشستگی و حقوق وظیفه به عنوان سابقه خدمت دولتی، آراء شعب سوم، چهارم و هشتم دیوان عدالت اداری به شماره ۲۸۱۰ مورخ ۱۳۸۵/۷/۸ و شماره ۱۴۷۸ مورخ ۱۳۸۶/۹/۲۰ و شماره ۲۲۴۵ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۴ که شکایت را وارد دانسته‌اند، در حدی که متضمن معنی فوق می‌باشند، صحیح و مطابق قانون تشخیص می‌گردند. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذی ربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

رأی شماره ۱۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع سلب برخی از حقوق استخدامی به لحاظ عدم تقاضای باز خریدی و بازنشستگی در مهلت تعیین شده خلاف قانون می باشد

شماره هـ ۶۰۶/۸۸ - ۱۳۹۰/۲/۵

تاریخ: ۱۳۹۰/۱/۲۲ - شماره دادنامه: ۱۱ - کلاسه پرونده: ۶۰۶/۸۸

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای محمدحسن غلامعلی تهرانی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۴ دستورالعمل بازنشستگی تشویقی و باز خرید سنوات خدمت اختیاری

گردش کار:

شاکی به موجب دادخواست تقدیمی حذف و ابطال ماده ۴ دستورالعمل بازنشستگی تشویقی و باز خرید سنوات اختیاری به شماره ۴۴/۲۹ مورخ ۱۳۸۵/۷/۱۱ شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران که اشعار می دارد: ماده ۴: در صورتی که کارکنان ثابت حائز شرایط بند (ب) مندرج در قسمت تعاریف این دستورالعمل که پس از گذشت دو ماه از تاریخ ابلاغ نامه امور پرسنلی و رفاه، درخواست بازنشستگی خود را به شرکت ارائه نمایند، تا پایان خدمت فقط از حقوق و مزایای حکمی و پاداش عیدی (پایان سال) بهره مند خواهند شد.

تبصره - در صورت ادامه خدمت به این دسته از کارکنان اضافه کاری، فوق العاده مأموریت، بهره‌موری و کارانه، پاداش‌های سالیانه و وام‌های مسکن و ضروری به استثنای جیره غذایی و خواربار پرداخت نخواهد شد.

مشتکی عنه به موجب لایحه دفاعیه شماره ۱۹۳۱۰/۱۹۷۸ مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۱، اشعار داشته است.

شورای معاونین شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران با تدوین و تصویب دستورالعمل بازنشستگی تشویقی به منظور تشویق کارکنانی که به موجب ضوابط قانون تأمین اجتماعی، شرایط درخواست بازنشستگی اختیاری را دارا بوده و در مهلت مقرر در دستورالعمل درخواست بازنشستگی خود را ارائه می نمودند، بر اساس دستورالعمل مذکور علاوه بر استفاده از پاداش پایان خدمت که در قانون پیش‌بینی گردیده است، از مزایای مندرج در دستورالعمل اشاری (به میزان سه ماه حقوق و مزایا) بر اساس آخرین حکم کارگزینی برخوردار می گردند که بنا به توضیح فوق:

اولاً: دستورالعمل مذکور مخالف با قوانین آمره نبوده و شرکت کشتیرانی جهت تشویق پرسنل خود که دارای شرایط

قانونی بازنشستگی بوده‌اند این دستورالعمل را تدوین نموده تا با برقراری تناسب منطقی در ترکیب نیروی

انسانی از طریق کاهش نیروهایی که صرفاً دارای شرایط بازنشستگی بوده و همچنین فراهم نمودن جذب

نیروهای جوان جوئی کار و افزایش انگیزه برای کارکنان واجد شرایط که تماماً در اهداف دستورالعمل مورد

نظر پیش‌بینی و خواهان در ضمایم دادخواست خود آن‌ها را تقدیم آن هیئت محترم نموده است.

ثانیاً: بنا به مراتب فوق، دستورالعمل اشاری جزو آیین‌نامه‌ها و مقررات داخلی این شرکت می باشد و مغایرتی نیز با

قوانین موضوعه از جمله قانون اساسی که قانونی عام و فراگیر می‌باشد نیز ندارد. زیرا استناد خواهان به اصل بیست‌ونهم قانون اساسی که در دادخواست خود سهواً بند ۹ از فصل سوم قانون موردنظر نامبرده شده ارتباطی به موضوع نداشته، زیرا به‌موجب اصل مذکور آحاد جامعه و همگان حق برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی و... را دارا بوده و دولت نیز مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم خدمات و حمایت‌های مالی را برای یک‌یک افراد کشور تأمین نماید، ملاحظه می‌گردد دستورالعمل تدوین شده که مورد اعتراض خواهان بوده و اعلام نموده است که مغایر با قانون اساسی می‌باشد، نه تنها مخالف قانون نمی‌باشد بلکه مزایایی فراتر از قانون را نیز پیش‌بینی نموده است.

در ماده ۴ دستورالعمل مذکور با عنایت به این که تعدادی از پرسنل شرکت جزو افرادی بودند که مشمول بند (ب) دستورالعمل موردنظر بوده و شرکت کشتیرانی به خدمات آن‌ها به دلیل عدم توانمندی و فقدان بهره‌وری نیاز نداشته و از طرفی شرایط بازنشستگی اختیاری را دارا بوده و از ارائه درخواست امتناع می‌نمودند پیش‌بینی گردید با توجه به اعلام کتبی این شرکت به یک‌یک افراد موردنظر و در صورت عدم درخواست بازنشستگی در مهلت مقرر مزایای غیرمستمر مانند بهره‌وری، کارانه و اضافه کاری و... به افراد مذکور تعلق نگرفته و از آن‌ها بهره‌مند نخواهند گردید که مشارالیه (خواهان) نیز به دلیل وضعیت کاری و سنی مشمول ماده ۴ و بند (ب) قرار گرفته و علیرغم اعلام کتبی و شفاهی به نامبرده جهت استفاده از مزایای دستورالعمل موردنظر به اشتغال خود و عدم درخواست بازنشستگی ادامه که نهایتاً با توجه به سابقه خدمتی قابل قبول (۳۵ سال) و سن ۶۵ سال مشارالیه از طرف این شرکت اجباراً بازنشسته و حکم کارگزینی وی نیز صادر که ضمیمه این لایحه می‌باشد. ضمناً مشارالیه دعوی متعددی در شعبات آن دیوان و دیگر مراجع حل اختلاف مطرح که حکم به رد دعوی ایشان صادر که در تصویر دادنامه‌های صادرشده جهت استحضار و بهره‌برداری ایفاد می‌گردد و با عنایت به مطالب اخیرالذکر تقاضای رد دادخواست مشارالیه مورد استدعا می‌باشد. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

نظر به این که در ماده چهارم دستورالعمل بازنشستگی تشویقی و با خرید سنوات خدمت اختیاری کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران به شماره ۳۳/۲۹ مورخ ۱۳۸۵/۷/۱۱ و تبصره ذیل آن در مورد مستخدمینی که طی مهلت تعیین شده در دستورالعمل، جهت بازخریدی و بازنشستگی تقاضا و اقدام نمایند، برخی از حقوق استخدامی شامل، فوق‌العاده مأوریت، اضافه کاری، بهره‌وری و کارانه، پاداش‌های سالیانه، ارتقاء سمت و تغییر پست سازمانی و تسهیلات آموزشی، وام‌های مسکن و ضروری که به‌موجب قواعد امره تعیین شده است، سلب گردیده و این که وضع این گونه مقررات از وظایف اختصاصی مقنن بوده و نیاز به قانون یا اذن قانون‌گذار دارد، بنابراین ماده مرقوم از دستورالعمل مذکور و تبصره ذیل آن، خارج از حدود اختیارات مرجع وضع تشخیص گردیده و به استناد اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند ۱ ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۸۵ ابطال می‌گردد.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

رأی شماره ۱۰۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع دریافت حقوق بازنشستگی یا وظیفه و سهمیه مستمری از دو صندوق بلا مانع است

شماره هـ-۹۰/۶۰۵-۱۳۹۰/۳/۲۱

تاریخ: ۱۳۹۰/۳/۲ - شماره دادنامه: ۱۰۵ - کلاسه پرونده: ۱۰۵/۹۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض

گردش کار:

مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح طی درخواست تقدیمی به شماره ۴۰۶۰/۲/۷۷۹۱۸/۶۹۶ مورخ ۱۳۸۹/۲/۲۱ اشعار داشته:

شعب ۵ و ۶ دیوان عدالت اداری در موضوع شکایت برقراری حقوق مستمری وراث مرحوم ابوالقاسم پوریوسفی و لطفاله رضویان، آراء متفاوتی صادر کرده‌اند. بدین نحو که شعبه ۵ دیوان عدالت اداری در خصوص دادخواست برقراری حقوق مستمری مادر متوفی، به موجب دادنامه شماره ۲۶۵۳ مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۲۸ در پرونده کلاسه ۱۸۰/۱/۸۸/۵، حکم به رد شکایت داده‌اند. لیکن شعبه ۶ دیوان عدالت اداری در خصوص دادخواست برقراری حقوق مستمری پدر متوفی، شاکیه به موجب دادنامه شماره ۲۵۰۳ مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۴ در پرونده کلاسه ۱۸۰۶/۸۸/۶، حکم به ورود شکایت صادر کرده است. علی‌هذا صدور رأی وحدت رویه در اجرای ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مورد استدعاست.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء صادره به شرح زیر می‌باشد:

الف: خانم شراره رضویان به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح به خواسته دادخواستی ملزم به برقراری مستمری مادر متوفی خود به دیوان عدالت اداری تقدیم، که به شعبه پنجم دیوان ارجاع و این شعبه به موجب دادنامه شماره ۲۶۵۳ مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۲۸ در پرونده کلاسه ۱۸۰/۱/۸۸/۵، به شرح زیر انشاء رأی می‌نماید:

سازمان مشتکی عنه در جواب شکایت نامبرده اعلام نموده که شاکیه به دلیل دریافت حقوق بازنشستگی از صندوق تأمین اجتماعی کشور نمی‌تواند از حقوق مستمری مادر متوفایش بهره‌مند گردد. با توجه به مراتب، طبق ماده ۱۸۰ قانون مقررات نیروی انتظامی دریافت حقوق بازنشستگی یا وظیفه و سهمیه مستمری توأماً ممنوع بوده. بنابراین شکایت شاکیه فاقد وجهت قانونی است و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌گردد.

ب: خانم پوران پوریوسفی مرخالی به طرفیت سازمان بازنشستگی نیروهای مسلح و اداره محاسبات فنی سازمان بازنشستگی نیروهای مسلح به خواسته دادخواستی ملزم به برقراری مستمری پدر متوفی خویش به دیوان عدالت اداری تقدیم، که به شعبه ششم دیوان ارجاع و این شعبه به موجب دادنامه شماره ۲۵۰۳ مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۴ در پرونده کلاسه ۱۸۰۶/۸۸/۶، به شرح زیر انشاء رأی می‌نماید:

با عنایت به جویبیه مشتکی عنه دلالت دارد، در صورتی که نامبرده تمایل به دریافت حقوق مستمری ناشی از فوت پدرش،

مرحوم ابوالقاسم پوریوسفی مرخالی، را دارد، می‌بایست بدو نسبت به قطع حقوق مستمری دریافتی از سازمان تأمین اجتماعی ناشی از فوت همسر متوفایش، مرحوم رضا پورلاهیجی، اقدام، سپس با اعلام کتبی موضوع به این سازمان، نسبت به برقراری حقوق مستمری خویش اقدام نماید. دریافت دو حقوق مستمری از دو صندوق ممنوعیت قانونی دارد. با توجه به مراتب موضوع خواسته مشارالیه‌ها منصرف از ماده ۱۸۰ قانون استخدامی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی است. زیرا ممنوع بودن دریافت حقوق بازنشستگی یا وظیفه و سهمیه مستمری توأم مربوط به یک صندوق است در صورتی که در مانحن فیه مربوط به دو صندوق است. بناء علی هذا حکم به ورود شکایت صادر تا مشتکی عنه وفق مقررات بند (ج) ماده ۱۹۱ قانون یادشده رسیدگی و اقدام نماید.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی هیئت عمومی

نظر به این که مطابق ماده واحده قانون پرداخت حقوق وظیفه به فرزندان مستخدمین متوفی مصوب ۱۳۵۵/۱۱/۳، در صورت فوت مادر و پدری که مستخدم وزارتخانه‌ها یا مؤسسات یا شرکت‌های دولتی یا شهرداری‌ها باشند، فرزندان آنان می‌توانند با رعایت شرایط قانونی مربوط از هر دو حقوق وظیفه‌ای که طبق مقررات، به علت فوت پدر و یا مادر برقرار شود، استفاده نمایند و بند (ج) ماده ۱۶۴ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران، مصوب، ۱۳۶۶/۷/۱ و بند (ج) ماده ۱۹۱ قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۰ و بند ب ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ ماده واحده قانون اجازه پرداخت وظیفه و مستمری وراثت کارمندان مصوب ۱۳۳۸ و برقراری حقوق و وظیفه در مورد فرزندان و نوادگان انان، مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲ و اصلاحی ۱۳۷۹/۲/۱۳، در مقام تجویز پرداخت مستمری و حقوق وظیفه از صندوق‌های مربوطه با احراز شرایط قانونی به ذینفع می‌باشد. بنابراین رأی شعبه ششم دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۲۵۰۳ مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۴ در حدی که متضمن این معنی است، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود.

این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

رأی شماره ۳۱۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع لزوم لحاظ کردن
سنوات ارفاقی در حکم بازنشستگی مشمولین ماده ۸۵ آیین نامه استخدامی
خاص شهرداری تهران مصوب ۱۳۸۵
شماره هـ ۷۰۰/۹۰-۱۳۹۰/۰۸/۱۵

تاریخ: ۱۳۹۰/۸/۲ - شماره دادنامه: ۳۱۸ - کلاس پرونده: ۷۰۰/۹۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: کانون بازنشستگان شهرداری تهران

خواسته: اعلام تعارض در آراء صادرشده از شعب دیوان عدالت اداری
گردش کار:

رئیس هیئت مدیره کانون بازنشستگان شهرداری تهران، به موجب لایحه تقدیمی اعلام کرده است که تعدادی از کارکنان سابق شهرداری تهران با استناد به ماده ۸۵ آیین نامه استخدامی خاص شهرداری تهران مصوب ۱۳۵۸/۸/۱۲ مبنی بر این که:

ماده ۸۵: در مواردی که شهرداری از خدمت هریک از مستخدمان ثابت بی نیاز باشد و مستخدم حداقل بیست سال سابقه خدمت داشته باشد، می تواند با تأیید شورای اداری شهرداری مستخدم مذکور را بازنشسته کند. این گونه مستخدمان در صورتی که کمتر از بیست سال پرداخت کسور بازنشستگی داشته باشند، می توانند کسور بازنشستگی کسر این مدت را به صندوق بازنشستگی و وظیفه شهرداری پرداخت نمایند. به مدت خدمت این قبیل مستخدمان در احتساب حقوق بازنشستگی آنان، حداکثر، ده سال سابقه خدمت بدون پرداخت کسور بازنشستگی افزوده می شود و خدمت زاید بر ۳۰ سال قابل احتساب نخواهد بود و در تعیین حقوق بازنشستگی آنان متوسط حقوق و فوق العاده شغل یک سال آخر زمان اشتغال ایشان طبق مقررات این آیین نامه ملاک محاسبه قرار می گیرد.

لیکن با حذف سنوات ارفاقی به موجب ماده ۸ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۶۹/۷/۸ حقوق بازنشستگی آن دسته از کارکنان شهرداری که در اجرای ماده ۸۵ آیین نامه استخدامی خاص شهرداری تهران برقرار شده بود، با حذف سنوات ارفاقی کسر شد و با دادخواهی آنان به دیوان عدالت اداری، شعب دیوان تصمیمات متعارض اتخاذ کرده اند. با توجه به مراتب رفع تعارض و صدور رأی وحدت رویه درخواست شده است.

گردش کار پرونده ها و مشروح آراء به شرح زیر است:

الف: شعبه ۲۷ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۸۸۶/۲۷/۸۵ با موضوع دادخواست آقای حمید رضاییان به طرفیت سازمان بازنشستگی شهرداری تهران به خواسته اعمال سنوات ارفاقی در حکم بازنشستگی، به موجب دادنامه شماره ۱۶۵۴ مورخ ۱۳۸۷/۵/۱۶ مفاداً به شرح آینده به انشاء رأی مبادرت کرده است:

با عنایت به مفاد پاسخ اداره خواننده و با لحاظ این که حقوق و مزایای پرداختی به خواهان بر مبنای سنوات خدمتی و ارفاقی جمعاً به مدت ۳۰ سال بوده است و خواهان دلیل و مستندی دال بر تخلف و تخطی سازمان خواننده در خصوص عدم اعمال سنوات ارفاقی معمول و مبذول نداشته است. بنابراین دعوی طرح شده را وارد تشخیص نداده و مردود اعلام می‌دارد این رأی قطعی است.»

ب: شعبه ۲۲ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۷۷۸/۸۶/۲۲ با موضوع دادخواست خانم فتانه منهاجی به طرفیت سازمان بازنشستگی شهرداری تهران به خواسته اعمال سنوات ارفاقی در حکم بازنشستگی، به موجب دادنامه شماره ۱۵۶۱ مورخ ۱۳۸۷/۷/۲۰ مفاداً به شرح آینده، به انشاء رأی مبادرت کرده است:

در خصوص شکایت بانو فتانه منهاجی به طرفیت سازمان بازنشستگی شهرداری تهران به خواسته اعمال ماده ۸۵ آیین نامه استخدامی مصوب ۱۳۶۸/۲/۱۳ قانون نظام هماهنگی و احتساب باقی مانده سنوات خدمت، به مدت ده سال، با توجه به مفاد دادخواست تقدیمی و مدارک و مستندات ابرازی و ملاحظه لایحه جوابیه سازمان طرف شکایت، که به شماره ۲۱۴۴ مورخ ۱۳۸۷/۷/۱۳ ثبت دفتر شده است و شاکی انصراف خود را از دریافت سنوات ارفاقی اعلام کرده است. نظر به این که شاکی دلیل و مستند قانونی که حکایت از اثبات ادعای مطرح شده ابراز و ارائه نداشته است و دفاعیات سازمان مشتکی عنه با عنایت به قوانین استنادی موجه است و تخلفی از سوی سازمان مذکور در عمل به قوانین محرز نیست، بنابراین شکایت شاکی را وارد تشخیص نداده و به استناد مواد ۱۳ و ۲۲ قانون دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌دارد. این رأی وفق ماده ۷ قانون فوق الذکر قطعی است.

ج: شعبه ۲۸ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۸۸۴/۸۵/۲۸ با موضوع دادخواست آقای حیدر یزدی شهرضا به طرفیت سازمان بازنشستگی شهرداری تهران به خواسته اعمال سنوات ارفاقی در حکم بازنشستگی، به موجب دادنامه شماره ۳۵۰ مورخ ۱۳۸۷/۲/۱۸ مفاداً به شرح آینده به انشاء رأی مبادرت کرده است:

در خصوص دادخواست آقای حیدر یزدی به طرفیت امور بازنشستگی شهرداری تهران به خواسته برقراری ۳۰ روز حقوق بر اساس ماده ۸۵ آیین نامه استخدامی شهرداری تهران، به شرح متن دادخواست، با توجه به محتویات پرونده و مذاقه در لایحه دفاعیه اداره خواننده که تحت شماره ۲۵۵۶ مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۵ به ثبت دفتر لوابیح رسیده است. نظر به این که افزایش مدت خدمت ارفاقی به سنوات خدمت دولتی برای مستخدم رسمی و محاسبه حقوق بازنشستگی بر اساس سی سال خدمت، زمانی تحقق می‌یابد که کلیه شرایط آن به وجود آید و چون برخورداری از این مزایا در حالتی است که واحد دولتی بدون اراده و میل مستخدم رسمی، اختیارات فوق را اعمال کند و منحصر به درخواست مستخدم نباشد، بنابراین با لحاظ نمودن رأی شماره ۱۰۷ مورخ ۱۳۶۹/۴/۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به رد شکایت شاکی حکم صادر و اعلام می‌دارد این رأی قطعی است.

د: شعبه ۲۳ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۲۸۵/۸۴/۲۳ با موضوع دادخواست آقای اسداله شیرنژاد به طرفیت سازمان بازنشستگی شهرداری تهران به خواسته اعمال سنوات ارفاقی در حکم بازنشستگی به موجب دادنامه شماره ۱۸۰۹ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۳، مفاداً به شرح آینده، به انشاء رأی مبادرت کرده است:

نظر به این که شاکی، آقای اسداله شیرنژاد، در دادخواست تقدیمی علیه سازمان صندوق بازنشستگی شهرداری

تهران از محاسبه نشدن سنوات خدمتی ارفاقی در افزایش های قانونی حقوق بازنشستگی، طبق ماده ۸۵ آیین نامه استخدامی توسط صندوق بازنشستگی شهرداری تهران، طرح شکایت کرده و مدعی است که مشتکی عنه سنوات ارفاقی را در افزایش های مقطعی حقوق بازنشستگان، از جمله هم ترازوی سال های ۱۳۸۱ به بعد، محاسبه نکرده است و تقاضای رسیدگی دارد و خوانده در لایحه دفاعیه اعلام داشته است که تقاضای شاکی فاقد وجهت قانونی است و در هم ترازوی های مختلف، از جمله سال ۱۳۸۱، نیز برابر سنوات خدمت واقعی هم تراز شده است. با عنایت به محتویات پرونده و ملاحظه شرح شکایت و بررسی لایحه دفاعیه و با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۵۶۲ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۱۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری شکایت را موجه و صحیح تشخیص و به ورود شکایت رأی صادر و اعلام می دارد این رأی قطعی است.

هـ شعبه ۳۳ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۸۵۹/۳۳/۸۶ با موضوع دادخواست آقای محمدحسن اشتری به طرفیت سازمان بازنشستگی شهرداری تهران و به خواسته اعمال سنوات ارفاقی در حکم بازنشستگی به موجب دادنامه شماره ۷۶۷ مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۳ مفاداً به شرح آینده به انشای رأی مبادرت کرده است. نظر به این که با توجه به بند (ل) تبصره ۴ آیین نامه اجرایی قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور که به موجب مصوبه شماره ۲۶۴۹۰۵/۹۲۸۸ هـ مورخ ۱۳۸۱/۳/۴ هیئت وزیران ابلاغ شده است و در مصوبه مذکور سنوات خدمت ارفاقی خاصی احصا شده است و در آن ذکری از مستندات بازنشستگی، نظیر بازنشستگی شاکی با خدمت ارفاقی، نشده است و دیگر این که، هیئت وزیران نمی تواند حقوق مکتسبه قبلی آحاد ملت را که طبق قوانین و مقررات برقرار شده است نادیده بگیرد و زایل کند و آن هیئت فقط مأموریت هماهنگ ساختن را دارد. علی هذا به استناد مراتب فوق و مواد ۷ و ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵/۳/۹، به ورود شکایت وی حکم صادر می کند و ضمن نقض احکام بازنشستگی صادر شده از سال ۱۳۶۸ به بعد، طرف شکایت را به اعمال سنوات ارفاقی در احکام بازنشستگی و پرداخت وجوه آن را از مورخ ۱۳۶۸/۲/۱۳ در حق شاکی ملزم می سازد. این رأی قطعی است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یاد شده با حضور رؤساء مستشاران و دادرسان علی البدل شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء، به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت می کند:

رأی هیئت عمومی

اولاً: به استثنای رأی صادر شده از شعبه ۲۲ دیوان عدالت اداری، به شماره دادنامه ۱۵۶۱ مورخ ۱۳۸۷/۷/۲۰، تعارض در مدلول سایر آراء مندرج در گردش کار محرز است.

ثانیاً: به موجب ماده ۸۵ آیین نامه استخدامی خاص شهرداری تهران، مصوب سال ۱۳۵۸ مقرر شده بود: در مواردی که شهرداری از خدمت هریک از مستخدمان ثابت بی نیاز باشد و مستخدم حداقل بیست سال سابقه خدمت داشته باشد، می تواند با تأیید شورای اداری شهرداری مستخدم مذکور را بازنشسته کند. این گونه مستخدمان در صورتی که کمتر از بیست سال پرداخت کسور بازنشستگی داشته باشند، می توانند کسور بازنشستگی کسر این مدت را به صندوق بازنشستگی و وظیفه شهرداری پرداخت کنند. به مدت خدمت این قبیل مستخدمان در احتساب

حقوق بازنشستگی آنان حداکثر ده سال سابقه خدمت بدون پرداخت کسور بازنشستگی افزوده می‌شود. نظر به این که شهرداری تهران با استناد به آیین‌نامه مذکور و با افزودن سنوات ارفاقی به سنوات واقعی خدمت، شکات پرونده‌های موضوع تعارض را بازنشسته کرده است و حقوق بازنشستگی بر مبنای ۳۰ سال سابقه خدمت برای آنان برقرار شده بود، مصوبه مؤخر هیئت وزیران در حذف سنوات ارفاقی نمی‌تواند حقوق مکتسب اشخاص، ناشی از ماده ۸۵ آیین‌نامه فوق‌الذکر را سلب کند. بنابراین آراء شعب ۲۳ و ۳۳ دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه‌های ۱۸۰۹ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۳ و ۷۶۷ مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۳ که بر وارد دانستن شکایت شکات و الزام به لحاظ کردن سنوات ارفاقی در حکم بازنشستگی صادر شده است، صحیح و موافق مقررات تشخیص می‌شود. این رأی به استناد ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

رأی شماره‌های ۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع هر گونه تغییر در مفاد حکم بازنشستگی مستخدم منوط به طرح دعوا به طرفیت سازمان متبوع مستخدم شاکی و سازمان بازنشستگی کشوری به صورت توأمان می‌باشد
شماره هـ ۸۱۹/۹۰- تاریخ: ۱۳۹۰/۰۹/۱۳

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۰/۸/۳۰

شماره دادنامه: ۳۶۴، ۳۶۳، ۳۶۲

کلاس پرونده: ۸۷۰/۹۰، ۸۲۰/۹۰، ۸۱۹/۹۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

درخواست‌کننده: آقایان غلامحسین علوی مقدم، بهروز شجاعی و حسین فریدونی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری
گردش کار:

آقایان غلامحسین علوی مقدم، بهروز شجاعی و حسین فریدونی، به موجب دادخواست‌های جداگانه اعلام کرده‌اند که در شعب دیوان عدالت اداری راجع به استحقاق اینجانبان و دیگر همکاران برای برخورداری از مزایای فوق‌العاده کار با اشعه (موضوع تبصره ۴ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب سال ۱۳۶۸) آراء متناقضی بر رد و ورود شکایت صادر شده است و با توجه به مراتب، رفع تعارض و صدور رأی وحدت رویه را خواستار شده‌اند.
گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه اول دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۶۷۲۶ با موضوع دادخواست خانم مهتاب عنایتی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان کرمان و به خواسته الزام به اصلاح احکام کارگزینی و پرداخت کامل حق اشعه و مابه‌التفاوت آن، به موجب دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۰۹۰۰۱۰۰۲۵۴-۱۳۸۹/۷/۱۳ مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

«نظر به این که بر طبق بند ۴ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸، پرداخت حق اشعه تا پنجاه درصد مطلق حقوق و مزایا پیش‌بینی شده است و به موجب آراء شماره ۱۴۶۶ الی ۱۴۶۸-۱۳۸۶/۱۲/۱۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، تصویب‌نامه شماره ۱/۱۸۱۶/ت/۱۹۹۶۹ هـ-۱۳۷۸/۳/۱۷ هیئت وزیران که مبنای محاسبه حق اشعه تا پنجاه درصد حقوق و فوق‌العاده شغل اعلام کرده بود، باطل شده است. فلذا پرداخت حق اشعه بر اساس حقوق و فوق‌العاده شغل و مستثنی نمودن برخی از مزایا فاقد محمل قانونی است. بنابراین با وارد دانستن شکایت مطروح، حکم به الزام طرف شکایت به پرداخت حق اشعه تا پنجاه درصد حقوق و مزایای مشمول کسورات بازنشستگی از جمله حق جذب در حق شاکی از تاریخ استحقاق صادر و اعلام می‌دارد. در خصوص اصلاح حکم بازنشستگی، با توجه به این که از اختیارات و تکالیف سازمان بازنشستگی است، لذا خواسته مطروح در این مورد متوجه مشتکی عنه نیست، قرار رد شکایت از این بابت صادر می‌شود.»

ب: شعبه دوم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسۀ ۱۷۷۲/۸۷۲ با موضوع دادخواست خانم سکینه رئیسی انبوی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان کرمان و به خواسته محاسبه و پرداخت ۵۰ درصد مزایای حق اشعه از ۱۳۷۴/۱/۱ لغایت ۱۳۸۷/۵/۳۱ (تاریخ بازنشستگی) و احتساب این حق در حکم بازنشستگی و پرداخت مابه‌التفاوت آن از ۱۳۸۷/۶/۱ تا زمان تقدیم دادخواست، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

در خصوص دادخواست خانم سکینه انبوی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی استان کرمان به خواسته پرداخت فوق‌العاده کار با اشعه بر مبنای کامل حقوق و مزایا با توجه به محتویات پرونده و پاسخ واصل شده، نظر به این که مطابق بند ۴ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸ مقرر شده است تا پنجاه درصد حقوق و مزایای مستمر به‌عنوان فوق‌العاده کار با اشعه پرداخت شود. بنابراین با عموم و اطلاق بند مذکور و رأی شماره ۱۴۶۶-۱۴۶۸-۱۳۸۶/۱۲/۱۲ هیئت عمومی دیوان حق اشعه باید بر مبنای حقوق و مزایا و بر اساس درصدی که در اجرای قانون مذکور دانشگاه تعیین و تصویب کرده یا می‌کند پرداخت شود و خواسته از این جهت موجه است. لذا با وارد دانستن شکایت شاکی حکم به پرداخت مابه‌التفاوت صادر می‌شود.

ج: شعبه دهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسۀ ۱۳۵۰/۸۹/۱۰ با موضوع دادخواست خانم نصرت لشکری به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان کرمان به خواسته اصلاح حکم کارگزینی و پرداخت حق اشعه و مابه‌التفاوت آن، به‌موجب دادنامه شماره ۱۳۴۲-۱۳۸۹/۴/۲۹ مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به این که به‌موجب بند ۴ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۰ مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه اجرائی آن مصوب ۱۳۶۹/۲/۲ هیئت وزیران به مستخدمانی که به‌طور مستمر به کار با اشعه اشتغال داشته باشند، مزایایی از جمله پرداخت فوق‌العاده کار با اشعه تا ۵۰ درصد حقوق و مزایای قانونی تجویز شده است و پرداخت بر مبنای حقوق و فوق‌العاده شغل بر خلاف قانون و آراء شماره ۳۷۱ مورخ ۱۳۸۳/۸/۱۰ و ۱۴۶۶ الی ۱۴۶۸ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۱۲ و ۶۹۳ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری است. بنابراین خواسته شاکی موجه تشخیص و با استناد به مواد ۷ و ۱۳ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری با وارد دانستن شکایت شاکی به الزام مشتکی‌عنه به پرداخت تا ۵۰ درصد حقوق و مزایای قانونی مشمول کسورات بازنشستگی از جمله حق جذب در ایام خدمت مستمر حکم صادر و اعلام می‌شود. بدیهی است که پس از لازم‌الاجرا شدن بند ۳ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری ملاک پرداخت حق اشعه مطابق مقررات مذکور خواهد شد.

د: شعبه سوم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۱۵۷ با موضوع دادخواست آقای محمد کریم مشکوه به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان کرمان به خواسته الزام به اصلاح احکام کارگزینی و پرداخت کامل حق اشعه و مابه‌التفاوت آن، به‌موجب دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۶۸۸-۱۳۸۹/۹/۹ مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به این که بر طبق بند ۴ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب سال ۱۳۶۸ مقرر شده است که تا ۵۰ درصد حقوق و مزایا به‌عنوان فوق‌العاده کار با اشعه، به کسانی که به‌طور مستمر با اشعه سروکار دارند پرداخت شود. بنابراین

رأی شماره ۶۳۶ مورخ ۱۳۸۷/۹/۲۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری قرار رد شکایت صادر کرده است تعارض محقق است.

ثانیاً: با توجه به مفاد رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۶۳۶-۱۳۸۷/۹/۲۴ که هرگونه تغییر در مفاد حکم بازنشستگی مستخدم را منوط به طرح دعوا به طرفیت سازمان متبوع مستخدم شاکی و سازمان بازنشستگی کشوری به صورت توأمان کرده است، آراء شعبه چهارم دیوان عدالت اداری متضمن قرار رد شکایت به شرح مندرج در گردش کار صحیح و موافق مقررات تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

رأی شماره ۴۰۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع الزام به اصلاح احکام بازنشستگی با لحاظ فوق العاده جذب صادر شده برای کارکنان شرکت برق منطقه ای گیلان

شماره هـ ۱۰/۹۰ - ۱۳۹۰/۹/۲۸

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۰/۹/۲۸ - شماره دادنامه: ۴۰۶ - کلاس پرونده: ۱۰/۹۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری
درخواست کننده: شرکت سهامی برق منطقه ای گیلان

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری گردش کار:

رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت سهامی برق منطقه ای گیلان به موجب لایحه شماره ۱۳۸۹/۷/۱۵ - ۱۰۰/۹۷۴۸ - طی تصویب نامه شماره اعلام کرده است که در اجرای قانون نظام هماهنگ پرداخت حقوق و مزایای وزارت نیرو که طی تصویب نامه شماره ۱۳۸۱۳۲/ت/۳۷۲۹۹ هـ مورخ ۱۳۸۶/۲/۲۶ هیئت وزیران مورد تأکید مجدد قرار گرفته است، شرکت برق منطقه ای گیلان از سال ۱۳۷۷ نسبت به برقراری فوق العاده جذب جهت کارکنان خود اقدام کرده است. لیکن از آنجا که سازمان بازنشستگی گیلان در زمان برقراری حقوق بازنشستگی پرسنل رسمی این شرکت، طبق روال موجود پس از تطبیق حقوق کارکنان رسمی بر اساس نظام هماهنگ پرداخت حقوق کارکنان دولت، حقوق بازنشستگی آنان را بدون اعمال فوق العاده جذب برقرار کرده است، تعدادی از کارکنان این شرکت به دیوان عدالت اداری دادخواهی کرده و خواستار اصلاح احکام بازنشستگی با لحاظ فوق العاده جذب شده اند و شعب دیوان عدالت اداری در خصوص موضوع مذکور آراء متفاوت صادر کرده اند، بدین نحو که شعب ۲۳ و ۲۲ و ۷ در پرونده های شماره ۱۳۸۵۹/۸۴/۲۳ و ۱۳۳۶/۸۶/۲۲ و ۱۱۱۴/۸۷/۷ به موجب دادنامه های شماره ۱۳۸۶/۱۱/۱۷ - ۱۷۸۸ - ۱۳۸۶/۱۱/۱۷ و ۴۷۸ - ۱۳۸۷/۲/۲۹ و ۹۴۳ - ۱۳۸۶/۵/۱۵ حکم به وارد دانستن شکایت صادر کرده اند و شعب ۲۳ و ۲۲ در پرونده های شماره ۲۰۳۴/۸۴/۲۳ و ۱۸۳۷/۸۴/۲۲ و به موجب دادنامه های شماره ۱۳۸۷/۱/۲۷ - ۸۹ - ۱۳۸۷/۳/۲۲ - ۳۳۷ و ۱۳۸۶/۳/۲۲ حکم به غیر وارد دانستن شکایت صادر کرده اند. حال با توجه به مراتب رفع تعارض و صدور رأی وحدت رویه مورد استدعاست.

گردش کار پرونده ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۷ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۱۱۴/۸۷/۷ با موضوع دادخواست خانم کلثوم طاهریبیگی به طرفیت سازمان بازنشستگی استان گیلان به خواسته اصلاح حکم بازنشستگی و لحاظ فوق العاده جذب در پرداخت حقوق بازنشستگی به موجب دادنامه شماره ۹۴۳ - ۱۳۸۶/۵/۱۵ مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است: شاکی در سال ۱۳۸۱ به افتخار بازنشستگی نائل آمده است. در سال ۱۳۷۴ مصوبه هیئت وزیران برای بعضی از مشاغل حق جذب قائل شده است که شغل شاکی در ردیف مشاغل مذکور احصاء نگردیده است. در نهایت، در سال ۱۳۸۲ مصوبه دیگری به شماره ۷۵۲۹ - ۱۳۸۲/۴/۳۱ سایر مشاغل را نیز مشمول مصوبه در حد ۳۵ درصد حق جذب

قرار داده است که ماده ۴ مصوبه مذکور به شرح زیر برای سایر مشاغل ایجاد حق می‌نماید. این ماده به‌عنوان ماده ۴ به تصویب‌نامه شماره ۳۷۳۳۴-۱۶۳۵۷-۱۲/۲۸-۱۳۷۴ اضافه شده است، حال اداره طرف شکایت تاریخ اجرای مصوبه سال ۱۳۸۲ را از تاریخ تصویب می‌داند درحالی‌که ماده ۴ به مصوبه سال ۱۳۷۴ اضافه و ماده ۴ سابق به ماده ۵ اصلاح شده است در این صورت عدم پرداخت حق جذب به کسانی که در تاریخ مصوبه سال ۱۳۷۴ شاغل بوده‌اند به اعتبار این‌که مصوب سال ۱۳۸۲ به گذشته تسری ندارد، مجوزی ندارد. علی‌هذا با توجه به مراتب فوق، به ورود شکایت شاکی دائر به الزام اداره طرف شکایت به برقراری حق جذب شاکی حکم صادر و اعلام می‌گردد. در مورد برقراری سختی شرایط محیط کار، گرچه اداره طرف شکایت دفاعی نموده است، مع‌الوصف شاکی نیز دلیلی که نسبت استحقاق باشد، ابراز نداشت است. لذا در این خصوص به رد شکایت شاکی حکم صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادر شده قطعی است.

ب: شعبه ۲۲ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۳۳۶/۸۶/۲۲ با موضوع دادخواست آقای سیدرضا سیدی طراز کوهی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشور به خواسته اصلاح حکم بازنشستگی و لحاظ فوق‌العاده جذب و سختی شرایط محیط کار در پرداخت حقوق بازنشستگی، به‌موجب دادنامه شماره ۴۷۸-۱۳۸۷/۲/۲۹ مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

در خصوص شکایت آقای سیدرضا سیدی طراز کوهی، فرزند سیدحسن، به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته اصلاح احکام بازنشستگی با لحاظ نمودن فوق‌العاده جذب و سختی شرایط محیط کار با این توضیح که مشارالیه به‌موجب مصوبات قانونی از فوق‌العاده‌های مذکور در ایام اشتغال استفاده نموده و کسورات قانونی نیز از وی کسر گردیده، لیکن در صدور حکم بازنشستگی مورد لحاظ قرار نگرفته است. مشتکی عنه به شرح لایحه دفاعیه شماره ۴۲۸۵-۱۳۸۶/۱۲/۷-ت/۱۶۳۵۷ هـ مورخ ۱۳۷۴/۱۲/۲۸ اعلام نموده است با استناد به تصویب‌نامه شماره ۷۵۲۹/ت/۲۸۰۶۸ مورخ ۱۳۸۲/۴/۳۱ و تاریخ صدور آن، عطف به‌ماسبق شدن آن موضوعیت ندارد و از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا می‌باشد و درخواست رد شکایت را نموده است. با توجه به مراتب اعلام‌شده، نظر به این‌که تصویب‌نامه استنادی در مقام اصلاح تصویب‌نامه شماره ۳۷۳۳۴-۱۶۳۵۷/ت/۱۳۷۴ هـ مورخ ۱۳۷۴/۱۲/۲۸ تصویب و به‌عنوان ماده ۴ به تصویب‌نامه اخیرالذکر تصویب گردیده است و لذا تصویب‌نامه ۱۳۷۴/۱۲/۲۸ ملاک اعتبار و اجرا می‌باشد. بنابراین شکایت شاکی وارد تشخیص و به استناد مواد ۷ و ۲۲ قانون دیوان عدالت اداری حکم به الزام مشتکی عنه به اصلاح احکام بازنشستگی با لحاظ مزایای مزبور از تاریخ صدور حکم بازنشستگی صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادر شده قطعی است.

ج: شعبه ۲۳ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۲۳۵۹/۸۴/۲۳ با موضوع دادخواست آقای امیر مرادیان به طرفیت سازمان بازنشستگی استان گلستان به خواسته اصلاح حکم بازنشستگی به لحاظ فوق‌العاده جذب و سختی شرایط محیط کار در پرداخت حقوق بازنشستگی به‌موجب دادنامه شماره ۱۷۸۸-۱۳۸۶/۱۱/۱۷ مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به این‌که آقای امیر مرادیان، فرزند نعمت‌اله، در دادخواست تقدیمی علیه سازمان بازنشستگی مدیریت استان گلستان نسبت به عدم پرداخت فوق‌العاده جذب و سختی شرایط محیط کار از سوی سازمان بازنشستگی معترض بوده و تقاضای جلوگیری از تضییع حقوق حقه با اصلاح حکم حقوق بازنشستگی را مطرح نموده است و مدعی

است سازمان متبوع از فوق العاده جذب و سختی شرایط محیط کار مقداری به عنوان کسور بازنشستگی کسر می‌کرد که مبنای محاسبه حقوق بازنشستگی قرار نگرفته است. خواننده در لایحه دفاعیه تاریخ احتساب را به تاریخ صدور تصویب نامه ۱۳۸۲/۴/۳۱ مقید نموده است. با عنایت به محتویات پرونده و ملاحظه شرح شکایت و بررسی لایحه دفاعیه، چون خواننده اصل احتساب را پذیرفته است، بدیهی است زمان احتساب با عنایت به این که کسور کسورات در ایام خدمت صورت گرفته است، شاکی از ابتدای بازنشستگی استحقاق احتساب را دارد. لذا به استناد آراء وحدت رویه شماره ۴۷۸ تا ۵۰۰-۱۳۸۴/۹/۲۷ و ماده ۷ قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی بانوان شاغل خانواده‌ها، شکایت را صحیح تشخیص و رأی به ورود شکایت صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادر شده قطعی است.

د: شعبه ۲۲ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده، شماره ۱۸۳۷/۸۴/۲۲ با موضوع دادخواست خانم هاجر بافته‌چی به طرفیت سازمان بازنشستگی استان گیلان به خواسته اصلاح حکم بازنشستگی و لحاظ فوق العاده جذب و سختی شرایط کار در پرداخت حقوق بازنشستگی به موجب دادنامه شماره ۳۳۷-۱۳۸۶/۳/۲۲ مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

شاکی اعلام کرده در تاریخ ۱۳۸۲/۱۰/۱ بازنشسته شده و مدعی است خواننده به استناد تصویب نامه شماره ۱۸۳۷/۸۴/۲۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یادشده، با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء، به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیئت عمومی

نظر به این که هیئت وزیران در اجرای ماده ۶ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب سال ۱۳۷۰، دستورالعمل برقراری فوق العاده جذب کارکنان وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه را به موجب مصوبه شماره ۳۷۳۳۴/ت/۱۶۳۵۷ هـ مورخ ۲/۴۵/۱۳۷۴/۱۲/۲۸ تصویب کرده است و در راستای مصوبه مذکور، وزیر نیرو با اجازه حاصل از نامه شماره ۲/۴۵/۱۳۷۴/۱۲/۲۸ مورخ ۱۳۷۶/۱۲/۴ سازمان امور اداری و استخدامی کشور، برقراری فوق العاده جذب سایر مشاغل کارکنان وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه را از تاریخ ۱۳۷۷/۱/۱ طی بخشنامه شماره ۵۶۴۸۵/۷۰۵-۱۳۷۶/۱۲/۲۴ ابلاغ کرده است و همچنین هیئت وزیران نیز به موجب مصوبه شماره ۲۸۱۳۲/ت/۳۷۲۹۹ هـ-۱۳۸۶/۲/۲۶ به وزارت نیرو اجازه داده است تا ضوابط پرداخت حقوق و مزایای کارکنان صنعت آب و برق و حوزه ستادی را در چارچوب قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت، با روش امتیازی (امتیازات مترتب بر شغل و شاغل) و در قالب آیین‌نامه‌ها و ضوابط و مقررات مصوب قانون مزبور تنظیم و از تاریخ ۱۳۷۱/۱/۱ اجرا کند. بنابراین آراء شعب دیوان عدالت اداری که بر وارد دانستن شکایت و الزام به اصلاح احکام بازنشستگی با لحاظ فوق العاده جذب صادر شده است، صحیح و موافق مقررات تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

رای شماره ۵۸۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع عدم امکان شمول قانون مدیریت خدمات کشوری بر اعضای هیئت علمی در صدور احکام بازنشستگی

شماره: هـ-۵۶۵/۸۸- تاریخ: ۱۳۹۱/۱/۲۲

تاریخ: ۱۳۹۰/۱۲/۲۲ - شماره دادنامه: ۵۸۷ - کلاس پرونده: ۸۷۴/۸۹

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

درخواست کننده: آقای حسن مهدوی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض در آراء صادرشده از شعب دیوان عدالت اداری گردش کار:

حجت الاسلام والمسلمین آقای حسن مهدوی، رئیس شعبه دوم دیوان عدالت اداری، به موجب مرقومه ۱۳۸۹/۳/۲ خویش اعلام کرده است که در رابطه با بازنشستگی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها با کمتر از ۳۵ سال سابقه خدمت، شعب دیوان آراء متعارض صادر کرده‌اند. با تقدیم چهار رأی از شعب اول، دوم، سوم و بیست و دوم دیوان عدالت اداری، رفع تعارض و صدور رأی وحدت رویه مورد استدعاست.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه اول دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۶۵۰/۸۸/۱ با موضوع دادخواست آقای احمد حسن پور به طرفیت دانشگاه پیام نور به خواسته طی دادخواستی در اعتراض به حکم بازنشستگی، به موجب دادنامه شماره ۱۸۲۸ مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به این که شاکی دارای مدرک دکتری بوده و به استناد ماده ۱۰۳ قانون مدیریت خدمات کشوری بازنشسته شده و با توجه به این که به موجب بند الف ماده ۱۰۳ از قانون یادشده دستگاه‌های اجرایی می‌توانند شاغلین مشاغل تخصصی با تحصیلات دانشگاهی کارشناسی ارشد و بالاتر را با داشتن ۳۵ سال سابقه خدمت با تقاضای کتبی کارمند برای سنوات بالاتر از سی سال بازنشسته نمایند و با عنایت به این که شاکی دارای مدرک دکتری بوده و به عنوان عضو هیئت علمی در دانشگاه پیام نور مرکز زرین شهر مشغول خدمت بوده و حسب مندرجات حکم بازنشستگی پیوست پرونده شماره ۴۰۵۸۷۳۹۴ مورخ ۱۳۸۷/۸/۳۰ سابقه خدمت شاکی ۳۱ سال و ۶ روز اعلام شده و دلیلی بر تقاضای مشارالیه مبنی بر بازنشستگی محرز نمی‌باشد. علی‌هذا خواسته موجه تشخیص و به ورود شکایت، دائر بر ابطال حکم ابلاغ بازنشستگی نامبرده، به شماره فوق و اعاده به خدمت نامبرده، حکم صادر و اعلام می‌شود.

ب: شعبه دوم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۷۰/۸۸/۲ با موضوع دادخواست آقای رحیم حکمت‌شعار دادخواستی به طرفیت دانشگاه الزهرا به خواسته ابطال حکم بازنشستگی، به موجب دادنامه شماره ۱۸۰-۱۳۸۹/۲/۱۱، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به این که مطابق ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری اعضای هیئت علمی از شمول قانون مذکور استثناء

شده‌اند و ماده ۱۰۳ قانون مربوط به بازنشستگی کارکنان عادی می‌باشد که در مشاغل غیرتخصصی با حداقل ۳۰ سال و مشاغل تخصصی با تحصیلات دانشگاهی کارشناسی ارشد و بالاتر از ۳۵ سال و با درخواست کارمند برای سنوات بالاتر از ۳۰ سال بازنشستگی قانونی است و نامبرده به لحاظ این که برابر حکم کارگزینی عضو هیئت علمی می‌باشد، با استناد به ماده ۱۰۳ قانون مدیریت خدمات کشوری، مصوب ۱۳۸۶ قانونی نبوده و با فرض این که شامل ماده مذکور شود، با داشتن مدرک دکترا و مشاغل تخصصی، بازنشستگی با کمتر از ۳۵ سال خدمت منوط به درخواست می‌باشد، بنابراین اعتراض از این جهات موجه است لذا با وارد دانستن شکایت شاکی و ابطال حکم بازنشستگی فوق‌الاشعار حکم صادر می‌شود.

ج: شعبه بیست و دوم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۰۵۶-۹۹۶/۸۷/۲۲ با موضوع دادخواست آقای مهدی طیب به طرفیت دانشگاه علامه طباطبائی و به خواسته ابطال حکم بازنشستگی، به موجب دادنامه شماره ۲۰۴۸ و ۲۰۴۷-۱۳۸۷/۹/۳۰-۳۰ مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

با وصف این که به موجب ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها از شمول آن قانون مستثنا هستند و مشتکی عنه دلیل یا قرینه معارضی در این خصوص ارائه ننموده است. فلذا، بنا به مراتب مذکور، شکایت وارد تشخیص در اجرای اصل ۱۷۳ قانون اساسی و با رعایت مادتين ۱۳ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری و به استناد مادتين ۱۰۳ و ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری، مصوب ۱۳۸۶، با وارد دانستن شکایت و الزام مشتکی عنه به اجابت خواسته شاکی دائر بر لغو حکم بازنشستگی و الزام مشتکی عنه به استخدام مجدد شاکی، حکم صادر و اعلام می‌شود.

د: شعبه سوم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۹۳۲/۸۸/۳ با موضوع دادخواست آقای مهدی خزاعی و کالت از آقای حمیداله بهادر به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی ایران به خواسته ابطال حکم بازنشستگی، به موجب دادنامه شماره ۱۳۸۹/۱/۲۱-۳۱، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به این که بر طبق ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری، اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از شمول قانون مذکور از نظر مقررات استخدامی مستثنا می‌باشند و هیئت امنای دانشگاه علوم پزشکی ایران بر اساس اختیارات حاصل از بند (الف) ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه، طی ماده ۷۲ آیین نامه استخدامی اعضای هیئت علمی تصویب نموده است که دانشگاه می‌تواند اعضای هیئت علمی را با حلول ۳۰ سال خدمت بازنشسته نمایند. اگرچه در حکم بازنشستگی به ماده ۱۰۳ اشاره شده است، لیکن در نتیجه اقدام طرف شکایت مبنی بر بازنشسته نمودن شاکی، با وجود ۳۰ سال سابقه خدمت مغایر موازین نمی‌باشد و از جانب دیگر، اعتراض شاکی به استناد ماده ۱۰۳ قانون مدیریت خدمات کشوری نسبت به بازنشسته شدن وی قبل از رسیدن به مرز ۳۵ سال خدمت، فاقد پایگاه قانونی است و اقدام طرف شکایت در بازنشسته نمودن شاکی مغایر موازین به نظر نمی‌رسد. لذا رأی به رد شکایت مطروح با کیفیت موجود صادر و اعلام می‌شود.

هیئت عمومی دیوان در تاریخ فوق با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره، با اکثریت آراء، به شرح آتی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

اولاً: تعارض در مدلول آراء مذکور در گردش کار محرز است.

ثانیاً: نظر به این که مطابق ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری، مصوب ۱۳۸۶/۷/۸، اعضای هیئت علمی از شمول قانون مستثنا اعلام شده‌اند و احکام بازنشستگی شکات پرونده‌های موضوع تعارض مستند به ماده ۱۰۳ قانون یادشده صادر شده است، بنابراین به لحاظ عدم امکان شمول قانون مدیریت خدمات کشوری بر اعضای هیئت علمی، احکام بازنشستگی که مستند به ماده ۱۰۳ قانون مذکور صادر شده، فاقد وجاهت قانونی است و احکام صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری در رأی بر وارد دانستن شکایت شکات از حیث عدم وجاهت قانونی، استناد به قانون مدیریت خدمات کشوری در بازنشستگی اعضای هیئت علمی صحیح و موافق قانون است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری - علی مبشری

رأی شماره ۲۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع، لغو حکم بازنشستگی بدون تقاضا و تمایل به بازنشستگی قبل از پایان خدمت

شماره هـ ۴۴/۹۱ - تاریخ ۱۳۹۱/۰۲/۱۲

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۱/۱/۲۱ - شماره دادنامه: ۲۰ - کلاس پرونده: ۴۴/۹۱

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای عبدالرحیم راکعی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض نسبت به آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری گردش کار:

آقای عبدالرحیم راکعی به موجب دادخواستی اعلام کرده است که در خصوص دادخواست‌های ارائه شده به دیوان عدالت اداری مبنی بر تقاضای ابطال حکم بازنشستگی، شعب ۱۲ و ۷ دیوان، آراء متناقض صادر کرده‌اند و رفع تعارض و صدور رأی وحدت رویه را خواستار شده است.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه هفتم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۲۸۶/۷/۸۴ با موضوع دادخواست آقای عبدالحسین بافنده به طرفیت سازمان آب و برق خوزستان و سازمان تأمین اجتماعی به خواسته ابطال حکم بازنشستگی، به موجب دادنامه شماره ۱۰۲۸-۱۳۸۶/۵/۲۹، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

شاکی طی دادخواستی مدعی است بدون تقاضا و تمایل به بازنشستگی قبل از پایان مدت خدمت که بر اساس خدمات ۳۵ سال تکمیل شده است، به افتخار بازنشستگی رسیده است. تأمین اجتماعی طی لایحه‌ای در صورت اجابت کارفرما بازگشت به کار شاکی را ممکن تلقی کرده است. سازمان آب و برق خوزستان طی لایحه جوییه اقدام به بازنشستگی را بر اساس تعدیل دانسته است. درحالی که در احکام صادر شده دایر بر بازنشستگی اشاره‌ای به تعدیل نکرده‌اند بلکه به نامه شماره ۹۳۷۵۵-۱۳۸۳/۷/۱۵ تأمین اجتماعی اشاره کرده است. درحالی که تأمین اجتماعی لغو حکم بازنشستگی را از نظر آن اداره بلامانع دانسته است. علی‌هذا با توجه به مراتب فوق و با توجه به رأی شماره ۳۷۲/۸۱-۱۳۸۳/۳/۳۱ هیئت عمومی دیوان که برای ادارات طرف شکایت لازم‌الاتباع است بخشنامه‌های شماره ۲۱ و ۷ را در قسمتی که بازنشستگی اجباری مشمولان تأمین اجتماعی را با ۳۰ سال خدمت تجویز کرده، باطل اعلام کرده است و چون شاکی نیز قبل از رسیدن به ۳۵ سال خدمت و بدون تقاضا و رضایت خود بازنشسته شده است، اقدام ادارات طرف شکایت بدون رعایت مقررات تلقی و به نقض حکم بازنشستگی و اعاده به خدمت شاکی تا ۳۵ سال خدمت تمام حکم صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

ب: شعبه دوازدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۶۹۶/۸/۱۲ با موضوع دادخواست آقای عبدالرحیم راکعی به طرفیت سازمان آب و برق خوزستان به خواسته ابطال حکم بازنشستگی به موجب دادنامه شماره ۶۰-۱۳۸۹/۱/۲۳، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

در خصوص شکایت آقای عبدالرحیم راکعی به طرفیت سازمان آب و برق خوزستان به خواسته صدور بازنشستگی به طور یک جانبه قبل از موعد مقرر مندرج در قانون تأمین اجتماعی، لغو حکم بازنشستگی و پرداخت مزایای دوران بلاتکلیفی به شرح دادخواست، نظر به این که اداره خوانده با ارائه تصویر مدارک سازمان تأمین اجتماعی اعلام کرده است. به استناد ماده ۲ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری، مصوب ۱۳۸۶/۲/۱۳ که اشعار می‌دارد بازنشستگی رسمی ثابت با حداقل ۳۰ سال سابقه خدمت قابل قبول از لحاظ بازنشستگی طبق مقررات خواهد بود و همچنین بر اساس نامه پیوست شعبه دوم تأمین اجتماعی اهواز از تاریخ ۱۳۸۳/۹/۱ و با احتساب ۳۲ سال خدمت، شاکی بازنشسته شده است. با توجه به مراتب یادشده که متضمن تزییع حقوق شاکی نیست، شکایت نامبرده وارد تشخیص نمی‌شود. علیهذا به رد آن حکم صادر و اعلام می‌شود. این رأی به استناد ماده ۷ قانون دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۸۵/۹/۲۵ مجلس شورای اسلامی قطعی است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یادشده با حضور رؤساء، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء، به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیئت عمومی

اولاً: تعارض بین آراء صادره به شرح مندرج در گردش کار محرز است.

ثانیاً: طبق ماده ۳ قانون، نحوه تعدیل نیروی انسانی دستگاه‌های دولتی، مصوب ۱۳۶۶/۱۰/۲۷، حداقل سابقه خدمت برای این که دستگاه‌های مذکور در ماده ۴ قانون، مشمولان قانون تأمین اجتماعی خود را رأساً بازنشسته کنند، ۳۵ سال است و رأی شماره ۱۱۶ مورخ ۱۳۸۳/۳/۳۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نیز ناظر به همین موضوع می‌باشد. بنابراین دادخواست اشخاص به خواسته ابطال حکم بازنشستگی که در سال ۱۳۸۳ صادر گردیده؛ از این حیث که مشمول قانون تأمین اجتماعی بوده و ۳۵ سال سابقه خدمت نداشته‌اند تا دستگاه متبوع بتواند آنان را رأساً بازنشسته کند و با عنایت به حاکمیت قانون مذکور تا زمان تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری در سال ۱۳۸۶ قابل پذیرش بوده و رأی شعبه هفتم دیوان عدالت اداری به شماره ۱۰۲۸ مورخ ۱۳۸۶/۵/۲۹ مبنی بر ورود شکایت شاکی به خواسته ابطال حکم بازنشستگی و اعاده به خدمت صحیح و موافق قانون و مقررات مربوط تشخیص می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

رأی شماره ۳۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری
با موضوع صدور حکم بازنشستگی برای کارکنان شهرداری بعد از تصویب
قانون استخدام کشوری و مطابق ماده ۸۵ آیین نامه استخدامی شهرداری ها
مصوب ۱۳۵۸ و برخورداری از سنوات ارفاقی و جاهت قانونی ندارد
شماره هـ ۹۴/۹۱-۱۳۹۱/۲/۳۱-۱۳۹۱/۲/۴- تاریخ: ۱۳۹۱/۲/۴

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۱/۲/۴- شماره دادنامه: ۳۹- کلاسه پرونده: ۹۴/۹۱

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

درخواست کننده: خانم ژیلا جمالی کاهی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری
گردش کار: خانم ژیلا جمالی کاهی به موجب لایحه ای اعلام کرده است که تعدادی از کارکنان شهرداری تهران با استناد به ماده ۸۵ آیین نامه استخدامی خاص شهرداری تهران مصوب ۱۳۵۸/۸/۱۲ مبنی بر این که:

«ماده ۸۵ در مواردی که شهرداری از خدمت هریک از مستخدمان ثابت بی نیاز باشد و مستخدم حداقل بیست سال سابقه خدمت داشته باشد، می تواند با تأیید شورای اداری شهرداری مستخدم مذکور را بازنشسته کند. این گونه مستخدمان در صورتی که کمتر از بیست سال پرداخت کسور بازنشستگی داشته باشند، می توانند کسور بازنشستگی برای این مدت را به صندوق بازنشستگی و وظیفه شهرداری پرداخت کنند. به مدت خدمت این قبیل مستخدمان در احتساب حقوق بازنشستگی آنان حداکثر ده سال سابقه خدمت بدون پرداخت کسور بازنشستگی افزوده می شود و خدمت زائد بر ۳۰ سال قابل احتساب نخواهد بود و در تعیین حقوق بازنشستگی آنان توسط حقوق و فوق العاده شغل یک سال آخر زمان اشتغال ایشان طبق مقررات این آیین نامه، ملاک محاسبه قرار می گیرد.» بازنشسته شده اند، لیکن با حذف سنوات ارفاقی به موجب ماده ۸ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۶۹/۷/۸ حقوق بازنشستگی آن دسته از کارکنان شهرداری که در اجرای ماده ۸۵ آیین نامه استخدامی خاص شهرداری تهران برقرار شده بود، با حذف سنوات ارفاقی کسر شده و با دادخواهی به دیوان عدالت اداری، شعب دیوان تصمیمات متعارض اتخاذ کرده اند، با توجه به مراتب رفع تعارض و صدور رأی وحدت رویه مورد درخواست است.

گردش کار پرونده ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۲۲ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده های شماره ۲۵۲۸/۸۵/۲۲-۲۵۳۹ با موضوع دادخواست خانم ژیلا جمالی کاهی به طرفیت سازمان بازنشستگی شهرداری تهران به خواسته اعمال سنوات ارفاقی در حکم بازنشستگی و اجرای صحیح مفاد مصوبه شماره ۹۴۳۴/ت/۲۶۴۹۰-۱۳۸۱/۳/۵ هیئت وزیران به موجب دادنامه های شماره ۳۸۸-۳۸۷-۱۳۸۶/۳/۳۰، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

شاکای اعلام کرده است: در سال ۱۳۷۳ با ۲۱ سال و یک ماه و یک روز خدمت و هشت سال و یازده ماه سنوات ارفاقی، بازنشسته شده است که مجموع سنوات را طبق ماده ۸۵ آیین نامه استخدامی شهرداری تهران، سی

سال سابقه احتساب کرده‌اند، اما در سال ۱۳۸۱ حقوق وی را بر مبنای سنوات خدمتی، بدون احتساب سنوات ارفاقی، محاسبه کرده‌اند و همچنین در اجرای مفاد مصوبه یادشده، هیئت وزیران اول ۱۲ درصد افزایش ضریب را محاسبه کرده است سپس مفاد مصوبه را اجرا کرده‌اند که صحیح نیست. مشتکی عنه در لایحه دفاعیه شماره ۳۱۷/۷۰۰۶-۱۳۸۵/۲/۲۴ پاسخ داده است: اولاً: سنوات ارفاقی مورد ادعای شاکی مشمول ماده ۸۵ آیین‌نامه نمی‌شود. ثانیاً: از بدو استخدام سنوات ارفاقی اعمال نشده است تا در سال ۱۳۸۱ قطع شود. علی‌هذا قطع نظر از مفاد دفاعیات خواننده، با عنایت بر مفاد ماده ۱۵ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری، مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳ که از تاریخ ۱۳۶۹/۱/۱ قابل اجرا بوده است، مقررات مغایر، از جمله ماده ۸۵ آیین‌نامه استخدامی مورد استناد شاکی فسخ شده است. لذا با توجه به تاریخ بازنشستگی مشارالیه‌ها اعمال سنوات ارفاقی توجیه قانونی ندارد. به استناد مواد مزبور و مواد ۷ و ۲۲ از قانون دیوان مصوب ۱۳۸۵ بر رد شکایت در این خصوص حکم صادر و اعلام می‌شود، اما در خصوص خواسته دیگر نامبرده، به لحاظ این که خواننده دفاعی در این خصوص نکرده است، به استناد دادنامه شماره ۷۱۰-۷۰۹-۱۰/۲۴-۱۳۸۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به وارد دانستن شکایت و الزام خواننده وفق مفاد دادنامه مزبور حکم صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است. شعبه ۲۲ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۷۴۳/۸۴/۲۲ با موضوع دادخواست آقای محمود سلیمی الیزایی به طرفیت سازمان بازنشستگی شهرداری تهران به خواسته صدور حکم بر الزام مشتکی عنه به احتساب ده سال سنوات ارفاقی در بازنشستگی و پرداخت حقوق و مزایای آن، به موجب دادنامه شماره ۲۷۲۱-۱۰/۵-۱۳۸۵ مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

خواسته و شکایت شاکی به طرفیت مشتکی عنه صدور حکم بر الزام مشتکی عنه به احتساب ۱۰ سال سنوات ارفاقی و بازنشستگی شاکی و پرداخت حقوق و مزایای آن به شرح متن دادخواست تقدیمی است که با توجه به لایحه جوابیه مشتکی عنه و توضیحات نمایندگان آنان به شرح منعکس در پرونده که دلالت دارد شاکی حسب تقاضای تقدیمی مورخ ۱۳۷۲/۳/۱۰ درخواست بازنشستگی قبل از موعد خود را با انصراف از دریافت سنوات ارفاقی موضوع ماده ۸۵ آیین‌نامه استخدامی شهرداری با سنوات خدمت واقعی در تاریخ ۱۳۷۲/۵/۱ اعلام داشته و با توجه به مدلول ماده ۸۵ آیین‌نامه مزبور که سنوات ارفاقی را وقتی برای مستخدم در نظر گرفته که شهرداری از خدمت مستخدم بی‌نیاز باشد که پیشنهاد بازنشستگی برای وی در نظر گرفته شده باشد، در مانحن‌فیه، با توجه به محتویات پرونده شاکی شخصاً درخواست بازنشستگی کرده است و بازنشستگی بنا به تقاضای مستخدم و با انصراف از مدت خدمت ارفاقی از مصادیق نامه ماده ۸۵ آیین‌نامه استخدامی شهرداری نبوده است و نمی‌تواند موجد حق استفاده از خدمت ارفاقی در احتساب حقوق بازنشستگی شود. لذا شکایت شاکی را غیروارد تشخیص و به رد آن حکم صادر و اعلام می‌شود. رأی صادر شده ظرف بیست روز، پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظر است.

با تجدیدنظر خواهی شاکی پرونده به شعبه ۱۲ تجدیدنظر ارجاع داده شده است و طی کلاس ۲۹۷۳/۸۵/۱۲ ثبت و پس از انجام جری تشریفات قانونی منجر به صدور دادنامه شماره ۱۵۵۹-۱۳۸۶/۳/۳۰ به شرح آینده می‌شود.

تجدیدنظر خواهی اجمالاً و بنا به این دلایل وارد است:

اولاً، در پرونده ضمن مدافعات شهرداری در مرحله نخست رسیدگی به دلیل و مستندی که حکایت از انصراف تجدیدنظر خواه از بهره‌مندی از مقررات سنوات ارفاقی داشته باشد، اشاره و ارائه نشده است و تعبیر و برداشت از تقاضای

کتبی، مبنی بر اعلام تمایل به بازنشستگی مفید ادعای مذکور نخواهد بود، زیرا به هر حال در نظام اداری کشور هر عمل اداری و استخدامی و حقوقی و مالی که متوجه مستخدمان باشد، با تقاضای مکتوب آنان صورت خواهد پذیرفت. ثانیاً، قید این که حسب ماده ۸ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح، مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳، که در تاریخ ۱۳۶۹/۷/۱۸ که بعضاً ۱۳۶۹/۷/۸ نیز نوشته شده است (حسب مدافعات نمایندگان تجدیدنظر خوانده)، از تاریخ تصویب قانون کلیه مقررات مربوط به بازنشستگی سنوات ارفاقی ملغی شده و فاقد محمل قانونی است. به نظر می‌رسد واضح بین موضوع مذکور و عبارت بازنشستگی زودرس، با استفاده از حرف وصل یا ربط یا محمول بر استفاده بر برداشت از قانون بوده است، زیرا متعاقباً و به کرات، چه در مقررات عمومی استخدامی و چه مقررات مربوط به شهرداری‌ها و پرسنل آن، به موضوع استمرار و قانونی بودن سنوات ارفاقی اشاره و تسجیل شده است. ثالثاً، رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۱۰۷-۱۳۶۹/۴/۷ که مورد استفاده نمایندگان تجدیدنظر خوانده در جلسه مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۵ دادرسی شعبه بدوی قرار گرفته است، دقیقاً قبل و مقدم بر تاریخ تصویب آیین نامه اجرایی قانون اصلاح (مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳) تعیین تاریخ ۱۳۶۹/۷/۱۸ هیئت وزیران صادر شده است. بنابراین نمی‌تواند مثبت امر خاصی در مانحن فیه، حداقل در باب رد حقوق مکتسبه تجدیدنظر خواه، باشد. رابعاً، انعکاس و انتقال موضوع تقاضای بازنشستگی تجدیدنظر خواه در کمیسیون و کارگروه موضوع ماده ۸۵ آیین نامه استخدامی شهرداری تهران، خود مؤید بی‌نیازی شهرداری از خدمات مشارالیه و در نتیجه استحقاق وی به استفاده از مقررات مربوط به سنوات ارفاقی در زمان تقاضای بازنشستگی که مؤخر بر قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و... مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳ است احراز می‌شود. لذا بنا به مراتب و ضمن صدور حکم به ورود اعتراض دادنامه معترض عنه نقض و در ماهیت به وارد دانستن شکایت و خواسته خواهان در مرحله نخست رسیدگی و رأی صادر می‌کند. رأی دیوان قطعی است. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یادشده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء، به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیئت عمومی

اولاً، تعارض در آراء مذکور محرز است.

ثانیاً، با تصویب قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری در تاریخ ۱۳۶۸/۱۲/۱۳ بازنشستگی مستخدمان رسمی، ثابت و دارای عناوین مشابه وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی، شهرداری‌ها و مؤسسات دولتی تابع قانون مذکور بوده است و صدور حکم بازنشستگی برای کارکنان شهرداری بعد از تصویب قانون مذکور و مطابق ماده ۸۵ آیین نامه استخدامی شهرداری‌ها، مصوب سال ۱۳۵۸ و برخورداری از سنوات ارفاقی، وجاهت قانونی نداشته است. بنابراین آراء صادرشده، به رد شکایت شکات، در حدی که منطبق با این استدلال باشد، صحیح و موافق مقررات است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است. ضمناً با توجه به شرایط شکات، موضوع منصرف از رأی وحدت رویه شماره ۳۱۸-۱۳۹۰/۸/۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

رأی شماره ۵۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع لزوم احتساب مدت خدمت تمام وقت در وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها از لحاظ تعیین پایه و بازنشستگی و حقوق وظیفه به عنوان سابقه خدمت دولتی

شماره هـ ۱۲۱/۹۱ - ۱۳۹۱/۲/۳۱

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۱/۲/۱۱ - شماره دادنامه: ۵۹ - کلاس پرونده: ۱۲۱/۹۱

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای علی اکبر فتحی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: آقای علی اکبر فتحی به موجب لایحه‌ای اعلام کرده است که در موضوع احتساب ایام خدمت غیررسمی در دستگاه‌های دولتی شعب دیوان عدالت اداری آراء معارض صادر کرده‌اند. مشارالیه رفع تعارض و صدور رأی وحدت رویه را خواستار شده است.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۲۰ دیوان عدالت اداری، در رسیدگی به پرونده شماره ۲۰۰۲/۸۳/۲۰ با موضوع دادخواست آقای علی اکبر فتحی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مشهد به خواسته الزام به احتساب ایام اشتغال خدمت قراردادی به عنوان سابقه خدمت رسمی، به موجب دادنامه شماره ۲۸۲۳-۱۰/۲۴-۱۳۸۳/۱۰ مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به این که طبق بخشنامه شماره ۲۹-۶۲۱/۱۷۳۰-۱۱/۲۷-۱۳۸۱/۱۱ اداره کل دفتر امور بهداشت و درمان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور احتساب سوابق خدمت و مرخصی استحقاقی مستخدمان قراردادی که در تنظیم قرارداد با آنان رعایت تبصره ۶۰ قانون بودجه سال ۱۳۶۴ کل کشور نشده است و انعقاد قرارداد بدون اخذ مجوز از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بوده است، منع شده است و در نتیجه سازمان متبوع مستخدم ملزم به رعایت بخشنامه از حیث عدم احتساب سوابق خدمتی قراردادی بوده است. بنابراین دعوای طرح شده غیرموجه تشخیص و به رد آن حکم صادر و اعلام می‌شود. حکم صادر شده بیست روز پس از ابلاغ تجدیدنظرپذیر در شعبه تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

ب: شعبه ۳ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۶۱۷/۸۷/۳ با موضوع دادخواست آقای احمد خباز به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مشهد به خواسته احتساب سنوات غیررسمی به موجب دادنامه شماره ۲۲۵۱-۱۲/۱۱/۱۳۸۷ مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

اولاً، اطلاق ماده ۱۵۱ قانون استخدام کشوری مبنی بر این است که سوابق تمام وقت غیررسمی کارکنان تابع قانون استخدام کشوری که از اعتبارات دولتی استفاده کرده باشند، قابل محاسبه، به عنوان سابقه خدمت رسمی است و

ثانیاً، بخشنامه استنادی مشتکی عنه به وسیله دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های بعدی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی عوض شده و مضموناً به نفع شاکی است. لذا به وارد دانستن شکایت مطروح و الزام خواننده به احتساب سنوات خدمت غیررسمی شاکی که از اعتبارات دولتی حقوق دریافت کرده است، به‌عنوان سابقه خدمت، حکم صادر و اعلام می‌شود. این رأی بر طبق ماده ۷ قانون دیوان عدالت اداری قطعی است.

ج: شعبه ۲۰ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۲۰۰۱/۸۳/۲۰ با موضوع دادخواست آقای غلام‌عباس گشتی بحرآباد به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مشهد به خواسته احتساب سنوات خدمت روزمزد و فصلی و قرارداد خرید خدمتی به‌عنوان سنوات خدمت دولتی به‌موجب دادنامه شماره ۱۳۸۴/۵/۲۴-۱۳۶۸ مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

در خصوص شکایت آقای غلام‌عباس گشتی بحرآباد به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دایر به احتساب سنوات خدمت روزمزد، فصلی و قرارداد خرید خدمتی به‌عنوان سنوات خدمت دولتی، شعبه دیوان با بررسی اوراق و محتویات پرونده، مفاد شکایت شاکی و لایحه دفاعیه طرف شکایت و با توجه به مفاد تبصره ۶ قانون بودجه سال ۱۳۶۴ کل کشور شمول مقررات قانون استخدام کشوری بر آن، نظر به این که عدم رعایت مقررات مربوط از سوی دانشگاه مشتکی عنه در خصوص به‌کارگیری مستخدم موجب تضییع حقوق مشارالیه نخواهد شد و شاکی از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۹ به‌صورت مستمر و تمام‌وقت مشغول انجام وظیفه بوده است. لذا با استناد به ماده ۱۵۱ قانون استخدام کشوری به وارد دانستن شکایت طرح‌شده حکم صادر و اعلام می‌شود. رأی صادرشده وفق مقررات و ظرف بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یادشده با حضور رؤساء، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء، به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیئت عمومی

اولاً، تعارض در آراء مذکور محرز است.

ثانیاً، با توجه به حکم مقرر در ماده ۱۵۱ قانون استخدام کشوری و مفاد رأی شماره ۵۱۲ و ۱۳۸۹/۱۱/۱۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر لزوم احتساب مدت خدمت تمام‌وقت در وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها از لحاظ تعیین پایه و بازنشستگی و حقوق وظیفه، به‌عنوان سابقه خدمت دولتی، آراء شعب ۲۰ و ۳ دیوان عدالت اداری که بر وارد دانستن شکایت صادر شده است، صحیح و موافق مقررات است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری معاون قضایی دیوان عدالت اداری - علی مبشری

**رای شماره‌های ۲۰۰-۱۹۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری
با موضوع در صورت ایجاد هرگونه تغییر ریالی در احکام بازنشستگان، طرف قرارداد
سازمان بازنشستگی یا صندوق بازنشستگی، علاوه بر سازمان متبوع الزامی است**
شماره هـ ۴۸۰-۱۰۱۶/۹۰-۱۳۹۱/۵/۱۴

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۱/۴/۱۹- شماره دادنامه: ۱۹۹۲۰۰- کلاسه پرونده: ۱۰۱۶/۹۰-۴۸۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقایان غلام‌عباس رفیعی و سیدعباس رضاسجادی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض در آراء صادرشده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: آقایان غلام‌عباس رفیعی و سیدعباس رضاسجادی به‌موجب دادخواست‌های جداگانه اعلام کرده‌اند که شعب دیوان عدالت اداری در رسیدگی به دادخواست به طرفیت سازمان متبوع به خواسته الزام به پرداخت کامل حق اشعه موضوع بند ۴ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه آراء متناقض صادر کرده‌اند، از این حیث که تعدادی از بازنشستگان دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات درمانی در کشور دادخواست‌هایی به‌خواسته مذکور و به طرفیت دانشگاه محل خدمت سابق خود به دیوان عدالت اداری تقدیم کرده‌اند و برخی از شعب دیوان با این استدلال که مطابق رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۶۳۶-۱۳۸۷/۹/۲۴ طرح دعوا به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری نیز علاوه بر محل خدمت مستخدم ضروری است و چون در دادخواست تقدیمی، سازمان بازنشستگی کشور طرف دعوا قرار نگرفته است قرار رد شکایت را صادر کرده‌اند و برخی دیگر از شعب دیوان عدالت اداری بدون لحاظ مفاد رأی یادشده وارد رسیدگی شده‌اند. مشارالیه رفع تعارض و صدور رأی وحدت رویه را خواستار شده‌اند.

خلاصه پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه چهارم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده‌های شماره ۷۲۵۸۵-۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۷۲۵۸۵ و ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۸۱۹۵۳-۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۸۱۹۵۳ با موضوع دادخواست آقایان غلام‌عباس رفیعی و سیدعباس رضاسجادی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اراک به خواسته پرداخت فوق‌العاده کار با اشعه بر مبنای کامل حقوق و مزایا به‌موجب دادنامه‌های شماره ۱۱۴۰-۸۹۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۱۱۴۰-۸۹۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۱۶۵۰ و ۱۳۸۹/۱۰/۱۲-۸۹۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۱۶۵۰ و ۱۳۸۹/۱۱/۱۷-۸۹۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۱۶۵۰ مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده‌اند.

نظر به این که شاکی از بازنشستگان سازمان بازنشستگی کشوری است و با عنایت به وظایف سازمان بازنشستگی کشوری در احتساب و برقراری حقوق بازنشستگی بر مبنای حقوق ماهیانه و فوق‌العاده‌های مستمر مشمول کسور بازنشستگی در دو سال آخر خدمت بنابراین شکایت منحصراً به طرفیت سازمان متبوع بدون شکایت از سازمان بازنشستگی مسموع نیست. مستنداً به رأی وحدت رویه صادرشده از هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۶۳۶-۱۳۸۷/۹/۲۴ قرار رد شکایت را صادر و اعلام می‌دارد. این رأی وفق مقررات ماده ۷ قانون دیوان قطعی است.

ب: شعبه اول دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۷۳۲۶۱-۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۷۳۲۶۱ با موضوع دادخواست آقای

سیروس ایزدی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اراک به خواسته پرداخت فوق العاده کار با اشعه بر مبنای کامل حقوق و مزایا، به موجب دادنامه شماره ۱۰۶۷۸-۰۹۹۷۰۹۰۰-۸۹-۱۱/۲۶-۱۳۸۹/۱۱ مفاداً به شرح آتی، به صدور رأی مبادرت کرده است:

خواسته شاکی مفاداً تقاضای پرداخت مابه التفاوت حق اشعه بر مبنای محاسبه کامل حقوق و مزایاست و توضیحاً بیان داشته است که مشتکی عنه حقوق و فوق العاده شغل را مبنای پرداخت حق اشعه قرار داده است. لذا به موضوع معترض و به شرح ستون خواسته تقاضای رسیدگی دارد. با بررسی اوراق و محتویات پرونده و ملاحظه جواب ثبت شده تحت شماره ۲۱۶۹-۱۰/۱۱/۱۳۸۹ دفتر این شعبه، نظر به این که مطابق بند ۴ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوبه ۶۸ مقرر شده است تا پنجاه درصد حقوق و مزایای مستمر به عنوان فوق العاده کار با اشعه پرداخت شود و به موجب رأی وحدت رویه شماره ۱۴۶۶ الی ۱۴۶۸-۱۲/۱۲/۱۳۷۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، تصویب نامه شماره ۱۸۱۶/ت/۱۹۹۶۹ هـ-۱۳۷۸/۳/۱۷ هیئت وزیران که مبنای محاسبه حق اشعه را تا پنجاه درصد حقوق و فوق العاده شغل اعلام کرده بود، ابطال شده است. فلذا حق اشعه باید بر مبنای حقوق و مزایا و بر اساس درصدی که در اجرای قانون مذکور تعیین و تصویب شده است، پرداخت شود. بنابراین خواسته مشارالیه موجه تشخیص و با استناد به مواد ۷ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ به وارد بودن شکایت، دایر به الزام اداره مشتکی عنه به پرداخت مابه التفاوت فوق العاده مزبور از تاریخ استحقاق تا تاریخ بازنشتگی مشارالیه (۱۳۸۷/۶/۲۲) حکم صادر و اعلام می شود. رأی دیوان قطعی است.

ضمناً شاکی این پرونده حسب مندرجات دادخواست در زمان تقدیم دادخواست بازنشته بوده است.

ج: شعبه سوم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۵۶۴/۸۸/۳ با موضوع دادخواست آقای علی اکبر توکلی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بابل به خواسته مطالبه حق اشعه از تاریخ تصویب مجلس شورای اسلامی به موجب دادنامه شماره ۱۲۴۵-۱۱/۱۳۸۸/۷، مفاداً به شرح آتی، به صدور رأی مبادرت کرده است: با توجه به اوراق و محتویات پرونده و مضمون مدافعات طرف شکایت، نظر به این که بر طبق بند ۴ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه، مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۰، مجلس شورای اسلامی از تاریخ لازم الاجرا شدن آن قانون به مستخدمانی که با اشعه سروکار دارند، فوق العاده کار با اشعه تعلق می گیرد و این که رأی شماره ۳۷۱-۱۰/۱۳۸۳/۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تأیید همین معنی صادر شده است و با عنایت به این که مشتکی عنه در لایحه خود کار با اشعه را در زمان اشتغال شاکی تأیید کرده است، بنابراین شکایت مطروح در حد الزام خوانده به پرداخت فوق العاده کار با اشعه از زمانی که شاکی پس از تصویب قانون مذکور با اشعه سروکار داشته است موجه به نظر می رسد و رأی به وارد بودن آن صادر و اعلام می شود. این رأی بر طبق ماده ۷ قانون دیوان عدالت اداری قطعی است.

ضمناً شاکی این پرونده حسب مندرجات دادخواست در زمان تقدیم دادخواست بازنشته بوده است.

د: در پرونده شماره ۶۶۵۵۹-۰۹۹۸۰۹۰۰-۸۹-۱۰ شعبه چهارم و شماره ۴۰۹۷/۸۷/۱۰ شعبه دهم و ۶۸۳/۸۹/۹ شعبه نهم و ۱۶۹۴/۸۷/۲ شعبه دوم دیوان عدالت اداری، شکات در زمان تقدیم دادخواست شاغل بوده اند و شعب حسب مورد حکم مقتضی صادر کرده اند.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یادشده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء، به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت می کند.

رأی هیئت عمومی

اولاً، تعارض در آراء مندرج در بندهای الف، ب و ج گردش کار محرز است و در سایر آراء تعارضی دیده نمی شود. ثانیاً نظر به این که با صدور حکم بر الزام دستگاه متبوع مستخدم، شاکی به پرداخت کامل حق اشعه با رعایت مفاد رأی شماره ۱۴۶۸-۱۴۶۶ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۱۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، مآلاً مفاد احکام ریالی بازنشستگی شکات تغییر می کند و حسب مفاد رأی وحدت رویه شماره ۶۳۶-۱۳۸۷/۹/۲۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در این قبیل موارد علاوه بر طرح دعوا به طرفیت سازمان متبوع مستخدم، طرف دعوا قراردادن سازمان بازنشستگی یا صندوق بازنشستگی مربوط نیز ضروری است. بنابراین آراء شعبه چهارم دیوان عدالت اداری به شرح دادنامه های شماره ۱۶۵۰ مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۷ و ۱۱۴۰-۱۳۸۹/۱۰/۱۲ که به رد شکایت صادر شده و متضمن معنی مذکور است، صحیح و موافق مقررات تشخیص می شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

رأی شماره ۵۱۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع ابطال بند ۵ بخشنامه شماره ۵۲ مستمری های سازمان تأمین اجتماعی که بازنشستگی اشخاص را با لحاظ بند ۳ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه به رعایت حداقل شرط سنی مندرج در تبصره های ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مقید کرده است

شماره هـ - ۱۸۷/۹۰ - ۱۳۹۱/۸/۲۸

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۱/۷/۲۴ - شماره دادنامه: ۵۱۳ - کلاس پرونده: ۱۸۷/۹۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای سعید کاظمی خرازی

موضوع شکایت و خواسته: تقاضای نقض و ابطال بند ۵ بخشنامه شماره ۵۲ مستمری ها

گردش کار: آقای سعید کاظمی خرازی به موجب دادخواستی ابطال بند ۵ بخشنامه شماره ۵۲ مستمری ها سازمان تأمین اجتماعی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

در مورد بازنشستگی مشمولان قانون «حفاظت در برابر اشعه» موضوع بخشنامه شماره ۵۲ مستمری ها، سازمان تأمین اجتماعی، در بند ۵ آن شرط سن برای متقاضیان مطرح شده که خلاف روح قانون حفاظت در برابر اشعه (مصوب ۱۳۶۸) است. این بند شرط سن را برای متقاضیان بازنشستگی، طبق تبصره ۱ ذیل ماده ۷۶ لازم دانسته است، درحالی که کسانی که با استفاده از قوانین حمایتی از بازنشستگی های پیش از موعد استفاده می کنند، هیچ گاه نمی توانند حداقل شرط سن یعنی ۵۰ سال را دارا باشند. از طرفی این شرط در دیگر بخشنامه های سازمان تأمین اجتماعی در مورد مشمولان قانون کار که دارای مشاغل سخت و زیان آور هستند (از جمله بخشنامه شماره ۴۹)، هیچ گاه لحاظ نشده است. چطور می شود از یک طرف برای گروهی شاغل در کارهای سخت و زیان آور، بازنشستگی پیش از موعد در نظر گرفت و از طرفی با قراردادن شرط سن برای متقاضیان جلوی استفاده آن ها را از قوانین حمایتی و حفاظتی گرفت! لازم به ذکر است در ماده ۱ قانون حفاظت در برابر اشعه، مصوب ۱۳۶۸، که اهداف تدوین این قانون را بیان می کند، به ضرورت حفاظت کارکنان در برابر اثرات زیان آور اشعه اشاره شده است و برای حمایت از پرتوکاران در بخش های مختلف، از جمله پرتوکاران گروه پزشکی، مزایایی را قائل شده است که یکی از آن ها بازنشستگی پیش از موعد نسبت به دیگر کارکنان بخش های دولتی و خصوصی است که در بند ۳ ماده ۲۰ (فصل پنجم - مقررات ویژه) به آن اشاره شده است. به این صورت که پس از ۲۰ سال کار با مواد پرتوزا و حضور در محیط های آلوده به مواد رادیواکتیو، پس از تأیید سازمان انرژی اتمی، بتواند با استفاده از مزایای این قانون با ده سال ارفاق و با ۳۰ روز حقوق بازنشسته شوند. با توجه به این که دوره تحصیل در دانشگاه در رشته های تکنسین رادیوتراپی ۲ سال است، یک جوان پس از اتمام تحصیلات در دبیرستان و اتمام خدمت سربازی در حدود ۲۰ تا ۲۱ سالگی وارد دانشگاه می شود و در ۲۲ تا ۲۳ سالگی فارغ التحصیل می شود. اگر تا ۲۵ سالگی هم بیکار بماند، بالاخره در این سن وارد بازار کار می شود و پس از ۲۰ سال کار در سن ۴۵ سالگی (شبهه شرایط بنده) شامل این قانون خواهد بود و چون این قانون خواسته است از بیش از ۲۰ سال کار پرتوکاران که مخالف موارد حفاظتی و استانداردهای

جهانی است جلوگیری کرده باشد، آن‌ها را با ارفاق قابل‌بازنشسته شدن اعلام کرده است، اما با وجود بند مذکور که شرط سن را مطرح کرده است، عده بسیاری که در زیر سن ۵۰ سال به شرایط بازنشستگی می‌رسند بابت تکلیف خواهند ماند. چون در صورت بازنشسته‌نشدن باید حدود ۵ سال دیگر تا رسیدن به حداقل شرط سن کار کنند که این نقض غرض قانون‌گذار در امر حفاظت کارکنان در مقابل پرتوها می‌باشد، چون عملاً پس از ۲۵ سال کار شامل این قانون خواهند شد نه ۲۰ سال، و اگر بیکار بمانند چگونه هزینه‌های زندگی را تأمین کنند؟

لذا از آنجا که بند مذکور خلاف نظر قانون‌گذار در قانون حفاظت در برابر اشعه است و با وجود آن امکان استفاده از شرایط ارفاقی برای عده زیادی که در سنین زیر ۵۰ سال به ۲۰ سال سابقه کار می‌رسند با توجه به کوتاه بودن زمان تحصیل (۲ سال برای کاردانی رادیوتراپی) فراهم نیست و با توجه به این که در هیچ‌یک از بخشنامه‌های دیگر مربوط به کارهای سخت و زیان‌آور در سازمان تأمین اجتماعی شرط سن لحاظ نمی‌شود، خواهشمندم با نقض بند ۵ بخشنامه شماره ۵۲ امکان بهره‌مندشدن از مزایای قانونی را فراهم آورید.

متن قسمت مورد اعتراض از بخشنامه شماره ۵۲ مستمری‌ها به قرار زیر است:

به استناد تبصره ذیل ماده (۱) مصوبه شماره ۱۵۳۶۵ ت ۳۶۰۰۵ هـ مورخ ۱۳۸۶/۲/۵ هیئت محترم وزیران رسیدگی

به تقاضای بازنشستگی مشمولان قانون حفاظت در برابر اشعه با رعایت مفاد ذیل خواهد بود:

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-

۵- پس از اخذ درخواست بازنشستگی بیمه‌شده مبنی بر کار با اشعه و وصول گواهی از سازمان انرژی اتمی، برقراری مستمری بازنشستگی در صورت احراز حداقل شرط سن و حداقل سابقه قابل احتساب (مجموع سابقه اصلی و افزایش خدمت) مطابق با مفاد تبصره‌های ذیل ماده ۷۶ و محاسبه آن وفق مقررات عام تأمین اجتماعی خواهد بود.

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر امور حقوقی و دعاوی صندوق (سازمان) تأمین اجتماعی به‌موجب لایحه شماره ۵۰۱۰۴-۱۳۹۰/۹/۷ توضیح داده است که:

شاکلی در دادخواست ارائه شده عدم اعمال شرایط سن و سابقه در خصوص مشمولان قانون یادشده را بدون این که مستند قانونی آن را ذکر کند، اعلام داشته است که بند ۵ بخشنامه معترض‌عنه، طبق قانون تأمین اجتماعی، تنظیم شده و خلاف روح قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸ است. در این ارتباط لازم به ذکر است که قانون مزبور در خصوص ضرورت حفاظت کارکنان، مردم، نسل‌های آینده و محیط در برابر اثرات زیان‌آور اشعه وضع شده است و در این راستا قانون‌گذار مزایایی را نیز برای افراد مشمول در نظر گرفته است. از جمله می‌توان به بند ۳ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه، مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۰، اشاره کرد که به‌موجب آن افزایش مدت خدمت مورد قبول تا یک سال، به‌ازای هر یک سال کار با اشعه و حداکثر این افزایش تا ده سال و منحصرأ از نظر بازخرید، بازنشستگی، ازکارافتادگی و تعیین حقوق وظیفه، قابل احتساب می‌باشد. بند ۷ ماده ۲ آیین‌نامه قانون مزبور در تعریف پرتوکار، عنوان داشته که پرتوکار به شخص حقیقی اطلاق می‌شود

که حسب وظیفه با منابع مولد اشعه، به‌طور مستمر و فیزیکی در ارتباط باشد و حد آن‌ها را به دو گروه الف و ب تقسیم کرده است. در ادامه ماده ۲۰ آیین‌نامه یادشده، احتساب سوابق کار با اشعه جهت بازخرید، بازنشستگی، ازکارافتادگی و تعیین حقوق وظیفه را در خصوص کارکنان با پرتو گروه الف، به‌ازای هر سال خدمت، یک سال به خدمت موردقبول آن‌ها، تا حداکثر ده سال، افزوده می‌شود و همچنین در مورد کارکنان با پرتو گروه (ب) به‌ازای هر سال خدمت، ۶ ماه به خدمت موردقبول آن‌ها، تا حداکثر ۵ سال، اضافه می‌شود. بنابراین با عنایت به مراتب فوق و بررسی قانون و آیین‌نامه مربوطه، دقیقاً مشخص می‌شود قانون‌گذار در خصوص نحوه بازنشستگی و شرایط مربوطه، از جمله سن و سابقه و نیز حداقل سابقه پایه، جهت بازنشستگی، تصریحی ندارد. مضافاً این که سنوات ارفاقی مقرر در قانون نیز در خصوص برخورداری افرادی که می‌توانند مشمول گروه الف یا ب قرار بگیرند نیز متفاوت است و حسب مورد مشمولان گروه الف حداکثر تا ده سال و مشمولان گروه ب حداکثر ۵ سال را شامل می‌شود که این سنوات ارفاقی در زمان بازنشستگی فرد به سایر سوابق که بیمه‌شده در همان شغل یا مشاغل دیگر دارد، جمع شده و در احراز شرایط بازنشستگی وفق ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مورد لحاظ قرار می‌گیرد؛ در واقع از آنجا که قانون کار با اشعه صرفاً در مقام بیان مزایای شاغلین پرتوکار بوده و مزایایی نظیر پرداخت فوق‌العاده کار با اشعه و اعطاء سنوات ارفاقی را تعیین کرده است و اشاره‌ای به شرایط بازنشستگی نکرده است و با توجه به این که این قبیل افراد نیز بیمه‌شده تأمین اجتماعی بوده و کلیه مشمولان قانون تأمین اجتماعی از جهت بازنشستگی و تعیین میزان مستمری تابع مواد ۷۷ و ۷۶ قانون مذکور هستند، در نتیجه شرایط بازنشستگی این قبیل افراد در راستای مواد مذکور و قواعد عام بازنشستگی است و از این جهت ایرادی متوجه مصوبات سازمان نیست.

با عنایت به مراتب فوق و این که شاکه تقاضای ابطال بخشنامه معترض عنه را کرده است، بدون این که قانون موردنظر خود را اعلام کند و نیز ادعای شاکه، همان‌طور که در بخش دفاعیات ماهوی تشریح شده است، بلاذلیل است و اقدامات سازمان وفق قانون و مقررات جاری صورت می‌پذیرد رد شکایت شاکه مورد استعاست.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یادشده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء، به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیئت عمومی

نظر به این که قانون‌گذار در بند ۳ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب سال ۱۳۶۸، افزایش مدت خدمت مورد قبول تا یک سال به‌ازای هر یک سال کار با اشعه و حداکثر تا ۱۰ سال را منحصرأ از نظر بازخرید، بازنشستگی، ازکارافتادگی و تعیین حقوق وظیفه برای افرادی که به‌طور مستمر به کار با اشعه اشتغال داشته باشند بر مبنای مقدار و شرایط بالقوه پرتودهی محیط کار، قابل احتساب دانسته است و در این قانون شرط سنی در جهت بازنشستگی پیش‌بینی نشده است. بنابراین بند ۵ بخشنامه شماره ۵۲ مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی که بازنشستگی اشخاص را با لحاظ بند ۳ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه به رعایت حداقل شرط سنی مندرج در تبصره‌های ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مقید کرده، مغایر حکم قانون‌گذار به شرح پیش گفته است و به استناد بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ابطال آن صادر و اعلام می‌شود.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

رای شماره ۶۷۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری
با موضوع ابطال بند یک از قسمت الف و بند ۱۱ از قسمت ب در بخشنامه
شماره ۵۱۸۶-م ۴۰/۴۱-۱۳۸۷/۴/۹ معاونت نیروی انسانی سپاه پاسداران انقلاب
اسلامی مبنی بر داشتن حداقل ۲۵ سال سابقه خدمت جهت بازنشستگی جانبازان
با استفاده از سنوات ارفاقی
شماره هـ ۱۹۶/۸۸-۱۳۹۱/۱۰/۱۸

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۱/۹/۲۷- شماره دادنامه: ۶۷۱- کلاسه پرونده: ۱۹۶/۸۸

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکا: آقای حجت‌اله سلیمی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند یک از قسمت الف و بند ۱۱ از قسمت ب (شرط ۲۵ سال) در بخشنامه شماره ۵۱۸۶-م ۴۰/۴۱-۱۳۸۷/۴/۹ معاونت نیروی انسانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گردش کار: شاکا به موجب دادخواستی، ابطال بند یک از قسمت الف و بند ۱۱ از قسمت ب بخشنامه مذکور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

در قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور، مصوب سال ۱۳۶۷، از جمله شروط بازنشستگی جانبازان، داشتن ۲۰ سال سابقه خدمت ذکر شده است، اما برخلاف حکم مذکور، در بند ۱ از قسمت الف و بند ۱۱ از قسمت ب) بخشنامه شماره ۴۰/۴۱-م ۱۳۸۷/۴/۹ معاونت نیروی انسانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شرط برخورداری از بازنشستگی، داشتن ۲۵ سال خدمت قید شده است. به همین خاطر ابطال بندهای مذکور در بخشنامه که ناظر بر بخشنامه فرمانده کل سپاه می‌باشد، مورد استدعاست.

مقررۀ مورداعتراض شاکا به قرار زیر است:

الف: شرایط

- ۱- کلیه کارکنان پایور و بسیج ویژه (شناسه ۸۲) که دارای ۲۵ سال سنوات خدمتی در سپاه و حداقل ۳۰ درصد از کارافتادگی ناشی از جانبازی می‌باشند مشمول این ابلاغیه می‌گردند.
- تبصره ۱- اولویت با جانبازان ورودی سال ۱۳۵۸ تا پایان سال ۱۳۶۱ می‌باشد.
- تبصره ۲- اعضای هیئت علمی و پزشکان شامل ابلاغیه مذکور نمی‌گردند.

ب: امتیازات

۱، ۲، ۳، ۴، و...

۱۱- کلیه جانبازان سطح ۵ و بازنشستگانی که در زمان انفصال، حداقل دارای ۲۵ سال سنوات خدمت و ۳۰ درصد جانبازی

بوده‌اند، می‌توانند از مزایای این ابلاغیه بهره‌مند گردند. بدیهی است پاداش پایان خدمت آنان در صورت عدم دریافت یا کمتر از ۳۰ ماه، تا سقف ۳۰ ماه قابل پرداخت می‌باشد.

در پاسخ به شکایت شاکی، معاون نیروی انسانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌موجب لایحه شماره ۱۸۵۵۵/۴۰۷/س-۱۸/۱۳۸۸/۹ توضیح داده است که:

«ابلاغیه مورداعتراض، اصلاح شده است و جانبازان در صورت داشتن شرایط بندهای (ب) و (ج) ماده ۱۲۱ قانون مقررات استخدامی سپاه و با استناد به ماده ۸ قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی، مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۳ بازنشست می‌شوند.»

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یادشده، با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء، به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیئت عمومی

نظر به این که در قانون، نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور، مصوب ۱۳۶۷/۹/۱، بازنشستگی مستخدمان معلول (اعم از جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، معلولان ناشی از کار، بیماران ناشی از شرایط خاص کار و معلولان عادی) کلیه وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی، شهرداری‌ها، بانک‌ها، مؤسسات و شرکت‌ها و سازمان‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است، به شرط داشتن حداقل بیست سال تمام سابقه خدمت و لحاظ شرایط دیگر پیش‌بینی شده است و به موجب قانون شمول قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب سال ۱۳۶۷، بر جانبازان و آزادگان انقلاب و جنگ تحمیلی و معلولین عادی نیروهای نظامی و انتظامی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۰ حکم مذکور به کارکنان نیروهای مسلح نیز تعمیم داده شده است، بنابراین بند یک قسمت الف و بند ۱۱ قسمت ب از بخشنامه مورد اعتراض که بازنشستگی جانبازان با استفاده از سنوات ارفاقی را به داشتن حداقل ۲۵ سال سابقه خدمت موکول کرده است، مغایر قانون تشخیص می‌شود و به استناد بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ابطال آن از تاریخ تصویب، صادر و اعلام می‌شود.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداره - محمدجعفر منتظری

رأی شماره ۶۷۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع تعیین مستمری بازنشستگی ناشی از قانون بازنشستگی پیش از موعد با لحاظ دو سال آخر سنوات واقعی خدمت مستخدم

شماره هـ ۱۳۴۲/۹۰ - ۱۳۹۱/۱۱/۴

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۱/۱۰/۴ - شماره دادنامه: ۶۷۴ - کلاس پرونده: ۱۳۴۲/۹۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای علیرضا مهدوی فر

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض در آراء صادرشده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: شعب دیوان عدالت اداری در رسیدگی به دادخواست اشخاص به طرفیت صندوق (سازمان) تأمین اجتماعی به خواسته الزام به اصلاح حکم مستمری بازنشستگی ناشی از قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت «آراء معارض صادر کرده‌اند، بدین نحو که شکات پرونده‌های موضوع تعارض، با استفاده از قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت، مصوب سال ۱۳۸۶ و با برخورداری از سنوات ارفاقی خدمت، بازنشسته شده‌اند. لیکن صندوق (سازمان) تأمین اجتماعی در تعیین مستمری بازنشستگی مطابق ماده ۷۷ قانون تأمین اجتماعی و تبصره ذیل آن، حقوق و مزایای ۲ سال آخر خدمت را که شاکی عملاً اشتغال داشته است، ملاک قرار داده و شکات ادعا داشته‌اند که باید ۲ سال آخر که بابت آن حق بیمه پرداخت شده است، یعنی سال‌های ۳۰ و ۲۹ که سنوات ارفاقی خدمت بوده، ملاک تعیین مستمری بازنشستگی قرار گیرد.

اشخاص دادخواست‌های به خواسته الزام به اصلاح احکام مستمری بازنشستگی و تعیین حقوق مستمری بر مبنای ۲ سال آخر با لحاظ سنوات ارفاقی یعنی سال‌های ۳۰ و ۲۹ به دیوان عدالت اداری تقدیم می‌کنند.

شعب ۲۵، ۱۷، ۱۶، ۱۵ و ۱۲ دیوان عدالت اداری با این استدلال که در تعیین مستمری بازنشستگی مطابق ماده ۷۷ قانون تأمین اجتماعی، متوسط حقوق و مزد بیمه‌شده ضرب در سنوات پرداخت حق بیمه ملاک است و مطابق تبصره ذیل آن، متوسط حقوق یا مزد، مجموع مزد یا حقوق بیمه‌شده در ۲ سال آخر خدمت است که بر اساس آن حق بیمه پرداخت شده و بابت سنوات ارفاقی حق بیمه محاسبه و پرداخت شده است، حکم به وارد دانستن شکایت صادر کرده‌اند، اما شعبه ۲ تشخیص دیوان عدالت اداری با این استدلال که اعطای سنوات ارفاقی برای تکمیل سنوات خدمت کارکنان مشمول قانون بازنشستگی پیش از موعد، فقط پرداخت حقوق بر مبنای سی روز را دارد که احتساب آن بر اساس میانگین دریافتی دو سال آخر خدمت است و ارفاق سنوات نمی‌تواند سبب افزایش سنوات حقوق کارکنان به تناسب سال‌های ارفاقی شود و پس از اعطای سنوات ارفاقی رابطه کاری با دستگاه متبوع قطع می‌شود، حکم به رد شکایت صادر کرده است.

خلاصه آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه دوازدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۲۶۷۳۳/۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰ با موضوع دادخواست آقای احمد جلالیان به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی تهران به خواسته الزام به اصلاح حکم مستمری بازنشستگی

بر اساس میانگین ۲ سال آخر سنوات ارفاقی، به موجب دادنامه شماره ۱۴۷۹/۱۲۰۹۰۹۹۷۰۹۰۱۲۰۹۰/۸/۱۳۹۰، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

در خصوص شکایت احمد جلالیان به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی تهران به خواسته الزام مشتنکی عنه به اصلاح حکم مستمری بر اساس مابه‌التفاوت سنوات ارفاقی و پرداخت معوقات ناشی از اصلاح حق مستمری با توجه به تبصره ماده ۷۷ قانون تأمین اجتماعی که مقرر داشته است ملاک تعیین حقوق، حقوق بازنشستگی متوسط مجموع حقوق و دستمزدی است که حق بیمه پرداخت شده است و شاکي نیز از سنوات ارفاقی طبق قانون بازنشستگی پیش از موعد استفاده کرده و بابت آن حق بیمه به سازمان پرداخت شده است و سازمان به دلیل عدم انجام کار و اشتغال حق بیمه سنوات ارفاقی را در مستمری لحاظ نکرده است که این عمل فاقد وجاهت قانونی است. علی‌هذا با توجه به مراتب و دفاعیات غیرمؤثر خوانده، شکایت نامبرده وارد تشخیص و به حقانیت وی حکم صادر و اعلام می‌شود. این رأی به استناد ماده ۷ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵/۹/۲۵ قطعی است.

ب: شعبه پانزدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۵۹۷۹/۱۰۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰ با موضوع دادخواست آقای حسین میرآبادی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به خواسته الزام به اصلاح حکم مستمری بازنشستگی بر اساس میانگین ۲ سال آخر سنوات ارفاقی، به موجب دادنامه شماره ۱۹۹۵/۱۵۰۹۰۹۹۷۰۹۰۱۵۰/۶/۸-۱۳۹۰، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

شکایت شاکي دایر بر الزام به محاسبه مابه‌التفاوت حق بیمه واریز شده و صدور حکم بر اساس میانگین دو سال آخر حقوق به شرح دادخواست تقدیمی، با توجه به محتویات پرونده و مستندات ارائه شده درخور پذیرش است، زیرا مطابق تبصره ماده ۷۷ قانون تأمین اجتماعی ملاک تعیین حقوق بازنشستگی متوسط مجموع حقوق یا دستمزدی است که حق بیمه پرداخت شده است. با توجه به این که شاکي از سنوات ارفاقی استفاده کرده که در تعیین مستمری لحاظ نشده است، لذا شکایت مطروحه را وارد تشخیص داده، به برقراری مستمری شاکي بر اساس دو سال آخرین بیمه پرداختی رأی صادر و اعلام می‌دارد رأی دیوان قطعی است.

ج: شعبه شانزدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۷۹۷۸/۱۰۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰ با موضوع دادخواست آقای محمدمهدی شومالی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی استان تهران به خواسته الزام به اصلاح حکم مستمری بازنشستگی بر اساس میانگین ۲ سال آخر سنوات ارفاقی، به موجب دادنامه شماره ۱۸۶۲/۱۶۰۹۰۹۹۷۰۹۰-۱۳۹۰/۷/۱۱، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

در خصوص دادخواست محمدمهدی شومالی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی استان تهران به خواسته مندرج در دادخواست تقدیمی، با توجه به مجموع اوراق پرونده و مستنداً به تبصره ماده ۷۷ از قانون تأمین اجتماعی که مقرر داشته است متوسط مزد یا حقوق برای محاسبه مستمری بازنشستگی عبارت است از مجموع مزد یا حقوق بیمه شده که بر اساس آن حق بیمه پرداخت شده است، ظرف آخرین دو سال پرداخت حق بیمه، تقسیم بر بیست و چهار. علی‌هذا با توجه به مراتب فوق و صراحت تبصره ماده ۷۷ از قانون تأمین اجتماعی دعوی مطروحه را وارد تشخیص و به اجابت خواسته شاکي و برقراری مستمری بر مبنای ماده ۷۷ از قانون تأمین اجتماعی بر مبنای میانگین دو سال، اخذ حق بیمه ارفاقی حکم صادر و اعلام می‌دارد.

د: شعبه هفدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده‌های شماره ۱۶۳۲۹-۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰ و ۱۶۵۲۸-۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰ با موضوع دادخواست آقایان محسن نجمی و بهمن امینی امشی به طرفیت اداره کل تأمین اجتماعی تهران به خواسته الزام به اصلاح حکم مستمری بازنشستگی بر اساس میانگین ۲ سال آخر سنوات ارفاقی، به موجب دادنامه‌های شماره ۱۸۲۱/۱۷۰۹۰۹۹۷۰۹۰۱۶-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۱۶ و ۱۳۹۰/۶/۱۶-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۱۷۰۲۸۰۱ و ۱۳۹۰/۹/۱۲-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۱۷۰۲۸۰۱ مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

شاکلی طی دادخواست تقدیمی اظهار داشته است، به استناد قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶/۶/۵ مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه و اجرای آن و مواد ۶، ۷، ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و تبصره ذیل ماده ۶ آن بازنشسته شده است و بابت سنوات ارفاقی بر اساس آخرین حقوق و مزایای مشمول کسور بازنشستگی و مابه‌التفاوت آن به حساب صندوق تأمین اجتماعی پرداخت شده است و با این که ماده ۷۷ قانون تأمین اجتماعی مقرر می‌دارد بازنشستگی باید برابر میانگین ۲۴ ماه آخر خدمت محاسبه شود. سازمان از اقدام در این جهت خودداری می‌کند. بنابراین تقاضای صدور حکم وفق خواسته را دارد و متقابلاً مدیر کل تأمین اجتماعی غرب تهران بزرگ پاسخ داده است نامبرده تا ۱۳۸۷/۱۲/۲۵ اشتغال به کار داشته و مستمری مشارالیه با توجه به مفاد تبصره ذیل ماده ۷۷ قانون تأمین اجتماعی ظرف دو سال قبل از تاریخ مذکور مبنای محاسبه قرار گرفته است و در صورتی که محاسبه مستمری بر اساس میانگین سال‌های ۲۹-۳۰ سنوات نامبرده صورت گیرد، در واقع آخرین حقوق و مزایای مشمول کسر حق بیمه مبنای تعیین میزان مستمری قرار خواهد گرفت؛ در حالی که هدف مقنن ۲۴ ماه سوابق اصلی پرداخت حق بیمه بوده است. بنابراین تقاضای رد شکایت را دارد که با عنایت به محتویات پرونده و مندرجات سابقه پیوست نظر به این که برگ‌های ارسالی به واحد درآمد و فرم خلاصه وضعیت پرونده حکایت از محاسبه مابه‌التفاوت حق بیمه نسبت به سنوات ارفاقی تا ۳۰ سال را دارد و اخذ مابه‌التفاوت نسبت به سنوات ارفاقی ایجاب می‌کند ایام مرقوم نیز در محاسبه دو سال آخر حقوق و مزایای بازنشستگی لحاظ شود. بنابراین شکایت مطروحه وارد تشخیص داده می‌شود و مستنداً به مواد ۷۷ قانون تأمین اجتماعی و ۱۳، ۱۴، ۷ دیوان عدالت اداری به حقانیت دعوای مطروحه رأی صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

ه: شعبه بیست و پنجم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده‌های شماره ۲۲۹۴۰-۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰ و ۱۹۹۶۱-۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰ با موضوع دادخواست آقای مصطفی حسینی و خانم فرشته جلالی به طرفیت اداره کل تأمین اجتماعی استان تهران به خواسته الزام به اصلاح حکم مستمری بازنشستگی بر اساس میانگین ۲ سال آخر سنوات ارفاقی، به موجب دادنامه‌های شماره ۱۱۵۸/۲۵۰۹۰۹۹۷۰۹۰۲۵-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۲۵ و ۱۱۶۹/۲۵۰۹۰۹۹۷۰۹۰۲۵-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۲۵، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به این که شاکلی بر اساس مقررات قانون بازنشستگی پیش از موعد مصوب ۱۳۸۶/۶/۵ مجلس شورای اسلامی با جمع سنوات واقعی و ارفاقی بازنشسته شده است و با توجه به این که بابت سنوات ارفاقی حق بیمه کسر و به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت شده است، لذا بنا به حکم قانون‌گذار در تبصره ذیل ماده ۷۷ قانون تأمین اجتماعی حکم به الزام اداره کل تأمین اجتماعی استان تهران نسبت به محاسبه مابه‌التفاوت بیمه‌پردازی بابت سنوات ارفاقی نامبرده، ظرف دو سال آخرین پرداخت حق بیمه وی در برقراری مستمری بازنشستگی صادر و اعلام می‌دارد. رأی دیوان قطعی است.

خدمت صورت گرفته، شکایت غیروارد تشخیص و به استناد مواد ۱۴ و ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری و ماده واحده قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان، به رد شکایت حکم صادر و اعلام می‌شود.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یادشده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء، به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیئت عمومی

اولاً، تعارض در مدلول آراء فوق‌الذکر محرز است.

ثانیاً، نظر به این که مطابق ماده ۹ قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی، بانوان شاغل خانواده‌ها و سایر کارکنان مصوب سال ۱۳۷۹، مبنای حقوق بازنشستگی یا وظیفه مستخدمان مشمول عبارت است از معدل تمامی حقوق و مزایای دریافتی آنان در ۲ سال آخر خدمت که ملاک کسور بازنشستگی است و در ماده ۷۷ قانون تأمین اجتماعی میزان مستمری بازنشستگی تابعی از متوسط مزد یا حقوق شناخته شده است و به موجب بند ۵ ماده ۲ قانون تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۵۴ مزد یا حقوق، عبارت است از هرگونه وجه یا مزایای نقدی و غیرنقدی مستمر که در مقابل کار به بیمه‌شده داده می‌شود و در ایامی که سنوات ارفاقی در اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت، مصوب ۱۳۸۶/۶/۵ اعطا شده است، حقوق اشتغال پرداخت نمی‌شود تا مبنای تعیین میزان مستمری قرار گیرد و از طرفی به موجب قانون اخیرالذکر صرفاً به سنوات خدمت انجام‌شده مستخدم، حداکثر، پنج سال اضافه می‌شود که در میزان مستمری مورد محاسبه قرار می‌گیرد و تأثیری در تعیین میانگین دستمزد دو سال آخر خدمت ندارد. بنابراین دادنامه شماره ۹۰۵۲۰۰۴۴۱-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۵۲۰۰۴۴۱-۱۰/۲۸/۱۳۹۰/۱۰ شعبه دوم تشخیص دیوان عدالت اداری مبنی بر رد شکایت در حدی که متضمن این معنی است و مستمری بازنشستگی را با لحاظ دو سال آخر سنوات واقعی خدمت مستخدم، مورد حکم قرار داده است، صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری معاون قضایی دیوان عدالت اداری - علی مبشری

رأی شماره ۸۴۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع بازنشستگی پیش از موعد کارکنان واجد شرایط به داشتن پروانه بهره‌برداری واحدهای صنعتی و تولیدی در زمان تصویب قانون موکول نشده است

شماره هـ - ۳۹۱/۹۰ - ۱۳۹۱/۱۱/۳۰

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۱/۱۱/۱۶ - شماره دادنامه: ۸۴۰ - کلاس پرونده: ۳۹۱/۹۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای فضل‌اله غیور نجف‌آبادی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض در آراء صادرشده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: آقای فضل‌اله غیور نجف‌آبادی به‌موجب لایحه‌ای اعلام کرده است که در موضوع دادخواهی اشخاص به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به خواسته بازنشستگی در اجرای ماده ۱۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده ۱۱۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۲/۵/۲۶، شعب ۱۶ و ۱۵ دیوان عدالت اداری آراء معارض صادر کرده‌اند، بدین نحو که شعبه ۱۵ با این استدلال که بازنشستگی در اجرای قانون مذکور منوط به اخذ پروانه بهره‌برداری، قبل از تصویب قانون است و پروانه بهره‌برداری واحد صنعتی که شاکی در آن اشتغال داشته است، بعد از تصویب قانون صادر شده است، حکم به واردندانستن شکایت صادر کرده است، ولیکن شعبه ۱۶ دیوان عدالت اداری در مورد مشابه با این استدلال که در ماده ۱۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده ۱۱۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۲/۵/۲۶ متضمن قیدی در خصوص الزام به صدور پروانه بهره‌برداری واحد صنعتی قبل از تصویب قانون نیست، به واردندانستن شکایت حکم صادر کرده است. نامبرده با اعلام مراتب رفع تعارض و صدور رأی وحدت رویه را خواستار شده است.

خلاصه آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۱۵ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۶۳۳۴۰ موضوع شکایت آقای فضل‌اله غیور نجف‌آبادی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی اصفهان به خواسته پیش‌گفته به‌موجب دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۰۹۰۱۵۰۰۳۶۱ - ۱۳۹۰/۲/۵ مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است: در خصوص شکایت شاکی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به خواسته الزام به اعمال ماده ۱۰ قانون نوسازی صنایع و صدور حکم بازنشستگی با عنایت به محتویات پرونده و لایحه دفاعیه طرف شکایت، نظر به این‌که نامبرده از آبان ماه سال ۱۳۶۲ تا آبان ماه سال ۱۳۸۹ دارای ۹۲۲۳ روز سابقه پرداخت حق بیمه بوده است و با عنایت به قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور در تاریخ ۱۳۸۲/۵/۲۶ تصویب‌شده و پروانه بهره‌برداری، تاریخ بهره‌برداری شرکت سیمان اردستان ۱۳۸۷/۱/۲۷ بوده و شرایط بهره‌مندی از مزایای قانون اخذ

پروانه بهره‌برداری، قبل از تصویب قانون است و پروانه بهره‌برداری پس از تاریخ تصویب بوده است. لذا شکایت را وارد نمی‌داند و به رد آن حکم صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

ب: شعبه ۱۶ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۶۳۴۰۷ موضوع شکایت آقای تقی پاکروان با وکالت آقای غلامرضا نصیرزاده به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به خواسته پیش گفته به موجب دادنامه شماره ۱۹۲۵-۱۶۰۹۹۷۰۹۰۸۹-۱۳۸۹/۱۲/۲۴، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است.

در خصوص شکایت شاکی، با توجه به مدافعات طرف شکایت، طی لایحه تقدیمی، مبنی بر این که شاکی حسب محتویات پرونده فنی از آذرماه سال ۱۳۵۸ تا آذرماه سال ۱۳۸۹، دارای ۶۱۱۷ روز سابقه بیمه پردازی است، کارفرمایان مجازند تا پایان برنامه چهارم، به‌ازای هر نفر اشتغال جدید، یک نفر از کارکنان خود را با داشتن بیش از بیست‌وپنج سال سابقه پیش از موعد بازنشسته کنند، مدت اجرای قانون تا پایان سال ۱۳۸۸ بوده است، تقاضای رد شکایت دارد. علی‌هذا با توجه به محتویات پرونده و شرایط مندرج در ماده ۱۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و این که در ماده یادشده قید نشده است که پروانه تأسیس کارگاه باید مربوط به قبل یا بعد از تصویب قانون باشد، به‌نظر می‌رسد شاکی واجد شرایط قانونی باشد. لذا به وارد دانستن شکایت حکم صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یادشده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء، به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیئت عمومی

اولاً، تعارض در آراء مذکور محرز است.

ثانیاً، نظر به این که در ماده ۱۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده ۱۱۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب سال ۱۳۸۲ که به موجب قانون اصلاح مواد ۱۰ و ۹ قانون فوق‌الذکر مصوب سال ۱۳۸۵، تا پایان برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران اعتبار داشته است، بازنشستگی پیش از موعد کارکنان واجد شرایط به داشتن پروانه بهره‌برداری واحدهای صنعتی و تولیدی در زمان تصویب قانون موکول نشده است. بنابراین رأی شعبه ۱۶ دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۹۲۵-۱۳۸۹/۱۲/۲۴ که با استدلال مذکور به وارد دانستن شکایت صادر شده است صحیح و موافق مقررات است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری معاون قضایی، دیوان عدالت اداری- علی مبشری

رأی شماره‌های ۹۵-۹۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع نحوه صدور حکم و برقراری مستمری بازنشستگی بر مبنای زمان اشتغال

شماره هـ- ۱۳۵۶/۹۰ - ۱۳۹۲/۳/۱

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۲/۲/۱۶ - شماره دادنامه: ۹۲ الی ۹۵ - کلاسه پرونده: ۱۳۵۶/۹۰-۱۳۴/۹۱، ۱۲۳، ۱۲۲

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

درخواست‌کننده: آقایان ابراهیم محمدی، نوروزعلی زارع‌مقدم، عوض بیناپور و علی تقی‌زاده خرطومی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض در آراء صادرشده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: تعدادی از کارگران شرکت صنعتی پارس‌خزر اعلام کرده‌اند که پیش از پایان سال ۱۳۸۳ به افتخار بازنشستگی نایل شده‌اند، لیکن به‌لحاظ این که لیست پرداخت بیمه بر مبنای اشتغال تا پایان سال ۱۳۸۳ تنظیم و به سازمان تأمین اجتماعی ارسال شده است، سازمان تأمین اجتماعی، بازنشستگی را از ۱۳۸۴/۱/۱ احتساب کرده است. با این وصف مشمول اضافه مستمری موضوع مصوبه ۵۲۸۳/۵/ت-۳۲۸۱۶هـ- ۱۳۸۴/۱/۲۸ هیئت وزیران نشده‌اند. به همین جهت دادخواست‌هایی به‌خواسته اصلاح حکم برقراری مستمری بازنشستگی از ۱۳۸۴/۱/۱ به پیش از پایان سال ۱۳۸۳ به دیوان عدالت اداری تقدیم کرده‌اند که به شعب مختلف دیوان ارجاع شده و شعب مذکور آراء معارض صادر کرده‌اند. آنان رفع تعارض و صدور رأی وحدت رویه را خواستار شده‌اند.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعب ۱۷، ۱۵، ۱۳ و دوم تشخیص دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده‌های شماره ۲۴۲/۱۷/۸۵ و ۱۹۰/۸۵/۱۵ و ۱۷۱/۱۵/۸۵ و ۱۲۴/۱۳/۸۴ و تش ۵۲۹/۸۸/۲ با موضوع دادخواست خانم زهرا عزیزی کیا و آقایان سیدابراهیم سمرقندی، مهدی پورمحمدی راتجاهی، صفرعلی امیدی، حمداله مظلومی پورتوانی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به‌خواسته اصلاح حکم برقراری مستمری بازنشستگی از ۱۳۸۴/۱/۱ به ۱۳۸۳/۱۲/۲۷ به‌موجب دادنامه شماره‌های ۸۹۲-۱۳۸۶/۵/۲۴ و ۱۰۹۷ و ۱۰۹۸-۱۳۸۶/۸/۱۴ و ۱۹۹-۱۳۸۴/۲/۱۱ و ۶۸-۱۳۸۹/۲/۲۹ با این استدلال که به حکایت سوابق موجود شکات تا تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۷ اشتغال به کار داشته‌اند و دلیلی بر اشتغال از تاریخ مذکور تا پایان سال ۱۳۸۳ وجود ندارد و صرف ارسال لیست پرداخت بیمه تا آخرین روز سال ۱۳۸۳ دلالت بر اشتغال تا پایان سال ندارد حکم به وارد دانستن شکایت و الزام سازمان تأمین اجتماعی به اصلاح تاریخ بازنشستگی شکات صادر کرده‌اند.

ب: شعب ۱۹ و ۹ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده‌های شماره ۲۴۵/۱۹/۸۵ و ۱۸۳۷/۹/۸۶ و ۱۸۳۶ و ۲۱۹۰/۹/۸۶ با موضوع دادخواست آقایان ابراهیم محمدی و نوروزعلی مقدم و عوض بیناپور و علی تقی‌زاده به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به‌خواسته مذکور در بند الف به‌موجب دادنامه شماره‌های ۲۷۸۳-۱۳۸۶/۹/۲۴ و ۲۶۶۳-۱۳۸۶/۱۲/۱۵ و ۲۵۶۶-۱۳۸۶/۱۲/۲۸ و ۲۸۴۷-۱۳۸۶/۱۲/۲۸ با این استدلال که چون لیست بیمه‌پردازی توسط کارفرما تا آخر سال ۱۳۸۳ به سازمان تأمین اجتماعی ارسال شده است، دلالت بر اشتغال شکات تا پایان سال

۱۳۸۳ است، بنابراین به وارداندانستن شکایت حکم صادر و اعلام کرده‌اند.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یادشده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث‌وبررسی، با اکثریت آراء، به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیئت عمومی

اولاً، تعارض در آراء محرز است.

ثانیاً، نظر به این که مطابق بند ۱۵ ماده ۲ قانون تأمین اجتماعی، بازنشستگی عبارت است از عدم اشتغال بیمه‌شده به کار، به سبب رسیدن به سن بازنشستگی مقرر در قانون و شکات پرونده‌های موضوع تعارض، به دلالت نامه‌های شماره ۱۵۸۴۸۲/م-۱۳۸۳/۱۲/۲۵، ۱۵۸۴۸۹/م-۱۳۸۳/۱۲/۲۵، ۱۳۸۳/۱۲/۲۵، ۱۵۸۴۸۸/م-۱۳۸۳/۱۲/۲۵، ۱۵۸۴۸۶/م-۱۳۸۳/۱۲/۲۵، ۱۳۸۳/۱۲/۲۵، ۱۵۸۴۸۲/م-۱۳۸۳/۱۲/۲۵، ۱۳۸۳/۱۲/۲۵، ۱۵۸۴۸۵/م-۱۳۸۳/۱۲/۲۵، ۱۵۱۵۶۶/م-۱۳۸۳/۱۲/۱۳، ۱۵۸۶۶۱/م-۱۳۸۳/۱۲/۲۶ سازمان تأمین اجتماعی رشت در تاریخ‌های ۱۳۸۳/۱۲/۱۳، ۱۳۸۳/۱۲/۲۵، ۱۳۸۳/۱۲/۲۷، ۱۳۸۳/۱۲/۲۷ شرایط بازنشستگی شناخته شده‌اند و شرکت صنعتی پارس خزر، ترک کار شاکیان را از تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۷ به شعبه یک سازمان تأمین اجتماعی رشت اعلام کرده است و شاکیان از تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۷ نیز ترک کار کرده‌اند. بنابراین بازنشستگی شکات در ۱۳۸۳/۱۲/۲۷ محقق و مسلم است و صدور حکم به برقراری مستمری برای آنان از تاریخ ۱۳۸۴/۱/۱ موجه نیست. با توجه به مراتب آراء شعب ۱۷ و دوم تشخیص دیوان که بر وارداندانستن شکایت و اصلاح تاریخ برقراری مستمری شاکیان از ۱۳۸۴/۱/۱ به ۱۳۸۳/۱۲/۲۷ صادر شده است صحیح و موافق مقررات تشخیص می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

**رأی شماره ۱۴۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع
محدود و مقید کردن بازنشستگی بیمه شده از جمله کارکنان سازمان تأمین اجتماعی
به داشتن سابقه ۲۰ سال خدمت در سازمان مذکور خلاف قانون می باشد
شماره هـ - ۸۷۹/۹۰ - ۱۳۹۲/۳/۱۷**

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۲/۲/۳۰ - شماره دادنامه: ۱۴۸ - کلاس پرونده: ۸۷۹/۹۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای حسین درخشی

**موضوع شکایت و خواسته: ابطال پاراگراف اخیر دستور اداری شماره ۱۳۸۹/۶/۳۰ - ۲۰۱۰/۸۴۶۲۰
معاون اداری و مالی سازمان تأمین اجتماعی**

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی، ابطال پاراگراف اخیر دستور اداری شماره ۱۳۸۹/۶/۳۰ - ۲۰۱۰/۸۴۶۲۰ معاون اداری و مالی سازمان تأمین اجتماعی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: احتراماً، این جانب حسین درخشی به استحضار می‌رساند دستور اداری شماره ۱۳۸۹/۶/۳۰ - ۲۰۱۰/۸۴۶۲۰ صادر شده از سوی معاونت اداری و مالی سازمان خلط مبحث دارد و مفاد پاراگراف انتهایی آن «سابقه غیرسازمانی فوق صرفاً پس از احراز ۲۰ سال سابقه خدمت در سازمان جهت تعیین مستمری بازنشستگی خواهد بود. ضمناً به هنگام ارسال مدارک متقاضیان بازنشستگی احراز شرایط فوق (۲۰ سال سابقه خدمت در سازمان) ضروری بوده و به تقاضاهای فاقد شرایط ترتیب اثر داده نخواهد شد، متناقض با ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی است و همچنین مطابقت با ماده ۶۴ فصل هشتم (بازنشستگی) و ماده ۷۸ فصل دهم (تطبیق وضع کارکنان) آیین‌نامه استخدامی سازمان که مصوب ۱۳۸۶/۱۲/۲۸ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ندارد و مانع از بازنشستگی به موقع کارکنان سازمان شده است. لذا استدعای رسیدگی و صدور رأی بر ابطال آن را دارم. قبلاً از بذل توجه مبذول تشکر می‌نماید.

متعاقباً شاکی طی لایحه تکمیلی که به شماره ۵۸۰۱۱۹۶ - ۱۳۹۰/۱۰/۱۲ ثبت دفتر اندیکاتور هیئت عمومی شده توضیح داده است که:

آیین‌نامه استخدامی سازمان تأمین اجتماعی که یک جلد آن ضمیمه است، مشتمل بر ۸۳ ماده ۴۷ تبصره در تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۸ به تصویب سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی) رسیده و از همان تاریخ لازم‌الاجرا شده است.

بر اساس ماده ۷۸ از فصل دهم (تطبیق وضع کارکنان) کلیه کارکنانی که در تاریخ تصویب این آیین‌نامه به طور تمام وقت و به صورت ثابت یا موقت به خدمت اشتغال دارند، با حفظ نوع استخدام با این مقررات تطبیق وضع می‌یابند.

بنابراین کلیه کارکنان سازمان از تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۸ از لحاظ تشکیلات، پست سازمانی، شغل، ارتقا، انتصاب، مأموریت، مرخصی، غیبت، استعفا، نظام پرداخت حقوق، بازنشستگی و سایر موارد تابع شرایط این آیین‌نامه قرار گرفته و سازمان نیز

مكلف به اجرای کلیه مواد آن است.
با استناد به ماده ۶۴ فصل هشتم (بازنشستگی) با کارکنان سازمان از لحاظ بازنشستگی، از کارافتادگی و فوت، طبق مقررات قانون تأمین اجتماعی رفتار خواهد شد.

قانون تأمین اجتماعی نیز به استناد ماده ۷۶ از فصل هفتم آن (بازنشستگی) مضمولین این قانون در صورت حائز بودن شرایط زیر حق استفاده از مستمری بازنشستگی را خواهند داشت:

۱- حداقل ۱۰ سال حق بیمه مقرر را قبل از تاریخ تقاضای بازنشستگی پرداخته باشند.

۲- سن مرد به ۶۰ سال تمام و سن زن به ۵۰ سال تمام رسیده باشد.

لیکن معاونت اداری و مالی اسبق سازمان تأمین اجتماعی اقدام به صدور دستور اداری شماره ۱۳۸۹/۶/۳۰-۲۰۱۰/۸۴۶۲۰ شماره ۱۳۸۹/۶/۳۰ کرده است که دارای خلط مبحث بوده، به طوری که در پاراگراف اول آن، موضوع صدور احکام بازنشستگی کارکنان در موارد مشاغل سخت و زیان آور ذکر شده، ولی در پاراگراف آخر آن موضوع احتساب سوابق کارکنان سابقه غیرسازمانی صرفاً پس از احراز ۲۰ سال سابقه خدمت در سازمان جهت تعیین مستمری بازنشستگی قابل محاسبه خواهد بود و ۲۰ سال سابقه خدمت در سازمان ضروری بوده، مطرح شده و اگر قرار باشد مفاد آن را برای کلیه کارکنان سازمان در مشاغل عادی نیز اعمال نمایند، با آیین نامه استخدامی سازمان و قانون تأمین اجتماعی در تضاد و مغایر است. چون از نامه شماره ۱۱۸۳۸۵-۱۳۹۰/۵/۱۵-۱۳۹۰ اداره کل امور اداری در پاسخ به درخواست بازنشستگی این جانب که تصویر آن ضمیمه است، با توجه به داشتن کلیه شرایط قانونی، چنین مستفاد می شود که مستند عدم قبولی آن اعمال پاراگراف آخر دستور اداری مذکور است.

با عنایت به مغایرت پاراگراف آخر دستور اداری مذکور با مواد ۶۴ و ۷۸ آیین نامه استخدامی سازمان و همچنین ماده ۷۶ از فصل هفتم (بازنشستگی) قانون تأمین اجتماعی، به منظور بازنشستگی به موقع کارکنان سازمان در مشاغل عادی که در رابطه با این دستور اداری ممانعت از آن به عمل آمده است، استدعای رسیدگی و صدور رأی بر ابطال دستور اداری فوق الاشاره را دارم. قبلاً از بذل توجه مبذول تشکر می نمایم.
متن دستور اداری مورد شکایت به قرار زیر است:

موضوع: حداقل سابقه خدمت رسانی جهت احراز شرایط بازنشستگی

اداره کل تأمین اجتماعی استان

مدیریت درمان تأمین اجتماعی استان / منطقه

سلام علیکم

با صلوات بر محمد(ص) و آل محمد(ص)

نظر به این که مقرر شده صدور احکام بازنشستگی کارکنان در موارد مشاغل سخت و زیان آور، معلولین و تبصره ۱ ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی با احراز ۲۰ سال سابقه خدمت در سازمان (سابقه خدمت در سازمان به علاوه مدت خدمت نظام وظیفه و مدت حضور در جبهه های نبرد حق علیه باطل، با ارائه گواهی پرداخت حق بیمه) علاوه بر سایر شرایط تعیین شده صورت پذیرد، لذا خواهشمند است دستور فرمایید به هنگام پذیرش سوابق غیرسازمانی حسب دستورالعمل تفویض اختیار مراتب

ذیل در صورت جلسه کمیته فرعی قید گردد.

سابقه غیرسازمانی فوق صرفاً پس از احراز ۲۰ سال سابقه خدمت در سازمان جهت تعیین مستمری بازنشستگی قابل محاسبه خواهد بود.

ضمناً هنگام ارسال مدارک متقاضیان بازنشستگی احراز شرایط فوق (۲۰ سال سابقه خدمت در سازمان) ضروری بوده و به تقاضاهای فاقد شرایط ترتیب اثر داده نخواهد شد.

معاون اداری و مالی

در پاسخ به شکایت شاکی، مدیرکل دفتر امور حقوقی و دعاوی سازمان تأمین اجتماعی، به موجب لایحه شماره ۱۳۹۱/۴/۴-۷۱۰۰/۱۲۰۳ توضیح داده است که:

بخش اول شرح شکایت و خواسته شاکی

شاکی در دادخواست ارائه شده اظهار نظر کرده، شرایط مقرر در بخشنامه معترض عنه جهت بازنشستگی مغایر مواد ۶۴ و ۷۸ آیین نامه استخدامی و ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی بوده است. لذا تقاضای ابطال آن را دارد ادعا و استنتاج شاکی بنا به دلایل ذیل محکوم به رد است.

بخش دوم: دفاع ماهوی

۱- بر اساس اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقرر شده است: قضات دادگاهها مکلفاند از اجرای تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند. هر کس می‌تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند، در این راستا قانون دیوان عدالت اداری اختیار رسیدگی به مغایرت تصویب نامه و آیین نامه با قانون را به عهده هیئت عمومی دیوان عدالت اداری قرار داده است چنان که به موجب بند ۱ ماده ۱۹ قانون مزبور، مقرر شده: «رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها از حیث مخالفت مدلول آن‌ها با قانون و احقاق حقوق اشخاص در مواردی که تصمیمات یا اقدامات یا مقررات مذکور، به علت خلاف بودن آن یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود، با عنایت به مفاد مواد یادشده و این که حدود صلاحیت و اختیارات هیئت عمومی به موجب ماده مذکور در ارتباط با رسیدگی به شکایات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین نامه‌ها و مقررات دولتی و شهرداری‌ها از حیث مخالفت مدلول آن‌ها با قانون است، درحالی که شاکی تقاضای ابطال دستور اداری ۱۳۸۶/۱۲/۲۸-۲۰۱۰/۸۴۶۲۰-۱۳۸۹/۶/۳۰ را به دلیل مغایرت با مواد ۶۴ و ۷۸ آیین نامه استخدامی سازمان مصوب ۱۳۸۶/۱۲/۲۸ کرده است، بنابراین خواسته شاکی به نحو طرح شده مبنی بر این که موضوع تقاضای ابطال را به دلیل مغایرت با مواد ۶۴ و ۶۷ آیین نامه استخدامی صندوق کرده است، قابلیت طرح در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری را نداشته و آن مرجع فارغ از رسیدگی در خصوص موضوع طرح شده است و از این حیث خواسته شاکی قابل رد است.

۲- طبق ماده واحده قانون نحوه تأثیر سوابق خدمت غیردولتی در احتساب حقوق بازنشستگی و وظیفه و مستمری

کارکنان دولت (مصوب ۱۳۷۲/۲/۱۹) مقرر شده: سوابق خدمت مستخدمین دولت، شهرداری‌ها و نهادهای انقلاب اسلامی در شرکت‌ها و مؤسسات غیردولتی که بابت آن حق بیمه یا کسور بازنشستگی به صندوق بازنشستگی ذی‌ربط پرداخت شده است، یا انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی پرداخت سهم مستخدم و کارفرما به صندوق بازنشستگی مربوط به مستخدم در حالات بازنشستگی، وظیفه از کارافتادگی، صرفاً در تعیین حقوق یا مستمری بازنشستگی و وظیفه قابل احتساب است، مشروط بر آنکه مستخدمین مزبور (در حالت بازنشستگی) دارای حداقل بیست ۲۰ سال سابقه خدمت دولتی باشند.

تبصره ۱: سنوات خدمت موضوع این قانون در محاسبه سنوات خدمت لازم برای بازنشستگی، اعطای پایه، درجه یا نظایر آن منظور نخواهد شد.

تبصره ۲: قوانین استخدامی دستگاه‌های دولتی من جمله قوانین خاص شرکت‌ها و مؤسسات دولتی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است، از لحاظ سنوات خدمت لازم برای بازنشستگی، تعیین حقوق بازنشستگی و سایر مقررات مربوط در این رابطه کماکان به قوت خود باقی است. بنابراین با توجه به قانون موصوف و آیین‌نامه مربوطه سوابق خدمت مستخدمین دولت، شهرداری‌ها و نهادهای انقلاب اسلامی در شرکت‌ها و مؤسسات غیردولتی در حالات بازنشستگی، وظیفه و از کارافتادگی صرفاً در تعیین حقوق یا مستمری بازنشستگی وظیفه قابل احتساب است مشروط بر این که مستخدمین مزبور دارای ۲۰ سال سابقه خدمت دولتی باشند.

۳- لازم به ذکر است که صندوق تأمین اجتماعی همانند سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی دارای ضوابط و شرایط استخدامی خاص است که بخشی از آن مربوط به بازنشستگی کارکنان می‌باشد که در این ارتباط صندوق تأمین اجتماعی نیز ضوابطی را برای بازنشستگی همکاران تعیین کرده است چنان که شرط حداقل ۲۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه شامل خدمت در صندوق تأمین اجتماعی، سوابق دوران خدمت سربازی، ایام حضور در جبهه‌های حق علیه باطل، دو برابر ایام اسارت و مدت معالجه جانبازان را فارغ از نوع بازنشستگی، شرط اولیه بازنشستگی به‌عنوان کارمند صندوق تأمین اجتماعی قرار داده است.

لذا چنانچه کارکنان صندوق تأمین اجتماعی، قبل از استخدام دارای سوابق بیمه‌پردازی باشند می‌توانند در صورت احراز شرایط بازنشستگی برابر مقررات قانون تأمین اجتماعی، همانند سایر بیمه‌شدگان، به‌عنوان بیمه‌پرداز از طریق شعبه مربوطه به‌طور عادی بازنشسته شوند.

بنابراین ملاحظه می‌فرمایید شرایط مقرر صندوق تأمین اجتماعی جهت استفاده از مزایای بازنشستگی برای همکاران مانع بازنشستگی آنان با استفاده از سوابق بیمه‌پردازی قبل از استخدام خود نشده و کارکنان سازمان مخیرند که با پذیرش هریک از دو روش از مزایای مربوط استفاده نمایند و از این حیث شکایت شاکی قابل رد است.

با عنایت به مراتب فوق و این که ادعای شاکی بالادلیل بوده و اقدام سازمان نیز منطبق با قوانین و مقررات جاری است رد شکایت شاکی مورد استدعاست.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یادشده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء، به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیئت عمومی

نظر به این که در ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی با اصلاحات بعدی، مقرر شده است که مشمولان قانون در صورت حایز بودن حداقل ۲۰ سال پرداخت حق بیمه مقرر در قانون، قبل از تاریخ تقاضای بازنشستگی و داشتن شصت سال سن برای مردان و پنجاه و پنج سال سن برای زنان، حق استفاده از مستمری بازنشستگی را خواهند داشت. بنابراین صرف پرداخت حق بیمه مقرر در قانون با شرایط مذکور در آن برای بازنشستگی کافی است. از این جهت مقید کردن بازنشستگی بیمه شده از جمله کارکنان سازمان تأمین اجتماعی به داشتن سابقه ۲۰ سال خدمت در سازمان مذکور، خارج از شرایط مقرر در ماده فوق الذکر است و به استناد بند ۱ ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ابطال آن صادر می شود.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

**رأی شماره‌های ۲۶۱ الی ۲۶۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع
مدت خدمت ارفاقی فقط در احتساب حقوق بازنشستگی مؤثر و در تعیین حقوق
بازنشستگی آخرین حقوق قبل از بازنشستگی مبنای محاسبه است**
شماره هـ ۵۵۷/۸۹ - ۱۳۹۲/۵/۱۲

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۲/۴/۲۴ - شماره دادنامه: ۲۶۳-۲۶۲-۲۶۱ - کلاس پرونده: ۵۵۷/۸۹-۵۵۶-۵۵۵
مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکات: بانک کشاورزی، آقای رامین مرادی (قاضی دیوان عدالت اداری)، آقای صفدر غضنفری

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض در آراء صادرشده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: اداره کل حقوقی بانک کشاورزی به موجب لایحه شماره ۱۵۴/۴۰۲/۸۲/۱۶-۱۳۸۸/۸/۶ اعلام کرده است که:

شعبه ۸ دیوان عدالت اداری طی دادنامه شماره ۲۸۲۷-۱۳۸۷/۳/۱۲ کلاس پرونده ۱۹۰۷/۸۶/۸ در خصوص شکایت آقای حسین نیک‌اندیش به طرفیت این بانک مبنی بر احتساب ۸ سال سنوات خدمتی و اعمال مزایای مربوطه در حکم بازنشستگی، حکم بر وارد دانستن شکایت و الزام این بانک را به اصلاح حکم بازنشستگی، صادر کرده است. از سوی دیگر شعبه ۱۴ دیوان عدالت اداری نیز طی دادنامه شماره ۱۰۸۷-۱۳۸۶/۷/۳۰ کلاس پرونده ۲۲۸۶/۸۴/۱۴ در خصوص شکایت آقای فرخ برادری به طرفیت این بانک با همان خواسته (یعنی برقراری مزایای ده سال سنوات ارفاقی در حکم بازنشستگی) حکم به رد شکایت صادر کرده است. ضمناً شعبه ۱۳ دیوان نیز طی دادنامه شماره ۴۹۵-۱۳۸۸/۴/۱۳ کلاس پرونده ۱۳۳۲/۸۷/۱۳ نیز در خصوص همان موضوع، حکم به رد شکایت صادر کرده است. لازم به ذکر می‌داند شکایات مذکور از سوی بازنشستگان این بانک (که برابر ماده ۱۳۳ اصلاحی آیین‌نامه استخدامی بانک کشاورزی با احتساب حداکثر ده سال سنوات ارفاقی بازنشسته شده‌اند) طرح شده است. شاکیان مدعی می‌باشند که علاوه بر حقوق، افزایش سالانه (گروه) مربوط به سنوات ارفاقی مذکور نیز باید پرداخت شود. درحالی که متن ماده ۱۳۳ اصلاحی مذکور تصریح دارد که در تعیین حقوق بازنشستگی آخرین حقوق قبل از بازنشستگی ملاک محاسبه قرار می‌گیرد. ضمناً برابر ماده ۵ دستورالعمل نحوه محاسبه و تعیین حقوق بازنشستگی مصوب ۱۳۷۴/۶/۲۱ شورای عالی بانک‌ها، سنوات خدمت ارفاقی از لحاظ تعیین گروه شغلی و افزایش سنواتی ملاک محاسبه قرار نمی‌گیرد. این بانک نیز در اجرای قانون مذکور احکام بازنشستگی نامبردگان را صادر کرده و صندوق بازنشستگی بانک‌ها نیز حقوق بازنشستگی را بر مبنای آخرین حقوق دریافتی و ۳۰ روز کامل پرداخت می‌نماید. لذا پرداخت مزایای سنوات ارفاقی بدون انجام خدمت، خلاف قانون و آیین‌نامه مذکور می‌باشد.

بنا به مراتب با توجه به این که در موارد مشابه، یعنی ادعای مطالبه مزایای سنوات ارفاقی در حکم بازنشستگی، آراء متناقضی از شعب دیوان صادر شده است و رأی شماره ۲۸۲۷-۱۳۸۷/۳/۱۲ شعبه ۸ با آراء شماره ۱۰۸۷-۱۳۸۶/۷/۳۰ شعبه ۱۴ و ۴۹۵-۱۳۸۸/۴/۱۳ شعبه ۱۳ تعارض دارد و شکایات دیگری نیز در همین مورد از سوی بازنشستگان این بانک طرح شده

است، برابر ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری، تقاضای طرح موضوع در هیئت عمومی دیوان و صدور رأی وحدت رویه را دارد. آقای رامین مرادی (قاضی دیوان عدالت اداری) نیز طی شرحی اعلام کرده است که:

نظر به این که در خصوص موضوع واحد توسط شعب ۱۴ و ۸ دیوان عدالت اداری آراء متناقض صادر شده است، لذا مستنداً به بند «۲» ماده «۱۹» و ماده «۴۳» قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۸۵ جهت طرح و صدور رأی وحدت رویه از سوی هیئت عمومی دیوان مراتب برای دستور و اقدام مقتضی به حضور ارسال می‌گردد.

آقای صفدر غضنفری نیز طی شرحی اعلام کرده است که:

احتراماً به استحضار عالی می‌رساند شعبه ۸ آن دیوان در پرونده کلاسه ۱۹۰۷/۸۶/۸ در خصوص شکایت این جانب به وکالت از آقای حسین نیک‌اندیش به طرفیت بانک کشاورزی به خواسته اصلاح حکم بازنشستگی و منظور نمودن حدود ۸ سال سنوات خدمت ارفاقی و اعمال مزایای مربوطه، طی دادنامه شماره ۲۸۲۷-۱۳۸۷/۳/۱۲ مبادرت به صدور حکم به ورود شکایت و حکم به الزام بانک کشاورزی به اصلاح حکم بازنشستگی شاکی و اعمال ۸ سال سنوات خدمت ارفاقی از هر لحاظ، به مانند کارمندانی که ۳۰ سال تمام خدمت نموده باشند، صادر نموده است. لیکن شعبه ۱۳ دیوان عدالت اداری در پرونده شماره ۱۲۸۱/۸۷/۱۳ در رابطه با شکایت این جانب به وکالت از آقای محمدتقی امامی خوئی به طرفیت بانک کشاورزی به خواسته الزام بانک خوانده به منظور نمودن ۹ سال و ۲ ماه سنوات خدمت ارفاقی در تعیین حقوق و مزایای بازنشستگی، به موجب دادنامه شماره ۳۹۰-۱۳۸۸/۳/۲۴ با غیور دت تشخیص دادن شکایت شاکی، حکم به رد شکایت صادر نموده است. مع الوصف از آنجا که در یک موضوع واحد و کاملاً مشابه در مورد اشخاص مختلف دو شعبه از شعب دیوان آراء متناقض صادر کرده‌اند، لذا به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری، استدعای رسیدگی و اتخاذ تصمیم مقتضی را دارد.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه هشتم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۹۰۷/۸۶/۸ با موضوع دادخواست آقای حسین نیک‌اندیش به طرفیت بانک کشاورزی به خواسته احتساب سنوات خدمت ارفاقی و اعمال مزایای مربوط در حکم بازنشستگی به موجب دادنامه شماره ۲۸۲۷-۱۳۸۷/۳/۱۲ مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

با توجه به دفاع غیرموجه بانک کشاورزی، طی لایحه دفاعیه و با عنایت به این که در احتساب سنوات ارفاقی باید تمامی مزایای آن مورد محاسبه قرار گیرد، دفاع بانک مبنی بر این که ۸ سال خدمت انجام نداده است تا از مزایای آن استفاده کند، درحالی که قانوناً هدف از سنوات ارفاقی استفاده مستخدم از تمام مزایای آن از جمله کسورات بازنشستگی است که پرداخت آن بر عهده دستگاه محل خدمت است، علی‌هذا حکم به الزام بانک طرف شکایت به اصلاح حکم بازنشستگی شاکی و اعمال ۸ سال سنوات خدمتی ارفاقی از هر لحاظ به مانند کارمندانی که ۳۰ سال تمام خدمت کرده باشند و پرداخت مابه‌التفاوت حقوق مربوط از تاریخ صدور حکم بازنشستگی به بعد صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

ب: شعبه سیزدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۲۳۲/۸۷/۱۳ با موضوع دادخواست آقای مرتضی مهرآمیز به وکالت از آقایان پرویز ارباب‌ها، حمید وثوقی و محمد مرقمی به طرفیت بانک کشاورزی به خواسته احتساب

سنوات خدمت ارفاقی و اعمال مزایای مربوط در حکم بازنشستگی به موجب دادنامه شماره ۴۹۵-۱۳/۱۳۸۸/۴، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

با عنایت به اوراق و محتوای پرونده و پاسخ، طرف شکایت به شماره‌های ۱۳۸۸/۱/۲۵-۵۲۹/۲۳۸/۱۳ و ۱۳۸۸/۳/۵-۱۶/۸۲/۵۰۲/۱۱۹۰ که به ترتیب به شماره‌های ۱۳۷-۱۳۸۸/۱/۲۶ و ۵۲۰-۱۳۸۸/۳/۱۳ ثبت دفتر لوايح، پیوست پرونده است، نظر به این که آقایان وثوقی و ارباب‌ها و مقیمی، به ترتیب، در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۱ و ۱۳۵۹/۱۲/۵ و ۱۳۵۹/۱۲/۱۴ با احتساب حداکثر ده سال سابقه خدمت اضافه بازنشسته شده‌اند، ملاً خواسته نامبردگان تحقق یافته است. لذا شعبه ۱۳ دیوان با در نظر گرفتن مراتب فوق‌البيان به استناد مفهوم مخالف مواد ۱۳ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵/۳/۹ مجلس شورای اسلامی و ۱۳۸۵/۹/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران قرار رد شکایت صادر و اعلام می‌کند. رأی دیوان قطعی است.

ج: شعبه سیزدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۳/۱۳۸۱/۸۷ با موضوع دادخواست آقای صفدر غضنفری به طرفیت بانک کشاورزی به خواسته احتساب سنوات خدمت ارفاقی و اعمال مزایای مربوط در حکم بازنشستگی به موجب دادنامه شماره ۳۹۰-۱۳۸۸/۳/۲۴، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

با عنایت به اوراق و محتوای پرونده و ملاحظه مفاد شکایت شاکی و ضمایم آن و پاسخ مشتکی عنه به شماره ۱۳۸۸/۳/۱۳-۹/۸۲/۵۰۲/۱۳۱۷ که به شماره ۵۵۱-۱۳۸۸/۳/۱۸ ثبت دفتر لوايح، ضم پرونده است، نظر به این که تصمیم اداری مذکور متضمن نقض قوانین و مقررات نیست و از جانب شاکی هم دلیلی بر مخدوش بودن آن ارائه نشده است، ملاً موجبی بر پذیرش خواسته وجود ندارد. لذا شعبه ۱۳ دیوان با در نظر گرفتن مراتب فوق‌البيان با غیروارد تشخیص دادن شکایت شاکی به استناد مفهوم مخالف مواد ۱۳ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵/۳/۹ مجلس شورای اسلامی و ۱۳۸۵/۹/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران، قرار رد شکایت صادر و اعلام می‌کند. رأی دیوان قطعی است.

د: شعبه چهارم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۴/۲۲۸۶/۸۴ با موضوع دادخواست آقای فرخ برادری به طرفیت بانک کشاورزی به خواسته احتساب سنوات خدمت ارفاقی و اعمال مزایای مربوط در حکم بازنشستگی به موجب دادنامه شماره ۱۰۸۷-۱۳۸۶/۷/۳۰، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

با توجه به مندرجات دادخواست و لایحه، پاسخ مشتکی عنه و مستندات پیوست آن‌ها و بازنشسته شدن خواهان در سال ۱۳۶۰ با قریب ده سال سنوات خدمت ارفاقی و نظر به این که در نحوه بازنشسته شدن خواهان و برقراری حقوق و مزایا تضییع حقی ثابت و مسلم نیست، بنابراین دادخواست مطروح غیرموجه تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

ه: شعبه چهاردهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده‌های شماره ۱۴/۱۳۶۲/۸۷ و ۱۴/۱۳۱۱/۸۷ با موضوع دادخواست آقای سیدجمال نورافشار، با وکالت آقای صفدر غضنفری به طرفیت بانک کشاورزی به خواسته احتساب سنوات خدمت ارفاقی و اعمال مزایای مربوط در حکم بازنشستگی به موجب دادنامه‌های شماره ۳۲۶-۳۲۷-۱۳۸۹/۳/۲۲، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

با ملاحظه اوراق پرونده و لایحه دفاعیه بانک و صندوق بازنشستگی طرف شکایت، ماده ۱۳۳ اصلاحی آیین‌نامه

استخدامی بانک، مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۷ مجمع عمومی بانک‌ها مقرر می‌دارد، بانک تعاون کشاورزی ایران «بانک کشاورزی فعلی» می‌تواند با تأیید هیئتی مرکب از یکی از معاونان بانک و یکی از مدیران، به انتخاب رئیس بانک و مسئول امور کارگزینی و تصویب رئیس بانک، مستخدمان خود را که حداقل بیست سال سابقه دارند، بازنشسته نماید. به مدت خدمت این قبیل مستخدمان فقط در احتساب حقوق بازنشستگی، حداکثر ده سال بدون پرداخت کسور بازنشستگی افزوده می‌شود و خدمت زاید بر سی سال قابل محاسبه نخواهد بود و در تعیین حقوق بازنشستگی آنان به جای متوسط حقوق، آخرین حقوق قبل از بازنشستگی مبنای محاسبه قرار می‌گیرد. حسب مفاد حکم شماره ۲۷۳۰-۱۳۵۹/۲/۱۰-۱۳۵۹/۴/۱ اداره کل کارگزینی شاکي بر اساس ماده ۱۳۳ اصلاحی مذکور از تاریخ ۱۳۵۹/۴/۱ با دارا بودن ۲۲ سال و ۶ ماه و ۲۲ روز سابقه خدمت با احتساب خدمت ارفاقی تا ۳۰ سال بازنشسته شده است. نظر به این که حکم مقرر در ماده ۱۳۳ اصلاحی آیین‌نامه فوق‌الذکر دلالت بر برخورداری مستخدم بانک از سنوات خدمت ارفاقی فقط در احتساب حقوق بازنشستگی حداکثر ۱۰ سال، بدون پرداخت کسور بازنشستگی و تعیین و محاسبه حقوق بازنشستگی وی بر اساس آخرین حقوق قبل از بازنشستگی دارد، در واقع با احتساب سنوات ارفاقی برای مستخدم بازنشسته باید حقوق ۳۰ روز برقرار و پرداخت شود، بانک و صندوق طرف شکایت نیز بر همین اساس عمل کرده است و با عنایت به این که الزام بانک و صندوق مشتکی عنه به اعمال مقررات ارفاقی صدرالذکر مؤثر در گروه و پایه و غیره همانند کارمندی که سی سال خدمت کرده‌اند خلاف مقررات و فاقد مجوز قانونی است. لذا شکایت و کیل شاکي وارد تشخیص نمی‌شود و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یادشده با حضور رؤساء مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء، به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیئت عمومی

اولاً، تعارض در آراء مندرج در گردش کار محرز است.

ثانیاً، به موجب ماده ۱۳۳ اصلاحی آیین‌نامه استخدامی بانک تعاون کشاورزی ایران مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۷ مجمع عمومی بانک‌ها، مقرر شده است «بانک تعاون کشاورزی ایران می‌تواند با تأیید هیئتی مرکب از یکی از معاونان بانک و یکی از مدیران به انتخاب رئیس بانک و مسئول امور کارگزینی و تصویب رئیس بانک، مستخدمان خود را که حداقل بیست سال سابقه دارند بازنشسته نماید به مدت خدمت این قبیل مستخدمان فقط در احتساب حقوق بازنشستگی حداکثر ده سال بدون پرداخت کسور بازنشستگی افزوده می‌شود و خدمت زاید بر سی سال قابل محاسبه نخواهد بود و در تعیین حقوق بازنشستگی آنان به جای متوسط حقوق، آخرین حقوق قبل از بازنشستگی مبنای محاسبه قرار می‌گیرد.» نظر به مراتب فوق، مدت خدمت ارفاقی فقط در احتساب حقوق بازنشستگی مؤثر و در تعیین حقوق بازنشستگی آخرین حقوق قبل از بازنشستگی مبنای محاسبه است و دادنامه شماره ۴۹۵-۱۳۸۸/۴/۱۳-شعبه سیزدهم و دادنامه شماره ۳۲۶-۳۲۷-۱۳۸۹/۳/۲۲-شعبه چهاردهم دیوان عدالت اداری که متضمن این معنی می‌باشد، صحیح و موافق مقررات تشخیص می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

رأی شماره‌های ۴۵۷-۴۵۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع اصلاح تاریخ بازنشستگی پس از صدور حکم بازنشستگی

شماره هـ- ۶۴۹/۹۱-۱۳۹۲/۸/۱

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۲/۷/۱۵- شماره دادنامه: ۴۵۶-۴۵۷- کلاسه پرونده: ۶۴۹/۹۱، ۶۳۰/۹۲

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: مدیر نوسازی و توسعه سرمایه انسانی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی آذربایجان غربی و خانم مهتاب امیرپور

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض در آراء صادرشده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: مدیر نوسازی و توسعه سرمایه انسانی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی آذربایجان غربی به موجب لایحه شماره ۱۳۹۱/۴/۲۰-ب/۶/۹/۲۰۵۰۰ اعلام کرده است که:

احتراماً، پیرو نامه شماره ۱۳۹۱/۱/۲۶-پ/۶/۹/۳۱۴۰ به پیوست سه برگ تصویر آراء صادرشده در خصوص اصلاح تاریخ بازنشستگی به تاریخ پایان کار، شعبه ۲۲ در خصوص خانم نازدار نوین حکم به وارد دانستن شکایت و شعبه ۳ موضوع خواسته مشابه آقای حسین وارثی و شعبه ۱۴ مربوط به آقای سیفعلی محمدی رد شکایت ارسال می‌گردد خواهشمند است دستور فرمایید با توجه به تناقض آراء صادرشده به منظور ایجاد وحدت رویه در صدور آراء موضوع بررسی و این دانشگاه را در اجرای آراء صادرشده ارشاد و راهنمایی فرمایند.

متعاقباً خانم مهتاب امیرپور به موجب لایحه‌ای اعلام کرده است که:

با سلام، پیرو اعلام تعارض شماره ۱۳۹۱/۶/۹/۲۶۵۱-پ/۶- سال ۱۳۹۱ مدیر توسعه سرمایه دانشگاه علوم پزشکی آذربایجان غربی که به شماره ۱۳۹۱/۸/۲۴-۴۱/د/۱۰/۱/۵۴۳۶۴-۱۳۹۱/۸/۲۴ به دفتر جنابعالی صادر شده به شماره ۶۴۹/۹۱ در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مطرح و رسیدگی شده و با تقدیم رأی شماره ۱۳۹۲/۵/۱۶-۹۲۰۹۹۷۰۹۰۲۲۰۱۰۷۲ شماره ۱۳۹۲/۵/۱۶ شعبه ۲۲ در خصوص شکایت این جانب در همان موضوع مطرح شده در پرونده کلاسه ۶۴۹/۹۱ هیئت عمومی تقاضا دارم در رسیدگی به موضوع تعارض به پرونده این جانب نیز مطابق اعلام تعارض دانشگاه علوم پزشکی رسیدگی شود و پرونده این جانب نیز توأم با همان پرونده تعیین تکلیف شود.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه بیست و دوم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۸۱۸۷ با موضوع دادخواست خانم نازدار نوین به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی استان آذربایجان غربی و سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته اصلاح تاریخ بازنشستگی از ۱۳۸۸/۱۲/۲۷ به تاریخ ۱۳۸۹/۵/۱۵ (به عنوان تاریخ واقعی ترک کار)، به موجب دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۰۹۰۲۲۰۲۷۰۰-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۲۲۰۲۷، مفاداً به شرح آئینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

در خصوص شکایت خانم نازدار نوین علیه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی استان آذربایجان غربی

و سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته اصلاح تاریخ بازنشستگی تا پایان کار نظر به محتویات پرونده و مدارک از جانب شاکی و گواهی شماره ۶۱۸/۲۸۸۳۴-۱۳۹۰/۵/۱۹ صادر شده از دانشگاه برای تعدادی از بازنشستگان سال ۱۳۸۹ و احکام کارگزینی، شاکی که بیانگر اشتغال شاکی تا خرداد سال ۱۳۸۹ است و این موضوع مورد انکار و تکذیب در لوایح تقدیمی از جانب خواندگان واقع نشده است، به نظر ادعای شاکی ثابت است و مستنداً به مواد ۱۳ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری با وارد دانستن شکایت به الزام طرف مشتکی عنهما به انجام خواسته حکم صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

ب: شعبه سوم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۸۸۰۲/۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰ با موضوع دادخواست آقای حسین وارثی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی استان آذربایجان غربی و سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته اصلاح تاریخ بازنشستگی از ۱۳۸۸/۱۲/۲۷ به تاریخ ۱۳۸۹/۵/۱۱ (به عنوان تاریخ واقعی ترک کار)، به موجب دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۰۳۳۳-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۱۳۰/۱۳۰، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است: با توجه به اوراق و محتویات پرونده و مضمون لوایح دفاعی مشتکی عنهما نظر به این که برای شاکی حکم بازنشستگی وفق مقررات صادر شده است و مطابق تبصره ۵ ماده ۷ آیین نامه اجرایی ماده ۱۰۲ قانون استخدام کشوری اعاده به خدمت فرد بازنشسته، فاقد جایگاه قانونی است و اشتغال و ادامه خدمت شاکی پس از بازنشستگی موجب قانونی برای لغو حکم بازنشستگی است. بنابراین شکایت، موجه نیست به رد آن رأی صادر و اعلام می‌شود. در خصوص حق الزحمه شاکی برای ایام خدمت پس از بازنشستگی از طریق مقرر در ماده ۹۵ قانون مدیریت خدمات کشوری است. این رأی قطعی است.

ج: شعبه چهاردهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۵۴۹۹ با موضوع دادخواست آقای سیفعلی محمدی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی استان آذربایجان غربی و سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته اصلاح تاریخ بازنشستگی از ۱۳۸۸/۱۲/۲۷ به تاریخ ۱۳۸۹/۴/۳۱ (به عنوان تاریخ واقعی ترک کار)، به موجب دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۱۴۰۰۳۹۴-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۱۳۰/۱۳۰، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

شکایت شاکی دایر به اصلاح تاریخ بازنشستگی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی و بهداشتی ارومیه و نیز سازمان بازنشستگی کشوری به شرح دادخواست، با توجه به محتویات پرونده و مستندات ارائه شده قابل پذیرش نیست، زیرا شاکی دلایل قانونی و توجیهی استحقاق خود یا تخلف طرف شکایت از مقررات را ارائه نکرده است. لذا شکایت را وارد تشخیص نمی‌دهد و به رد شکایت رأی صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

د: شعبه بیست و دوم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۳۸۲۷۶/۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰ با موضوع دادخواست خانم مهتاب امیرپور به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی استان آذربایجان غربی و سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته اصلاح تاریخ بازنشستگی از ۱۳۸۹/۱/۱ به تاریخ ۱۳۸۹/۴/۳ (به عنوان تاریخ واقعی ترک کار)، به موجب دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۲۲۰۱۰۷۲-۹۲۰۹۹۷۰۹۰۱۶/۱۶، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

با توجه به توضیحات مکتوب طرف شکایت به شرح لایحه واصل شده و با عنایت به مفاد سایر محتویات پرونده که دلالت بر صحت اقدامات و تصمیمات مشتکی عنه دارد و بر همین اساس چون تخلفی از قوانین و مقررات ذی ربط

در این مورد مشهود نیست و ایراد موجهی از سوی شاکی به عملکرد آن مرجع وارد نشده است و خواسته مطروح فوق‌الذکر، بنا بر کیفیت موجود قابلیت تحقق را ندارد و الزام طرف شکایت به اجابت خواسته مزبور فاقد مبنای قانونی است. بنابراین به استناد تبصره ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۰۲ قانون استخدام کشوری و ماده ۱۳ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۸۵ حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یادشده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء، به شرح آینده به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیئت عمومی

اولاً، تعارض در آراء محرز است.

ثانیاً، با توجه به این که احکام بازنشستگی شکات بر اساس قانون صحیحاً صادر شده است لذا اعاده به خدمت شکات پس از صدور حکم بازنشستگی فاقد وجاهت قانونی بوده است و اشتغال به کار آنان در سال ۱۳۸۹ و پس از صدور حکم بازنشستگی موجب قانونی برای لغو حکم بازنشستگی صادر شده نیست. بنابراین آراء شعب سوم، چهاردهم و بیست و دوم به ترتیب به شماره دادنامه‌های ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۰۳۳۳-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰-۱۳۹۱/۱/۳۰، ۱۳۹۱/۱/۳۰-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰-۱۳۹۱/۱/۳۰ و ۱۳۹۱/۲/۱۳-۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۲۲۰۱۰۷۲-۱۳۹۲/۵/۱۶ صحیح و موافق مقررات تشخیص می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری معاون قضایی، دیوان عدالت اداری - علی مبشری

رأی شماره ۷۰۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع خصوصی شدن شرکت مخابرات پس از موافقت با بازنشستگی پیش از موعد کارکنان آن مانع از حقوق مکتسب اشخاص در بازنشستگی ناشی از قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶ نمی باشد

شماره ۵۲۷/۹۰-۱۳۹۲/۱۱/۵

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۲/۱۰/۱۶ - شماره دادنامه: ۷۰۶ - کلاس پرونده: ۵۲۷/۹۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای عوضلی خداداد طلائی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض در آراء صادرشده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: آقای عوضلی خداداد طلائی به موجب درخواستی که به شماره ۴۱۵/۷۱۱/۳۸۹ - ۱۳۹۰/۵/۲۹ ثبت دفتر اندیکاتور هیئت عمومی دیوان عدالت اداری شده، اعلام کرده است که:

احتراماً، این جانب، خداداد طلائی دادخواستی در تاریخ ۱۳۸۹/۴/۱۴ به خواسته درخواست صدور حکم بازنشستگی پیش از موعد در خردادماه ۱۳۸۸، با مدت ۲۵ سال سابقه کار متوالی به طرفیت شرکت مخابرات و تأمین اجتماعی آذربایجان غربی به شعبه ۱۲ دیوان تقدیم که بعد از رسیدگی، تحت کلاس پرونده ۶۷۷/۸۹/۱۲ طی دادنامه مورخ ۱۳۸۹/۶/۲۷، اعلام به ورود شکایت این جانب گردیده، از طرف تأمین اجتماعی به رأی فوق اعتراض شده و متأسفانه شعبه اول تشخیص طی دادنامه ۱۱۰۵۱۰۰۰۹۰۹۹۷۰۹۰۵۱۰۰۰۱۳۹۰/۱/۳۰ و پرونده شماره ۳۹۱/۸۹/۱ رأی صادرشده از شعبه ۱۲ را نقض و ابطال کرده، درحالی که در رابطه با موضوع شکایت این جانب و شبیه آن، ۵ رأی مشابه خواسته‌ام در شعبات مختلف دیوان شامل پرونده‌های ۲۸۶۱-۱۳۹۰/۱/۶ به نام آقای جعفر مالکی قره، از شعبه ۱۷ دادنامه ۸۹۰۶۰۵-۱۳۸۹/۸/۱۰ از شعبه ۱۵- پرونده ۱۷/۸۹/۱۷-۱۵۱۴/۱۳۹۰/۲/۱۲ مربوط به آقای اسماعیل قمری از شعبه ۱۷ پرونده آقای مهدی اسلامی که به شماره ۱۱۸۲۹-۱۳۸۹/۸/۱۰ و پرونده کلاس ۶۷۷/۸۹/۱۲ صادر شده، دقیقاً همین موضوع را وارد دانسته‌اند. لذا درخواست رسیدگی و به استناد ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری تقاضای صدور رأی وحدت رویه را دارم.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه دوازدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۶۷۷/۸۹/۱۲ با موضوع دادخواست آقای عوضلی خداداد طلائی به طرفیت شرکت مخابرات استان آذربایجان غربی، سازمان تأمین اجتماعی استان آذربایجان غربی به خواسته صدور حکم دایر بر بازنشستگی پیش از موعد به موجب دادنامه شماره ۲۰۵-۱۲۰۰۹۹۷۰۹۰۵۱۰۰۰۱۳۸۹/۶/۲۷، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

طرح شکایت به طرفیت شرکت مخابرات استان آذربایجان غربی با عنایت به واگذاری آن به بخش خصوصی و خروج از عداد شرکت‌های دولتی و با توجه به خارج بودن از مصادیق ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری و عدم قابلیت استماع موضوع در این مرجع، قرار رد شکایت صادر می‌شود. و اما در موضوع شکایت به طرفیت خوانده ردیف دوم،

به پرسش مدیرعامل شرکت مخابرات ایران و طی نامه شماره ۱۳۸۹/۲/۶-۶۱/۱/۱۶۷۸۹-۶۱/۱/۱۶۷۸۹ شماره ۱۳۸۹/۲/۶-۶۱/۱/۱۶۷۸۹ اعلام کرده، اصلح است با درخواست بازنشستگی کارکنانی که مراحل اقدامات اولیه برای بازنشستگی آنان در کارگروه‌های مرتبط در زمان مشمول بودن (قبل از ۱۳۸۸/۸/۱۹) طرح ارزیابی به تأیید رسیده است، با رعایت قوانین و مقررات موضوعه موافقت شود و با عنایت به این که مراحل مقدماتی جهت بازنشستگی شاکی انجام شده است، با وارد دانستن شکایت و مستنداً به ماده واحده فوق‌الاشعار و ۷ و ۱۳ و ۱۴ دیوان عدالت اداری رأی به حقانیت وی صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

د: شعبه هفدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۱۱۹۰۲ شماره ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۱۱۹۰۲ با موضوع دادخواست آقای اسماعیل قمری به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی، شرکت مخابرات استان آذربایجان غربی به خواسته صدور حکم به بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت به موجب دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۰۹۰۱۷۰۰۴۹۱-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۱۷۰۰۴۹۱، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

شاکی طی دادخواستی اظهار داشته است بیش از ۲۵ سال در شرکت مخابرات، دارای سابقه اشتغال است و برای بازنشستگی پیش از موعد اقدام کرده است، ولیکن سازمان از بازنشسته کردن وی استنکاف می‌ورزد. بنابراین تقاضای صدور حکم وفق خواسته را دارد و متقابلاً شرکت مخابرات اعلام کرد آمادگی جهت پرداخت سنوات ارفاقی را دارد ولیکن سازمان تاکنون موافقت خود را اعلام نکرده است و مدیرکل تأمین اجتماعی استان آذربایجان غربی پاسخ داد شرکت مخابرات از تاریخ ۱۳۸۸/۸/۱۹ از عداد شرکت‌های دولتی خارج شده، در نتیجه صدور حکم بازنشستگی پیش از موعد فاقد وجهت قانونی است و تقاضای رد شکایت شاکی را دارد که با عنایت به محتویات پرونده و پاسخ‌های واصل شده و مندرجات سابقه پیوست نظر به این که اولاً، شاکی درخواست خود را در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۱۷ تسلیم شرکت کرده است و مدیر مخابرات ارومیه و اعضای هیئت‌مدیره در تاریخ ۱۳۸۸/۶/۸ موافقت خود را با بازنشستگی وی اعلام داشته‌اند. ثانیاً، معاون اداری و مالی شرکت طی نامه شماره ۱۴۰/۸۸۰۵۶-۱۳۸۸/۸/۲ خطاب به مدیرعامل شرکت مخابرات ایران لیست اسامی متقاضیان در استان‌های مختلف را ارسال و خواستار موافقت شده که نام شاکی نزد آن قید شده و مدیرعامل نیز در همان تاریخ موافقت کرده است. ثالثاً، مدیرعامل شرکت مخابرات استان در لایحه ارسالی به دیوان نیز اعلام داشته است، با تقاضای نامبرده موافقت به عمل آمده که در صورت موافقت سازمان، بازنشستگی شاکی بلا مانع خواهد بود. رابعاً، مدیرکل دفتر امور شرکت‌های دولتی (وزارت امور اقتصادی) در پاسخ به پرسش مدیرعامل شرکت مخابرات ایران و طی نامه شماره ۱۳۸۹/۲/۶-۶۱/۱/۱۶۷۸۹-۶۱/۱/۱۶۷۸۹ اعلام کرده اصلح است با درخواست بازنشستگی کارکنانی که مراحل اقدامات اولیه برای بازنشستگی آنان در کارگروه‌های مرتبط در زمان مشمول بودن طرح، ارزیابی شده و به تأیید رسیده است، با رعایت قوانین و مقررات موضوعه موافقت شود. بنابراین در مجموع با احراز حقانیت شاکی و ضمن رد مدافعات سازمان و مستنداً به قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت، مصوب ۱۳۸۶/۶/۵ مجلس شورای اسلامی (بخشنامه ۵۳ مستمری‌ها) و مواد ۷ و ۱۳ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری رأی به وارد دانستن شکایت شاکی علیه سازمان صادر و اعلام می‌شود و با توجه به این که شرکت مخابرات موافقت خود را اعلام کرده است، دعوا متوجه شرکت نبوده، قرار رد شکایت نسبت به شرکت مخابرات صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یادشده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء، به شرح آینده به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیئت عمومی

اولاً، تعارض در آراء محرز است.

ثانیاً، نظر به این که مطابق ماده واحده قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب سال ۱۳۸۶، بازنشستگی به موجب این قانون به درخواست کارکنان دولتی، واجد شرایط و داشتن حداقل ۲۵ سال خدمت، قابل قبول و موافقت دستگاه متبوع موکول شده است و شکات پرونده‌های موضوع تعارض آراء، در زمان دولتی بودن شرکت مخابرات، تقاضای بازنشستگی خود را بر اساس قانون یادشده، به شرکت متبوع تقدیم کرده‌اند و پیش از خصوصی شدن شرکت مذکور، مدیرعامل شرکت مخابرات با درخواست آنان موافقت کرده است و خصوصی شدن شرکت پس از موافقت با بازنشستگی پیش از موعد کارکنان آن، نباید مانع حقوق مکتسب اشخاص در بازنشستگی ناشی از قانون فوق‌الذکر شود. بنابراین آراء صادرشده از شعبه ۱۷ دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه‌های ۸۹۰۹۹۷۰۹۰۱۷۰۰۶۹۵-۱۳۸۹/۸/۱۰ و ۹۰۰۹۹۷۰۹۰۱۷۰۰۴۹۱-۱۳۹۰/۲/۱۲ که بر وارد دانستن شکایت و بازنشستگی اشخاص بر اساس قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت با رعایت ضوابط مقرر در قانون صادرشده است، صحیح و موافق مقررات تشخیص می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

رأی شماره ۱۰۲۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری
موضوع اعمال قانون بازنشستگی پیش از موعد در مورد کارکنان رسمی
سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران
شماره هـ - ۳۸۳/۹۰ - ۱۳۹۳/۱/۲۴

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۲/۱۲/۱۹ - شماره دادنامه: ۱۰۲۹ - کلاس پرونده: ۳۸۳/۹۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای علینقی قدس

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض در آراء صادرشده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: آقای علینقی قدس به موجب لایحه‌ای که به شماره ۴۱۳/۷۱۱/۲۷۱ - ۱۳۹۰/۴/۲۸ ثبت دفتر اندیکاتور هیئت عمومی دیوان عدالت اداری شده، اعلام کرده است که:

این جانب علینقی قدس شاکي پرونده کلاس ۳۳۴۰/۸۹/۱۵ نسبت به دادنامه صادرشده از شعبه ۱۵ دیوان عدالت اداری به شماره ۹۰۰۹۹۷۰۹۰۱۵۰۰۷۲۱ به دلیل متعارض بودن با آراء مشابه اعتراض و تقاضای رسیدگی و نقض رأی را در راستای مواد ۴۴ و ۴۵ قانون دیوان عدالت اداری به شرح و دلایل ذیل خواستار است.

همان گونه که در مستندات پرونده موجود است، شکایت بنده تحت عنوان الزام سازمان تأمین اجتماعی به بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت بوده و طبق آراء پیوست شعبه ۱۶ دیوان عدالت اداری نسبت به همین موضوع آرائی به شماره ۸۹۰۹۹۷۰۹۰۱۶۰۰۶۴۰ - ۱۳۸۹/۸/۲۳ به له، خانم شهلا امیری سامانی، و رأی شماره ۸۹۰۹۹۷۰۹۰۱۶۰۰۴۳۹ - ۱۳۸۹/۸/۲ به له، آقای علیرضا سربندی صادر کرده است.

همان گونه که در مستندات پرونده نیز وجود دارد، آراء فوق‌الذکر که در شعبه ۱۶ دیوان عدالت اداری صادرشده با پرونده این جانب که در شعبه ۱۵ دیوان عدالت اداری مطرح شده از لحاظ موضوع و منشأ و ماهیت یکی بوده و آقای سربندی و خانم امیری سامانی از همکاران این جانب در سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران بوده و هر سه از کارمندان دولت و رسمی بوده و از لحاظ حقوق و مزایای استخدامی در شرایط مساوی قرار داریم.

علاوه بر مسائل فوق‌الذکر در تبصره ۳ قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶/۷/۵ به دولت اجازه داده شده است کارکنان رسمی، قراردادی و... وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی را که حداقل ۲۵ سال سابقه خدمت قابل قبول داشته باشند، با حداکثر ۵ سال سنوات ارفاقی، بدون شرط سنی، در صورت تقاضای کارکنان و موافقت دستگاه متبوع خود بازنشسته نماید.

لذا از آن مقام تقاضا دارد با توجه به توضیحات فوق و موارد ثبت شده در پرونده نسبت به تعارض آراء دو شعبه رأی را در راستای مواد ۴۴ و ۴۵ قانون دیوان عدالت اداری رسیدگی و اقدامات لازم را مبذول فرمایید.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه پانزدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۸۳۳۰۵ با موضوع دادخواست

آقای علینقی قدس به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به خواسته الزام به بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت به موجب دادنامه شماره ۹۰۰۷۲۱-۱۵۰۰۹۹۷۰۹۰۱۳۹۰/۳/۳، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است: نظر به این که مفاد بند ب ماده ۹ آیین نامه اجرایی قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت حکایت از خروج مضمولان قانون کار از شمول قانون بازنشستگی پیش از موعد دارد و شاکی نیز از مضمولان قانون کار است. لذا شکایت مطروح را وارد تشخیص نداده و رأی به رد شکایت صادر و اعلام می کند. رأی دیوان قطعی است.

ب: شعبه شانزدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۱۲۴۷۲ با موضوع دادخواست خانم شهلا امیری سامانی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به خواسته الزام طرف شکایت به پذیرش قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت، به موجب دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۰۹۰۱۶۰۰۶۴۰-۱۳۸۹/۸/۲۳، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

در خصوص دادخواست خانم شهلا امیری سامانی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی شرق تهران بزرگ به خواسته تقاضای الزام طرف شکایت به پذیرش قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت، مصوب ۱۳۸۶/۷/۵ و آیین نامه های اجرایی آن با توجه به مجموع اوراق پرونده و لایحه اداره مشتکی عنه و نظر به این که شاکی از کارکنان رسمی سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی ایران بوده و به مدت ۲۱ سال سابقه بیمه پردازی داشته و شغل وی کارگری نیست و مطابق مدارک و مستندات پیوستی از مراجع ذی صلاح شاکی می تواند از مزایای بازنشستگی پیش از موعد کارکنان بهره مند شود. علی هذا دعوی مطروح را وارد تشخیص و به بهره مندی شاکی از بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت، مصوب ۱۳۸۶/۷/۵ و آیین نامه اجرایی آن حکم صادر و اعلام می شود. رأی دیوان قطعی است.

ج: شعبه شانزدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۳۷۲۱۰ با موضوع دادخواست آقای علیرضا سربندی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به خواسته تقاضای الزام طرف شکایت به پذیرش قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

در خصوص دادخواست آقای علیرضا سربندی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی شرق تهران بزرگ به خواسته تقاضای الزام طرف شکایت به پذیرش قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت، مصوب ۱۳۸۶/۷/۵ و آیین نامه های اجرایی و جبران خسارت دادرسی با توجه به مجموع اوراق پرونده و لایحه اداره مشتکی عنه و با مذاقه در پرونده استنادی و با عنایت به این که شاکی از کارکنان رسمی شرکت شهرک های صنعتی است، به نظر مضمول قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت است و از حیث صندوق، تابع قانون کار بوده یا از حیث صندوق مضمول تأمین اجتماعی بودن سبب سلب امتیاز قانونی مربوط نمی شود. علی هذا با وارد دانستن شکایت به الزام مشتکی عنه به بهره مندی شاکی از بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت وفق مقررات مربوط حکم صادر و اعلام می شود. رأی دیوان قطعی است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یادشده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء، به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت می کند.

رأی هیئت عمومی

اولاً، تعارض در دادنامه‌های مندرج در گردش کار محرز است.

ثانیاً، به موجب ماده واحده قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت، مصوب سال ۱۳۸۶، به دولت اجازه داده شده است که از تاریخ تصویب این قانون کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی را که حداقل ۲۵ سال سابقه قابل قبول داشته باشند، با حداکثر پنج سال سنوات ارفاقی بدون شرط سنی در صورت تقاضای کارکنان و موافقت دستگاه متبوع خود بازنشسته کند و مطابق تبصره ۳ ماده واحده مذکور، شرکت‌های دولتی نیز می‌توانند با استفاده از منابع مالی خود کارکنان واجد شرایط خود را به نحو مقرر در این قانون بازنشسته کنند و به موجب تبصره ماده ۵ قانون فوق، آیین‌نامه اجرایی این قانون به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید. نظر به این که مطابق ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی مذکور مستخدمان موقت شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی مشمول آیین‌نامه یادشده می‌باشند و می‌توانند از مزایای بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت بهره‌مند شوند و با توجه به این که کارکنان شرکت‌های شهرک‌های صنعتی ایران مشمول بند الف ماده ۹ آیین‌نامه یادشده هستند، می‌توانند از مزایای بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت بهره‌مند شوند، علی‌هذا آرائی که بر وارد دانستن شکایت از شعبه ۱۶ دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه‌های ۸۹۰۹۹۷۰۹۰۱۶۰۰۴۳۹-۸۹۰۹۹۷۰۹۰۱۶۰۰۶۴۰ و ۱۳۸۹/۸/۲ صادر شده است صحیح و مطابق قانون تشخیص می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، معاون قضایی دیوان عدالت اداری - علی مبشری

رأی شماره‌های ۸۰۰-۷۸۸-۷۸۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع بازنشستگی پیش از موعد به لحاظ اشتغال در مشاغل سخت و زیان‌آور

شماره هـ ۶۰۶/۹۱-۱۳۹۳/۵/۱۲

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۳/۴/۲۳- شماره دادنامه: ۸۰۰-۷۸۸-۷۸۷- کلاس پرونده: ۶۰۶/۹۱- ۵۴۳- ۳۷۳/۹۳

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقایان نبی‌اله احمدلو، محمدعلی حسن‌آبادی و سیدمرتضی موسوی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض نسبت به آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: آقایان نبی‌اله احمدلو، محمدعلی حسن‌آبادی و سیدمرتضی موسوی به موجب لوایح جداگانه‌ای که به شماره‌های ۶۸۱-۱۳۹۱/۴/۱۸ و ۷۲۹-۱۳۹۱/۴/۲۰ ثبت دفتر اندیکاتور هیئت عمومی دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده‌اند که در خصوص الزام سازمان تأمین اجتماعی به بازنشستگی دادخواهان به لحاظ اشتغال در مشاغل سخت و زیان‌آور، شعب دیوان عدالت اداری آراء معارضی صادر کرده‌اند. حسب محتویات پرونده‌ها شغل دادخواهان ابتدائاً در هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر استانی تشخیص مشاغل سخت و زیان‌آور، شناخته نشده است. لکن متعاقباً هیئت‌های مذکور مشاغل دادخواهان را سخت و زیان‌آور شناخته‌اند و سازمان تأمین اجتماعی با لحاظ نظریه قبلی هیئت‌های یادشده و نظریه شورای عالی حفاظت فنی در خصوص موضوع مبنی بر عدم تأیید مشاغل دادخواهان در زمره مشاغل سخت و زیان‌آور، از بازنشستگی آنان بر اساس اشتغال در مشاغل سخت و زیان‌آور خودداری کرده است. با توجه به مراتب، اعلام کنندگان تعارض رفع تعارض و صدور رأی وحدت رویه را خواستار شده‌اند. گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه دوازدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۳۱۶۳۴-۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۱۶۳۴ با موضوع دادخواست آقای محمد حسن‌آبادی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی استان مرکزی به خواسته الزام سازمان بازنشستگی به لحاظ اشتغال در مشاغل سخت و زیان‌آور، به موجب دادنامه شماره ۶۰۶/۹۱-۱۳۹۰/۱۰/۲۷، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

در خصوص شکایت آقای محمدعلی حسن‌آبادی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی شعبه یک اراک به خواسته عدم تأیید سختی کار و شغل زیان‌آور به شرح دادخواست، نظر به این که سازمان تأمین اجتماعی با ارائه مدارک به پیوست لایحه اعلام کرده است، شاکی از آذرماه ۱۳۶۹ تا تیرماه ۱۳۹۰ در شرکت هپکو اشتغال به کار داشته و مشاغل وی در شرکت موصوف لوله‌کشی و جوشکار ۱ و ۲ بوده است و کمیته استانی مشاغل وی را برابر نظریه مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۸ به عنوان سخت و زیان‌آور تأیید نکرده است. لیکن نامبرده بعد از حدود ۸ سال با کتمان رأی قبلی کمیته استانی مجدداً تقاضای بررسی و احراز اشتغال را تکمیل و به کمیته استانی تحویل داده است، کمیته یادشده، بدون اطلاع قبلی، نظریه مورخ ۱۳۹۰/۲/۵ را که تأیید مشاغل سخت و زیان‌آور بوده تأیید کرده است، فاقد منشأ حقوقی و اثر و اعتبار قانونی است. با توجه به محتویات پرونده و دفاعیات خواننده و عدم مشاهده نقض

مقررات شکایت نامبرده، وارد تشخیص نمی‌دهد و علی‌هذا به رد آن حکم صادر و اعلام می‌کند. رأی دیوان قطعی است.

ب: شعبه پانزدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۸۸۰۶۴ با موضوع دادخواست آقای یحیی رحیمی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی استان مرکزی به خواسته الزام سازمان بازنشستگی به لحاظ اشتغال به مشاغل سخت و زیان‌آور، به موجب دادنامه شماره ۱۵۰۱۴۱۵/۹۰۰۹۹۷۰۹۰۱۳۹۰/۴/۲۸، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به این‌که با توجه به گزارش سازمان تأمین اجتماعی و نظریه شورای عالی حفاظت فنی کشور مشاغل وی را سخت و زیان‌آور ندانسته که شاکي با طرح مشاغل در کمیته استانی که کمیته مذکور از نظریه شورای عالی حفاظت فنی مطلع نبوده در تاریخ ۱۳۸۹/۸/۴ مشاغل وی را سخت و زیان‌آور تشخیص داده، نظر به این‌که کمیته مذکور با توجه به سابقه رسیدگی نمی‌توانسته است قبل از نقض رأی شورای عالی حفاظت فنی کشور اظهار نظر کند. لذا نظریه کمیته استانی با وجود اعتبار نظریه شورای عالی حفاظت فنی قابلیت استناد نداشته، در وضعیت موجود قرار رد صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

ج: شعبه هفدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۷۴۲۳۲ با موضوع دادخواست آقای سیدمرتضی موسوی فرد به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی استان مرکزی به خواسته الزام سازمان تأمین اجتماعی به بازنشستگی، به لحاظ اشتغال به مشاغل سخت و زیان‌آور، به موجب دادنامه شماره ۱۷۰۰۲۷۰/۹۰۰۹۹۷۰۹۰۱۳۹۰/۱/۲۷، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

شاکي طی دادخواستی، خواستار ابطال نامه و نظریه سازمان مبنی بر عدم تأیید سختی مشاغل شاکي و بازنشستگی پیش از موعد، به جهت اشتغال به مشاغل سخت و زیان‌آور شده است که با عنایت به محتویات پرونده، من جمله لایحه شماره ۱۰۰/۹۷۹-۱۳۹۰/۱/۱۷ مدیرکل تأمین اجتماعی استان مرکزی و مستندات ابرازی، نظر به این‌که شورای عالی حفاظت قبلاً مشاغل شاکي را سخت و زیان‌آور ندانسته و قبل از ابطال نظریه سابق، اقدامی در جهت پذیرش نظریه بعدی کمیته استانی میسر نیست، بنابراین مشارالیه بدو می‌باید نسبت به ابطال نظریه سابق شورا اقدام کند. بنابراین در وضعیت موجود، شکایت مطروح قابل استماع نیست. قرار رد شکایت صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

د: شعبه شانزدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۳۲۴۹ با موضوع دادخواست آقای عزت‌اله الطافی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی استان مرکزی به خواسته الزام سازمان تأمین اجتماعی به بازنشستگی به لحاظ اشتغال به مشاغل سخت و زیان‌آور، به موجب دادنامه شماره ۱۶۰۲۵۷۱/۹۰۰۹۹۷۰۹۰۱۳۹۰/۹/۲۲، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

در خصوص شکایت شاکي به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی اراک به خواسته تأیید سختی کار و شغل زیان‌آور شعبه پس از بررسی و مطالعه دادخواست و ضمایم و پاسخ مشتکی‌عنه، هر چند که تأمین اجتماعی مدعی است که در سال ۱۳۸۱ کمیته استانی بررسی مشاغل سخت و زیان‌آور مشاغل شاکي را سخت و زیان‌آور ندانسته. لکن با بررسی مشاغل در نظریه مورخ ۱۳۹۰/۲ مشخص می‌شود که نوع مشاغل در هر دو نظریه بعضاً متفاوت است و

نظریهٔ اخیر کمیته استانی منطبق با مقررات است. لذا به وارد دانستن شکایت شاکی حکم صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یادشده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء به شرح آینده به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیئت عمومی

اولاً، تعارض در آراء محرز است.

ثانیاً، مطابق مادهٔ ۸ آیین‌نامهٔ اجرایی ماده‌واحد قانون اصلاح تبصرهٔ ۲ الحاقی مادهٔ ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصرهٔ مادهٔ ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به مادهٔ ۷۶ مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۲۲، مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۲۶ هیئت وزیران، تطبیق و تشخیص مشاغل سخت و زیان‌آور بر اساس ضوابط و سیاست‌گذاری‌های شورای عالی حفاظت فنی در صلاحیت کمیته‌های بدوی و تجدیدنظر استانی تعیین شده است. بنابراین تصمیمات کمیته‌های مذکور بدون تغییر در عوامل فیزیکی، شیمیایی، مکانیکی و بیولوژیکی محیط کار مصرح در قانون اصلاح تبصرهٔ ۲ الحاقی مادهٔ ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصرهٔ مادهٔ ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به مادهٔ ۷۶ مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۲۲، قطعی است و در مواردی که شرایط محیط کار به شرح مذکور تغییر کند، اتخاذ تصمیم مجدد توسط کمیته‌های بدوی و تجدیدنظر استانی موضوع مادهٔ ۷ آیین‌نامهٔ صدرالذکر، از زمان حصول شرایط جدید منعی ندارد. نظر به این که در پرونده‌های موضوع تعارض، کمیته‌های بدوی و تجدیدنظر استانی بدو مشاغل شکات را در زمرهٔ مشاغل سخت و زیان‌آور تلقی نکرده‌اند، ولیکن متعاقباً کمیته‌های مذکور در ایامی که پیش از این مشاغل شکات سخت و زیان‌آور شناخته نشده بود، مجدداً مشاغل آن‌ها در ایام سابق را سخت و زیان‌آور شناخته‌اند، از این حیث که اتخاذ تصمیم در خصوص آن ایام قبلاً به عمل آمده بوده، وجاهت قانونی نداشته است و آراء شعب ۱۷ و ۱۵ و ۱۲ دیوان عدالت اداری به شرح مندرج در گردش کار که با عدم ترتیب اثر به نظر مؤخر کمیته‌های بدوی و تجدیدنظر استانی نسبت به موارد اظهارنظرشدهٔ قبلی، شکایت شکات مبنی بر الزام سازمان تأمین اجتماعی به بازنشستگی بر اساس مشاغل سخت و زیان‌آور را وارد ندانسته‌اند، صحیح و موافق مقررات است. این رأی به استناد بند ۲ مادهٔ ۱۲ و مادهٔ ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

رأی شماره ۱۵۰۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع برقراری حکم بازنشستگی مستخدمان رسمی دولت بر اساس سنوات خدمت

شماره ۷۷۵/۹۳-۱۳۹۳/۱۰/۱۴

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۳/۹/۲۴ - شماره دادنامه: ۱۵۰۰ - کلاس پرونده: ۷۷۵/۹۳

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: خانم ثریا توحیدی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض در آراء صادرشده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: خانم ثریا توحیدی به موجب درخواستی اعلام کرده است که:

احتراماً، به استحضار می‌رساند پیرو طرح شکایت این جانب ثریا توحیدی مبنی بر ابطال حکم بازر خریدی مورخ ۱۳۶۷/۷/۱ و صدور حکم بازنشستگی که تقدیم شعبه اول دیوان عدالت اداری شد، طی دادنامه شماره ۱۰۳۳-۱۳۹۱/۵/۸ منجر به رد دعوا و رد خواسته شد. متأسفانه این حکم برخلاف و متعارض با آراء صادرشده از شعب دیگر دیوان عدالت اداری از جمله رأی شعبه اول تجدیدنظر دیوان به شماره ۱۳۱۰-۱۳۸۴/۷/۵ است، زیرا طی این حکم در موضوع مشابه و شرایط کاملاً یکسان، اقدام به صدور رأی به ورود شکایت شده که این امر موجب صدور آراء متعارض و ایجاد بالاتکلیفی در حقوق قانونی و استحقاق شده، لذا مستنداً به ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری خواستار رسیدگی بر اساس عدل و انصاف می‌باشم.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه اول دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۰۸۷۷۸۹-۰۹۹۸۰۹۰۰۰ با موضوع دادخواست خانم ثریا توحیدی باغینی به طرفیت وزارت آموزش و پرورش، سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته ابطال حکم بازر خریدی مورخ ۱۳۶۷/۷/۱ و صدور حکم بازنشستگی، به موجب دادنامه شماره ۱۰۳۳-۰۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۱۰۱۰۳۳-۱۳۹۱/۵/۸، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

شاکي به شرح دادخواست اعلام داشته است از کارکنان آموزش و پرورش است که در تاریخ ۱۳۶۷/۷/۱ به دلیل وجود پاره‌ای مشکلات خانوادگی با ۲۰ سال و یک ماه و ۲۸ روز سابقه خدمت، تقاضای بازر خریدی کرده و اداره طرف شکایت با بازر خریدی نامبرده موافقت و حکم بازر خریدی در حق وی صادر شده است، چون بیش از ۲۰ سال سابقه خدمت داشته است لذا دستگاه مکلف به صدور حکم بازنشستگی در حق مشارالیه بوده و لذا به شرح فوق نسبت به موضوع معترض و تقاضای رسیدگی کرده که با توجه به بررسی اوراق و محتویات پرونده نظر به این که بر اساس اظهارات شاکي بازر خریدی مشارالیه‌ها بر اساس درخواست شخصی نامبرده بوده است و تبصره ۴ ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری ناظر به بازنشستگی اختیاری کارکنان با داشتن ۲۰ سال سابقه خدمت و تقاضای کارمند و موافقت بالاترین مقام دستگاه اجرایی بوده و هیچ دلالتی بر تکلیف اداره متبوع مستخدم به موافقت با تقاضای بازنشستگی معد کارکنان، صرف داشتن بیش از ۲۰ سال سابقه خدمت ندارد که در مانحن فیه حسب اظهارات

شاکی دستگاه متبوع با تقاضای بازنشستگی شاکی موافقت نکرده و لذا نامبرده تقاضای بازخریدی کرده است و طبق تبصره ۴ قانون مذکور بازگشت به خدمت افراد بازخرید شده ممنوع است، بنابراین تخلفی از مقررات از جانب آموزش و پرورش مشهود نبوده به رد شکایت حکم صادر و اعلام می شود و در خصوص شکایت شاکی به طرفیت سازمان بازنشستگی به دلیل عدم توجه شکایت به سازمان مذکور به استناد بند ب ماده ۲۰ آیین دادرسی دیوان عدالت اداری قرار رد شکایت صادر و اعلام می شود. رأی دیوان قطعی است.

ب: شعبه هجدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۳۱۳/۸۲/۱۸ با موضوع دادخواست آقای محسن نصوری کاممردخی به طرفیت سازمان جهاد کشاورزی استان گیلان به خواسته ابطال حکم بازخرید خدمت به شماره ۳۳۴۱/۱/۱-۱۳۷۸/۱۰/۴، به موجب دادنامه شماره ۱۸۷۰-۱۳۸۳/۱۰/۸، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به این که شاکی شخصاً از مسئولان امر تقاضای بازخرید خدمت کرده و مسئولان نیز وفق مقررات قانونی با تقاضای شاکی موافقت کرده اند، علی هذا به لحاظ عدم تخلف از مقررات در اصدار حکم بازخرید خدمت به رد شکایت حکم صادر و اعلام می شود. حکم صادر شده ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

ج: شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب پرونده شماره ۲۹۹/۸۴/۱ با موضوع دادخواست آقای محسن نصوری کاممردخی به طرفیت سازمان جهاد کشاورزی استان گیلان به خواسته اعتراض به دادنامه شماره ۱۸۷۰-۱۳۸۳/۱۰/۸ شعبه هجدهم دیوان عدالت اداری، به موجب دادنامه شماره ۱۳۱۰-۱۳۸۴/۷/۵، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

تجدیدنظرخواه به موجب حکم کارگزینی شماره ۳۳۴۱/۱/۱-۱۳۷۸/۱۰/۴ و به استناد تبصره ۱ ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری بازخرید شده است. تبصره ۱ ماده ۷۴ مذکور صراحتاً اعلام کرده است بازخریدی در صورتی ممکن است که کارمند کمتر از بیست سال سابقه داشته باشد و کارمندان دارای سابقه بیش از ۲۰ سال را دارای حق درخواست بازنشستگی اعلام کرده است. از آنجا که وی در زمان بازخریدی طبق حکم کارگزینی فوق الاشعار دارای ۲۵ سال و ۴ ماه و یک روز سابقه بوده است، حتی با درخواست خود وی نمی توانسته بازخرید شود. علی هذا تجدیدنظرخواهی وارد تشخیص و با نقض رأی بدوی، به وارد دانستن شکایت شاکی و ابطال حکم بازنشستگی وی به شماره فوق و اعاده وی به پست و سمت سابق حکم صادر می شود. رأی دیوان قطعی است.

د: شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب پرونده شماره ۱۳۶۷/۸۴/۱ با موضوع دادخواست آقای محسن نصوری کاممردخی به طرفیت سازمان جهاد کشاورزی استان گیلان به خواسته اعتراض به دادنامه شماره ۱۸۷۰-۱۳۸۳/۱۰/۸ شعبه هجدهم دیوان عدالت اداری، به موجب دادنامه شماره ۱۷۰۱-۱۳۸۴/۸/۲۴، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

با توجه به این که نام تجدیدنظرخواه محسن نصوری کاممردخی است و اشتباهاً منصوره کاممرفی نوشته شده و تقاضای وی ابطال حکم بازخریدی بوده و در متن رأی نیز به حکم بازخریدی اشاره شده و حکم ابطالی نیز حکم بازخریدی است و در هنگام نوشتن اشتباهاً حکم بازنشستگی قید شده است، بدین وسیله نام وی به محسن نصوری

کامردخی و در سطر آخر ابطال حکم بازنشستگی به ابطال حکم بازخریدی اصلاح می‌شود. رأی صادرشده به استناد ماده ۳۸ آیین دادرسی دیوان عدالت اداری صادر و اعطای رونوشت از یکی بدون دیگری ممنوع است و این رأی به انضمام رأی سابق این شعبه به شماره ۱۳۱۰-۱۳۸۴/۷/۵ قطعی و قابل اجرا است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یادشده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء، به شرح آینده به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیئت عمومی

اولاً، تعارض در آراء محرز است.

ثانیاً، مطابق تبصره ۱ الحاقی به ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری، مصوب سال ۱۳۶۵ مقرر شده است، کلیه وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی، شهرداری‌ها، بانک‌ها، مؤسسات و شرکت‌ها و سازمان‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است، می‌توانند مستخدمان رسمی یا ثابت یا دارای عناوین مشابه خود را (به جز مشمولان قانون کار و تأمین اجتماعی) در مشاغل غیرتخصصی بر اساس درخواست کتبی آنان و موافقت بالاترین مقام دستگاه اجرایی، مشروط به آنکه بیش از بیست سال سابقه خدمت داشته باشند، بر اساس سنوات خدمت بازنشسته و در صورتی که سابقه خدمت آنان کمتر از بیست سال باشد، بازخرید نمایند. با توجه به حکم قانونی مذکور، در صورتی که مستخدم دولت بیش از بیست سال سابقه خدمت داشته باشد، دستگاه می‌تواند وی را بازنشسته کند و امکان بازخرید وی، ولو به درخواست مستخدم، وجود ندارد و چون در پرونده‌های موضوع تعارض، شکات بیش از ۲۰ سال سابقه خدمت داشته‌اند، دستگاه اجرایی متبوع آنان نمی‌توانسته است با لحاظ درخواست بازخریدی آنان، مبادرت به بازخریدی شکات کند. از این روی رأی شماره ۱۳۱۰-۱۳۸۴/۷/۵ شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری و رأی اصلاحی همین شعبه به شماره ۱۷۰۱-۱۳۸۴/۸/۲۴ که حکم بازخریدی شاکی را مطابق قانون تشخیص نداده و شکایت را وارد شناخته است، صحیح و موافق مقررات تشخیص می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

رأی شماره ۱۹۰۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع نحوه صدور حکم بازنشستگی کارکنان غیر هیئت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی

مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۲۷ - شماره: ۱۰۱۸/۹۳ - تاریخ: ۱۳۹۳/۱۲/۱۲

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۳/۱۱/۲۷ - شماره دادنامه: ۱۹۰۷ - کلاس پرونده: ۱۰۱۸/۹۳

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای محمدرضا دلاوری

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تشابه در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: آقای محمدرضا دلاوری به موجب نامه شماره ۲۷۴۳۳/۱۱۸۹۹-۱۳۹۲/۱۱/۲۷ اعلام کرده است که:

احتراماً، ضمن ارسال آراء مشابه صادر شده از شعب مختلف دیوان عدالت اداری، در خصوص لازم الاجراء بودن آیین نامه استخدامی اعضای غیر هیئت علمی دانشگاه تهران و الزام سازمان بازنشستگی کشوری و دانشگاه تهران به رعایت آیین نامه مذکور در خصوص صدور احکام بازنشستگی و مندرجات آن، به منظور ایجاد وحدت رویه وفق ماده ۹۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، مصوب سال ۱۳۹۲، به استحضار می‌رسد:

۱- دانشگاه‌های تابعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت و درمان، از سال ۱۳۶۷ که قانون تشکیل هیئت امنای دانشگاهها تصویب شده است، رسماً دارای هیئت‌امنا بوده و هیئت‌امنا مرجع صالح برای وضع مقرر و آیین‌نامه در امور اداری، استخدامی، مالی و تشکیلاتی دانشگاههاست. با تصویب بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۴ این موضوع با صراحت بیشتری مورد تأیید قرار گرفت. بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه، مصوب سال ۱۳۹۰، نیز ضمن تأکید مجدد بر مفاد بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم، برای از بین بردن هر نوع شبهه، صراحتاً مقرر داشت که امور مالی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی دانشگاهها صرفاً بر مبنای آیین‌نامه‌ها و مصوبات هیئت‌امنا اداره شده و از شمول مقررات عام اداری، مالی و استخدامی، از جمله قانون مدیریت خدمات کشوری و قانون مناقصات عمومی، خارج هستند.

۲- با تصویب بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم، آیین‌نامه استخدامی اعضای غیر هیئت علمی دانشگاه تهران، به تصویب هیئت‌امنا دانشگاه تهران رسیده و پس از تأیید وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، از تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱، لازم‌الاجرا شده است. از تاریخ مزبور کلیه احکام کارگزینی کارکنان غیر هیئت علمی دانشگاه تهران، بر مبنای آیین‌نامه مزبور صادر شده، کسورات بازنشستگی نیز کسر و به صندوق بازنشستگی کشوری واریز شده است.

۳- از سال ۱۳۹۱ تعدادی از کارمندان غیر هیئت علمی دانشگاه تهران، بازنشسته شده و احکام آنان مطابق آیین‌نامه استخدامی اعضای غیر هیئت علمی دانشگاه تهران (مصوب هیئت‌امنا) صادر و به سازمان بازنشستگی کشوری (استان تهران) ارسال شده است. اما آن سازمان، از تأیید حکم بازنشستگی و برقراری حقوق این افراد خودداری کرده و اصرار دارد که احکام بازنشستگی آنان باید بر مبنای قانون مدیریت خدمات کشوری، صادر شود.

۴- به دنبال آن، دانشگاه تهران موضوع را از معاونت حقوقی ریاست جمهوری استعلام کرده است. معاونت مزبور طی نامه شماره ۱۶۱۳۸/۵۰۱۷-۱۳۹۱/۱/۱۶ اعلام داشته که دانشگاه‌ها تابع آیین‌نامه استخدامی مصوب هیئت‌امنا هستند و سازمان بازنشستگی ملزم به صدور احکام بازنشستگی مطابق آیین‌نامه است. با امتناع آن سازمان از صدور احکام بازنشستگی، کارکنان دانشگاه تهران ناگزیر علیه دانشگاه و سازمان بازنشستگی کشوری در دیوان عدالت اداری اقامه دعوا کردند. شعب متعدد دیوان عدالت اداری، ضمن اعلام لازم‌الاجرا بودن آیین‌نامه استخدامی اعضای غیرهیئت‌علمی دانشگاه تهران و رد دفاعیات سازمان بازنشستگی کشوری، تاکنون بیش از سی دادنامه به نفع کارکنان دانشگاه تهران و الزام سازمان بازنشستگی و دانشگاه بر صدور احکام بازنشستگی مطابق آیین‌نامه استخدامی دانشگاه تهران صادر کرده‌اند.

با عنایت به مراتب فوق و با توجه به اینکه تعداد زیادی از کارکنان غیرهیئت‌علمی دانشگاه‌ها در آستانه بازنشستگی قرار دارند، برای جلوگیری از تقدیم دادخواست‌های متعدد و تضییع وقت قضات دیوان عدالت اداری، خواهشمند است دستور فرمایید، به‌منظور تسری احکام صادرشده نسبت به موضوعات مشابه، مطابق ماده ۹۰ قانون تشکیلات و آیین‌دادرسی دیوان عدالت اداری، دادنامه‌های قطعی صادر شده، جهت ایجاد وحدت رویه در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مطرح و مورد رسیدگی قرار گیرد.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه سوم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۹۹۵۵۵ با موضوع دادخواست آقای حسین امینی کاشانی به‌طرفیت، سازمان بازنشستگی کشوری و دانشگاه تهران به خواسته الزام خواندگان به صدور حکم بازنشستگی و پرداخت حقوق بازنشستگی بر اساس آیین‌نامه استخدامی اعضای غیرهیئت‌علمی، به‌موجب دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۰۶۹۹-۱۳۹۲/۳/۲۵، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است: با بررسی اوراق و محتویات پرونده و مضمون لویح طرف شکایت، نظر به اینکه هیئت‌امنا دانشگاه با استفاده از اختیارات ناشی از بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه در مورد کارکنان غیرهیئت‌علمی به شرح تبصره (۵) بند (۵) ماده ۴ و ۵ آیین‌نامه اداری و استخدامی اعضای غیرهیئت‌علمی فوق‌العاده جذب آنان را مستمر و مشمول کسور بازنشستگی دانسته و مصوبه مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۷ شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست‌جمهوری نیز بر همین مبنی تأکید دارد، بنابراین حکم به الزام خواندگان به اصلاح حکم کارگزینی و بازنشستگی شاکی و لحاظ فوق‌العاده جذب کارکنان غیرهیئت‌علمی در حقوق بازنشستگی و پرداخت مطالبات معوقه شاکی صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

ب: شعبه دوم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۸۰۸۷۱ با موضوع دادخواست آقای حبیب اصغری‌نژاد به‌طرفیت، دانشگاه تهران و سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته الزام خواندگان به صدور حکم بازنشستگی و پرداخت حقوق بازنشستگی بر اساس آیین‌نامه استخدامی اعضای غیرهیئت‌علمی، به‌موجب دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۲۰۰۲۸۷-۱۳۹۲/۳/۲۶، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است: خواسته شاکی به شرح دادخواست، تقاضای الزام دانشگاه طرف شکایت، به صدور حکم بازنشستگی، بر اساس ماده

۷۷ آیین‌نامه استخدامی اعضای غیرهیئت‌علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهش و فناوری و الزام سازمان بازنشستگی به تأیید آن است. با بررسی اوراق و محتویات پرونده و ملاحظه لوایح جوابیه مشتکی عنهما ثبت‌شده به شماره‌های ۳۵۷۸-۱۳۹۱/۱۱/۱۶ و ۳۳۵-۱۳۹۲/۲/۸ دفتر این شعبه، نظر به این که به‌موجب بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم مصوب ۱۳۸۴/۱۲/۲۷ دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی، فرهنگستان‌های تخصصی بر اساس آیین‌نامه‌ها، مقررات اداری، مالی، استخدامی و تشکیلات خاص هیئت‌امناهای مربوطه که به تنفیذ وزرای علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حسب مورد می‌رسد، بدون الزام به رعایت قانون محاسبات عمومی قانون استخدام کشوری و سایر قوانین و مقررات عمومی اداری، مالی و استخدامی اداره خواهند شد و مطابق بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم، مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ با اضافه کردن (بدون الزام به رعایت قانون مدیریت خدمات کشوری و قانون برگزاری مناقصات) تنفیذ شده است و با توجه به اینکه ماده ۷۷ آیین‌نامه صدرالذکر مورد استناد شاکی مصوب هیئت‌امنا دانشگاه مشتکی‌عنه که با تأیید وزیر علوم تحقیقات و فناوری طی شماره ۱۵/۲۷۳۳۹۸-۱۳۹۰/۱۲/۲۷ ابلاغ و اجرای آن از ۱۳۹۰/۱۲/۱ اعلام کرده است، مبنای تعیین حقوق بازنشستگی را میانگین کلیه حقوق و مزایای مستمر مشمول کسور بازنشستگی «حقوق رتبه و پایه، فوق‌العاده‌های شغل، جذب، ویژه، سختی کار مدیریت و تفاوت تطبیق» در دو سال پایان خدمت با اعمال ضریب حقوقی سال بازنشستگی مقرر داشته است. بنابراین خواسته موجه تشخیص و مستنداً به بندهای مادیتین مذکور قانون برنامه چهارم و پنجم و با رعایت ماده ۷ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۸۵ به واردانستن شکایت، دایر بر الزام مشتکی‌عنه ردیف اول، به صدور حکم بازنشستگی، بر اساس ماده ۷۷ آیین‌نامه یادشده و تکلیف سازمان بازنشستگی کشوری (مشتکی‌عنه ردیف دوم)، به تأیید آن و صدور حکم بازنشستگی و برقراری حقوق بر مبنای آیین‌نامه مذکور در حق مشارالیه حکم صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

ج: شعبه سوم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۹۳۲۵۴ با موضوع دادخواست آقای حسن خطیب‌پور به‌طرفیت، دانشگاه تهران و سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته الزام خواندگان به صدور حکم بازنشستگی و پرداخت حقوق بازنشستگی بر اساس آیین‌نامه استخدامی اعضای غیرهیئت‌علمی، به‌موجب دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۰۷۲۸-۱۳۹۲/۳/۲۵، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

با توجه به اوراق و محتویات پرونده و مضمون لوایح مشتکی‌عنه‌ها، نظر بر اینکه هیئت‌امنا دانشگاه تهران با استفاده از اختیارات بند ت ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه و بند ب ماده ۲۰ قانون توسعه پنجم فوق‌العاده جذب اعضای غیرهیئت‌علمی را که ماهیت مستمر دارد، جهت پرداخت، مورد تصویب قرار داده است و با عنایت به اینکه مزایای مستمر مشمول کسور بازنشستگی است و با عنایت به مصوبه شماره ۲۰/۹۱/۴۵۲۳۲-۱۳۹۱/۱۲/۲۳ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور به الزام خواندگان، به لحاظ فوق‌العاده جذب اعضای غیرهیئت‌علمی و حقوق بازنشستگی حکم صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

د: شعبه دوم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۵۸۰۰۱۴۸۹ با موضوع دادخواست آقای حبیب‌اله عسگری به‌طرفیت، دانشگاه تهران و سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته الزام خواندگان به صدور حکم بازنشستگی و پرداخت حقوق بازنشستگی بر اساس آیین‌نامه استخدامی اعضای غیرهیئت‌علمی، به‌موجب دادنامه

شماره ۱۸۵/۲۰۰۹۹۷۰۹۰۰۲۰۹۲-۱۳۹۲/۲/۳۰، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

در خصوص دادخواست آقای حبیب‌اله عسگری به‌طرفیت، دانشگاه تهران و سازمان بازنشستگی کشوری به‌خواسته کسر کسورات از فوق‌العاده جذب هیئت‌امنا و برقراری حقوق بازنشستگی با احتساب فوق‌العاده جذب با توجه به محتویات پرونده و پاسخ‌های واصله، نظر به اینکه مطابق بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم مصوب ۱۳۸۹ دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهش و فرهنگستان‌هایی که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی، وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط می‌باشند، بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی، به‌ویژه قانون محاسبات عمومی، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برگزاری مناقصات و اصلاحات و الحاقات بعدی آن‌ها، فقط در چهارچوب مصوبات و آیین‌نامه مالی، معاملاتی و اداری، استخدامی، تشکیلاتی مصوب هیئت‌امنا که حسب مورد به تأیید وزرای علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌رسد، عمل می‌نماید و برابر بند (الف) ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳ هم مقرر بوده که صرفاً بر اساس آیین‌نامه‌ها و مقررات اداری، مالی، استخدامی و تشکیلاتی خاص مصوب هیئت‌های امنا مربوطه اقدام شود و آیین‌نامه‌هایی که بر مبنای قانون برنامه چهارم تصویب و تأیید شده، تا تصویب آیین‌نامه جدید معتبر بوده است. بنابراین برقراری فوق‌العاده جذب هیئت‌امنا برای کارکنان غیرهیئت‌علمی که در حکم کارگزینی درج شده، قانونی است و دفاع سازمان بازنشستگی و استناد به ماده ۱۰۶ قانون مدیریت خدمات کشوری در مبنای محاسبه کسور بازنشستگی و برقراری حقوق بازنشستگی (که ناظر بر کارمندان مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری است برای کارکنان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی که تابع آیین‌نامه‌ها و مقررات اداری، مالی، استخدامی و تشکیلاتی خاص مصوب هیئت‌های امنا می‌باشند) مردود است و مصوبه شماره ۱۳۹۱/۱۲/۲۳-۲۰۰۹/۱/۴۵۲۳۴ شورای توسعه مدیریت و سرمایه‌انسانی هم مؤید این امر است. بنابراین خواسته موجه است. لذا به وارد دانستن شکایت شاکی و الزام دانشگاه به پرداخت کسورات از فوق‌العاده جذب و برقراری حقوق بازنشستگی توسط سازمان بازنشستگی کشوری با احتساب فوق‌العاده مذکور حکم صادر می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

ه: شعبه سیزدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۹۵۵۸۷ با موضوع دادخواست آقای سیدعباس طباطبایی مزرعنو به‌طرفیت، دانشگاه تهران و سازمان بازنشستگی کشوری به‌خواسته الزام خواندگان به صدور حکم بازنشستگی و پرداخت حقوق بازنشستگی بر اساس آیین‌نامه استخدامی اعضای غیرهیئت‌علمی به‌موجب دادنامه شماره ۱۳۰۰۴۱۸-۹۲۰۹۹۷۰۹۰۱۳۰۰۲۸-۱۳۹۲/۲/۲۸، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به اوراق پرونده و ملاحظه اظهارات شاکی و مستندات ابرازی از ناحیه وی و همچنین لوایح دفاعیه سازمان‌های مشتکی‌عنه از آنجا که به‌موجب بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه، قانون‌گذار به هیئت‌امناهای دانشگاه‌ها اجازه برقراری مجدد و پرداخت فوق‌العاده جذب کارکنان غیرهیئت‌علمی را اعطا کرده است، با توجه به مستندات ابرازی از آنجا که فوق‌العاده مذکور به شاکی پرداخت و از آن کسور بازنشستگی کسر شده، مقررات نامبرده مدیریت خدمات کشوری نافی این اجازه قانونی قانون‌گذار نبوده. لذا شکایت شاکی وارد تشخیص و به محاسبه و پرداخت

حقوق بازنشستگی شاکی بر اساس آیین نامه استخدام غیر هیئت علمی از جمله فوق العاده جذب که به طور مستمر بوده پرداخت و از آن کسور بازنشستگی کسر شده، حکم صادر و اعلام می‌دارد. رأی دیوان قطعی است.

و: شعبه دوم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۸۶۷۱۴ با موضوع دادخواست آقای حمیدرضا عباسی به طرفیت دانشگاه تهران و سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته الزام خواندگان به صدور حکم بازنشستگی و پرداخت حقوق بازنشستگی بر اساس آیین نامه استخدامی اعضای غیر هیئت علمی به موجب دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۲۰۲۸۶-۹۲۰۹۹۷۰۳/۲۶، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

خواسته شاکی به شرح دادخواست تقاضای الزام دانشگاه طرف شکایت به صدور حکم بازنشستگی بر اساس ماده ۷۷ آیین نامه استخدامی اعضای غیر هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهش و فناوری و الزام سازمان بازنشستگی به تأیید آن است. با بررسی اوراق و محتویات پرونده و ملاحظه لوایح جوابیه مشتکی عنهما ثبت شده، به شماره‌های ۱۳۹۱/۱۲/۱۲-۳۹۱۸ و ۱۳۹۲/۲/۸-۳۴۲ دفتر این شعبه، نظر به اینکه به موجب بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم مصوب ۱۳۸۴/۱۲/۲۷ دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی، فرهنگستان‌های تخصصی بر اساس آیین نامه‌ها، مقررات اداری، مالی، استخدامی و تشکیلات خاص هیئت امنای مربوطه که به تنفیذ وزرای علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حسب مورد می‌رسد بدون الزام به رعایت قانون محاسبات عمومی قانون استخدام کشوری و سایر قوانین و مقررات عمومی اداری، مالی و استخدامی اداره خواهند شد و مطابق بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنج ساله پنجم مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ با اضافه کردن (بدون الزام به رعایت قانون مدیریت خدمات کشوری و قانون برگزاری مناقصات) تنفیذ شده است و با توجه به اینکه ماده ۷۷ آیین نامه صدرالذکر مورد استناد شاکی مصوب هیئت امنای دانشگاه مشتکی عنه که با تأیید وزیر علوم، تحقیقات و فناوری طی شماره ۱۳۹۰/۱۲/۲۷-۱۵/۲۷۳۲۹۸-۱۵/۱۲/۲۷ ابلاغ و اجرای آن را از ۱۳۹۰/۱۲/۱ اعلام کرده است، مبنای تعیین حقوق بازنشستگی را میانگین کلیه حقوق و مزایای مستمر مشمول کسور بازنشستگی «حقوق رتبه و پایه، فوق العاده‌های شغل، جذب، ویژه، سختی کار مدیریت و تفاوت تطبیق» در دو سال پایان خدمت با اعمال ضرب حقوقی سال بازنشستگی مقرر داشته است. بنابراین خواسته موجه تشخیص و مستنداً به بندهای مادیتین مذکور قانون برنامه چهارم و پنجم و با رعایت ماده ۷ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ به وارد دانستن شکایت دایر بر الزام مشتکی عنه ردیف اول به صدور حکم بازنشستگی بر اساس ماده ۷۷ آیین نامه یاد شده و تکلیف سازمان بازنشستگی کشوری (مشتکی عنه ردیف دوم) به تأیید آن و صدور حکم بازنشستگی و برقراری حقوق بر مبنای آیین نامه مذکور در حق مشارالیه حکم صادر و اعلام می‌دارد. رأی دیوان قطعی است.

ز: شعبه سوم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۱۷۰۳ با موضوع دادخواست آقای محمدعلی غنی پور به طرفیت، دانشگاه تهران و سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته الزام خواندگان به صدور حکم بازنشستگی و پرداخت حقوق بازنشستگی بر اساس آیین نامه استخدامی اعضای غیر هیئت علمی، به موجب دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۰۸۸۳-۹۲۰۹۹۷۰۴/۱۰، مفاداً به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت کرده است:

با توجه به اوراق و محتویات پرونده و مضمون لایحه دانشگاه تهران، نظر به اینکه مطابق بند «الف» ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه و بند «ب» ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه دانشگاه‌ها از حیث مقررات اداری و

مالی بودن، الزام به تبعیت از قوانین دیگر تابع مصوبات هیئت‌امنای دانشگاه می‌باشند و هیئت‌امنای دانشگاه به شرح فوق، آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت‌علمی را تصویب و مشمول کسور بازنشستگی دانسته است. بنابراین به الزام خواندگان به کسر کسورات بازنشستگی بر اساس مقررات موضوعه مصوبه صدرالذکر و لحاظ آن در حقوق بازنشستگی حکم صادر و اعلام می‌دارد. رأی دیوان قطعی است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یادشده با حضور رؤساء، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث‌وبررسی، با اکثریت آراء، به شرح آینده به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیئت عمومی

۱- به موجب بند ب از ماده ۲۰ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مقرر شده است، دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستان‌هایی که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط هستند، بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی، به‌ویژه قانون محاسبات عمومی، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برگزاری مناقصات و اصلاحات و الحاقات بعدی آن‌ها و فقط در چارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و اداری - استخدامی - تشکیلاتی مصوب هیئت‌امنا که حسب مورد به تأیید وزرای علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و در مورد فرهنگستان‌ها به تأیید رئیس‌جمهور می‌رسد، عمل کنند.

۲- مطابق ماده ۷۷ آیین‌نامه استخدامی اعضای غیرهیئت‌علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فناوری مصوب هیئت‌امنای دانشگاه تهران که به تأیید وزیر علوم، تحقیقات و فناوری رسیده و به موجب شماره ۱۳۹۰/۱۲/۲۷-۱۵/۲۷۳۳۹۸ ابلاغ شده، مقرر شده است که مبنای تعیین حقوق بازنشستگی عضو مؤسسه، میانگین کلیه حقوق و مزایای مستمر مشمول کسور بازنشستگی (حقوق رتبه و پایه، فوق‌العاده‌های شغل، فوق‌العاده‌های جذب، فوق‌العاده ویژه، فوق‌العاده سختی کار، فوق‌العاده مدیریت و تفاوت تطبیق) در دو سال منتهی به پایان خدمت وی با اعمال ضریب حقوقی سال بازنشستگی است. با توجه به مراتب، اعضای غیرهیئت‌علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی پژوهشی و فناوری تابع مصوبات هیئت‌امنا هستند و قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی، از جمله قانون مدیریت خدمات کشوری بر وضعیت آنان حاکمیت ندارد و مصوبه هیئت‌امنا که به تأیید وزیر رسیده و در ماده ۷۷ مبنای تعیین حقوق بازنشستگی مشخص شده است، برای دانشگاه متبوع شکات پرونده‌های موضوع پرونده حاضر و صندوق بازنشستگی متبوع مستخدم موصوف الزامی است. از این رو آراء صادرشده به شرح مندرج در گردش کار صحیح تشخیص می‌شود و در اجرای ماده ۹۰ قانون تشکیلات و آیین‌دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، مفاد آراء مذکور با استدلال پیش‌گفته به‌عنوان رأی ایجاد رویه تصویب می‌شود. این رأی برای سایر شعب دیوان عدالت اداری، ادارات و اشخاص حقیقی و حقوقی مربوط لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

رأی شماره ۲۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری
با موضوع ابطال شق الف بند ۳ بخشنامه شماره ۴۱۴۱/۵/۲۰/۲۵-۱۳۸۵/۱۲/۱۴
معاونت بازنشستگی سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح
مصوب: ۱۳۹۴/۲/۶

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۴/۱/۱۷- شماره دادنامه: ۲۶- کلاس پرونده: ۱۳۰۰/۹۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکا: آقای سیاوش موسی رضایی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال شق الف بند ۳ بخشنامه شماره ۴۱۴۱/۵/۲۰/۲۵-۱۳۸۵/۱۲/۱۴
معاونت بازنشستگی سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح

گردش کار: آقای سیاوش موسی رضایی به موجب دادخواستی ابطال بخشنامه شماره ۴۱۴۱/۵/۲۰/۲۵-۱۳۸۵/۱۲/۱۴ معاونت بازنشستگی سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: احتراماً، به استحضار عالی می‌رساند:

۱- سازمان مورد شکایت طی بخشنامه‌ای به کلیه سازمان‌های زیر امر خود در استان‌ها، از جمله استان کرمانشاه، ابلاغ کرده که بازنشستگان نیروها جهت اخذ وام بستگان درجه اول خود مانند پدر، مادر، همسر و فرزندان می‌توانند ضمانت نمایند.

۲- برابر فیش حقوقی این جانب که فتوکپی مصدق آن تقدیم می‌شود و با علامت مشخص شده قید شده است که قابل توجه بانک‌ها، مؤسسات، فروشگاه‌ها و... در صورت اعطای هرگونه وام، تسهیلات فروش اعتباری یا ضمانت، با در نظر گرفتن اقساط فوق، از این برگه حقوق حداکثر ۵۹۴,۲۲۷ ریال قسط در هر ماه قابل کسر می‌باشد.

۳- وقتی اعتبار این جانب که کارمند علمی رتبه ۱۶ هم‌پایه با سرهنگ می‌باشم و ماهیانه نیز مبلغ پیش‌گفته در بند ۲ را از حقوقم می‌توان کسر کرد به منزله این است که این جانب برای خود یا افراد خانواده درجه یک و سایر اقوام و دوستان یا هر شخص حقیقی دیگری که صلاح بدانیم، ضمانت را می‌توانم به عهده بگیرم، زیرا گرفتن حقوق بازنشستگی و همچنین اعتبار این جانب تا مبلغ فوق در بند ۲ می‌باشد و می‌توانم حتی برای ده نفر، هرکدام به مبلغ ۱,۰۰۰,۰۵۰ ریال، ماهیانه، ضمانت نمایم و هیچ منع قانونی ندارد. زیرا طبق ماده ۶۸۴ قانون مدنی ضامن به معنی متعهد در عقد ضمان مسئول خسارت مالی و در فقه به معنای مسئول مدنی و جزایی است. زیرا ضامن مسئولیت وام‌گیرنده را به عهده دارد نه سازمان مربوطه. از طرفی سازمان فوق فقط به‌عنوان معرفی‌کننده کارکنان بازنشسته که چه مبلغی حقوق می‌گیرند، می‌تواند اظهار نظر نماید و در صورتی که وام‌گیرنده نتوانست مبلغ فوق را بپردازد، از حقوق ضامن وفق مقررات قانونی مبلغ اقساط از طرف سازمان کسر و به داین پرداخت می‌شود و با این عمل هیچ‌گونه لطمه‌ای به سازمان وارد نمی‌گردد. بلکه این ضامن است که مسئولیت وام‌گیرنده را به عهده دارد و سازمان فقط رابط بین ضامن و داین می‌باشد. از طرفی این جانب هیچ توقع غیرقانونی از سازمان مربوطه ندارم.

آن رونوشت یا تصویر برداشته شود.

۲- در نظر داشتیم که تأمین دلیل نمایم تا دیوان عدالت اداری متوجه شود، ولی متأسفانه مسؤولین سازمان اداره بیمه و بازنشستگی نیروهای مسلح کرمانشاه زیر بار نرفته و از هرگونه پاسخ کتبی به گزارش این جانب خودداری کرده و شفاهی پاسخ می‌دهند. اگر دیوان نیاز به بخشنامه دارد، می‌تواند مستقیماً از سازمان مرکزی (تهران) اخذ نماید که این جانب در ستون بهای خواسته دادخواست تقدیمی به آن اشاره کرده‌ام.

۳- با اصرار و مراجعات مکرر به سازمان مورد شکایت در کرمانشاه فقط اجازه دادند بخشنامه را مطالعه نمایم که متأسفانه در بخشنامه فوق به هیچ قانون یا آیین‌نامه اجرایی مصوب دولت که دارای شماره باشد اشاره نگردیده و این بخشنامه خارج از مقررات و حدود اختیارات سازمان مربوطه است و موافق هیچ قانونی نیست و بعضاً نقض آشکار اصل ۱۷۰ قانون اساسی بوده و فاقد وجاهت قانونی است و هر عمل حقوقی که مغایر قانون و مقررات باشد، باطل محسوب می‌گردد. با عرض مراتب فوق استدعا می‌شود نسبت به ابطال بخشنامه مورد شکایت اوامر عالی را ابلاغ فرمایند.

متن بخشنامه مورد اعتراض به قرار زیر است:

بدین وسیله روش اجرایی زیر به‌منظور صدور گواهی برای مشترکین صندوق‌های بازنشستگی نیروهای مسلح ابلاغ می‌گردد و نظارت بر حسن اجرای آن مورد تأکید می‌باشد:

۱- صدور گواهی با قید ایجاد تعهد پرداخت اقساط صرفاً برای بانک‌ها، مؤسسات مالی اعتباری معتبر و صندوق‌های قرض‌الحسنه دارای شماره ثبت انجام پذیرد.

۲- هریک از مشترکین صندوق‌های بازنشستگی نیروهای مسلح (بازنشستگان - وظیفه‌بگیران) که شخصاً متقاضی دریافت وام می‌باشند، رعایت تعداد گواهی صادرشده الزامی نمی‌باشد که پس از تکمیل فرم نمونه (۶) توسط متقاضی، فرم نمونه (۱) توسط اداره تکمیل و صادر می‌گردد.

۳- چنانچه هریک از بازنشستگان و وظیفه‌بگیران بخواهند ضمانت بازپرداخت اقساط وام اشخاص دیگر را بنمایند و متقاضی صدور گواهی می‌باشند، به شرح زیر اقدام شود:

الف: صرفاً به‌ازای هریک از منسوبین درجه ۱ (همسر - فرزندان - پدر - مادر) یک گواهی صادر شود همراه تکمیل فرم نمونه (۶) توسط متقاضی (مشترک صندوق) و تنظیم فرم نمونه (۲) توسط اداره.

ب: چنانچه قصد ضمانت یکی دیگر از مشترکین صندوق‌های بازنشستگی نیروهای مسلح را داشته باشند، در این رابطه نیز تنها یک گواهی صادر گردد (تکمیل فرم‌ها، همانند بند الف می‌باشد).

۴- در مورد مستمری‌بگیرانی که شخصاً متقاضی دریافت وام بوده و متقاضی صدور گواهی با ایجاد تعهد می‌باشند، فقط یک گواهی صادر گردد (با استفاده از فرم‌های نمونه ۶ و ۴) و چنانچه بخواهند ضمانت بازپرداخت اقساط وام اشخاص دیگر (صرفاً منسوبین درجه ۱ و دیگر مشترکین صندوق‌های بازنشستگی نیروهای مسلح) را بنمایند، فقط یک گواهی صادر شود (با استفاده از فرم‌های نمونه ۶ و ۵)

۵- صدور گواهی عام (بدون ایجاد تعهد) محدودیت نداشته و با استفاده از فرم نمونه ۳ نسبت به صدور آن اقدام شود.

۶- نکات حائز اهمیت:

الف: در تمامی مواردی که هریک از مشترکین صندوق‌های بازنشستگی نیروهای مسلح، اعم از بازنشستگان،

وظیفه‌بگیران (جانبازان و معلولان) و مستمری‌بگیران خواستار صدور گواهی با ایجاد تعهد می‌باشند، ضروری است که بدواً فرم نمونه ۶ را تکمیل و امضا نموده و تصویر فیش حقوقی خود را ضمیمه نمایند. ب: به موجب قانون مصوب مجلس شورای اسلامی، چنانچه اقساط وام‌های پرداختی توسط بانک مسکن به مشترکین صندوق‌های بازنشستگی به تعویق افتد، حسب مورد از حقوق بازنشستگی، وظیفه یا مستمری قابل برداشت می‌باشد. لذا به محض وصول ابلاغیه از شعب بانک مسکن، بدون تأخیر، نسبت به اجرای آن اقدام گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یادشده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء به شرح آینده، به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیئت عمومی

با عنایت به وظایف و اختیارات سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح به شرح مقرر در ماده ۷ اساسنامه سازمان مذکور موضوع تصویب‌نامه شماره ۷۹۳۷۵/ت ۳۹۹۸۵ هـ - ۱۳۸۸/۴/۲۰ هیئت وزیران و این که محدودیت مذکور در شق الف بند ۳ بخشنامه مورد شکایت در خصوص صدور یک گواهی با قید ایجاد تعهد پرداخت اقساط به‌ازای هریک از منسوبین درجه یک (همسر - فرزندان - پدر - مادر) فرد بازنشسته و وظیفه‌بگیر در محدوده وظایف و اختیارات مندرج در ماده ۷ اساسنامه یادشده نیست، بنابراین شق الف بند ۳ بخشنامه خارج از حدود اختیارات مرجع صادرکننده می‌باشد و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

سپرد و دوازدهمین جلسه هیئت واگذاری در خصوص واگذاری سهام یا منابع حاصل از فروش شرکت‌ها به صندوق حمایت و بازنشستگی کارکنان فولاد مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۱۵ وزارت امور اقتصادی و دارایی

سپردودوازدهمین جلسه هیئت واگذاری رأس ساعت- ۸ روز شنبه مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۵ در محل سالن جهاد اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی تشکیل و موارد زیر پس از بحث و بررسی مورد اتخاذ تصمیم قرار گرفت:

۱- تصویب نامه شماره ۱۶۰۵۲۹/ت/۵۲۴۸۱ هـ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۰۵ هیئت محترم وزیران در خصوص «واگذاری سهام یا منابع حاصل از فروش شرکت‌ها به صندوق حمایت و بازنشستگی کارکنان فولاد» مطرح و با عنایت به اینکه از مجموع ۱۲۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تکلیف دولت برای واگذاری سهام یا پرداخت از منابع حاصل از فروش سهام، مبلغ ۷/۲۶۸/۵۸۰/۹۴۵/۰۷۰ ریال باقی مانده است، واگذاری سهام شرکت‌های زیر:

- ۹۸.۲۸ درصد سهام شرکت «ماشین سازی تبریز» به مبلغ ۱۸,۴۶۸,۴۲۲,۶۵۱,۲ ریال به همراه املاک واقع در

منطقه «ال گلی» به مبلغ ۲,۲۶۸,۴۰۶,۰۰۰ ریال بر اساس مصوبه مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۱۶ هیئت واگذاری

- ۱.۱۶ درصد سهام شرکت «پتروشیمی جم» به مبلغ ۱,۱۱۳,۵۲۷,۹۸۰,۰۲۲ ریال

- ۴.۱۱ درصد سهام شرکت «سرمایه گذاری رنا» به مبلغ ۳۳۵,۲۲۴,۳۴۶,۴۰۰ ریال

به نحوی که سهام یادشده واگذار و منابع حاصل از آن در اجرای تصویب نامه فوق صرف تسویه بدهی تنخواه دریافت شده آن صندوق از خزانه کل گردد، به شرح جدول پیوست مورد موافقت قرار گرفت.

۲- نحوه قیمت واگذاری سهام شرکت‌های «پالایش نفت لاوان»، «قطارهای مسافری رجا» و «پالایش نفت بندرعباس» برای اجرای تصویب نامه شماره ۶۴۴۳۶/ت/۵۲۲۱۰ هـ مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۲۲ هیئت محترم وزیران در خصوص رفع اختلاف سازمان خصوصی سازی و سازمان تأمین اجتماعی به اطلاع اعضای هیئت رسید.

۳- موضوع انحلال شرکت‌های «پیراحقاری ایران»، خدمات ترابری و پشتیبانی نفت و خدمات مهندسی و تجهیزات صنعتی توربین جنوب زیرمجموعه شرکت ملی نفت ایران» مطرح و بر اساس توافق به عمل آمده فیما بین وزارت نفت و سازمان خصوصی سازی و به استناد بند (و) ماده (۱۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی با سیر مراحل انحلال شرکت‌های فوق موافقت گردید. (نمایندگان دستگاه ذی ربط آقایان: رحمتی، سید جعفری، مستری دوست، مهدی زاده و اسماعیلی)

۴- موضوع تجزیه شرکت «ملی حفاری ایران» مطرح و تصمیم گیری در این خصوص به جلسات آتی هیئت واگذاری موکول شد. (نمایندگان دستگاه ذی ربط آقایان: رحمتی، سید جعفری، مستری دوست، مهدی زاده و اسماعیلی)

۵- دستورالعمل «نحوه شناسایی، محاسبه و تأمین درآمدهای سازمان خصوصی سازی» اصلاحیه مورخ ۱۳۹۳/۰۸/۰۳ هیئت واگذاری مطرح و با الحاق متن زیر به انتهای بند (۱) مصوبه اصلاحی فوق موافقت شد:

کلیه قراردادهای واگذاری منعقد شده سال ۱۳۸۹ و پس از آن نیز به همین نحو مشمول شناسایی و محاسبه درآمد

نظارت بعد از واگذاری می‌باشند.

۶- اصلاح اساسنامه شرکت «مجتمع صنایع آلومینیوم جنوب با موضوع افزایش سرمایه» مطرح و پس از بحث و بررسی به استناد بند (۳) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی با اصلاح ماده (۵) اساسنامه شرکت مذکور با موضوع افزایش سرمایه به شرح جدول پیوست موافقت شد.

این تصویب‌نامه در اجرای قسمت اخیر ماده (۳۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی ابلاغ می‌گردد.

علی طیب نیا

رأی شماره ۳۴۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص بازنشستگی که بر اساس قانون بازنشستگی پیش از موعد دولت مصوب سال ۱۳۸۶ بازنشسته شده‌اند

بسمه تعالی

جناب آقای جاسبی

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۳۴۵ مورخ ۱۳۹۵/۵/۱۹ جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیر کل هیئت عمومی و سرپرست هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۵/۵/۱۹ - شماره دادنامه: ۳۴۵ - کلاس پرونده: ۵۶۲/۹۵

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای ناصر سلیمانی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض در آراء صادره از شعب ۹ و ۲۵ دیوان عدالت اداری

گردش کار: آقای ناصر سلیمانی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۲۰۰/۵۷۱۵۴/۲۱۱/۹۰۰۰ - ۱۳۹۲/۵/۱۲ ثبت حوزه ریاست دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که:

ریاست هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام:

احتراماً، درخواست ماده ۴۳ [۸۹] و تعارض آراء به استحضار می‌رساند، این جانب ناصر سلیمانی، جانباز بیست درصد (۲۰ درصد) کارمند بازنشسته سازمان تأمین اجتماعی استان اصفهان که طی دادنامه شماره ۲۵۶۴ و پرونده شماره ۱۳۹۱/۷/۲۹ - ۰۰۰۸۹۸۰۹۰۰۰۲۲۶۵ به موجب شعبه ۲۵ دیوان عدالت اداری رأی به ضرر بنده صادر گردیده، در صورتی که رأی آقای محسن بابائی که همکار بنده هستند و سوابق ایشان برابری می‌کند، جهت نامبرده رأی مثبت صادر گردیده. ضمناً شماره دادنامه ایشان ۱۸۷۴ - ۸۹۰۹۹۰۹۰۰۹۰۰۰۵۶۰۹۶ پرونده شماره ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۵۶۰۹۶ می‌باشد که نزد شعبه نهم دیوان می‌باشد. لذا خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به رسیدگی مجدد اقدام فرمایند.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۹ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۵۶۰۹۲ با موضوع دادخواست آقای

محسن آقابابائی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی تهران به خواسته عدم پرداخت مستمری بر اساس قانون نحوه

بازنشستگی جانبازان و مشاغل سخت و زیان‌آور و برقراری مستمری به موجب دادنامه شماره ۱۸۷۴ - ۸۹۰۹۹۷۰۹۰۰۰۰۱۸۷۴

به شرح ذیل به انشاء رأی مبادرت کرده است:

شاکی اجمالاً در دادخواست بیان داشته به موجب قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان بازنشسته و مستمری وی بر اساس معدل ۲ سال آخر خدمت محاسبه شده است در صورتی که ایشان جانباز ۲۵ درصد بوده و مستمری وی باید بر اساس ماده ۱۲ آیین نامه اجرایی تصویب نامه شماره ۱۳۸۶/۱۲/۲۷-ک-۳۸۴۳۴/ت/۲۱۳۱۹۱-۲۵ آیین نامه اجرایی قانون نحوه بازنشستگی در خصوص استفاده جانبازان و مشاغل سخت و زیان آور و ماده ۲۵ آیین نامه اجرایی قانون نحوه بازنشستگی جانبازان استانی سخت و زیان آور بر اساس آخرین حقوق دریافتی باشد، نماینده سازمان مشتکی عنه در جلسه اخذ توضیح مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۹ و لوائح ارائه شده در پاسخ بیان داشته، چون شاکی حسب درخواست کتبی ۱۳۸۸/۱۲/۱۲ تقاضای استفاده از قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت را نموده است و در سن ۴۴ سالگی بازنشسته شده، لذا نمی تواند از مزایای مقرر در ماده ۱۲ آیین نامه اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی... استفاده نماید. چراکه در زمان بازنشستگی شرایط لازم را جهت استفاده از قانون مزبور که حداقل دارا بودن پنجاه سال سن می باشد را نداشته و ادعای وی در این خصوص قابل رد است. علی هذا با توجه به مراتب فوق التوصیف و ملاحظه سوابق منعکس در پرونده نظر به این که مطابق ماده ۱۲ آیین نامه اجرایی قانون پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶/۶/۵ که تصریح نموده در خصوص مستخدمان شاغل در مشاغل سخت و زیان آور و جانبازان مقررات مربوط ملاک عمل بوده و مطابق ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و... مبنای محاسبه حقوق بازنشستگی آخرین دریافتی بر اساس آخرین حکم استخدامی می باشد. بنابراین شکایت شاکی در صورت احراز جانبازی وارد بوده و حکم بر الزام مشتکی عنه به برقراری مستمری بر اساس آخرین حکم کارگزینی صادر و اعلام می شود. رأی صادره وفق ماده ۷ قانون دیوان قطعی است.

ب: شعبه ۲۵ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۰۰۸۹۸۰۹۰۰۰۲۲۶۵ با موضوع دادخواست آقای ناصر سلیمانی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی استان اصفهان و به خواسته بازنشستگی بر اساس مقررات قانون نحوه بازنشستگی جانبازان و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور به موجب دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۵۰۲۵۶۴-۱۳۹۱/۷/۲۹ به شرح ذیل به انشاء رأی مبادرت کرده است:

نظر به این که شاکی بنا به درخواست خود به استناد قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب سال ۱۳۸۶ بازنشسته گردیده، لذا خواسته وی در حال حاضر جهت تغییر مستند قانونی بازنشستگی پیش از موعد به قانون نحوه بازنشستگی جانبازان و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور جواز قانونی ندارد و رد می گردد. رأی صادر شده قطعی است. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۱۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیئت عمومی

اولاً، تعارض در آراء محرز است.

ثانیاً، مطابق ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و

شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب سال ۱۳۶۷، کسانی که در اجرای این ماده واحد بازنشسته می شوند، در تعیین حقوق بازنشستگی آنان آخرین حقوق قبل از بازنشستگی مبنای محاسبه قرار می گیرد. نظر به این که شکات پرونده های موضوع تعارض بر اساس قانون پیش گفته بازنشسته نشده اند، بلکه به درخواست خود و بر اساس قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب سال ۱۳۸۶ بازنشسته شده اند در نتیجه تعیین مستمری بر اساس ماده واحد قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور برای آن ها توجیه قانونی ندارد و رأی شعبه بیست و پنجم دیوان صحیح و موافق مقررات تشخیص می شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد کاظم بهرامی

رأی شماره ۷۲۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری
با موضوع ابطال بخشنامه شماره ۱۹۷۲/د/۲۱۰ مورخ ۱۳۹۴/۵/۳
صندوق بازنشستگی کشوری

بسمه تعالی

جناب آقای جاسبی

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۷۲۰ مورخ ۱۳۹۵/۹/۲۳ با موضوع: «ابطال بخشنامه شماره ۱۹۷۲/د/۲۱۰ مورخ ۱۳۹۴/۵/۳ صندوق بازنشستگی کشور» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیئت عمومی و سرپرست هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۵/۹/۲۳ - شماره دادنامه: ۷۲۰ - کلاس پرونده: ۸۷۶/۹۴

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای مسعود هوشمند

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۱۹۷۲/د/۲۱۰-۱۳۹۴/۵/۳ صندوق بازنشستگی
کشوری

گردش کار: شاکي طی درخواستی که به شماره ۱۰۲۱-۱۳۹۴/۸/۳ ثبت دفتر اندیکاتور هیئت عمومی شده اعلام کرده است که:

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

ضمن عرض سلام:

احتراماً به استحضار می‌رساند: این جانب در مهلت مقرر قانونی (۱۳۹۴/۶/۴) ابلاغ حکم بازنشستگی به شماره ۴/۴۱۰۵۹-۱۳۹۴/۶/۴ را در راستای قانون بازنشستگی پیش از موعد مصوب ۱۳۸۶/۶/۵ و قانون تمدید آن در سال ۱۳۹۰ و بند (ج) تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور صادره توسط سازمان ثبت احوال کشور موضوع مواد ۵۲ و ۵۳ قانون محاسبات عمومی کشور بدون سنوات ارفاقی دریافت کرده‌ام، این ابلاغ طی شماره ۴۰۴۰-۴/۱۱/۴۸۰۴۰-۱۳۹۴/۶/۲۹ توسط مدیرکل محترم منابع انسانی و پشتیبانی سازمان ثبت احوال ابقاء شده است. به دریافت حکم موصوف برابر قانون بازنشستگی پیش از موعد، مصوب ۱۳۸۶/۶/۵ مجلس شورای اسلامی و قانون تمدید آن در سال ۱۳۹۰ که تا تاریخ ۱۳۹۴/۶/۵ دارای مهلت قانونی بوده است، به عمل آمده است. مدیرکل محترم ثبت احوال استان هرمزگان طی نامه ۱۴۶۶/۱/۳۵/۱۴-۱۳۹۴/۵/۳ به صندوق بازنشستگی اعلام می‌نماید که با توجه به درخواست این جانب به استناد بخشنامه

شماره ۵۰۹۶۰ - ۱۳۹۴/۴/۳ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موافقت آن سازمان را به این اداره کل اعلام نمایند، که متأسفانه صندوق بازنشستگی با علم و اطلاع کافی از این که موضوع بخشنامه فوق اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد است و با اطلاع از پایان یافتن تاریخ اعتبار قانون فوق در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۵، پنج روز بعد از اتمام مهلت قانونی، دقیقاً در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۱۰ مبادرت به پاسخ‌دادن می‌نماید و به این شرح پاسخ می‌دهد: ... با توجه به این که اجرای تصویب‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی که متضمن بار مالی برای دولت است... تا حصول نتیجه اجرای قانون مذکور امکان‌پذیر نمی‌باشد.

آن گونه که ملاحظه می‌گردد با بهانه‌ای که در متن نامه است، این بخشنامه از اجرای قانون امتناع و نهایتاً حقوق این جانب با ۲۶ سال و دو ماه سابقه مورد تضییع واقع شده است، خواهشمند است به موارد ذیل توجه به عمل آید:

۱- صدور ابلاغ بازنشستگی برای این جانب در مهلت قانونی یعنی ۱۳۹۴/۶/۴ توسط سازمان ثبت‌احوال کشور برابر قانون مورد اشاره.

۲- استعلام اداره کل ثبت‌احوال هرمزگان از صندوق بازنشستگی در مهلت قانونی به شماره ۱۴/۳۵/۱/۱۴۶۶۶- ۱۳۹۴/۵/۳۱

۳- ثبت نامه اداره کل ثبت‌احوال هرمزگان در دفتر صندوق بازنشستگی هرمزگان در مهلت قانونی مورخ ۱۳۹۴/۶/۲ تحت شماره ۹۲۴/۴۷

۴- ارسال جوابیه خارج از مهلت قانونی صندوق بازنشستگی هرمزگان به شماره ۹۳۴/۲۰۴ - ۱۳۹۴/۶/۱۰ به شرح موصوف و مغایرت آن با قانون بازنشستگی پیش از موعد و مغایرت آن با قانون اساسی در خصوص عدم اعتبار بخشنامه مغایر با قوانین، همچنین اصل ۴۰ قانون اساسی که اشعار می‌دارد، هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیلهٔ اضرار به غیر قرار دهد. کما آنکه این جانب حکم بازنشستگی دریافت نموده‌ام و عدم تأمین منابع مالی سازمانی نمی‌تواند بهانهٔ عدم اجرای قوانین باشد. علاوه بر آن، محل تأمین اعتبار بازنشستگی پیش از موعد در بند ج تبصره ۱۸ بودجه سال ۱۳۹۴ لحاظ شده است و بدهکاری صندوق ارتباطی با موضوع فوق نداشته و چنانچه بودجه‌ای هم در این خصوص از قبل در نظر گرفته نشده باشد، ارتباطی با بازنشستگان نداشته و مسؤلیت مدنی تأمین آن نیز بر عهدهٔ بازنشستگان نیست. علاوه بر آن، برابر قانون بازنشستگی پیش از موعد مصوب سال ۱۳۸۶ عده‌ای از بازنشستگان محترم با ارفاق ۵ سال سنوات بازنشسته شده‌اند و حال که قانون اجازه بازنشستگی بدون سنوات ارفاقی را داده است، آیا عادلانه است که بنده نتوانم بدون سنوات ارفاقی به حق قانونی خود برسم؟ علاوه بر این دستگاه متبوع من و این جانب حق سهم صندوق بازنشستگی را در ۲۶ سال و دو ماه سابقه اشتغالم را پرداخته و بدهکار صندوق نیستم، علی‌ایحال، با توجه به مراتب فوق، به لحاظ این که بخشنامه شماره ۲۱۰/د/۱۹۷۲ - ۱۳۹۴/۵/۳ صندوق بازنشستگی کشوری به جای این که اشاره به اجرای قانون فوق‌الذکر نماید، به اجرای بخشنامه ۵۰۹۶۰ - ۱۳۹۴/۴/۳ سازمان مدیریت اشاره کرده و گفته است اجرای تصویب‌نامه و بخشنامه که متضمن بار مالی برای دولت و صندوق‌های بازنشستگی مقدور نمی‌باشد، با زیرکی به جای اجرای قانون از اجرای بخشنامه صحبت کرده است. چون به‌خوبی می‌دانسته که بخشنامه نمی‌تواند ناقض قانون باشد و به اصل ۱۳۸ قانون اساسی اشراف داشته است.

اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد که در بند ج تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۴ تا سقف حداکثر پنج درصد صرفه‌جویی ناشی از کاهش نیروها که میزان آن به تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی می‌رسد که می‌بایستی از محل بودجه دستگاه اداری متبوع بازنشسته تأمین شود، مربوط به پاداش سنوات خدمتی و سایر طلب‌های مستخدم بازنشسته، نظیر مرخصی‌های استفاده‌نشده می‌باشد و سازمان ثبت‌احوال کشور با موافقت و صدور حکم بازنشستگی به شماره فوق، تلویحاً با تأمین آن نیز موافقت کرده است و ربطی به تعهدات صندوق بازنشستگی برای صدور حکم و پرداخت حقوق بازنشستگی ندارد.

کما این که سازمان ثبت‌احوال و این جانب هر دو سهم خود را به صندوق پرداخت کرده‌ایم، صندوق قانوناً و شرعاً موظف به برقراری حقوق می‌باشد؛ چه بازنشستگی پیش از موعد، در موعد یا بعد از موعد. و عنوان کردن بدهکاری صندوق و داشتن بار مالی بازنشستگان پیش از موعد تنها به خاطر فرار از تعهدات بوده است و هیچ‌گونه توجیه قانونی در آن متصور نیست.

با توضیحات موصوف و اسناد ضمیمه و مدارک و قوانین موجود من جمله بند ۹ اصل ۳ و اصل ۴۰ و اصل ۱۳۸ قانون اساسی و ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال بخشنامه ۲۱۰/د/۱۹۷۲-۱۳۹۴/۵/۳ صادر شده از رئیس محترم صندوق بازنشستگی کشوری به جهت مغایرت با قانون و احقاق حقوق حقه این جانب که در مهلت قانونی و برابر قانون بازنشسته شده‌ام مورد استدعا است

شاکی متعاقباً طی لایحه تکمیلی که به شماره ۱۲۳۰-۱۳۹۴/۹/۱ ثبت دفتر اندیکاتور هیئت عمومی شده، اعلام کرده است که:

ریاست محترم هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام:

احتراماً پیرو شکایت تقدیمی به شماره ۹۴۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۴۴۹ به شماره ۱ ارجاع گردیده است. اعلام می‌نمایم علاوه بر توضیحات مندرج نامه اصلی، در صفحه آخر که صندوق را قانوناً و شرعاً موظف به برقراری حقوق بازنشستگی دانسته‌ام، منظور از واژه شرعاً به دلیل آن آورده شده است که قوانین کشور اسلامی ما بر اساس شرع مقدس اسلام تدوین گردیده است و خواسته این جانب همان قانون اساسی و اصولی که ذکر شد. علاوه بر آن با اصل ۲۹ قانون اساسی و قانون عادی، مواد ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۱۰۰ و ۱۰۲ قانون استخدام کشوری همچنین با قانون بازنشستگی پیش از موعد دولت، مصوب ۱۳۸۶/۶/۵ و قانون تمدید آن و بند ج تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۴ و آیین‌نامه اجرایی قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۱۳۱۹۱ت۲۳۸۴۳۴ک-۱۳۸۶/۱۲/۲۷ که در آن اذعان شده، پرداخت مابه‌التفاوت حقوق بازنشستگی و کسور بازنشستگی مربوط به سنوات ارفاقی می‌باشد. بنابراین پرداخت مابه‌التفاوت‌ها و بار مالی بدون سنوات ارفاقی (مانند بند ج تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۴ در آن آیین‌نامه تصریح نشده، مغایر است. لذا استدعای رسیدگی و صدور حکم مقتضی برابر قانون عادلانه می‌باشم و شرعاً مورد نظر این جانب نمی‌باشد.)

متن بخشنامه مورد اعتراض به قرار زیر است:

کلیه معاونت‌ها- ادارات کل و مدیریت‌ها استانی صندوق

موضوع: بازنشستگی پیش از موعد سال ۱۳۹۴

سلام علیکم:

طبق بند (ج) تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور که مقرر گردیده است:

بازنشستگی پیش از موعد کلیه مشمولان قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶/۶/۵ و قانون تمدید آن در دستگاه‌های اجرایی دولتی با موافقت بالاترین مقام اجرایی دستگاه یا مقام مجاز موضوع مواد (۵۲) و (۵۳) قانون محاسبات عمومی کشور و بدون سنوات ارفاقی مجاز است اجرای این حکم از محل اعتبارات هزینه‌ای مصوب دستگاه‌ها تا سقف حداکثر پنج درصد (۵ درصد) با صرفه‌جویی ناشی از کاهش نیروها که میزان آن به تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور می‌رسد، قابل تأمین و پرداخت است. لذا با توجه به وضعیت خاص صندوق بازنشستگی کشوری و کسری اعتبار سه هزار میلیارد تومانی برای پرداخت حقوق بازنشستگان در سال ۱۳۹۴، از یک طرف و افزایش تعهدات صندوق بازنشستگی به لحاظ اجرای بازنشستگی‌های زودرس از طرف دیگر، اجرای مفاد بند مزبور بدون تأمین بار مالی مربوط فراهم نمی‌باشد. مضافاً این که در اجرای مواد ۲۸ و ۲۹ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۱۴، تصویب‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها در صورتی که متضمن بار مالی برای دولت و صندوق‌های بازنشستگی باشد، در صورتی قابل طرح و تصویب و اجراست که بار مالی ناشی از آن در گذشته محاسبه و در قانون بودجه کل کشور تأمین شده باشد. لذا صدور احکام بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت در سال جاری و اقدام برای اجرای بخشنامه شماره ۵۰۹۶۰-۱۳۹۴/۴/۳ معاون محترم رئیس‌جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور که تصویر آن پیوست می‌باشد صرفاً پس از تأمین اعتبار لازم از سوی دستگاه‌های اجرایی امکان‌پذیر خواهد بود. بنابراین مراتب برای تأمین بار مالی مربوط برای صندوق بازنشستگی کشوری به مراجع ذی‌ربط منعکس شده است که پس از حصول نتیجه جهت اقدام لازم متعاقباً به اطلاع خواهد رسید.

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیر کل امور حقوقی صندوق بازنشستگی کشوری به موجب لایحه شماره ۱۹۴۶۵/ص-۲۳۵

۱۳۹۴/۹/۲۵ توضیح داده است که:

دفتر هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام:

بازگشت به کلاسه پرونده ۸۷۶/۹۴-۱۳۹۴/۸/۲۴ متضمن دادخواست آقای مسعود هوشمند در مقام دفاع به استحضار می‌رساند: به طوری که عنایت دارند بازنشستگی پیش از موعد متضمن ایجاد بار مالی گزافی برای صندوق بازنشستگی می‌باشد. به همین جهت بند (ج) تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور که مقرر کرده است بازنشستگی پیش از موعد کلیه مشمولان قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶/۶/۵ و قانون تمدید آن در دستگاه‌های اجرایی دولتی با موافقت بالاترین مقام اجرایی دستگاه یا مقام مجاز موضوع مواد (۵۲) و (۵۳) قانون محاسبات عمومی کشور و بدون سنوات ارفاقی مجاز است اجرای این حکم از محل اعتبارات هزینه‌ای مصوب دستگاه‌ها تا سقف حداکثر پنج

درصد (۵ درصد) با صرفه‌جویی ناشی از کاهش نیروها که میزان آن به تأیید سازمان مدیریت برنامه‌ریزی کشور می‌رسد، قابل تأمین و پرداخت است.

بازنشستگی پیش از موعد موجب می‌شود علاوه بر وصول منابع (دریافت کسور بازنشستگی) به تناسب سنوات زودرس از موعد مقرر، صندوق مجبور به پرداخت حقوق بازنشستگی غیرقابل پیش‌بینی گردد.

از آنجا که در اجرای بخشنامه شماره ۵۰۹۶۰ - ۱۳۹۴/۴/۳ معاون محترم رئیس‌جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، عنوان کلیه دستگاه‌های مشمول قانون بازنشستگی پیش از موعد در خصوص اجرای قانون مزبور در سال جاری به موضوع تأمین بار مالی برای صندوق بازنشستگی کشوری اشاره نگردیده است و حال آنکه در بند قانونی یادشده این موضوع بالصراحت ذکر شده است و از طرفی به استناد مواد ۲۸ و ۲۹ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۱۴، ایجاد هرگونه تعهد بیمه‌ای که متضمن بار مالی برای دولت و صندوق بازنشستگی باشد، در صورتی قابل طرح و تصویب و اجراست که بار مالی ناشی از آن در گذشته محاسبه و در قانون بودجه کل کشور تأمین شده باشد، مراتب توسط معاونت محترم حقوقی رئیس‌جمهور مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته و به منظور اجرای حکم مقرر در قسمت اخیر بند (ج) تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور در راستای تأمین بار مالی ناشی از اجرای بند مزبور برای صندوق بازنشستگی کشوری و تأمین اجتماعی به میزان سنواتی که مشمولین واجد شرایط زودتر بازنشسته می‌شوند پیش‌نویس تصویب‌نامه‌ای تهیه و طی نامه شماره ۲۷۱۵۹/۴۵۳۸۱ - ۱۳۹۴/۸/۱۶ معاونت مزبور جهت طرح و تصویب به دولت ارسال کرده‌اند که هم‌اکنون در دستور کار دولت قرار دارد و به محض حصول نتیجه، در مورد آن عده از کارکنان دستگاه‌های اجرایی که تا تاریخ ۱۳۹۴/۶/۵ ابلاغ بازنشستگی آنان صادر شده است، تصمیم لازم اتخاذ خواهد گردید. به پیوست تصویب‌نامه مزبور، جهت مزید اطلاع ارسال می‌گردد. بنابراین و با عنایت به صراحت قانون در خصوص هزینه‌های اجرایی بازنشستگی پیش از موعد در سال جاری بر یادآوری مدیرعامل محترم صندوق طی نامه شماره ۲۱۰/د/۱۹۷۲ - ۱۳۹۴/۵/۳ عنوان واحدهای اجرایی صندوق به منظور پاسخگویی به دستگاه‌های اجرایی ایراد متصور نبوده و تقاضای رد دعوی مطروحه مورد استدعاست.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء، به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

رأی هیئت عمومی

با عنایت به این که مقنن در بند ج تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۴ و مواد ۲۸ و ۲۹ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۹۳، هیچ‌گونه اختیاری به صندوق بازنشستگی اعطاء نکرده تا از صدور احکام بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت ممانعت کند. بنابراین بخشنامه شماره ۲۱۰/د/۱۹۷۲ - ۱۳۹۴/۵/۳ مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری که صدور احکام بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت، صرفاً به تأمین اعتبار از سوی دستگاه اجرایی موکول کرده است، مغایر قانون بوده و از حدود اختیارات مرجع مصوب آن خارج است و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد کاظم بهرامی

۲۰۹۹ - ۱۳۹۳/۱۱/۱۴ حکم به رد شکایت شاکی صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱/۱۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء، به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیئت عمومی

اولاً، تعارض در آراء محرز است.

ثانیاً، مطابق ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب سال ۱۳۶۷، کسانی که در اجرای این ماده واحده بازنشسته می‌شوند در تعیین حقوق بازنشستگی آنان آخرین حقوق قبل از بازنشستگی مبنای محاسبه قرار می‌گیرد. نظر به این که حکم این ماده دلالت بر این معنی ندارد که حقوق بازنشستگی جانبازان در اثر بازنشستگی ناشی از سایر قوانین نیز باید مطابق این قانون تعیین شود و شکات پرونده‌های موضوع تعارض، مطابق حکم مقرر در ماده ۱۰۳ قانون مدیریت خدمات کشوری بازنشسته شده‌اند، موجبی وجود ندارد تا حقوق بازنشستگی آنان بر اساس ماده فوق‌الذکر و بر مبنای آخرین حقوق قبل از بازنشستگی محاسبه و تعیین شود. با توجه به مراتب، نتیجه رأی شعبه هشتم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۸۲۸۰۹۵۵۸۰۹۴۰۹۹۷۰۹۵۵۸۰ - ۱۳۹۴/۸/۳۰ مبنی بر رد شکایت صحیح و موافق مقررات تشخیص شد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد کاظم بهرامی

رأی شماره‌های ۴۶۸-۴۶۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع
ابطال بندهای ۱، ۲ و ۳ از بخشنامه شماره ۹۳۸۶/ص/۲۶۶ مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۲
سازمان بازنشستگی کشوری در خصوص پرداخت حق اشعه

بسمه تعالی

جناب آقای جاسبی

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۴۶۸-۴۶۷ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۷ با موضوع: «ابطال بندهای ۱، ۲ و ۳ از بخشنامه شماره ۹۳۸۶/ص/۲۶۶ مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۲ سازمان بازنشستگی کشوری در خصوص پرداخت حق اشعه» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.
مدیرکل هیئت عمومی و سرپرست هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری- مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۶/۵/۱۷- شماره دادنامه: ۴۶۸-۴۶۷- کلاس پرونده: ۹۴/۷۶۰- ۹۵/۱۵۸

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکای: آقای الف

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بندهای ۱، ۲، ۳ و ۴ از بخشنامه شماره ۹۳۸۶/ص/۲۶۶ -
۱۳۹۰/۶/۲۲ سرپرست مدیریت حقوقی سازمان بازنشستگی کشوری
گردش کار: شاکای به موجب دادخواست و لایحه تکمیلی ابطال بندهای ۱، ۲، ۳ و ۴ از بخشنامه شماره ۹۳۸۶/ص/۲۶۶ -
۱۳۹۰/۶/۲۲ سرپرست مدیریت حقوقی سازمان بازنشستگی کشوری را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

مقام محترم دفتر هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

آقای عشق‌آبادی

- ۱- بخشنامه شماره ۹۳۸۶/ص/۲۶۶ - ۱۳۹۰/۶/۲۲ در بندهای ۱، ۲، ۳ و ۴ مغایرت بر بند ۳ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوبه ۱۰/۱۲۵۳۵۴/د- ۱۳۸۶/۸/۲۰ تدوین شده مجلس شورای اسلامی است مسئله شاکای و شکایت شاکیان اشعه X در این مرجع قضایی مطرح است. تقاضای رسیدگی آن را دارم.
- ۲- تصاویر مصوبه موردنظر شکایت شاکای همان ابطال بخشنامه داخلی سازمان بازنشستگی کل کشوری به شماره ۹۳۸۶/ص/۲۶۶ - ۱۳۹۰/۶/۲۲ در بندهای ۱، ۲، ۳ و ۴ نگارش و تحریر شده آبتن توپی سرپرستی دفتر حقوقی خلاف قانون اشعه X بوده و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ تشکیلات آیین دادرسی مصوبه ۲۴۴/۲۲۱۸۸ - ۱۳۹۲/۴/۱۵ مجلس شورای اسلامی که در روزنامه رسمی کشور به شماره ۱۹۹۲۰- ۱۳۹۲/۵/۲ چاپ شده محرز

است (سایت دیوان عدالت اداری www.divan-edalat.ir)

۳- از قسمت حق اشعه X در تمام دوران بازنشستگی کل کشوری حق سرانه کسر کسورات در زمان شاغل بودن واریز شده محرز است باز هم بخشنامه داخلی شماره ۹۳۸۶/ص/۲۶۶ - ۱۳۹۰/۶/۲۲ در بندهای ۱، ۲، ۳ و ۴ سازمان متبوع در این هیئت عمومی دیوان مطرح است که ابطال و «کان لم یکن» آن را از مقام ریاست دیوان و تقاضای ابطال آن را دارم که مغایرت با قانون خدمات کشوری مجلس شورای اسلامی عملیاتی کرده‌اند تقاضای رسیدگی آن را دارم.

همچنین شاکی به موجب لایحه تکمیلی اعلام کرده است که:

احتراماً، عطف به نامه‌های ۹۰۰/۲۱۱/۲۱۸۶۲/۲۰۰ ۱۳۹۳/۳/۱۱ و ۱۳۹۳/۳/۱۱ و ۹۰۰/۲۱۱/۱۰۳۸۶۵ و ۱۳۹۴/۷/۵ و ۹۰۰/۲۱۱/۱۰۱۶۹۸ - ۱۳۹۴/۷/۱ مکاتبه شده و ابطال بخشنامه ۹۳۸۶/ص/۲۶۶ - ۱۳۹۰/۶/۲۲ در بندهای ۱، ۲، ۳ و ۴ در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره پرونده ۹۸۰۹۰۵۸۰۰۳۸۷ - ۹۸۰۹۰۵۸۰۰۳۸۷ به شماره رمز ۴۰۳۷۷ و شماره بایگانی ۹۴۰۷۱۱ طی فتوکپی تمام ضمایم پیوست به حضور جنابعالی جهت ارجاع مجدد به هیئت عمومی دیوان و ارائه طرح دعوی و اثبات ادله دعوی شاکیان اشعه X که مستمری است و صحت و سقم و سعه صدر احاله دادرسی تقدیم می‌گردد نظر به این که در خصوص موضوع اعلام تعارض و تناقض صورت گرفته برای مشتکی عنه و سازمان بازنشستگی کل کشوری در جریان قرارگرفتن موضوع حق اشعه X در تمام دوران بازنشستگی مستمری است و دادنامه شماره ۸۹۳ - ۱۳۸۶/۸/۲۸ در کلاسسه پرونده ۱۴۲/۸۵ - ۱۳۸۶/۸/۲۸ از سازمان بازنشستگی کل کشوری در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مطرح می‌گردد اگر اعتراض مشتکی عنه (بازنشستگی) صورت گرفت سازمان متبوع بلاثر غلط و خطاست و مختومه اعلام می‌شوند:

چون تخلف اداری از جانب رئیس اسبق سازمان بازنشستگی کل کشوری ایران‌دخت عطاریان صورت گرفته محرز است چون کار با اشعه X در تمام دوران سی سال خدمت در بازنشستگی کل کشوری مستمری است چون سازمان انرژی اتمی ایران بنا به آراء وحدت رویه‌های ۱۴۶۸ - ۱۴۶۷ - ۱۴۶۶ - ۱۳۸۶/۱۲/۱۲ - ۳۸ - ۱۳۹۲/۱/۲۶ و تصویب نامه دولت و هیئت وزیران به شماره ۱۸۱۶/ت/۱۹۹۶ هـ - ۱۳۷۸/۳/۱۷ برای دفاعیه استدلال از پرتوکاران اشعه X تکنولوژیست‌ها - رادیولوژیست‌ها و گروه ۱+۵ برجام دکترا فیزیک هسته‌ای آب‌سنگین اراک - نیروگاه فرودو و نیروگاه نطنز انجام وظیفه می‌کنند شامل می‌گردد دولت تدبیر و امید برای آن‌ها هم در آینده و آتی بازنشسته می‌گردند و دچار مشکلات عدیده در حق اشعه X در آتی به وجود خواهد آمد. که در مزایای مستمر و غیرمستمر حق سرانه کسر کسورات در زمان شاغل بودن واریز می‌کنند و به حساب صندوق رفاه بازنشستگی کل کشوری واریز می‌گردد محرز و درست و صحیح می‌باشند، جهت انعکاس به هیئت عمومی دیوان عدالت اداری طی آراء وحدت رویه ۸۹۳ - ۱۳۸۶/۸/۲۸ در کلاسسه پرونده ۱۴۲/۸۵ - ۱۳۸۶/۸/۲۸ تقدیم می‌گردد که قبلاً موضوع رسیدگی و مبادرت به صدور آراء وحدت رویه مرحله اول به شماره ۱۱۲ - ۱۳۸۵/۳/۷ و مرحله دوم ۲۸ - ۱۳۹۱/۱/۲۸ و مرحله سوم شماره ۹۰۵۸۰۰۳۸۷ - ۱۳۹۴/۷/۱۱ و شماره بایگانی ۹۴۰۷۱۱ و رمز پرونده ۴۰۳۷۷ در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری ارسال می‌گردد بدیهی است مراتب امر ابطال بخشنامه ۹۳۸۶/ص/۲۶۶ - ۱۳۹۰/۶/۲۲ در بندهای ۱، ۲، ۳ و ۴ در مارالذکر فوق‌الاشعار تقدیم می‌گردد تا در اسرع وقت ممکن در صدور رأی تصمیماتی اتخاذ گردد و

در جهت تحقق اهداف مورد نظر بر حکم مقرر به مقنن قانون گذار بر ماده ۶۸ بند سوم فصل دهم حقوق و مزایای قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۵۴/۱۰/۱۰ د - ۱۳۸۶/۸/۲۰ محرز و درست است. تهیه و تصویب شده مجلس شورای اسلامی در برابر اشعه X مصوبه ۱۳۸۶/۱/۲۰ به مدت ۲۶ سال و بنا به سر و سامان دادن حق اشعه X در دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشوری و سازمان بازنشستگی کل کشوری با حقوق و مزایای مستمر و غیرمستمر طی آراء وحدت رویه‌های ۱۴۶۸-۱۴۶۷-۱۴۶۶-۱۳۸۶/۱۲/۱۲ و ۳۸-۱۳۹۲/۱/۲۶ و تصویب‌نامه دولت و هیئت وزیران به شماره ۱۸۱۶/ت/۱۹۹۶ هـ- ۱۳۷۸/۳/۱۷ در طرف مشتکی عنه (بازنشستگی) در بخشنامه داخلی ۹۳۸۶/ص/۲۶۶-۱۳۹۰/۶/۲۲ در بندهای ۱، ۲، ۳ و ۴ به وجود آورده‌اند ایجاد رویه جدید در مرحله سوم طبق ماده ۹۰ قانون تشکیلات آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوبه ۱۳۸۸/۲۲/۲۴۴-۱۳۹۲/۴/۱۵ مجلس شورای اسلامی را خواستار بود و برای ارجاع دادنامه ۸۹۳-۱۳۸۶/۸/۲۸ در کلاس پرونده ۱۴۲/۸۵-۱۳۸۶/۸/۲۸ سازمان بازنشستگی کل کشوری به هیئت عمومی دیوان عودت داده می‌شود، بدیهی است مراتب امر تمام شکایت شاکیان اشعه X ماقبل از قانون مدیریت خدمات کشوری تا تاریخ حق اشعه X دریافت می‌داشتند آن را حذف، قطع- توقیف- قلع و قمع کرده‌اند و در پایان از همکاری و مساعدت در برابر عدالت و مساوات در امور محوله قضایی انجام وظیفه می‌کنند مؤید و موفق باشند.

متن بخشنامه مورد اعتراض به قرار زیر است:

مدیر کل محترم استان تهران

مدیر/ رئیس محترم نمایندگی

با توجه به دادخواست‌های واصله از سوی دیوان عدالت اداری در خصوص فوق‌العاده کار با اشعه و به‌منظور هماهنگی در پاسخگویی و همچنین خودداری از مکاتبات مکرر به اطلاع می‌رساند:

۱- دادخواست‌های متضمن درخواست برقراری حق اشعه برای بازنشستگان پیش از ۱۳۷۴: مجوز قانونی جهت اجابت این خواسته وجود ندارد و دیوان عدالت اداری (جز چند مورد معدود) تاکنون رأیی به نفع این دسته از بازنشستگان صادر ننموده است.

۲- دادخواست‌های متضمن درخواست برداشت کسور از حق اشعه و اعمال آن در حقوق بازنشستگی از ۱۳۷۴/۱/۱ (موضوع رأی هیئت عمومی شماره ۱۱۲): از آنجا که هیئت عمومی دیوان عدالت اداری طی دادنامه شماره ۱۱۲-۱۳۸۵/۳/۷ حق اشعه را همانند فوق‌العاده شغل، از مصادیق مزایای مستمر و مشمول پرداخت کسور بازنشستگی برشمرد و مقرر نموده تا از آن کسور بازنشستگی برداشت شود، لذا این فوق‌العاده در حق بازنشستگی افرادی که تاریخ بازنشستگی آن‌ها پس از ۱۳۷۴/۱/۱ می‌باشد، لحاظ می‌گردد.

۳- دادخواست‌های متضمن درخواست اصلاح حق اشعه بر مبنای حقوق و مزایای دریافتی (موضوع رأی هیئت عمومی شماره ۱۴۶۸-۱۴۶۶): هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به‌موجب دادنامه شماره ۱۴۶۸-۱۴۶۶-۱۳۸۶/۱۲/۱۲، حکم به اصلاح مبنای تعیین حق اشعه و لزوم پرداخت آن بر مبنای حقوق و مزایا داد. با استناد به ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری، تاریخ اجرای رأی هیئت عمومی و به تبع آن اصلاح مبنای فوق‌العاده کار با اشعه، تاریخ صدور

خاطر نشان می‌گردد. با وجود طرف شکایت قرار گرفتن این صندوق در شکایت مطروحه و عدم ابلاغ به این صندوق، شعبه ۴ دیوان عدالت اداری به‌طور یک‌جانبه اقدام به صدور دادنامه شماره ۲۵۲۵-۱۳۹۴/۱۰/۱۴ کرده است.

علی‌هذا حسب بررسی به‌عمل آمده نامبرده در رابطه با خواسته خود به دفعات در شعبه مختلف دیوان عدالت اداری طرح دعوی نموده و طبق دادنامه‌های صادره از شعب بدوی و تجدیدنظر شکایت وی رد گردیده است. مع‌هذا ایشان به‌طور پی‌درپی نیز مبادرت به ارسال نامه‌های شخصی می‌نماید (۳۷ فقره) و علی‌رغم آراء صادره از شعب بدوی و تجدیدنظر، به دلیل عدم توجه ایشان به متن دادنامه‌های مذکور و مکاتبات به‌عمل آمده و تکرار پی‌درپی خواسته خود و الزام این صندوق به پاسخگویی به وی نتیجه‌ای جز صرف وقت اضافی که قاعدتاً اختصاص به چند نفر ندارد و استهلاک ذهنی و خستگی کارشناسان این صندوق ندارد. این قبیل مکاتبات رو به ازدیاد نهاده و علی‌رغم پاسخگویی‌های قانونی صندوق، متأسفانه همچنان شاهد وصول مکاتبات تکراری می‌باشیم. علی‌ایحال خلاصه‌ای مختصر از شرح وضعیت نامبرده اعلام می‌دارد:

۱- اطلاعات سیستم احکام بازنشستگان حاکی است که نامبرده با ۳۰ سال سابقه خدمت و مدرک تحصیلی فوق‌دیپلم و گروه شغلی ۱۲ و پست سازمان کاردان رادیولوژی به استناد بند ۲ ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی حوادث ناشی از کار مصوب ۱۳۶۷/۹/۱ در تاریخ ۱۳۸۲/۱/۱۵ بازنشسته شده و حقوق بازنشستگی ایشان در اجرای ماده ۶ قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان مصوب ۱۳۷۲/۲/۱۳ بر اساس میانگین حقوق و فوق‌العاده‌های مشمول برداشت کسور بازنشستگی در دو سال آخر خدمت (از جمله فوق‌العاده کار با اشعه) با ضریب حقوق سال بازنشستگی مورد محاسبه قرار گرفته است.

۲- حقوق بازنشستگی مشارالیه در تاریخ ۱۳۸۶/۷/۸ در اجرای ماده ۱۰۹ قانون مدیریت خدمات کشوری بر اساس امتیاز گروه شغلی ۱۲ مورد محاسبه مجدد واقع شده است و حکم اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری صادر و حقوق بازنشستگی وی افزایش یافته است.

۳- با اجرای فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری در تاریخ ۱۳۸۷/۱/۱، ضوابط و مقررات پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان شاغل در دستگاه‌های مشمول قانون موصوف تغییر اساسی یافته و مؤلفه‌های مشمول برداشت کسور بازنشستگی و مؤثر در تعیین حقوق بازنشستگی و وظیفه هم تغییر یافته است. در ماده ۶۸ قانون مزبور فوق‌العاده‌های قابل پرداخت به کارکنان شاغل در ۱۰ بند احصاء شده است و اساساً فوق‌العاده‌ای با نام فوق‌العاده کار با اشعه مشاهده نمی‌شود. در بند ۳ ماده ۶۸ مذکور به کارکنان شاغل دستگاه‌های اجرایی در رابطه با اشعه صرفاً فوق‌العاده سختی کار از تاریخ مذکور پرداخت می‌گردد. مضافاً با عنایت به ماده ۱۲۷ قانون مزبور مبنی بر لغو مقررات مغایر، اساساً از ابتدای سال ۱۳۸۸ دیگر فوق‌العاده‌ای تحت نام فوق‌العاده کار با اشعه موضوع بند ۴ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۰، قابلیت پرداخت نداشته است. از آنجا که شاکی در تاریخ ۱۳۸۵/۱/۱۵ بازنشسته و اصولاً در سال ۱۳۸۸ (اجرای فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری) شاغل نبوده، لذا تغییراتی که در نظام حقوق و دستمزد کارکنان شاغل با اجرای فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری در سال ۱۳۸۸ ایجاد شده، مربوط به کارکنان شاغل از تاریخ مذکور بوده و اساساً تأثیری در وضعیت حقوقی ایشان نداشته و طرح چنین شکایتی سالبه به انتفاء موضوع است. لذا با توجه به این که نامبرده قبل از اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری بازنشسته گردیده، از شمول بند ۳ ماده ۶۸ خارج می‌باشد، علی‌هذا با عنایت به مراتب فوق رد دعوی مورد استدعاست. ضمناً در صورت

هرگونه ابهام این صندوق آمادگی دارد، نماینده مطلع خود را جهت ارائه توضیحات معرفی نماید. در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، پرونده در هیئت تخصصی اداری، استخدای دیوان عدالت اداری مطرح شد و این هیئت در خصوص خواسته شاکی مبنی بر ابطال بند ۴ بخشنامه مورد اعتراض به موجب دادنامه شماره ۶۲ - ۱۳۹۵/۳/۳۱ با استناد به بند ب ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ رأی به رد شکایت شاکی صادر کرده است. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافته است. پرونده در خصوص رسیدگی به بندهای ۱، ۲ و ۳ از بخشنامه شماره ۹۳۸۶/ص/۲۶۶ - ۱۳۹۰/۶/۲۲ سرپرست مدیریت حقوقی سازمان بازنشستگی کشوری در دستور کار هیئت عمومی قرار گرفت. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۷۵/۵/۱۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیئت عمومی

نظر به این که قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب سال ۱۳۶۸، با لحاظ ماده ۲ قانون مدنی، از همان سال ۱۳۶۸ قابل اجرا بوده است، بنابراین بندهای ۳ و ۲ و ۱ از بخشنامه شماره ۹۳۸۶/ص/۲۶۶ - ۱۳۹۰/۶/۲۲ سرپرست مدیریت حقوقی سازمان بازنشستگی کشوری در تعیین تاریخ‌هایی غیر از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون مذکور برای اجرای مفاد آن، مغایر قانون حفاظت در برابر اشعه است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد کاظم بهرامی

**رأی شماره ۶۲۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع
ابطال تصویب نامه در خصوص پرداخت تفاوت تطبیق حقوق ثابت و فوق العاده های
مشمول کسور بازنشستگی کارمندان رسمی و پیمانی مأمور در دستگاه اجرایی (مقصد)
به شماره ۳۱۶۲۹/ت/۴۷۸۸۲ هـ مورخ ۱۳۹۱/۲/۲۰ هیئت وزیران
مصوب ۱۳۹۶/۷/۴ - شماره هـ ۵۰۳/۹۵ - ۱۳۹۶/۷/۱۹**

بسمه تعالی

جناب آقای جاسبی مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۶۲۵ مورخ ۱۳۹۶/۷/۴ با موضوع:
ابطال تصویب نامه شماره ۳۱۶۲۹/ت/۴۷۸۸۲ هـ - ۱۳۹۱/۲/۲۰ هیئت وزیران به لحاظ مغایرت با قانون و خروج از حدود
اختیارات مرجع تصویب جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیرکل هیئت عمومی و هیئت های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۶/۷/۴ - شماره دادنامه: ۶۲۵ - کلاس پرونده: ۵۰۳/۹۵

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای رحمان اصفهانی

**موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۳۱۶۲۹/ت/۴۷۸۸۲ هـ - ۱۳۹۱/۲/۲۰
هیئت وزیران**

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بخشنامه شماره ۳۱۶۲۹/ت/۴۷۸۸۲ هـ - ۱۳۹۱/۲/۲۰ هیئت وزیران را
خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

طی مفاد بخشنامه فوق الذکر در صورتی که حقوق ثابت و فوق العاده های مشمول کسور بازنشستگی کارمندان رسمی
و پیمانی مأمور در دستگاه اجرایی مقصد کاهش یابد، مبلغی به عنوان تفاوت تطبیق با رعایت بند «ز» ماده ۵۰ قانون
برنامه پنج ساله پنجم توسعه، تا میزان دریافتی آنان در دستگاه اجرایی (مبدأ)، توسط دستگاه اجرایی (مقصد) پرداخت و
این تفاوت تطبیق در محاسبه حقوق بازنشستگی یا وظیفه منظور می گردد. مفاد این بخشنامه با دلایل ذکر شده در ادامه
مغایر قانون می باشد:

۱- مطابق ماده ۷۸ قانون مدیریت خدمات کشوری در دستگاه های مشمول این قانون کلیه بمانی پرداخت خارج از
ضوابط و مقررات این فصل به استثناء پرداخت های قانونی که در زمان بازنشسته شدن یا از کارافتادگی یا فوت پرداخت
می گردد و همچنین برنامه کمک های رفاهی که به عنوان یارانه مستقیم در ازای خدماتی نظیر سرویس رفت و آمد،
سلف سرویس، مهد کودک یا سایر موارد پرداخت می گردد، با اجرای این قانون لغو می گردد. لذا از آنجا که هیئت

- وزیران مبلغی تحت عنوان تفاوت تطبیق را طبق شرایط مندرج در بخشنامه فوق‌الذکر و خارج از ضوابط فصل دهم و ماده ۷۸ قانون مدیریت خدمات کشوری وضع نموده مغایر قانون است.
- ۲- مطابق بند ح ماده ۵۰ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه که مقرر می‌دارد: «هرگونه پرداخت خارج از مقررات فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری ممنوع است مگر در مورد فوق‌العاده خاص شرکت‌های دولتی و بانک‌ها و بیمه‌های مشمول ماده ۴ و قسمت اخیر ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری که طبق دستورالعمل مصوب کارگروهی مرکب از معاونت، معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور و بالاترین مقام دستگاه متقاضی، اقدام می‌شود.» تفاوت تطبیق مذکور در بخشنامه مورد اشاره مغایر این بند قانون می‌باشد.
- ۳- اصولاً مطابق تبصره ماده ۷۸ قانون مدیریت خدمات کشوری: «در صورتی که با اجرای این فصل، حقوق ثابت و فوق‌العاده‌های مشمول کسور بازنشستگی هریک از کارمندان که به‌موجب قوانین و مقررات قبلی دریافت می‌نمودند کاهش یابد، تا میزان دریافتی قبلی، تفاوت تطبیق دریافت خواهند نمود و ...» همان‌گونه که مشخص است مبلغ تفاوت تطبیق در هنگام اجرا فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری و صرفاً با تطبیق حقوق و مزایا با ضوابط این فصل قابل برقراری می‌باشد. لیکن هیئت وزیران فراتر از حکم مقرر در این تبصره قانونی، تفاوت تطبیق را برای کاهش حقوق و مزایای مشمول کسور افراد مأمور در دستگاه مقصد نیز تعیین نموده است که مغایر قانون می‌باشد. از طرفی دیگر حقوق و فوق‌العاده‌های فرد مأمور هیچ‌گونه تطبیق (با مقررات خاص) نخواهد یافت که لازمه آن پرداخت تفاوت تطبیق باشد.
- ۴- مطابق مفاد بند الف ماده ۵۰ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه: «هیئت وزیران به‌عنوان مرجع تصویب افزایش سالانه ضریب حقوق کارکنان مشمول و غیرمشمول قانون مدیریت خدمات کشوری و تصویب افزایش جداول و امتیازات و میزان فوق‌العاده‌های موضوع فصل دهم قانون مذکور، از جمله تسری فوق‌العاده ایثارگری در مورد فرزندان شهدا، حداکثر تا ۵۰ درصد و تعیین عیدی و پاداش شش‌ماهه فقط برای کارکنانی که به تشخیص دستگاه مربوط خدمات برجسته انجام داده‌اند و تعیین موارد و سقف کمک‌های رفاهی مستقیم و غیرمستقیم با رعایت ماده ۱۲ قانون مدیریت خدمات کشوری تعیین می‌گردد. مصوبات هیئت وزیران، شورای حقوق و دستمزد و شورای توسعه مدیریت در سقف اعتبارات مصوب مندرج در بودجه‌های سنواتی است.» تعیین تفاوت تطبیق مذکور در بخشنامه مورد اعتراض، مغایر اختیارات و صلاحیت‌های هیئت وزیران طبق مفاد این بند و سایر مقررات مربوطه است.
- ۵- مأموریت یک فرد از یک دستگاه به دستگاه دیگر طبیعتاً مستلزم تغییر پست و عنوان شغلی کارمند است و از این رو مطابق ضوابط فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری، حقوق و فوق‌العاده‌های پرداختی به فرد در دستگاه مقصد باید متناسب با شرایط شغل (در دستگاه جدید) باشد و به‌عنوان مثال ممکن است شغل یک فرد از یک شغل مدیریتی (مشمول دریافت حق مدیریت) به یک شغل غیرمدیریتی تغییر یابد و سایر فوق‌العاده‌های مشمول کسور همچون سختی کار، ویژه و... مطابق با شغل جدید دستخوش کاهش یا افزایش شود، لذا جبران این کاهش تحت عنوان تفاوت تطبیق که لازمه برخی تغییر مشاغل می‌باشد، غیرمنطقی و خارج از مفاد فصل

دهم برای تعیین حقوق و فوق‌العاده‌های فرد بر اساس ویژگی‌های شغل (و شاغل) و ... می‌باشد. لذا تقاضای لغو بخشنامه را دارم.

متن بخشنامه مورد اعتراض به قرار زیر است:

معاونت توسعه مدیریت و سرمایه‌انسانی رئیس‌جمهور
هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۲/۳ بنا به پیشنهاد معاونت توسعه مدیریت و سرمایه‌انسانی رئیس‌جمهور و به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود:

در صورتی که حقوق ثابت و فوق‌العاده‌های مشمول کسور بازنشستگی کارمندان رسمی و پیمانی مأمور در دستگاه اجرایی (مقصد) کاهش یابد، مبلغی به‌عنوان تفاوت تطبیق با رعایت بند «ز» ماده (۵۰) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹، تا میزان دریافتی آنان در دستگاه اجرایی (مبدأ)، توسط دستگاه اجرایی (مقصد) پرداخت و این تفاوت تطبیق در محاسبه حقوق بازنشستگی یا وظیفه منظور می‌شود. -

معاون اول رئیس‌جمهور

طرف شکایت علیرغم ارسال و ابلاغ نسخه دوم دادخواست و ضمایم تا زمان رسیدگی به پرونده هیچ‌گونه پاسخی ارسال نکرده است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۴ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیئت عمومی

بر اساس تبصره ماده ۷۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مقرر شده است: «در صورتی که با اجرای این فصل [دهم] حقوق ثابت و فوق‌العاده‌های مشمول کسر بازنشستگی هریک از کارمندان که به‌موجب قوانین و مقررات قبلی دریافت می‌نمودند کاهش یابد، تا میزان دریافتی قبلی، تفاوت تطبیق دریافت خواهند نمود.» نظر به اینکه تفاوت تطبیق صرفاً در صورت کاهش حقوق ناشی از اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری تجویز شده و بعد از اجرای این قانون پیش‌بینی تفاوت تطبیق جداگانه فراتر از تبصره مذکور بوده و با آن مغایرت دارد و با ملاحظه اینکه در بند الف ماده ۵۰ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران حدود اختیارات قانونی هیئت وزیران مبنی بر افزایش سالانه ضریب حقوق و میزان فوق‌العاده‌های مذکور در فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری تعیین شده است، تعیین تفاوت تطبیق در صورت کاهش حقوق ناشی از مأموریت در تصویب‌نامه شماره ۳۱۶۲۹/ت/۴۷۸۸۲ هـ - ۱۳۹۱/۲/۲۰ هیئت وزیران، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد کاظم بهرامی

رأی شماره‌های ۶۹۵ الی ۶۹۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع تعارض در آراء شعب دیوان در خصوص نحوه برقراری مستمری بازنشستگی ناشی از اشتغال کارمندان دولت در مشاغل سخت و زیان آور و تأیید آراء شعب ۱۲ و ۱۶ دیوان عدالت اداری

بسمه تعالی

جناب آقای جاسبی

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۶۹۵ الی ۶۹۹ مورخ ۱۳۹۶/۷/۲۵ جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیر کل هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری- مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۶/۷/۲۵ شماره دادنامه: ۶۹۵ الی ۶۹۹

کلاس پرونده: ۹۶/۹۹۰، ۹۶/۹۸۶، ۹۶/۹۹۳، ۹۶/۹۸۴، ۹۶/۹۸۵

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام‌کننده تعارض: آقایان

موضوع خواسته: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: در خصوص برقراری مستمری بازنشستگی ناشی از اشتغال کارمندان دولت در مشاغل سخت و زیان آور شعب دیوان عدالت اداری آراء معارض صادر کرده‌اند.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۱۶ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰۷۲۸۹۴ با موضوع دادخواست آقای

الف به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی تهران به خواسته صدور حکم بازنشستگی پیش از موعد به جهت اشتغال

در مشاغل سخت و زیان آور به موجب دادنامه شماره ۱۶۰۰۶۰۳-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۱۳۹۱/۳/۹ به شرح زیر به صدور

رأی مبادرت کرده است:

با عنایت به این که طبق ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره

ماده ۷۹ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق ۲ تبصره به ماده ۷۶ مصوب ۱۳۷۱ و نیز آیین‌نامه اجرایی

آن مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۲۶ هیئت وزیران مجموع شرایط بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان آور را چنین بیان

داشته که شغل بیمه‌شده در کمیته استانی موضوع ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی به‌عنوان شغل سخت و زیان آور تأیید

شود که در مانحن‌فیه تأیید شده است و ایراد مشتکی عنه به کارمندیون شاکی صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا شغل

نامبرده کارگر است و از طرفی بیمه شده ۲۰ سال متوالی یا ۲۵ سال متناوب سابقه اشتغال در مشاغل سخت و زیان آور داشته باشد که حسب بررسی و سوابق بیمه‌ای شاکی شرایط لازم را جهت بازنشستگی پیش از موعد را داراست. لذا حکم به ورود شکایت وی صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره مستنداً به ماده ۷ قانون دیوان عدالت اداری قطعی است.

ب: شعبه ۱۶ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۱۸۹/۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰۵ با موضوع دادخواست آقای ب به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی تهران به خواسته رسیدگی به درخواست قانون بازنشستگی پیش از موعد به موجب دادنامه شماره ۱۶۰۳۶۱۸/۹۰۰۹۹۷۰۹۰۱۶۰۳۶۱۸ - ۱۳۹۰/۱۲/۲۳ به شرح زیر، به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به این که شغل شاکی از مشاغل سخت و زیان آور شناخته شده است و صرف داشتن حکم کارگزینی کارمندی دلیلی بر کارمندبودن شاکی نمی‌باشد، خصوصاً این که مطابق بند ۷ بخشنامه شماره ۵ کارهای سخت و زیان آور (کار مداوم بر روی خطوط و پست‌های انتقال برق با فشار شصت و سه کیلو ولت و بالاتر سخت و زیان آور شناخته شده و مطابق نظر کارشناسان شغل مسئول عملیات با توجه به شرح وظایف جزء کارهای سخت و زیان آور شناخته شده است. شعبه با توجه به مراتب فوق حکم به ورود شکایت و بازنشستگی شاکی بر اساس مشاغل سخت و زیان آور صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره مستنداً به ماده ۷ قانون دیوان عدالت اداری قطعی است.

ج: شعبه ۲۵ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۳۴۳۵۰/۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۴۳۵۰ با موضوع دادخواست آقای ج به طرفیت اداره کل تأمین اجتماعی تهران به خواسته برقراری مستمری بازنشستگی به اعتبار اشتغال در مشاغل سخت و زیان آور به موجب دادنامه شماره ۱۲۰۳۰۲۵۰۳۰۱۲/۹۰۰۹۹۷۰۹۰۲۵۰۳۰۱۲ - ۱۳۹۰/۱۱/۲۹ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است: نظر به این که سخت و زیان آور بودن شغل شاکی مورد تأیید کمیته تشخیص مشاغل سخت و زیان آور استان تهران در جلسه مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۲۶ قرار گرفته و مشارالیه دارای بیست سال متوالی سابقه پرداخت حق بیمه در مشاغل سخت و زیان آور می‌باشد. لذا خواسته وی موجه تشخیص و حکم به الزام مشتکی‌عنه نسبت به برقراری مستمری بازنشستگی وی به اعتبار اشتغال در مشاغل سخت و زیان آور صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادر شده قطعی است.

د: شعبه ۱۵ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۴۵۵/۸۷/۱۵ با موضوع دادخواست آقای پ به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به خواسته صدور حکم بازنشستگی پیش از موعد به سبب اشتغال در مشاغل سخت و زیان آور به موجب دادنامه شماره ۹۲۵ - ۱۳۸۸/۶/۱۷ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است: با توجه به این که نامبرده شرایط مندرج در قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی را داشته و عدم وصول پاسخ اعتراض از ناحیه تأمین اجتماعی نافی حقوق خوانده نبوده و با توجه به این که اداره خوانده دلیلی بر عدم استحقاق خوانده ارائه ننموده لذا خواسته خواهان وارد تشخیص و حکم به ورود دعوی در اجرای مواد ۱ و ۷ و ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری صادر و اعلام می‌گردد. این رأی قطعی است.

ه: شعبه ۱۶ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۲۹۸۹۲/۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰۲۹۸۹۲ با موضوع دادخواست آقای د به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی آذربایجان غربی به خواسته اعتراض به حکم بازنشستگی عادی و الزام به صدور حکم بر اساس مشاغل سخت و زیان آور به موجب دادنامه شماره ۵۰۱۶۰۰۰۵۰/۹۲۰۹۹۷۰۹۰۱۶۰۰۰۵۰ - ۱۳۹۲/۱/۱۹ به شرح

شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

راجع به شکایت آقای ح به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی شعبه ۴ به خواسته الزام طرف شکایت به صدور حکم و برقراری مستمری بازنشستگی بر اساس مشاغل سخت و زیان آور به شرح دادخواست تقدیمی با عنایت به این که شغل نامبرده بر اساس قوانین و مقررات به تأیید شورای اداری و استخدامی نرسیده است. لذا قرار رد شکایت مشارالیه صادر و اعلام می‌نماید. این رأی به استناد ماده ۷ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵/۹/۲۵ قطعی است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۷۶/۷/۲۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیئت عمومی

اولاً، تعارض در آراء محرز است.

ثانیاً، مطابق مواد ۷، ۸ و ۱۳ از آیین‌نامه اجرایی بند ۵ جزء «ب» ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی به ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۲۲ هیئت وزیران و ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان و مشاغل سخت و زیان آور مصوب ۱۳۶۷/۹/۱ و اصلاحیه ۱۳۸۳/۲/۲۱ و ۱۳۸۷/۲/۱۵، کمیته تشخیص و تطبیق مشاغل سخت و زیان آور صرفاً نسبت به شکایت افراد تحت شمول قانون کار که ذی‌حق به بازنشستگی بر اساس مقررات خاص مربوطه و برخوردار از امتیازات آن بوده صلاحیت رسیدگی دارد و افرادی که با مشخصات شغلی آنان در حکم کارگزینی به‌عنوان کارمند دولت باشند کارگر تلقی نمی‌شوند و شکایت آنان در صورت سخت و زیان‌آور بودن شغل آن‌ها در شورای اداری و استخدامی قابلیت طرح و رسیدگی دارد. در نتیجه آراء شعب ۱۲ و ۱۶ دیوان عدالت اداری به شرح مندرج در گردش کار مبنی بر رد شکایت در حدی که متضمن این معناست صحیح و موافق مقررات تشخیص می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد کاظم بهرامی

**رأی شماره ۷۴۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری
با موضوع ابطال تبصره ۱ بند ۵ آیین نامه اجرایی قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب
اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور
مصوب سال ۱۳۶۸**

بسمه تعالی

جناب آقای جاسبی

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۷۴۵ مورخ ۱۳۹۶/۸/۹ با موضوع: ابطال تبصره ۱ بند ۵ آیین نامه اجرایی قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب سال ۱۳۶۸ جهت درج در روزنامه رسمی، به پیوست ارسال می گردد. مدیر کل هیئت عمومی و هیئت های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۶/۸/۹ - شماره دادنامه: ۷۴۵

کلاس پرونده: ۹۵/۱۳۴۶

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای الف

**موضوع شکایت و خواسته: ابطال تبصره ۱ بند ۵ مصوبه شماره ۴۵۶۶۴/ت/۴۵۲ - ۱۳۶۸/۵/۳۰ هیئت وزیران
گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال تبصره ۱ بند ۵ مصوبه شماره ۴۵۶۶۴/ت/۴۵۲ - ۱۳۶۸/۵/۳۰ هیئت وزیران
را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:**

با تقدیم احترام به استحضار می رساند: تبصره ۳ قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب ۱۳۶۷/۹/۱ مقرر داشته است: «شاغلین مشاغل سخت و زیان آور که وظایف مربوط به شغل آنان باعث بروز ناراحتی های جسمی و روحی می گردد، می توانند با داشتن حداقل بیست سال خدمت بر اساس درخواست کتبی خود با حداکثر ۵ سال ارفاق بازنشسته شوند. شروط مدنظر قانون گذار، برای استفاده از امتیاز بازنشستگی پیش از موعد و سنوات ارفاقی، کاملاً در این ماده روشن است و قانون گذار با این که در مقام بیان بوده، محدودیتی برای نسبت اشتغال در مشاغل سخت و زیان آور به کل خدمت در این ماده بیان نکرده است. این در حالی است که در تبصره ۱ بند ۵ آیین نامه اجرایی قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور به شماره ۴۵۶۶۴/ت/۴۵۲ - ۱۳۶۸/۵/۳۰ هیئت وزیران و در جهت تحدید حقوق مستخدمین، قید انجام دوسوم خدمت در مشاغل یادشده به شرایط درخواست برای بازنشستگی شاغلین سخت و زیان آور

افزوده گردیده که خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است. این تبصره اشعار می‌دارد: «متصدیان مشاغل سخت و زیان‌آور در صورتی که حداقل دارای ۲۰ سال خدمت تمام بوده و دوسوم خدمت خود را در مشاغل سخت و زیان‌آور موضوع این ماده خدمت نموده باشند می‌توانند تقاضای بازنشستگی نمایند.» با وضعیت جاری موجود به‌عنوان نمونه مستخدمی که با ۲۹ سال سابقه خدمت، دارای سوابق خدمتی اشتغال در مشاغل سخت و زیان‌آور به مدت ۱۹ سال می‌باشد، نمی‌تواند از امتیاز قانون یادشده استفاده نمایند چراکه شرط دوسوم را احراز ننموده است و در مقایسه با مستخدمی که هیچ‌گاه در سنوات سخت و زیان‌آور خدمت نکرده، یکسان تلقی شده و از هیچ امتیازی برخوردار نخواهد بود. با عنایت به این که مستخدمین دولت برای اشتغال در انواع مشاغل و تغییر آن تابع تصمیمات سازمان خود هستند، افزودن محدودیت یادشده موجب تضییع حقوق بسیاری از مستخدمین دولت در طی سال‌های اجرای قانون گردیده است و با این بهانه که میزان اشتغال در مشاغل سخت و زیان‌آور کمتر از دوسوم کل خدمت فرد است، مستخدمین را از کل امتیاز سنوات ارفاقی سخت و زیان‌آور محروم کرده‌اند. با تقدیم احترام مجدد ابطال تبصره بند ۵ آیین‌نامه یادشده مورد تقاضاست. لازم به ذکر است مفاد آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب ۱۳۸۵/۲/۱۰ آیین‌نامه قانون اصلاح بوده و ناسخ آیین‌نامه سال ۱۳۶۸ تلقی نمی‌گردد. نکته قابل توجه این که در آیین‌نامه سال ۱۳۸۵ برای مشمولین قانون اصلاح (کارگران مشمول قانون کار) شرط دوسوم خدمت در مشاغل سخت و زیان‌آور حذف شده است. لکن این الزام (انجام دوسوم خدمت در مشاغل سخت و زیان‌آور) کماکان برای سایر مستخدمین دولت در دستگاه‌های اجرایی به قوت خود باقی است.

متن تبصره بند ۵ مصوبه شماره ۴۵۶۶۴/ت/۵۲۲-۶۳۰ هیئت وزیران به قرار زیر است:

۵- مشاغل سخت و زیان‌آور و درجات مربوط به پست سازمان که عمدتاً در شرایط محیطی نامساعد از قبیل وجود گازهای شیمیایی، کار با مواد رادیواکتیو و پرتوهای مضر، محیط عفونت‌زا، کار در اعماق، انفجار، کار با معلولین ذهنی و جسمی و غیره انجام شود و وظایف مربوط به شغل موجب بروز ناراحتی‌های جسمی و روحی شدید گردد، بنا به پیشنهاد هریک از دستگاه‌های مشمول این قانون و تأیید شورای امور اداری و استخدامی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید. تبصره ۱: متصدیان مشاغل سخت و زیان‌آور در صورتی که حداقل دارای ۲۰ سال خدمت تمام بوده و خدمت خود را در مشاغل سخت و زیان‌آور موضوع این ماده خدمت نموده باشند می‌توانند تقاضای بازنشستگی نمایند.

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست معاونت امور حقوقی دولت (رئیس‌جمهور) به‌موجب لایحه شماره ۳۲۵۴۲/۲۱۰۰۶-۱۳۹۶/۳/۱۱، توضیح داده است که:

جناب آقای دربین

مدیر کل محترم هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام:

بازگشت به ابلاغیه شماره ۸۷۹۰۰۰۹۵۸۰۰۰۰۹۵۰۹۹۸۰۹۵۰ (کلاسه ۹۵/۱۳۴۶)، موضوع ارسال نسخه دوم درخواست آقای الف، به خواسته «ابطال تبصره ۱ بند ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور (تصویب‌نامه شماره ۴۵۶۶۴/ت/۵۲۲-۶۳۰-۱۳۶۸/۵/۳۰ هیئت وزیران)»، به پیوست، ضمن ایفاد تصویب نظریات شماره ۱۱۷۱۴۰۸-۱۳۹۶/۲/۲۵ و شماره ۱۱۶۶۸۴۲-۱۳۹۶/۲/۲۳

سازمان اداری و استخدامی کشور اعلام می‌دارد:

- ۱- برابر تبصره‌های (۳) و (۴) ماده‌واحد قانون مزبور، مقرر گردیده است: تبصره ۳- شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور که وظایف مربوط به شغل آنان باعث بروز ناراحتی‌های جسمی و روحی می‌گردد، می‌توانند با داشتن حداقل بیست سال سابقه خدمت بر اساس درخواست کتبی خود با حداکثر پنج سال ارفاق بازنشسته شوند.
- تبصره ۴- آیین‌نامه اجرایی ماده فوق ظرف ۳ ماه با پیشنهاد سازمان امور اداری و استخدامی با همکاری بنیاد شهید و سازمان بهزیستی تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.
- ۲- با توجه به قانون مذکور و این که داشتن ۲۰ سال سابقه خدمت و نیز اشتغال در مشاغل سخت و زیان‌آور از شرایط لازم جهت تقاضای بازنشستگی موضوع این قانون بوده و تصویب آیین‌نامه اجرایی مربوطه نیز بر عهده دولت قرار گرفته است. لذا هیئت وزیران اقدام به تصویب مقرره مربوطه نموده و در تبصره (۱) بند ۵ آن، ضمن حفظ شرط قانونی مربوط به داشتن حداقل ۲۰ سال سابقه خدمت، در رابطه با مدت‌زمان لازم جهت اشتغال در مشاغل سخت و زیان‌آور، مقرر می‌دارد: «متصدیان مشاغل سخت و زیان‌آور در صورتی که حداقل دارای ۲۰ سال خدمت تمام بوده و دوسوم خدمت خود را در مشاغل سخت و زیان‌آور موضوع این ماده خدمت نموده باشند، می‌توانند تقاضای بازنشستگی نمایند. در خاتمه با توجه به موارد معنون و این که تبصره (۱) بند ۵ مقررده موردنظر شاکی، کاملاً در چارچوب وظایف و اختیارات قانونی هیئت وزیران به تصویب رسیده است، صدور تصمیم شایسته مبنی بر رد شکایت مطروحه مورد استدعاست. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء، به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیئت عمومی

مقنن در تبصره ۳ ماده واحد قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب سال ۱۳۶۷ مقرر کرده است که شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور که وظایف مربوط به شغل آنان باعث بروز ناراحتی‌های جسمی و روحی می‌گردد، می‌توانند با داشتن حداقل بیست سال سابقه خدمت بر اساس درخواست کتبی خود با حداکثر پنج سال ارفاق بازنشسته شوند. از این حکم قانونی این مطلب مستفاد می‌شود که اشخاص موضوع این تبصره باید بیست سال در مشاغل سخت و زیان‌آور اشتغال داشته باشند و چون در تبصره ۱ بند ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون فوق‌الذکر شرط شده است که اگر کسی حداقل ۲۰ سال سابقه خدمت تمام بود و دوسوم آن در مشاغل سخت و زیان‌آور بوده، می‌تواند تقاضای بازنشستگی کند و این امر هر چند از باب مساعدت بوده، ولی چون مغایر قانون است و اشخاص باید عین ۲۰ سال خدمت را در مشاغل سخت و زیان‌آور اشتغال داشته باشند و نه دوسوم آن را، بنابراین حکم تبصره ۱ بند ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب سال ۱۳۶۸ از حیث مذکور مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

رأی شماره ۸۶۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع تعارض در آراء شعب ۲۱ و ۲۲ دیوان عدالت اداری و تأیید رأی شعبه ۲۲ در خصوص شرایط اشتراک در صندوق بازنشستگی پس از بازخریدی

بسمه تعالی

جناب آقای جاسبی

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۸۶۸ مورخ ۱۳۹۶/۹/۷ جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیئت عمومی و هیئت تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۶/۹/۷ - شماره دادنامه: ۸۶۸ - کلاس پرونده: ۱۲۱۱/۹۶

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.

اعلام کننده تعارض: آقای الف

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادرشده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: در خصوص دادخواهی کارکنان بازخرید شده شرکت راه آهن به طرفیت صندوق بازنشستگی کشوری و به خواسته اعتراض به قطع اشتراک صندوق و الزام به برقراری اشتراک مجدد در صندوق بازنشستگی، شعب دیوان عدالت اداری آراء معارض صادر کردند به این نحو که شعبه ۲۱ با این استدلال که اشتراک مجدد پس از بازخریدی برای کارکنان شرکت راه آهن ناظر بر کارکنانی بوده که در اجرای ماده ۸ مصوبه شماره ۵۰۹۸۸۱ ت ۲۸۸۵۸ هـ ۱۳۸۲/۱۲/۱۸ هیئت وزیران و یا بند ب ماده ۱۲۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی بازخرید خدمت شده‌اند، می‌باشد و چون بازخریدی شاکی مبتنی به این مقررات نبوده، شکایت شاکی را رد کرده است، ولی شعبه ۲۲ در رسیدگی به دادخواست مشابه با استناد به ماده ۱۴۷ قانون برنامه چهارم توسعه فرهنگی حکم به ورود شکایت صادر کرده است. در بند ب ماده ۱۲۷ قانون برنامه سوم توسعه به وزارت راه و ترابری اجازه داده شده نسبت به کاهش و تعدیل نیروی انسانی بر اساس آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، اقدام کند و در ماده ۸ آیین‌نامه قانون مذکور مقرر شده آن دسته از کارکنان رسمی که در چارچوب این آیین‌نامه بازخرید می‌شوند، در صورت تمایل می‌توانند با پرداخت کل حق السهم مربوط، کماکان و حسب مقررات مربوط از مزایای بیمه خدمات درمانی و بازنشستگی بهره‌مند شوند. دربند الف ماده ۱۴۷ قانون برنامه چهارم توسعه نیز به کارکنان مشمول صندوق‌های بازنشستگی اجازه داده شده در صورتی که بازخرید خدمت شوند کماکان مشمول صندوق بازنشستگی خود باشند.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۲۲ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۷۳۸/۸۸/۲۲ با موضوع دادخواست آقای الف به طرفیت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران و سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته اشتراک در صندوق بازنشستگی به موجب دادنامه شماره ۱۸۹۶-۱۳۸۸/۱۲/۲۶ به شرح زیر، به صدور رأی مبادرت کرده است:

با توجه به مفاد شکایت شاکی و مستندات ابرازی که حکایت از بازخریدی وی و عدم دریافت کسورات قانونی دارد و مفاد لایحه دفاعیه مشتکی‌عنه‌ها به شماره ۱۵۱۷-۱۳۸۸/۶/۹ و ۱۹۰۸-۱۳۸۸/۱۱/۱۰، اولاً، در خصوص خوانده ردیف اول به لحاظ عدم توجه شکایت قرار رد شکایت صادر می‌گردد. ثانیاً، در خصوص خوانده ردیف دوم با توجه به این که شاکی از مستخدمین رسمی راه‌آهن بوده و شرایط بهره‌مندی از اشتراک در صندوق بازنشستگی را دارد، شکایت شاکی ثابت و محرز تشخیص و به استناد ماده ۱۴۷ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و مواد ۱۳ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت و الزام خوانده ردیف دوم به اشتراک شاکی در صندوق بازنشستگی پس از وصول مطالبات قانونی صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

ب: شعبه ۲۱ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۲۱/۸۸/۴۳۴ با موضوع دادخواست آقای الف به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته قطع اشتراک در صندوق بازنشستگی و به موجب دادنامه شماره ۱۳۵۱-۱۳۸۸/۸/۲۴ به شرح زیر، به صدور رأی مبادرت کرده است:

شاکی به شرح دادخواست تصریح نموده است که راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۳ به جهت تعدیل نیروی انسانی مبادرت به بازخریدی تشویقی کارکنان خود نموده و با عنایت به موافقت سازمان بازنشستگی کشوری که هر مستخدمی بازخرید شود می‌تواند با پرداخت کل حق‌السهم بر مبنای آخرین حقوق و مزایای خود با صندوق بازنشستگی اشتراک پیدا نماید و بنده خواهان اشتراک شدم، اما در سال ۱۳۸۵ سازمان بازنشستگی بعد از ۱۶ ماه دریافت حق‌السهم از پذیرش این جانب جهت اشتراک خودداری و اعلام داشت که شما مشمول بند ب ماده ۱۲۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی نمی‌باشید و لذا نمی‌توانید با صندوق اشتراک داشته باشید و به علاوه، اداره متبوع نیز از صدور احکام بنده و تغییر آن با بند ب صادر نمود لذا تقاضای الزام سازمان خوانده را به اشتراک صندوق بازنشستگی دارد و سازمان بازنشستگی نیز در لایحه دفاعیه عنوان کرده است که به موجب ماده ۸ مصوب ۵۰۹۸۸/ت/۲۸۸۵۸-۱۳۸۲/۱۲/۱۸ هیئت وزیران صرفاً آن دسته از کارکنان رسمی وزارت راه که در اجرای بند ب ماده ۱۲۷ قانون مذکور بازخرید شده‌اند می‌توانند کماکان با صندوق بازنشستگی ادامه اشتراک داشته باشند و اقدام ایشان به واریز کسور که مشمول قانون مذکور نیست و با ارسال قانون مذکور بازخرید نشده است، خلاف قانون است و ادامه اشتراک ایشان و جاهت قانونی ندارد و به علاوه در مورد خویش‌فرمایی بین ایشان و اداره متبوع قرارداد وجود ندارد. بدین وسیله درخواست رد شکایت نموده است. و اما با بررسی مدارک طرفین و پرونده مطروحه نظر به این که شاکی دلیل و مدرکی که مثبت مشمول ایشان مبنی بر بازخرید بر اساس بند ب ماده ۱۲۷ قانون مذکور باشد، ابراز و اقامه نموده است و با عنایت به لایحه اداره خوانده علی‌هذا اقدام اداره خوانده طبق مقررات انجام گرفته و تخلفی از مقررات مشهود

نیست. بنابراین شکایت شاکی غیروارد تشخیص، مستنداً به مواد ۷ و ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت صادر می‌گردد. این رأی قطعی است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء، به شرح زیر، به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیئت عمومی

اولاً، تعارض در آراء محرز است.

ثانیاً، نظر به این که حکم ماده ۱۲۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ماده ۱۴۷ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تکرار شده و در ماده ۸ اصلاح آیین نامه اجرایی بند ب ماده ۱۲۷ قانون برنامه سوم توسعه بر بقای عضویت در صندوق بازنشستگی در فرض بازخریدی تأکید شده است و با توجه به این که مستند بازخریدی شاکیان حکم ماده ۱۲۷ قانون برنامه سوم توسعه بوده، بنابراین رأی شماره ۱۸۹۶-۱۳۸۸/۱۲/۲۶ شعبه ۲۲ دیوان عدالت اداری که در خصوص خواسته شاکی مبنی بر اشتراک در صندوق بازنشستگی مستند به مقررات فوق‌الذکر به وارد دانستن شکایت صادر شده است، صحیح و موافق مقررات تشخیص شد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد کاظم بهرامی

رأی شماره ۹۲۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع تعارض در آراء شعب ۱ و ۱۷ دیوان عدالت اداری و تأیید رأی شعبه اول دیوان در خصوص بازنشستگی پیش از موعد کارکنان واحدهای صنعتی و تولیدی موضوع ماده ۱۰ تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور

بسمه تعالی

جناب آقای جاسبی

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۲۰ مورخ ۱۳۹۶/۹/۲۱ جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیر کل هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۶/۹/۲۱ - شماره دادنامه: ۹۲۰ - کلاس پرونده: ۱۲۱۲/۹۶

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.

اعلام‌کننده تعارض: آقای الف

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادرشده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: ماده ۱۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور مقرر کرده، «کارفرمایان واحدهای صنعتی و تولیدی مجازند تا پایان برنامه سوم توسعه به‌ازای هر نفر اشتغال جدید، یک نفر از کارکنان، با سابقه پرداخت حق بیمه بیش از ۲۵ سال را، با پرداخت ۵۰ درصد مابه‌التفاوت کسور سنوات باقی‌مانده تا زمان بازنشستگی قانونی پیش از موعد بازنشسته نمایند.» شاکیان به استناد ماده ۱۰ قانون یادشده الزام طرف شکایت بازنشستگی پیش از موعد را تقاضا می‌کنند که شعبه ۱۷ بدوی با این استدلال که شاکیان ۲۵ سال سابقه بیمه‌پردازی دارد و کارفرما شرایط اجرای ماده ۱۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور در حق شاکیان را از سازمان تأمین اجتماعی استعلام کرده، حکم به ورود شکایت صادر کرد.

شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری پس از موافقت ریاست دیوان عدالت اداری با اعمال ماده ۷۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به دادنامه شعبه ۱۷ بدوی با این استدلال که برای تحقق بازنشستگی پیش از موعد، علاوه بر موافقت کارفرما و وجود ۲۵ سال بیمه‌پردازی و پرداخت ۵۰ درصد حق بیمه سنوات ارفاقی توسط کارفرما می‌بایست یک شخص جدید در آن کارگاه مشغول به کار شود و چون شرایط مذکور محقق نشده است، سازمان تأمین اجتماعی تکلیفی به بازنشسته کردن نداشتند ضمن نقض رأی شعبه ۱۷، رأی به رد شکایت صادر کرده است.

شعبه ۱۷ بدوی در خصوص خواسته مشابه با همان استدلال یادشده حکم به ورود شکایت صادر می‌کند که پس از

اعمال ماده ۷۹، شعبه ۵ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری با این استدلال که کارفرما موافقت خود را با اجرای ماده ۱۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور اعلام کرده که نشان از پذیرش تبعات حقوقی آن ماده است و می‌بایست مابه‌التفاوت کسور سنوات باقی‌مانده را پرداخت کند و عدم پرداخت آن رافع مسئولیت سازمان تأمین اجتماعی در مطالبه آن از کارفرما نمی‌باشد و در صورت عدم جایگزینی نیروی جدید، سازمان تأمین اجتماعی می‌تواند الزام کارفرما به این امر را از هیئت حل اختلاف کارگر و کارفرما بخواهد، حکم به رد اعمال ماده ۷۹ صادر کرده است.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

شعبه ۱۷ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده‌های شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۱۷۰۰۶۳۳، ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۱۷۰۰۱۹۵ و ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۱۷۰۰۶۳۳ با موضوع دادخواست آقایان شعبان زنگنه داویجانی و علیرضا علیپور به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به خواسته صدور حکم به بازنشستگی به استناد ماده ۱۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور به موجب دادنامه‌های شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۱۷۰۰۲۷۹ و ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۱۷۰۰۲۵۹-۹۴۰۹۹۷۰۹۰۱۷۰۰۳۰۳ به شرح زیر، به صدور رأی مبادرت کرده است:

با عنایت به مجموع اوراق پرونده و اظهارات طرفین دعوی به شرح دادخواست و لایحه تقدیمی و مستندات ابرازی، نظر به این که شاکی دارای بیش از ۲۵ سال سابقه پرداخت حق بیمه می‌باشد و با توجه به این که کارفرما طی نامه شماره ۱۵۸۶-۱۳۹۳/۹/۹ شاکی را جهت بررسی شرایط و آمادگی جهت اجرای مفاد ماده ۱۰ قانون تنظیم و آیین نامه اجرایی آن به سازمان اعلام کرد و به لحاظ این که هیئت وزیران طی تصویب نامه شماره ۱۷۰۴۵۹/ت۳۹۰۲۹-هـ-۱۳۹۳/۳/۲۶ اجرای ماده ۱۰ را موکول به تقبل ۵۰ درصد حق بیمه سهم دولت علاوه بر ۵۰ درصد سهم کارفرما نموده‌اند. بنابراین با احراز حقانیت شاکی و به استناد مقررات ذکر شده و مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان، رأی به ورود شکایت و الزام سازمان به بازنشسته کردن شاکی با رعایت تصویب نامه هیئت وزیران، به شماره مذکور، صادر و اعلام می‌گردد. رأی اصداری ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

در اثر تجدیدنظرخواهی سازمان تأمین اجتماعی از رأی مذکور مربوط به آقای شعبان زنگنه داریجانی، شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۵۶۰۰۴۶۸-۹۵۰۹۹۷۰۹۰۵۶۰۰۴۶۸ با استدلال زیر، رأی مذکور را نقض می‌کند:

نظر به این که به موجب ماده ۱۰ قانون تسهیل نوسازی صنایع کشور کارفرمایان واحدهای صنعتی مجاز به بازنشسته نمودن هر یک از کارگران خود که دارای ۲۵ سال سابقه کار بوده، با پرداخت ۵۰ درصد حق بیمه بیش از ۲۵ سال تا زمان بازنشستگی قانونی به‌ازای یک نفر اشتغال جدید بازنشسته نمایند و از طرفی ۵۰ درصد حق بیمه مربوط به بعد از ۲۵ سال سابقه را دولت باید پرداخت کند تا امکان استفاده از بازنشستگی پیش از موعد برای کارگر فراهم شود و چون در مانحن فیه شرایط مذکور تحقق نیافته و صرف اعلام کارفرما مبنی بر موافقت با بازنشستگی کارگر که فقط دارای ۲۵ سال سابقه کار می‌باشد، بدون انجام شرایط قانونی دیگر ایجاد تکلیف برای تأمین اجتماعی

مبنی بر موافقت با بازنشستگی کارگر نمی‌کند. علی‌هذا با توجه به مراتب مذکور و با لحاظ دادنامه‌های شماره ۱۰۶ الی ۱۱۹ و شماره ۱۲۰ الی ۱۶۳-۱۳۹۵/۳/۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری رأی صادره خلاف بین قانون تشخیص و ضمن نقض رأی مذکور حکم به رد شکایت مستنداً به ماده ۷۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

در اثر تجدیدنظرخواهی سازمان تأمین اجتماعی از رأی مذکور مربوط به آقای علیرضا علی‌پور، شعبه پنجم دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۱۳۴۳-۹۵۵۵۰۹۹۷۰۹۵-۹۵/۴/۱۳ به استدلال زیر رأی مذکور را نقض می‌کند:

نظر به این که اولاً، زمانی که کارفرما موافقتش را بر اساس ماده ۱۰ قانون تسهیل نوسازی صنایع کشور اعلام می‌نماید، به‌واقع آثار و تبعات حقوقی ناشی از این موافقت را پذیرفته و باید مابه‌التفاوت کسورات سنوات باقی‌مانده تا زمان بازنشستگی قانونی را پرداخت نماید و عدم پرداخت رافع مسئولیت و تعهدات سازمان تأمین اجتماعی در قبال بیمه‌شده نخواهد بود و به تجویز ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی این سازمان، مکلف به وصول بدهی کارفرما نسبت به بیمه‌شده و احتساب آن در سابقه بیمه‌پردازی می‌باشد و مطالبات تأمین اجتماعی در این خصوص در عداد مطالبات ممتازه و در حکم مطالبات مستند به اسناد لازم‌الاجرا می‌باشد. ثانیاً، هرچند طبق تبصره ۲ مصوبه ۴۵۹/۵/۲۶-۴۹۰۲۶/۶/۲۳ هیئت وزیران کارفرما می‌تواند علاوه بر سهم خود سهم دولت را بابت حق بیمه تقبل نماید؛ ولیکن در صورت امتناع به لحاظ اختیاری بودن پرداخت حق بیمه، دولت کماکان نسبت به ۵۰ درصد حق بیمه سهم دولت مسئول بوده و موانع قانونی مقرر در مواد ۲۶، ۲۹، ۲۲۴ و ۲۲۵ قانون برنامه پنجم توسعه، قابل تسری به احکام مراجع قضایی نبوده و بر اساس بند الف ماده ۸ و بند ج ماده ۱۹ و ۵۸ قانون محاسبات عمومی و ماده ۱۳ قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱ رأی مرجع قضایی یکی از منابع ایجاد دین بر ذمه دولت است و در خصوص آراء دیوان عدالت اداری باید با رعایت بند ۴ ماده ۱۱۱ قانون دیوان شرایط برای رأی دیوان فراهم شود و خودداری کارفرما و لزوم تأمین بار مالی حکم در ماهیت و اساس رأی دیوان تأثیری ندارد. ثالثاً، ایجاد اشتغال جدید و اقدام به جایگزینی از وظایف کارفرما بوده و چنانچه کارفرما استتکاف نماید، سازمان تأمین اجتماعی که در قضیه مانحن‌فیه ذی‌نفع است می‌تواند الزام کارفرما را به پذیرش نیروی جایگزین از مراجع ذی‌صلاح قانونی هیئت حل اختلاف کارگر و کارفرما محاکم عمومی حقوقی دادگستری خواستار شود و این امر نیز در تزلزل نسبت به رأی دیوان بی‌تأثیر است. رابعاً، وضع قاعده امره سالب حق و موجد حق از سوی هیئت وزیران برخلاف نظر قانون‌گذار در تصویب‌نامه مذکور هیئت وزیران طبق اصل ۱۷۰ قانون اساسی درخور اعتبار نبوده و در مقام تعارض بین مصوبه و قانون ملاک و شاخص استناد در نظر شعبه قانون است، لذا بنا به جهات فوق تقاضای اعمال ماده ۷۹ قانون غیرموجه تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۲۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء، به شرح زیر، به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیئت عمومی

اولاً، تعارض در آراء محرز است.

ثانياً، نظر به این که انتفاع از مزایای ماده ۱۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده ۱۱۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب سال ۱۳۸۲ منوط است به الف: تمایل و درخواست کارفرما به بازنشسته نمودن کارگر با داشتن ۲۵ سال سابقه بیمه پردازی ب- پرداخت ۵۰ درصد مابه التفاوت کسورات سنوات باقی مانده. ج- به کارگیری نیروی جایگزین، بنابراین در صورت عدم احراز شرایط مقرر قانونی، الزام سازمان تأمین اجتماعی به بازنشستگی ناشی از این قانون منطبق با قانون نیست از این روی رأی شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۵۶۰۰۴۶۸-۹۵۰۹۹۷۰۹۰۵۶۰۰۴۶۸/۴/۲۶-۱۳۹۵ صحیح و موافق مقررات تشخیص شد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری- محمد کاظم بهرامی

رأی شماره ۹۳۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع بازنشستگی بر اساس ماده ۵۸ قانون استخدام وزارت اطلاعات موجب عدم اعمال نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۶۷ می باشد

بسمه تعالی

جناب آقای جاسبی

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۳۳ مورخ ۱۳۹۶/۹/۲۱ با موضوع: بازنشستگی بر اساس ماده ۵۸ قانون استخدام وزارت اطلاعات موجب عدم اعمال نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۶۷ می باشد. جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.
مدیر کل هیئت عمومی و هیئت های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۶/۹/۲۱ شماره دادنامه: ۹۳۳ - کلاس پرونده: ۱۳۱۸/۹۶

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.

اعلام کننده تعارض: آقای الف

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: تبصره ۳ ماده ۵۸ قانون استخدامی وزارت اطلاعات، مصوب ۱۳۷۴ مقرر داشته: «وزارتخانه (وزارت اطلاعات) می تواند در صورت تشخیص ضرورت، مستخدمانی را که سابقه خدمت آنان ۲۰ سال و بالاتر باشد، بازنشسته نماید. وزارت اطلاعات با استناد به این ماده با درخواست بازنشستگی شاکیان موافقت می کند. بر اساس ماده ۸۸ قانون مزبور مقرر شده به مستخدمین بازنشسته، ماهانه مبلغی به عنوان حقوق بازنشستگی معادل ۱/۳۰ متوسط حقوق و فوق العاده شغل و مزایای مستمری سه سال پایانی خدمت آنان ضرب در سنوات پرداخت شود. وزارت اطلاعات بر اساس ماده ۸۸ قانون مذکور از حقوق و مزایای ۳ سال آخر اشتغال شاکیان اقدام به معدل گیری کرده است. شاکیان با این استدلال که چون جانباز هستند، اعمال قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب ۱۳۸۳ برای محاسبه آخرین حقوق قبل از بازنشستگی جهت محاسبه مستمری بازنشستگی را تقاضا می کنند. شعبه ۳۵ دیوان عدالت اداری با این استدلال که قوانین مصوب در خصوص جانبازان آمره بوده و تمامی سازمان ها و ادارات دولتی مکلف به اجرای آن هستند و صرف تمسک به داشتن مقررات استخدامی خاص مسقط بهره مندی از مزایای مقرر در خصوص جانبازان نمی باشد، معدل گیری از حقوق ۳ سال آخر حالت اشتغال را مغایر هدف مقنن دانسته و حکم به ورود شکایت صادر کرده است. از سوی دیگر شعبه ۲ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری با این استدلال که بازنشستگی شاکیان بر اساس تبصره ۳ ماده

۵۸ قانون استخدامی وزارت اطلاعات که مؤخرالتصویب بر قانون نحوه بازنشستگی جانبازان می باشد صورت پذیرفته است و به لحاظ نوع بازنشستگی مشمول مقررات قانون مزبور نمی باشد و ضمن نقض دادنامه شعبه ۵ حکم به رد شکایت صادر کرده است.

گردش کار پرونده ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۵ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۵۰۱۱۸۱/۰۵۰۹۰۰۹۹۸۰۹۴ با موضوع دادخواست آقای الف به طرفیت وزارت اطلاعات به خواسته الزام به اصلاح حکم بازنشستگی بر مبنای قانون استخدام جانبازان و پرداخت معوقات مزبور به موجب دادنامه شماره ۵۰۲۱۰۸/۰۵۰۹۹۷۰۹۰۰۹۴-۱۳۹۴/۱۱/۲۰ به شرح زیر، به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به این که ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی به صورت حکم عام ترتیب و شرایط بازنشستگی و تعیین حقوق جانبازان شاغل در ارگان های دولتی را معین کرده و قیدی در خصوص عدم اعمال مقررات این قانون در خصوص جانبازانی که از سوی سازمان به صورت اجباری بازنشسته می شوند یا همان گونه که طرف شکایت در لایحه دفاعیه عنوان نموده، به موجب مقررات تبصره ۳ ماده ۵۸ قانون استخدامی وزارت اطلاعات بازنشسته می شوند ندارد و لذا محروم نمودن وی از حق قانونی خود با مقایسه موضوع و بازنشستگی ایشان با کارکنانی که به موجب رأی هیئت تخلفات اداری بازنشسته می شوند، موجه و قابل پذیرش نمی باشد. لذا شکایت ایشان به نظر موجه بوده، حکم بر ورود شکایت وی صادر می گردد. رأی صادره ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

در اثر تجدیدنظرخواهی وزارت اطلاعات از رأی مذکور شعبه دوم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۲۰۳۳۱۳/۰۲۰۹۵۵۲۰۹۹۷۰۹۵-۱۳۹۵/۵/۱۹ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض می کند:

نظر به این که بازنشستگی تجدیدنظرخوانده به استناد تبصره ۳ ماده ۵۸ قانون استخدامی وزارت اطلاعات به عنوان قانون خاص مؤخرالتصویب نسبت به ماده واحده صورت پذیرفته است و اساساً به لحاظ نوع بازنشستگی وضعیت نامبرده مشمول مقررات منظور در ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی تلقی نمی گردد و موضوعاً از شمول مقررات مزبور خارج می باشد و بر همین اساس خواسته مشارالیه منطبق با مقررات قانونی نمی باشد و دادنامه مورد اعتراض بدون التفات به موارد اعلامی صادر شده است، لذا بنا به مراتب مرقوم با پذیرش تجدیدنظرخواهی و نقض رأی معترض به با اختیار حاصله از ماده ۷۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، مستنداً به موارد یادشده و ماده ۱۷ قانون اخیرالذکر حکم به رد شکایت مطروحه مبنی بر خواسته فوق الاشعار صادر و اعلام می گردد. رأی صادره قطعی است.

ب: شعبه ۳۵ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۰۷۸۸۱۸/۰۵۰۹۹۸۰۹۰۰۹۲ با موضوع دادخواست آقای الف به طرفیت وزارت اطلاعات و سازمان بازنشستگی کل کشور و به خواسته اصلاح ابلاغ حکم بازنشستگی با معدل گیری سنوات خدمت به موجب دادنامه شماره ۰۷۳۳۴/۰۳۵۰۰۹۹۷۰۹۰۰۹۳-۱۳۹۳/۴/۲ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

اولاً، قوانین مصوبه در خصوص جانبازان دفاع مقدس آمده بود و تمامی سازمان‌ها و ادارات دولتی مکلف به اجرای آن در خصوص جانبازان می‌باشند و صرف تمسک خواننده به داشتن مقررات استخدامی خاص مسقط حقوق خواهان از بهره‌مندی از مزایای مقرر در خصوص جانبازان نمی‌باشد.

ثانیاً، وفق مفاد قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۸۵ ملاک پرداخت مستمری به بازنشستگان جانباز آخرین حقوق قبل از صدور حکم بازنشستگی بوده و تعیین معدل مغایر هدف مقنن در خصوص مستخدمین جانبازان بوده. لذا با عنایت به موارد معنونه دعوی مطروحه را مقرون بر صحت تشخیص و حکم بر ورود شکایت خواهان مبنی بر الزام خواندگان به صدور حکم بازنشستگی با لحاظ آخرین حقوق و مزایای خواهان قبل از بازنشستگی (بدون اخذ معدل) را صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره در اجرای مفاد ماده ۶۵ از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ظرف بیست روز، پس از ابلاغ، قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۲۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء، به شرح زیر، به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیئت عمومی

اولاً، تعارض در آراء محرز است.

ثانیاً، مطابق ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب سال ۱۳۶۷ کسانی که در اجرای این ماده واحده بازنشسته می‌شوند در تعیین حقوق بازنشستگی آنان آخرین حقوق قبل از بازنشستگی مبنای محاسبه قرار می‌گیرد. نظر به این که حکم این ماده دلالت بر این معنی ندارد که حقوق بازنشستگی جانبازان در اثر بازنشستگی ناشی از سایر قوانین نیز باید مطابق این قانون تعیین شود و شکات پرونده‌های موضوع تعارض مطابق حکم مقرر در تبصره ۳ ماده ۵۸ قانون استخدامی وزارت اطلاعات مصوب سال ۱۳۷۴ بازنشسته شده و بر اساس ماده ۸۸ این قانون حقوق بازنشستگی آنان تعیین شده است موجبی وجود ندارد تا حقوق بازنشستگی آنان بر اساس ماده واحده فوق‌الذکر و بر مبنای آخرین حقوق قبل از بازنشستگی محاسبه و تعیین شود. با توجه به مراتب رأی شعبه دوم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۳۳۱۳/۲۳۱۳-۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۲۰۲۳۱۳-۱۳۹۵/۵/۱۹ مبنی بر نقض رأی شعبه ۵ بدوی و رد شکایت شاکی صحیح و موافق مقررات تشخیص شد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد کاظم بهرامی

رأی شماره‌های ۱۲۶۴ و ۱۳۱۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع الزام دولت به پرداخت هزینه جابه‌جایی صندوق بازنشستگی با واگذاری شرکت مخابرات به بخش غیردولتی

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۲۶۴ و ۱۳۱۷ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۵ با موضوع: «الزام دولت به پرداخت هزینه جابه‌جایی صندوق بازنشستگی با واگذاری شرکت مخابرات به بخش غیردولتی.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۶/۱۲/۱۵ - شماره دادنامه: ۱۲۶۴ و ۱۳۱۷ - کلاس پرونده: ۹۶/۱۸۲۴ و ۹۶/۱۸۹۴
اعلام‌کننده تعارض: ۱- شرکت مخابرات ایران ۲- آقای به وکالت از آقای ۳- آقای

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادرشده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: معاون توسعه سرمایه انسانی، شرکت مخابرات ایران به موجب لایحه شماره ۶۰۸۹۱/۹۳/۱۰۰ - ۱۳۹۳/۹/۲ اعلام کرده است که:

ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

به استحضار می‌رساند: با وجود صدور دادنامه شماره ۷۸۶-۱۳۹۱/۱۱/۲۴ شعبه اول تشخیص آن دیوان مبنی بر عدم شمولیت کارکنان شرکت مخابرات خصوصی از مفاد بند «د» ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری، موضوع عدم پرداخت هزینه‌های ناشی از جابه‌جایی صندوق بازنشستگی از سوی کارفرما، رأی و دادنامه شماره ۲۳۴-۱۳۹۳/۴/۱۸ شعبه سوم تشخیص آن دیوان، برخلاف قانون حکم به محکومیت علیه شرکت مخابرات ایران صادر گردیده و در عین حال رأی کلاس پرونده شماره ۲۲/۹۱/۱۵۶۷-۱۳۹۲/۱۰/۸ شعبه ۲۲ دیوان عدالت اداری مطابق قانون و مفاد رأی صادره از سوی شعبه اول تشخیص حکم به رد شکایت و له شرکت مخابرات صادر گردیده. در نتیجه تعارض آراء محرز و خواهان رسیدگی به این موضوع در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و اجرای ماده ۷۹ [۸۹] دیوان عدالت اداری هستیم. گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۲۵ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۲۶۶۲-۹۰۰۰۰۹۹۸۰۹۱۰ با موضوع دادخواست آقای به طرفیت وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات به خواسته الزام به پرداخت هزینه جابه‌جایی صندوق بازنشستگی

از صندوق بازنشستگی کشوری به صندوق تأمین اجتماعی به موجب دادنامه شماره ۱۱۰۹۰۲۵۰۹۰۹۹۷۰۹۱۰-۱۳۹۱/۴/۴ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

قانون گذار در ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری تکلیف کارمندان رسمی یا ثابت دستگاه‌های اجرایی که تمام یا بخش از وظایف آن‌ها به بخش غیردولتی واگذار گردیده را مشخص و در بند «د» آن تصریح نموده «انتقال به بخش غیردولتی که مجری وظایف و فعالیت‌های واگذار شده می‌باشد، در صورت تمایل کارمندان به تغییر صندوق بازنشستگی هزینه جابه‌جایی تغییر صندوق ذی‌ربط با حفظ سوابق مربوطه توسط دولت تأمین می‌گردد»، در این راستا وزیران عضو کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۱۳ بنا به پیشنهاد معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور و به استناد ماده ۱۲۱ و تبصره ۲ ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری، مصوب سال ۱۳۸۶ و با رعایت بند ۱ تصویب‌نامه شماره ۱۵۸۹۵/ت۳۸۸۵۶-۳۸۸۵۶/۱۰/۱ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۲۱ و ماده ۱۲۱ قانون مدیریت کشوری را تصویب نمودند و در بند ۱ ماده ۲۱ آیین‌نامه مزبور مقرر نمودند پرداخت مابه‌التفاوت تغییر صندوق کارمندی که در اجرای مقررات مزبور تمام یا بخشی از وظایف دستگاه متبوع وی به بخش غیردولتی واگذار شده باشد، به عهده دستگاه اجرایی متبوع قبلی کارمند خواهد بود، اما موضوع خواسته شاکي خروج موضوعی از مقررات مزبور دارد، زیرا شاکي کارمند شرکت مخابرات است که تمام یا بخشی از وظایف آن به بخش خصوصی در اجرای ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری واگذار نگردیده، بلکه کلیت و تمامیت شرکت در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی سازمان خصوصی‌سازی کشور به نمایندگی از دولت به بخش خصوصی فروخته شده است که با توجه به حفظ مالکیت دولت در واگذاری وظایف دستگاه‌های دولتی به بخش غیردولتی در اجرای ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری و واگذاری مالکیت شرکت مخابرات ایران در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی توسط سازمان خصوصی‌سازی کشور به بخش غیردولتی و تفاوت و تمایز این دو موضوع با یکدیگر و عدم شمول ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری نسبت به فروش شرکت مخابرات به بخش خصوصی خواسته شاکي غیرموجه تشخیص و رد می‌گردد. رأی صادر شده قطعی است.

با اعمال ماده ۱۸ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵، شعبه سوم تشخیص دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۳/۴/۱۸-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۵۳۰۰۲۳۴ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض می‌کند.

در خصوص اعلام وقوع اشتباه بین نسبت به دادنامه شماره ۱۱۰۹۰۲۵۰۹۰۹۹۷۰۹۱۰-۱۳۹۱/۴/۴ شعبه ۲۵ دیوان عدالت اداری، نظر به این که شرکت مخابرات ایران که وابسته به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات بوده است در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی به بخش غیردولتی واگذار شده است. بنابراین مستنداً به ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری و تبصره ۲ قانون مذکور و ماده ۱۲۱ همان قانون و بند ۱ تصویب‌نامه شماره ۱۵۸۹۵/ت۳۸۸۵۶-۳۸۸۵۶/۱۰/۱ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۲۱ و ماده ۱۲۱ قانون مدیریت کشوری با جابه‌جایی صندوق بازنشستگی پرداخت مابه‌التفاوت تغییر صندوق از دولتی به بخش خصوصی به عهده دستگاه اجرایی متبوع قبلی کارمند خواهد بود که در مانحن‌فیه نیز در اجرای قانون مارالذکر صندوق بازنشستگی شاکي به صندوق تأمین اجتماعی تغییر یافته است و لذا دستگاه اجرایی قبل مکلف به پرداخت مابه‌التفاوت تغییر صندوق خواهد بود و لذا بنا به مراتب فوق شکایت شاکي در این خصوص وارد می‌باشد با احراز وقوع اشتباه بین در دادنامه معترض‌عنه مستنداً به مواد ۱۰ و ۱۸ قانون دیوان عدالت

اداری مصوب ۱۳۸۵ با رعایت ماده ۱۲۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ضمن نقض دادنامه معترض عنه حکم به ورود شکایت شاکی صادر و اعلام می‌گردد. این رأی قطعی است.

ب: شعبه ۱۷ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۳۵۸۳۱/۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰ با موضوع دادخواست آقای.....

به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی، صندوق بازنشستگی کشوری، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات به خواسته الزام به پرداخت هزینه جابه‌جایی تغییر صندوق بازنشستگی از صندوق بازنشستگی کشوری به صندوق تأمین اجتماعی به‌موجب دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۰۹۰۱۷۰۲۳۴۳۷-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۱۴/۱۳۹۰/۸ به شرح زیر، به صدور رأی مبادرت کرده است:

با عنایت به محتویات پرونده و لوائح جوابیه واصله اولاً، در خصوص شکایت علیه صندوق‌های حمایتی و همین‌طور داخل پرائنتر شرکت مخابرات مسئولیتی متوجه آن‌ها نبوده و مصداق بند د ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری نمی‌باشد قرار رد شکایت نسبت به خواندگان مارالذکر صادر و اعلام می‌گردد. ثانیاً، در خصوص شکایت علیه وزارت ارتباطات به‌موجب ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری در صورت واگذاری تمام یا قسمتی از وظایف دستگاه‌های اجرایی به بخش غیردولتی کارمندان رسمی یا ثابت شاغل در بخش دولتی می‌توانند در صورت انتقال به بخش غیردولتی تقاضای تغییر صندوق بازنشستگی را بنمایند در این صورت هزینه تغییر صندوق می‌بایست از سوی دولت تأمین شود و با عنایت به این که شاکی نیز در شرکت مخابرات که در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی دولت به بخش غیردولتی واگذار شده است (بر اثر آن کارکنان شرکت مذکور که قبلاً در بخش دولتی شاغل بوده‌اند در بخش غیردولتی شاغل محسوب می‌شوند) شاغل می‌باشد و با توجه به این که این امر بر اساس تصمیم دولت واقع گردیده است. بنابراین به‌موجب بند د ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری دولت (وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات) مکلف به تأمین هزینه‌های مربوطه می‌باشد، علی‌هذا با احراز حقانیت خواسته و کیل شاکی و مستنداً به بند «د» ماده ۲۱ قانون مارالذکر و تبصره ۲ ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۸۹/۱/۳۱ هیئت وزیران و مواد ۷ و ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری رأی به ورود شکایت مطروحه صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

با اعمال ماده ۱۶ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵، شعبه اول تشخیص دیوان عدالت اداری به‌موجب دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۵۱۰۰۷۸۶-۱۳۹۱/۱۱/۲۴ با استدلال زیر، رأی مذکور را نقض می‌کند.

حکم مقرر در بند «د» ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری مبنی بر الزام دولت به پرداخت هزینه‌های جابه‌جایی صندوق بازنشستگی به کارمندان مقید به واگذاری تمام یا بخشی از وظائف کارمندان رسمی و ثابت دستگاه‌های اجرایی به بخش غیردولتی بوده در نتیجه حکم مذکور شامل کارمندان شرکت مخابرات به‌دلیل این که شرکت مرقوم غیردولتی شده، نخواهد شد. چون در این بند صرفاً به واگذاری وظائف کارمندان اشاره شده که این امر متفاوت از واگذاری سهام شرکت‌های دولتی است. ثانیاً، برابر تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون مورد اشاره در صورت واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به نحوی که شرکت مذکور غیردولتی شود، قوانین و مقررات قانون کار بر کارمندان شرکت واگذار شده اعمال می‌گردد و این افراد، کارمندان کارفرمای جدید محسوب می‌شوند و در صورت تمایل می‌توانند کماکان تابع صندوق بازنشستگی قبلی خود باشند. لذا چون در بند «د» ماده ۲۱ مرقوم اشاره‌ای به پرداخت هزینه جابه‌جایی صندوق برای این قبیل کارمندان نشده، مضافاً کارمندان مذکور تابع قانون کار بوده و کارمندان کارفرمای جدید محسوب می‌شوند و نیز به‌دلیل عدم پیش‌بینی هزینه مرقوم در تبصره یادشده، خواسته مطروحه وجاهت

قانونی ندارد. بنابراین وزارت فناوری و اطلاعات الزامی در پرداخت هزینه مورد ادعا نخواهد داشت. با اوصاف ذکر شده درخواست اعمال ماده ۱۶ قانون دیوان عدالت اداری موجه تشخیص و لذا با اختیار حاصل از این ماده دادنامه شعبه محترم ۱۷ دیوان عدالت در خصوص محکومیت وزارت فوق الذکر نقض و حکم به رد شکایت شاکی صادر و اعلام می شود و در مورد سایر خواندگان دادنامه صحیح بوده و ابرام می شود. این رأی قطعی است.

ج: شعبه ۱۷ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰۴۶۶۴ با موضوع دادخواست آقای با وکالت آقای به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی، صندوق بازنشستگی کشوری، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و به خواسته الزام به تأمین هزینه مالی جابه جایی از صندوق بازنشستگی کشوری به صندوق تأمین اجتماعی به موجب دادنامه شماره ۱۷۰۲۴۷۴-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۱۷۰۲۴۷۴ به شرح زیر، به صدور رأی مبادرت کرده است:

وکیل شاکی طی دادخواست تقدیمی اظهار داشت موکلش از کارکنان رسمی شرکت مخابرات استان خوزستان می باشد که در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی شرکت مخابرات که از شرکت های وابسته به وزارت ارتباطات بوده بخش غیردولتی واگذار گردید بنابراین تقاضای صدور حکم وفق خواسته را دارد که با عنایت به محتویات پرونده و لوائح جوابیه واصله اولاً: در خصوص شکایت علیه صندوق های حمایتی و همین طور داخل پرائنز شرکت مخابرات مسئولیتی متوجه آنها نبوده و مصداق بند ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری نمی باشد قرار رد شکایت نسبت به خواندگان مارالذکر صادر و اعلام می گردد. ثانیاً: در خصوص شکایت علیه وزارت ارتباطات به موجب ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری در صورت واگذاری تمام یا قسمتی از وظایف دستگاه های اجرایی به بخش غیردولتی کارمندان رسمی یا ثابت شاغل در بخش دولتی می توانند در صورت انتقال به بخش غیردولتی تقاضای تغییر صندوق بازنشستگی را نمایند در این صورت هزینه تغییر صندوق می بایست از سوی دولت تأمین شود و با عنایت به این که شاکی نیز در شرکت مخابرات که در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی دولت به بخش غیردولتی واگذار شده است (بر اثر آن کارکنان شرکت مذکور که قبلاً در بخش دولتی شاغل بوده اند در بخش غیردولتی شاغل محسوب می شوند) شاغل می باشد و با توجه به این که این امر بر اساس تصمیم دولت واقع گردیده است، به موجب بند «د» ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری دولت (وزارت ارتباطات و فن آوری اطلاعات مکلف به تأمین هزینه های مربوطه می باشد، بناء علی هذا با احراز حقانیت خواسته وکیل شاکی و مستنداً به بند «د» ماده ۲۱ قانون مارالذکر و تبصره ۲ ماده ۲۱ آیین نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۸۹/۱/۳۱ هیئت وزیران و مواد ۷ و ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری رأی به ورود شکایت مطروحه صادر و اعلام می گردد. رأی صادره قطعی است.

در اجرای اعمال ماده ۷۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، پرونده به شعبه ۵ تجدیدنظر ارجاع و شعبه مذکور به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۵۵۵۰۱۶۴ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به این که خواسته شاکی تعیین صندوق بازنشستگی کشوری به صندوق تأمین اجتماعی می باشد که با موافقت سازمان بازنشستگی کشوری به انتقال کسور بازنشستگی به سازمان تأمین اجتماعی یا کسر سهم مستخدم و کارفرما پرداخت مابه التفاوت ناشی از تغییر صندوق قبلی به صندوق جدید به موجب جزء (۱) بند «ت» ماده (۲) آیین نامه

اجرائی تبصره ۲ ماده ۲۱ و ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری به عهده شرکت مخابرات می باشد و از آنجایی که برابر رأی وحدت رویه شماره ۷۰۶-۱۰/۱۶/۱۳۹۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با خصوصی شدن دستگاه متبوع مستخدم حقوق مکتسبه او همچنان محفوظ است. بنابراین بنا به جهات فوق رأی معترض عنه عاری از خدشه و منقصد قانونی تشخیص و موجبی جهت اعمال ماده ۷۴ قانون دیوان نمی باشد و لذا ضمن تأیید و استواری رأی مورد اعتراض حکم به رد تجدیدنظرخواهی صادر و اعلام می گردد. رأی صادره قطعی است.

د: شعبه ۳۹ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده های ۱۳۳۱۵-۰۳۹۰۹۹۸۰۹۰۳۹۰۰۱۵۴ و ۹۴۰۹۹۸۰۹۰۳۹۰۰۱۵۴-۹۵۰۹۹۸۰۹۰۳۹۰۰۱۵۴ موضوع دادخواست شرکت سهامی مخابرات استان آذربایجان شرقی- آقای _____ به عنوان وارد ثالث به طرفیت اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی تبریز و شرکت سهامی مخابرات استان آذربایجان شرقی به خواسته اعتراض به رأی ۴۷۰۰-۱۳۹۴/۶/۲۹ هیئت حل اختلاف به موجب دادنامه شماره ۱۳۶۵-۰۳۹۰۹۹۷۰۹۰۳۹۰-۹۵۰۹۹۷/۶/۱۴ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

در خصوص شکایت شرکت سهامی مخابرات استان آذربایجان شرقی به طرفیت اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی تبریز به خواسته نقض رأی شماره ۴۷۰۰-۱۳۹۴/۶/۲۹ هیئت حل اختلاف نظر به مفاد شکایت شاکی و مستندات ابزاری پیوست دادخواست و مفاد لایحه جوابیه طرف شکایت ثبت شده به شماره ۵۹۷-۱۳۹۵/۲/۲۷ و اظهارات طرفین نیز در هیئت های رسیدگی کننده، از آنجا که از سوی شاکی ایراد و اعتراض موجه و مدلی که موجبات نقض رأی معترض عنه را ایجاد نماید، اقامه و ابراز نگردیده و رسیدگی به موضوع با رعایت تشریفات و منطبق با قوانین و مقررات قانون کار و آیین دادرسی کار به عمل آمده لذا شکایت شاکی غیروارد تشخیص و به استناد مواد ۲، ۳، ۲۱ و ۱۴۸ قانون کار و مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت شاکی و ابرام رأی معترض عنه صادر و اعلام می نماید. بنا به مراتب شکایت ورود ثالث آقای در پرونده شمارگان ۱۵۴-۹۵۰۹۹۸۰۹۰۳۹۰۰۱۵۴ سالبه به انتفاء موضوع تلقی و به رد آن اظهار نظر می گردد. رأی صادره ظرف مهلت بیست روز، از تاریخ ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

در اثر تجدیدنظرخواهی شرکت مخابرات استان آذربایجان شرقی شعبه ۱۹ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۱۱۳۵-۹۶۰۹۹۷۰۹۵۶۸۰-۱۳۹۶/۸/۱۷ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض می کند:

با عنایت به محتویات پرونده رأی معترض عنه مخدوش و مستحق نقض است زیرا برابر ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری و مصوبه هیئت وزیران مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۱۷ هزینه تغییر صندوق بعد از انتقال جزء تعهدات شرکت مخابرات نیست و به صراحت قانون مذکور توسط دولت تأمین می شود. بنا به مراتب اعتراض تجدیدنظرخواه مطابق با موازین قانون است و لذا حکم به پذیرش تجدیدنظرخواهی و نقض رأی معترض عنه سپس ابطال رأی هیئت حل اختلاف کار و رد شکایت شاکی صادر و اعلام می گردد. این رأی به استناد ماده ۷۱ و ۳ از قانون دیوان عدالت اداری قطعی است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء، به شرح زیر، به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیئت عمومی

اولاً، تعارض در آراء محرز است.

ثانیاً، مقنن در ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶ مقرر کرده است که با کارمندان رسمی یا ثابت دستگاه‌های اجرایی که تمام یا بخشی از وظایف آن‌ها به بخش غیردولتی واگذار گردد به پنج روش رفتار شود. یکی از این روش‌ها مطابق بند «د» ماده ۲۱ قانون مذکور، انتقال این قبیل کارمندان به بخش غیردولتی است که مجری وظایف و فعالیت‌های واگذار شده می‌باشد. در این حالت و در صورت تمایل کارمندان به تغییر صندوق بازنشستگی، هزینه جابه‌جایی تغییر صندوق ذی‌ربط با حفظ سوابق مربوط توسط دولت تأمین خواهد شد. نظر به این که در پرونده‌های موضوع تعارض با واگذاری شرکت مخابرات به بخش غیردولتی، تغییر صندوق کارمندان مطابق بند «د» ماده ۲۱ قانون پیش‌گفته صورت پذیرفته است. بنابراین هزینه جابه‌جایی صندوق بازنشستگی توسط دولت باید تأمین شود و از این روی رأی شعبه سوم تشخیص دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۵۳۰۰۲۳۴-۱۳۹۳/۴/۱۸ که بر الزام دولت به پرداخت هزینه جابه‌جایی صندوق بازنشستگی صادر شده صحیح و موافق مقررات تشخیص شد. این رأی به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد کاظم بهرامی

رأی شماره‌های ۳۱۷ الی ۳۱۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع تعارض در آراء شعب دیوان عدالت اداری در خصوص شرایط احتساب و پرداخت فوق‌العاده جذب کارکنان غیر هیئت‌علمی در برقراری حقوق بازنشستگی و پاداش پایان خدمت و ذخیره مرخصی کارکنان سازمان غذا و دارو

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس محترم هیئت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۳۱۸-۳۱۷ مورخ ۱۳۹۷/۲/۲۵ جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیر کل هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری- مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۷/۲/۲۵- شماره دادنامه: ۳۱۸-۳۱۷- کلاس پرونده: ۹۷/۳۶۸، ۹۷/۳۶۷

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام‌کننده تعارض: سازمان غذا و دارو و آقای ابراهیم هدایتی (رئیس شعبه ۴ بدوی دیوان عدالت اداری)

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادرشده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: معاونت غذا و دارو با ارائه دو فقره دادنامه از شعبه ۱۳ تجدیدنظر که در مقام اعتراض به آراء شعب ۳ و ۴ صادر گردیده، اعلام داشته است شعبه مذکور راجع به خواسته واحد در خصوص «احتساب و پرداخت فوق‌العاده جذب کارکنان غیر هیئت‌علمی در برقراری حقوق بازنشستگی و پاداش پایان خدمت و ذخیره مرخصی»، آراء متعارض صادر نموده‌اند و تقاضای مورد رأی وحدت رویه کرده است. رئیس شعبه ۴ بدوی دیوان عدالت اداری نیز اعلام کرده است که در خصوص خواسته مذکور شعبه ۴ بدوی رأی به رد شکایت صادر کرده و در شعبه ۱۳ تجدیدنظر مورد تأیید قرار گرفته، ولی شعبه ۲ بدوی رأی به ورود شکایت صادر کرده است که در شعبه ۱۰ تجدیدنظر مورد تأیید قرار گرفته است.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۳ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۸۸۱-۳۰۹۰۰۳۰۹۹۸۰۹۴ با موضوع دادخواست خانم فرزانه توانایی‌پور به طرفیت سازمان بازنشستگی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به خواسته الزام به پرداخت فوق‌العاده جذب کارکنان غیر هیئت‌علمی در برقراری حقوق بازنشستگی و پاداش پایان خدمت و ذخیره مرخصی، به موجب دادنامه شماره ۲۱۱۲-۳۰۹۹۷۰۹۰۳۰۹۵۰۹۵۰۱۳۹۵/۹/۲۰ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به این که بر اساس مصوبه مورخ ۱۳۹۱/۴/۷ به شماره ۴۸۰۹۳/ت/۶۵۶۳۶ هیئت وزیران و نامه شماره ۱۵۵۶/۲۰۹-د/۱۳۹۱/۴/۳۱ معاونت توسعه مدیریت و منابع وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مقرر گردیده که از تاریخ ۱۳۹۱/۴/۱ فوق العاده جذب برای کارکنان غیرهیئت علمی شاغل در ستاد مرکزی وزارت متبوع برقرار گردد و با عنایت به این که بر اساس مصوبه شماره ۴۹۲۳۶-۱۳۸۸/۳/۵ هیئت وزیران، فوق العاده‌های مصوب هیئت‌امنا، مندرج در حکم کارگزینی کارکنان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اعم از هیئت علمی و غیرهیئت علمی، به‌عنوان مزایای مستمر بوده و مشمول کسورات بازنشستگی قرار گرفته‌اند و با عنایت به این که بر اساس مصوبه شماره ۴۵۲۳۲۰/۹۱/۲۰۰-شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری که طی نامه شماره ۱۵/۲۰۹-۱۳۹۲/۲/۸ از سوی معاونت توسعه مدیریت و منابع وزارت بهداشت به صندوق بازنشستگی کشوری اعلام شده که فوق العاده جذب کارکنان شاغل در دانشگاه‌های علوم پزشکی مشمول کسر کسور بازنشستگی قرار گرفته‌اند و با عنایت به این که بر اساس بند «ب» ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و وزارتخانه‌های علوم و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی فقط در چارچوب مصوبات هیئت‌امنا عمل می‌نمایند، بنابراین شکایت شاکی را وارد تشخیص و مستنداً به مواد ۱۰ و ۱۱ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت شاکی صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادر شده ظرف مهلت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در محاکم تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۴۲۹۵-۹۵۰۹۹۷۰۹۵۶۳۰-۹۵۰۹۹۷۰۹۵۶۳۰/۱۱/۲۳ شعبه ۱۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری عیناً تأیید شده است.

ب: شعبه ۴ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۲۰۳-۹۳۰۹۹۸۰۹۰۴۰۱۲۰۳ با موضوع دادخواست آقای نادر خانندی به طرفیت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (سازمان غذا و دارو) سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته الزام طرفین شکایت مبنی بر اصلاح حکم بازنشستگی و الزام به احتساب پرداخت فوق العاده جذب کارکنان غیرهیئت علمی در برقراری حقوق بازنشستگی و پاداش پایان خدمت و مرخصی ذخیره از تاریخ استحقاق به موجب دادنامه شماره ۱۴۹۸-۹۵۰۹۹۷۰۹۰۴۰-۱۳۹۵/۱۱/۹ به شرح زیر، به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به این که شاکی مستخدم سازمان غذا و دارو بوده و از نظر استخدامی به‌عنوان نیروی ستادی تابع قانون مدیریت خدمات کشوری بوده و این که بند «ب» ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه صرفاً دانشگاه‌ها و مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی را خارج از مقررات عمومی و تابع مصوبات هیئت‌امنا دانسته، لذا نیروهای ستادی وزارت بهداشت مشمول مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی می‌باشند. با این وصف فوق العاده جذب غیرهیئت علمی در محاسبه پاداش پایان خدمت و حقوق بازنشستگی به لحاظ این که در ماده ۱۰۶ و ۱۰۷ قانون مدیریت خدمات کشوری به‌عنوان فوق العاده‌ای که می‌بایست مبنای محاسبه قرار گیرد، پیش‌بینی نشده، قابل اعمال نبوده و اقدامات دستگاه متبوع و صندوق بازنشستگی منطبق با مقررات بوده. مستنداً به مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رای مذکور به موجب رأی شماره ۰۵۸۷/۹۵۶۳۰۰۹۹۷۰۹۶-۱۳۹۶/۲/۳-شعبه ۱۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری عیناً تأیید شده است.

ج: شعبه ۲ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۰۷۹/۲۰۰۲۰۰۹۰۰۹۴۰۹۹۸۰۹۰۰۲۰۰۰ با موضوع دادخواست آقای سیدمجید ارکی به طرفیت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته تقاضای اصلاح حکم بازنشستگی و الزام به احتساب فوق العاده جذب کارکنان غیرهیئت علمی در برقراری حقوق بازنشستگی و پاداش پایان خدمت و مرخصی ذخیره شده و پرداخت آن از تاریخ استحقاق به موجب دادنامه شماره ۰۴۷۸/۲۰۰۲۰۰۹۹۷۰۹۰۰۹۴-۱۳۹۴/۵/۳۱ به شرح زیر، به صدور رأی مبادرت کرده است:

در خصوص شکایت مطروحه به شرح فوق الذکر با توجه به مدارک ابرازی و لایحه دفاعیه طرف شکایت، نظر به این که مطابق مفاد بند «الف» ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه و بند «ب» ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی صرفاً بر اساس آیین نامه ها و مقررات اداری مالی مصوب هیئت امنای بدون الزام به رعایت قانون محاسبات عمومی، قانون استخدام کشوری و سایر قوانین و مقررات عمومی اداری و مالی و استخدامی اداره خواهند شد و طبق مصوبه هیئت وزیران در جلسات مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۷ که طی نامه شماره ۴۹۲۳۶/ت/۵۳۶-هـ-۱۳۸۸/۵/۳ معاون اول رئیس جمهور ابلاغ گردیده، فوق العاده های مصوب هیئت امنای مانند فوق العاده جذب مشمول کسورات بازنشستگی قرار گرفته است و این فوق العاده به طور مستمر در زمان اشتغال پرداخت گردیده. لذا شعب مستنداً به دادنامه شماره ۷۵۱-۱۳۸۸/۱۰/۲۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می نماید. بدیهی است چنانچه پرداخت مستلزم اصلاح حکم بازنشستگی باشد، اقدام مقتضی معمول خواهد شد. رأی صادره ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان می باشد.

رای مذکور به موجب رأی شماره ۰۲۷۹۸/۹۵۶۳۰۰۹۹۷۰۹۶-۱۳۹۴/۱۲/۱۹-شعبه ۱۰ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری عیناً تأیید شده است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۲/۲۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء، به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رای هیئت عمومی

اولاً، تعارض در آراء محرز است.

ثانیاً، مطابق حکم بند «ب» ماده ۲۰ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مصوب سال ۱۳۸۹ فقط دانشگاهها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستانهایی که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی ربط می باشند بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه های دولتی به ویژه قانون محاسبات عمومی، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برگزاری مناقصات و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها

و فقط در چارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملات و اداری است‌خدمای تشکیلاتی مصوب هیئت‌امنا که حسب مورد به تأیید وزرای یادشده و در مورد فرهنگستان‌ها به تأیید رئیس‌جمهور می‌رسد، عمل می‌نماید. نظر به این‌که حکم قانون مذکور قابل‌تعمیم به کارکنان وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی و به‌طور کلی دستگاه‌های اجرایی، به غیر از موارد مصرح در بند «ب» ماده ۲۰ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم نیست، بنابراین کارکنان سازمان غذا و دارو که زیرمجموعه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است و مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری می‌باشند، تابع مقررات و مصوبات هیئت‌امنا و مصوبات مربوط نمی‌توانند واقع شوند و تمام پرداخت‌ها در قالب قانون مدیریت خدمات کشوری برای آن‌ها قابل‌اعمال است و مصوبه هیئت وزیران به شماره ۶۵۶۳۶/ت/۴۸۰۹۳-هـ/۱۳۹۱/۴/۷ به‌علت مغایرت با قوانین فوق‌الذکر قابل‌ترتیب اثر نیست. از این رو آراء صادرشده به رد شکایت به شرح مندرج در گردش کار صحیح و موافق مقررات تشخیص شد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد کاظم بهرامی

شکایت شاکی وارد تشخیص و مستنداً به مواد ۷، ۱۳ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت و الزام مشتکی عنه به پرداخت پاداش پایان خدمت بر اساس آخرین مزایای مشمول پرداخت کسور بازنشستگی صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره وفق ماده ۷ قانون دیوان عدالت اداری قطعی است.

ب: شعبه ۱۵ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۲۷۹/۱۵۰۹۹۷۰۹۰۱۵۰ با موضوع دادخواست آقای علی نایب‌زاده به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی استان مازندران به خواسته تجدید محاسبه و پرداخت مابه‌التفاوت پاداش پایان خدمت با احتساب آخرین حقوق و مزایای مشمول کسور بازنشستگی به موجب دادنامه شماره ۱۲۷۹/۱۵۰۹۹۷۰۹۰۱۵۰-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۱۵۰/۱۶/۲۱ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

با عنایت به اوراق و محتوای پرونده و پاسخ مشتکی عنه به شماره ۳۹۰۴۴/ح-۵۰-۱۳۹۰/۱۱/۱۹ که به شماره ۴۶۳۸-۱۳۹۰/۱۲/۳ ثبت دفتر لوائح پیوست پرونده بوده. نظر به این که بر مبنای ماده ۱۰۷ قانون مدیریت خدمات کشوری به کارمندان مشمول این قانون که بازنشسته می‌شوند، به‌ازای هر سال خدمت، یک ماه آخرین حقوق و مزایای مستمر (تا سی سال) به اضافه وجود [وجوه] مربوط به مرخصی‌های ذخیره شده پرداخت خواهد شد و بر اساس مفاد ماده ۷ قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی بانوان شاغل خانواده‌ها و سایر کارکنان مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۱۳ مجلس شورای اسلامی و دادنامه شماره ۴۷۸ الی ۵۰۰-۱۳۸۴/۹/۲۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری ملاک محاسبه و پرداخت پاداش پایان خدمت کارکنان دولت یک ماه آخرین حقوق و فوق‌العاده‌های دریافتی مشمول کسور بازنشستگی به‌ازای هر سال خدمت است. لذا شعبه ۱۵ دیوان با در نظر گرفتن مراتب فوق‌البيان به استناد مواد ۱۳ و ۱۴ مصوب ۱۳۸۵/۳/۹ مجلس شورای اسلامی و ۱۳۸۵/۹/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران حکم به ورود شکایت و الزام خوانده به محاسبه پاداش پایان خدمت با احتساب کلیه حقوق و فوق‌العاده‌های مستمر که مشمول کسور بازنشستگی بوده و پرداخت مابه‌التفاوت آن در حق خواهان صادر و اعلام می‌کند. رأی اصداری طبق ماده ۷ همان قانون قطعی است.

ج: شعبه ۱۶ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شماره پرونده ۱۷۵۵۵/۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰ با موضوع دادخواست آقای شعبانعلی نیک‌پور به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی شعبه یک گرگان به خواسته تجدید محاسبه و پرداخت مابه‌التفاوت پاداش پایان خدمت با احتساب آخرین حقوق و مزایای مشمول کسور بازنشستگی به‌موجب دادنامه شماره ۱۸۰۱۰۱۶۰۹۹۷۰۹۰۱۶۰-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۱۶۰/۶/۳۰ به شرح زیر، به صدور رأی مبادرت کرده است:

در خصوص شکایت آقای شعبانعلی نیک‌پور علیه سازمان تأمین اجتماعی شعبه یک گرگان به خواسته الزام خوانده به تجدید محاسبه پاداش پایان خدمت با توجه به محتویات پرونده و مدارک تقدیمی به‌وسیله شاکی و مدافعات خوانده که منکر ادعای شاکی نشده است و با توجه به منطوق مواد ۷ و ۱۰ و تبصره ماده ۱۰ قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به بازنشستگی بانوان شاغل خانواده‌ها و سایر کارکنان، مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۳ که قانون یادشده را از تاریخ ۱۳۷۹/۱/۱۰ لازم‌الاجرا داشته و خواهان در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۹ بازنشسته شده و پاداش پایان خدمت وی می‌بایست بر مبنای آخرین حقوق و فوق‌العاده‌های دریافتی، به‌ازای هر سال، معادل یک ماه باشد. درحالی که خوانده مبنای پرداخت پاداش پایان خدمت حقوق و فوق‌العاده‌های شغل توسط مزایای مشمول کسور حق بیمه شش ماهه آخر خدمت تا سقف حق بیمه پرداخت کرده که مورد نظر قانون گذار نبوده است. لذا حکم به ورود شکایت و اقدام خوانده به انجام خواسته صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

رأی شماره ۱۰۲۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع ابطال اساسنامه صندوق های بازنشستگی، پس انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت ۱۳۹۳/۰۹/۲۵
مصوب ۱۳۹۸/۵/۲۲ - شماره ۱۷۶۳ - ۹۷۰۱۳ - ۱۳۹۸/۹/۱۳

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۰۲۵ مورخ ۱۳۹۸/۵/۲۲ با موضوع: «ابطال اساسنامه صندوق های بازنشستگی، پس انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت مصوب ۱۳۹۳/۹/۲۵ صنعت نفت» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیر کل هیئت عمومی و هیئت های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۵/۲۲ - شماره دادنامه: ۱۰۲۵ - شماره پرونده: ۹۷/۱۷۶۳

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکای: آقای جلیل سالاری شهر بابکی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال اساسنامه صندوق های بازنشستگی، پس انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت مصوب ۱۳۹۳/۹/۲۵ صنعت نفت

گردش کار: شاکای به موجب دادخواستی ابطال اساسنامه صندوق های بازنشستگی، پس انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت مصوب ۱۳۹۳/۹/۲۵ صنعت نفت را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

احتراماً به استحضار می رساند نظر به اینکه در تاریخچه صندوق اشاره شده که در سال ۱۳۲۶ ایجاد گردیده است ولی مستند قانونی که نص صریح قانون باشد مشاهده نگردید و عنوان می شود که صندوق ها در قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران در سال های ۱۳۳۹ و ۱۳۵۶ در بند «م» ماده ۳۵ مورد تصریح و شناسایی قرار گرفته است که آورده است: «نگهداری و به کار انداختن و بهره برداری از وجوه بازنشستگی و پس انداز کارمندان صنعت نفت با رعایت کامل منافع و مصالح آن ها وجوه بازنشستگی و پس انداز کارمندان صنعت نفت که به هیئت مدیره سپرده شده جزو دارایی و وجوه شرکت نمی باشد. با این وجود هیئت مدیره شرکت نسبت به این وجوه در حکم امین محسوب می شود و هیئت مدیره مکلف به گزارش سالانه اقدامات مربوط به وجوه بازنشستگی به مجمع عمومی می باشد که حکایت از عدم ایجاد شخصیت حقوقی مستقل است. کلیه وظایفی که در فوق اذعان گردیده است، مؤید و مثبت نص صریح و قانون جواز تأسیس صندوق نیست و صرفاً گویای وظیفه ای برای اعضای هیئت مدیره است و تا سال ۱۳۷۷ عملاً صندوق ها به نوعی زیر نظر مدیر اداری شرکت ملی نفت بوده است (ابلاغ مصوبه ۲۰۷۴۱ - ۱۱۸۵/۲۰۱ - ۱۳۷۷/۱۱/۲۶) که در ماده

۱۰ مصوبه مذکور به صراحت بیان داشته است که مدیر اداری شرکت ملی نفت ایران ریاست هیئت مدیره صندوق را عهده دار است و در ماده ۳۳ نیز تصریح دارد که دفاتر مالی صندوق به روش جاری شرکت ملی نفت ایران تنظیم شود، همچنین در ماده ۳۴ مقرر شده است که در موارد پیش بینی نشده در این مصوبه بر اساس مقررات شرکت ملی نفت ایران عمل خواهد شد.

همان گونه که مشاهده می شود، اساساً صندوق ها همچنان در سال ۱۳۷۷ نیز بر اساس مصوبه مذکور فاقد شخصیت حقوقی مستقل بوده و تحت مدیریت شرکت ملی نفت ایران اداره می شود. در سال ۱۳۸۹ در خصوص شمول نظارت و بازرسی سازمان بازرسی کل کشور بر صندوق ها و شرکت های تحت پوشش، استعلامی صورت می گیرد که نظریه یاد شده نیز به صراحت به دولتی بودن صندوق اشاره داشته و دستگاه های نظارتی می باید بر عملکرد آن نظارت داشته باشند (اصل ۱۷۴ قانون اساسی) (نظریه کمیسیون حقوقی مجلس به شماره ۸۹/۶۴/۴۰۴ الف- ۱۳۸۹/۱/۲۵). علی ایحال در سال ۱۳۹۱ با تصویب قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت برای اولین بار در ماده ۱۴ به این صندوق ها اشاره و عنوان شده که باید اساسنامه آن ها برابر مقررات به تصویب مراجع ذی صلاح برسد. ظاهر امر نشان می دهد در زمان تصویب قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت نظر برخی نمایندگان مجلس بر تجمیع این صندوق با سایر صندوق ها بود (تکلیف دولت در ماده ۱۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مبنی بر تصویب اساسنامه های تأمین اجتماعی، خدمات درمانی و صندوق بازنشستگی کشوری و تجمیع آن ها به استناد ماده ۱۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری) ولی به جهت خاص بودن شرایط و مقررات حاکم بر این صندوق، مقنن بر عدم تجمیع اصرار نمود، ولی اساسنامه مذکور در مجلس یا هیئت وزیران محل مناقشه بوده که نهایتاً به عبارت (به تصویب مراجع ذی صلاح) بسنده نمود.

در آذرماه ۱۳۹۳ برای اولین بار و پس از قریب هفتاد سال، بدون مجوز و مستند قانونی هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران در غیاب سایر شرکت های اصلی تابعه وزارت نفت (ذی نفعان در شرکت های ملی پالایش و پخش، شرکت ملی گاز، شرکت ملی صنایع پتروشیمی) خود را مرجع تهیه و تصویب اساسنامه قرار می دهد. تهیه اساسنامه ای که در ماده ۱ به صراحت به غیردولتی بودن صندوق تأکید شده است (ماده ۱ اساسنامه) این در حالی است که مؤسسين هیچ سمتی از طرف ذی نفعان و مالکان مشاعی صندوق ندارند و بدین وسیله نگارندگان قریب به شش صد هزار میلیارد ریال را از اموال و دارایی های هفتادساله شاغلین و بازنشستگان را غیردولتی نشان داده و از اختیار دولت و دستگاه های نظارتی خارج می نمایند. این در حالی است که در بند ۱۳ ماده ۳۳ اساسنامه سال ۱۳۹۵ شرکت ملی نفت تأکید شده است که تهیه و تدوین کلیه ضوابط و مقررات اداری، استخدامی، بازنشستگی شرکت توسط هیئت مدیره تهیه و به مجمع عمومی جهت انجام تشریفات قانونی مطابق مواد ۱۰ و ۱۴ قانون وظایف و اختیارات ارائه می گردد. لذا به کیفیت مزبور ملاحظه می فرمایند حال چگونه است که عده ای خود را صالح به تهیه و تدوین مقررات دانسته و صرفاً هیئت مدیره شرکت ملی نفت را بدون مستند قانونی مرجع تصویب اساسنامه قلمداد و به راحتی حقوق سه شرکت اصلی تابعه وزارت نفت را نادیده و کنار می گذارند و حتی مفاد این اساسنامه خود خوانده به صورت شتاب زده که شک شبهه در ثبت شرکت ها به ثبت رسیده، رعایت نشده است. چراکه در اساسنامه تصریح شده که چهار نفر عضو اصلی و یک نفر عضو علی البدل جمعاً پنج نفر از اعضا باید از کارمندان ارشد شرکت های اصلی تابعه وزارت نفت باشند و در حال حاضر طی هماهنگی با سازمان بازرسی کل کشور، سازمان مزبور حضور شاغلین را به استناد اساسنامه (غیرقانونی که آن را غیردولتی منظور

نموده) در صندوق‌ها ممنوع اعلام کرده است. این در حالی است که نمی‌توان غیردولتی بودن صندوق‌ها به اساسنامه استناد نمود. لیکن مواد اساسنامه را در ترکیب هیئت‌امنا نقض نمود. از طرفی به موجب قانون تعیین تصویب یا اصلاح و تغییر اساسنامه شرکت‌ها و مؤسسات تابعه وزارتخانه‌ها که طبق مجوزهای قانونی ایجاد شده یا می‌شوند با کسب مجوز از مجلس شورای اسلامی و در هر مورد به پیشنهاد وزارت ذی‌ربط و تأیید سازمان امور استخدامی بر عهده هیئت وزیران خواهد بود، همان‌گونه که اصلاح اساسنامه سایر صندوق‌ها بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۱ اصلاحی مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۸۰ به تصویب هیئت وزیران موکول شده است یا در ماده ۱۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳ نیز وزارت رفاه و تأمین اجتماعی مکلف به بررسی و اصلاح اساسنامه‌های کلیه دستگاه‌های اجرایی، صندوق‌ها و نهادهای عمومی فعال در قلمروهای بیمه‌ای، حمایتی و امدادی نظام سایر دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است اقدام و مراتب پس از تأیید شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی به تصویب هیئت وزیران برساند.

بنا بر مراتب فوق، نتیجه‌گیری می‌شود:

اولاً، هیئت‌مدیره شرکت‌های اصلی نه صرفاً شرکت ملی نفت ایران بدواً پیش‌نویس اساسنامه را به کیفیت ضوابط و مقررات سابق تهیه و بدون آنکه الزامات قانونی مبنی بر تصویب آن در مراجع ذی‌صلاح (که قدر متیقن هیئت وزیران خواهد بود) را رعایت نمایند، آن را در مرجع ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی ثبت نمودند که به لحاظ عدم رعایت الزامات قانونی و نحوه تأسیس و ارکان متشکله آن، صندوق موصوف به صورت غیرقانونی به ثبت رسیده است که آثار و تبعات غیرقانونی را به دنبال خواهد داشت. ثانیاً، با توجه به مفاد قوانین و مقررات حاکم بر صندوق فوق‌الذکر استنباط می‌شود همه ارکان و اعضای اداره‌کنندگان آن دولتی هستند و می‌باید اعمال و اقدامات حقوقی خود را به جهت دولتی بودن با یکی از موارد مطرح در قانون محاسبه عمومی منطبق نمایند که این الزام قانونی از سوی هیئت‌امنا رعایت نشده است و افزودن بر آن شایان ذکر است. همان طوری که قضات فرهیخته آن دیوان مستحضرند صرف تصریح عبارت خصوصی بودن آن، در ابتدای بند اول اساسنامه از جهات قانونی نمی‌تواند اقدام غیرقانونی تصویب‌کنندگان اساسنامه را مشروع و صحیح جلوه نماید یا اشکال وارده قانونی اخیرالذکر را مرتفع نماید. مع‌الوصف صندوق‌های بازنشستگی به جهات پیش‌گفته کاملاً دولتی قلمداد می‌شود. لذا اساسنامه موجود از لحاظ شکلی و ماهوی متزلزل و واجد خدشه می‌باشد و قطعاً برای اداره‌کنندگان مسئولیت مدنی و کیفری را به دنبال خواهد داشت و از طرف دیگر معاملات میلیاردری ضرورت رفع موانع قانونی در جهت کنترل و مدیریت آن کاملاً ضروری است. با عنایت به اینکه قوانین و مقررات حاکم بر صندوق در هنگام تأسیس و تشکیل آن به لحاظ فوق‌الاشعار فاقد اعتبار قانونی است طبیعتاً کلیه اقدامات و عملیات هیئت‌امنا باطل محسوب شده و خسارات جبران‌ناپذیری را متوجه ذی‌نفعان و سهامداران که همگی از زحماتشان و مؤثرترین حوزه نفت و انرژی می‌باشند خواهد نمود. لذا در جهت جلوگیری از ضرر و زیان مذکور بدواً تقاضای رسیدگی و صدور دستور موقت مبنی بر توقف عملیات و اقدامات هیئت‌امنا مستنداً به تبصره ماده ۱۲ و ماده ۳۶ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و سپس از سوی قضات هیئت عمومی مبنی بر ابطال اساسنامه فوق‌الاشاره مورد استدعاست.

شاکی به موجب لایحه‌ای در تاریخ ۱۳۹۷/۵/۳ اعلام کرده است که:

ریاست محترم هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً عطف به پرونده شماره ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۲۲۰۰۶۰۴ مطروحه در آن هیئت با خواسته: ۱- رسیدگی و صدور دستور موقت مبنی بر توقف عملیات و اقدامات هیئت امنای صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارمندان صنعت نفت ۲- صدور حکم مبنی بر ابطال اساسنامه صندوق مزبور به شماره ثبت ۳۵۷۲۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۸۱۶۲۴۹ به دلیل ضرر و زیان فاحش حیف و میل دارایی‌های صندوق و غیرقابل جبران و برگشت‌ناپذیر بودن منابع متعلق به اعضای قانونی صندوق، دلایل و خلاصه مستندات گزارش‌های حساب‌رسان و بازرسان قانونی به شرح زیر جهت تبیین موضوع و تصمیم شایسته مبنی بر صدور دستور موقت و ابطال اساسنامه مزبور به استحضار می‌رساند از تاریخ تأسیس شرکت ملی نفت ایران به موجب قانون اساسنامه شرکت مذکور و مصوبات هیئت‌مدیره آن که هر یک حکم قانون داشته است نظامنامه و نحوه اداره امور صندوق به صورت شخصیت حقوقی خاص تحت نظارت مدیریت‌های مالی و اداری و حسابرسی داخلی نفت وجود داشته است و به هیچ وجه پس از گذشت حدود هفتاد سال احتیاج به تنظیم و تصویب اساسنامه غیرقانونی مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۹ بدون اذن و اطلاع اعضا و ذی‌نفعان نبوده است. از حدود هفتاد سال پیش تا سال ۱۳۹۳، صندوق چگونه اداره می‌شده است، قطعاً به موجب قانون که نسبت به اساسنامه غیر لازم فعلی حکم قانون آمره دارد و اساسنامه خودبه‌خود کان لم یکن و بلا اثر می‌شود. در اساسنامه غیرقانونی فعلی نام صندوق مؤسسه غیردولتی شده است. در صورتی که در آگهی تأسیس غیرقانونی در هشت روز پس از تاریخ اساسنامه نام صندوق غیرتجاری عنوان شده است با مبلغ دارایی صفر که حکم کتمان حقایق از عموم جامعه و نهادهای قانونی است. در حالی که در تمام جهان ماهیت صندوق‌های بازنشستگی تجاری و مالی و درآمدزایی به نفع ذی‌نفعان است.

حتی در مفاد اساسنامه و تأسیس غیرقانونی به ثبت رسیده در سال ۱۳۹۷ تضاد آشکار در متن هر دو سند که بارها از به کار انداختن وجوه در سرمایه‌گذاری‌ها و خرید و فروش و به دست آوردن منفعت و نقل و انتقال دارایی و تأسیس شرکت‌های تجاری و بهره‌برداری اقتصادی حکایت دارد که نوعاً کتمان حقایق از قانون و مقنن و جامعه و حکومت می‌باشد. وجوه صندوق بازنشستگی کارکنان صنعت نفت به موجب قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران و مصوبات هیئت‌مدیره که هیئت‌امنا صندوق نیز هستند، امانی است و وزارت نفت و وزیر نفت نقش نظارت دارند. این در حالی است که شخص وزیر در امور اجرایی صندوق برخلاف قوانین و بر طبق اساسنامه جدید غیرقانونی تصمیم‌گیری نموده و می‌نماید. مطابق گزارش حساب‌رسان و بازرسان قانونی اغلب دخل و تصرفات کلان در دارایی‌ها و اموال صندوق بدون مراجعه و مصوبات و مجوز هیئت‌امنا صورت گرفته است که علاوه بر تخلفات و اقدام غیرقانونی منجر به ضرر و زیان فاحش غیرقابل جبران و برگشت شده است به عنوان نمونه فقط یکی از هلدینگ‌های زیرمجموعه صندوق مرکب از ده شرکت از سال ۱۳۹۲ تاکنون عملکرد مشروط و مردود اعلام شده‌اند، بیش از دو هزار میلیارد تومان ضرر و زیان و مطالبات سوخت شده و لاوصول در گزارش‌های حسابرسی و بازرسی اعلام شده هیئت‌امنا موظف است نرخ بازده سرمایه‌گذاری‌ها و به کارگیری دارایی‌ها را در تجارت در ابتدای هر سال تعیین کند که در سال ۱۳۹۳ نرخ را حداقل ۱۴ درصد تعیین که عملکرد حدود ۴ تا ۶ درصد شده است. در برخی سال‌ها هیئت‌امنا برخلاف وظیفه قانونی اقدامی نداشته و نرخ بازده تعیین نکرده است.

هیئت‌رئیسۀ صندوق که زیرمجموعه هیئت‌امنا هستند، برخلاف حدود تعیین شده و فراتر از حدود اختیارات بدون کسب مصوبه و اطلاع هیئت‌امنا صندوق هلدینگ بزرگ شرکت سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کارکنان صنعت نفت را مرکب از بیش از یکصد شرکت و طرح و پروژه‌های بزرگ نفت و گاز و تولیدی و تجاری و سهام‌های متنوع و هنگفت که جمع دارایی‌های آن بالغ بر ۳۰,۰۰۰ میلیارد تومان بوده است با حدود بیست سال سابقه تجاری و تولیدی و اقتصادی در سال ۱۳۹۶ منحل و آن را در یک شرکت سهامی عام جدید تأسیس به نام شرکت سرمایه‌گذاری اهداف بدون مجوز و تصویب هیئت‌امنا و بدون اذن ذی‌نفعان و اعضای صندوق بدون هیچ‌گونه ضرورتی با اهداف نامعلوم و مشکوک ادغام کرده است که قانوناً لازم است اقدام اصلاحی و برگشتی در جهت حفظ منافع ذی‌نفعان طبق موارد مصرح در قوانین به فوریت انجام شود تا از هرگونه ضرر و زیان بیشتر به ذی‌نفعان و اعضای صندوق جلوگیری شود. ارزیابی عملکرد و پیش‌بینی توان مالی صندوق و محاسبات بیمه‌ای فنی به دلیل وضعیت بسیار پایین مالی اقتصادی صندوق متوقف است. در صورتی که هیئت‌امنا و هیئت‌رئیسۀ موظف هستند هر سه سال توسط مراکز تخصصی این مهم را به انجام رسانند و به اعضا و ذی‌نفعان صندوق حداقل دورنمای اقتصادی مطلوبی را تا بیست سال آینده نشان دهند.

گزارش‌های حسابرسی و بازرسی قانونی سال ۱۳۹۳ نشان می‌دهد بیش از نصف دارایی‌های صندوق به صورت طلب می‌باشد که امید به وصول و نقدشدن آن‌ها کمتر از بیست درصد است. صندوق بیش از یک‌چهارم دارایی و اموال خود را بدهی دارد که منابع تسویه آن‌ها مشخص نمی‌باشد. مبالغ جزئی سود و عملکرد موهوم و تأمین نقدینگی ندارد که در مطالبات مشکوک‌الوصول نهفته و مشروط است. مبالغ انبوه سهام‌های شرکت‌های سطح پایین و بی‌ارزش طبق گزارش‌های حسابرسی خریداری شده است که امروز از قیمت خرید اولیه و بازار بسیار پایین‌تر است و طبق کارگزاران و کارشناسان بازار سرمایه حتی یک برگ آن قابل فروش نیست و خریدار ندارد. لازم است اقدام کنندگان و تصمیم‌گیرندگان در هر زمانی که اقدام کرده‌اند به مراجع قانونی و اعضای صندوق پاسخ‌گو باشند با چه توجیه اقتصادی و چه اهداف نامعلوم و غیرشفافی این نوع معاملات زیان‌دیده را انجام داده‌اند که امروز از قیمت خرید اولیه و بازار بسیار پایین‌تر است. لذا از آنجا که تهیه و تدوین و تصویب اساسنامه صندوق‌های بازنشستگی کارکنان صنعت نفت بدون مجوزهای قانونی به کیفیت دادخواست تقدیمی به هیئت عمومی منجر به کمرنگ‌شدن نقش دخالت مالکان حقیقی به وجوه اموال مشاعی در صندوق مذکور و ممانعت از نظارت بسیار محدود استصوابی آن‌ها و حضور حسابرسی داخلی شرکت ملی نفت شده است این در حالی است که وجوه صندوق متعلق به عموم اعضا و ذی‌نفعان در حقیقت مالکان مشاعی وجوه صندوق می‌باشد و همواره می‌توانند از دستگاه‌های نظارتی سازمان متبوع خود انتظار رسیدگی و نظارت اطمینان‌بخش به گردشکار صندوق و عملکرد سالم و شفاف آن داشته باشند که این حق از شاغلین و بازنشستگان ذی‌نفع سلب شده است که نتایج این محرومیت‌ها و اقدامات سلیقه‌ای و بدون مجوز انحلال بزرگ‌ترین هلدینگ سرمایه‌گذاری صندوق (اپیک) و ادغام آن در یک شرکت سرمایه‌گذاری کاغذی اهداف، خرید سهام‌های کاغذی غیرسودآور که منجر به رکود و از بین رفتن بخش عظیمی از سرمایه صندوق شده است، در مقابل افزایش سطح دخالت اشخاص متفرقه خارج از صنعت نفت و ایجاد شرایط عدم پاسخگویی به شاغلین و بازنشستگان که جمع خانوادگی نزدیک به ۱,۵ میلیون نفری را تشکیل می‌دهد، شده است. مطابق بخش‌هایی از گزارش حسابرسی و بازرسی قانونی بسیار محدود قابل دسترسی، حاکی از تخلفات و سوء مدیریت‌های گسترده برخلاف حتی اساسنامه صندوق و قانون تجارت و قانون اساسنامه شرکت ملی نفت، مجموعه مقررات اداری و استخدامی

صنعت نفت شده است. بلایی که بر سر صندوق ذخیره فرهنگیان آمده است شدیدتر و به شکل پراکنده و تدریجی امروز گریبان گیر صندوق بازنشستگی صنعت نفت شده که مراجعه به گزارش‌های محدود حسابرسان و بازرسان قانونی شرکت‌های ریز و درشت و هلدینگ‌های صندوق عمق فاجعه‌ای را که رخ داده و صندوق را به ورشکستگی به تقصیر می‌برد نشان می‌دهد، تأسیس تعداد کنیری شرکت تأسیس شده در خارج از کشور که تاکنون هیچ سودی از جانب آن‌ها به داخل کشور واریز نشده است. لذا با عنایت به مواد پیش گفته تقاضای رسیدگی و صدور حکم مبنی بر ابطال اساسنامه از قضاات هیئت عمومی مورد استدعاست.

متن اساسنامه مورد اعتراض به قرار زیر است:

صورت جلسه هیئت‌امنا صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت:
جلسه هیئت‌امنا صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت در ساعت ۱۶ روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۵ در محل ساختمان مرکزی شرکت ملی نفت ایران با حضور اعضای هیئت‌امنا تشکیل گردید. ابتدا آقای بیژن نامدار زنگنه به‌عنوان رئیس جلسه و آقایان رکن‌الدین جوادی اهری و حبیب‌امین فر به‌عنوان ناظر و آقای حمید مهدی‌زاده راینی به‌عنوان منشی جلسه انتخاب شدند. سپس دستور جلسه به شرح زیر توسط منشی قرائت گردید:
دستور جلسه: تصویب اساسنامه صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت
پس از قرائت دستور جلسه و طرح موضوع، هیئت‌امنا به اتفاق آراء بر اساس بند «م» ماده ۳۵ اساسنامه شرکت ملی نفت ایران و ماده ۱۴ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۱، اساسنامه صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت را مشتمل بر ۲۷ ماده و ۱۰ تبصره به شرح ۱۳ صفحه پیوست تصویب نمود.
صورت جلسه هیئت‌امنا به شماره ۲۳۸۳۱۹-۱۳۹۳/۵/۲۶ و پیوست آن کان لم یکن تلقی می‌گردد. هیئت‌امنا به ریاست هیئت‌رئیس به حق توکیل به غیر وکالت داد تا با مراجعه به اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری نسبت به ثبت این صورت جلسه و امضای اوراق و دفاتر مربوط و انتشار آگهی در روزنامه رسمی شرکت اقدام نماید. جلسه در ساعت ۳۰/۱۸ به پایان رسید.

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیر امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران به‌موجب لایحه شماره ح/ ۳۳۴۷۶۵-۱۳۹۷/۷/۱۸ توضیح داده است که:

ریاست و اعضای محترم هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: پرونده شماره ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۲۲۰۰۶۰۴، کلاسه پرونده ۹۷۰۱۷۶۳ به شماره بایگانی ۳۵۳۶۳

با سلام

احتراماً، عطف به ابلاغ نامه مورخ ۱۳۹۷/۶/۱۳ پرونده کلاسه فوق صادره از دفتر آن هیئت در خصوص شکایت آقای جلیل سالاری شهر بابکی به‌طرفیت، شرکت ملی نفت ایران به‌خواسته «ابطال اساسنامه صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت به شماره ثبت ۳۵۷۲۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۸۱۶۲۴۹»، مراتب زیر در پاسخ به شکایت مزبور به استحضار رسیده و مستندات مربوط به پیوست تقدیم می‌گردد:

بر اساس مفاد شکایت شاکی، عمده اعتراضات وی حول چهار محور ذیل خلاصه می‌گردد:

- ۱- نبود شخصیت حقوقی مستقل برای صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت؛
 - ۲- اعتراض به تهیه و تصویب اساسنامه صندوق‌های یادشده توسط هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران در غیاب سایر شرکت‌ها؛
 - ۳- ادعای دولتی‌بودن صندوق‌های موصوف؛
 - ۴- ایراد نسبت به ترکیب هیئت‌امنانی صندوق‌های مذکور؛
- لذا ضمن تشریح و تبیین کامل پیشینه قوانین و مقررات حاکم و ماهیت و جایگاه قانونی صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت از بدو تأسیس، پاسخ هریک از ادعاها و اعتراضات فوق‌الذکر به تفکیک و به‌طور مستند و مستدل به شرح ذیل به استحضار می‌رسد:

اول- ایرادات شکلی

الف- بر اساس مفاد بند (۱) ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود، جزو حدود صلاحیت و وظایف هیئت عمومی دیوان عدالت اداری تعیین شده است. این در حالی است که اساسنامه صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت اساساً و به‌لحاظ ماهیت، جزو آیین‌نامه‌ها و نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی نبوده و موضوع فعالیت صندوق، پرداخت مستمری به کارمندان بازنشسته صنعت نفت و بازماندگان کارمندان متوفی و ارائه خدمات درمانی، معیشتی و رفاهی کارمندان بازنشسته و افراد تحت تکفل آنان می‌باشد که با توجه به ماهیت غیردولتی صندوق‌های فوق‌الاشعار، طرح و رسیدگی به شکایت مزبور به خواسته ابطال اساسنامه، در آن هیئت فاقد محمل قانونی است.

ب- برابر مقررات آیین دادرسی رسیدگی در دیوان عدالت اداری شاکی مکلف است طرفین دعوی را به نحو صحیح و در ستون خواسته مشخص نماید این در حالی است که شکایت حاضر به دلیل عدم طرح آن به طرفیت اداره ثبت شرکت‌ها به‌عنوان مرجع ثبت شخصیت حقوقی اساسنامه صندوق، ناقص و شایسته رد می‌باشد.

دوم- ایرادات ماهوی

- الف- مقررات صنعت نفت در خصوص صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت:
- ۱- تبصره (۲) ماده (۸) قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۳۹
 - ۲- تبصره (۲) ماده (۹) و بند (م) ماده ۳۵ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۴۷
 - ۳- تبصره (۲) ماده (۹) و بند (م) ماده ۳۴ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۳
 - ۴- ماده ۳۵ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶:

وظایف و اختیارات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران
ماده ۳۵: «هیئت‌مدیره در حدود مقررات این اساسنامه دارای اختیار برای اجرای وظایف مصرح در این اساسنامه،
من جمله وظایف زیر می‌باشد:

(الف).....

(ز) بررسی و تنظیم کلیه آیین‌نامه‌های داخلی شرکت؛

مقررات استخدامی و بازنشستگی و اداری و فنی و حسابداری و حسابداری و معاملات شرکت در کلیه
شرکت‌های فرعی نیز لازم‌الاجرا خواهد بود؛

(م) نگهداری و به‌کارانداختن و بهره‌برداری از وجوه بازنشستگی و پس‌انداز کارمندان صنعت نفت با مراعات
کامل منافع و مصالح آن‌ها؛

وجوه بازنشستگی و پس‌انداز کارمندان صنعت نفت که به هیئت‌مدیره سپرده شده جزو دارایی و وجوه
شرکت نمی‌باشد. با وجود این، هیئت‌مدیره شرکت نسبت به این وجوه در حکم امین محسوب می‌شوند.
هیئت‌مدیره مکلف است سالی یک بار گزارش کامل اقدامات مربوط به وجوه بازنشستگی را به مجمع
عمومی تسلیم دارد.

علاوه بر این قانون‌گذار به‌موجب مستندات اشاره‌شده در بندهای فوق‌الذکر و همچنین تبصره (۲) ماده
(۱۰) قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶، ضمن پذیرش ماهیت قانونی صندوق‌های
بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان ایرانی صنعت نفت، وجوه صندوق‌های مذکور و مستمری بازنشستگی
کارمندان صنعت نفت را نیز معاف از هرگونه مالیات دانسته است.

۵- ماده ۵۷ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶:

کلیه عملیات شرکت اعم از امور مالی و استخدامی و استفاده اشخاص و اداره اموال و انجام معاملات و اقدام
به هر امری به‌منظور توسعه و پیشرفت هدف‌های شرکت تابع اصول بازرگانی می‌باشد. انجام امور مزبور به
تشخیص هیئت‌مدیره و طبق مقررات داخلی شرکت بوده و از هرگونه تشریفات و مقرراتی که مغایر این
اساسنامه باشد معاف خواهد بود. شرکت جز مواردی که صریحاً مقرر شده باشد، از شمول مقررات و قوانین
عمومی مربوط به وزارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مستثنا خواهد بود.

۶- مواد (۱۰) و (۱۴) قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱/۲/۱۹:

ماده ۱۰- نظام‌های اداری و استخدامی و پرداخت حقوق و مزایای آن دسته از کارکنان شرکت‌های تابعه وزارت
نفت که در واحدهای عملیاتی و تخصصی شاغل می‌باشند، با رویکرد تقویت رقابت‌پذیری و سرعت‌بخشیدن
به بهره‌برداری از میادین مشترک و حفظ نیروی انسانی متخصص تابع آیین‌نامه خاصی است که بدون الزام
به رعایت قانون مدیریت خدمات کشوری با رعایت سایر قوانین و مقررات مربوطه و با پیشنهاد وزارت نفت
و تأیید معاونت توسعه مدیریت و سرمایه‌انسانی رئیس‌جمهور تهیه می‌شود و حداکثر ظرف شش ماه پس از
لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب رئیس‌جمهور می‌رسد.

ماده ۱۴- کارکنان وزارت نفت و شرکت‌های تابعه از نظر بازنشستگی و امور رفاهی تابع صندوق‌های

بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت می‌باشد که اساسنامه آن‌ها برابر مقررات به تصویب مراجع ذی‌صلاح می‌رسد.

تبصره ۱- وجوه بازنشستگی و پس‌انداز کارکنان عضو صندوق‌های مذکور جزو دارایی‌های وزارت نفت و شرکت‌های تابعه نمی‌باشد.

لازم به ذکر است که آیین‌نامه یادشده تحت عنوان آیین‌نامه نظام‌های اداری و استخدامی کارکنان صنعت نفت توسط وزارت نفت پیشنهاد و پس از تأیید معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری، در تاریخ ۱۳۹۳/۹/۱ به تصویب رئیس‌جمهور رسیده و طی نامه شماره ۹۲۲۹۲-۱۳۹۳/۹/۱ توسط رئیس دفتر و سرپرست نهاد ریاست جمهوری جهت اجرا به وزارت نفت ابلاغ شده است.

۷- بند (۳۴) ماده (۲) آیین‌نامه نظام‌های اداری و استخدامی و حقوق و مزایای کارکنان صنعت نفت مصوب ۱۳۹۳/۹/۱ در بخش تعاریف مقرر نموده است، اصطلاحات و عناوینی که در این آیین‌نامه به کار می‌رود تابع تعاریف و مفاهیم مشروح در این ماده می‌باشد.

بند ۳۴- صندوق‌ها: عنوان اختصاری «صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت» می‌باشد که بر اساس ماده (۱۴) قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت و تبصره‌های ذیل آن دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و طبق اساسنامه مربوط اداره می‌شود. «علی‌هذا با عنایت به تأیید موقعیت و موجودیت صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت در مقررات فوق و نفوذ و تسری مقررات اداری و استخدامی صنعت نفت تا تاریخ تصویب آیین‌نامه مورد بحث و نیز مفاد ماده ۴۰ آیین‌نامه مزبور که مقرر می‌دارد: «مقررات اداری و استخدامی صنعت نفت که تا تاریخ تصویب این آیین‌نامه و در چارچوب مفاد آن مجری و ملاک عمل بوده است، کماکان قابلیت اجرا خواهد داشت.» خاطر نشان می‌سازد:

اولاً- به موجب مقررات موصوف وجوه بازنشستگی و پس‌انداز کارکنان صنعت نفت جزو دارایی و وجوه شرکت ملی نفت ایران نبوده و علت عدم تعلق وجوه مذکور و استثنای آن از اموال و دارایی شرکت ملی نفت ایران، ماهیت غیردولتی بودن این وجوه می‌باشد. بر این اساس قانون‌گذار هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران را به عنوان امین وجوه بازنشستگی و پس‌انداز کارکنان عضو صندوق مرقوم معرفی نموده تا در راستای حفظ مصالح و منافع صاحبان آن اهتمام ورزد. مراتب غیردولتی بودن وجوه مذکور در تبصره (۱) ماده (۱۴) قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت نیز با عبارت «وجوه بازنشستگی و پس‌انداز کارکنان عضو صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت جزو دارایی‌های وزارت نفت و شرکت‌های تابعه نمی‌باشد»، مجدداً مورد تأیید و تأکید قانون‌گذار قرار گرفته است.

علاوه بر تصریح مفاد بند (م) از ماده (۳۵) قانون اساسنامه مصوب ۱۳۵۶ در عدم تعلق وجوه بازنشستگی به شرکت و نتیجتاً غیردولتی بودن آن وجوه، ذکر ماده (۱۳) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ نیز در تأیید مراتب فوق خالی از وجه نمی‌باشد:

ماده ۱۳- وجوه عمومی عبارت است از نقدینة‌های مربوط به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و مؤسسات وابسته به سازمان‌های مذکور که متعلق حق افراد و

مؤسسات خصوصی نیست و صرف نظر از نحوه و منشأ تحصیل آن منحصرأً برای مصارف عمومی به موجب قانون قابل دخل و تصرف می‌باشد.

ثانیاً، به دلالت مفاد بند (ز) از ماده (۳۵) قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶، اداره وجوه بازنشستگی و پس انداز کارکنان صنعت نفت جزو اختیارات و وظایف هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران می‌باشد. همچنین بند (م) ماده مذکور، نگاهداری و به کار انداختن و بهره برداری از وجوه بازنشستگی و پس انداز کارمندان صنعت نفت را جزو وظایف و اختیارات هیئت مدیره شرکت اعلام داشته و مستتباً از قاعده اذن در شیء اذن در لوازم و مقدمات است (ماده ۶۷۱ قانون مدنی)، بدیهی است اقدام به وضع مصوبه شماره ۲۰۷۴۱-۲۰۱/۱۱۸۵ مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۲۶ هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران با عنوان «مقررات مربوط به اداره صندوق های، بازنشستگی پس انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت» به عنوان اولین مقررات مرتبط با نحوه اداره صندوق های مذکور، اقدامی قانونی و منطبق با مفاد وظایف و اختیارات اشاره شده هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران بوده است. در مانحن فیه مصوبه مذکور معرف و تعیین کننده ارکان و اعضای هیئت اداری و کنترل کننده صندوق های بازنشستگی، پس انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت بوده و نگاهی اجمالی به مفاد مواد مصوبه مذکور از جمله مواد (۱)، (۲) و (۶) آن، مؤید مطالب معروضه فوق می‌باشد:

ماده ۱- صندوق های بازنشستگی، پس انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت که از این پس در این مصوبه «صندوق» خوانده می‌شود، با حفظ حقوق، اختیارات و مسئولیت های ساختارهای اداری قبلی در چهارچوب این مصوبه اداره خواهد شد.

ماده ۲- دارائی های صندوق:

آنچه به عنوان دارایی های صندوق صرفاً در صورت های مالی منظور می‌گردد عبارت است از:

الف- اموال دارایی های جاری حقوق و امتیازات سهام منافع و مطالبات حال شده و آتی متعلق به صندوق ها...

ارکان صندوق

ماده ۶- صندوق دارای ارکان زیر است:

۱- هیئت امنان

۲- هیئت مدیره (هیئت رئیسه)

۳- رئیس صندوق

۴- بازرس

علاوه بر این به دلالت ماده ۵۷ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران نیز شرکت جز در مواردی که صریحاً مقرر شده باشد از شمول مقررات و قوانین عمومی مربوط به وزارتخانه ها و شرکت های دولتی و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مستثنا می‌باشد. لذا اقدامات و تصمیمات متخذه توسط هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران به عنوان هیئت امنای صندوق های بازنشستگی در جهت تنظیم و تدوین مقرراتی در خصوص نحوه اداره صندوق های بازنشستگی صنعت نفت منطبق با وظایف و اختیارات قانونی حاصل از مقررات فوق الاشعار می‌باشد.

با عنایت به مراتب فوق تصدیق می‌فرمایند که: وجوه مارالذکر (وجوه بازنشستگی و پس‌انداز کارکنان صنعت نفت) اساساً جزو نقدینه‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی نمی‌باشد. از این حیث از شمول مقررات عمومی کشور مستثنا می‌باشند. همچنین به دلالت مفاد مواد ۲، ۳، ۴ و ۵ قانون محاسبات عمومی کشور که به تعریف وزارتخانه، مؤسسه دولتی، شرکت دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی پرداخته است، صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت اساساً و به لحاظ ماهیت خاص آن از دایره تعاریف فوق خارج می‌باشد.

برابر صریح ماده مذکور «نقدینه‌هایی که متعلق حق افراد و مؤسسات خصوصی است از شمول وجوه عمومی خارج می‌باشد». لذا وجوه بازنشستگی و پس‌انداز کارکنان صنعت نفت نیز متعلق حق کارکنان عضو صندوق می‌باشد که به تجویز بند (م) ماده ۳۵ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶، هیئت‌مدیره شرکت متبوع و به موجب اختیارات قانونی حاصل از اساسنامه فوق‌الذکر به‌عنوان هیئت‌امنا، اداره آن وجوه را در اختیار دارد.

وجوه مذکور به دلالت بند (م) مورد اشاره و همچنین تبصره (۱) ذیل ماده (۱۴) قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، نه تنها برای مصارف عمومی در نظر گرفته نشده است، بلکه مطابق تکلیف مندرج در بند فوق و همچنین ماده (۳) مقررات مربوط به اداره صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت، با رعایت مقررات و در جهت حفظ مصالح و منافع کارمندان شاغل و بازنشستگان و با به کارگیری و بهره‌برداری از دارایی‌ها امکانات و وجوه در اختیار و با در نظر گرفتن صرفه و صلاح کارمندان در اختیار صندوق بوده و هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران نیز به‌عنوان هیئت‌امنا آن تعیین شده‌اند.

به دلیل وصف غیردولتی بودن وجوه مذکور، قوانین و مقررات عمومی ناظر به دستگاه‌های دولتی نمی‌تواند به نحوه اداره این وجوه تسری یابد. علاوه بر مراتب فوق و در جهت تشخیص ذهن اعضای آن هیئت و به منظور تأکید مجدد بر غیردولتی بودن وجوه بازنشستگی کارمندان صنعت نفت ذکر متن فتوای صادره از سوی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) که در پاسخ به سؤال سرپرست وقت صندوق رفاه و بازنشستگی هواپیمایی جمهوری اسلامی در خصوص وجوه بازنشستگی کارکنان هواپیمایی جمهوری اسلامی که دارای صندوقی مشابه با کارکنان صنعت نفت می‌باشند، صادر گردیده خالی از وجه نمی‌باشد:

سؤال اول: برابر مقررات مصوبه در شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران تشکیل صندوق بازنشستگی کارکنان این شرکت به منظور تأمین آینده مستخدمین و خانواده تحت تکفل آنان پیش‌بینی شده است. آیا انتقال وجوه این صندوق که اختصاص به بازنشستگان و موظفین شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران دارد (و اختصاصاً برای پرداخت حقوق بازنشستگی و مستمری به کارکنان این شرکت در نظر گرفته شده است) به صندوق دیگری جهت صرف در مورد بازنشستگی کارکنان دیگر از بخش دولت که هیچ‌گونه سهمی در این صندوق ندارند و مضافاً بدون موافقت کارکنان هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران از لحاظ شرعی دارای مشروعیت است یا خیر؟

پاسخ: بسمه تعالی؛ اگر مخالف با مقررات استخدامی کارکنان است باید رضایت آن‌ها تحصیل شود. علاوه بر این در استفسار احد از کارکنان شرکت ملی نفت ایران از محضر حضرت آیت‌ا... مکارم شیرازی در مورد مفاد بند (م) ماده ۳۵ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران، سؤالاتی به شرح زیر مطرح گردیده که سؤالات مطروحه و پاسخ‌های ارائه شده، عیناً به شرح زیر می‌باشد:

سؤال اول: آیا می‌توان این صندوق را با صندوق دیگری همچون بازنشستگی کشوری یا تأمین اجتماعی ادغام و وجوه آن را مخلوط نموده و افراد غیر عضو را در منافع آن سهیم نمود؟

سؤال دوم: آیا غیر از مشترکین و هیئت‌امای صندوق، اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر اذن تصرف و جابه‌جایی وجوه را بدون کسب رضایت صاحبان اصلی دارند؟

بسمه تعالی

ج ۱: در صورتی که برخلاف مقررات نباشد و اعضای دو صندوق راضی باشند مانعی ندارد.

ج ۲: آن‌ها مأذون بر این کار نیستند.

۶- در تأیید غیردولتی بودن وجوه مذکور و به تبع آن غیردولتی بودن صندوق‌های مرقوم، اداره کل حقوقی و امور مجلس دیوان محاسبات کشور طی نامه شماره ۲۰۱/۱۵۲-۲۰۱۹/۵/۱۳۷۹ و در پاسخ به استعلام دادرس شعبه هفتم دیوان عدالت اداری ضمن تلقی وجوه صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت به‌عنوان وجوه غیردولتی به دلالت ضمنی نسبت به غیردولتی بودن صندوق‌های مذکور و عدم شمول قانون محاسبات عمومی بر آن اعلام نظر کرده است.

۷- با توجه به تعاریف به‌عمل آمده در قانون محاسبات عمومی کشور، صندوق‌های بازنشستگی پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت نیز در زمره نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی موضوع قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳/۴/۲۹ قرار ندارد و مطابق مفاد تبصره (۳) ماده ۱۱ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳ موضوع ماده واحده قانون اصلاح برخی از مواد قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۸۰/۵/۲۴ از شمول قوانین و مقررات عمومی دولت مستثنا شده است. با عنایت به مراتب فوق، تصدیق می‌نمایند که غیردولتی بودن ماهیت حقوقی وجوه بازنشستگی و پس‌انداز کارکنان صنعت نفت و صندوق‌های مذکور محرز و مسلم است.

ب- شناسایی صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت در سایر مقررات صنعت نفت: علاوه بر مقررات فوق، صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت در سایر مقررات از جمله مقررات اداری و استخدامی کارمندان و همچنین مقررات بازنشستگی و آیین‌نامه نظام‌های اداری و استخدامی کارکنان صنعت نفت نیز مورد شناسایی قرار گرفته است:

۱- بر اساس مفاد بندهای (۲-۲-۲)، (۲-۲-۳)، (۲-۲-۴)، (۲-۲-۵) مجموعه مقررات بازنشستگی کارمندان صنعت نفت، مقصود از صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان شرکت ملی نفت ایران، صندوق‌هایی

- است که طبق بند (م) از ماده ۳۵ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶ و فصل ۱۰ این مجموعه مقررات به منظور تأمین وجوه و تأدیه کسور یا وجوهی که طبق این مقررات به حساب آن اختصاص داده شده یا بشود تأسیس شده است. همچنین منظور از هیئت‌امنا در این مقررات اعضای هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران می‌باشد که در حکم امین صندوق بازنشستگی محسوب می‌شوند.
- ۲- مفاد بند ۲۱-۱-۰۴ فصل اول مقررات اداری و استخدامی کارمندان در تعریف مستمری چنین مقرر می‌دارد:
- مستمری وجوهی است که از طرف صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت به‌صورت ماهانه به کارمندانی که به سن بازنشستگی عادی می‌رسند یا از کارافتاده کلی دائم می‌گردند، بر اساس مقررات تعیین مستمری پرداخت می‌شود.
- ۳- همچنین بند ۱-۹-۰۱ فصل نهم مجموعه مقررات اداری و استخدامی کارمندان با عنوان مزایا و طرح‌های رفاهی چنین مقرر می‌دارد: «در اجرای ماده ۶۳ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران و به منظور تهیه مسکن و تأمین رفاه کارمندان صنعت نفت ایران، صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت که به‌اختصار «صندوق» نامیده می‌شود، وام مسکن به کارمندان پرداخت می‌نماید.
- ۴- بند (ج) ماده (۳۵) آیین‌نامه نظام‌های اداری و استخدامی کارکنان صنعت نفت: تعیین مستمری: «صندوق بازنشستگی صنعت نفت طبق مقررات اداری و استخدامی بر مبنای معدل ۲۴ ماه حقوق... متعهد به تعیین و پرداخت مستمری/ مقرر می‌باشد.

ج- جایگاه و شخصیت حقوقی مستقل صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت

- ۱- علی‌الاصول ایجاد شخصیت حقوقی مستقل مؤسسات منوط به ایجاد آن توسط قانون‌گذار و یا تأسیس مؤسسه یا انجام سایر تشریفات مربوط از طریق اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری توسط اشخاص می‌باشد. در این راستا صندوق‌های فوق‌الاشعار برخلاف ادعای شاکی، به‌موجب حکم قانون‌گذار مندرج در تبصره‌های (۱) و (۳) قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۸۰/۵/۲۴ دارای شخصیت حقوقی مستقل گردیده و بر این اساس طبق ضوابط خاص خود اداره و از شمول قوانین و مقررات عمومی دولت نیز مستثنا شده است.
- ۲- متعاقباً و مستند به تکلیف مقرر در مفاد ماده ۱۴ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت و تجویز تصویب اساسنامه صندوق‌های مذکور به‌موجب مقرر فوق و همچنین شناسایی صندوق مذکور در آیین‌نامه نظام‌های اداری و استخدامی کارکنان صنعت نفت، اقدامات قانونی لازم جهت تنظیم و تصویب اساسنامه صندوق و همچنین ثبت آن اجرایی گردید. بر این اساس و با عنایت به قید مراجع ذی‌صلاح در انتهای ماده مذکور و حاکمیت مقررات قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶/۳/۱۷ در زمان تصویب قانون فوق و به‌موجب بند (م) ماده ۳۵ قانون مذکور، هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران به‌عنوان مرجع ذی‌صلاح، در تاریخ ۱۳۹۳/۹/۲۵ اساسنامه صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان

صنعت نفت مشتمل بر ۲۷ ماده و ۱۰ تبصره مورد تصویب قرار داده است.

۳- علاوه بر تکلیف مقرر در ماده ۱۴ قانون وظایف اختیارات وزارت نفت، سایر ضرورت‌های قانونی و مقرراتی از جمله تکلیف مندرج در ماده ۲ «آیین‌نامه اختصاص شناسه ملی به کلیه اشخاص حقوقی ایرانی مصوب ۱۳۸۷/۶/۱۰» هیئت وزیران موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۶۱۶۹/ت/۳۹۲۷۱/هـ- ۱۳۸۸/۱/۲۹ مبنی بر لزوم اخذ شناسه ملی توسط اشخاص حقوقی ایرانی و تکلیف مندرج در ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ مبنی بر لزوم اخذ کد اقتصادی برای اشخاص حقوقی، بر لزوم ثبت صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت دلالت دارد. بر این اساس و بنا به تکالیف قانونی فوق برای اشخاص حقوقی، صندوق مزبور حتی قبل از ثبت نزد اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری نسبت به اخذ کد اقتصادی و شناسه ملی از مراجع ذی‌صلاح اقدام کرده است.

د- ترکیب اعضای هیئت‌امنای صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت: به‌موجب حکم قانون‌گذار در بند (م) ماده (۳۵) قانون اساسنامه ۱۳۵۶ شرکت ملی نفت ایران و نیز بند (الف) ماده ۸ اساسنامه صندوق‌ها، هیئت‌امنای صندوق‌های بازنشستگی، هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران بوده و امین و جوه بازنشستگی و پس‌انداز متعلق به کارکنان صنعت نفت شناخته می‌شوند و برابر صریح بند فوق‌الذکر، این وجوه جزو اموال و دارایی‌های شرکت نمی‌باشد. بر این اساس این استدلال که چون هیئت‌امنای صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت، هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران می‌باشد، صندوق مذکور نیز می‌بایست دولتی باشد، صحیح نمی‌باشد. زیرا:

اولاً، به‌صراحت مفاد بند پیش‌گفته تسری وضعیت حقوقی شرکت ملی نفت ایران (به‌عنوان شرکت دولتی) به ماهیت حقوقی صندوق نقض غرض قانون‌گذار است زیرا هدف قانون‌گذار از قید عدم تعلق وجوه مذکور در حوزه اموال و دارایی‌های شرکت ملی نفت ایران تأکید بر غیردولتی بودن وجوه دارد.

ثانیاً، به‌تصریح مقررات مبحث‌عنه، مالکین واقعی وجوه صندوق‌های مذکور شاغلین و بازنشستگان صنعت نفت می‌باشند. این در حالی است که به دلالت مفاد ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور و ماده ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری، شرکت دولتی واحد سازمانی مشخصی است که با اجازه قانون به‌صورت شرکت تشکیل و بیش از ۵۰٪ سرمایه و سهام آن متعلق به دولت می‌باشد. حال آنکه بنا به مراتب مذکور کلیه وجوه صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت متعلق حق صاحبان آن (کارکنان و بازنشستگان صنعت نفت) بوده و دولت در آن صندوق دارای سهام یا سرمایه نمی‌باشد.

ثالثاً، به دلالت مقررات قانونی پیش‌گفته از جمله قانون محاسبات عمومی کشور و قانون مدیریت خدمات کشوری صندوق‌های مذکور خارج از شمول تعاریف وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌ها، و مؤسسات دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی قرار دارد.

لذا تصدیق می‌فرمایند که ادعای این مطلب که هیئت‌امنای این صندوق اعضای هیئت‌مدیره

شرکت ملی نفت ایران می‌باشد و لذا صندوق مذکور حائز وصف دولتی است فاقد وجهت قانونی و مقرراتی است و تسری وضعیت حقوقی هیئت‌امنا به وضعیت حقوقی صندوق، بلاوجه و بدون استناد قانونی می‌باشد.

رابعاً، آنچه در ماده (۱۱) اساسنامه صندوق‌ها ذکر و در دادخواست شاکی مورد استناد قرار گرفته است، ترکیب هیئت‌رئیسۀ صندوق‌ها است که متفاوت از هیئت‌امنا بوده و متشکل از ۷ نفر عضو اصلی و ۲ نفر عضو علی‌البدل می‌باشد و ۴ نفر عضو اصلی و یک نفر علی‌البدل از کارمندان ارشد شرکت‌های اصلی تابعه وزارت نفت به انتخاب هیئت‌امنا و حکم وزیر نفت منصوب می‌شوند و ارتباطی به هیئت‌امنای صندوق که هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران می‌باشد، ندارد.

در پایان بنا به مراتب معروضه فوق و از آنجا که:

۱- وجوه بازنشستگی و پس‌انداز کارکنان صنعت نفت جزو وجوه عمومی و متعلق به وزارت نفت و شرکت‌های تابعه نمی‌باشد و صندوق‌های مذکور به دلالت مواد ۲، ۳، ۴، ۵ و ۱۳ قانون محاسبات عمومی کشور، قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳/۴/۲۹ و همچنین مواد ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری، جزو وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی، نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی تلقی نمی‌گردند، لذا واجد وصف غیردولتی می‌باشند.

۲- فارغ از نحوه تشکیل صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت، به موجب حکم قانون‌گذار در تبصره‌های (۱) و (۳) قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری موضوع ماده واحده قانون اصلاح برخی از مواد قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۸۰/۵/۲۴ کلیه صندوق‌ها من جمله صندوق مزبور دارای شخصیت حقوقی می‌باشند.

۳- استناد شاکی به بند (۱۳) ماده ۳۳ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۵ مبنی بر تهیه و تدوین کلیه ضوابط و مقررات اداری، استخدامی، بیمه، بازنشستگی توسط شرکت ملی نفت ایران جهت ارائه به مجمع استنادی بلاوجه است زیرا اولاً؛ طبق قاعده عطف به‌ماسبق نشدن قوانین مندرج در ماده ۴ قانونی مدنی، اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر در خود قانون این اثر پیش‌بینی گردیده باشد که در مانحن‌فیه چنین نیست. ثانیاً؛ به استناد صریح تبصره ۳ ماده ۸۳ قانون اساسنامه مورد استناد شاکی (اساسنامه مصوب ۱۳۹۵) کلیه اقداماتی که شرکت و شرکت‌های فرعی تابعه با رعایت قوانین و مقررات حاکم بر شرکت قبل از لازم‌الاجرا شدن این اساسنامه انجام داده‌اند معتبر است. بر این اساس و با بذل توجه به حکومت و اعتبار قانون اساسنامه مصوب ۱۳۵۶ شرکت ملی نفت ایران، هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران به‌عنوان هیئت‌امنا صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت در سال ۱۳۹۳ اقدام به تصویب اساسنامه صندوق به تجویز بند (م) ماده ۳۵ قانون مذکور نموده که این تصمیم‌گیری کاملاً منطبق و در راستای با قوانین بوده است. ضمناً ادعای این مطلب که شرکت ملی نفت ایران در غیاب سایر شرکت‌های اصلی تابعه وزارت نفت اقدام به تصویب اساسنامه صندوق‌های مذکور نموده نیز بلاوجه و فاقد محمل قانونی و مقرراتی می‌باشد. زیرا همان‌گونه

که مستحضر می‌باشید در کلیه اساسنامه‌های سابق شرکت ملی نفت ایران به شرح مذکور در بند الف قسمت ایرادات ماهوی این لایحه و همچنین در زمان تصویب اساسنامه سال ۱۳۵۶ شرکت ملی نفت ایران، قانون‌گذار با علم به وجود و تشکیل شرکت‌های تابعه از جمله شرکت ملی گاز ایران و شرکت ملی صنایع پتروشیمی، نگاهداری و به‌کارانداختن و بهره‌برداری از وجوه بازنشستگی و پس‌انداز کارمندان صنعت نفت را صرفاً و منحصرأ در اختیار هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران قرار داده است. ضمن اینکه به اعتبار مفاد مواد ۱ اساسنامه‌های فعلی شرکت‌های ملی گاز ایران، ملی صنایع پتروشیمی و شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران، هر سه شرکت در حال حاضر در زمره شرکت‌های فرعی شرکت ملی نفت ایران محسوب می‌گردند و نیز به‌موجب قسمت اخیر بند (م) ماده ۳۵ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران، هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران به‌تنهایی مکلف به ارائه گزارش سالیانه به مجمع در آن خصوص شده است. بر این اساس روشن است که ادعای نامبرده در این رابطه نیز منطبق بر مقررات نمی‌باشد. بنابراین و با توجه به مراتب معروض کلیه اقدامات اجرایی در جهت تصویب اساسنامه صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت و ثبت آن در اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری با مراعات کلیه مقررات ذی‌ربط از جمله در اجرای تکلیف مقرر در ماده ۱۴ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت و با تجویز بند «م» ماده ۳۵ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶ صورت پذیرفته و اقدام به تصویب اساسنامه صندوق و ثبت آن در اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری و انتشار آگهی ثبتی در روزنامه رسمی، همگی بیانگر درستی و صحت مراتب شکلی و محتوایی تدوین و تصویب اساسنامه مذکور می‌باشد.

بنا به جمیع مراتب فوق و نظر به مفاد بند (۱) ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در باب حدود صلاحیت هیئت عمومی دیوان عدالت اداری که صراحتاً ناظر بر شکایات و اعتراضات اشخاص نسبت به آیین‌نامه‌ها، نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی می‌باشد و با توجه به ماهیت غیردولتی صندوق‌های فوق‌الاشعار و اینکه اساساً اساسنامه صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت نظامات و مقررات عمومی محسوب نمی‌شود که قابل طرح در آن هیئت باشد، صدور رأی شایسته مبنی بر رد دعوی شاکی مورد استدعا است. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۲۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء، به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیئت عمومی

۱- به‌موجب بند «م» ماده ۳۵ اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶ مقرر شده: «نگاهداری و به‌کارانداختن و بهره‌برداری از وجوه بازنشستگی و پس‌انداز کارمندان صنعت نفت با مراعات کامل منافع و مصالح آن‌ها» جزئی از وظایف هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت قرار داده شده است و در ادامه مقرر شده: «وجوه بازنشستگی و پس‌انداز کارمندان صنعت نفت که به هیئت‌مدیره سپرده شده، جزء دارایی و وجوه شرکت نمی‌باشد. با وجود این، هیئت‌مدیره شرکت نسبت به این وجوه در حکم امین محسوب می‌شود و مکلف است سالی یک بار گزارش کامل اقدامات

مربوط به وجوه بازنشستگی را به مجمع عمومی تسلیم دارد.» همچنین به موجب ماده ۷ اساسنامه مذکور تصویب آیین نامه‌ها و مقررات در امور استخدامی و بازنشستگی و پس‌انداز و سایر امور کارگزینی کارمندان بر عهده مجمع عمومی شرکت قرار گرفته است، مقررات مذکور مؤید این امر است که ماهیت اداره صندوق بازنشستگی صنعت نفت برگرفته از ماهیت شرکت ملی نفت بوده و با توجه به اینکه مالک اصلی وجوه صندوق کارمندان و بازنشستگان صنعت نفت می‌باشد، این اموال نزد شرکت ملی نفت امانت است. این وضعیت در سایر شرکت‌های دولتی نیز وجود دارد همانند بانک ملی که وجوه و سپرده‌های مردم نزد آن قرار دارد یا صندوق بازنشستگی کشوری که وجوه بازنشستگی کارمندان دولت در اختیار آن قرار دارد.

۲- در خصوص مرجع وضع اساسنامه صندوق‌های بازنشستگی کارکنان دولت، از جمله صندوق بازنشستگی صنعت نفت، به موجب ماده واحده قانون اصلاح برخی از مواد قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری ۱۳۸۰/۵/۲۴ مقرر شده است: «به‌منظور هماهنگی برنامه‌های کلیه صندوق‌های بازنشستگی و وظیفه و عناوین مشابه وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی از جمله وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی که شمول مقررات عمومی بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است، شورای هماهنگی این ماده دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و طبق ضوابط خود اداره خواهند شد. تبصره ۲- از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون تأسیس صندوق‌های بازنشستگی جدید و تصویب و اصلاح اساسنامه آن‌ها، همچنین اصلاح اساسنامه سازمان بازنشستگی کشوری با پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد». همچنین مقنن به موجب قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱ قواعد حاکم بر صندوق‌های بیمه‌ای از جمله صندوق‌های بازنشستگی را مشخص کرده است و به موجب بند «ب» ماده ۷ این قانون در خصوص نظارت مالی بر منابع این صندوق‌ها مقرر کرده: «تمام دستگاه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، نهادها و صندوق‌های فعال در قلمروهای بیمه‌ای، حمایتی و امدادی، در حد استفاده از منابع و تسهیلات نظام تأمین اجتماعی تحت نظارت دولت در چارچوب این قانون قرار می‌گیرند.» و در بند «د» ماده مذکور بیان شده است: «د- وجوه، اموال، ذخائر و دارایی‌های صندوق‌های بیمه اجتماعی و درمانی در حکم اموال عمومی بوده و مالکیت آن مشاع و متعلق به همه نسل‌های جامعه تحت پوشش است، هرگونه تصرف دولت در این اموال و رابطه مالی دولت با صندوق‌های موصوف در چارچوب قوانین و مقررات مورد عمل صندوق‌ها خواهد بود.» در ماده ۱۷ قانون مذکور مقنن اعلام کرده: «وزارت رفاه و تأمین اجتماعی مکلف است حداکثر ظرف مدت یک سال از تاریخ تصویب این قانون نسبت به بررسی و اصلاح اساسنامه‌های کلیه دستگاه‌های اجرایی، صندوق‌ها و نهادهای دولتی و عمومی فعال در قلمروهای بیمه‌ای، حمایتی و امدادی (در چارچوب طرح جامع امداد و نجات کشور) نظام و سایر دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است، اقدام و مراتب را پس از تأیید شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی به تصویب هیئت وزیران برساند، استفاده از اعتبارات عمومی برای دستگاه‌ها، صندوق‌ها و نهادهای مصوب جدید مجاز خواهد بود...» همچنین به موجب ماده ۱۹ قانون مذکور مقرر شده: «از تاریخ تصویب این قانون، آن قسمت از قوانین امور بیمه‌های اجتماعی، بیمه خدمات درمانی، امور حمایتی و امدادی که مغایر با این قانون می‌باشد، ملغ الاثر می‌گردد.» مقررات مذکور مؤید آن است که اولاً، صندوق‌های بازنشستگی کارکنان در کلیه دستگاه‌های اجرایی دارای شخصیت حقوقی مستقل می‌باشند، ثانیاً، از شمول قوانین و مقررات عمومی دولت

مستثنا هستند، لیکن تحت نظارت دولت قرار دارند. ثالثاً، تصویب و اصلاح اساسنامه آن‌ها پس از پیشنهاد بر عهده هیئت وزیران است.

۳- با توجه به اینکه در ماده ۱۴ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱/۳/۲، قانون گذار تصویب اساسنامه صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت را برابر مقررات بر عهده مراجع ذی‌صلاح گذاشته است و همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، مقنن تصویب و اصلاح اساسنامه صندوق‌های بازنشستگی را بر عهده هیئت دولت قرار داده است و نتیجتاً هیچ اختیاری برای هیئت‌امنا شرکت ملی نفت برای تصویب اساسنامه صندوق صنعت نفت وجود ندارد، مضافاً اینکه در قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۵/۳/۱ نیز طی بند ۱۳ ماده ۳۳ یکی از وظایف و اختیارات هیئت‌مدیره: «تهیه و تدوین کلیه ضوابط و مقررات اداری، استخدامی، بیمه، بازنشستگی شرکت و پیشنهاد به مجمع عمومی جهت انجام تشریفات قانونی مطابق مواد (۱۰) و (۱۴) قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت» قرار داده شده است که قرینه‌ای بر اینکه نقش هیئت‌مدیره و هیئت‌امنا در این مورد جنبه پیشنهادی داشته و منظور از مراجع ذی‌صلاح در ماده ۱۴ قانون ذکر شده مرجعی متفاوت با هیئت‌امنا شرکت ملی نفت می‌باشد. با عنایت به مراتب فوق تصویب اساسنامه صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت که مورد شکایت قرار گرفته است، خارج از حدود اختیارات قانونی شرکت ملی نفت است و تصویب آن به‌عنوان یک مؤسسه خصوصی غیرتجاری مغایر قانون به شرح پیش‌گفته است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد کاظم بهرامی

رأی شماره ۲۷۶۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع

اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

(در خصوص ذخیره مرخصی اعضای هیئت علمی که زمان بازنشستگی آن‌ها قبل از تصویب

آیین نامه جدید استخدامی اعضای هیئت علمی در سال ۱۳۹۱ بوده است)

مصوب ۱۳۹۸/۰۹/۲۶ - شماره ۹۸۰۳۳۱۴ - شماره ۱۳۹۸/۱۰/۲۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۲۷۶۳ مورخ ۱۳۹۸/۹/۲۶ با

موضوع: «ذخیره مرخصی اعضای هیئت علمی» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیر کل هیئت عمومی و هیئت های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۹/۲۶ - شماره دادنامه: ۲۷۶۳ - شماره پرونده: ۹۸۰۳۳۱۴

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام کننده تعارض: آقای حسینعلی قرائی

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: در خصوص دادخواست تعدادی از شاکیان مبنی بر ذخیره مرخصی اعضای هیئت علمی که زمان بازنشستگی

آن‌ها قبل از تصویب آیین نامه جدید استخدامی اعضای هیئت علمی در سال ۱۳۹۱ بوده است، به دیوان عدالت اداری

شکایت کرده اند که شعب دیوان با استنباط های متفاوت آراء معارضی صادر کرده اند.

گردش کار پرونده ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۲ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۴۸۴۴ با موضوع دادخواست آقای

محمد حسین نامجویان به طرفیت، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و پارک علم و فناوری استان فارس به خواسته

پرداخت وجوه مربوط به ذخیره مرخصی استحقاقی به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۲/۳/۱ - ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۰۲۰۱۱۵۳ - ۱۳۹۳/۹/۲۴

به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت مطروحه به شرح فوق الذکر با توجه به مدارک ابرازی و لایحه دفاعیه طرف شکایت، نظر به

اینکه ذخیره مرخصی شاکی حسب اعلام مدیر امور اداری ۲۸۰ روز بوده است، از طرفی دانشگاهها تابع مصوبات

هیئت امنای می باشند و به موجب مصوبه جلسه مورخ ۱۳۹۲/۳/۱ هیئت امنای محدودیت حداکثر سقف ۴ ماه ذخیره

مرخصی لغو گردیده و می توان بدون رعایت سقف مرخصی را ذخیره نمود و در زمان بازنشستگی نیز مدت مرخصی

ذخیره شده قابل باز خرید می باشد. لذا شعبه مستنداً به مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت

اداری حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر می‌باشد.

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور شعبه ۹ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۵۵۹۰۰۴۹۳-۱۳۹۴/۲/۳۰ به جهت انقضای مهلت تجدیدنظرخواهی قرار رد تجدیدنظرخواهی صادر کرده است.

ب: شعبه ۲۶ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰۴۰۸۶۰ با موضوع دادخواست آقای جواد مدن حقیقی به طرفیت، پارک علم و فناوری استان فارس ۱۳۹۳/۹/۲۹ به شرح زیر رأی صادر کرده است: شاکی با تقدیم دادخواستی به طرفیت، مشتکی عنه تقاضای دریافت حقوق و فوق العاده‌های مربوط به ایام مرخصی استحقاقی با احتساب فوق العاده هیئت‌امنا و حق اولاد و عائله‌مندی را نموده است، با عنایت به محتویات پرونده، مفاد دادخواست شاکی و ضمائم آن و مفاد لایحه جوابیه مشتکی عنه مثبت به شماره ۲۸۹۹-۱۳۹۰/۸/۴ نظر به اینکه: اولاً، به موجب بند ۴ مصوبه مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۷ هیئت‌امناى دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی تهران مقرر شده که فوق العاده هیئت‌امنا در پاداش و بازخرید مرخصی کارکنان دانشگاه محاسبه شود.

ثانیاً: وفق بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم و بند «ب» ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم رعایت آن الزامی است. ثالثاً، وفق رأی شماره ۳۷۴-۱۳۸۵/۶/۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری استحقاق مستخدم رسمی دولت به دریافت حقوق و فوق العاده‌های مربوط به ایام مرخصی‌های استحقاقی استفاده‌نشده از جمله حق اولاد و کمک عائله‌مندی تأیید شده است. رابعاً، آراء هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۷۵۱-۱۳۸۸/۱۰/۲۱ در تأیید لزوم محاسبه فوق العاده هیئت‌امنا در مرخصی ذخیره و کسر کسور قانونی از آن می‌باشد. خامساً، رأی شماره ۳۵۷-۱۳۸۴/۷/۱۰ هیئت عمومی دیوان در ابطال محدودیت میزان مرخصی ذخیره ایجاد شده در تبصره ۶ ماده ۴۲ آیین‌نامه استخدامی هیئت علمی می‌باشد. سادساً، محاسبه و پرداخت مرخصی ذخیره وی بدون محدودیت و سقف ۴ ماه مقرر در تبصره ۶ ماده ۴۲ ابطال شده و با محاسبه فوق العاده مذکور در حق اولاد و عائله‌مندی محرز نبوده و لذا خواسته شاکی موجه بوده و به استناد مواد ۱۱ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و مواد فوق‌الذکر و ماده ۳ قانون تعدیل نیروی انسانی دستگاه‌ها و ماده ۴۷ قانون استخدام کشوری حکم به ورود شکایت و الزام طرف شکایت به پرداخت وجوه مرخصی ذخیره شاکی با اعمال و محاسبه فوق العاده هیئت‌امنا و حق اولاد و عائله‌مندی صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره پس از ابلاغ، ظرف بیست روز، قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۵۹۰۳۸۸۲-۱۳۹۶/۱۲/۱۰ شعبه ۲۶ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ج: شعبه ۲۷ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۹۲۷۰ با موضوع دادخواست آقای افراسیاب شایگانی با وکالت آقای روح‌اله دهقان به طرفیت، پارک علم و فناوری استان شیراز به خواسته ۱- پرداخت

حقوق مربوط به ۱۵۸ روز مرخصی استحقاقی ذخیره شده، ۲- احتساب فوق العاده هیئت‌امنا در پاداش پایان خدمت و پرداخت مابه‌التفاوت آن به موجب دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۷۰۲۸۱۶-۹۱۰۹۹۷۰۹۱۰۱۴/۱۱/۱۳۹۱ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با ملاحظه اوراق پرونده و لایحه دفاعیه اداره طرف شکایت خواسته‌های شاکی به شرح لایحه ارائه شده از سوی وکیل وی که به شماره ۴۵۹۷-۱۳۹۱/۱۱/۸ ثبت دفتر شعبه گردیده، مطالبه حقوق مربوطه به ۱۵۸ روز مرخصی استحقاقی ذخیره شده و احتساب فوق العاده ویژه هیئت‌امنا در پاداش پایان خدمت می‌باشد. نظر به اینکه شاکی به موجب حکم تأییدیه برقراری حقوق بازنشستگی صادره از سازمان بازنشستگی کشوری در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۲ به افتخار بازنشستگی نائل گردیده است، خواسته‌های مذکور شاکی مستنداً به رأی شماره ۳۵۷-۱۳۸۴/۷/۱۰ و رأی وحدت رویه شماره ۴-۱۳۹۰/۱/۱۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری وارد تشخیص حکم به ورود آن صادر و اعلام می‌گردد، رأی صادره قطعی است.

رأی مذکور به علت عدم تجدیدنظرخواهی قطعی یافت.

د: شعبه ۲۲ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰۴۰۴۳۱ با موضوع دادخواست آقای حسینعلی قرائی به طرفیت، پارک علم و فناوری استان فارس به خواسته دریافت حقوق و فوق العاده مربوط به ایام مرخصی به موجب دادنامه شماره ۱۴۸۷-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۲۲۰-۱۳۹۳/۷/۸ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

نظر به اینکه، نامبرده از اعضای هیئت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بوده و تابع دستورالعمل‌ها و مقررات خاص وزارت متبوع در خصوص حقوق و مزایا و فوق العاده‌های مربوط می‌باشد و مطابق تبصره ۳ ماده ۲۸ آیین نامه استخدامی اعضای هیئت علمی در هر سال حداکثر تا ۲۰ درصد از اعضای هیئت علمی برخوردار از بازخرید یا ذخیره مرخصی می‌باشند که در خصوص مشارالیه ضوابط و مقررات مبنی بر موافقت ذخیره مرخصی اعضای هیئت علمی رعایت نشده است و موجب ذخیره شدن مازاد مرخصی استفاده نشده، وی بدون هیچ گونه سند معتبری در هر سال گردیده در حالی که تبصره ۳ ماده ۲۸ آیین نامه استخدامی مزبور نامبرده چنین حقی نداشته و حقی که برخلاف مقررات و ضوابط باشد، حق تلقی نمی‌گردد، بنابراین به استناد مراتب فوق‌الاشاره و اینکه شاکی دلیل و مدرک مؤثر و موجهی که موجب اجابت خواسته وی گردد، ارائه ننموده و طرف شکایت وفق مقررات قانونی اقدام نموده است و مستنداً به ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ و اینکه آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورد استناد منصرف از نامبرده می‌باشد، حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره مستنداً به ماده ۶۵ قانون اخیرالذکر ظرف بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۹۰۱۰۱۸-۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۹۰۱۰۱۸/۴/۲۳ شعبه ۲۶ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۹/۲۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء، به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیئت عمومی

الف: تعارض در آراء محرز است.

ب: با توجه به اینکه هیئت‌امنای دانشگاه‌ها در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۳/۱ محدودیت ۴ ماهه ذخیره مرخصی مذکور در تبصره ۶ ماده ۲۸ آیین‌نامه اداری، استخدامی اعضای هیئت‌علمی را لغو کرده است، بنابراین از سال ۱۳۷۹ به بعد، معنی برای ذخیره کردن مرخصی بیش از ۴ ماه وجود ندارد. ثانیاً، گرچه مستفاد از تبصره ۳ ماده ۲۸ آیین‌نامه اداری، استخدامی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه مصوب سال ۱۳۶۷ و ماده ۶ آیین‌نامه مرخصی‌ها مصوب سال ۱۳۴۷ و رأی وحدت رویه شماره ۹۴۲-۱۳۸۶/۹/۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، اثبات اینکه شخص مستخدم در تعطیلات تابستان درخواست استفاده از مرخصی نموده و دانشگاه با آن مخالفت کرده است و ارائه دلیل بر عهده خود مستخدم است، لیکن از آنجایی که شاکیان پرونده‌ها در هنگام بازنشستگی برگ تسویه حساب دریافت کرده‌اند و در برگ تسویه حساب میزان مرخصی ذخیره آنان قید شده است که به منزله تأیید استحقاق شاکیان به این میزان و عدم استفاده آنان از مرخصی‌های استحقاقی در طول دوره خدمت به دلیل مخالفت دانشگاه با استفاده از آن بوده است و وجود برگ تسویه آنان را از ارائه دلیل بیشتر بی‌نیاز می‌کند، بنابراین به لحاظ حذف محدودیت سقف ذخیره‌سازی و وجود برگ تسویه حساب در دست آن‌ها، آراء به ورود شکایت به شرح مندرج در گردش کار صحیح و موافق مقررات قانونی است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد کاظم بهرامی

با بررسی اوراق محتویات پرونده در خصوص شکایت شاکی به شرح دادخواست تقدیمی مبنی بر الزام به محاسبه و اعمال فوق العاده جذب مصوبه هیئت‌امنا در میزان بازنشستگی الزام طرف دوم به پذیرش و اصلاح حکم بازنشستگی و با توجه به جوابیه طرف شکایت و نظر به اینکه بر اساس مصوبه وزارت بهداشت به شماره ۶۵۶۳۶/ت ۴۸۰۹۳-۱۳۹۱/۴/۷ دولت مجاز گردیده از تاریخ ۱۳۹۱/۴/۱ و نامه شماره ۱۵۵۶/۲۰۹/د-۱۳۹۱/۴/۳۱ معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی وزارت بهداشت دولت مجاز گردیده از تاریخ ۱۳۹۱/۴/۱ فوق العاده جذب اعضای غیر هیئت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی را در احکام کارکنان ستادی خود منظور کند و این فوق العاده به عنوان فوق العاده مستمر قلمداد نموده و کسورات آن نیز کسر و به صندوق سازمان بازنشستگی پرداخت شده است و نظر به اینکه بر اساس بند «ب» ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و وزارتخانه‌های بهداشت و علوم بدون الزام به رعایت مقررات حاکم و بر اساس مصوبه هیئت‌امنا اختیار عمل را داشته است در راستای حق مکسب قبلی و اصل انتظار مشروع شکایت شاکی را صحیح تشخیص داده و حکم به ورود شکایت به شرح خواسته با استناد به مواد ۱۰ و ۱۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره وفق ماده ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ظرف بیست روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۱۰۱۰۹۵۹۳۰۹۷۰۹۷۰۹۷۰۳/۷ شعبه ۲۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

د: شعبه ۴۵ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۲۴۲۰۰۹۵۷۰۰۹۹۸۰۹۴۰ با موضوع دادخواست خانم اشرف پورابولی شرف‌آبادی به طرفیت سازمان انتقال خون و سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته برقراری حق جذب در حکم زمان بازنشستگی و محاسبه پاداش زمان بازنشستگی با احتساب حق جذب زمان اشتغال (الزام به برقراری حق جذب) به موجب دادنامه شماره ۲۰۲۴۰۰۹۵۷۰۰۹۹۷۰۹۵۰۱۱/۲۰-۱۳۹۵/۱۱/۲۰ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

بر اساس بند الف از ماده چهارم و نهم قانون برنامه چهارم توسعه، مصوب ۱۳۸۴/۱۲/۲۷ و بند (ب) از ماده بیستم قانون برنامه پنجم مصوب، ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی و فرهنگستان‌های تخصصی به صورت هیئت‌امنایی اداره می‌شوند و از حیث امور اداری، مالی و استخدامی مستقل می‌باشند و تابع مقررات عمومی از جمله قانونی استخدام کشوری و قانون مدیریت خدمات کشوری و... نمی‌باشد. طبق همین تجویز قانونی فوق العاده‌ای تحت عنوان فوق العاده جذب برای اعضای هیئت علمی در نظر گرفته شد که پس از آن به اعضای غیر هیئت علمی نیز تسری داده شد. در رابطه با این موضوع که آیا فوق العاده موصوف مشمول کسورات بازنشستگی است یا خیر؟ بین دانشگاه‌ها و سازمان بازنشستگی اختلاف ایجاد شد و سازمان بازنشستگی به استناد ماده ۱۰۶ قانون مدیریت خدمات کشوری معتقد بود که در ماده یادشده فوق العاده‌های مشمول برداشت کسور بازنشستگی با تصریح نام احصا شده‌اند و از فوق العاده جذب موصوف نامی برده نشده است. هیئت وزیران جهت حل اختلاف پیش آمده در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۲۷ تشکیل جلسه داد و مصوبه‌ای به شماره ۴۹۲۳۶/ت-۱۳۸۸/۳/۵ به تصویب رساند که به شرح بند نخست آن فوق العاده‌های مصوب هیئت‌های امنای مندرج در حکم کارگزینی کارکنان دانشگاه‌ها و

مؤسسات آموزش عالی اعم از اعضای هیئت علمی و غیرهیئت علمی مانند فوق العاده جذب ویژه و بهره‌وری مشمول کسورات بازنشستگی است. تاریخ تصویب این مصوبه بعد از حاکمیت قانون مدیریت خدمات کشوری (۱۳۸۸/۱/۱) می‌باشد که خود نشان می‌دهد همچنان که در قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه آمده است مصوبات امنای هر چند معایر قوانین عام باشند، قابلیت اجرایی دارند و با توجه به اینکه پس از آن کارکنان سازمان انتقال خون هم بر اساس مصوبه یادشده قرار گرفتند. به نحوی که حسب مدارک موجود از سال ۱۳۹۰ حق جذب یادشده در حکم کارگزینی شاکی لحاظ شده است و کسورات بازنشستگی نیز از آن کسر شده است بنابراین مستند به قوانین یادشده و ماده دهم قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره در بازه زمانی بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد. رأی مذکور به موجب رأی شماره ۳۱۲۸/۹۵۵۹۰۹۶۰۹۹۷۰۹۶-۱۳/۱۰/۱۳۹۶/شعبه ۲۶ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ه: شعبه ۲۸ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۵۰۹۹۸۰۹۰۴۱۰۰۹۴۴ با موضوع دادخواست خانم مریم نظری نسب به طرفیت، سازمان بازنشستگی کشوری و اداره کل انتقال خون استان کرمان به خواسته الزام به برقراری حق جذب و فوق العاده هیئت امنای در حکم بازنشستگی پرداخت پاداش پایان خدمت بر اساس کلیه ردیف‌های مشمول کسور بازنشستگی به موجب دادنامه شماره ۱۴۲۰/۱۰۴۱۰۹۵۵۹۰۹۶۰۹۹۷۰۹۶-۱۳۹۶/۸/۲۱ به شرح زیر رأی صادر کرده است: با توجه به بررسی اوراق و محتویات پرونده مطابق بند «ب» ماده ۲۰ قانون پنجم توسعه دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی و پژوهشی بر اساس مصوبات هیئت امنای اداره می‌شوند و بند ۱ تصویب‌نامه شماره ۵۳۶/ت-۴۹۲۳۶-۵/۳/۱۳۸۸ هیئت وزیران مقرر داشته فوق العاده‌های مصوب هیئت امنای مندرج در حکم کارگزینی کارکنان دانشگاه اعم از هیئت علمی و غیرهیئت علمی بند فوق العاده جذب مشمول کسورات بازنشستگی است. مضافاً اینکه سازمان انتقال خون نیز اقدام به کسر کسورات بازنشستگی نموده است. لذا دلیل بر عدم برقراری فوق العاده جذب در حکم بازنشستگی و سایر فوق العاده‌های مشمول کسورات بازنشستگی در حکم بازنشستگی و تسری آن در پاداش پایان خدمت وجود ندارد. بنابراین شکایت مطروحه موجه تشخیص و با استناد به ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود آن صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۱۲۳۶/۹۵۵۹۰۹۶۰۹۹۷۰۹۷-۱۳۹۷/۴/۳ شعبه ۲۹ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

و: شعبه ۴۱ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۸۱۶/۹۴۰۹۹۸۰۹۰۴۱۰ با موضوع دادخواست آقای علی کریمی نژاد کیشکی به طرفیت، سازمان انتقال خون کرمان و سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته برقراری حق جذب در حکم بازنشستگی و محاسبه پاداش پایان خدمت با احتساب جذب به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۵/۳/۱۷-۹۵۰۹۹۷۰۹۰۴۱۰۰۴۶۰ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با توجه به بررسی اوراق و محتویات پرونده و لایحه جوابیه نظر به اینکه مصوبه شماره ۴۹۲۳۶/ت-۵۳۶-۱۳۸۸/۳/۵ به موجب مصوبه شماره ۲۱۴۸۶۳/۴۲۷۶۵-۱۳۸۸/۱۱/۳ اصلاح گردیده و نام وزارت بهداشت و درمان و آموزش

پزشکی نیز درج و اضافه گردید و دلیلی بر لغو آن نیز ارائه نگردیده است و از آنجا که سازمان انتقال خون نیز از سازمان‌های وابسته و متعلق به وزارتخانه مذکور می‌باشد بنابراین کارکنان سازمان یادشده نیز مشمول مقررات مصوبه پیش‌گفته می‌گردد و مفاد مصوبه به آن‌ها نیز تسری می‌یابد. لذا شکایت مطروحه در این خصوص موجه تشخیص و حکم به برقراری فوق‌العاده جذب در احکام بازنشستگی صادر می‌گردد و نیز با توجه به اینکه از فوق‌العاده جذب مذکور کسورات بازنشستگی کسر می‌گردیده است و سازمان انتقال خون نیز دلیلی برخلاف این ارائه ننموده است. لذا عدم احتساب آن از سوی سازمان مذکور در پاداش پایان خدمت برخلاف مقررات می‌باشد بنابراین شکایت مطروحه موجه تشخیص و حکم به پرداخت پاداش پایان خدمت با احتساب فوق‌العاده جذب توسط سازمان انتقال خون صادر می‌گردد ولیکن با توجه به اینکه پاداش پایان خدمت ارتباطی به صندوق بازنشستگی ندارد لذا در این خصوص قرار رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۰۲۴۵۷/۰۹۵۶۰۰۹۹۷۰۹۶-۱۳۹۶/۷/۱۷ شعبه ۲۷ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۰ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء، به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیئت عمومی

الف: تعارض در آراء محرز است.

ب: اولاً، بند ۱ تصویب‌نامه شماره ۴۹۲۳۶/ت/۵۳۶هـ-۱۳۸۸/۳/۵ هیئت وزیران که به‌طور مطلق تمامی فوق‌العاده‌های مصوب هیئت‌های امانا اعم از اعضای هیئت‌علمی و غیرهیئت‌علمی را مشمول کسور بازنشستگی دانسته است به‌موجب نظریه شماره ۵۴۵۸۰/۶۷۹/۵-۱۳۸۸/۱۰/۲۷ رئیس مجلس مورد ایراد قانونی قرار گرفته است. ثانیاً، بند ۳ مصوبه مذکور، صرفاً کارکنان غیرهیئت‌علمی ستادی وزارت علوم و وزارت بهداشت را مشمول مصوبات هیئت‌امناء منطقه (۲) پژوهشی دانسته است درحالی‌که شاکیان پرونده‌ها از کارکنان ستادی وزارت بهداشت نیستند، بلکه از کارکنان سازمان انتقال خون استان کرمان هستند. ثالثاً، تصویب‌نامه شماره ۶۵۶۳۶/ت/۴۸۰۹۳هـ-۱۳۹۱/۴/۷ هیئت وزیران مبنی بر اینکه «فوق‌العاده جذب اعضای غیرهیئت‌علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و همچنین فوق‌العاده جذب اعضای غیرهیئت‌علمی ستادهای وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از تاریخ ۱۳۹۱/۴/۱ از محل درآمدهای اختصاصی آن‌ها و سایر منابع نیز قابل پرداخت است.» نیز منحصراً بر جواز پرداخت فوق‌العاده جذب به اعضای غیرهیئت‌علمی ستادی وزارتخانه‌های علوم و بهداشت دارد و حکم آن شامل کارکنان غیرستادی وزارتخانه و کارکنان واحدها و مؤسسات تابعه آنان دلالت نمی‌شود. رابعاً، مصوبه جلسه شماره ۷۵۱-۱۳۹۳/۶/۱۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی (اصلاحی مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۱) مبنی بر اینکه: «... از تاریخ ابلاغ این مصوبه، بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه

جمهوری اسلامی ایران به کارکنان ستاد مرکزی، سازمان غذا و دارو و سازمان انتقال خون ایران وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تسری می‌یابد.» به جهت مغایرت با قانون و اینکه مصوبه مذکور خارج از حدود اختیارات و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد. لذا قابل استناد و ترتیب‌اثر دادن در شعب دیوان عدالت اداری نیست و رأی وحدت رویه شماره ۳۱۷ الی ۳۱۸-۱۳۹۷/۲/۲۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نیز مؤید همین امر می‌باشد. با توجه به مراتب فوق و نظر به اینکه برابر مفاد رأی وحدت رویه شماره ۳۱۷ الی ۳۱۸-۱۳۹۷/۲/۲۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، کارکنان سازمان غذا و دارو که مشابه سازمان انتقال خون زیرمجموعه وزارت بهداشت می‌باشد از شمول مصوبات هیئت‌امنا خارج و تابع مقررات قانون مدیریت خدمات کشوری هستند و با توجه به اینکه مطابق ماده ۱۰۶ قانون مدیریت خدمات کشوری، مبنای محاسبه حقوق بازنشستگی کارکنان مشمول قانون مدیریت، حقوق ثابت، به اضافه فوق‌العاده‌های مستمر و فوق‌العاده بند ۱۰ ماده ۶۸ است و برابر ماده ۱۰۷ قانون یادشده، «پاداش پایان خدمت» به ازای هر سال خدمت یک ماه آخرین حقوق و مزایای مستمر می‌باشد و در ماده ۶۸ و تبصره ماده ۷۶ قانون مدیریت، «فوق‌العاده جذب» جزو فوق‌العاده‌ای قابل پرداخت و قابل احتساب در حقوق بازنشستگی و پاداش پایان خدمت احصاء و تجویز نشده است. بنابراین آراء صادرشده به رد شکایت در هر دو قسمت خواسته صحیح و موافق مقررات قانونی است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد کاظم بهرامی

در جامعه‌ای که چندان که باید و آنچنان که شاید توجهی به مستندسازی و صیانت از اسناد و شواهد تاریخی ندارد، انجام پژوهش‌های تاریخی و شناسایی سیر تکامل نهادهای مختلف با چالشی بس دشوار و پیچیده مواجه است. در این چارچوب داوری درباره راه‌طی شده در تأسیس و اداره نهادهای بازنشستگی در ایران نیز با نقصانی جدی در تمهید و تدارک اسناد و شواهد مواجه است. روشن و بدیهی است که چنین شرایطی، انجام پژوهش‌های علمی و داوری‌های عالمانه را به چالش می‌کشد که پیامدی جز غفلت از یادگیری جمعی و دشوار شدن بازخوانی‌های تاریخی به قصد یادگیری در پی ندارد.